ما منتظریم



خورشید مهدویت
در منظومه فکری
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
رهبر معظم انقلاب اسلامی

به‌اهتمام
حسن ملائی

بسم الله الرحمن الرحیم

ما منتظریم : خورشید مهدویت در منظومه فکری امام خامنه ای

نویسنده:

حسن ملایی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ما منتظریم : خورشید مهدویت در منظومه فکری امام خامنه ای

مشخصات کتاب

سرشناسه:خامنه ای، سیدعلی، ۱۳۱۸ -

عنوان و نام پدیدآور:ما منتظریم : خورشید مهدویت در منظومه فکری امام خامنه ای/ به اهتمام حسن ملایی.

مشخصات نشر:قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری:۳۹۲ ص.

شابک: ۲۲۰۰۰۰ ریال:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۷۰-۵

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

یادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع:خامنه ای، علی، ۱۳۱۸ - -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع:خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۱۸ - -- نظریه درباره مهدویت

موضوع:مهدویت -- انتظار

شناسه افزوده:ملایی، حسن، ۱۳۵۶ -، گردآورنده

رده بندی کنگره:DSR۱۶۹۲ /م۹ م۲ ۱۳۹۴

رده بندی دیویی:۹۵۵/۰۸۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۹۰۶۳۴

ص:۱

اشاره

ما منتظریم

خورشید مهدویت در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی

به اهتمام: حسن ملایی

ما منتظریم

(خورشید مهدویت در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی)

به اهتمام: حسن ملایی

طراح جلد: سید علی حسینی

صفحه آرا: مسعود سلیمانی

نوبت چاپ: اول/ تابستان ۱۳۹۶

شابک: ۵-۷۰-۷۱۲۰-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

قم: خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/تلفن/۱-۳۷۸۴۱۱۳۰-۰۲۵/ نمابر: ۳۷۷۴۴۲۷۳-۰۲۵

تهران: خیابان انقلاب/خیابان قدس/خیابان ایتالیا/پ:۹۸/ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۰۰-۰۲۱/ نمابر: ۸۹۷۷۴۳۸۱-۰۲۱

www.mahdaviat.ir

info@mahdaviat.ir

Entesharatbonyad@chmail.ir

فهرست مطالب

تقدیم به

همه منتظران حضرت قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف

و شیفتگان اندیشه های حضرت آیت الله خامنه ای

مقدمه

انتظار و امید به آینده ی اجتماعی روشن و سرشار از عدالت، امنیت و فضلیت که در آن فرصتهای برابری برای رشد و کمال وجود داشته و هر کسی به فراخور تلاش و شایستگی که دارد از امکانات برخوردار باشد، همواره از آرزوهای دیرین بشریت بوده و همه انبیای الهی به تحقق چنین آرزویی بشارت داده اند.

این آرزوی بزرگ در اسلام نیز به طور جدی مطرح و در آیات متعدد قرآن و سخنان رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصوم علیهم السلام او نیز نسبت به وقوع آن بشارت داده اند که بعدها به مهدویت مشهور شده است زیرا بر طبق احادیث معصومین، تحقق چنین امری به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نوادگان پیامبر مکرم اسلام صورت خواهد گرفت.

با مروری بر جریانات بزرگ تاریخ این نکته به دست می آید که عقیده به مهدویت تنها یک باور مثبت به آینده جهان محسوب نمی شود بلکه علاوه بر آن، رفتارهایی را نیز با خود به همراه دارد که خروش و قیام انسانها در مقابل حاکمان ظالم خود بهترین گواه این مطلب بوده و نمونه بارز آن را در انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی قدس سره می توان مشاهده نمود به گونه ای که ایشان، هم در انگیزه و هم در هدف، انقلاب اسلامی را در مسیر انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تبیین نمودند و پس از رحلت جانسوز وی، شاگرد برجسته و خلف صالح ایشان، حضرت امام خامنه ای نیز با همان عقیده مهدوی، سکان انقلاب را هدایت و رهبری می کنند.

ویژگیهای ممتازی که حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در خود جمع کرده اند لزوم بررسی مقوله مهدویت را از دیدگاه ایشان حتمی می کند زیرا ایشان نه تنها فقیه و اسلام شناس هستند بلکه مسئولیت امامت و رهبری ملت بزرگ ایران را نیز بر عهده دارند و همین امر موجب می شود تا آموزه ی مهدویت با انبوه ریز موضوعات آن را با نگاه یک رهبر اسلام شناس که آوازه قدرت رهبری او جهانی شده و دوست و دشمن به آن اعتراف کرده اند، بازخوانی کنیم.

خصوصیت ممتاز این اثر:

آنچه در پیش روی شماست مجموعه گران سنگی از بیانات، پیام ها، نامه ها و مکتوبات حضرت آیت

الله العظمی خامنه ای در حوزه معارف مهدوی است که در طی چهل سال یعنی از سالهای **۱۳۵۳** تا پایان **۱۳۹۳** ایراد شده و هم اکنون پس از جستجوهای فراوان و تحمل سختیهای زیادی که به خاطر عدم دسترسی به منابع مربوط به ایشان در قبل از زعامت ایشان- و به ویژه قبل از انقلاب اسلامی بوده- وجود داشته است اکنون در دست شماست. این در حالی است که کتابهای محدودی که در مورد دیدگاه رهبری درباره مهدویت نگاشته شده است تنها بخش بسیار محدودی از سخنان ایشان را تحت پوشش قرار داده است.

با توجه به اینکه تدوین گر این مطالب، دارای مدرک کارشناسی ارشد مهدویت بوده و چندین سال از طرف مرکز تخصصی مهدویت قمتحت اشراف حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی- در مراکز و مدارس مختلف، معارف مربوط به مهدویت را تدریس و کتابها و مقالات عمومی و تخصصی در مجلات مختلف، ارائه نموده است، تیترگذاریها و انتخاب محتوا و جملات معظم له در این کتاب سعی شده است تا به صورت دقیق،جامع و کارشناسی باشد.

و اما چند نکته:

۱.در تدوین این اثر، تنها به سخنرانی های حضرت امام خامنه ای در ایام نیمه شعبان اکتفا نشده است بلکه تمام تلاش ما بر این بوده است که هر نکته ای که ایشان در مکتوبات و دیدارها با اقشار مختلف مردم و به مناسبتهای مختلف ایراد فرموده اند و به حوزه معارف مهدوی مربوط است استخراج شود.

۲.در تهیه این اثر، تنها از نرم افزار حدیث ولایت استفاده نشده است بلکه از تعداد زیادی از منابع معتبر استفاده گردیده است که نام آنها در پایان کتاب درج شده است.

۳.برخی از سخنان معظم له از متن بیانات مهدوی ایشان که تاکنون در جایی منتشر نشده ولی در دست تدوین گر بوده و در نسخه اولیه ارائه شده به مؤسسه محترم انقلاب اسلامی آمده بود به صلاحدید آن مؤسسه حذف شده است.

۴.تلاش شده است که عبارات معظم له تا جایی که به اصل مطلب ضرر نمی زند به اختصار بیان شود اما به خاطر استخراج نظام فکریمهدوی ایشان ممکن است محتوای تعداد محدودی از فیش ها به جهت دارا بودن موضوعات متنوع مهدوی در ذیل چند عنوان

آمده باشد زیرا در آن موضوعات، فیش دیگری یافت نشد.

۵.برای دستیابی دقیق تر به منظومه فکری مقام معظم رهبری در حوزه مهدویت، از مطالب مهمی از سخنان دیگر معظم له که به صورت غیر مستقیم به مهدویت مرتبط بوده نیز استفاده شده است؛ به عنوان نمونه ایشان در جایی، مهدویت را آرمان نهایی جمهوری اسلامی معرفی و در سخنی دیگر برای رسیدن به آرمان های انقلاب اسلامی، ساخت تمدن نوین اسلامی را لازم می دانند. جمع این دو فرمایش ما را به این نتیجه منطقی می رساند که منتظران حضرت مهدی در انجام وظایف اجتماعی خویش و در راستای زمینه سازی برای ظهور امام زمان، باید تمدن سازی را جزء سیاست های کلان خود محسوب نمایند.

۶.مطمئن هستیم که آگاهی از نظریات ایشان در موضوعات مختلف مهدوی شما را شگفت زده خواهد کرد و نه تنها در زمینه ی مسائل فردی برای منتظران ظهور که برای مسئولان و مدیران در حوزه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز رهگشا و ایده آفرین خواهد بود.

حسن ملایی

دو سروده از امام خامنه ای برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

محراب جمکران

دلم قرار نمیگیرد از فغان، بی تو

ز تلخکامی دوران دلم نشد فارغ

چون آسمان مه آلوده ام ز تنگدلی

نسیم صبح نمی آورد ترانه ی شوق

لب از حکایت شبهای تار می بندم

چو شمع کشته ندارم شراره ای به زبان

ز بیدلی و خموشی چو نقش تصویرم

از آن زمان که فروزان شدم ز پرتو عشق

عقیق صبر به زیر زبان تشنه نهم

گزارش غم دل را مگر کنم چو «امین»

سپندوار ز کف داده ام عنان، بی تو

ز جام عیش لبی تر نکرد جان، بی تو

پر است سینه ام ز اندوه گران، بی تو

سر بهار ندارند بلبلان، بی تو

اگر امان دهدم چشم خونفشان، بی تو

نمیزند سخنم آتشی به جان، بی تو

نمیگشایدم از بیخودی زبان، بی تو

چو ذرّه ام به تکاپوی جاودان، بی تو

چو یادم آید از آن شکرین دهان، بی تو

جدا ز خلق به محراب جمکران، بی تو

خورشید من بر آی

دل را ز بیخودی سر از خود رمیدن است

از بیم مرگ نیست که سر داده ام فغان

دستم نمیرسد که دل از سینه برکنم

شامم سیه ترست ز گیسوی سرکشت

سوی تو ای خلاصه ی گلزار زندگی

بگرفته آب و رنگ ز فیض حضور تو

با اهل درد شرح غم خود نمیکنم

آن را که لب به دام هوس گشت آشنا

جان را هوای از قفس تن پریدن است

بانگ جرس ز شوق به منزل رسیدن است

باری علاج شکر گریبان دریدن است

خورشید من بر آی که وقت دمیدن است

مُرغ نگه در آرزوی پرکشیدن است

هر گل در این چمن که سزاوار دیدن است

تقدیر قصّه ی دل من ناشنیدن است

روزی «امین»سزا لب حسرت گزیدن است

بخش اوّل: مفهوم مهدویت

اشاره

مطلب اوّل (مفهوم عام)

گفتار اوّل(مفهوم بین المللی): ظهور یک منجی در آخرالزّمان

اصلِ امید به یک آینده روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتّفاق همه ادیانی است که در عالم سراغ داریم. (۱)

اصل مهدویت مورد اتّفاق همه ی مسلمانهاست. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را در نهایت زمانه دارند. (۲)

منجی عالم بشریت به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه ی دلهای مستعد را که در همه جای جهان هستند، به خود جذب کند. (۳)

گفتار دوّم(مفهوم مشترک اسلامی): ظهور و حکومت شخص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آینده

میشود زمینه ها را فراهم کرد. وقتی چنین زمینه هایی إن شاء الله گسترش پیدا کند، زمینه ی ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نیز پدید می آید و مسئله ی مهدویت این آرزوی دیرین بشر و مسلمین تحقّق می یابد. (۴)

اجمال مسئله ی حضرت مهدی علیه الصلاه و السلام در اسلام این است که همه ی فرقه های اسلامی- چه شیعه و چه سنی- متّفقند که در پایان دوره ی جهان، دوره ای وجود خواهد داشت که در آن، یک حکومت الهی کامل و جامع با سیطره بر شرق و غرب عالم، به عنوان حکومت مهدی تشکیل خواهد شد و در این دوران، احکام اسلامی به طور کامل و جامع اجرا خواهد شد. (۵)

بشریت دارد همین طور این راه را طی میکند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دورانِ مهدویت است،

۱- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۳- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

۴- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۵- . خطبه های نماز جمعه، ۲۱/۱/۱۳۶۶.

دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) است. (۱)

اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ یعنی، اینکه در آخرالزّمان از خاندان پیامبر شخصی ظهور میکند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پر میکند. تبعیض ها، ظلم ها، سوء استفاده ها و فاصله های طبقاتی را از بین می برد. (۲)

مطلب دوّم (مفهوم خاص)

درباره ی مسئله ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم مباحث اعتقادی وجود دارد و هم مباحث اجتماعی و انسانی.(۳)

مطلب اوّل درباره ی این بخش عظیم اعتقادی ماست که عبارت است از انتظار ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و منجی بشریت. (۴)

اعتقاد به قضیه ی مهدی و موضوع ظهور و فَرَج و انتظار، گنجینه ی عظیمی است که ملّتها میتوانند از آن بهره های فراوانی ببرند... عقیده به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. (۵)

مسئله ی انتظار و دوران موعود را که در مذهب ما، بلکه در دین مقدّس اسلام ترسیم شده است دوران موعود آخرالزّمان؛ دوران مهدویت(را) ما به یاد بیاوریم، روی آن تکیه کنیم و بر روی آن مطالعه و دقّت و بحثهای مفیدی انجام گیرد. (۶)

۱- . بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۲۱/۳/۱۳۹۳.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۳- بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۲۱/۱/۱۳۶۶.

۴- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰

۵- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۶- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

بخش دوّم: جایگاه و اهمیت مهدویت

اشاره

مطلب اوّل. مهدویت و بشریت

گفتار اوّل. مهدویت لطف خدا بر بشریت

او وعده ی الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت است. (۱)

گفتار دوّم. مهدویت برای همه ی بشریت

مخاطب حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف همه ی مردم عالمند؛ یعنی در آن لحظه یی که به خانه ی کعبه پشت میدهد و تکیه میکند و دعوت خود را با صدای بلند فریاد میکند، صدا میزند «یا اهل العالم!» (۲).

مسئله، مسئله ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان (علیه الصّلاه و السّلام) برای اینکه فرج برای همه ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده ی بشر را نجات بدهد. (۳)

امام زمان علیه سلام الله، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را میکشند. (۴)

این ولادت بزرگ (ولادت امام زمان) و این حقیقت عظیم، متعلّق به یک ملّت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلّق به بشریت است. (۵)

گفتار سوّم. مهدویت، ذخیره ی امید بشریت

نام مبارک حضرت مهدی أرواحنا فداه در خطابه ی دانشجویان و در سخن همه ی کسانی که از دلِ روشنی برخوردارند، اشاره به ذخیره امید بشریت و تاریخ است. امام مهدی علیه الصّلاه و السّلام و أرواحنا فداه ذخیره ی امید بشریت است. (۶)

۱- . دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

۲- . بیانات در نماز جمعه، ۲۹/۳/۱۳۶۰.

۳- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۴- . بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۱۸/۱۱/۱۳۷۱.

۵- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۶- . بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی(علیه السلام)، ۲/۱۰/۱۳۸۳.

گفتار چهارم. مهدویت و تأثیر عظیم فردی و اجتماعی آن

عقیده به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. این را باید قدر دانست. (۱)

گفتار پنجم. مهدویت نیاز همیشگی انسان زنده و آگاه

امروز ما انتظار فرج داریم؛ یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت گستری بیاید و این غلبه ی ظلم و جور را که همه ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند. این نیازِ همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است. (۲)

همه ی انسانهای طول تاریخ، نسبت به این پدیده ی عظیم و شگفت آور(مهدویت)، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده اند. (۳)

اصلِ امید به یک آینده ی روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتّفاق همه ی ادیانی است که در عالم سراغ داریم... این در واقع امید بخشیدن به همه ی انسانها در طول تاریخ است و پاسخگویی به نیاز انسانها به این امید، که حقیقتی هم با آن بیان شده است. (۴)

گفتار ششم. نیاز کنونی بشریت به مهدویت

ما منتظریم؛ یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پُرشده است، در سایه ی تلاش و فعّالیت بی وقفه ی ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوی و هوس خود، پیدا

۱- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۲- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۳- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۴- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

نخواهد کرد. این روشنایی، در دیدگاه ما نسبت به آینده وجود دارد. ما ملّت ایران باید به این معنای انتظار، بیش از گذشته تکیه کنیم؛ چون دنیای بشری، به انتظاری که ما داریم، محتاج است. این امیدی که در دل ملّت ایران وجود داشت و در سایه ی آن توانست این کارهای بزرگ را انجام بدهد، ملّتهای ضعیف و مظلوم دنیا، امروز به این امید احتیاج دارند؛ آنها هم باید این امید را پیدا کنند. اگر پیدا کردند و نور امید در دل ملّتها تابید، کارهای دنیا اصلاح خواهد شد و مشکل ملّتهای مظلوم، اگر نگوییم به صورت کامل، به صورت معتنابهی و لو در طول چند سال حل خواهد شد. (۱)

انتظار واقعی، با اطمینان و اعتماد ملازم است. کسی که شما میدانید خواهد آمد، انتظارش را میکشید و انتظار کسی که به آمدنش اعتماد و اطمینان ندارید، انتظاری حقیقی نیست. اعتماد، لازمه ی انتظار است و این هر دو، ملازم با امید است و امروز این امید، امری لازم برای همه ی ملّتها و مردم دنیا میباشد. (۲)

گفتار هفتم. مهدویت، نویدبخش آغاز زندگی حقیقی بشریت

بشریت دارد همین طور این راه را طی میکند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دورانِ مهدویت است، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) است. این جور نیست که وقتی به آنجا رسیدیم، یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود؛ نه، آنجا یک مسیر است. در واقع باید گفت زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آنجا آغاز میشود و بشریت تازه می افتد در راهی که این راه یک صراط مستقیم است و او را به مقصد آفرینش میرساند؛ «بشریت» را میرساند، نه آحادی از بشریت را، نه افراد را، مجموعه ها را میرساند. (۳)

گفتار هشتم. مهدویت مطابق با فطرت انسانی

اگر فطرت انسانی، تحت فشار قدرت های استکباری، مسخ و لگدمال نشود؛ دلها به طور فطری و طبیعی منتظر چنان آینده ای (محیطی آکنده از عدل واقعی) است و بدون تردید آن قدرت متّکی بر

۱- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

۲- . بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۳- . بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۲۱/۳/۱۳۹۳.

عدل مطلق الهی، پرچم خواهد برافراشت. (۱)

گفتار نهم. مهدویت، آرزو و آرمان والای همه ی انسانها

آرزوی همه ی بشر، وجود چنین عنصر والایی است. عُقده های فرو خورده ی انسانها در طول تاریخ، چشم به انتهای این افق دوخته است؛ تا انسان والا و برگزیده ای از برگزیدگان خدا بیاید، تار و پود ظلم و ستم را - که انسانهای شریر در همه ی تاریخ تنیده اند - از هم بدرد. (۲)

جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود (أرواحنا فداه) روز به روز نزدیکتر میشود. (۳)

موضوع امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف، با این دید، نه مخصوص شیعه و نه حتّی مخصوص مسلمین است. بلکه انتظاری در دل همه ی قشرهای بشر و ملّتهای عالم است. امیدی است در دل بنی آدم؛ که تاریخ بشریت به سمت صلاح حرکت میکند. این امید، به بازوان قوت میبخشد، به دلها نور میدهد و معلوم میکند که هر حرکت عدالت خواهانه ای، در جهت قانون و گردش طبیعی این عالم و تاریخ بشر است. به همین خاطر است که وقتی ملّت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریت حرکت میکنند. (۴)

هرچند اعتقاد به حضرت مهدی أرواحنا فداه یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ امّا نباید مسئله را فقط به جنبه ی آرمانی آن ختم کرد. (۵)

گفتار دهم. مهدویت، دوران احترام به انسانیت

این دنیایی که به وسیله ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پُرشده است، در سایه ی تلاش و فعّالیت بی وقفه ی ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است. (۶)

۱- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب با اقشار مختلف مردم ، ۶/۱۰/۱۳۷۵.

۲- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۳- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۴- . بیانات در دیدار میهمانان خارجی دهه ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۸/۱۱/۱۳۷۱.

۵- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/ ۰۷/۱۳۸۱.

۶- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

گفتار یازدهم. مهدویت و معنابخشی به زندگی

این ظلم عظیم مسلّط بر عالم، این سلطه های ناحق، این زورگویی به ملّتها در سطح جهان، این ریختن خونهای به ناحق، این پایمال کردن شریف ترین و عزیزترین ارزشهای انسانی، این دروغها و تزویرهایی که سردمداران استکبار جهانی هر روز تحویل بشریت میدهند، این همه بدی، این همه استثمار و ظلم، انسانی را که چشمه ی امیدی در دل نداشته باشد، به طور طبیعی مأیوس میکند؛ لذاست که شما می بینید نسل جوان در کشورهای غربی، به سوی پوچی کشانده میشوند. نسل جوانی که به سنّتها خو نگرفته است و خود را پایبند سنّتها نکرده است، وقتی که این نابسامانی محیط زندگی بشریت را میبینند، نا امید میشود؛ لذا به سمت پوچی کشیده میشود. بسیاری از دختران و پسران در کشورهای غربی، به سمت بیهودگی و بی اعتنایی به مظاهر زندگی و پوچی و غرقه شدن در شهواتِ آنی کشیده میشوند؛ این بر اثر یأس است؛ بسیاری از دانشمندان و نویسندگان و سخنگویان بشریت به این حالت دچار میشوند؛ امّا آن ملّتی که به آینده امید دارد، میداند که روزگار ظلم و ستم و زورگویی و تجاوز و طغیان و استکبار، با همه ی حجم عظیمی که امروز در جهان به وجود آورده است، یک روزگار تمام شدنی است و دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره ی حق، همه ی قلّه های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم انداز زندگی بشر را با نور عدالت منوّر خواهد کرد. (۱)

گفتار دوازدهم. زندگی با اهداف مهدوی، زندگی واقعی و لذّت بخش

دو نوع زندگی برای آحاد بشر وجود دارد. یک زندگی، زندگی برای نیازهای مادی شخص است. زحمت میکشد، کار میکند، دوندگی میکند برای خود، برای شخص خود و آنچه که به شخص او مربوط میشود. این زندگی، وقتی که در فضای کنونی جامعه ی ما مطرح میشود، برای افراد هوشمند تعجّب انگیز است. امّا واقعیت این است که امروز و در همیشه ی عالم و همیشه ی تاریخ، بیشترین تلاش انسانهای مادّی و کوته بین در هر قشر و هر جامعه ای، با هر اندازه از معلومات، همین گونه بوده است. درس می خوانند، برای اینکه به نان و نوایی برسند. زحمت میکشند، برای اینکه بهره ای بیشتر ببرند. کار میکنند، بی خوابی میکشند، حتّی خود را به خطر می اندازند، برای اینکه به چیزی

۱- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

برسند؛ به نانی یا به رفاهی یا به مقامی یا به لذّتی. این، یک نوع زندگی است و خیلی از انسانها این گونه زندگی میکنند. این گونه زندگی کردن، خصوصیت تلخی دارد. حالا از محاسبه ی الهی و آخرتی که بعضی به آن اعتقاد دارند و بعضی ندارند، صرف نظر کنیم. در همین دنیا، این گونه زندگی کردن، دشواری بزرگی دارد. آن هم این است که اگر فرض کنیم همه ی این تلاشها هم موفّق از آب در آمد، واقعاً کارکرد و به اهداف خود رسید؛ میخواست پولدار بشود و پولدار شد؛ میخواست لذّت ببرد و لذّت برد؛ میخواست به شهوات دست بیابد، میخواست به قدرت و به عنوان و مقام برسد و بالاخره به همه ی اینها رسید و فرض کنیم همه ی این کامیابی ها هم حاصل شد؛ بعد از طی سالیانی، وقتی انسان احساس کرد که به سراشیب عمر افتاده است و به اواخر عمر نزدیک میشود، به پشت سر که نگاه میکند، همه اش حسرت است. انسان تا جوان است این را نمی فهمد؛ چون همه چیز را پیش روی خود میبیند و فکر میکند که به این لذّات خواهد رسید. امّا وقتی از جوانی عبور کرد و به آن طرف سراشیبی رسید، پشت سر را که نگاه میکند، میبیند با از دست رفتن عمر، همه چیز از دست رفته است. حسرت بالاتر، در لحظات آخر عمر است: حس میکند همه ی این زحمات هیچ شد، پوچ شد و از دست رفت. آن لحظه های لذّت، آن نعمت، آن مکنت، همه از دست رفت. این، عیب بزرگ این گونه زندگی کردن است؛ یعنی زندگی به مجموعه ای از حسرتها تبدیل میشود. البتّه حسرت بزرگ، در قیامت است. خدای متعال میفرماید: «و انذرهم یوم الحسره» آنها را از روز حسرت بیم بده، که نگاه میکنند و زندگی را از دست رفته می بینند.

نوع دوّم زندگی این است که انسان برای هدفی زندگی کند؛ هدفی که از خود او بیرون باشد. نمیگویم این هدف، همیشه الهی باشد. حتّی اگر این هدف، مادّی هم باشد، امّا مربوط به کلّ جامعه یا برای بشریت باشد اگرچه تلاش کردن برای چنین هدفی، ممکن است انسان را از مسایل شخصی، مقداری باز بدارد، این حسن بزرگ را دارد که وقتی انسان تلاش کرد، این تلاش همیشه موفّق است. کار برای اهداف عالی، همیشه موفّق است. این را خدای متعال در قوانین آفرینش قرار داده است که هرکس کار کند حتّی برای هدفهای دنیایی خداوند او را به آن هدفها خواهد رساند؛ مگر آنکه در خود کار، خللی وجود داشته باشد که این، به خود انسان برمیگردد. و الّا اگر کار برای هدف، با اصول درست انجام گیرد، دست یافتن به آن هدف، قطعی است.

در این نوع زندگی، هرچه میگذرد انسان احساس میکند که عمرش تلف نشده است؛ چون برای یک

هدف عالی زحمت کشیده است. اگر این هدف یک هدف الهی باشد؛ به بشریت برگردد، به آرمانهای خدایی برگردد، به صلاح و خیر بشر برگردد، به استقرار عدالت و به مبارزه با ظلم و جور مربوط شود، احساس میکند که به هدف نزدیکتر شده است. در پایان راه هم وقتی به پشت سر خود نگاه میکند، میبیند فرسنگها به هدف نزدیک شده است؛ لذا حسرت ندارد و احساس لذّت میکند. این، زندگی واقعی است؛ زندگی برای آرمانها و هدفهای والا. جمله ی معروفی که به امام حسین علیه السّلام نسبت داده شده است و نمیدانم آیا این نسبت صحیح است یا نه جمله ی حکیمانه و درستی است. میفرماید: «انّما الحیاه عقیده و جهاد.» عقیده؛ یعنی به هدفی دل بستن، آرمانی را پذیرفتن و در راه آن مجاهدت کردن. اسلام آمده است به انسانها هدف بدهد و آنها را به سمت آرمانهای والا و زیبای بشری به حرکت وادارد. در چنین راهی است که اگر انسان یک قدم جلو برود، تلاش خالصانه و مخلصانه ای انجام دهد، فداکاری کند، حتّی اگر زحمت و رنجی به او رسید و ناکامی ظاهری ای نصیبش شد، تحمّل کند، در دل و در محاسبه ی الهی، شاد و خشنود است؛ چون احساس میکند طبق آنچه که وظیفه ی او بوده، به سمت آن اهداف عالی، تلاش و حرکت کرده است. این تلاش، فی نفسه دارای ارزش است. (۱)

مطلب دوّم. مهدویت و حقیقت

مهدویت پایان بخش نبرد حق و باطل

در خلقت بشر و تاریخ طولانی بشریت حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت این است که این ستیزه میان حق و باطل، یک روز به سود حق و به زیان باطل پایان خواهد گرفت و از آن روز به بعد دنیای حقیقی بشر، زندگی مطلوب انسان آغاز خواهد شد. (۲)

حرکت جریان عالم به سمت حاکمیت حق و حکومت مهدوی

از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این برو برگرد هم ندارد. (۳)

۱- . بیانات در دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی، ۱۹/۱۱/۱۳۷۱.

۲- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۳- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۲/۹/۱۳۷۹.

سرنوشت زندگی بشر آن چنان سرنوشتی است که در جهت اراده ی الهی و در سمت کمالی است که خدای متعال حدّ اعلای آن کمال است؛ یعنی تاریخ بشر و زندگی انسان به طور قطعی و ناگزیر به سمت یک چنین فرجامی دارد حرکت میکند، و هیچ تلاشی نمیتواند مانع بشود از آمدن آن روز، البتّه ممکن است آن روز تأخیر بیافتد. (۱)

تحقّق حتمی دولت حقّ مهدوی

همه ی انبیا و اوّلیا آمده اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش میتواند بُروز کند. انبیا و اوّلیا این مردم گمگشته را مرتّب از این کوه و کمر و دشتها و کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه ی شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی عصر أرواحنا فداه محقّق خواهد شد؛ لیکن همه ی این تلاشها اصلًا براساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه ی صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ امّا بروبرگرد ندارد. قطعاً این طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه میکنند. (۲)

این ولادت بزرگ [ولادت امام زمان] و این حقیقت عظیم، متعلّق به یک ملّت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلّق به بشریت است. این «میثاق الله الّذی أخذه و وکده»، میثاق خدا با انسان است. «وعد الله الذی ضمنه»؛ این، وعده ی خداست که تحقّق آن را ضمانت کرده است. (۳)

افزایش روزافزون لشکر حق و توجّه به مهدویت

مستکبران عالم هرچه میخواهند، بگویند؛ تظاهر به قدرت نمایی بکنند؛ امّا لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش میبرد، روز به روز در حال افزایش یافتن است. گذشتِ سالها نمیتواند این امید را در دلها از بین ببرد یا کم فروغ کند که در آینده که امیدواریم آن آینده چندان دور نباشد همه ی آحاد بشر طعم عدالت را به معنای واقعی کلمه خواهند چشید. (۴)

۱- . بیانات در مسجد چهار مردان قم به مناسبت نیمه شعبان، ۲۴/۱/۱۳۶۶.

۲- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۲/۹/۱۳۷۹.

۳- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۴- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

امروز بحمدالله ملّت ما توجّهشان به مقوله ی مهدویت و وجود مقدّس حضرت مهدی(سلام الله علیه علیه) از همیشه بیشتر است. روزبه روز انسان احساس میکند در دل جوانان، در میان آحاد مردم، شوق و عشق و ارادت و تذکر نسبت به وجود مقدّس حضرت حجّت (سلام الله علیه) بیشتر میشود. این هم از برکات خود آن بزرگوار است. نگاه آن بزرگوار، نظره ی رحیمه ی آن بزرگوار به ملّت ما، دلهای آنها را متوجّه آن حقیقت تابناک کرده است. (۱)

ناتوانی زورگویان و زراندوزان در جلوگیری از تحقّق مهدویت

لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش میبرد، روز به روز در حال افزایش یافتن است...قدرتمندان و مستکبران و زورگویان و زراندوزان و زورمداران عالم هرچه تلاش کرده اند و بکنند، نخواهند توانست این حرکت و این رفتار طبیعی بشر را به سمت صلاح متوقّف کنند. (۲)

امام مهدی (علیه الصّلاه و السّلام و أرواحنا فداه) ذخیره ی امید بشریت است... هیاهوی قدرتمندان و قدرت مداران مانند کف روی آب در مقابل جریان اصیل و تمام نشدنی حقیقت و معنویت، تاب ماندن و جلوه کردنِ همیشگی را ندارد. (۳)

مطلب سوّم. مهدویت و عدالت

عدالت برجسته ترین شعار مهدویت

برجسته ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت. مثلاً در دعای ندبه وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار میکنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهّرش، اوّلین جمله ای که ذکر میکنیم، این است: «این المعدّ لقطع دابر الظّلمه، این المنتظر لاقامه الأمت و العوج، این المرتجی لأزاله الجور و العدوان»؛ یعنی دل بشریت میتپد تا آن نجات بخش بیاید و ستم را ریشه کن کند؛ بنای ظلم را – که در تاریخ بشر، از زمانهای گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدّت وجود دارد – ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشاند. این اوّلین درخواست منتظران

۱- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۲- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

۳- . بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی علیه السلام، ۲/۱۰/۱۳۸۳.

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از ظهور آن بزرگوار است. یا در زیارت آل یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر میکنید، یکی از برجسته ترین آنها این است که: «الّذی یملأ الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً». انتظار این است که او همه ی عالم - نه یک نقطه - را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید. در روایاتی هم که درباره ی آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد. بنابراین انتظار منتظران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در درجه ی اوّل، انتظار استقرار عدالت است. (۱)

عدالت، خواسته و نیاز عمومی بشریت

تا آنجایی که ادیان الهی و ادیانی را که رونویسی از ادیان الهی اند، میشناسیم - ولو خودشان هم الهی نباشند، امّا پیداست اصول و قواعد کار را از ادیان الهی گرفته اند - همه معتقدند که این کاروان در پایان، در آخر راه، به یک منزلگاه مطلوب و دلگشا و دلنشین خواهد رسید. خصوصیت عمده ی این مقصد هم «عدالت» است؛ عدالت، خواسته عمومی بشریت از اوّل تا امروز و تا آخر است. (۲)

آنچه مسلّم است، همه ی پیغمبران و اوّلیا برای این آمدند که پرچمِ توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی عدالتی است؛ لذا شما می بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای عدالت، کار بزرگ پیغمبران است. انسانهای والا در طول تاریخ در این راه تلاش نموده اند و بشریت را روز به روز به سمت فهمیدن این حقیقت که عدالت، سرآمد همه ی خواسته های انسانی است، نزدیک کرده اند. سلسله ی انبیا، پاک ترین و مقدّس ترین و نورانی ترین انسانهای تمام تاریخ بوده اند. (۳)

عدالت بزرگترین آرمان بشریت

هدف دوّمی که پیغمبر، از لحظه ی اوّل به دنبال آن بوده است، عبارت است از ایجاد یک محیط سالم و صحیح برای معیشت انسان و زندگی انسانی؛ یعنی دنیایی که در آن، ظلم و دریده شدنِ ضعیف به وسیله ی قوی نباشد. دنیایی که در آن، ناکامی مطلق برای ضعفا و قانون جنگ نباشد؛

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/ ۰۷/۱۳۸۱.

۲- . بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۲۱/۳/۱۳۹۳.

۳- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

یعنی همان چیزی که در اصطلاحات قرآن، حدیث، و اصطلاحات دینی، به آن «قسط و عدل» گفته میشود؛ یعنی بزرگترین آرزوی بشر. بزرگترین آرمان بشر از اوّل تاریخ انسان (یعنی از آن زمانی که انسانْ تعقّلی یافته و فکری به سراغ او آمده، و به زندگی خود، نظم و ترتیبی داده است) تا امروز، آرزوی تحقّق عدالت است. (۱)

از دیرباز تا امروز، بشریت آرمان عدالت، انصاف و برابری بین انسانها و برچیده شدن بساط زورگویی از سطوح مختلف زندگی مردم را در دل پرورانده است؛ امّا این آرمان در کمتر برهه ای از زمان محقّق شده است. انسانها همیشه تشنه ی آرمانهای انسانی اند و آرمانها در طول زمان یکسان است. دانش پیشرفت میکند و وضعیت زندگی و روابط اجتماعی دچار دگرگونی و تحوّل میشود؛ امّا آرزوهای بزرگ بشر در طول زمان و اوضاع و احوال گوناگون، یکی است. بشر همیشه تشنه ی صفا و یکرنگی و عدل و انصاف و معنویت و حقیقت و برادری است و از تزویر و دروغ و زورگویی و حق پوشی و ظلم و بی عدالتی بیزار است. این آرمانها هرگاه در بخشی از عالم منادیانی پیدا کرد، زورگویانی پیدا شدند که یا آنها را سرکوب و یا موانعی در راهشان ایجاد کردند. البتّه این آرمانها چون فطری انسان است، از بین رفتنی نیست و تا امروز از بین نرفته و نخواهد رفت؛ بلکه روز به روز آگاهی و ظرفیت بشر برای پذیرش و عمل به آنها بیشتر شده است. امروز در دنیا نظامی به وجود آمده است که براساس رهنمودهای قرآنی و هدایت اسلامی، برای بشریت عدالت میخواهد و میطلبد و صریحاً اعلام میکند با ظلم مخالف است و با آن کنار نمی آید. اسلام پرچمی را برافراشت که تمام آرمانهای انسانی در پای این پرچم، قابل برآورده شدن است. (۲)

عدالت اجتماعی هدف حکومت مهدوی

اسلام ناب، اسلامی است که باید ابوجهل ها از آن بترسند. اگر اسلامی بود که ابوجهل ها و ابوسفیان ها از آن نترسیدند و با آن دشمن نبودند، باید در اسلام بودنش شک کنیم. آن اسلامی هم که طبقات مستضعف و محروم به آن امیدوار نشوند و دل ندهند، اسلام نیست. اسلامی که نتواند آرزوهای خفته و فروکشته ی قشرهای مظلوم را در سطح دنیا - نه فقط در سطح کشور خودمان - زنده و احیا کند، شک کنید در اینکه این دین، اسلام باشد. همه ی بشریت متدین، منتظر مصلح

۱- . بیانات در دیدار کارگزاران، در روز «عید مبعث»، ۲۹/۹/۱۳۷۴.

۲- . بیانات در دانشگاه افسری امام علی علیه السلام، ۳/۹/۱۳۸۰.

است و همه ی مسلمین، منتظر مهدی موعودند و خصوصیت مهدی موعود عجّل الله تعالی فرجه واروواحنافداه در نظر مسلمانان این است که: «یملأالله به الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا». عدل و داد، استقرار عدالت در جامعه، از بین بردن ظلم از سطح زمین، خصوصیت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اسلامی که در آن، تلاش برای عدالت و مبارزه با ظلم نباشد، چه طور میتواند اسلام باشد و بشریت به سمت آن حرکت کند؟ بشر به سمت آن چیزی حرکت میکند که مظهر آن، وجود مقدّس مهدی علیه الصّلاهوالسّلام و عجّل الله تعالی فرجه الشّریف باشد و او کسی است که در احادیث متواتر وارد شده که دنیا را از عدل و داد پُر میکند و ظلم را ریشه کن میسازد. (۱)

وقتی شما روایات مربوط به امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه) و همچنین دعاها و زیارت های مربوط به ایشان را میخوانید، می بینید که روی چه چیزی تکیه میشود: «و أنت الّذی تملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا». کلمه ی «بعد» در یکی دو دعا بیشتر نیست. من یک وقت در نماز جمعه گفتم که «تملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا» را در جایی پیدا نکردم. گفتم: به جز دو جا، در روایات «کما ملئت ظلما و جورا» آمده است. یکی از آن دو جا زیارت غیر معتبری است و دیگری که زیارت نسبتاً خوبی است، سند درستی ندارد. «سلام الله الکامل التّام»، آنجا هم «بعد ما ملئت ظلما و جورا» است. در همه ی این روایات و دعاها، مسئله ی آمدن امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه) معلّل به این شده که آن بزرگوار بیاید و در دنیا قسط و عدل بیاورد. اصلًا مشکل دنیا در این است که قسط و عدل نیست. مشکل دنیا روز به روز هم زیادتر میشود. (۲)

عدالت، زمینه ساز گسترش توحید

روز ولادت مهدی موعود ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، حقیقتاً روز عید همه ی انسانهای پاک و آزاده ی عالم است. فقط کسانی در این روز ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزو پایه های ظلم، یا جزو پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند، و الّا کدام انسان آزاده ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند. آنچه مسلّم است، همه ی پیغمبران و اوّلیا برای این آمدند که پرچمِ توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید

۱- . سخنرانی در خجسته سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۲- . سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۹/۱۱/۱۳۶۸.

را در زنـدگی انسانها زنـده کنند. بدون عدالت، بدون اسـتقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی عدالتی است. لذا شـما می بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای عدالت، کار بزرگ پیغمبران است. (۱)

بشریت در انتظار عدالت مهدوی

بشـریت که بـا عطش تمـام منتظر امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشـریف است و میخواهـد مهـدی موعود بیایـد و چشم انتظار آن حضرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند. (۲)

قیام مهدوی و طرح عدالت پیش از دیانت

در تمام آثار دینی که شـما نگاه میکنید، هدف و غایت برای حرکت جامعه ی اسـلامی، تشکیل جامعه ی عادله است. راجع به امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف این همه اثر هست و در اغلبِ اینها گفته میشود که آن بزرگوار تشـریف بیاورنـد تا اینکه جهان را پر از عـدل کننـد. بیش از آنچه که گفته شـده «پُر از دین حق کننـد» گفته شده «پر از عدالت کنند»؛ یعنی آنچه که در درجه ی اوّل مطرح است، «عدالت» است که باید انجام گیرد. (۳)

مـا وقتی میگوییم منتظر امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشـریف هستیم، بیشترین خصوصـیتی که برای امام زمان ذکر میکنیم، این است که «یملأ الله به الارض قسـطاً و عدلًا»؛ نمیگوییم: «یملأ الله دیناً و صلاه و صوماً». با اینکه آن هم هست و قسط و عدل در چـارچوب دین، بهترین و بیشترین تحقّق را پیـدا میکنـد، لیکن معلوم میشود که این عـدل، یـک مصـرعِ بلنـد درخواسـتهای انسان است. (۴)

شما وقتی در همه ی روایات و آثاری که راجع به آن بزرگوار و راجع به آن دوران آمـده نگاه میکنید، می بینید اغلب تکیه بر روی این نیست که مردم در آن دوران دینـدار میشونـد - با اینکه دیندار هم میشوند - بلکه تکیه بر روی این است که مردم در آن وقت برخـوردار از عـدالت میشونـد و قسـط و عـدل اقـامه میشود؛ این مطلب در دعاهـا و زیارتهـای آن بزرگوار و روایـات هست؛ یعنی نقطه ی

۱- . بیانـات در جشن بزرگ منتظران ظهـور هم زمـان بـا هفته ی بسـیج و روز ولاـدت حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۲- . بیانات در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۷/۱۰/۱۳۷۱.

۳- . بیانات در دیدار «هیئت دولت» در آغاز کار دوره ی دوّم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۳/۶/۱۳۷۲.

۴- . بیانات در جلسه ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۴/۱۲/۱۳۷۷.

برجسته در آن آینده ی پر از نوید، عبارتست از عدالت. بشر تشنه ی عدالت است. (۱)

شاید در اسلام در مورد مسایل اجتماعی، هیچ چیز به قدر عدالت، مورد توجّه قرار نگرفته است. شما ببینید در مورد ظهور حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه و عجّل الله فرجه، در بیشتر روایات و ادعیه و زیاراتی که درباره ی آن بزرگوار است و اسمی از آن بزرگوار است، به دنبال مسئله ی ظهور و قیام آن حضرت، «یملأ الله الارض قسطاً و عدلًا» هست. خدا به وسیله ی او، زمین را پر از قسط و عدل میکند. البتّه خدا به وسیله ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین را از دین خودش هم پُر میکند؛ امّا آن چیزی که در دعا و زیارت و روایت گفته میشود، «یملأ الارض به الدّین، دین الحق» نیست- مگر در بعضی از جاها که تعبیراتی هست- متعلّق «یملأ»، قسط و عدل، عدالت، دادگری و انصاف است. چرا؟ چون بشر بیشتر از همه چیز، از ظلم و بیدادگری رنج میبرد. (۲)

عدالت، بستر کمال انسان

شما که آرزومند و مشتاق ظهور خورشید مهدویت در آخرالزّمان هستید و الآن حدود هزار و دویست سال است که ملّت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود عجّل الله تعالی فرجه الشریف و جعلنا الله فداه است، چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر میکنید؟ «الّذی یملأ الله به الارض قسطاً و عدلًا»... قسط و عدل، واجب ترین کارهاست. ما رفاه را هم برای قسط و عدل میخواهیم. کارهای گوناگون مبارزه، جنگ، سازندگی، توسعه را برای قسط و عدل میخواهیم؛ برای اینکه در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده کنند و عدّه ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسانها میتوانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست آورند. قسط و عدل، یک مقدّمه ی واجب برای کمال نهایی انسان است. (۳)

عدالت، هدف متوسط حکومت مهدوی

هدف پیامبران، اقامه ی قسط است: «لیقوم النّاس بالقسط». اصلًا پیامبران آمدند تا اقامه ی قسط

۱- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت و در آستانه ی نیمه ی شعبان، ۴/۶/۱۳۸۶.

۲- بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۱۲/۱۱/۱۳۷۵.

۳- . بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی، ۲۵/۴/۱۳۷۶.

کننـد. البتّه، اقامه ی قسط یک منزل در راه است و هـدف نهایی نیست؛ لیکن آنها که آمدند، کار اوّلشان این است که اقامه ی قسط کنند و مردم را از شـرّ ظلم و جور طاغیان و ظالمان نجات دهند. هدف حکومت ولی عصـر عجّل الله تعالی فرجه الشّریف در آخرالزّمان هم باز همین عدل است. (۱)

مطلب چهارم. مهدویت و عقلانیت

مهدویت مطابق با عقلانیت

امروز خوشـبختانه در مجلس ما... جمعی از مجموعه های مرتبط با مهـدویت حضور دارنـد. آنچه را که من به این مناسـبت در این جمع فرهنگی آگـاه و هوشـیار به شـما برادران و خواهران میخواهم عرض بکنم، این است که مـا عقایـد اسـلامی مـان، به خصوص عقاید شیعی، جزء پاکیزه ترین و منطقی ترین و مستحکم ترین عقاید است. توحیدی که ما تصویر میکنیم، امامتی که تصـویر میکنیم، شخصـیت نـبی که مـا تصـویر میکنیم، مسایـل اعتقـادی و معـارف دینی ای که در آیین تشـیع تصـویر میشـود، تصویرهـای روشن و منطقی ای است که هر ذهن فعالی و اهل کنکاشـی میتوانـد به حقّانیت و صـحّت و دقّت این اعتقادات پی ببرد. عقاید شیعه، عقاید بسیار مستحکمی است. همیشه در طول تاریخ اسلام، عقاید تشیع این جور شناخته شده است. دیگران، مخالفین در مقام احتجاج، در مقام استدلال، در هماوردی های کلامی، به استحکام عقاید امامیه که از ائمّه(علیهم السّلام) اخذ شـده است، اعتراف کرده انـد. و ائمّه (علیهم السّـلام) به تبع قرآن کریم، مـا را به تأمـل، به تفکر و به کارگیری خرد و اندیشـه دسـتور داده انـد. این است که فکر، اندیشه، خرد، در این عقاید آشـکار است؛ به علاوه راهنمایی های ائمّه(علیهم السّـلام) هم که هدایت کننده است و جلوگیر از لغزشهاست. (۲)

ناتوانی منکران مهدویت از ارائه ی دلیل عقلی

حجّت خـدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی میکند؛ مردم را میبیند؛ با آنهاست؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس میکند. انسانها هم، آنهایی که سعادتمند باشند، ظرفیت داشته باشند، در مواقعی به طور ناشناس او را زیارت میکنند. او وجود دارد؛ یک انسان واقعی، مشخّص، با نام

۱- . سـخنرانی در دیـدار بـا مسئولان و کـارگزاران نظـام جمهوری اسـلامی، در آسـتانه ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۹/۱۱/۱۳۶۸.

۲- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

معین، با پدر و مادر مشخّص و در میان مردم است و با آنها زندگی میکند. این، خصوصیت عقیده ی ما شیعیان است.آنهایی هم که از مذاهب دیگر این عقیده را قبول ندارند، هیچ وقت نتوانستند دلیلی که عقل پسند باشد بر ردّ این فکر و این واقعیت، اقامه کنند. همه ی ادلّه ی روشن و راسخ که بسیاری از اهل سنّت هم آن را تصدیق کرده اند، به طور قطع و یقین از وجود این انسان والا، این حجّت خدا، این حقیقت روشن و تابناک- با همین خصوصیاتی که من و شما میشناسیم- حکایت میکند و شما در بسیاری از منابع غیر شیعه هم این را مشاهده میکنید. (۱)

مطلب پنجم. مهدویت و دیانت

گفتار اوّل. موعود در ادیان

موعود مورد اتّفاق همه ی ادیان

همه ی ادیان و مذاهب، عقیده دارند که یک منجی و یک دست مقتدر الهی در مقطعی از تاریخ خواهد آمد و در نجات بشر از ظلم و جور، معجزه گری خواهد کرد. (۲)

همان عنصری که مسلمانها به او مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف میگویند، در اصطلاح مسیحیان، در اصطلاح یهودیان، در اصطلاح بودایی ها، دراصطلاح ادیان قدیمی هند، در اصطلاح زرتشتیان و در اصطلاح ادیان شناخته شده ِی دیگر، یک نام دیگر و عنوان دیگری دارد. همه قبول دارند که پایان جهان، یک پایان عدالت آمیز است. (۳)

اصلِ امید به یک آینده ی روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتّفاق همه ی ادیانی است که در عالم سراغ داریم. غیر از حالا دین اسلام و مسیحیت و یهودیت، حتّی ادیان هند، بودایی و ادیانی که نامی از آنها هم در ذهن اکثر مردم دنیا نیست، در تعلیمات خود یک چنین آینده ای را بشارت داده اند. این در واقع امید بخشیدن به همه ی انسانها در طول تاریخ است و پاسخگویی به نیاز انسانها به این امید، که حقیقتی هم با آن بیان شده است. ادیان الهی و آسمانی- که اغلب این ادیان ریشه های الهی و

۱- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۲- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۳- . بیانات در جمع کثیری از مردم قم در خیابان چهار مردان، ۲۷/۲/۱۳۶۳.

آسـمانی دارنـد- نخواسته انـد امیـد واهی به مردم بدهند؛ آنها واقعیتی را بیان کردند. در خلقت بشـر و تاریخ طولانی بشـریت حقیقـتی وجـود دارد و آن حقیقت این است که این سـتیزه ی میـان حق و باطـل، یـک روز به سود حق و به زیـان باطـل پایـان خواهـد گرفت و از آن روز به بعـد دنیای حقیقی بشـر، زندگی مطلوب انسان، آغاز خواهد شد که در آنجا ستیزه گری مفهوم مبارزه نیست، مبارزه برای تسابقِ در خیرات است. (۱)

مهدویت در شمار چند مسئله ی اصلی معارف دینی

مطلب اوّل درباره ی این بخش عظیم اعتقادی ماست که عبارت است از انتظار ظهور ولی عصر و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و منجی بشریت. (۲)

مسـئله ی مهدویت در شمار چند مسئله ی اصلی در چرخه و حلقه ی معارف عالیه دینی است؛ مثل مسئله ی نبوّت مثلاً، اهمیت مسـئله ی مهدویت را در این حد باید دانست. چرا؟ چون آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه ی انبیا، همه ی بعثتها برای خاطر آن آمدند. (۳)

مهدویت استمرار نبوّت و وارث پیامبران

وجود مقـدّس حضـرت بقیهالله (ارواحنافـداه) اسـتمرار حرکت نبوّت ها و دعوت های الهی است از اوّل تاریـخ تا امروز؛ یعنی همان طور که در دعای ندبه میخوانید، از «فبعض اسکنته جنّتک»- که حضرت آدم است - تا «الی ان انتهی الامر»- که رسیدن به خـاتم الانبیـا (صـلّی الله علیه واله) هست - و بعـد مسـئله ی وصایت و اهل بیت آن بزرگوار، تا میرسـد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف همه، یک سلسـله ی متّصل و مرتبط به هم در تاریـخ بشـر است. این، بدین معناست که آن حرکت عظیم نبوّت ها، آن دعوت الهی به وسـیله ی پیامبران، در هیچ نقطه یی متوقّف نشده است. بشر به پیامبر و به دعوت الهی و به داعیان الهی احتیاج داشـته است و این احتیاج تا امروز باقی است و هر چه زمان گذشـته، بشـر به تعالیم انبیا نزدیکتر شـده است. امروز جامعه ی بشـری با پیشـرفت فکر و مدنیت و معرفت، بسیاری از تعالیم انبیا را - که ده ها قرن پیش از این، برای بشر قابل درک نبود - درک کرده است. همین مسـئله ی عـدالت، مسـئله ی آزادی، مسـئله ی کرامت انسـان - این حرفهـایی که امروز در دنیا رایج است

۱- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۲- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۳- . سـخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضـرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف و مرکز تخصصـی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

– حرفهای انبیاست. آن روز عامه ی مردم و افکار عمومی مردم این مفاهیم را درک نمیکردند. پی درپی آمدن پیغمبران و انتشار دعوت پیغمبران، این افکار را در ذهن مردم، در فطرت مردم، در دل مردم، نسل به نسل نهادینه کرده است. آن داعیان الهی، امروز سلسله ی شان قطع نشده است و وجود مقدّس بقیهالله الاعظم (ارواحنافداه) ادامه ی سلسله ی داعیان الهی است، که در زیارت آل یاسین میخوانید: «السّلام علیک یا داعی الله و ربّانی آیاته»؛ یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم، همان دعوت موسی، همان دعوت عیسی، همان دعوت همه ی پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیهالله مجسم می بینید. این بزرگوار، وارث همه ی آنهاست و دعوت و پرچم همه ی آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده اند و به بشر عرضه کرده اند، فرا میخواند. این، نکته ی مهمّی است. (۱)

مهدویت و نبوّت با اهداف مشترک

آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه ی انبیا، همه ی بعثتها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداخته ی بر اساس عدالت و با استفاده ی از همه ی ظرفیتهایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یک چنین دورانی است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه و عجّل الله تعالی فرجه). دوران جامعه ی توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسانهاست و دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع این کلمه است. خب، انبیا برای این آمدند...؛ لذاست که در همه ی ادیان الهی هم تقریباً – حالا تا آنجایی که ما اطلاع داریم – یک چیزی که لبّ و معنای حقیقی آن همان مهدویت است، وجود دارد، منتها به شکلهای تحریف شده، به شکلهای مبهم، بدون اینکه درست روشن باشد که چه میخواهند بگویند. (۲)

هدف پیامبران، اقامه ی قسط است: «لیقوم النّاس بالقسط». اصلًا پیامبران آمدند تا اقامه ی قسط کنند. البتّه، اقامه ی قسط یک منزل در راه است و هدف نهایی نیست؛ لیکن آنها که آمدند، کار اوّلشان این است که اقامه ی قسط کنند و مردم را از شرّ ظلم و جور طاغیان و ظالمان نجات دهند.

۱- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۲- . سخنان مقام معظّم رهبری (دام ظله العالی) در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصّصی مهدویت، قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

هدف حکومت ولی عصر (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) در آخرالّزمان هم باز همین عدل است. (۱)

مهدویت محور و جهت فعّالیت انبیاء

امروز ذهنیت بشر، آماده ی آن است که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد و بشریت را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد؛ همان چیزی که همه ی پیغمبران برای آن تلاش کرده اند، همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیه ی قرآن، وعده ی آن را به مردم داده است: «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم». (۲)

همه ی پیغمبران آمده اند تا ما را به آن نقطه ای برسانند که زندگی بشر تازه شروع میشود. پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله اگر بخواهد انسانها را به مقتضای دین خاتم به اینجا برساند، باید چه کار کند؟ باید این تربیتی که او ارزانی انسانها کرده است، مستمر و طولانی باشد و چندین نسل را پی درپی شامل شود. (۳)

تا شما ملّت ایران، این اتّحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه ی آرزوهای انبیا و اوّلیا به دست شما قابل عمل است. آمال بزرگ آنان، استقرار عدل جهانی و نجات مستضعفان و نابودی ظلم در سطح عالم بود. البتّه وعده ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیه الله (أرواحنا له الفداء) انجام خواهد گرفت. (۴)

ما مکرّر عرض کردیم که همه ی حرکتی که بشریت در سایه ی تعالیم انبیاء، در طول این قرون متمادی انجام دادند، حرکت به سمت جادّه ی آسفالته ی عریضی است که در دوران حضرت مهدی (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جادّه حرکت خواهد کرد. مثل اینکه یک جماعتی از انسانها در کوه و کمر و راه های دشوار و باتلاق زارها و خارستانها با راهنمایی های کسانی همین طور حرکت دارند میکنند تا خودشان را به آن جادّه ی اصلی برسانند. (۵)

۱- . سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۹/۱۱/۱۳۶۸.

۲- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۳- . بیانات در سالروز عید سعید غدیرخم، ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

۴- . سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و تعدادی از کارکنان و مسئولان وزارت نیرو و سازمانهای تابعه، ۸/۴/۱۳۶۸.

۵- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

مهدویت شرط فایده بخش بودن حرکت انبیاء

اگر مهـدویت نباشـد، معنـایش این است که همه ی تلاش انبیـا، همه ی این دعوتهـا، این بعثتها، این زحمات طاقت فرسا، اینها همه اش بی فایده باشد، بی اثر بماند. (۱)

مهدویت وعده ی خداوند به مومنان و مستضعفان

مسئله ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مسئله عجیبی است؛ وعده ای است که خدای متعال به مؤمنان و مستضعفین زمین داده است: «السلام علیك یا وعدالله الذی ضَمِنه». وعـده کرده است خـدای متعال که بساط ظلم وجور و تبعیض را در یـک برهه ای از زمـان از سراسـر دنیـا برچینـد و گردنکشان و سـتمگران و طاغوتها و حکام جائر و نظام های ظلم و عـدوان را ریشه کن کند و سراسر روی زمین با حکومت عدل، با عدالت کامل، با برتری انسانهای صالح و با کنار گذاشتن انسانهای پلید و خبیث، مزین و منوّر کند، این وعده ی کوچکی نیست. (۲)

گفتار دوّم.مهدویت در اسلام

مهدویت از امور مسلم اسلام

مسئله ی مهدویت در اسلام هم جزو مسلّمات است؛ یعنی مخصوص شیعه نیست. همه ی مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه ی حکومت حق و عدل به وسیله ی مهدی علیه الصّلاه و السّلام و عجّل الله فرجه است، قبول دارند. روایات معتبر از طرق مختلف، در مـذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله و از بزرگان نقل شـده است. بنابراین، هیـچ تردیدی در آن نیست. (۳)

همه ی مسلمانان، حقیقت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را از طریق روایات خدشه ناپذیری که از نبی اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم و اوّلیای دین رسیده است، قبول دارند. (۴)

ایـن عقیـده که همه ی مسـلمانان هم به آن معتقدنـد، مخصـوص شیعه نیست. البتّه در خصوصـیات و جزئیـاتش، بعضـی فِرَق، حرفهای دیگری دارنـد؛ امّا اصل اینکه چنین دورانی پیش خواهـد آمـد و یک نفر از خاندان پیامبر چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلًا

۱- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۲- . بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۱۲/۱/۱۳۶۷.

۳- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی

مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۴- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

کما ملئت جوراً و ظلماً»، بین مسلمانان متواتر است. همه، این را قبول دارند. خوب؛ این عقیده از آن عقاید بسیار کارگشاست. (۱)

آینده از آن اسلام است

من تردیدی ندارم که آینده متعلّق به اسلام است، آینده در قلمرو اسلام است و شما جوانها ان شاءالله به توفیق الهی آن روزی را که پرچم اسلام در همه ی این مناطق به اهتزاز دربیاید و یک مجموعه ی متّحد اسلامی مقتدر و با عزّت تشکیل بشود، خواهید دید. (۲)

موضع گیری برخی وهّابیون در قبال انکار مهدویت

مسئله ی مهدویت در اسلام، جزو واضحات است. من یادم نمی آید کسی از بزرگان و علمای اسلام- از شیعه و سنی -مسئله ی مهدویت را منکر شده باشد؛ پس این جزو واضحات اسلام است. این قدر از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله احادیث مسلّم و قطعی وجود دارد که جای بحث نیست. اخیراً کتابی دیدم که در عربستان منتشر شده است و بعضی از علمای سلفی و وهّابی آن را نوشته اند. در این کتاب حتّی دیدم بر کسانی که منکر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفهستند، طعن شدیدی زده اند. روایات مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از پیغمبر و بزرگان صحابه نقل کرده اند و بر مخالفان این قضیه طعن زده اند. (۳)

مهدویت در آیات ۱۷۱ تا ۱۷۳ سوره ی صافات

آیه ی کریمه ی قرآن میفرماید «ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انّهم لهم المنصورون و انّ جندنالهم الغالبون»؛این آیه اوّلاً ثابت میکند که در نهایت تاریخ بشریت دورانی وجود خواهد داشت که در آن دوران آرمان پیامبران و رسولان الهی محقّق خواهد شد. ثانیاً ثابت میکند که رسیدن به آن دوران به کمک جندالله خواهد بود. سپاهیان پروردگار و جنود خدایی تاریخ را و بشریت را کمک خواهند کرد که به آن دوران برسد. ثالثاً با یک نگاه هوشیارانه نشان خواهد داد که انقلاب ما، انقلاب اسلامی ایران، ما را یک مرحله ی اساسی به ظهور حضرت مهدی صلوات الله و سلامه علیه وعجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک کرده است... این آیه ما را به

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۲- . بیانات در اجتماع مردم گیلان غرب، ۲۳/۷/۱۳۹۰.

۳- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار دسته جمعی روزهای دوشنبه، ۳/۱۰/۱۳۷۵.

یک جامعه ی آرمانی نوید میدهد. «و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین»کلمه ی ما، سنّت و قانون ما، حکم بی تخلّف ما، از پیش برای بندگان مرسلمان صادر شده است؛ یعنی این یک قانون الهی است و در قرآن آمده است که «لامبدّل لکلمات الله» کلمات خدا تغییر نمیپذیرد.» کلمه به هر معنایی که در قرآن گرفته بشود، از جمله ی مصداقها و نمونه هایش قوانین و سنن لایتخلّف تاریخ است این یک سنّت است، یک قانون است، یک روال طبیعی برای جریان تاریخ انسان است که دنیای آمیخته ی به ظلم و نامردمی، و دنیایی که در آن بدی و زشتی و نابسامانی و ناهنجاری و کجی و کمی و کاستی هست، همین دنیا دارد می رود به طرف یک مقصد و یک عاقبتی که در آن عاقبت نه کمی و کاستی هست، نه ناهنجاری و ناصافی هست، نه ظلم و ستم هست، نه فقر هست، نه جهل هست، دنیایی که در آن انسان میتواند به راستی انسان زندگی کند و نه حیوان درّنده و وحشی و گزنده ای «سبقت کلمتنالعبادنا المرسلین » این یک قانونی است که در آفرینش مسجّل شده است و تغییرپذیر نیست.

این عاقبت چگونه عاقبتی است؟ دنباله ی آیه بیان میکند. «انهم لهم المنصورون و انّ جندنا لهم الغالبون» آن قانون این است که در نهایت پیامبران پیروز خواهند شد. این سلسله ای که در تاریخ همه ی ما میشناسیم به نام سلسله ی نبوّتها، و آدمهای کوته فکر خیال میکنند که نبی، رسولان و انبیا الهی در دنیا ناکام شده اند، نه، این سلسله پیوسته و قدم به قدم رو به تکامل بوده است و همین سلسله است که بالاخره به پیروزی کامل خواهد رسید. «وانّ جندنا لهم الغالبون» سپاهیان ما، جند ما،جنودالله، آنها هستند که غلبه خواهند کرد بر نیروهای مخالف و مخاصم با خودشان.

مقداری درباره انبیا بیاندیشیم. انبیا چه میگفتند و چه میخواستند تا ببینیم که آن عاقبتی که قرآن از آن خبر میدهد، آن عاقبت چگونه است. انبیاء دعوت به خیر و صلاح میکردند. در قرآن وقتی شما مطالعه کنید درسوره های متعدّی از قرآن صحبت از نوح علیه السلام و هود علیه السلام و لوط علیه السلام و پیغمبران بسیار باستانی و موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و پیامبر خود ما وقتی میشود، می بینیم که اوّلین دعوت پیغمبران دعوت به رستگاری انسان بوده است. پیغمبران میخواسته اند تا انسان رستگار بشود، رستگار شدن یعنی رها شدن، یعنی این غل وزنجیرهایی که بر دست و

پا و گردن انسان گذاشته شده است، این غلها و زنجیرها باز بشود، انسان آزادانه با شتاب معقول و طبیعی خودش بتواند رشد کند و وسیله ی این رستگاری از نظر قرآن و از نظر پیامبران خدا، توحید و اعتقاد به وحدانیت خداست. (۱)

مهدویت در آیه ی ۲۵ سوره ی حدید

اگر این آیه ی قرآن که درباره ی بعثت پیامبران میفرماید «لیقوم الناس بالقسط»؛ یعنی پیغمبران مبعوث شده اند تا قسط و عدل در جامعه ی بشری استوار بشود، اشاره به هدف بعثت میکند پس حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جامعه ی مهدوی همان جامعه ای است که این هدف را به طور کامل تأمین میکند. (۲)

مهدویت عامل جنبشهای اسلامی و شیعی

این امیدی که در دل یک انسان به وجود می آید، به برکت ایمان و اعتقاد و یقین به وجود منجی و به حضور منجی، خیلی دارای ارزش و قیمت است. یقیناً مایه ی حرکتهای بزرگ در جوامع اسلامی و در جوامع شیعی است. (۳)

مهدویت در آفریقا

کشورهای شمال آفریقا، گرایش بسیاری به اهل بیت علیهم السلام دارند. مذهبشان هر مذهبی از مذاهب اسلامی که هست باشد؛ امّا محبِّ اهل بیتند. در کشورهای سودان و مغرب و غیره عقیده ی به مهدویت خیلی پُررنگ است. (۴)

گفتار سوّم. مهدویت در تشیع

مشخّص بودن مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در شیعه(مهدی شخصی)

همه ی مسلمانان، حقیقت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریفرا از طریق روایات خدشه ناپذیری که از نبی اکرم (صلّی الله علیه و آله و سلّم) و اوّلیای دین رسیده است، قبول دارند؛ امّا این حقیقت در هیچ جای جهان

۱- . بیانات تحت عنوان انقلاب اسلامی ایران در تداوم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۷/۳/۱۳۶۰.
۲- . در مکتب جمعه، ج۳، ص ۲۵۰.
۳- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم السلام در روز نیمه ی شعبان، ۸ /۱۱/۱۳۷۲.
۴- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

اسلام، مثل محیط زندگی ملّت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهره ی درخشان و این روح پُرتپش و پُرامید را ندارد؛ این به خاطر آن است که ما به برکت روایات متواتره خودمان، شخص مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را با خصوصیاتش میشناسیم. مردم ما ولی الله اعظم و جانشین خدا در زمین و بقیه ی اهل بیت پیامبر علیهم السلام را با نام و خصوصیات می شناسند؛ از لحاظ عاطفی و فکری با او ارتباط برقرار میکنند؛ به او میگویند؛ به او شِکوه می برند؛ از او میخواهند و آن دوران آرمانی دوران حاکمیت ارزشهای والای الهی بر زندگی بشر را انتظار می برند. (۱)

خصوصیت اعتقاد شیعه در این مسئله، این است که یک موضوع کلّی را با همه ی خصوصیاتش، با معرّفی کامل شخص می شناسد، در ابهام نیست. (۲)

فقط مردم شیعه نیستند که منتظر مهدی موعود (سلام الله علیه) هستند، بلکه انتظار منجی و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متعلّق به همه ی مسلمانهاست. فرق شیعه با دیگران این است که شیعیان آن منجی را با نام و نشان، با خصوصیات گوناگون می شناسند؛ امّا دیگر مسلمانان که به منجی هم معتقدند، منجی را نمی شناسند؛ تفاوت، اینجاست؛ والّا اصل مهدویت مورد اتّفاق همه ی مسلمانهاست. (۳)

همه ی مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه ی حکومت حق و عدل به وسیله ی مهدی (علیه الصّلاه و السّلام و عجّل الله فرجه) است، قبول دارند. روایات معتبر از طرق مختلف، در مذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و از بزرگان نقل شده است؛ بنابراین، هیچ تردیدی در آن نیست. منتها امتیاز شیعه در این است که مسئله ی مهدویت در آن یک مسئله ی مبهم نیست؛ یک مسئله ی پیچیده ای که برای بشر قابل فهم نباشد، نیست؛ یک مسئله ی روشن است، مصداق واضحی دارد که این مصداق را میشناسیم، خصوصیاتی از او را میدانیم، پدران او را میشناسیم، خانواده ی او را میشناسیم، ولادت او را میشناسیم، جزئیات آن را خبر داریم. در این معرّفی هم باز روایات شیعه، تنهایی در صحنه نیستند؛ حتّی روایاتی از غیر طریق شیعه هم وجود دارد که

۱- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۲- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۱۵/۹/۱۳۷۷.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

همین معرفی را برای ما روشن میکند و باید کسانی که مال مذاهب دیگر هستند، توجّه کنند و دقّت کنند تا این حقیقت روشن را دریابند. (۱)

حضرت حجهبن الحسن علیه الصّلاه والسلام با آن خصوصیاتی که در روایات و احادیث اسلام چه قبل از ولادت و چه پس از ولادت پر برکتش برای آن حضرت معین شده همان مهدی موعودی است که مسلمین از پیامبر اکرم نقل کرده اند. (۲)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام موجود و زنده

انتظارِ یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله ی مهمی است. اینجور نیست که بگویند کسی متولّد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می بینند، همچنانی که او مردم را می بیند، منتها نمیشناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را میدیدند، بین آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه میرفت، ولی نمی شناختند. یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده ای؛ این کمک میکند به معنای انتظار. (۳)

خصوصیت اعتقاد ما شیعیان این است که این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است. حقیقت این است که شیعیان وقتی منتظر مهدی موعودند، منتظر آن دست نجات بخش هستند و در عالم ذهنیات غوطه نمیخورند؛ یک واقعیتی را جستجو میکنند که این واقعیت وجود دارد. حجّت خدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی میکند؛ مردم را میبیند؛ با آنهاست؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس میکند. انسانها هم، آنهایی که سعادتمند باشند، ظرفیت داشته باشند، در مواقعی به طور ناشناس او را زیارت میکنند. او وجود دارد؛ یک انسان واقعی، مشخّص، با نام معین، با پدر و مادر مشخّص و در میان مردم است و با آنها زندگی میکند. این، خصوصیت عقیده ی ما شیعیان است. (۴)

۱- . بیانات در جمع اساتید و فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۲- . در مکتب جمعه، ج۳، ص ۲۴۹.

۳- . بیانات در جمع اساتید و فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۴- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

شناخت کیفیت غیبت و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ما علاوه بر اعتقاد به اصل وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اینکه کسی خواهد آمد و دنیا را از عدل و داد پُر خواهدکرد، شخص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم می شناسیم و نام و کنیه و پدر و مادر و تاریخ ولادت و کیفیات غیبت و اصحاب نزدیک و حتّی بعضی از کیفیات هنگام ظهور او را نیز میدانیم. اگرچه آن شخصیت درخشان و خورشید تابان را در بیرون و محیط زندگی خود نمی بینیم و او را تطبیق نمیکنیم، امّا معرفت به حال او داریم. (۱)

مشخّص بودن تاریخ ولادت و والدین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ما، ولی و سید خود را، سرور و سالار عالمیان را که امام ما است، می شناسیم. پدر، مادر، تاریخ تولّد و قضایای ولادت مبارک او را میدانیم. کسانی این قضایا را با خبرهای صادق و موثّق نقل کرده اند، همه ی اینها برای ما روشن است؛ لذا ما میدانیم که عشق ما، دل ما و ایمان ما، متوجّه و متعلّق به کیست. (۲)

فرقی که ما شیعه ها، با دیگران و بقیه ی فِرَق اسلامی و غیر اسلامی داریم، این است که ما این شخص عظیم و عزیز را می شناسیم؛ اسمش را میدانیم؛ تاریخ ولادتش را میدانیم؛ پدر و مادر عزیزش را می شناسیم. (۳)

طولانی بودن عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

فرزند مبارک پاک نهاد امام حسن عسکری (علیه الصّلاه و السّلام)، تاریخ ولادتش معلوم است، مرتبطینش معلومند، معجزاتش مشخّص است و خدا به او عمر طولانی داده است و میدهد. (۴)

برکات مشخّص بودن مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در شیعه

ارتباط قلبی یکایک مردم مؤمن با مقام ولایت عظما و ولی الله اعظم، یکی از برکاتی است که از

۱- . سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارکنان وزارتخانه های بازرگانی، کشاورزی، اطلاعات...وجمعی از خانواده های معظّم شهدا و جانبازان، در خجسته سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۲- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، در روز نیمه ی شعبان، ۱۴/۹/۱۳۷۷.

۳- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۴- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

مشخّص بودن مهدی موعود(عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) در عقیده ی مردم ما ناشی میشود. (۱)

ما این شخص عظیم و عزیز را می شناسیم... به همین دلیل است که توسّ‍لات شیعه، زنده تر، پُرشورتر، با معناتر و با جهت تر است. (۲)

این حقیقت(مهدویت)، در هیچ جای جهان اسلام، مثل محیط زندگی ملّت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهره ی درخشان و این روح پرتپش و پرامید را ندارد. این به خاطر آن است که ما، به برکت روایات متواتره ی خودمان، شخص مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را با خصوصیاتش می شناسیم. (۳)

گفتار چهارم. مهدویت و شناخت تکلیف

مهدویت معیاری برای شناخت وظیفه

وظایفی بر عهده ی ماست؛ هم ما به عنوان دولت و حکومت، هم ما به عنوان یک فرد مسلمان. امّا این وظایف یک مبنای فکری دارد. خصوصیت تفکر اسلامی و مکتب اسلامی و دینی این است. اگر از این بحث میکنیم که باید آزادی باشد، یا انتخاب و اختیار در جامعه برای مردم وجود داشته باشد، یا هر یک از سیاستهای عمومی و کلّی را مورد بحث قرار می دهیم، برای هرکدام از اینها مبنایی وجود دارد. اگر از ما بپرسند چرا مردم باید حق رأی داشته باشند، یک استدلال فکری و منطقی پشت سرش وجود دارد؛ معلوم است چرا. همه ی آنچه که در زمینه ی برنامه ریزیها، خطوط اصلی برنامه ها را تشکیل میدهد، یک سر این برنامه های اصلی وصل است به آبشخور اندیشه ی اسلامی، جهان بینی اسلامی، تلقّی و برداشت اسلامی؛ که این ایمان ماست، اعتقاد ماست، دین ماست؛ براساس آن برداشت و آن تلقّی است که وظایف خودمان را مشخّص میکنیم و میخواهیم به آنها عمل کنیم. آن مبنای فکری چیست؟ به طور کوتاه و خلاصه از اینجا باید شروع کنیم و ببینیم که آن خطوط اصلی تلقّی و بینش اسلام از کائنات، از عالم و از انسان چیست؛ البتّه این مخصوص اسلام هم نیست. همه ی ادیان اگر تحریف نشده باشند، در مبنای صحیح و ریشه ی اصلی خودشان همین بینش را دارند. اسلامِ سالم و دست نخورده و متّکی به منابع متقن، در اختیار ماست. بقیه ی ادیان

۱- . سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارکنان وزارتخانه های بازرگانی، کشاورزی، اطلاعات...وجمعی از خانواده های معظّم شهدا و جانبازان، در خجسته سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۲- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۳- . سخنرانی در خطبه های نماز جمعه، ۶/۴/۱۳۵۹.

ممکن است این خصوصیات را نداشته باشند.

آن مجموعه ی معارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما از آنها به دست می آید یعنی جهان بینی و بینش اسلامی فصول متعدّدی دارد؛ همه هم در عمل و اقدام فرد و دولت دارای تأثیر است؛ که من پنج نقطه ی مؤثّرتر و مهم تر را انتخاب کرده ام و عرض میکنم:

از این پنج نقطه، یکی توحید است...

رکن دوّم، تکریم انسان است...

سوّمین نقطه ی اصلی و اساسی در جهان بینی اسلامی، مسئله ی تداوم حیاتِ بعد از مرگ است...

چهارمین نقطه ی اصلی این جهان بینی، عبارت است از استعداد بی پایان انسان در دارا بودن تمام چیزهایی که برای تعالی کامل انسان لازم است...

آخرین نقطه ای که در این زمینه از بینش اسلامی عرض میکنم، این است که از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این بروبرگرد هم ندارد. همان طور که یکبار به اشاره گفتم و الآن هم جز به اشاره نمیتوانم بگویم، چون مجال تفصیل نیست. همه ی انبیاء و اوّلیاء آمده اند تا انسان را به آن بزرگ راه اصلی ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش میتواند بُروز کند. انبیاء و اوّلیاء این مردم گمگشته را مرتّب از این کوه و کمر و دشتها و کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه ی شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی عصر أرواحنا فداه محقّق خواهد شد؛ لیکن همه ی این تلاشها اصلًا براساس این بینش است که نهایتِ این عالم، نهایتِ غلبه ی صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ امّا بروبرگرد ندارد. قطعاً این طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه میکنند. این هم یک نقطه از نقاط جهان بینی اسلامی است که در آن هیچ گونه تردیدی نیست.

حال براساس اینها یک نتایج عملی به دست می آید و وظایفی بر عهده ی انسانهایی که معتقد به این مبانی اند، قرار میگیرد. فرق نمیکند؛ چه حکومت اسلامی باشد و حاکمیت و قدرت در دست اهل حق باشد، چه حکومت اسلامی نباشد. فرض کنید مثل دوران حکومت طاغوت باشد، یا انسانی باشد

که در بین کفّار زندگی میکند، این وظایفی که عرض میکنم، در هر دو حالت بر دوش یکایک انسانها هست.

این وظایف چیست که اینها نتایج عملی آن بینش است؟ من چند نقطه از این وظایف را یادداشت کرده ام که در اینجا مطرح میکنم:

یک وظیفه عبارت است از عبودیت و اطاعت خداوند...

دوّم، هدف گرفتن تعالی انسان است...

سوّم، ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی، اگر باهم تعارض پیدا کردند...

چهارم، اصل مجاهدت و تلاش و مبارزه است...

پنجمی و آخری، امید به پیروزی در همه ی شرایط است؛ به شرط آنکه جهاد فی سبیل الله باشد. کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود...

اینها وظایف یک انسان به عنوان یک فرد و وظایف یک مجموعه به عنوان حکومت است. عرض کردم، اینها مخصوص دوران قدرت نیست که چون امروز حکومت در دست مجموعه ی مؤمنین بالله و مؤمنین به اسلام است، ما این وظایف را داریم. آن وقتی هم که قدرت در دست این مجموعه نبود، در دست دشمنانشان بود، در دست طاغوت بود، در دست مفسدین فی الأرض بود، همه ی این وظایف وجود داشت. بعضی عمل میکردند، بعضی عمل نمیکردند؛ بعضی بیشتر عمل میکردند، بعضی کمتر عمل میکردند. این وظایف الآن هم بر عهده ی همه ی مسلمانهاست؛ البتّه بعضی وظایفشان بیشتر است، بعضی کمتر است. وظیفه ی اصلی همه ی انبیاء و ائمّه و اوّلیاء این بوده است که مردم را به همین وظایف آشنا کنند؛ چه در دورانی که می توانستند قدرت را کسب کنند، بگویند بروید مجاهدت کنید و قدرت را به دست آورید و این گونه اداره کنید چه آن وقتی که نمی شد قدرت را به دست بیاورند. همه هم تلاش و مبارزه کرده اند؛ «و کأین من نبی قاتل معه ربّیون کثیر». جنگ و مبارزه ی سیاسی و معارضه ی با دشمنان، چیزی نیست که اوّل بار در اسلام آمده باشد؛ نه. در زمان پیغمبران گذشته انبیای بزرگ الهی، از زمان ابراهیم علیه السلام به این طرف هم بوده است. شاید قبل از ابراهیم هم بوده که من اطّلاعی ندارم؛ بنابراین، این وظایف، وظایفی است که انبیاء ما را به آن سمت میکشانند. البتّه در حکومت حق، در آنجایی که قدرت در دست بندگان

خـدا، مـؤمنین بـالله و مـؤمنین بـه سبیـل الله قرار دارد، ایـن وظیفه سـنگین تر است. چرا؟ چـون توانـایی شـما به عنـوان جزیی از مجموعه ی حکومتِ دولت، بـا توانـایی فردی مثل شـما در بهترین حالات حکومت طاغوت قابل مقایسه نیست. فرض کنیم در حکـومت طـاغوت، آن اختنـاق و آن شـدّتها و آن گمراهی هـا و آن اضـلال وسایـل ارتبـاط جمعی و... وجـود نداشـته باشـد؛ امکانات بدهنـد و معارضه ی آنچنانی هم نکنند؛ از قدرتشان علیه شـما هم اسـتفاده نکنند. وضع کنونی یعنی وضع وجود یک قدرت اسلامی شاید هزار مرتبه از بهترین حالاتی که در حکومت طاغوت ممکن است یک فرد برای ترویج و پیگیری و تحقّق آرمانهای الهی داشته باشد، بهتر باشد. پس بایستی این را قدر دانست. (۱)

مهدویت نقشه ی راه جهانی

جامعه مهدوی، یعنی آن دنیایی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می آید تا آن دنیا را بسازد , همان جامعه ای است که همه پیـامبران برای تـأمین آن در عـالم ظهور کردنـد . یعنی همه پیغمبران مقـدمه بودنـد تـا آن جـامعه ایـده آل انسـانی که بالاخره بوسیله ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در این عالم پدید خواهد آمد و پایه گذاری خواهد شد , بوجود بیاید . مانند یک بنای مرتفعی که کسـی می آید زمین آن را تسـطیح می کند و خار و خاشاک را از آن می کنـد , کس دیگری پس از او می آیـد و زمین را برای پایه ریزی(آماده) می کند و گود می کند و کس دیگری پس از او می آیـد تا پایه ها را شالوده ریزی کنـد و بلنـد کنـد و کس دیگری پس از او می آیـد تا دیوارها را بچیند و یکی پس از دیگری مأموران و مسؤولان می آینـد تا این کاخ مرتفع , این بنیان رفیع به تدریـج در طول زمان ساخته و پرداخته بشود. انبیاء الهی از آغاز تاریخ بشـریت یکی پس از دیگری آمدند تا جامعه را و بشـریت را قدم به قدم به آن جامعه آرمانی و آن هدف نهائی نزدیک کنند. (۲)

در هدف گیری و نشانه گرفتن برای دورخیزهای تاریخی، باز مسئلهِ ی مهدویت نقش دارد. (۳)

۱- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۲/۹/۱۳۷۹.

۲- . در مکتب جمعه، ج۲، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۳- . دیـدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضـرت مهـدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف و مرکز تخصصـی مهـدویت قم، ۲۰ /۲/۱۳۸۲.

بخش سوّم: آثار و برکات مهدویت

اشاره

مطلب اوّل. اطمینان و قوت قلب

ملّت ها حرکت نمیکنند؛ چون احساس ضعف میکنند. ملّت فلسطین ده ها سال ساکت و آرام نشسته بود؛ چون احساس میکرد نمیتواند. آن روزی که فکرِ توانستن در ملّت فلسطین به وجود آمد، قیام کرد و با این قیام، این همه موفّقیت را به دست آورده است. رنج میبرد؛ امّا دارد پیش میرود. فرق است بین ملّتی که حرکتی نمیکند، سیلی هم نمیخورد؛ امّا روزبه روز عقب می نشیند؛ روزبه روز بدبخت تر و زیرِدست تر میشود، دلش هم خوش است که من سیلی نمیخورم، با آن ملّتی که سختی راه را تحمّل میکند، پایش به سنگ می خورد، خونی هم میشود؛ امّا در راهِ به سمت موفّقیت، به سمت سرمنزل سعادت، به سمت عزّت، پیش میرود. ملّت فلسطین امید پیدا کرد، حالاـ حرکت میکند و جلو میرود و این حرکتِ به جلو تا هر وقت که وجود داشته باشد، باعث میشود که درهای فرج به روی آنها باز باشد؛ و راه قطعه قطعه طی خواهد شد تا ان شاءالله به هدف نهایی شان برسند. احساس ضعف برای یک ملّت، خیلی احساس خطرناك و سم مهلکی است. یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان میکند؛ احساس قوت قلب میکند؛ احساس قدرت میکند. (۱)

مطلب دوّم. امیدزایی در فرد

رابطه قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امید و انتظار را به طور دائم در دل آنها زنده نگه میدارد و این خود، یکی از پر برکت ترین حالات انسانی است. (۲)

اعتقاد به مهدویت، به وجود مقدّس مهدی موعود – ارواحنا فداه – امید را در دلها زنده میکند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمیشود؛ چرا؟ چون میداند یک پایان روشن حتمی وجود دارد... سعی میکند که خودش را به آن برساند. (۳)

دو نقطه ی برجسته ای که در انتظار ما و جشن گیری ما برای نیمه ی شعبان وجود دارد، یکی مسئله ی امیدزایی است که نوید این ولادت و آینده ای که بر اثر این ولادت، دنیای بشر در انتظار آن است. (۴)

۱- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۸۴.

۲- . دیدار مردم با رهبر انقلاب در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۴- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت و در آستانه ی نیمه ی شعبان، ۴/۶/۱۳۸۶.

مطلب سوّم. امیدواری اجتماعی

در قضیه ی ولادت آن بزرگوار و اعتقادی که به این حقیقت است، اگر انسان در دو ناحیه و در دو جهت جستجو کند، آثار عظیمی را مشاهده میکند...

جهت و وجهه ی دوّم عبارت است از میدان زندگی اجتماعی و عمومی و آنچه مربوط به سرنوشت بشر و ملّتهاست. در این زمینه، اعتقاد به قضیه ی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موضوع ظهور و فَرَج و انتظار، گنجینه ی عظیمی است که ملّتها میتوانند از آن بهره های فراوانی ببرند. شما کشتی ای را در یک دریای توفانی فرض کنید! اگر کسانی که در این کشتی هستند، عقیده داشته باشند که اطرافشان تا هزار فرسنگ، هیچ ساحلی وجود ندارد و آب و نان و وسایل حرکت اندکی داشته باشند، چه کار میکنند؟ آیا هیچ تصوّر میشود که اینها برای آنکه حرکت کنند و کشتی را پیش ببرند، تلاشی بکنند؟ نه؛ چون به نظر خودشان، مرگشان حتمی است. وقتی انسان مرگش حتمی است، دیگر چه حرکت و تلاشی باید بکند؟ امید و افقی وجود ندارد.

یکی از کارهایی که میتوانند انجام دهند، این است که در این مجموعه ی کوچک، هرکس به کار خودش سرگرم شود. آن کسی که اهل آرام مردن است، بخوابد تا بمیرد و آنکه اهل تجاوز به دیگران است، حقّ دیگران را بگیرد تا آنکه چند ساعتی بیشتر زنده بماند. طور دیگر هم این است که کسانی که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی شان ساحلی وجود دارد. اینکه آن ساحل دور و یا نزدیک است و چقدر کار دارند تا به آن برسند، معلوم نیست؛ امّا قطعاً ساحلی که در دسترس آنهاست، وجود دارد. این افراد چه کار میکنند؟ تلاش میکنند که خود را به آن ساحل برسانند و اگر یک ساعت هم به آنها وقت داده شود، از آن یک ساعت برای حرکت و تلاش صحیح و جهت جهت دار، استفاده خواهند برد و فکرشان را روی هم خواهند ریخت و تلاششان را یکی خواهند کرد تا شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند.

امید، چنین نقشی دارد. همین قدر که امیدی در دل انسان به وجود آمد، مرگ بالهای خود را جمع میکند و کنار می رود. امید موجب میشود انسان تلاش و حرکت کند، پیش ببرد، مبارزه کند و زنده بماند. فرض کنید ملّتی در زیر سلطه ی ظالمانه ی قدرت مسلّطی قرار دارد و هیچ امیدی هم ندارد. این ملّت مجبور است تسلیم شود. اگر تسلیم نشد، کارهای کور و بی جهتی انجام میدهد. امّا اگر این ملّت و جماعت، امیدی در دلشان باشد و بدانند که عاقبتِ خوبی حتماً وجود دارد، چه میکنند؟

طبیعی است که مبارزه خواهند کرد و مبارزه را نظم خواهند داد و اگر مانعی در راه مبارزه وجود داشته باشد، آن را برطرف خواهند کرد.

بشریت در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مثل همان سرنشینان یک کشتی توفان زده، همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان و ستمگران و قوی دستان و مسلّطین بر امور انسانهای مظلوم بوده است. امید، موجب میشود که انسان به مبارزه بپردازد و راه را باز کند و پیش برود. وقتی به شما میگویند انتظار بکشید، یعنی این وضعیتی که امروز رنجتان میدهد و دلتان را به درد می آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسانْ حیات و نشاط پیدا میکند! این، نقش اعتقاد به امام زمان صلوات الله علیه و أرواحنا فداه است. این، نقش اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این عقیده است که شیعه را تا امروز، از آن همه پیچ وخمهای عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمد الله پرچم عزّت و سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملّت مسلمان و شیعه ی ایران است. هرجا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد... ملّتی که به خدا معتقد و مؤمن و متّکی است و به آینده امیدوار است و با پرده نشینان غیب در ارتباط است؛ ملّتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی میدرخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمیشود و با این حرفها، از میدان خارج نمیگردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویتِ مهدی علیه آلاف التّحیه و الثناء است. عقیده به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریفهم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. این را باید قدر دانست. (۱)

خود این عقیده(مهدویت) نیز آثار و خصوصیاتی دارد که این خصوصیات برای همه ی ملّتها و برای ملّت مسلمان ما، حیات بخش است و عمده این خصوصیات و آثار هم، عبارت است از امید به آینده. امروز هر فرد شیعه، میداند که در یک آینده ای - آن آینده، ممکن است خیلی نزدیک باشد، ممکن است دوردست باشد، به هر حال قطعی است - این بساط ظلم و بی عدالتی و زورگویی، که امروز در دنیا هست، برچیده خواهد شد. میداند که این وضعی که مستکبران در دنیا به وجود آورده اند - که هر کسی حرف حقّی بزند و راه حقّی را دنبال کند، از طرف آنها مورد فشار قرار میگیرد و اراده ی فاسد خودشان را بر ملّت ها تحمیل میکنند - یک روزی از بین خواهد رفت و گردن کشان، طاغیان، یاغیان و قدرت های زورگوی عالم، ناگزیر خواهند شد که در مقابل حقّ، تسلیم

۱- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

بشوند یا از سر راه حرکت حق، برداشته بشوند هر فرد مسلمان – به خصوص هر فرد شیعه - این را میداند و به آن یقین دارد. این خیلی امیدبخش است. این موجب میشود که هر انسان خیرخواه و مصلح و علاقه مند به صلاح، کار و تلاش و مجاهدت خود را در راه صلاح، با امید به آینده انجام بدهد. ببینید این عقیده چقدر ارزش مند، دارای تأثیر و حیات بخش است. (۱)

چند خصوصیت در این عقیده ی مهدویت هست، که این خصوصیات برای هر ملّتی، در حکم خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، امید است. (۲)

مجموعه ی بزرگی از نخبگان که سررشته ی کار در دنیا در دست آنهاست، اسیر یأس و ناامیدی اند و این یأس و ناامیدی را به ملّتهای خود سرریز میکنند و آنها را از اینکه بتوان نقشه ی ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس میکنند. بدیهی است که انسانهای مأیوس نمیتوانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسانها را وادار به کار و حرکت میکند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دلها را سرشار از نور امید میکند. برای ما که معتقد به آینده حتمی ظهور مهدی موعود علیه السّلام هستیم، این یأسی که گریبان گیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی معناست. ما میگوییم نخیر، میشود نقشه ی سیاسی دنیا را عوض کرد؛ میشود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکانپذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملّتی معتقد است نقشه ی ظالمانه و شیطانی امروز در کلّ عالم قابل تغییر است، آن ملّت شجاعت می یابد و احساس میکند دست تقدیر، تسلّط ستمگران را برای همیشه به طور مسلّم ننوشته است. (۳)

شرط اوّل یک مبارزه امید است و مسئله ی وجود یک دنیای آنچنانی و یک دوره ی عدل همگانی، بزرگترین امید برای انسانهایی است که به این مسئله معتقدند؛ لذا اعتقاد به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اعتقاد به اینکه یک روز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد یک وسیله ی حرکت، یک عامل عمده ی نشاط و نیروی همه ملّتهایی است که به این مسئله عقیده دارند. (۴)

۱- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۱۵/۹/۱۳۷۷.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/ ۰۷/۱۳۸۱.

۴- . بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۱۲/۱/۱۳۶۷.

مطلب چهارم. تقویت اراده

نَفسِ وجود این پشتوانه ی عظیم(مهدویت)، هر انسانی را چنان مستحکم میکند که میتواند در همه ی میدانهای دشوار وارد شود. اساس قضایای دنیا هم همین است. در هر جایی که شما می بینید ملّتی، جمعیتی، جبهه ای پیروز شده، اساس اش همان استحکام درونی است. ظواهر، جسم، سلاح،... همه، ابزار و وسیله اند، مهم این است که آن کسی که باید این ابزار را به کار ببرد، کیست. اگر او یک انسان با اراده، مصمّم، آگاه، با روحیه باشد، پیروز میشود. (۱)

مطلب پنجم. تکامل دهنده ی روح

اوّل، از جهت معنوی و روحی و تقّرب الی الله و جهات تکامل فردی انسان است. کسی که اعتقاد به این مسئله دارد، چون با مرکز تفضّلات الهی و نقطه ی اصلی و کانون اشعاعِ رحمت حق، رابطه ای روحی برقرار میکند، توفیق بیشتری برای برخورداری از وسایل عروج روحی و تقرب إلی الله دارد. به همین خاطر است که اهل معنا و باطن، در توسّلات معنوی خود، این بزرگوار را مورد توجّه و نظر دائمی قرار میدهند و به آن حضرت توسّل میجویند و توجّه میکنند. نفسْ پیوند قلبی و تذکر و توجّه روحی به آن مظهر رحمت و قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد میدهد و وسیله ی پیشرفت انسان را- روحاً و معناً- فراهم میکند.

این، یک میدان وسیع است. هرکس که در باطن و قلب و دل و جان خود، با این بزرگوار مرتبط باشد، بهره ی خودش را خواهد برد. البتّه، توجّه به کانون نور، باید توجّه حقیقی باشد. لقلقه ی زبان در این زمینه، تأثیر چندانی ندارد. اگر انسان، روحاً متوجّه و متوسّل شد و معرفت کافی برای خود به وجود آورد، بهره ی خودش را خواهد برد. این، یک میدان فردی و تکامل شخصی و معنوی است. (۲)

مطلب ششم. عامل خودباوری

امام مهدی (علیه الصّلاه و السّلام و أرواحنا فداه) ذخیره ی امید بشریت است. اگر این امید در دل انسان وجود داشته باشد، به نظر او قدرت نمایی صوری قدرتمندان، پوچ و حضور قدرت مندانه آنها در عرصه های بازیگری جهانی در خور استهزاء خواهد آمد؛ حقیقت قضیه هم همین است. (۳)

۱- . سخنان مقام معظّم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۲۰ /۲/۱۳۸۲.

۲- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۳- . بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی علیه السلام، ۲/۱۰/۱۳۸۳.

مطلب هفتم. رمز پیشرفت

هرچه دلها با مقوله ی مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس تر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود. (۱)

یکی از خصوصیاتی که در حقیقتِ انتظار گنجانده شده است، این است که انسان به وضع موجود، به اندازه ی پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواهد روزبه روز این پیشرفت را، این تحقّق حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند. (۲)

او، در میان مردم حضور دارد و مردم با توجّه و توسّل به او، ان شاءالله راه رشد و هدایت و فتح و پیروزی را به دست خواهند آورد. (۳)

مطلب هشتم. شفابخش دردها

ایمان و عقیده ی قلبی، به وجود این منجی عظیم عالم، شفابخش بسیاری از بیماریها و دردهای معنوی و روحی و اجتماعی است. (۴)

مطلب نهم. ایجاد روحیه ظلم ستیزی

اوّلین درس عملی از این موضوع(مهدویت) این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است. این، مطلب بسیار مهمّی است که نسلهای بشری امروز معتقد نباشند که در مقابل ظلم جهانی، نمیشود کاری کرد. امروز وقتی ما با نخبگان سیاسی دنیا از ظلمهای مراکز قدرت بین المللی و سیستم جهانی ظلم - که امروز به سرکردگی استکبار در همه ی دنیا وجود دارد - صحبت میکنیم، می بینیم آنها میگویند بله؛ چیزی که شما میگویید، درست است؛ واقعاً ظلم میکنند؛ امّا کاری نمیشود کرد! یعنی مجموعه ی بزرگی از نخبگان که سررشته ی کار در دنیا در دست آنهاست، اسیر یأس و ناامیدی اند و این یأس و ناامیدی را به ملّتهای خود سرریز میکنند و آنها

۱- . بیانات در جمع اساتید و فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۲- . همان.

۳- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۴- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

را از اینکه بتوان نقشه ی ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس میکنند. بدیهی است که انسانهای مأیوس نمیتوانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسانها را وادار به کار و حرکت میکند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دلها را سرشار از نور امید میکند. برای ما که معتقد به آینده ی حتمی ظهور مهدی موعود علیه السّلام هستیم، این یأسی که گریبانگیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی معناست. ما میگوییم نخیر، میشود نقشه ی سیاسی دنیا را عوض کرد؛ میشود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکانپذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملّتی معتقد است نقشه ی ظالمانه و شیطانی امروز در کلّ عالم قابل تغییر است، آن ملّت شجاعت می یابد و احساس میکند دست تقدیر، تسلّط ستمگران را برای همیشه به طور مسلّم ننوشته است.

امروز دستگاه های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکرانِ وابسته به آنها، در سطح عالم این طور تبلیغ میکنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه ی کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمان گرایی مبارزه میکنند و می خواهند ملّتها را متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونی ظالمانه دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقطه ی مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملّت ما با اعتقاد به ظهور مهدی علیه الصّلاهوالسّلام این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش میدهند که نظم ظالمانه ی جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ میشود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد. (۱)

مطلب دهم. به وجود آورنده ی روح مجاهده و مبارزه

ایمان و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مانع از تسلیم شدن است و ملّت های با ایمانی که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس میکنند، از حضور او امید و نشاط میگیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت میکنند و با تکیه بر همین امید درخشان بود که ملّت بزرگ ایران، پرچم اسلام را به اهتزاز درآورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد. (۲)

عقیده به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نمیگذارد مردم تسلیم بشوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند.

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/ ۰۷/۱۳۸۱.

۲- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۱۶/۱۰/۱۳۷۴.

وقتی که این عقیده به طور حقیقی در دلها جا بگیرد، حضور امام غایب در میان مردم حس میشود. (۱)

روح انتظار است که به انسان تعلیم میدهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنی ندارد و اگر اطمینان به آینده هم نباشد، انتظار معنی ندارد. (۲)

در دنیا، قدرتها عالم را بین خودشان تقسیم کرده بودند و روزبه روز تسلّط و تصرّف قدرتهای بزرگ نسبت به مناطق گوناگون عالم، سخت تر و سنگینتر شده است. مثلاً امروز دخالت قدرت شیطانی و طاغوتی امریکا در زندگی ملّتها، از همیشه بیشتر است. در همه ی شئون عمده و اساسی ملّتها دخالت میکنند و این دخالت، منحصر به مسایل اقتصادی ملّتها نیست؛ بلکه در فرهنگ و سیاست و اداره ی امور و تعیین مدیران امور کشورها نیز دخالت میکنند. اگر کسانی در جوامع گوناگون اوضاع را نفهمند و ندانند، راحت زندگی میکنند؛ امّا صاحبان فکر و افراد هوشمند و روشنفکر و کسانی که میفهمند قدرتهای طاغوتی با زندگی و سرنوشت آنها چه میکنند، حقیقتاً دنیا برای آنها تیره و تار است و زندانی بیش نیست. «ضاقت علیهم الارض بما رحبت».حقیقتاً انسانهای هوشمند در بسیاری از مناطق دنیا، این گونه زندگی میکنند. اگر در دلها امید به روزگار روشن باشد، مبارزه ممکن است و اگر امید بمیرد، مبارزه و حرکت به سمت صلاح هم خواهد مرد. (۳)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت یک الگوست برای مؤمنینِ به امام زمان. آن حضرت با کفر میجنگد ما هم دنباله رو و شیعه ی او هستیم باید با کفر بجنگیم. آن حضرت برای عدالت زحمت میکشد و مجاهدت میکند ما هم که مأموم او هستیم و دنباله رو او هستیم، باید برای گسترش عدالت مجاهدت کنیم. ما هم که دنباله رو او و معتقد به او هستیم باید تا حدّی که قدرت ما اجازه میدهد و در توان ماست در گوشه ای از دنیا یا هر چه بشود، پرچم اسلام را برافراشته کنیم. فاصله ی میان ما و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای فاصله ی یک امام و مأموم است، یک پیشرو و دنباله رو است. حرکت امام زمان علیه الصلاهوالسلام به هرسمتی هست حرکت شیعیان او و علاقه مندان او و دنباله روان او هم به همان سمت خواهد بود. (۴)

۱- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۱۹/۱۰/۱۳۷۴.

۲- . بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان... و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۳- . همان.

۴- . بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۱۲/۱/۱۳۶۷.

مطلب یازدهم. عامل مقاومت و استقامت

اتّکا به خدای متعال و اعتقاد به نگاه رئوفانه و پدرانه ی حضرت بقیهالله (ارواحنافداه) به ملّت، این تأثیر بزرگ را در زندگی ما و در رفتار ما دارد که ما را با قوّت قلب در مقابل امواج گوناگون وادار به استقامت میکند. (۱)

اگر ملّتی مثل ملّت مبارز و رشید ایران باشد و میدانهای مبارزه را تجربه کرده و این همه شهید داده باشد و از دریاهای خون عبور کرده باشد و زن و مردش در میدانهای خطر، مثل شیر غرّیده باشند؛ امریکا اگر پا جلو بگذارد، این ملّت آنچنان با مشت به دهانش خواهد کوبید که از او چیزی باقی نمانَد. ملّتی که به خدا معتقد و مؤمن و متّکی است و به آینده امیدوار است و با پرده نشینان غیب در ارتباط است؛ ملّتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی میدرخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمیشود و با این حرفها، از میدان خارج نمیگردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویتِ مهدی علیه آلاف التّحیه والثناء است... عقیده به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نمیگذارد مردم تسلیم شوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند. (۲)

مطلب دوازدهم. ایجاد نشاط و شادابی زندگی

وقتی به شما میگویند انتظار بکشید؛ یعنی، این وضعیتی که امروز شما را رنج میدهد و دلتان را به درد می آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسان، حیات و نشاط پیدا میکند. این، نقش اعتقاد به امام زمان - صلوات الله علیه و ارواحنا فداه - است. این نقش اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف میباشد. (۳)

دو نوع زندگی برای آحاد بشر وجود دارد. یک زندگی، زندگی برای نیازهای مادّی شخص است....این گونه زندگی کردن، خصوصیت تلخی دارد...نوع دوّم زندگی این است که انسان برای هدفی زندگی کند؛ هدفی که از خود او بیرون باشد. نمیگویم این هدف، همیشه الهی باشد. حتّی اگر این هدف، مادّی هم باشد، امّا مربوط به کلّ جامعه یا برای بشریت باشد...در این نوع زندگی

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۲- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۳- . همان.

هرچه میگـذرد، انسان احساس میکنـد که عمرش تلف نشـده است؛ چون برای یک هدف عالی زحمت کشـیده است. اگر این هدف یک هدف الهی باشد، به بشـریت برگردد، به آرمانهای خدایی برگردد، به صلاح و خیر بشر برگردد، به استقرار عدالت و به مبارزه با ظلم و جور مربوط شود، احساس میکنـد که به هدف نزدیکتر شده است. در پایان راه هم وقتی به پشت سر خود نگاه میکند، میبیند فرسنگها به هدف نزدیک شده است؛ لذا حسرت ندارد و احساس لذّت میکند. (۱)

راه ما راهی طولانی است؛ امّا آینـده ی ما هم بسـیار روشن و جـذّاب خواهـد بود. نگاه به آن آینده، خسـتگی راه را میزداید و ایمان به آن، تردیدها و تزلزلها را از بین میبرد. (۲)

مطلب سیزدهم. بالا رفتن همّت اجتماعی

در هـدف گیری و نشـانه گرفتن برای دورخیزهـای تاریخی، باز مسـئله ی مهـدویت نقش دارد. میان آن ملّتی که برای خودش آینـده ای نمیبینـد و فکر میکنـد که بالاـخره موج فسـاد، دنیـا را روزبه روز بیشتر میگیرد. مـا هم چنـد صـباحی محض تکلیف، مقاومتی هم میکنیم، امّا آخرش چه؟ و آن ملّتی که میدانـد این مقاومت، ایجاد یک گام بلنـد به سـمت آن آینـده ای است که خدای متعال وعده داده که برای بشـریت پیش می آید، آن هم نه یک وعده ی مبهم بلکه یک وعدهِ روشن، فرق هست. رهبر آن ماجرا هم مشـخّص است که چه کسـی است. او، حی و حاضـر و زنده است، و دل او، متصل به ملأ اعلا و غیب است. ملّتی که به چنین چیزی اعتقاد دارد، ببینید که برای چه اهدافی دورخیز میکند و چه طور همّتش بالا میرود! (۳)

مطلب چهاردهم. عامل وحدت در بشریت

اسـلام به مـا آموخته است که انسانهـا بـا وجود نـاهمگونی های نژادی و زبانی و فرهنگی، فطرت همسانی دارنـد که آنها را به پاکی و عـدالت و نیکوکاری و همـدردی و همکاری فرا میخوانـد و همین سـرشت همگانی است که اگر از انگیزه های گمراه کننـده به سـلامت عبور کنـد، انسانهـا را به توحیـد و معرفت ذات متعـالی خداونـد رهنمون میگردد. این حقیقت تابناک دارای چنان ظرفیتی است که

۱- . بیانات در دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی، ۱۹/۱۱/۱۳۷۱.

۲- . بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۶/۱۲/۱۳۸۱.

۳- . دیـدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضـرت مهـدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف و مرکز تخصصـی مهـدویت قم، ۲۰ /۲/۱۳۸۲.

قادر است پایه و پشتوانه ی تشکیل جوامع آزاد و سرافراز و برخوردار از پیشرفت و عدالت - توأماً - گردد و شعاع معنویت را بر همه ی فعّالیتهای مادّی و دنیایی انسانها نفوذ دهد و بهشتی دنیایی - پیش از بهشت اخروی موعود ادیان الهی - برای آنان فراهم آورد. و نیز همین حقیقت مشترک و همگانی است که میتواند شالوده ی ریز همکاریهای برادرانه ی ملّتهایی باشد که از نظر شکل ظاهری و سابقه ی تاریخی و منطقه ی جغرافیایی، شباهتی به یکدیگر ندارند. (۱)

مطلب پانزدهم. عامل بیداری اسلامی

چه کسی باور میکرد که در دنیای قرن بیستم، با این همه تلاش ضدّ دین، در این نقطه ی حسّاس عالم، نظامی بر مبنای دین تشکیل بشود و رهبری امّت اسلام به دست آن قائد عظیم الشّأن و روحانی بیافتد؟...چه کسی گمان میکرد که در کشورهای اسلامی، نهضتهای اسلامی آنچنان پا بگیرند و بیداری ملّتها آن قدر بشود که در کشوری مثل الجزایر، مردم با رأی خودشان در انتخابات، اسلام را انتخاب بکنند و اسلام پیروز بشود و منادیان دمکراسی غربی، با آن انتخابات، مخالفت و دشمنی بکنند؟ امّا شد...اگر همین اتّحاد و ایمان و ایستادگی در میدانهای انقلاب و همین وفاداری به خطّ امام عظیم الشّأن و همین نترسیدنِ از استکبارِ مسلطِ جهان خوار را ادامه بدهید، به فضل پروردگار همه ی هدفهای دیگر شما هم برآورده خواهد شد...این همان امیدی است که در جریان انتظار فرج، آموزش های اسلامی به ما یاد داده است. (۲)

یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مأیوس نبودن است... امروز ما در دنیا شاهد بیداری ملّتها هم هستیم. درست است که با پیشرفت وسایل جدید، تلویزیون، رادیو، تبلیغات، پول، امکانات صنعتی و غیره، تسلّط قدرتهای استکباری بر ملّتها و بر شئون آنها روزبه روز بیشتر شده است؛ امّا سنّت الهی بر این قرار گرفته که ملّتها هم بیدار بشوند و ما امروز می بینیم که ملّتها هم روزبه روز بیدار میشوند. (۳)

من به شما عرض بکنم؛ فقط این نیست که در کشورهای شمال آفریقا و منطقه ی غرب آسیا که

۱- . بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهّد، ۹/۶/۱۳۹۱.

۲- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۳- . بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

امروز ما در آنجا قرار داریم، حرکات بیداری ای به وجود آمده باشد؛ این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملّتهای اروپایی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آنها را یکسره تسلیم سیاستهای فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. این بیداری، حتمی است. (۱)

امیدواریم إن شاء الله این عید شریف برای امّت اسلامی برکت و وسیله ی بیداری برای همه ی ما باشد و خداوند متعال توفیقاتش را بر ما نازل کند و توجّهات حضرت بقیه الله أرواحنا فداه را شامل حال ما گرداند. (۲)

۱- . بیانات در دیدار هزاران نفر از معلّمان سراسر کشور، ۱۴/۲/۱۳۹۰.

۲- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت سالروز هفدهم ربیع الاوّل، ۲۹/۲/۱۳۸۲.

بخش چهارم: امام مهدی شناسی

اشاره

مطلب اوّل. امامت و ولایت

مقدمه: ضرورت معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

اصل مهـدویت مورد اتّفاق همه ی مسـلمانهاست. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را در نهایت زمانه دارند؛ آنها هم در یک بخش از قضیه، مطلب را درست فهمیده اند؛ امّا در بخش اصلی قضیه که معرفت به شخص منجی است، دچار نقص معرفتند. (۱)

برای انسـانی که دارای معرفت باشـد، موهبتی از این برتر نیست که احسـاس کنـد ولی خـدا، امـام برحق، عبـد صالـح، بنـده ی برگزیـده در میـان همه ی بنـدگان عـالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار اوست؛ او را میبینـد و با او مرتبط است. (۲)

گاهی کلمات مدح آمیزی از ائمّه علیهم السّیلام پشت سـر هم می آوریم که نه درست مستمع به عمق این کلمات می رسد، نه با فهمیدن آن کلمات چیزی بر معرفت او اضافه میشود. اینها ارزش چندانی ندارد. (۳)

ما فقط از دور اشاره ای به شخصـیت معنوی و ملکوتی و نورانی آن بزرگوار میکنیم. البتّه آن معرفت هم لازم است. نمیشود به بهـانه ی اینکه مـا نمیتـوانیم شخصـیت این بزرگـواران را بشناسـیم، دربـاره ی آنـان صـحبت نشـود، تحقیق نشود و گوینـدگان نگویند؛ نه. آن، بخش فاخری از کلّ آفرینش است. (۴)

گفتار اوّل. مفهوم امامت و ولایت و نشانه های آن

ضرورت شناخت معنای ولایت و امامت

امـام صادق علیه السـلام... ولایت را با عمل میدانـد و میگویـد: آن کسـی که دارای عمل است، ولی ما اوست و آن کسـی که دارای عمـل نیست، عـدوّ مـا اوست، این بر همین اساس است. چون ولایت را امام صادق علیه السـلام آن جوری معنی میکنـد؛ چون ولایت در فرهنگ امام صادق علیه السـلام فرق دارد با ولایت در فرهنگ آن جاهل یا مغرضی که دارد به نام امام صادق علیه السلام دارد زندگی میکند. چرا بنده و شما

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۲- . بیانـات در جشن بزرگ منتظران ظهـور هم زمـان بـا هفته ی بسیج و روز ولاـدت حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۳- . بیانات در دیدار جمعی از مدّاحان اهل بیت به مناسبت سالروز میلاد حضرت زهرا(س)، ۱۸/۶/۱۳۸۰.

۴- . بیانات در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۷/۱۰/۱۳۷۱.

نفهمیم معنای ولایت را؟ چرا عمیقانه درک نکنیم این اصل اسلامی را تا باز هرچه بیشتر در رکود و جمود و خمود و عقب ماندگی و دوری از اسلام و دوری از دنیا و آخرت نمانیم؟ (۱)

امامت یعنی پیشوایی روحی و معنوی

امامت، یعنی پیشوایی روحی و معنوی و پیوند عاطفی و اعتقادی با مردم. (۲)

امامت یعنی جسم و جان

امامت یعنی پیشوایی جسم و دل؛ هر دو. فقط حاکمیت بر اجسام نیست، اداره ی زندگی دنیایی و روزمرّه ی متعارف مردم نیست؛ مدیریت دلهاست، تکامل بخشیدن به روحها و جانهاست، بالاـ بردن فکرها و معنویتهاست. این معنای امامت است. اسلام این را میخواهد. (۳)

امامت یعنی رهبری مطلوب اداره ی جامعه

امام یعنی آن حاکم و پیشوایی که از طرف پروردگار در جامعه معین می شود. (۴)

امامت، یعنی همان اوج معنای مطلوب اداره ی جامعه در مقابل انواع و اقسام مدیریتهای جامعه که از ضعفها و شهوات و نخوت و فزون طلبی انسانی سرچشمه میگیرد. اسلام شیوه و نسخه ی امامت را به بشریت ارائه میکند؛ یعنی اینکه یک انسان، هم دلش از فیض هدایت الهی سرشار و لبریز باشد، هم معارف دین را بشناسد و بفهمد؛ یعنی راه را درست تشخیص دهد، هم دارای قدرت عملکرد باشد که «یا یحیی خذ الکتاب بقوّه»، هم جان و خواست و زندگی شخصی برایش حائز اهمیت نباشد؛ امّا جان و زندگی و سعادت انسانها برای او همه چیز باشد. (۵)

ولایت یعنی اتّصال دو چیز به صورت مستحکم با یکدیگر

اصل معنای ولایت، عبارت از نزدیک بودن دو چیز با یکدیگر است. فرض بفرمایید وقتی که دو ریسمان محکم به هم تابیده میشوند و جدا کردن آنها از یکدیگر، به آسانی ممکن نیست، آن را در عربی «ولایت» میگویند. ولایت؛ یعنی اتّصال و ارتباط و قرب دو چیز به صورت مماس و مستحکم

۱- . طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۶۶.

۲- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۶/۱/۱۳۷۹.

۳- . بیانات رهبر معظّم انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم در روز عید سعید غدیر خم، ۸/۱۰/۱۳۸۶.

۴- . ولایت و حکومت، ص ۷۰.

۵- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران حضرت علی بن موسی الرّضا علیه السّلام در روز عید غدیر خم، ۱۲/۱۲/۱۳۸۰.

بـا یکـدیگر. همه ی معـانی ای که برای «ولایـت» در لغت ذکر شـده است، معنـای محبّت، معنـای قیومیت و بقیه ی معـانی، که هفت، هشت معنـا در زبـان عربی هست، از این جهت است که در هرکـدام از اینهـا به نـوعی این قرب و نزدیکی بین دو طرف ولایت وجود دارد. مثلًا «ولایت» به معنای محبّت است؛ چون محبّ و محبوب، با یکـدیگر یک ارتباط و اتّصال معنوی دارند و جدا کردنشان از یکدیگر امکان پذیر نیست. (۱)

ولایت بالاتر از محبّت

عـدّه ای خیال میکننـد که دارای ولایت بودن یک آدم فقط به گریه کردن بر اهل بیت علیهم السلام است. خیال میکنند وقتی که اسم اهل بیت علیهم السلام می آیـد، «علیهم السلام» را حتماً پشت سرش بگویند، این ولایت است. بله محبّت اهل بیت را داشتن واجب و فرض است، نـام این بزرگواران را بـا عظمت بردن بسیار جـالب و لازم است، امّـا همه ی اینها ولایت نیست، ولایت از این بالاتر است. (۲)

ولایت در اصطلاح قرآن

ولایت در اصطلاح اولی قرآن، ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم جبهگی و اتّصال شدید یک عدّه انسانی که دارای یک فکر واحـد و جویای یک هدف واحدند، در یک راه قدم بر میدارند، برای یک مقصود دارند تلاش و حرکت میکنند، یک فکر را و یک عقیـده را پـذیرفته انـد، هر چه بیشتر این جبهه بایـد افرادش به همـدیگر متّصل باشـند و از جبهه های دیگر و از قطبهای دیگر و قسمت های دیگر خودشان را جدا و کنار بگیرند. (۳)

دو رویه ی ولایت قرآنی: پیوند با امّت اسلامی و گسست از بلوکهای ضدّ اسلامی

ولایـت پس دو رویه دارد- ولایـت قرآنی، یـک رویه اینکه در داخـل جـامعه ی اسـلامی، همه ی عناصـر بایستی به سوی یک هدف،به سوی یک جهت،با یک راه، با یک گام قدم بردارند. در خارج از جامعه ی اسـلامی، امّت اسـلامی بایستی با همه ی بلوک ها و جناح های ضـدّ اسـلامی پیونـدهای خودش را بگسـلد، اینجا یک نکته ی دقیقی وجود دارد که میرسانـد ولایت به این معنا را که در قرآن آمده، به

۱- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر، ۶/۲/۱۳۷۶.

۲- . قبسات النور(گزیده ای از سخنان حضرت آیه الله خامنه ای پیرامون اهل بیت علیه السلام و پیروان)، ص۵۳.

۳- . ولایت و حکومت، ص ۵۵.

همان ولایتی است که ما، شیعه قائلیم. (۱)

در یک آیه ی دیگر از قرآن همین مطلب باز به صورت واضح تری بیان کردهاست؛ «محمّد رَسُولُ الله وَ الَّذینَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَی الْکفَّارِ رُحَماءُ بَینَهُم»؛ وقتی در مقابل جبهه خارجی قرار میگیرند، تو از آنها چیزی استوارتر و خلل ناپذیرتر نمیبینی؛ تأثرناپذیرتر و نفوذناپذیرتر نمیبینی،مستقل؛ امّا در جبهه های داخلی- که تعبیر جبهه اساساً درست نیست، چون جبهه بندی ای در داخل وجود ندارد- در داخل، میان بدنه ها و جناح های این پیکر عظیم اسلامی، هیچ گونه نفوذ ناپذیری نیست،خلل و تأثیرپذیری نیست؛ بلکه به عکس همه روی هم اثر میگذارند، همه یکدیگر را به سوی خیر و نیکی جذب میکنند، همه یکدیگر را توصیه به پیروی هر چه بیشتر از حق میکنند، همه یکدیگر را توصیه به پافشاری هرچه بیشتر در راه حق و مقاومت هر چه بیشتر در مقابل انگیزه های شر و فساد و انحطاط میکنند، همه همدیگر را نگه میدارند؛... این هم یک جلوه ی دیگر از جلوه های ولایت است. (۲)

این پیوستگی مسلمانان جبهه ی آغاز دین که به همدیگر جوشیدند،به همدیگر گره خوردند، از هم جدایی پذیر نیستند، با دیگر جبهه ها به کلی منقطعند، با خودشان هر چه بیشتر چنگ در چنگ و دست در دست هستند، آیا در قرآن و حدیث نامی دارد یا نه؟ بله؛ این نام، ولایت است. (۳)

ابعاد سه گانه ولایت

ولایت عبارت است از ایجاد رابطه و پیوند مستحکمی میان عناصر صف مؤمن با یکدیگر و قطع هرگونه وابستگی میان صف مؤمن با صف غیر مؤمن و در مرتبه ی بعدی ایجاد رابطه ای بس قوی و نیرومند میان همه ی افراد صف مؤمن با آن نقطه مرکزی و قدرت متمرکز که اداره ی جامعه ی اسلامی به عهده ی اوست؛ یعنی امام. (۴)

اگر ولایت را که دارای سه بعد شد تا حالا، یکی حفظ پیوندهای داخلی، یکی قطع پیوند و وابستگی به قطبهای متضادّ خارجی این دو تا، یک هم حفظ ارتباط دائمی و عمیق با قلب پیکر اسلامی و قلب امّت اسلامی یعنی امام و رهبر، سه بعد ولایت را که بیان کردیم، حالا اگر این سه بعد را

۱- . طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۲۳.

۲- . همان، ص ۵۵۸-۵۵۹.

۳- . ولایت و حکومت، ص ۵۲.

۴- . طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۶۱۹.

رعایت کردیم چگونه خواهـد شد؟ آیه قرآن جواب میدهد: «وَ مَنْ یتَوَلَّ الله وَ رَسُولَهُ وَ الَّذینَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ الله هُمُ الْغالِبُون»؛ آن کسـی که قبول ولایت کنـد با خـدا و با رسولش و با کسانی که ایمان آورده انـد با مؤمنان پیوند را مراعات کردند و حفظ کردنـد و نگسسـتند، اینها غالبنـد، پیروزمندانند. از همه پیروزتر همین ها هسـتند و اینهاینـد که بر همه ی جناح های دیگر غلبه خواهند داشت. (۱)

در این آیـات از سوره مائـده هم به جنبه ی مثبت ولاـیت؛ یعنی پیونـد داخلی، همبه جنبه ی منفی ولایت؛ یعنی قطع پیونـدهای خـارجی، هم به آن بُعـد دیگر ولایت؛ یعنی اتّصال و ارتباط با ولیولی یعنی آن قطب، یعنی آن قلب، یعنی آن حاکم و امام- به همه ی اینها اشاراتی رسا شـده. «یا أَیهَا الَّذینَ آمَنُوا»؛ ای کسانی که ایمان آوردهاید! «لا تَتَّخِذُوا الْیهُودَ وَ النَّصاری اولیاءَ»؛ یهود و نصـاری را اولیـای خـود مگیریـد. اوّلیـاء جمع ولی است؛ ولیّ از ولاـیت است، ولاـیت یعنی پیوسـتگی، ولی یعنی پیوسـته و پیونـدزده، یهود و نصاری را پیونـدخوردگان و پیوسـتگان با خود مگیرید و انتخاب مکنید. «بَعْضُ هُمْ اوّلیاءُ بَعْضٍ»؛ آنها بعضـی اولیاء و هم جبهگان و هم پیوسـتگانِ بعضـی دیگرند. نگاه نکنید که بلوک هایشان از همدیگر جداست، در معنا، برای ضدّیت با اصالت های شما همه یک جبهه اند، «بَعْضُهُمْ اوّلیاءُ بَعْضٍ»؛ بعضی هم جبهه ی بعضی دیگرند.. «وَ مَنْ یتَوَلَّهُمْ مِنْکمْ»؛ هرکس تولّی کنـد بـا آنـان- تولّی یعنی ولاـیت را پـذیرفتن از باب تفعل- هرکس که قـدم در وادی ولایت آنها بگـذارد و پیونـد زند خودش را با آنها، مرتبط کنـد خودش را با آنها، «فَإِنَّهُ مِنْهُمْ»؛ بی گمان او خود از آنان است، «إِنَّ الله لا یهْـدِی الْقَوْمَ الظَّالِمینَ»؛ و خدا مردمان ستمگر را هدایت نخواهد کرد. (۲)

ولایت یعنی وابستگی فکری و عملی با امام و ولی خدا

ولایت در یک انسان به معنای وابسـتگی فکری و عملی هر چه بیشتر و روز افزونتر با «ولیّ» است، ولیّ را پیدا کن؛ ولیّ خدا را بشـناس، آن کسـی که او ولیّ حقانی جامعه اسـلامی است او را مشـخص کن، بعد از آنی که مشـخص کردی شخصاً از لحاظ فکر، از لحـاظ عمـل، از لحاظ روحیـات، از لحـاظ راه و رسم و روش، خودت را به او متّصـل کن، دنبالش راه بیفت، حرکت بکن، اگر تلاش تو تلاش او، جهاد تو جهاد او، دوستی تو دوستی او، دشمنی تو دشمنی او، جبهه بندیهای تو جبهه بندیهای او

۱- . طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۵۲.

۲- . ولایت و حکومت،ص ۶۲.

باشد تو دارای ولایتی. (۱)

بعـد دیگر ولایت یعنی چه؟ یعنی ارتباط مستحکم و نیرومند هر یک از آحاد امّت اسـلام در همه حال با آن قلب امّت. ارتباط چه؟ ارتبـاط فکری و ارتبـاط عملی، یعنی درست از او سـرمشق گرفتن،درست در افکـار و بینشـها دنبـال او بـودن و درست در افعـال و رفتـار و فعّالیتهـا و حرکتهـا او را پیروی کردن، پس ولاـیت علی بـن ابی طـالب یعنی چـه؟ یعنی در افکـارت پیرو علی باشـی، در افعالت پیرو علی باشـی، تو را با علی بن ابی طالب رابطه ای نیرومنـد، مسـتحکم، خلل ناپذیر پیوندزده باشد، از علی جـدا نشوی، این معنی ولاـیت است. فهمیدیـد ولاـیت چیست؟ اینجاست که می فهمیم معنی این حـدیث را «وَلَایهُ عَلِی بْنِ أَبِی طَالِبٍ حِصْـِنِی، ولایت علی بن ابی طالب حصن و حصار من اسـتاز قول خـدا- فَمَنْ دَخَلَ حِصْـِنِی أَمِنَ نَارِی»؛ هر که داخل این حصار شد، از عذاب خدا مصون و محفوظ خواهد ماند. بسـیار حرف جالبی است؛ یعنی مسـلمانها و پیروان قرآن اگر از لحاظ فکر و اندیشه و هم از لحاظ عمل و تلاش و فعّالیت متّصل به علی بن ابی طالب باشند، از عذاب خدا مصون و محفوظند. (۲)

ولایت تعبیر اسلام برای حکومت

ولاـیت، یعنی حکـومت؛ چیزی است که در جـامعه ی اسـلامی متعلّق به خـداست، و از خـدای متعـال به پیـامبر و از او به ولی مؤمنین میرسد. (۳)

یک بُعـد دیگر در قضـیه و حـدیث غدیر، همین مسـئله ی ولایت است؛ یعنی تعبیر از حکومت به ولایت؛ «من کنت مولاه فهذا علی مولاه». آن وقتی که پیامبر در مقام تعیین حق حاکمیت برای یک شخص است، تعبیر مولا را برای او به کار میبرد و ولایت او را به ولاـیت خود مقترن میکنـد. خود این مفهومی که در ولایت هست، بسـیار حائز اهمیت است. یعنی اسـلام، منهای همین مفهوم ولایت - که یک مفهوم مردمی و متوجّه به جهت حقوق مردم و رعایت آنها و حفظ جانب انسانهاست - هیچ حاکمیتی را بر مردم نمیپـذیرد و هیـچ عنوان دیگری را در باب حکومت قایل نیست.آن کسـی که ولی و حاکم مردم است، یک سـلطان نیست؛ یعنی عنوان حکومت، از بُعد اقتدار و قدرت او بر

۱- . طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۶۵.

۲- . طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۴۶.

۳- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم (روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان)، ۲۶/۱/۱۳۷۰.

تصـرّف ملاحظه نمیشود؛ از بُعد اینکه او هر کاری که میخواهد، میتواند بکند، مورد توجّه و رعایت نیست؛ بلکه از باب ولایت و سرپرستی او، و اینکه ولی مؤمنین یا ولی امور مسلمین است، این حق یا این شغل یا این سمت مورد توجّه قرار میگیرد. قضیه ی حکومت در اسلام، از این جهت مورد توجّه است. (۱)

اسلام، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان میکند و شخصی را که در رأس حکومت قرار دارد، به عنوان والی، ولی، مولا - یعنی اشتقاقات کلمه ی ولایت - معرّفی میکند. معنای آن چیست؟ معنای آن، این است که در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قـدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت بر آنها در اختیار اوست، ارتباط و اتّصال و پیوسـتگی جدایی ناپذیری از هم دارند. این، معنای این قضـیه است. این، فلسفه ی سیاسی اسلام را در مسئله ی حکومت برای ما معنا میکند. هر حکومتی که این طور نباشد، این ولایت نیست؛ یعنی حاکمیتی که اسلام پیش بینی کرده است، نیست. (۲)

تفاوت ماهیت امامت و سلطنت

ماهیت امامت، با ماهیت سـلطنت، مغایر و متفاوت و مناقض است. این دو ضـدّ همنـد. امامت، یعنی پیشوایی روحی و معنوی و پیوند عاطفی و اعتقادی با مردم؛ امّا سـلطنت، یعنی حکومت با زور و قدرت و فریب؛ بدون هیچ گونه علقه ی معنوی و عاطفی و ایمـانی. این دو، درست نقطه مقابـل هم است. امامت، حرکتی در میان امّت، برای امّت و در جهت خیر است. سـلطنت؛ یعنی یک سـلطه ی مقتدرانه علیه مصالح مردم و برای طبقات خاص؛ برای ثروت اندوزی و برای شهوت رانی گروه حاکم. آنچه که مـا در زمان قیام امام حسـین علیه السـلام می بینیم، دوّمی است، نه آن اوّلی؛ یعنی یزیـدی که بر سـر کار آمـده بود، نه با مردم ارتبـاط داشت، نه علم داشت، نه پرهیزگاری و پاکـدامنی و پارسایی داشت، نه سابقه ی جهاد در راه خـدا داشت، نه ذرّه ای به معنویـات اسـلام اعتقـاد داشت، نه رفتـار و رفتـار او رفتـار یک مؤمن و نهگفتار اوگفتار یک حکیم بود. هیـچ چیزش به پیامبر شـباهت نداشت. در چنین شـرایطی، برای کسـی مثل حسـین بن علی علیه السـلام - که خود او همان امامی است که باید به جای پیامبر قرار گیرد - فرصتی پیش آمد و قیام کرد... امامت؛ یعنی دستگاهی که عزّت خدایی را برای

۱- . سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر ۱۰/۴/۱۳۷۰

۲- . همان، ۶/ ۲/۱۳۷۶.

مردم به وجود می آورد. علم و معرفت به مردم میدهـد. رفق و مـدارا را میان آنها ترویـج میکند. ابّهت اسـلام و مسـلمین را در مقابل دشـمن حفظ میکند. امّا سـلطنت و حکومتهای جائرانه، نقطه ی مقابل آن است. امروز در بسـیاری از کشورهای دنیا اسم زمامـداران پادشـاه نیست؛ امّا در واقع پادشاهنـد. اسـمشان سـلطان نیست و ظواهر دمکراسـی هم در آنجاها جاری است، امّا در باطن، همان سلطنت است؛ یعنی رفتار تعنّدآمیز با مردم و رفتار ذلّت آمیز با هر قدرتی که بالاسر آنها باشد! (۱)

پیروی همه جانبه ی شرط ولایت داشتن

آدم دارای ولایت این است؛ ولی را بشناسـید،فکر ولی را بدانـد،با ولی هم فکر بشود، عمل ولی را بشناسدف با ولی هم عمل بشود، دنبال او راه بیفتد، خودش را فکراً و عملاً پیوسته با ولی کند، این با ولایت است. (۲)

امام صادق علیه السـلام موالیان خود را آن کسانی که دارای ولایتند قدرشان را میشناسد، برایشان احترام قائل میشود، ولایت را بـا عمل میدانـد. میگویـد آن کسـی که دارای عمل است، ولیّ ماست، آن کسـی که دارای عمل نیست، عـدو ما اوست. این بر همین اساس است که ولایت در فرهنگ امام صادق علیه السـلام با ولایت در فرهنگ آن جاهل یا مغرض که به نام امام صادق علیه السلام دارد زندگی میکند، تفاوت دارد. (۳)

هجرت لازمه ی ولایت

اگر مـا ولایت را توانستیم با این وسـعت بفهمیم و مسـئله را در حـدّ مسایل فرعی ولایت و درجه ی دو ولایت خلاصه نکنیم... مسـئله ی هجرت یکی از دنبـاله هـای ولایت خواهـد شـد؛ چرا این جور می گوییم؟ برای این که اگر لازم باشـد هر انسانی در ولاـیت خـدا و ولی خـدا زنـدگی بکنـد- که این اصـل را اصـل ولاـیت به ما آموخت- اگر پـذیرفتیم که میبایـد انسان همه ی نیروهـایش، همه نشاط های جسـمی و فکری و روانی او، با اراده ی ولی الهی و والی مِن قِبَل الله به کار بیافتـد و خلاصه انسان باید با جمیع عناصـر وجودش بنده ی خدا باشد، نه بنده ی طاغوت، اگر این مطالب را قبول داریم و می پذیریم،پس ناچار این را هم باید قبول کنیم که اگر یک جایی وجود ما و هستی ما و همه

۱- . بیانات رهبر معظّم انقلاب در خطبه های نماز جمعه تهران، ۲۶/۱/۱۳۷۹.

۲- . طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۶۵.

۳- . قبسات النور، ص ۸۱.

نیروها و نشاط های ما تحت فرمان ولایت الهی نبود، بلکه تحت فرمان ولایت طاغوت و شیطانی بود؛ تعهّد الهی ما این است که ما خودمان را از قید و بند ولایت طاغوت رها کنیم، نجات بدهیم، آزاد کنیم و برویم تحت سایه پر میمنت ولایت الله. خارج شدن از آن ولایت ظالم و وارد شدن به آن ولایت عادل. (۱)

نشانه های جامعه ی ولایت مدار

ولایت یک جامعه به چیست؟ ولایت یک جامعه به این است که ولی در آن جامعه اوّلاً مشخّص باشد. بدانند که این است ولی،این یک؛ ثانیاً منشأ و الهام بخش همه ی نیروها، نشاط ها، فعّالیت های آن جامعه باشد. قطبی باشد که همه ی جوی ها و سرچشمه ها از او سرازیر میشود، مرکزی باشد که همه ی فرمانها را او میدهد و همه ی قانون ها را او اجرا میکند. نقطهای باشد که همه ی رشته ها و نخها به آنجا برگردد، همه به او نگاه کنند، همه دنبال او بروند، موتور زندگی را او روشن بکند، در این جامعه، راننده و پیش قراوّل کاروان زندگی در جامعه، او باشد، این جامعه، جامعه ی دارای ولایت است، امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله ۲۵سال تمام زمام اجتماع را در دست نداشت. جامعه ی اسلامی بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله ۲۵ سال دارای ولایت نبود، در آن جامعه سلمان دارای ولایت بود، ابی ذر شخصاً دارای ولایت بود، مقداد شخصاً دارای ولایت بود، آن دیگری شخصاً دارای ولایت بود؛ امّا جامعه اسلامی چطور؟ جامعه ی اسلامی بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله ۲۵سال دارای ولایت نبود تا اینکه امیرالمؤمنین عیه السلام به حکومت جامعه اسلامی رسید و جامعه ی اسلامی شد دارای ولایت؛ ...آن وقتی که امام منشأ امر و نهی در جامعه میشود، آن وقتی که همه ی رشته ها از امام ناشی میشود، آن وقتی که امام دارد عملاً- جامعه را اداره میکند، آن وقتی که پرچم جنگ را امام میبندد، آن وقتی که فرمان حمله را امام میدهد، آن وقتی که قرارداد صلح را امام مینویسد، آن وقت است که جامعه دارای ولایت است، و در غیر این صورت جامعه دارای ولایت نیست؛ پس این هم جامعه ی دارای ولایت. (۲)

جامعه ی اسلامی که دارای ولایت است، یعنی همه ی اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه - یعنی ولی - متّصل است. لازمه ی همین ارتباط و اتّصال است که جامعه ی اسلامی در درونِ

۱- . طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۶۱۹-۶۲۰.

۲- . طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۶۶-۵۶۷.

خود یکی است و متّحد و مؤتلف و متّصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را جذب میکند و اجزایی را که با آن دشمن باشند، به شدّت دفع میکند و با آن معارضه مینماید؛ یعنی «اشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم»، لازمه ی ولایت و توحید جامعه ی اسلامی است. (۱)

گفتار دوّم. جایگاه امامت و ولایت و منزلت امام

ولایت اساسی ترین مسئله

اساسی ترین مسأله ی دین، مسأله ولایت است؛ چون ولایت، نشانه و سایه ی توحید است. (۲)

ولایت ضامن ثمربخش بودن اعمال و عبادات

به خوبی میشود با این بحث فهمید که چرا اگر جامعه ای و امّتی ولایت ندارد، اگر همه ی عمر را به نماز و روزه و تصدّق تمام اموال بگذارند، باز لایق لطف خدا نیست و خلاصه در سایه ی این بحث معنای احادیث ولایت را میشود فهمید،... از جمله ی این حدیث معروفی که بنده بعضی از جملات و کلماتش را تکرار میکنم: لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَیلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِیعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِیعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ یعْرِفْ وَلَایهَ وَلِی الله فَیوَالِیهُ وَ یکونَ جَمِیعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَیهِ مَا کانَ لَهُ عَلَی الله جَلَّ وَ عَزَّ حَقٌّ فِی ثَوَابِهِ؛ اگر کسی شبها تا به صبح بیدار بماند و تمام عمر را روزه بگیرد، نه فقط ماه رمضان را و تمام اموالش را در راه خدا بدهد و در تمام دوران عمرش به حج رود، درحالی که ولایت ولی خدا را نشناخته باشد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او باشد، این چنین آدم هر آنچه که انجام داده است، بیهوده و بی ثمر و خنثی است. (۳)

ولایت، عامل بخشش خطاهای فردی

این حدیث را ماها بارها گفته ایم و شنیده ایم و نقل کرده ایم که «لاعذّبنّ کلّ رعیه فی الاسلام اطاعه اماما جائرا لیس من الله عزّ و جل و ان کانت الرّعیه فی اعمالها برّه تقیه ولاعفونّ عن کلّ رعیه فی الاسلام اطاعه اماما هادیا من الله عزّ و جل و ان کانت الرّعیه فی اعمالها ظالمه مُسِیئَه»؛ حاصل، اینکه اگر دستگاه مدیریت جامعه، صالح و سالم باشد، خطاهای متن جامعه، قابل اغماض است و در

۱- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۲۹/۹/۱۳۶۸.

۲- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم (روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان)، ۲۶/۱/۱۳۷۰.

۳- . طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۱۶.

مسیر جامعه، مشکلی به وجود نخواهد آورد؛ امّا اگر مدیریت و رأس جامعه، از صلاح، سلامت، عدل، تقوا، ورع و استقامت دور باشد، ولو در میان مردم صلاح هم وجود داشته باشد، آن صلاح بدنه ی مردم، نمیتواند این جامعه را به سرمنزل مطلوب هدایت کند. یعنی تأثیر رأس قلّه و هرم و مجموعه ی مدیریت و دستگاه اداره کننده در یک جامعه، این قدر فوق العاده است. (۱)

ولایت، راه مسلمان ماندن

این حدیث شریفی که در کافی با چندین عبارت نقل شده است در کتاب الحجه، باب «من دان الله عزوجل بغیر امام من الله»، می فرماید از قول امام علیه السلام و امام از قول خدا که خدای متعال فرموده:«قَالَ الله تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَأُعَذِّبَنَّ کُلَّ رَعِیَّهٍ فِی الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَایَهِ کُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَیْسَ مِنَ الله وَ إِنْ کَانَتِ الرَّعِیَّهُ فِی أَعْمَالِهَا بَرَّهً تَقِیَّهً وَ لَأَعْفُوَنَّ عَنْ کُلِّ رَعِیَّهٍ فِی الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَایَهِ کُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ الله وَ إِنْ کَانَتِ الرَّعِیَّهُ فِی أَنْفُسِهَا ظَالِمَهً مُسِیئَهً».عجیب حدیثی است این؛ این حدیث میگوید: آن مردمی که تحت ولایت ولی الله زندگی میکنند، اهل نجات هستند؛ اگر چه در کارهای شخصی و خصوصی گناه هایی هم گاهی داشته باشند و آن مردمی که در تحت ولایت شیطان و طاغوت زندگی میکنند، اهل بدبختی و عذابند؛ اگر چه در کارهای شخصی در اعمال خصوصی، اهل نیکوکاری و کارهای خوب هم باشد. این خیلی عجیب است.

من تشبیه می کردم همیشه این حدیث را، می گفتم مثل اینکه ماشینی شما سوار شدید، به قصد مثلاً فلان نقطه ی معین، به قصد نیشابور. اگر چنانچه این ماشین به طرف نیشابور دارد می رود مثلاً طرف سرخس، طرف قوچان، خوب مسلم است که، شما به هدف نمیرسید. حالا در آن ماشینی که دارد می رود به طرف نیشابور و شما را به هدف می رساند، اگر در ماشین، مردم با ادب، با مهربانی، با رفتار خوب، با آداب انسانی با هم معاشرت کردند، چه بهتر، اگر هم با آداب انسانی و انسانیت و نیکی و احسان با هم معاشرت نکردند، بالاخره به نیشابور میرسند؛ به هدف میرسند؛ اگر چه در بین راه یک قدری بدی کرده باشند - آن بدی ها هم البتّه یک اقتضاهایی خواهد داشت، یک آثاری، یک نتایجی خواهد داشت، آن نتایج را هم مجبورند متحمّل بشوند- امّا به هدف میرسند؛ برخلاف آن ماشینی که باید شما را به نیشابور برساند، دارد به نقطه ی مقابل نیشابور می رود. اگر چنانچه در این ماشین، همه ی افراد، مؤدّب، بانزاکت، بااحترام به همدیگر رفتار کنند؛ با خوشرویی با همدیگر

۱- . سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر خم، ۲۰/۴/۱۳۶۹.

عمل کنند و می بینند این ماشین به جای نیشابور، می رود به طرف قوچان؛ در مقابل این حادثه و این پدیده، هیچ عکس العملی نشان نمیدهند، اینها خیلی آدمهای خوبی هستند، خیلی مهربانند باهم، امّا آیا به هدف خواهند رسید یا نه؟ پیداست که نه. در مثال اوّل، راننده، یک راننده ی امین بود؛ یک راننده ی راه بلد بود؛ «امامٌ عادل مِنَ الله» بود؛ آنها را رساند به هدف؛ اگر چه بداخلاق بودند؛ «و إنْ کانَتْ فِی أَعْمَالِهَا ظَالِمَهً مُسِیئَهً». در مثال دوّم، راننده راه بلدی نبود، راننده ی امینی نبود؛ راننده ی هوا پرستی بود؛ مست بود؛ راه را گم کرده بود؛ در سرخس و قوچان کاری داشت. کار خودش را بر خواسته ی مردم مقدّم کرده بود.داشت می رفت آنجا اینها مسلّم به هدف نخواهند رسید؛ هر چند که اینها در داخل ماشین، با هم خیلی مهربان و خوش اخلاق بودند؛ «و انْ کانَتْ فِی أَعْمَالِهَا بَرَّهً تَقِیهً»؛ امّا بالا خره «لأعذبن»؛ به عذاب خدا دچار خواهند شد؛ به هدف نخواهند رسید. بنابراین یک جامعهای که با ولایت طاغوت اداره میشود، مثل همان ماشینی که با رانندگی آدم غیر امین و غیر بلد دارد رهبری میشود، انسانها به هدف نخواهند رسید؛ نمیتوانند مسلمان بمانند. (۱)

آیا نمیتوان در ولایت طاغوت بود و مسلمان بود؟ آیا نمیشود ما فرض کنیم یک مسلمانی را که تحت ولایت شیطان زندگی بکند، امّا بنده ی رحمان باشد؟ چنین چیزی میشود یا نه؟ آیا ممکن است در جایی که بر سراسر آفاق و مناطق زندگی انسان، یک عامل غیر الهی مشغول فرمانروایی است و جسم انسان را یک عامل غیر الهی اداره میکند، فکر انسانها را یک عامل غیر الهی اداره میکند، روحیه وعواطف و احساسات افراد جامعه را همان عامل به این سو و آن سو می کشاند در حالی که انسان در قبضه ی قدرت این چنین عوامل طاغوت و شیطانی زندگی میکند، در عین حال میتواند بنده ی خدا باشد، مسلمان باشد، آیا چنین چیزی ممکن است یا ممکن نیست؟... یک سئوال است که از دو جزء ترکیب یافته است و ما باید این دو جزء را درست تجزیه کنیم و ببینیم که معنایش چیست. جزء اوّل این است که کسی تحت ولایت شیطان باشد، یعنی چه تحت ولایت شیطان باشد؟ ولایت مگر یعنی چه؟ آن معنایی را که ما برای ولایت از آیات قرآن استفاده کردیم اگر...بگذاریم در کنار این جمله، «ولایت شیطان». آن وقت معلوم میشود که ولایت شیطان یعنی چه؟ ولایت شیطان معنایش این است که – شیطان به همان معنای کلّی شیطان که بارها گفتهام – به تمام نیروها، استعدادها، ابتکارها و کارها در وجود آدمی مسلّط بشود؛ آنچه انسان انجام میدهد، در آن خطّی

۱- . ولایت و حکومت، ص ۱۴۷-۱۴۸.

باشـد که شـیطان معین کردهاست، آنچه میاندیشد در آن راهی باشد که شـیطان میخواهد، یا ترسـیم میکند. همچون آدمی که در جریـان یـک رودخـانه ی تنـدی که در بستر سـیلی که از کوهسـار پایین می آیـد، قرار گرفته باشـد؛ البتّه مایل نیست که به صخره های تنومنـد و تناور اصابت بکنـد و سـرش بشـکند، البتّه مایل نیست که با این آب برود و توی باتلاق بیافتـد، البتّه مایل نیست که در لا‌به لا‌ی امواج این آب خفه بشود، امّا با آنکه مایل نیست، این جریان تنـد آب بی اختیار او را میبرد، دست و پا هم میزند، خود را به این طرف و آن طرف هم میچسباند، به هر خار و خسـی متشبّث هم میشود، امّا جریان آب، جریان تندی است؛ بی اختیار او را میبرد. ولایت طاغوت و ولایت شیطان یک چنین چیزی است. لذا آیه ی قرآن میفرماید: «وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یـدْعُونَ إِلَی النَّارِ»؛ پیشوایـان و رهـبرانی وجـود دارنـد کـه پیروان و افراد تحت فرمـان خـود را به طرف آتش دوزخ و بـدبختی میکشاننـد. آیـه ی دیگر قرآن میفرمایـد: «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذیـنَ بَدَّلُوا نِعْمَـتَ الله کفْرا؛ آیـا نمی نگری بـه آن مردمی کـه نعمت پروردگـار را کفران کردنـد؟ این نعمـتی که کفران کردنـد چه بـوده است»؟ نعمت قـدرت که مظهر قـدرت پروردگـار است، قدرت های دنیوی، نعمت سررشـته داری اداره ی امور انسان، نعمت در دست داشـتن اسـتعدادها و اندیشه ها و نیروها و انرژی هـای فراوان از انسانها، اینها همه اش نعمت است، سـرمایه هایی است که میتوانـد برای انسانیت منشأ خیر باشـد. هر کس از این انسانها که تحت اختیار آن مردمی هسـتند که در این آیه مورد اشاره هسـتند، میتوانسـتند انسانهای بزرگی باشـند، میتوانستند به عـالی ترین مـدارج کمـال برسـند؛ امّـا اینهـا به این نعمتهـا کفران کردنـد و در راهی به کـار نیانداختنـد، در دنبالش میفرمایـد: خودشـان به دَرَک! قوم خود را و مردم تحت فرمان خود را به دیار نیستی و نابودی و هلاکت کشاندنـد: «و به جهنّم کشانـدند که در آن سـرازیر و افکنده خواهند شد و چه بد جایگاه و محلّ اسـتقراری است». این آیه را موسـی بن جعفر علیه السلام برای هارون خواندنـد و به هارون فهماندنـد که تو همان کسـی هستی که قومت را و خودت را به بـدترین منزلگاه و هلاک بارترین جایگـاه هـا خواهی افکنـد؛ چون هارون سـئوال کرده بود مگر ما کافر هستیم؟ و منظورش این بود که مگر ما معتقـد به خـدا و پیغمبر و دین نیستیم؛ لـذا امـام علیه السـلام در جوابش این آیه راخواندنـد تـا به او بفهمانـد که کـافر فقط آن کسـی نیست که راست، صاف و صریح میگوید: خدا نیست، قرآن دروغ است، یا پیغمبر مثلاً افسانه است؛ که این کافر است و بهترین نوع کافر است که صریحاً حرف خودش را میزند و آدم او را میشناسد و موضع گیری خودش را با او درست

تنظیم میکند.

کافر بدتر آن کسی است که این نعمت های عظیمی را که در اختیار اوست، کفران میکند و در مجرای غیرصحیح به کار می اندازد و نه فقط خود را به جهّنم میبرد. ولایت طاغوت یک چنین چیزی است، آن کسی که تحت ولایت طاغوت زندگی میکند، گویی او اختیاری از خود ندارد، نمیگویم به کلی بی اختیار است، بعد که آیه ی قرآن را که معنا کردم، تفسیر مطلب روشن میشود؛ امّا در جریان سیل گرفته و دارد میمیرد، میخواهد دست و پایی بزند امّا نمیتواند، میخواهد از راه جهنّم برگردد و می بینید که هم افراد دارند به طرف جهنّم میروند و او را هم با خودشان میکشانند؛ آیا به آن جاهایی که جمعیت زیادی هست رفتهاید؟ دلت می خواهد از این طرف بروی امّا جمعیت بی اختیار تو را مثل پر کاهی به طرف دیگر میبرد، کسی که تحت ولایت طاغوت است. میخواهد خوب باشد، خوب زیست کند، انسان زندگی کند، مسلمان بماند و مسلمان بمیرد امّا نمیتواند؛ یعنی جریان اجتماعی او را میکشد و میبرد، آن چنان میبرد که دست و پایی هم نمیتواند بزند، اگر دست و پا هم بزند، جز هدر دادن یک مقدار انرژی کار دیگری از پیش نبردهاست، نه فقط نمیتواند دست و پا بزند، دردناک تر این است که حتی گاهی نمیتواند بفهمد.

نمیدانم این ماهی هایی را که از دریا صید میکنند دیدهاید یا نه؟ گاهی هزاران ماهی در یک تور می افتد که از وسط های دریا آنها را به ساحل می کشند، امّا هیچ یک از ماهی ها نمی فهمند که آنها را به کجا میبرند و هر یک فکر میکند، که خودش مقصدی را با اختیار میرود امّا در واقع بی اختیار است، مقصد او همانجاست که مقصد آن صیاد صاحب تور است. این تور نامریی نظام جاهلی، آن چنان انسان را میکشد، آن چنان به سویی که هدایت کنندگان آن تور مایل هستند، آدم را میکشاند که آدم نمی فهمد کجا میرود، گاهی هم خیال میکند که به طرف سرمنزل سعادت و رستگاری میرود، غافل از اینکه دارد به جهنّم میرود: «جَهَنَّمَ يصْلَوْنَها وَ بِئْسَ الْقَرار». این ولایت طاغوت و ولایت شیطان است... با این وصف آیا میشود که در ولایت طاغوت مسلمان زیست؟ اصلاً مسلمان زیستن چیست؟ مسلمان زیستن یعنی تمام امکانات، انرژی ها، نیروها قدرت ها و استعدادهای انسان دربست در اختیار خدا بودن، مالشان و همه چیزشان در اختیار خدا، جانشان در اختیار خدا،

اندیشه و فکرشان در اختیار خدا. (۱)

دشواری مسئله ولایت

بیان این مسئله بسی دشوارتر است. به خاطر اینکه آن قدر مسایل ضعیف و سست و غیر منطقی در زمینه ی ولایت در ذهنهای افراد عامّی رسوخ پیدا کرده که وقتی آن حرف درست را، آن حرفی که با متن قرآن و متن حدیث منطبق است در باب ولایت میخواهی بگویی، یکی از دو اشکال پیش می آید؛ یا اشتباه میشود به همان حرفهایی که در ذهنها هست، یا احساس بیگانگی میشود نسبت به آنچه که به عنوان ولایت گفته میشود. (۲)

هدف انبیا استقرار ولایت

هدف از همه ی زحماتی که پیغمبراکرم و بزرگان دین و انبیاء الهی علیهم الصّلاه والسّلام، متحمّل شده اند، استقرار ولایت الهی بودهاست. گویا در روایتی از امام صادق علیه الصّلاه والسّلام است که در مقام هدف جهاد فی سبیل الله [و] مجموعه ی تلاش هایی که برای دین میشود، فرموده اند: «لیخرج النـاس من عبـاده العبیـد الی عبـاده الله و من ولایه العبیـد الی ولایه الله.» هدف این است که انسانها را از ولایت بندگان و بردگان - با معنای وسیعی که این کلمه دارد - خارج سازند و به ولایت الله نائل کنند. (۳)

یکی بودن ولایت خدا و ائمّه

ولایت خدا و ولایت ائمّه دو تا نیست. ولایت ائمّه با ولایت پیغمبر دو چیز نیست؛ همه اش یک چیز است. این ولایت یعنی همان پیوند؛ یعنی ارتباط؛ اتّصال دو چیز به طوری که به آسانی آن دو چیز را نتوان از هم جدا کرد. من به عنوان یک آدمی که در زمینه مسایل اسلامی فکر میکند، وقتی که این ارتباط را میخواهم درست در فرهنگ اسلامی بفهمم، این جور استنباط میکنم که این ارتباط و این اتّصال، اتّصال فکری روحی و عملی است؛ در این سه شاخه ی ارتباط، اگر بین ما و ائمّه، بین ما و خدا، بین ما و پیامبر ارتباط برقرار شد، ولایت برقرار است. (۴)

۱- . طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۶۲۰-۶۲۶.

۲- . همان، ص ۵۱۶.

۳- . بیانات در دیدار مسئولان کشوری و لشکری، به مناسبت عید غدیر خم، ۱۹/۳/۱۳۷۲.

۴- . ولایت فقیه سایه ی حقیقت عظمی، ج ۲، ص ۶۰.

تلاش ائمّه برای زنده کردن آب حیات بخش ولایت

تمام تلاش ائمّه برای این بوده است که ولایت را زنـده کنند، جامعه ی اسـلامی را احیا کنند تا این نهالی را که به نام انسان در این مزرعه و در این باغستان و در این نهالستان غرس شـده، بـا آب گوارای جـانبخش حیـات آفرین ولایت زنـده و سـرسبز و بالنده کنند. (۱)

امامت، تجلی حکومت خدا

دین یک مجموعه احکام است اگر مسأله حکومت و ولایت را از دین بگیرند , دین یقینا نخواهد توانست رسالت اساسـی خود را به انجام برسانـد . اصولا بـدون امامت و ولایت جامعه مسـلمین دارای نظام نیست از نظر اسـلام افراد نمی تواننـد بر یکـدیگر حکومت کنند. در غیبت پیامبران، فقهای امت، دین شناسان و آگاهان به شکل انسان حکومت خدا بر مردم را تجلی می دهند. با نگاهی به تاریخ متوجه می شویم اگر ائمه داعیه حکومت نداشتند هیچگونه تعرضی نسبت به آنها انجام نمی گرفت. (۲)

رسالت و امامت دو منصب انبیاء

رسـالت کـه منصـب اوّلی پیمـبران اسـت، برای پیغمـبران طرح هـای الهی را روشـن میکنـد و امـامت و ولاـیت که منصب دوّم پیغمبران است، آنها را برای اداره ی جامعه مهیا میکند؛ یعنی منصب اداره ی جامعه منتها به شکل امامت به شکل ولایت؛ یعنی پیونـد عمیق و جوشیدگی میـان مردم و میـان رهبر. ولاـیت و امامت برای پیمبران است که امام صادق علیه السـلام فرمود: «ان رسول الله کان الامام» پیغمبر امام بود، ابراهیم علیه السـلام امام بود. اوّلیای معصومین امامند و جانشین آنها آن کسانی که با آن صفتها و خصلتها معین شده اند، آنها امامند. (۳)

ولایت تتمّه و تداوم نبوّت

مسئله ی ولایت در دنباله ی بحث نبوّت است. یک چیز جدای از بحث نبوّت نیست. مسئله ی ولایت در حقیقت تتمّه و ذیل و خاتمه ی بحث نبوّت است. اگر ولایت نباشد، نبوّت هم ناقص میماند. (۴)

۱- . همان، ص ۶۴.

۲- . چهارساله دوم، ص ۲۶۶.

۳- . ولایت و حکومت، ص ۶۱ پاورقی ۱.

۴- . طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۱۶.

امام، معیار سنجش و عامل توازن اجتماع

انبیاء دو هدف دارند؛ دو هدف مهم؛ یکی هدف اساسی ساختن انسان، پیراستن انسان از بدی ها، آراستن انسان به نیکی ها و فضیلتها و خوبی ها؛ خلاصه انسان را انسان کردن؛ این هدف بالاست؛ امّا هدف دیگری که انبیا دارند که در نیمه ی راه این هدف قرار دارد، این است: تشکیل جامعه ی توحیدی، تشکیل نظام الهی، تشکیل حکومت خدا، تشکیل تشکیلاتی که با قوانین و مقررات الهی اداره شود، این همه ی هدف انبیاست...؛ «لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّنات» به یقین فرستادیم پیامبران خود را «الْبَيِّنات» همراه با دلایل روشن و روشنگر... «وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتاب»... با آنها فرستادیم کتاب را، این یک؛ «وَ الْميزان» با آنها میزان هم فرستادیم، میزان یعنی ترازو یعنی چه؟ یعنی هر پیغمبری که آمد، یک ترازو زیر بغلش بود، بزرگ یا کوچک؟ نه منظور میزان یعنی وسیله ای که با او میتوان تعادل و توازن اجتماعی به وجود آورد... چیست آن وسیله؟... بنده مراجعه کردم در ذیل این آیه به احادیثی که وارد شده، دیدم یکی از چیزهایی که میزان را معنا کردند، میفرمایند:« المیزان الامام» و دیدم درست است کاملاً تطبیق میکند، الهام میگیریم ما از این حدیث [که] میزان امام است. امام آن کسی است که در جامعه باید حق را از باطل جدا کند، اوست که باید صفها را مشخّص کند. اوست که باید تعادل و توازن اجتماعی را برقرار کند چرا؟ چون حاکم جامعه است. امام میزان است، معیار است، بدیها و خوبیها با او سنجیده میشود، راه ها با او تطبیق میشود. به علاوه اوست که ناظر است در اجتماع به اینکه مردم از توازن و تعادل خارج نشوند. (۱)

امام، راهکار جلوگیری از آفات دین داری و سیاست مداری

دین، یعنی صراط زندگی. اگر شما به یک جامعه ی انسانی و به یک کشور نگاه کنید، می بینید انسانها در این جامعه، برای مسایل شخصی، عاطفی، معیشتی و عمومی خود، فعّالیتهای متنوّع و گوناگونی دارند. دین، همه ی این فعّالیتها را جهت می دهد؛ آنها را هدایت میکند و به کمک خرد انسانی میشتابد تا انسان بتواند این فعّالیتها را طوری تنظیم کند و کنار هم بنشاند تا سعادت او را در دنیا و آخرت تأمین کند. تلاشهایی که انسانها میکنند، بعضی مربوط به مسایل شخصی آنهاست که بخش کوچکتری از فعّالیتهای انسانی را شامل میشود - مثل معیشت و معنویت و عواطف و

۱- . ولایت و حکومت، ص ۴۸-۵۰.

ارتباطات شخصی آنها با این و آن – امّا بخش بزرگتر فعّالیتهای انسانی، فعّالیتهایی است که در صحنه ی جامعه با تلاش جمعی صورت میگیرد، که به آن «سیاست» میگویند؛ سیاستهای اقتصادی، سیاستهای اجتماعی، سیاستهای نظامی، سیاستهای فرهنگی، سیاستهای مدنی، سیاستهای بین المللی. اینها بخش عمده ی تلاش انسانها در زندگی خود است. چرا عمده است؟ چون این سیاستها در واقع افراد را در فعّالیتهای شخصی خود به سمت و سوی خاصّی میکشاند. عمده ی تلاش انسان، تلاش کلانی است که جهتگیریهای کلّی فعّالیتهای شخصی و ریز و کوچک را هم جهت میدهد. دین، به هر دو صحنه مربوط میشود؛ هم صحنه ی تلاشهای فردی انسان، هم صحنه ی سیاست که صحنه ی بسیار گسترده و وسیعی برای زندگی انسان است.

دو آفت، هم دینداری را تهدید میکند و هم سیاست را. یکی از آفتهای دینداری این است که دینداری یک جامعه یا یک شخص، با انحراف یا بی مبالاتی یا تحجّر و جمود یا فراموش کردن نقش عقل یا التقاط و از این چیزها همراه شود. آفت دیگر دینداری این است که دین به زندگی شخصی محدود شود؛ عرصه ی وسیع زندگی جمعی انسانها و جامعه را فراموش یا درباره ی آن سکوت کند و از آن کناره بگیرد.

دو خطر هم سیاست را تهدید میکند: یکی این است که سیاست از اخلاق فاصله بگیرد و از معنویت و فضیلت خالی شود؛ یعنی شیطنتها بر سیاست غلبه پیدا کند؛ هواهای نفسانی اشخاص، سیاست را قبضه کند؛ منافع طبقات زورگو و زرسالاران جوامع، سیاست را به دست گیرد و به این سمت و آن سمت بکشاند. اگر این آفت به سیاست خورد، آن گاه همه ی صحنه ی اجتماعی انسانها دچار عیب و آفت میشود. آفت دیگرِ سیاست این است که انسانهای کوته بین، کودک منش و ضعیف، سیاست را در دست گیرند و زمام سیاست از دستهای پُرقدرت خارج شود و به دست انسانهای بی کفایت بیافتد.

راهِ کار چیست؟ بهترین شکل و راهِ کار این است که در رأس سیاست و اداره ی امور جوامع، کسانی قرار گیرند که دینداری و سیاستگذاری آنها این دو آفت را نداشته باشد؛ یعنی کسانی اداره ی امور جوامع را برعهده گیرند که دیندار و دارای معنویت باشند؛ فکر دینی آنها بلند باشد؛ از انحراف، خطا، التقاط و کج بینی در دین مصون باشند؛ از تحجّر، جمود و متوقّف ماندن در فهم دین برکنار باشند؛ دین را ملعبه ی دست زندگی خود نکنند؛ از لحاظ سیاست، انسانهای باکفایت و باتدبیر و

شجاعی باشند و سیاست را از معنویت، اخلاق و فضیلت جدا نکنند. چنین کسانی اگر زمام امور یک جامعه را به دست گرفتند، آن گاه جامعه از بیشترین خطراتی که ممکن است برای آن پیش آید، محفوظ خواهد ماند. اوج چنین وضعیتی کجاست؟ آنجاست که یک انسان معصوم از خطا و اشتباه در رأس قدرت سیاسی و دینی قرار گیرد. امام یعنی این. (۱)

امام، قدرت متمرکز برای حرکت جامعه ی اسلامی

اینی که ما ارتباط با امام را این قدر مهم دانسته ایم، اینی که ما فرمان امام را در همه ی شئون زندگی جامعه نافذ دانستیم، این برای چیست؟ از کجا در می آید؟ اینجا که قرآن با ما حرف میزند- آن نکته،همینی است که دارم میگویم- اگر بخواهد یک جامعه ای و یک امّتی که ولایت قرآنی را به این معنا داشته باشد؛ یعنی بخواهد تمام نیروهای داخلی اش در یک جهت به سوی یک هدف در یک خط به راه بیافتد و بخواهد تمام نیروهای داخلی اش علیه قدرتهای ضدّ اسلامی در خارج بسیج بشود، احتیاج به یک نقطه ی قدرت متمرکز در متن جامعه ی اسلام، به یک نقطه ای احتیاج دارد که تمام نیروهای داخلی به آن نقطه بپیوندند، همه از آنجا الهام بگیرند و همه از او حرف بشنوند و حرف گوش کنند و او تمام جوانب مصالح و مفاسد را بداند تا بتواند مثل یک دیده بان نیرومند قوی دستی و قوی چشمی هر کسی را در جبهه جنگ به کار مخصوص خودش بگمارد.

لازم است یک رهبری، یک فرمانده ای، یک قدرت متمرکزی در جامعه اسلامی وجود داشته باشد که این قدرت بداند از شما چه بر می آید، از من چه بر می آید، از انسانهای دیگر چه بر می آید تا به هر کسی آن کاری را که برای او لازم است بگوید عمل بکن. مثلاً در مقام تشبیه اگر بخواهم تشبیه کنم؛ این کارگاه های قالی بافی را دیده اید؟ یک عدّه نشسته اند قالی می بافند هرکسی دارد کاری میکند، هر بچّه ای یا هر بزرگی که نشسته است، دارد نخی میبافد تا دم غروب دو سه تومان بگیرد. هر کدام دارند نشاطی و کاری را اینجا به خرج میدهند. اگر چنانچه این کارها هماهنگ نباشد، اگر یک فکر و چشم و قدرت بالاتری نباشد که مدام بنا کند، آن متن قالی را بر طبق آن دستورهای خاص خواندن تا اینها بدانند چه نخی را به کار ببرند و چطور بزنند و چه جور بُرند، اگر یک چنین قدرت متمرکزی وجود نداشته باشد، این قالی چه جوری در می آید؟ میبینید که طرف راستش حکایت از شرق میکند، طرف

۱- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران حضرت علی بن موسی الرّضا در روز عید سعید غدیر خم، ۱۲/۱۲/۱۳۸۰.

چیش حکایت از غرب میکند، آن طرفش صحبت از قالی کردی میکند، آن طرف صحبت از قالی ترکمنی میکند، نقشها بی ترتیب، اصلاً یک چیز هجوی از کار در می آید. ... در جامعه اگر بخواهد، همه ی نیروها به کار بیفتد و همه در یک جهت به کار بیفتد و هیچ یک از نیروهایش هرز نرود و همه ی نیروهای جامعه به صورت یک قدرت متراکمی، به مصالح جمعی بشریت به کار بیاید و جامعه بتواند مثل مشت واحدی باشد در مقابل جناح ها و صفها و قدرتهای متخاصم؛ احتیاج دارد به یک قدرت متمرکز، به یک دلی احتیاج دارد، به یک قلبی احتیاج دارد این جامعه و این پیکر عمومی امت اسلام. البتّه شرایطی هم دارد، باید خیلی آگاه باشد، باید خیلی بداند، باید خیلی باتصمیم باشد، باید چشمش دارای یک دید دیگری باشد، بایستی از هیچ چیزی در راه خدا نهراسد، بایستی اگر لازم شد، خودش را هم فدا کند، ما اسم یک چنین موجودی را چه می گذاریم؟ امام. (۱)

شکوفایی تمام استعدادها در جامعه ی ولایی

جامعه ی دارای ولایت، جامعهای میشود که تمام استعدادهای انسانی را رشد میدهد؛ همه ی چیزهایی که برای کمال و تعالی انسان خدا به او داده، اینها را بارور میکند؛ نهال انسانی را بالنده میسازد؛ انسانها را به تکامل می رساند؛ انسانیت ها را تقویت میکند. (۲)

امامت، منصبی حقیقی

امامت یک چیز قراردادی نیست که من بیایم بگویم که فلانی امام باشد، فلانی نباشد؛ یعنی حالا آن کسی که راه بهتر بلد است، آن کسی که در مقابله با خطرها شجاعت بیشتری دارد، آن کسی که زودتر از همه ی خفتگان قافله در سحرگاه بیدار میشود و دیرتر از همه در شامگاه میخوابد، آن کسی که تردیدها را تبدیل به قاطعیت میکند، تزلزل ها را تبدیل به صلابت و قدرت میکند آن کسی که هیچ لحظه ای از تصمیم بر حرکت منحرف نمیشود، آن کسی که بر سر دوراهی ها در سر چند راهی ها، خوب احساس میکند که فلان راه را باید انتخاب کرد و به تجربه نشان میدهد که همیشه راه موفّق و درست را انتخاب میکند و خلاصه آن کسی که کاروان احساس میکند که وجود او و حضور او و در این پویندگی، در این شتابندگی، در این کامیابی موثر هست، به طور طبیعی رهبر اوست. (۳)

۱- . طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۴۳-۵۴۴.

۲- . ولایت فقیه سایه ی حقیقت عظمی، ج ۲، ص۶۲.

۳- . قبسات النور، ص ۹۰.

وجود امامت به معنای عام در همه ی ادیان

مسئله ی امامت یعنی پیشوایی جامعه و رهبری امّت با معنای عامّ کلمه برای همه ی ادیان و برای همه ی فِرَق دین اسلام مطرح است. جامعه امامی لازم دارد و این امام دارای معیارهایی است. (۱)

دنیا و آخرت مردم در دست دو دسته از امامان

مسئله ی امامت، یک مسئله ی مخصوص مسلمانها یا مخصوص شیعیان نیست. امامت یعنی یک فردی، یک گروهی بر یک جامعه ای حکمرانی میکنند و جهت حرکت آنها را در امر دنیا و در امر معنویت و آخرت مشخّص میکنند. این یک مسئله ی همگانی است برای همه ی جوامع بشری. خوب، این امام دو جور میتواند باشد: یک امامی است که خدای متعال در قرآن میفرماید:«وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّهً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا وَ أَوْحَیْنا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْراتِ وَ إِقامَ الصَّلاهِ وَ إِیتاءَ الزَّکاهِ وَ کانُوا لَنا عابِدین». این امامتی است که به امر پروردگار، مردم را هدایت میکنند؛ مردم را از خطرها، از سقوطگاه ها، از لغزشگاه ها عبور میدهد؛ آنها را به سرمنزل مقصود و مطلوب از حیات دنیوی انسان- که خداوند این حیات را به انسان داده، برای رسیدن به آن مقصود میرساند و به آن سمت هدایت میکند. این یک جور امام است که مصداق آن، انبیای الهی اند؛ مصداق آن، پیغمبر اکرم است که امام باقرعلیه الصّلاه و السّلام در منا مردم را جمع کرد و فرمود: «انّ رسول الله کان هو الامام». اوّلین امام، خود پیغمبر است. پیغمبران الهی، اوصیای پیغمبران، برگزیده ترین انسانها، از این دسته امامهای نوع اوّلند که اینها کارشان هدایت است، از سوی خدای متعال رهنمایی میشوند، این رهنمایی را به مردم منتقل میکنند: «وَ أَوْحَیْنا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْراتِ»؛ کارشان کار نیک است، «وَ إِقامَ الصَّلاهِ»؛ نماز را برپا میدارند که نماز رمز ارتباط و اتّصال انسان به خداست «و کانوا لنا عابدین»؛ بنده ی خدا هستند، مانند همه ی انسانها که بندگان خدا هستند. عزّت دنیوی آنها کمترین آسیبی به بندگی خدا در وجود آنها و در دل آنها نمیزند، این یک دسته.

یک دسته ی دیگر: «وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّهً یَدْعُونَ إِلَی النَّار»، که در قرآن درباره ی فرعون وارد شده است. فرعون هم امام است. به همان معنا که در آیه ی اوّل «امام» استعمال شده بود، در اینجا هم امام به همان معناست؛ یعنی دنیای مردم و دین مردم و آخرت مردم، جسم و جان مردم، در قبضه ی

۱- .همان، ص۹۴.

قـدرت اوسـت، امّـا «یَـدْعُونَ إِلَی النَّار»؛ مردم را بـه آتش دعـوت میکننـد، مردم را بـه هلاـکت دعـوت میکننـد. سـکولارترین حکومتهـای دنیـا هم، علی رغم آنچه که ادّعـا میکننـد، چه بداننـد، چه نداننـد، دنیا و آخرت مردم را در دست گرفته انـد. این دسـتگاههای عظیم فرهنگی که امروز نسل جوان بشر را در چهارگوشه ی دنیا به سمت بداخلاقی، فساد و تباهی دارند حرکت و سوق میدهنـد، همـان امامـانی هسـتند که «یَـدْعُونَ إِلَی النَّار». دسـتگاه هـای قدرتنـد که به خـاطر منـافع خودشـان، به خـاطر حاکمیتهای ظالمانه شان، به خاطر رسـیدن به اهداف گوناگون سیاسی شان مردم را میکشانند؛ دنیای مردم هم دست آنهاست، آخرت مردم هم دست آنهاست، جسم و جان مردم در اختیار آنهاست. (۱)

ولایت پذیری شرط بندگی

هر مسلمانی که مدّعی بندگی خداست، باید ولی زندگی خود، فرمانروا، صاحب اختیار، فعّالیتها و نشاطهای سراسر دوران عمر خود را از سوی خدا بداند و از خدا بخواهد و دست اطاعت به ولی الله بدهد. (۲)

ولایت پذیری عامل توانایی و پویایی مسلمانان

مسـلمانها اگر ولایت نداشـته باشـند، اگر به هم پیوسـته ی صددرصد نباشـند، میان آنها اختلاف به وجود بیاید، از برداشتن بار امانتی که بر دوش آنهاست، عاجز خواهند ماند، نمیتوانند این بار را به سر منزل برسانند. (۳)

ولایت منسجم کننده نیروهای جامعه

دین یک مجموعه احکام است. آن چیزی است که این مجموعه احکام را با هم منسـجم میکنـد، آنها را با هم سازگار میکنـد، آنها را در زنـدگی بشـر خرد و قابل عمل میکنـد، جا به جا از آنها برای هدایت انسانها و رفاه زندگی آنها اسـتفاده میکند، آن دست قدرتمند ولی جامعه اسلامی است و حاکم اسـلامی؛ لذا در روایت معروف امام هشـتم(علیه الصـلاه والسـلام) میفرماید: «الامـامه زمـام الـدین و نظـام المسـلمین و صـلاح الـدنیا و عزّ المؤمنین»؛ امـامت و رهبری جـامعه و حکومت اسـلامی و ولایت اسلامی - که همه ی این تعبیرات یک معنا دارد - این زمام دین است؛ چیزی است که به دین - یعنی

۱- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۴/۹/۱۳۸۹.

۲- . قبسات النور، ص۸۵.

۳- . همان.

به مجموعه ی احکـام اسـلامی - جهت میدهـد؛ آنهـا را در جای خود مصـرف میکنـد؛ در زنـدگی بشـر نیازها را با آنها تطبیق میکنـد؛ مصالـح جامعه را از میان آنها جسـتجو میکنـد و پیـدا میکنـد و طبق آن عمل میکند. «نظام مسـلمین است»؛ یعنی بدون امامت و ولایت و حکومت اسـلامی، جامعه مسـلمین دارای نظام نیست؛ آنچه که نظم میبخشـد به این جامعه، باز دست مقتـدرِ ولایت الهی است در جامعه. «وَ صَـلَاحُ الدُّنْیا»؛ اصلاً صلاح دنیا، آن چیزی که دنیا را آباد میکند، او حاکمیت اسلامی است که اگر این را ما از دین بگیریم، مطمئنّاً از مجموعه ی احکام دین، چیزی که بتواند این آثار را داشته باشد، باقی نخواهد ماند. بله! افرادی بـا عمـل فردی و شخصـی خودشان، با تلاش فراوان و مجاهـدتی که بکننـد، راه تکامل را به صورت فردی طی خواهند کرد؛ امّا دنیا، دنیای آبادِ مورد نظر اسـلام نخواهد شد. این اهمیت حکومت است که از همه ی احکام فرعیه بالاتر است و جزو اصول اسلامی است و در ردیف مهم ترین اصول یا - همان طور که عرض کردم - خود، مهم ترین اصول اسلامی است. (۱)

مودّت پشتوانه ی ولایت و اطاعت اولیاء الهی

ببینیـد در قرآن نسـبت به اولیـاء الهی سه تعبیر وجود دارد:یک تعبیر، تعبیر ولایت است؛ «إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذینَ آمَنُوا الَّذینَ یُقیمُـونَ الصَّلاـهَ وَ یُؤْتُـونَ الزَّکـاهَ وَ هُمْ راکِعُـون»؛ بحث ولاـیت. معلوم است که پیونـد، ارتبـاط، معرفت، اینهـا داخـل در زیرمجموعه ی ولاـیت است. یـک بحث، بحث اطاعت است؛ «أَطیعُوا اللَّهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُم»؛ اطاعت رسول و اطاعت اولی الامر. این، در عمل است. در میدان عمل باید اطاعت کرد، پیروی کرد.

امّـا یک بحث سوّمی وجود دارد و آن، بحث مودّت است. «قُلْ لا أَسْـئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی». این مودّت چیسـت دیگر؟ ولایتِ اینها را داشـته باشـید، اطاعت هم از اینها بکنیـد؛ مودّت برای چیست؟ این مودّت، پشـتوانه است. اگر این مودّت نباشـد، همان بلایی بر سـر امّت اسـلامی خواهـد آمـد که در دورانهای اوّل بر سـر یک عـده ای آمـد که همین مودت را کنار گذاشـتند، به تدریـج اطاعت و ولایت هم کنار گذاشـته شد. بحث مودّت خیلی مهم است. این مودت، با این ارتباطات عاطفی حاصل میشود؛ ماجرای مصیبتهای اینها را گفتن، یک جور ایجاد ارتباط عاطفی است؛ ماجرای

۱- . ولایت و حکومت، ص ۲۲۹-۲۳۰.

مناقب اینها و فضایل اینها را گفتن، یک جور دیگر پیوند عاطفی است. (۱)

اعلام مسئله ی ولایت، رسالتی الهی

اینی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله حسّاس ترین زمان را برای اعلام مسئله ی ولایت انتخاب کرد، این انتخابِ پیغمبر صلی الله علیه و آله نبود، انتخابِ خدای متعال بود. از طرف پروردگار وحی رسید که: «بلّغ ما انزل الیک من ربّک». نه اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله مسئله ی امامت و ولایت را از سوی پروردگار قبلاً نمیدانست؛ چرا، از اوّل بعثت برای پیغمبر مسئله روشن بود. بعد هم حوادث گوناگون این ۲۳سال، آن چنان این حقیقت را عریان کرد و آشکار کرد که جای تردیدی باقی نمیگذاشت؛ امّا اعلان رسمی باید در حساس ترین زمان اتّفاق می افتاد و به دستور پروردگار اتّفاق افتاد: «بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ»؛ یعنی این یک رسالت الهی است که باید بگویی. بعد هم که در غدیر خم، در نزدیکی جحفه، نبی مکرم مردم را متوقّف کردند، کاروانهای حجّاج را جمع کردند و این مطلب را اعلان کردند، آیه ی شریفه آمد که: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتی»؛ نعمت کامل شد، دین کامل شد. در سوره ی مبارک مائده قبل از آیه ی «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ»، این آیه ی مبارک است: «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذينَ كَفَرُوا مِنْ دينِكُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْن»؛ امروز روز یأس و ناامیدی دشمنان است؛ یعنی معیار مشخّص شد، شاخص معلوم شد؛ امت هر وقت بخواهند، هر وقت چشم خود را بر حقیقت باز کنند، شاخص را خواهند دید، معیار را مشاهده خواهند کرد، تردیدی باقی نخواهد ماند. اهمیت غدیر این است. (۲)

دو قلمرو ولایت

در باب ولایت، دو قلمرو اساسی هست: یکی قلمرو نفس انسانی است که انسان بتواند اراده ی الهی را بر نفس خودش ولایت بدهد و نفس خود را داخل ولایت الله کند. این، آن قدم اوّل و اساسی است و تا این نشود، قدم دوّم هم تحقّق پیدا نخواهد کرد. جانب و مرحله ی دوّم این است که محیط زندگی را در ولایت الله داخل کند. یعنی جامعه، با ولایت الهی حرکت کند. هیچ ولایتی؛ ولایت پول، ولایت قوم و قبیله، ولایت زور، ولایت سنّتها و آداب و عادات غلط نتواند مانع از ولایت الله

۱- . بیانات در دیدار با جمعی از طلّاب و روحانیون، ۲۲/۹/۱۳۸۸.

۲- . بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیرخم، ۱۵/۹/۱۳۸۸.

شود و در مقابل ولایت الله عرض اندام کند. (۱)

عدم حصر ولایت در سیاست

اگرچه ولایت یک امر سیاسی است، امّا همه ی مضمون ولایت در سیاست خلاصه نمیشود. این ولایت، پرتوی از ولایت ذات مقدّس پروردگار است. این ولایت، ناشی از حضور ولایت الهی در وجود امیرالمؤمنین علیه السلام است، همچنان که در وجود پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله بود. این ولایت، فرعی از آن اصل و میوه ای از آن ریشه است. لذا از آن به «ولایت» تعبیر شده است. ولایت در حقیقت به معنای پیوند، ارتباط و اتصال است. آن کسی که منصوب به این مقام است، برخلاف حکام و فرمانروایان عالم، فقط یک فرمانروا یا یک سلطان و یک حاکم نیست بلکه یک ولی است، به مردم نزدیک است، به آنها پیوسته است و مورد اتّکای دل و جان مردم است. این معنا در امیرالمؤمنین و در ائمّه ی معصومین علیهم السّلام وجود دارد. بعد از دوران حضور ائمّه هم اگر پرتوهای ضعیفی از این حقیقت در جایی پیدا شود، ولایت در آن جا شکل میگیرد. حقیقت و معنای واقعی امر این است. لذا نبی اکرم صلی الله علیه و آله در بیان صفات امیرالمؤمنین میفرماید: «اعدلکم فی الرعیه»، او عادل ترین شما در بین مردم است. هم عدالت درونی، معنوی و فردی امیرالمؤمنین مراد است و هم عدالت رفتاری و عدالت اجتماعی او. اینها چیزهایی است که در زبان به آسانی میشود بیان کرد، امّا در تحقّق و تبلور در عمل است که انسان به عظمت این حقیقت و کسانی که تجسّم این حقیقت بوده اند، پی میبرد. عدالت به معنای واقعی کلمه در وجود امیرالمؤمنین علیه السلام در رفتار او، در تقوای او و در توجّه او حضور دارد. در رفتار بیرونی او هم عدالت تجسّم پیدا میکند. امروز بعد از گذشت قرنها، اگر بخواهیم عدالت را تعریف کنیم و آن را در ضمن مثال و نمونه بیان کنیم، هیچ مثالی رساتر و گویاتر از رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام نمیتوانیم پیدا کنیم. این است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله او را به امر پروردگار و با نصب الهی به مردم معرّفی و به مقام ولایت منصوب میکند. (۲)

زندگی مجموعه ی ائمّه مانند زندگی یک انسان

زندگی ائمّه در حقیقت مثل زندگی یک انسان است؛ یعنی شما نمیتوانید تفکیک قائل بشوید بین زندگی امام ششم و امام دهم و امام سوّم. اینها یک نفرند. شما یک انسانی را فرض کنید که این

۱- . بیانات در دیدار مسئولان کشوری و لشکری، به مناسبت عید غدیر خم، ۱۹/۳/۱۳۷۲.

۲- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر خم، ۱/۱۲/۱۳۸۱.

انسان ۲۵۰ سال عمر کردند، ائمّه ی ما همان یک انسانند از سال ده هجرت یعنی سال وفات پیغمبر تا سال ۲۶۰ هجرت یعنی سال غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و وفات امام عسگری علیه السلام میشود ۲۵۰ سال که تمام مجموعه ی سالیان زندگی یک انسان است. (۱)

ائمه علیهم السلام اگر بعضی شان صلح کردند، بعضی شان جنگ کردند، بعضی شان سکوت کردند، بعضی شان قیام کردند، بعضی شان با خلیفه زمانشان درشت صحبت کردند، بعضی شان نرم صحبت کردند، بعضی شان عبادت کردند بعضی شان هجرت کردند، بعضی شان زندان رفتند، بعضی شان تبعید شدند، با اینکه حالات و کیفیات زندگیشان مختلف است، در مجموعه ی یک خطّ واحدند، یک حرکت واحد را دارند تکمیل میکنند و بوجود می آورند. (۲)

ما اظهارات خود ائمّه علیه السلام و روایاتی که صادر از زبان خود ائمّه علیهم السلام هست را، بهترین منبع و مدرک برای شناخت زندگی آنها میدانیم. منتهی قبلاً- هم در یکی از گفتارها اشاره کردیم که ما این بیانات را در صورتی درست درک میکنیم که به جهت حرکت ائمّه علیه السلام و مقصود و مقصد آنها از این مبارزه و تلاش و سیری که میکردند، آشنا باشیم. (۳)

سؤالهایی مهم درباره ی ولایت مداری

مسئلهای که بعد از این پیش می آید، این است که من و شما آیا دارای ولایت هستیم یا نه؟ ممکن است من و شما دارای ولایت باشیم، امّا آیا مجموعاً جامعه ی ما دارای ولایت هست یا نیست؟ ممکن است این سؤال پیش آید که مگر این دو یکی نیستند و با هم فرق میکنند؟در جواب باید گفت: بله! اگر یک عضوی به خودی خود سالم باشد، سالم بودن یک عضو اوّلاً؛ نه به معنای سالم بودن همه ی بدن است و ثانیاً؛ یک عضو سالم اگر در یک بدن غیر سالم قرار گرفت، نمیتواند همه محسّنات یک عضو سالم را دارا باشد.

اوّل ببینیم که یک انسان با ولایت چه جور آدمی است تا بفهمیم آیا من و شما دارای ولایت هستیم یا نه؟ اگر چنانچه ثابت و روشن شد که من و شما دارای ولایت هستیم؛ بعد باید ببینیم که جامعه چگونه باید باشد تا دارای ولایت باشد؟ هیچ مانعی ندارد که یک انسان دارای ولایت، در یک

۱- . قبسات النّور، ص۱۹.

۲- . همان.

۳- . همان، ص ۲۰.

جامعه ی بی ولایت باشد. البتّه منظورم از نظر خود ایده است که میگویم مانعی و اشکالی ندارد و گرنه خیلی هم اشکال دارد؛ حالا ـ باید به این مسئله پرداخت که وقتی کسی خودش دارای ولایت بود، آیا دیگر مسئولیتش تمام شده است؟ و همین که خود او دارای ولایت شد، ولو اینکه در جامعه ی محروم و عاری از ولایت زندگی میکند، آیا این زندگی میتواند یک زندگی مطلوب باشد؟ و آیا اگر کسی خودش دارای ولایت بود؛ امّا در یک جامعه ای زندگی کرد که آن جامعه بی ولایت بود و او در مقابل بی ولایتی جامعه مسئولیت احساس نکرد، همین عدم احساس مسئولیت، ولایت خود او را هم مصدوّم و خراب نمیکند؟ اینها یک چیزهایی است که شما مرد مسلمان و زن مسلمان، مخصوصاً جوان مسلمان باید رویش فکر کنید، ممکن است من آن قدر فرصت و مجال نداشته باشم که تک تک اینها را شرح دهم و اگر بخواهم تک تک اینها را طوری شرح بدهم که مطلب به خوبی و به روشنی بیان شود و آن را همه بفهمند، لازم است که روی هر یک از اینها ساعت ها بحث کرد که متأسفانه وقت من آن قدرها نیست. این است که من مطلب را به اختصار میگویم و دقّت در آن و موشکافی در آن را به خود شما واگذار میکنم.

حالا ـ میپردازم به اینکه اوّلاً؛ یک انسان دارای ولایت چگونه انسانی است؟ ثانیاً؛ ما و جامعه و هیأت اجتماعی انسانهایی که یکجا جمع شدهایم، چگونه باشیم تا دارای ولایت باشیم و در چه صورت دارای ولایت نخواهیم بود؟ در چه صورتی یک جامعه، یک جامعه ولی و متولّی و موالی، به صورتی که اسلام دستور داده [است] در می آید و در چه صورتی و در چه شرایطی از ولایتی که اسلام گفته محروم میماند.

مسئله ی سوّم اینکه آیا یک انسانی که دارای ولایت است، تکلیف خودش با ولایت داشتن شخص خودش تمام شده است و دیگر تکلیف ندارد که جامعه ی دارای ولایت بسازد؟ و مسئله ی چهارم اینکه اگر یک آدمی خودش دارای ولایت بود و در یک جامعه ی محروم از ولایت زندگی میکرد و احساس تکلیفی نمیکرد که جامعه را دارای ولایت بکند. آیا این احساس تکلیف نکردن، ولایت خود او را هم مخدوش نخواهد کرد؟ و همین که در فکر نیست که دیگران را هم دارای ولایت کند، همین به فکر نبودن، ولایت او را ضعیف و مخدوش نکردهاست؟ اینها مسایلی است که باید بحث کنیم.

وقتی که این بحث کامل شد، خود شما این معنای مترقّی عالی جالبِ خردپسندِ قرآن فرموده ی حدیث گفته ی ولایت را، با آن معنایی که آدمِ تنبلِ از کاربگریزِ راحت طلبِ سهل گرای سهولت طلب،

پیش خودش تصوّر میکنـد مقایسه کنیـد تا ببینید تفاوت ره از کجا تا به کجاست. عدّهای خیال میکنند که دارای ولایت بودن به این است که وقتی اسم اهل بیت می آیـد، کلمه علیهاالسـلام را بگویـد. خیال میکننـد که دارای ولایت بودن به این است که محبّت اهل بیت در دل انسان باشد، البتّه محبّت اهل بیت داشتن واجب و فرض است و نام آن بزرگواران را با عظمت بردن، به نـام آنهـا مجلس بـه پـا کردن و از عزا و شـادی آنهـا درس گرفتـن، عزای آنهـا را گفتـن، شـادی آنهـا را گفتـن، گریســتن بر بزرگواری هـای آنهـا، بر شـهامت هـای آنهـا، بر مظلومیت هـای آنهـا، همه ی اینهـا لازم است؛ امّا همه ی اینها ولایت نیست، ولایت از این بالاتر است. آنکه در مجلس سیدالشّـهداء می نشـیند و اشک میریزد، کار خوبی میکنـد، امّا نباید اشک ریختن را برای دارا بودن ولایت کافی بدانـد، آن کسانی که ذهنشان تحت اثر تلقینات و القائات مغرضانه یا جاهلانه ی بعضـی از دسـت های مزدور و مغرض واقع شدهاست، درست دقّت کنند که بعد گفته نشود با گریسـتن بر سیدالشّـهداء کسـی مخالف است، ما میگوییم که گریستن بر امام حسین(علیه السلام) گاهی میتواند یک ملّت را نجات بدهد. (۱)

گفتار سوّم. صفات و ویژگیهای امام

امام، انسان کامل

تمام ابعادی که در شخصـیت یک انسان از نظر اسلام دخیل است، در شخصیت اینها بود. هم از جنبه ی معنوی، هم از جنبه ی فکری، هم از جنبه ی علمی، هم در میـدان تلاش و مجاهـده، هم در اخلاـق و برخورد بـا انسانها و در همه ی ابعادی که برای یک انسان تصوّر میشود، امامان شـیعه نمودار کامل بودند و لذاست که ما در زیارت جامعه که زیارتی است که خطاب به همه ی امامـان شـیعه آن را میخوانیم، از جمله نام ها و تیترهایی که برای امام ذکر میکنیم «و المثل الاعلی»؛ نمونه ی بالاتر، نمونه ی برتر یکی از عنوانها این است. (۲)

امام در اوج اخلاق و بینش

امـامِ معصوم، انسـان والاـیی است که از لحـاظ دینی، قلب او آیینه ی تابناک انوار هـدایت الهی است؛ روح او به سرچشـمه ی وحی متّصل است؛ هدایت او، هدایت خالص است؛ از لحاظ اخلاق انسانی،

۱- . ولایت فقیه سایه ی حقیقت عظمی، ج۴، ص۹۷۹۹

۲- . ولایت و حکومت، ص ۹۳.

رفتار و اخلاق او صددرصد همراه با فضیلت است؛ هوای نفس در او راهی ندارد؛ گناه بر او چیره نمیشود؛ شهوت و تمایلات انسانی، او را مغلوب خود نمیکند؛ خشم و غضب، او را از راه خدا دور نمیکند؛ از لحاظ سیاسی، بینش وسیع او آن چنان است که آرامترین حرکات و ریزترین حوادث را در صحنه ی زندگی جامعه، با چشم تیزبین خود میبیند - که امیرالمؤمنین علیه الصّلاهوالسّلام فرمود: «والله لا اکون کالضبع تنام علی طول اللدم»؛ یعنی من کسی نیستم که بشود با لالایی او را خواب کرد- در مواجهه ی با حوادث زندگی و وقایع کمرشکن، از خود شجاعت و اقتدار روحی و معنوی نشان میدهد؛ جانش برای او ارزشی ندارد؛ امّا برای جان انسانها، حتّی مردم دوردست، حتّی زنانی که جزو پیروان دین او نیستند، ارزش قائل است و میگوید اگر کسی از غصّه دق کند، حق دارد. امیرالمؤمنین علیه الصّلاهوالسّلام در مقابله با خطرها آن چنان شجاعانه عمل میکند که میگوید کسی نمی توانست با فتنه ای که من چشم آن را درآوردم- منظور، فتنه ی خوارج است- یا فتنه ی ناکثین درافتد. آن معنویت و دین و اخلاق و فضیلت از یک طرف، آن بینش عمیق، شجاعت، فداکاری و عواطف رقیق انسانی در کنار صلابت و استحکام معنوی و روحی از طرف دیگر؛ همه ی اینها ناشی از عصمت است؛ چون خدای متعال او را به مقام عصمت برگزیده است و گناه و اشتباه در کار او وجود ندارد. اگر چنین کسی در رأس جامعه باشد، اوج مطلوب همه ی رسالتهاست. (۱)

امام، عالم و مصون و مظهر قرآن

آن مرکزی که در بطن جامعه و نسل جامعه ی اسلامی، همه ی جناح ها را اداره میکند، هر کسی را به کار لایق به شأن خودش مشغول میکند از تعارض ها جلوگیری میکند، نیروها را به یک سمت هدایت میکند، این باید از سوی خدا باشد، باید عالم باشد، باید آگاه باشد، باید مأمون و مصون باشد، باید یک موجود تبلوریافته ای از تمام عناصر سازنده ی اسلام باشد، باید مظهر قرآن باشد که اسم او را ما میگذاریم ولی.(۲)

امام نمونه ی عینی مکتب

امام بایستی نمودار عینی مکتب باشد. یک مکتب برای اینکه خودش را تثبیت بکند، خودش را در باور مردم و در باور تاریخ جا بدهد، کافی نیست که فقط استدلال کند، باید نمونه ی عینی نشان

۱- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرّضا در روز عید سعید غدیر خم، ۱۲/۱۲/۱۳۸۰.
۲- قبسات النّور، ص۸۷.

بدهد. (۱)

امام باید با وجود خود، با تلاش خود، با چگونگی زندگی خود با تمام منشها و شیوه هایی که از خود بروز میدهد، نشان بدهد که اسلام چگونه انسانی را می خواهد بسازد و این درست همان چیزی است که ما در ائمّه شیعه میبینیم. (۲)

امام الگوی امت

آنچه که بعد از معرفت اجمالی نسبت به این بزرگوار و سایر اولیاء برای ما مهم است، این است که توجّه کنیم آن مثال اعلایی که خدای متعال در روی زمین به افراد بشر نشان میدهد تا انسانها بفهمند که الگو چیست و به سمت چه چیزی باید حرکت کنند، با دیدن امام امکان پیدا میکند. مهم این است. لذاست که امام، در مفهوم اسلامی صحیحش، به همان اندازه که با زبان و دستورات خود، انسانها را هدایت میکند، به همان اندازه یا بیشتر، با منش و شخصیت و رفتار خود، انسانها را جهت میدهد و آنها را به سمت راه راست هدایت میکند. این، مسئله ی مهمّی است. (۳)

گفتار چهارم. وظایف و مسئولیتهای امام

امام، متکفّل دین و دنیای ما

امامی که در اینجا ذکر میکنند یعنی آن کسی که هم متکفّل ارشاد و هدایت توست، از نظر دینی، هم متکفّل اداره ی امور زندگی توست از نظر دنیا. (۴)

امام، آموزش و تربیت

کار امام مانند کار پیغمبر به طور اصلی از دو بخش تشکیل میشود. یک بخش بخش فکری، فرهنگی، آموزش، تعلیم، تربیت و این چیزهاست. (۵)

امام و زمامداری جامعه

امام دارای دو مسئولیت است، یک مسئولیت تشریح مکتب است و یک مسئولیت، مسئولیت

۱- . همان، ص۹۱.

۲- . همان.

۳- . بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز میلاد حضرت علی علیه السلام، ۶/۱۰/۱۳۷۲.

۴- . قبسات النّور، ص۸۹.

۵- . همان، ص۹۱.

زمامداری جامعه است. (۱)

بخش دیگرش کار سیاسی است، فعّالیت است، مبارزه است، حرکت است، انقلاب است که این جزء کارهای اصولی پیغمبر و امام است. (۲)

امام یکی از کارها و مشاغل و شئونش این است که اگر نظام سیاسی و اجتماعی اسلام بر سر کار هست، آن را حفظ کند و اگر نیست کوشش کند که آن را به وجود بیاورد. (۳)

امام حافظ مکتب و ایدئولوژی اسلام

امام باید ایدئولوژی را، آن ایدئولوژی توحیدی را، تفکر اسلامی را در تداوم زمان حفظ کند...؛ امام است که میتواند ایدئولوژی را تبیین کند، تشریح کند، تطبیق با مسایل زمان کند. او را از انحرافها و کجیها حفظ کند. شما میدانید اگر خطّ امامت در تاریخ اسلام نبود، یعنی امامت شیعی، یقیناً اسلامی که ما امروز داشتیم، اسلامی بود که با اسلام واقعی، فرسنگها فاصله داشت، هیچ چیز از اسلام نمیماند. (۴)

امام (علیه السّلام) در دوران حضور؛ همان مرزبان بیدار و هماره هوشیاری است که وظیفه ی حراست از مرزهای مکتب را که وی حافظ کلیت آن است، شخصاً بر دوش گرفته است؛ امّا در دوران غیبت، به خصوص غیبت کبری وضع کاملًا تفاوت می یابد. (۵)

گفتار پنجم. انتخاب امام

تعیین امام به دست خداست

امام، امام یعنی آن حاکم و پیشوایی که از طرف پروردگار در آن جامعه تعیین میشود...خود پیغمبر هم یک امام است: «إِنِّی جاعِلُکَ لِلنَّاسِ اماما»؛ خدای متعال به ابراهیم علیه السلام میگوید: من تو را امام قرار دادم. (۶)

۱- . همان.

۲- . همان.

۳- . همان.

۴- . همان، ص۹۲.

۵- . پیام به کنگره ی جهانی هزاره ی شیخ مفید، ۲۸/۱/۱۳۷۲.

۶- . ولایت و حکومت، ص ۷۰-۷۱.

امام مشخّص به نام و امام مشخّص به نشان

یک وقت این امام را خدا با نام و نشان معین میکند، می گوید بعد از پیغمبر باید علی بن ابی طالب علیه السلام مثلاً باشد. یک وقت امام را به نام، معین نمیکند، به نشان معین میکند مثل فرمایش امام علیه السلام: فَأَمَّا مَنْ كانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِناً لِنَفْسِهِ حَافِظاً لِدِينِهِ مُخَالِفاً عَلَى هَوَاهُ مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَام أَنْ يقَلِّدُوه؛ امام معین کرد دیگر، این هم امام است. آن فقیهی که جانشین امام منصوص است، خود امام است منتهی امامی است که با نام معین نشده، با نشان معین شده، هر کسی که این نشان بر او تطبیق کرد میشود امام. (۱)

انتخاب امام بر اساس معیارهای ارزشی

در اسلام از همه بیشتر و به طور انحصاری آنچه که مطرح است، معیارهاست. در هر کسی که معیارها بیشتر باشد، از نظر اسلام او اولویت بیشتر دارد. از هر نسلی، از هر نژادی، وابسته به هر خاندانی، واسطه به هر فامیلی، هیچ فرقی نمیکند. از هر قشری از قشرهای اجتماعی. در این آیه ای که تلاوت کردم، وقتی که ابراهیم علیه السلام از طرف پروردگار به منصب امامت و رهبری جامعه منسوب میشود، از خدای متعال سؤال میکند «قالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتی» آیا ذرّیه ی من و خانواده ی من هم از این منصب سهمی دارند؟ در جواب ابراهیم خدا نمی گوید: نه و نمیگوید: آری، میفرماید: «لا يَنالُ عَهْدِی الظَّالِمين». ملاک این نیست که ذرّیه ی تو باشد یا نباشد. مسئله این نیست که کسی که به امامت میرسد، باید فرزند ابراهیم علیه السلام باشد یا باید فرزند ابراهیم علیه السلام نباشد، مسئله این است که آن کسی که به مقام امامت میرسد و فرمان الهی را میگیرد، باید ظالم و ستمگر نباشد. ملاکها مطرحند نه نسبها و قرابتها و نسبتها.

در یک آیه ی دیگر قرآن در قصّه ی طالوت و جالوت وقتی که پیغمبر آن قوم بنی اسرائیل طالوت را معین میکند، اعتراض میکنند که طالوت دارای مال نیست «وَ لَمْ يؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمال؛ دارای گشایش در مال نیست، پولدار نیست، معلوم میشود که ثروتمند ها و مترفین بنی اسرائیل این اعتراض را کرده بودند، در جواب إِنَّ الله اصْطَفاهُ عَلَيكمْ وَ زادَهُ بَسْطَةً فِی الْعِلْم وَ الْجِسْم، صحبت سر مال نیست، صحبت سر وابستگی نیست، ملاک و معیار خویشاوندی نیست، سابقه نیست، «إِنَّ الله اصْطَفاهُ عَلَيكمْ؛ خدا او را بر شما برگزید» و برگزیدن خدایی هم تابع معیارهاست، خد با هیچ کس خویشاوندی ندارد.... بنابراین در

۱- . ولایت و حکومت، ص ۷۱.

اسلام در منطق قرآن و در فرهنگ الهی، همه ی مقام های اجتماعی، همه ی مقام های معنوی که حکومت هم جزء مقام های معنوی ست، تابع معیارهاست. (۱)

امامت و مسئله ی وراثت

وراثت وقتی با ارزشها همراه باشد، عیب نیست در قرآن «وَ وَرِثَ سُلَیْمانُ داوُد» داریم. یعنی سلیمان وارث ملك و حکومت داوود شد؛ امّا سلیمان علیه السلام وارث پیغمبری داوود علیه السلام هم بود. همان معیاری که موجب میشد داوود علیه السلام به حکومت برسد، همان معیار در سلیمان هم بود. یا در اعتقاد ما شیعیان در امامت و وراثت معنوی پیغمبر وارث هست؛ امّا وراثت به معنای عامل تعیین کننده نیست. ائمّه علیهم السلام فرزندان زیادی داشتند؛ امّا آن فرزندی که میتواند امامت را از پدر به ارث ببرد، آن کسی است که همه ی آن خصوصیات معنوی، آن علم، آن تقوا، آن عصمت که در امام قبل هست در او هم هست. آن وراثتی زشت است، آن وراثتی غیر قابل قبول است، ظلم است که منهای معیارها و ارزشها باشد. (۲)

مطلب دوّم. نسب و صفات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

گفتار اوّل. نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

مهدی علیه السّلام از نسل طیب و طاهر پیغمبر صلی الله علیه و آله برای اقامه ی دین خدا و حقّ الهی قیام خواهد کرد. (۳)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جویباری از کوثر فاطمه علیها السلام

بیشترین سنّی که برای فاطمه ی زهرا سلام الله علیها طبق تواریخ مختلف گفته میشود، از هجده سال است تا بیست و دو سال. از آن تکریمی که امیرالمؤمنین برای ایشان قائل است، و از آن تکریمی که در روایات و کلمات همه ی ائمّه علیهم السّلام درباره ی فاطمه ی زهرا سلام الله علیها آمده، انسان میفهمد که چه عظمت و شیفتگی یی در کلمات ائمّه نسبت به فاطمه ی زهرا موج میزند. هریك از ائمّه شطّ خروشانی هستند که فضای معرفت و استعدادهای بشری را سیراب و بارور کرده اند و همه ی این جویبارها از این چشمه سرازیر میشوند؛ چشمه ی جوشان فاطمه ی زهرا سلام الله علیها. روایات صادقین علیهم السّلام، عظمت

۱- . ولایت و حکومت،ص ۱۸۸-۱۸۹.

۲- . ولایت و حکومت،ص ۱۳۵.

۳- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، در روز نیمه ی شعبان، ۱۴/۹/۱۳۷۷.

حضـرت رضا علیها السلام و موسی بن جعفر و ائمّه ی بعـدی، مقام والای حضـرت بقیه الله أرواحنا فداه، همه جویبارهای آن کوثرند؛ آن کوثر تمام نشدنی، آن چشمه ی جوشان؛ برکات فاطمه ی زهرا اینهاست. (۱)

ان شاء الله آن فرزنـد فاطمه علیها السلام و آن عبـد صالح الهی برای شـما دعا کند و دعای آن بزرگوار در حقّ همه مسـتجاب خواهد بود. (۲)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام حسن عسکری علیه السلام

فرزند مبارک پاک نهاد امام حسن عسکری علیه الصّلاه و السّلام، تاریخ ولادتش معلوم است. (۳)

گفتار دوّم. صفات حضرت مهدی

ولیّ الله الاعظم

امیدواریم که خدای متعال به همه ی شما توفیق عنایت کند، راه را به ما نشان دهد، ما را در پیمودن آن راه کمک کند،...ما را مشمول رضای ولی الله الأعظم، امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشّریف قرار بدهد. (۴)

خداوند نظر و عنایت و لطف ولیّ الله الاعظم أرواحنا فداه را همیشه به این ملّت مستمر و مستدام بدارد. (۵)

با سلام به حضرت ولی الله الاعظم روحی فداه به دعا و توجّه و حمایت آن صاحب اصلی کشور و ملّت دل می بندم. (۶)

بقیه الله

یکی از آن خورشـیدهای فروزان، بـه فضـل و کمـک پروردگـار و بـه اراده ی الهی، امروز در زمـان مـا بـه عنـوان بقیهالله فی ارضه،... در روی زمین وجود دارد. (۷)

۱- . بیانات در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه علیها السلام، ۱۷/۵/۱۳۸۳.

۲- . بیانات در دیدار اعضای اتحادیه های انجمنهای اسلامی دانش آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور۸/۱۲/۱۳۷۹

۳- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۴- . سـخنرانی در دیـدار بـا مسـئولان دفـاتر نهضت سوادآموزی و... جمعی از نـاظران و اعضای هیئت نظارت شورای نگهبان، ۴/۷/۱۳۶۹.

۵- . سـخنرانی در دیـدار بـا گروه کـثیری از کـارگران و معلمـان سراسـر کشـور، به مناسبت روز جهـانی کـارگر و روز معلّم، ۱۱/۲/۱۳۷۰.

۶- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۵/۳/۱۳۸۴.

۷- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور همزمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

منتظر

حکمت الهی اقتضا کرده است که این انتظار بزرگ را، هم ما داشته باشیم و هم خودِ آن بزرگوار. انتظارِ روزی که این بزرگوار، با یک قیام بزرگ و یک حرکت عظیم و الهی - مثل حرکت انبیا - به اضافه ی توفیق قطعی در برخورد با جبهه ی کفر و نفاق، بتواند دنیا را از ظلم، بی عدالتی، تبعیض، زورگویی و استثمار نجات دهد. (۱)

صاحب الزمان

به اراده ی الهی، امروز در زمان ما...صاحب زمان و ولیّ مطلق الهی در روی زمین وجود دارد. (۲)

وضع مطلوب با دست قدرتمند... مهدی صاحب زمان صلوات الله علیه و عجّل الله فرجه و ارواحنا فداه تحقّق پیدا خواهد کرد. (۳)

امید و منجی بشریت

درود و سلام... بر حجّت حق و امام زمان و امید مطلق جهان، حضرت حجه بن الحسن المهدی ارواحنا فداه و عجّل الله فرجه. (۴)

ای سید بزرگوار ما! ای مرکز عشق و محبت و سوز ما و ای نقطه ی اوج امید بشر! (۵)

اصلِ امید به یک آینده ی روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتّفاق همه ی ادیانی است که در عالم سراغ داریم. (۶)

الگوی انسانها

درود و سلام بی پایان بر پیامبر بزرگ خدا، حضرت محمّد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم باد که مژده ی نجات بشر را با خود آورد و راه صلاح و سعادت را به او باز نمود و آزادگی و سربلندی دنیا و آخرت را نصیب مؤمنان ساخت؛ و بر خاندان پاکش، که معلّمان بشر و الگوهای انسان کامل و رهروان و

۱- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، در روز نیمه شعبان، ۱۴/۹/۱۳۷۷.

۲- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور همزمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۳- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۴- . پیام به مناسبت «روز شهیدان» در دهه ی فجر، ۱۴/۱۱/۱۳۷۱.

۵- بیانات در دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی، ۱۹/۱۱/۱۳۷۱.

۶- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

رهبران راه بهشت در دنیا و آخرتند؛ به ویژه بر حجّت حق و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. (۱)

حافظ و نگهبان

وجود مقدّس ولی عصر أرواحنا فداه و عجّل الله تعالی فرجه الشّریف، خود ناظر و حافظ و نگهبان حوزه های علمیه است؛ حافظ و پشتیبان علمای بزرگ است؛ هدایت کننده ی دلهای مراجع و دلهای مردم است. (۲)

حجّه الله

یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده ی الهی، امروز در زمان ما... به عنوان حجه الله علی عباده...وجود دارد. (۳)

درود و سلام و تحیت تو بر... مهدی منتظر و حجّت خدا بر زمین. (۴)

سید و سالار همه

حضرت بقیه الله الاعظم هم که سید و سالار همه ی ماست. (۵)

رئیس و مدبّر امور

از حضرت بقیه الله الاعظم...رئیس و مدبّر امور ماست و سر رشته ی کارِ ما در دست اوست، کمک بخواهید. (۶)

خورشید عصر غیبت

یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده ی الهی، امروز در زمان ما... وجود دارد. برکات وجود او، [و] انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر میرسد... این خورشید معنوی و الهی بازمانده ی اهل بیت است. (۷)

چشم های ناقابل و تیره ی ما، آن چهره ی ملکوتی را از نزدیک نمیبینند؛ امّا او مثل خورشیدی درخشان

۱- . پیام به مناسبت «روز شهیدان» در دهه ی فجر، ۱۴/۱۱/۱۳۷۱.

۲- . بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد علیه السلام و در آستانه میلاد بابرکت حضرت علی علیه السلام، ۲۳/۹/۱۳۷۳.

۳- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۴- . پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۲۶/۳/۱۳۷۰.

۵- . بیانات در دیدار روحانیون و طلّاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه ی فیضیه ی قم، ۱۶/۹/۱۳۷۴.

۶- . همان.

۷- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

است. با دلها مرتبط و با روح ها و باطنها متّصل است... خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت، آن عزیز ومحبوب دلهای عاشقان و مشتاقان را از نزدیک، زیارت کرده اند. (۱)

کانون اسمای الهی

کسی که اعتقاد به این مسئله(امام زمان) دارد، چون با مرکز تفضّلات الهی و نقطه ی اصلی و کانون اشعاعِ رحمت حق، رابطه ای روحی برقرار میکند، توفیق بیشتری برای برخورداری از وسایل عروج روحی و تقرب إلی الله دارد. به همین خاطر است که اهل معنا و باطن، در توسّلات معنوی خود، این بزرگوار را مورد توجّه و نظر دائمی قرار میدهند و به آن حضرت توسّل میجویند و توجّه میکنند. نفس پیوند قلبی و تذکر و توجّه روحی به آن مظهر رحمت و قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد میدهد و وسیله ی پیشرفت انسان را- روحاً و معناً- فراهم میکند. (۲)

روح عالم وجود

به فضل پروردگار، عنایات و الطاف حضرت ولی الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف روح عالم وجود و دردانه ی همه ی هستی که خدا در معرفت و محبّت او بر ما منّت نهاده است- شامل این ملّت خواهد شد. (۳)

مظهر عدل

مظهر عدل پروردگار، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و میدانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان(علیه الصّلاهوالسّلام) که در دعاها و زیارات و روایات آمده است، عدالت میباشد: «یملأ الله به الارض قسطا و عدلا». (۴)

منبع علم و برکت

امروز وجود مقدّس حضرت حجّت - ارواحنا فداه - در میان انسانهای روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه ی خیرات است. (۵)

ما همین قدر میدانیم که وجود مقدّس امام زمان، مصداق وعده ی الهی است. همین قدر میدانیم که این بازمانده ی خاندان وحی و رسالت، علم سرافراز خدا در زمین است. «السلام علیك ایها العلم المنصوب و

۱- . همان.

۲- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۳- . بیانات در مانور عظیم عاشورا توسط «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، ۲۵/۳/۱۳۷۴.

۴- . بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه

الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۵- . بیانـات در جشن بزرگ منتظران ظهـور هم زمـان بـا هفته ی بسـیج و روز ولاـدت حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

العلم المصبوب و الغوث و الرحمه الواسعه وعدا غیر مکذوب». (۱)

امام حی و موجود

انتظار یعنی این آینـده حتمی و قطعی است؛ به خصوص انتظارِ یک موجود حی و حاضـر؛ این خیلی مسـئله ی مهمّی است. این جور نیست که بگوینـد کسـی متولّـد خواهـد شـد، کسـی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسـی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بیـن مردم اسـت. در روایـت دارد کـه مردم او را می بیننـد، همچنـانی که او مردم را می بینـد، منتهـا نمی شناسـند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را میدیدند، بین آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه میرفت؛ ولی نمی شناختند. یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده ای(است).(۲)

حجّت خـدا در بین مردم زنـده است؛ موجود است؛ با مردم زنـدگی میکنـد؛ مردم را می بینـد؛ با آنهاست؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس میکند. (۳)

میثاق الهی

این ولادت بزرگ [ولادت امام زمان] و این حقیقت عظیم، متعلّق به یک ملّت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلّق به بشریت است. این «میثاق الله الّذی أخـذه و وکـده»، میثاق خـدا با انسان است. «وعد الله الذی ضـمنه»؛ این، وعده ی خداست که تحقّق آن را ضمانت کرده است. (۴)

وارث انبیاء

انبیای الهی از آغاز تاریـخ بشـریت، یکی پس از دیگری آمدنـد تا جامعه را و بشـریت را قدم به قدم به آن جامعه ی آرمانی و آن هدف نهایی، نزدیک کنند. انبیاء همه موفّق شدند.حتّی یک نفر از رسولان الهی هم در این راه و در این مسـیر ناکام نماند. باری بود که بر دوش این مأموران عالی مقام، نهاده شـده بود. هر کـدام قـدمی آن بار را به مقصـد و سـرمنزل نزدیک کردند؛ کوشـش کردنـد؛ هرچه توان داشـتند، به کار برنـد. آن وقتی که عمر آنان سـر آمـد؛ این بار را دیگری از دست آنان گرفت و همچنان قـدمی و مسافتی آن را به مقصـد نزدیک تر کرد. ولی عصـر صـلوات الله علیه میراث بر همه ی پیامبران الهی است که می آید و

۱- . سـخنرانی در دیـدار بـا اقشـار مختلف مردم و میهمانـان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹

۲- سـخنان مقام معظّم رهبری در دیـدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضـرت مهـدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۳- . سـخنرانی در دیـدار بـا اقشـار مختلف مردم و میهمانـان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصـر عجل الله تعالی فرجه

الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

۴- . بیانـات در جمع اقشـار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضـرت ولی عصـر عجل الله تعـالی فرجه الشـریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

گام آخر را در ایجاد آن جامعه ی الهی بر میدارد. (۱)

وجود مقدّس حضرت بقیه الله أرواحنا فداه استمرار حرکت نبوّت ها و دعوت های الهی است، از اوّل تاریخ تا امروز؛...آن داعیان الهی، امروز سلسله یشان قطع نشده است و وجود مقدّس بقیه الله الاعظم أرواحنا فداه ادامه ی سلسله ی داعیان الهی است، که در زیارت آل یاسین میخوانید: «السّلام علیك یا داعی الله و ربّانی آیاته». یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم علیه السلام، همان دعوت موسی علیه السلام، همان دعوت عیسی علیه السلام، همان دعوت همه ی پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را در وجود حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف مجسّم می بینید. این بزرگوار، وارث همه ی آنهاست و دعوت و پرچم همه ی آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده اند و به بشر عرضه کرده اند، فرامیخواند. این، نکته ی مهمّی است. (۲)

واسطه ی فیض

سلسله ی اهل بیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در طول تاریخ خورشیدهای فروزانی بوده اند که در معنا توانسته اند، بشریت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی، متّصل کنند: «السبب المتصل بین الارض و السماء». خاندان پیغمبر، معدن علم، معدن اخلاق نیکو، معدن ایثار و فداکاری، معدن صدق و صفا و راستی، منبع همه ی نیکیها، زیباییها و درخشندگی های وجود آدمی در هر عصر و عهدی بوده اند؛ هریك چنین خورشید فروزانی بوده اند. (۳)

برکات وجود او(حضرت مهدی) و انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر میرسد. امروز هم انسانیت با همه ی ضعفها، گمراهیها و گرفتاریهایش از انوار تابناك این خورشید معنوی و الهی که بازمانده اهل بیت است، استفاده میکند. (۴)

نوح امت

این نوح، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است...نوحِ این کشتی اوست، پشتیبان این امّت اوست، واسطه ی فیض الهی به یکایك آحاد ما، به دلهای ما، به جانهای ما، به ذهنهای ما، به جسمهای ما، به حیات فردی و اجتماعی،

۱- .. سخنرانی رهبر معظّم انقلاب در خطبه نماز جمعه، ۶/۴/۱۳۵۹.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۳- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۴- . همان.

وجود مقدّس خاتم الاوصیاء و در رتبه ی قبل از او، وجود مقدّس خاتم الانبیا صلی الله علیه وآله است. (۱)

وعده الهی

وجود مقدّس امام زمان، مصداق وعده ی الهی است. این بازمانده ی خاندان وحی و رسالت، عَلَم سرافراز خدا در زمین است. «السّلام علیک ایها العلم المنصوب و العلم المصبوب و الغوث و الرّحمه الواسعه وعدا غیر مکذوب» او وعده ی الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت است. (۲)

هدایتگر انسانها

وجود مقدّس ولی عصر أرواحنا فداه و عجّل الله تعالی فرجه الشّریف...هدایت کننده ی دلهای مراجع و دلهای مردم است. (۳)

حاضر و ناظر

برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند، ولی خدا، امام بر حق، عبد صالح، بنده ی برگزیده در میان همه ی بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار او است؛ او را می بیند و با او مرتبط است. (۴)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امانت و گوهر درخشنده ی عظیم آفرینش در میان ما، امروز بی گمان بیش از هر زمان، متوجّه و مراقب این ملّت است. (۵)

این بزرگوار، در فضای ذهنی و معنوی جامعه ما، حضور دارد و جوانان مؤمن و با اخلاص نیز با آن حضرت، قلباً در ارتباط هستند. این ارتباط، به معنای حقیقی کلمه، دوجانبه است و در حالات برجسته شور و محبّت و احساس و عواطفی که ملّت ایران، نسبت به این بزرگوار دارند، این ارتباط طرفینی است. (۶)

امام معصوم و بازمانده ی عترت پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام در طول این زمان های اخیر، در میان جوامع بشری بوده است؛ امروز هم در میان ما است. (۷)

۱- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۲۸/۶/۱۳۹۱.

۲- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

۳- . بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد علیه السلام و در آستانه میلاد بابرکت حضرت علی علیه السلام، ۲۳/۹/۱۳۷۳.

۴- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۵- . بیانات در خطبه نمازجمعه، ۱۹ /۱۰ /۱۳۵۹.

۶- . بیانات رهبر معظّم انقلاب، ۸/۱۰/۱۳۷۵.

۷- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۱۵/۹/۱۳۷۷.

یک نکته دیگر در مسئله ی مهدویت این است که عقیده ی ما این است که امام زمان أرواحنا فداه متوجّه و ناظر بر رفتار و عمل ماست؛ اعمال ما بر او عرضه میشود. (۱)

ما بر طبق این عقیده و این بینش آن منتظَر را میشناسیم، نام او و خصوصیات او را میدانیم. معتقدیم که او در میان ماست از امّت اسلامی و از گرفتاریها و سختیها و شادیها و غمهای آنها جدا نیست. (۲)

طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و آسانی درک آن

اثبات قضیه ی طول عمر و امثال آن، خیلی آسان است؛ اصلاً در خور اهمیت نیست. بیشتر توجّه ما به این نکته منعطف شده است که به اشکالات مسئله ی طول عمر پاسخ دهیم. خدایی که میتواند ۱۴۰سال عمر بدهد، میتواند ۱۴۰۰سال عمر بدهد؛ اینکه دیگر خیلی مشکلی ندارد. (۳)

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.
۲- . در مکتب جمعه، ج۳، ص ۲۴۹.
۳- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار دسته جمعی روزهای دوشنبه، ۳/۱۰/۱۳۷۵.

بخش پنجم: غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

مطلب اوّل. زمان شناسی عصر غیبت

گفتار اوّل. غیبت صغرا و کبرای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

غیبت صغرا، دورانی پیچیده

دوره ی غیبت صُغرا... از پیچیده ترین و حسّاس ترین بُرهه ها در تاریخ تشیع است. (۱)

در تاریخ دوران زندگی ائمّه علیهم السّلام به نام اشخاصی برمیخوریم که به خاطر احداث بدعتی یا تأسیس راه غلطی و ترویج عقیده ی باطلی، صریحاً از سوی ائمّه علیهم السّلام مورد طعن و رد قرار گرفته اند، مانند محمّدبن مقلاص معروف به ابی الخطاب، یا ابن ابی العزاقر معروف به شلمغانی (که این مورد در دوران غیبت صغری اتّفاق افتاده است) و کثیری امثال آن. (۲)

غیبت کبرا، دوران انقطاع کامل شیعیان از امام غائب و خطر وقوع انحراف

پس از آغاز دوران غیبت و به ویژه بعد از انتهای دوره ی۷۴ ساله ی غیبت صغری و انقطاع کامل شیعیان از امام غائب أرواحنا فداه، یکی از خطراتی که کلّیت مکتب اهل بیت را تهدید می کرد، این بود که اشتباه و انحراف عمدی یا غیر عمدی کسانی از منسوبین به این مکتب، چیزهایی را از آن کاسته یا به آن بیافزاید، و یا بر اثر کم رنگ شدن مرزبندی های اصولی مکتب، خطوط انحرافی با آن آمیخته و انحرافات مسلکهای اعتقادی یا مذهبهای جعلی با حقایق آن ممزوج گردد. (۳)

گفتار دوّم. امام غایب امّا حاضر

امام بزرگوار، عزیز، معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همه ی خلایق، اگرچه غایب است و ظهور نکرده؛ امّا حضور دارد. مگر میشود حضور نداشته باشد؟ مؤمن، این حضور را در دل خود و با وجود و حواس خویش حس میکند. آن مردمی که می نشینند، راز و نیاز میکنند؛ دعای ندبه را با توجّه میخوانند و زیارت آل یاسین را زمزمه میکنند و می نالند، می فهمند چه میگویند. آنها حضور این بزرگوار؛ را حس میکنند؛ و لو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری

۱- . پیام رهبر معظّم انقلاب به کنگره ی بین المللی بزرگداشت ثقه الاسلام کلینی، ۱۷/۲/۱۳۸۸.

۲- . پیام به کنگره ی جهانی هزاره ی شیخ مفید، ۲۸/۱/۱۳۷۲.

۳- . همان.

نمیزنـد. ظهور نکرده است؛ امّا هم در دلها و هم در متن زنـدگی ملّت حضور دارد. مگر میشود حضور نداشـته باشد؟ شـیعه ی خوب کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید. (۱)

گفتار سوّم. ظلم فراگیر در عصر غیبت

نظم بشری غیر عادلانه در عصر ما

امام زمان علیه الصّـلاه و السّـلام برای اینکه فرج برای همه ی بشـریت به وجود بیاورد، ظهور میکنـد که انسان را از فروبسـتگی نجات بدهد؛ جامعه ی بشـریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده ی بشـر را نجات بدهد. این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیر عادلانه، این نظم بشری ای که در آن انسانهای بی شماری مظلوم واقع میشوند، دلهای بی شماری گمراه میشونـد، انسانهای بی شـماری فرصت عبودیت خـدا را پیـدا نمیکنند، مورد رد و اعتراض بشـری است که منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۲)

روزگار کنونی تاریک ترین ادوار زندگی بشر

دنیا در طول تاریـخ طولانی بشـر، ادوار سـیاه و تاریکی به خود دیده است؛ امّا بدون شک، یکی از تاریک ترین ادوار زندگی بشـر و تلـخ ترین روزگارهای عمومی مردم عالم، همین روزگار کنونی است که در آن هیـچ تردیدی نباید کرد و این به خاطر تسـلّط روزافزون قدرتهای شیطانی و بزرگ عالم بر زندگی انسانهاست. اگر شـما به وضع دنیا نگاه کنید، قضیه روشن میشود. در دنیـا، قـدرتها عـالم را بیـن خودشـان تقسـیم کرده بودنـد و روزبـه روز تسـلّط و تصـرّف قـدرتهای بزرگ نسـبت به منـاطق گونـاگون عالم، سـخت تر و سـنگین تر شـده است. مثلاً امروز دخالت قـدرت شـیطانی و طاغوتی آمریکا در زنـدگی ملّتها، از همیشه بیشتر است. در همه ی شئون عمده و اساسی ملّتها دخالت میکنند و این دخالت، منحصر به مسایل اقتصادی ملّتها نیست؛ بلکه در فرهنگ، سیاست و اداره ی امور و تعیین مدیران امور کشورها نیز دخالت میکنند. (۳)

۱- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف۱۷/۱۰/۱۳۷۴

۲- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۳- . بیانـات در دیـدار بـا جمعی از مسؤولاـن و خـانواده هـای معظّم شـهدا، در سـالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

دنیا مثل همیشه پر از ظلم و جور

در روایات دارد «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جورا» این در بسیاری از روایات همین بیان هست؛ یعنی خدای متعال به وسیله ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، همچنانی که این دنیا پر از ظلم و جور بوده است. کی دنیا پر از ظلم و جور بوده؟ در طول تاریخ از این قبیل زیاد داریم که دنیا پر از ظلم و جور بوده. آن روزی که نغمه ی حق طلبی در میان ملّتها نبوده، آن روزی که فرعون بود و موسی علیه السلام ظهور نکرده بود. آن روزی که نمرود بود و ابراهیم، تبر بت شکنی را به دست نگرفته بود، آن روزی که امریکا و قدرتهای بزرگ جهانی هر کار میخواستند میکردند و از انقلاب اسلامی ما هنوز خبری نبود و امام ما قامت برای مبارزه نیاراسته بود. این روزها در تاریخ بشریت، بسیار وجود دارد که دنیا پر از ظلم و جور بوده، این حدیث است. (۱)

تبعیض و تحقیر بشریت حتّی در عصر تمدّن

این بدبختی هایی که شما می بینید روی زمین را فرا گرفته است و در زیارتها و آثار مربوط به ولی عصر(ارواحنالتراب مقدمه الفداء) آمده است: «کما ملئت ظلماً و جورا»؛ زمین در تمام دوره های تاریخ، پُر از ظلم و جور شده است و میشود و آن بزرگوار می آید، همه ی زمین را از قسط و عدل پُر میکند، این ظلم و جور روی زمین، بر اثر چیست؟ بر اثر نبود یا کمبود انسان صالح، بر اثر سروری و خدایگانی انسانهای ناصالح.

دنیا امروز از چه مینالد؟ پاسخش روشن است. دنیا امروز از تبعیض مینالد، از محرومیتهای تحمیل شده بر انسانها مینالد، از تحقیر انسان مینالد، از پُر شدن فضا، از گند غرور متکبرانه ی قشری خاص در عالم مینالد. بشریت، در فشار این حوادث تلخ است. پنج هزار سال پیش، دنیا از چه منالید؟ آیا از نداشتن هواپیما منالید؟ از نداشتن کامپیوتر منالید؟ مگر کامپیوتر، کسی را سعادتمند میکند؟ پنج هزار سال پیش هم دنیا از همین تبعیضها و ظلمها و از همین تحقیر جوهر انسانیت و سلطه ی نامردمان بر زندگی و سرنوشت انسانها می نالید. تا وقتی که عدالت و دین خالص و ناب بر دنیا مستقر نشود، بشریت همیشه از همان چیزها مینالد؛ و الّا بشریت نمیتواند بگوید، آن روزی که قطار برقی و جت نداشتم، بدبخت بودم؛ امروز که اینها را دارم، خوشبختم. آیا امروز بشریت

۱- . بیانات در جمع کثیری از مردم قم در خیابان چهارمردان، ۲۷/۲/۱۳۶۳.

خوشبخت است؟ آیا امروز انسان مظلوم در دنیا در اکثریت نیست؟ آیا امروز یک مجموعه ی تبهکار که در عالم در اقلیت مطلقند، بر سرنوشت انسانها حکومت نمیکنند؟ (۱)

ترویج بی سابقه فساد، دورویی، تزویر و ریاکاری و نفاق

قدرت جهنّمی استکبار و صهیونیزم، امروز با تکیه بر پول و تبلیغات و استفاده از شعارهای ظاهرفریب (مانند حقوق بشر، حقوق زن و حقوق اساسی ملّت ها) برای تحمیل ظلم بر ملّت ها و ترویج فساد، دورویی، تزویر، ریاکاری و نفاق در جوامع بشری تلاش میکند و در طول تاریخ، چنین شرایطی وجود نداشته است. (۲)

زندگی بشر امروز، زندگی مغلوب و مقهورِ دست ظلم

امروز شما به اوضاع دنیا نگاه کنید! همان چیزی که در روایاتِ مربوط به ظهور ولی عصر(ارواحنا فداه) وجود دارد، امروز در دنیا حاکم است؛ پر شدن دنیا از ظلم و جور. امروز دنیا از ظلم و جور پر است. در روایت و ادعیه ی گوناگون و زیارات مختلف مربوط به ولی عصر(ارواحنا فداه) دارد که «یملأ الله به الأرض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا»؛ همچنانی که یک روزی همه ی عالم از ظلم و جور پر بوده است- در روزگارانی ظلم و جور، وضع حاکم بر بشر بوده است- همان طور خدای متعال در زمان او عدل و داد را وضع حاکم بر بشریت قرار خواهد داد. امروز همین است؛ امروز ظلم و جور حاکم بر بشریت است. زندگی بشر امروز زندگی مغلوب و مقهورِ دست ظلم و استبداد در همه ی دنیاست. در همه جا این جور است. بشریت، امروز بر اثر غلبه ی ظلم، غلبه ی اغراض و هواهای نفسانی دچار مشکلات فراوانند. دو میلیارد گرسنه در دنیای امروز، وجود میلیونها انسانی که در نظامهای طاغوتی مغلوب هوای نفس قدرتمندان طاغوتی هستند. (۳)

فشار بر مؤمنان و مبارزانی چون ملّت ایران، نشانه ی سیطره ی ظلم

فشار بر مؤمنین و مجاهدین فی سبیل الله و مبارزان راه حق و ملّتی مثل ملّت ایران که توانسته است در یک مجموعه ی محدودی، در یک فضای معینی، پرچم عدل و داد را بلند بکند و فشار بر مجاهدان فی سبیل الله، همه نشانه ی سیطره ی ظلم و جور بر دنیاست. (۴)

۱- . بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته های انقلاب اسلامی، ۱۰/۱۰/۱۳۶۹.

۲- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۸/۱۰/۱۳۷۵.

۳- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۴- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

نبود قسط و عدل، مشکل اصلی دنیا

وقتی شما روایات مربوط به امام زمان(عجّل الله تعالی فرجه) و همچنین دعاها و زیارت های مربوط به ایشان را میخوانید، می بینید که روی چه چیزی تکیه میشود: «و أنت الّذی تملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا». کلمه ی «بعد» در یکی دو دعا بیشتر نیست. من یک وقت در نماز جمعه گفتم که «تملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا» را در جایی پیدا نکردم. گفتم: به جز دو جا، در روایات «کما ملئت ظلما و جورا» آمده است. یکی از آن دو جا زیارت غیر معتبری است و دیگری که زیارت نسبتاً خوبی است، سند درستی ندارد. «سلام الله الکامل التّام»، آنجا هم «بعد ما ملئت ظلما و جورا» است. در همه ی این روایات و دعاها، مسئله ی آمدن امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه) معلّل به این شده که آن بزرگوار بیاید و در دنیا قسط و عدل بیاورد. اصلًا مشکل دنیا در این است که قسط و عدل نیست. مشکل دنیا روز به روز هم زیادتر میشود. هم اکنون تحوّلاتی در اوضاع جهان به چشم میخورد که البتّه نمیدانیم در آینده چه خواهد شد... لیکن در بین همه ی این جنجالها، ما شعله های ظلم و جور و نظام ظالمانه و استکبار را مشاهده میکنیم که روز به روز مشتعل تر میشود: «کما ملئت ظلما و جورا». الآن دنیا از ظلم و جور پُرشده و واقعاً ملّتها پناهی ندارند. (۱)

فقدان عدالت درد بزرگ بشریت

درد بزرگِ بشریت، امروز همین مسئله ی فقدان عدالت است. همیشه دستگاه های ظلم و جور در سطح دنیا به شکلهای مختلف بر مردم جفا کرده اند؛ بشریت را زیر فشار قرار داده اند و انسانها را از حقوق طبیعی خود محروم کرده اند؛ امّا امروز این معنا از همیشه ی تاریخ بیشتر است و رفع این را انسان از ظهور مهدی موعود میطلبد و انتظار میبرد. (۲)

گفتار چهارم. عصر غیبت، زمانه ی امتحان و میدان مجاهدت

قبل از دوران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آسایش و راحت طلبی و عافیت نیست. در روایات، «و الله لتمحّصنّ» و «و الله لتغربلنّ» است؛ به شدّت امتحان می شوید؛ فشار داده می شوید. امتحان در کجا و چه

۱- . سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در آستانه یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۹/۱۱/۱۳۶۸.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/ ۰۷/۱۳۸۱.

زمانی است؟ آن وقتیکه میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در میدانهای مجاهدت، انسانهای پاک امتحان میشوند؛ در کوره های آزمایش وارد میشوند و سربلند بیرون می آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود أرواحنا فداه روزبه روز نزدیکتر میشود. (۱)

مطلب دوّم. دیدار با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت

گفتار اوّل. امکان دیدار با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت

خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت؛ آن عزیز و محبوب دلهای عاشقان و مشتاقان را از نزدیک، زیارت کرده اند؛ بسیاری از نزدیک با او بیعت کرده اند؛ بسیاری از او سخن دلگرم کننده شنیده اند؛ بسیاری از او نوازش دیده اند و بسیاری دیگر بدون اینکه او را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبّت دیده و او را نشناخته اند. (۲)

گفتار دوّم. نشناختن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در اکثر دیدارها

بسیاری دیگر بدون اینکه او(حضرت مهدی) را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبّت دیده و او را نشناخته اند. (۳)

در روایت دارد که مردم او(حضرت مهدی) را می بینند، همچنانی که او مردم را می بیند، منتها نمی شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را می دیدند، بین آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه می رفت، ولی نمی شناختند. (۴)

گفتار سوّم. غیر واقعی بودن بسیاری از ادّعاهای دیدار

دروغ بودن بسیاری از ادّعاهای رؤیت

این کسانی که ادّعاهای خلاف واقع میکنند- ادّعای رؤیت، ادّعای تشرف، حتّی به صورت کاملًا خرافی، ادّعای اقتدای به آن حضرت در نماز- که حقیقتاً ادّعاهای شرم آوری است، اینها همان

۱- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۲- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۳- . همان.

۴- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

پیرایه های باطلی است که این حقیقت روشن را در چشم و دل انسانهای پاک نهاد ممکن است مشوب کند. نباید گذاشت. همه ی آحاد مردم توجّه داشته باشند این ادّعاهای اتّصال و ارتباط و تشرّف به حضرت و دستور گرفتن از آن بزرگوار، هیچ کدام قابل تصدیق نیست. بزرگان ما، برجستگان ما، انسانهای باارزشی که یک لحظه ی عمر آنها ارزش دارد، به روزها و ماه ها و سالهای عمر امثال ما، چنین ادعاهایی نکردند. ممکن است یک انسان سعادتمندی، چشمش، دلش این ظرفیت را پیدا کند که به نور آن جمال مبارک روشن شود، امّا یک چنین کسانی اهل ادّعا نیستند؛ اهل گفتن نیستند؛ اهل دکان داری نیستند. این کسانی که دکان داری میکنند به این وسیله، انسان میتواند به طور قطع و یقین بگوید اینها دروغگو هستند؛ مفتری هستند. این عقیده ی روشن و تابناک را بایستی از این آفت اعتقادی دور نگه داشت. (۱)

تخیل و تصوّر دیدار

انس به معنای این نیست که حالا- کسی ادّعا کند که من خدمت حضرت میرسم یا صدای ایشان را میشنوم؛ ابداً این جور نیست. غالب آنچه که در این زمینه گفته میشود، ادّعاهایی است که یا دروغ است، یا طرف دروغ هم نمیگوید، تصوّر میکند، تخیل میکند. ما کسانی را دیدیم. آدمهای دروغگویی نبودند، امّا خیال میکردند، تخیل میکردند؛ تخیلات خودشان را به عنوان واقعیت برای این و آن نقل میکردند! نبایستی تسلیم اینها شد. (۲)

دیدار با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و لزوم تکیه به نقلهای صحیح

در مورد مسایل مربوط به دیدار و ملاقات با حضرت، حرفهای قوی خوب و نقلهای درست و متقن وجود دارد که هر کس وقتی بخواند، دلش گواهی میدهد که این صحیح است. از نقلهای ضعیف، هرچه اجتناب شود، بهتر است. هم چنان که از روایات ضعیف هم اجتناب شود، بسیار خوب است. علاوه بر استدلالات عقلانی و کلامی، روایات قوی و صحاح و چیزهای بسیار محکم داریم. (۳)

۱- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۲- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۳- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار با حجّت الاسلام و المسلمین قرائتی و مسئولان نهضت سوادآموزی و آغاز فعّالیت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۶/۱۰/۱۳۸۰.

گفتار چهارم. تهذیب، شرط انتفاع و دیدار

بزرگی میگفت کسی به من مراجعه کرده و پرسیده چه کار کنم که خدمت حضرت برسم؟ ایشان گفت: من به او گفتم شما اگر به واجبات عمل و از محرّمات اجتناب کنید و کمی مراقب خودتان باشید، حضرت پیش شما می آیند؛ شما لازم نیست زحمت بکشید و پیش حضرت بروید. راهی که برای انتفاع از آن بزرگوار پیش پای ما گذاشته اند، راه تهذیب نفس است، راه مخصوصی نیست؛ همان راهی است که برای تکامل نفس، برای آدمِ خوب شدن، برای نورانی شدن دل انسان و انعکاس جلوه ی جمال الهی در آن جلوِ پای انسان گذاشته اند. خصوصاً شما که جوانید و دلهایتان پاک است، آمادگی دارید و برایتان خیلی آسان تر است. حال شما خیال میکنید که ما در اینجا راه ویژه ای برای رسیدن به خدمت حضرت داریم؛ نه، وضع شما از این لحاظ از من بهتر است؛ چون شما دلهای پاک و صافی دارید؛ پایبندیها و دل بستگی هایتان کمتر است و خیلی راحت تر میتوانید ارتباط برقرار کنید. این ارتباط برقرار کردنها هم با صفای نفس کاملًا میسّر و آسان خواهد شد. صفای نفس هم با همین عمل به واجبات، اجتناب از گناهان، آلوده نکردن خود، آلوده نشدن و مراقبت به دست می آید. البتّه کسی معصوم نخواهد شد که هیچ خطایی از او سر نزند؛ امّا اگر مراقب باشیم، لغزشهایمان کم خواهد شد و اگر یک وقت هم لغزشی پیدا کنیم، با مغز به زمین نمیخوریم؛ این خاصیت مراقبت است. اسم این مراقبت در فرهنگ اسلامی چیست؟ تقوا. وقتی میگویند باتقوا باشید، یعنی مراقب باشید؛ مراقب کار خودتان باشید؛ مواظب باشید چه میگویید و چه تصمیمی میگیرید و چه عملی میکنید. این مراقبت موجب میشود که انسان نلغزد و اگر لغزید، خیلی صدمه نخورد. (۱)

مطلب سوّم. منزلت و مسئولیت علمای دینی در عصر غیبت

گفتار اوّل. علمای دین مرجع مردم در عصر غیبت و مهار بحران غیبت

در دوران حضور امام علیه السلام هرگاه چنین چیزی پیش می آمد یا خطر آن مطرح میشد، شخص شخیص امام، آن محور و مرکز مطمئنّی بود که همه چیز با آن مقایسه و اندازه گیری و درباره ی آن قضاوت میشد. تا امام(علیه السّلام) در میان مردم بود، اشتباهات دیری نمیپایید و آن پیشوای معصوم خطاهای عمده را در مقطع حسّاس تبیین میکرد. شیعه مطمئن بود که اگر در خطّ کلّی مکتب از سویی زاویه ی انحرافی پدید

۱- . بیانات در دیدار با جوانان نخبه، ۲۱/۱۱/۱۳۸۲.

آیـد، بالاخره حجّت آشـکار خواهـد شد و آنکه در پی کشف حقیقت است آن را خواهد یافت...امام(علیه السّـلام) در دوران حضور، همـان مرزبان بیـدار و هماره هوشـیاری است که وظیفه ی حراست از مرزهای مکتب را که وی حافظ کلّیت آن است، شخصـاً بر دوش گرفته است؛ امّـا در دوران غیبت، به خصوص غیبت کبری وضع کاملًا تفاوت مییابـد. در این دوران...به خاطر نیازهای روزافزونی که اکنون دیگر نه به وسیله ای امام علیه السلام بلکه به وسیله ی علماء دین باید برآورده شود. (۱)

در طول تاریخ، روحانیت شیعه، خود را با نیازهای زمانه تطبیق داده است تا این نیازها را بتواند برآورده کند. از هزار سال قبل، قضـیه این جور است. حالا مثلاً یک مثال من از آن دورانهای خیلی قدیم بزنم، دوران شـروع غیبت کبری. وقتی غیبت صـغری تمـام شـد و شـیعیان فهمیدنـد که دسترسـی به مولا و امام خودشان به این زودیها و به این آسانیها نخواهنـد داشت، یک بحران روحی عجیبی در بین شیعه به وجود آمد. علمای شیعه، به وقت به این بحران روحی جواب دادند. این کتابهای «غیبت نعمانی»، «غیبت طوسـی» را که می بینیـد، پاسـخ به این بحران روحی است. مقـدّمه ی کتـاب غیبت نعمـانی را نگاه کنیـد. محنت روحی شیعه را آنجا میشود فهمیـد که اینها امیدوار بودند دوران غیبت صـغری تمام میشود و امام تشـریف می آورد، دسترسـی به امام پیدا میکنند، امّا به تدریج فهمیدند که نه، دیگر به این آسانی دسترسی نخواهند داشت. روحانیت به داد شیعه رسید. (۲)

گفتار دوّم. فقیه جامعه الشرایط متصدّی امور حسبیه در زمان غیبت

تصدّی امور حسبیه در زمان غیبت حضرت ولی عصر(عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) منوط است به نظر فقیه جامع الشّرائط. (۳)

گفتار سوم. انتقال صحیح معارف مهدوی و خرافات زدایی

در همین قضـیه ی مهدویت، آن کسانی از اهل سنّت یا حتّی از علمای غیر مسـلمان که به عقاید شـیعه در باب مهدویت توجّه کردنـد و از آن اطلاـع پیـدا کردنـد، تصـدیق کردنـد که بشارتهـایی که در تورات و انجیل و ادیان دیگر هست، همه منطبق با همین مهدویتی است که در شـیعه وجود دارد. این را اعتراف میکنند. آن کسی که عقیده ی شیعه را نمیداند، یا شکل تحریف شده ی آن به او

۱- . پیام به کنگره ی جهانی هزاره ی شیخ مفید، ۲۸/۱/۱۳۷۲.

۲- . بیانات در دیدار علما و روحانیون استان خراسان رضوی، ۲۶/۲/۱۳۸۶.

۳- . حکم انتصاب حجه الاسلام و المسلمین سید حسن طاهری خرم آبادی به سمت نمایندگی ولی فقیه در کشور پاکستان، ۱۲/۱/۱۳۶۹.

رسیده، خوب، بدیهی است که یک چنین قضاوتی نمیتواند بکند. شکل درست عقیده را باید منتقل کرد. آن وقت خواهید دید که قضاوت خردمندان عالم، آگاهان عالم، قضاوتِ موافق با این عقیده خواهد بود و تأیید میکنند و تصدیق میکنند و به آن میگروند. این را، هم جوانان ما، جوانان فرزانه ی ما، دانشجویان ما، طلاب فاضل ما، هم مجموعه هایی که متصدّی آموزشند، متصدّی تبلیغند، متصدّی پرورش افکار و اذهان هستند، باید توجّه کنند. نشان دادن آن حقیقتی که در اختیار مذهب امامیه و پیروان اهل بیت(علیهم السّلام) هست به مخاطب، مساوق با قبول مخاطب و همراه با تصدیق و پذیرش مخاطب است. حقیقت را باید نشان داد. باید سعی کنیم پیرایه ها، خرافه ها، ادّعاهای دروغین، کج فهمی ها، بدفهمی ها دخالت نکند. البتّه نقش علمای دین، مبلغان برجسته، روشنفکران در این زمینه نقش برجسته ای است. (۱)

مسئله ی دیگر، مبارزه با خرافات است. در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل دینی و اسلام ناب، باید با خرافات مبارزه کرد. کسانی دارند روز به روز خرافات جدیدی را وارد جامعه ی ما میکنند. مبارزه با خرافات را باید جدّی بگیرید. این روش علمای ما بوده... ما خیال میکنیم اگر با یک مطلبی که مورد عقیده ی مردم است و خرافی و خلاف واقع است، مقاومت کردیم، برخلاف شئون روحانی عمل کرده ایم؛ نه، شأن روحانی این است....مبارزه با خرافات این قدر مهم است. در مبارزه با خرافات شجاع باشید...امروز شما ببینید مدّعیان ارتباط با امام زمان و ارتباط با غیب، با شکلهای مختلف در جامعه دارند کار میکنند. البتّه این همه نشانه ی این است که گرایش به دین، یک عنصر اصلی در زندگی مردم است. مردم به مسایل دینی علاقه دارند که آدم خرافه ساز میرود خرافه درست میکند؛ چون آن کالای اصلی در اختیارش نیست، کالای تقلّبی را به میدان می آورد تا اینکه مردم را جذب کند. این نشانه ی گرایش مردم به دین است؛ امّا خوب، این خطرناک است. در مقابله ی با خرافات و آن چیزهایی که از دین نیست، شجاع باشید و بگویید. ملاحظه ی اینکه حالا ممکن است کسی بدش بیاید یا ممکن است چه بکند، نکنید؛ که غالباً در مواردی انسان متأسفانه میبیند که این مراعاتها هست. آزاد فکری و عقلانیت شیعه، این دو عنصرِ در کنار هم، مایه ی افتخار ماست. تفکرات شیعه، عقلانی است. ما از اوّل تشیع در تعالیم ائمّه علیهم السّلام به سوی عقل، منطق و استدلال سوق داده شدیم و همین طور هم باید عمل بکنیم. (۲)

۱- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۲- . سخنرانی در دیدار با روحانیون، ۱۷/۸/۱۳۸۵.

اگر به گونه ای که طی چهار، پنج سال اخیرِ بعد از جنگ، قمه زدن را ترویج کردند و هنوز هم میکنند، در زمان حیات مبارک امام رضوان الله علیه ترویج میکردند، قطعاً ایشان در مقابل این قضیه می ایستادند. کارِ غلطی است که عدّه ای قمه به دست بگیرند و به سر خودشان بزنند و خون بریزند. این کار را میکنند که چه بشود؟! کجای این حرکت عزاداری است؟! البتّه دست بر سر زدن، به نوعی نشانه ی عزاداری است. شما بارها دیده اید، کسانی که مصیبتی برایشان پیش می آید، بر سر و سینه ی خود میکوبند. این نشانه ی عزاداری معمولی است. امّا شما تا به حال کجا دیده اید که فردی به خاطر رویکرد مصیبتِ عزیزترین عزیزانش، با شمشیر بر مغز خود بکوبد و از سرِ خود خون جاری کند؟! کجای این کار، عزاداری است؟! قمه زدن، سنّتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک، خدا هم از انجام آن راضی نیست. علمای سلف دستشان بسته بود و نمیتوانستند بگویند «این کار، غلط و خلاف است.» امروز روز حاکمیت اسلام و روز جلوه ی اسلام است. نباید کاری کنیم که آحاد جامعه ی اسلامی برتر؛ یعنی جامعه ی محبِّ اهل بیت علیهم السّلام که به نام مقدّس ولی عصر أرواحنا فداه، به نام حسین بن علی علیه السّلام و به نام امیرالمؤمنین علیه الصّلاه و السّلام مفتخرند، در نظر مسلمانان و غیر مسلمانان عالم، به عنوان یک گروه آدم های خرافی بی منطق معرّفی شوند. (۱)

گفتار چهارم. علمای دین و وظیفه تدوین نظام فکری شیعه در عصر غیبت

در دوران غیبت، به خصوص غیبت کبری... به خاطر اختلاف نظرهای طبیعی میان علما و خبرگان دین که محور بارز و قاطعی هم برای رفع آن نیست، راه به روی افکار و نظرات و برداشتهای مختلف در اصول و فروع دین باز است، و در میان نظرات گوناگونی که ابراز میشود، طبیعتاً عناصری هم از مکاتب انحرافی یا از مذاهب غیر امامی شیعی (زیدی، اسماعیلی، فطحی و...) به مجموعه ی مکتب اهل بیت علیهم السّلام راه مییابد که خلوص و اتقان آن را تهدید میکند و حتّی در دراز مدّت ممکن است جهت مکتب را به کلّی دگرگون نماید. اینجاست که یکی از مهم ترین وظایف رهبران امّت در آن برهه از زمان رخ مینماید، وظیفه ای که درست به انجام رسیدن آن میتوانسته است به معنای حفظ مذهب و معادل جهادی سرنوشت ساز باشد. و آن وظیفه عبارت است از

۱- . بیانات در جمع روحانیون استان کهکیلویه و بویراحمد در آستانه ی ماه محرّم، ۱۷/۳/۱۳۷۳.

اینکـه تشیع به مثـابه ی یـک نظـام فکری و عملی، مرزبنـدی شـود و برای آن از لحـاظ عقیـدتی و عملی بـا اسـتفاده از میراث ارزشمند سخنان ائمّه چهارچوبی ترسیم گردد. و بدین گونه هویت مستقل و مرزبندی شده ی مذهب اهل بیت مشخّص گشته، در معرض فهم و اسـتفاده ی پیروانش قرار گیرد. این کار به علما و متفکران شـیعه این امکان را میداد که انحراف اصولی یعنی خروج از حیطه ی مبانی مـذهب در فقه و کلام را، از اختلاف نظرهایی که در داخل محـدوده ی مکتب پیش می آیـد، بتوانند جدا کرد. (۱)

گفتار پنجم. عالمان دین و وظیفه ی تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی

علمای دین در اسـلام، پیشروان اصلاح و ترقّی و پیشرفت ملّتند. این مسئولیت بر عهده ی عالمان دین گذاشته شدهاست. اینکه در خطبه نهـج البلاغه هست که: «مَا أَخَـذَ الله عَلَی الْعُلَمَاءِ أَلَّا یقَارُّوا عَلَی کظَّهِ ظَالِمٍ وَ لَا سَـغَبِ مَظْلُوم»؛ یعنی عالم دین در مقابل ظلم، بی عـدالتی، تجاوز انسانها به یکـدیگر نمیتوانـد ساکت و بی طرف بمانـد. بی طرفی در اینجا معنا نـدارد. فقط مسـئله این نیست که مـا حکم شـریعت و مسئله ی دینی را برای مردم بیـان کنیم. کـار علمـاء کـار انبیـا است. «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَهُ الْأَنْبِیا». انبیا کارشان مسئله گویی فقط نبود. اگر انبیا فقط به این اکتفا میکردنـد که حلال و حرامی را برای مردم بیان کنند، اینکه مشـکلی وجود نداشت؛ کسی با اینها در نمی افتاد. در این آیه ی شریفه «الَّذینَ یبَلِّغُونَ رِسالاتِ الله وَ یخْشَوْنَهُ وَ لا یخْشَوْنَ أَحَداً إِلاَّ الله»، این چه تبلیغی است که خشیت از مردم در او منـدرج است که انسان بایـد از مردم نترسد در حال این تبلیغ. اگر فقط بیان چند حکم شـرعی بود که ترس موردی نداشت که خدای متعال تمجید کند که از مردم نمیترسـند؛ از غیر خدا نمیترسـند. این تجربه های دشواری که انبیای الهی در طول عمر مبارک خودشان متحمّل شدنـد، برای کی بود؟ چه کار میکردنـد؟ «وَ کأَینْ مِنْ نَبِی قاتَلَ مَعَهُ رِبِّیونَ کثیرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فی سبیل الله وَ ما ضَـعُفُوا وَ مَا اسْتَکانُوا». چی بود این رسالتی که باید برایش جنگید؟ باید جنودالله را برای او بسیج کرد، پیش برد؛ فقط گفتن چند جمله یِ حلال و حرام و گفتن چند مسئله است؟ انبیا برای اقامه ی حق، برای اقـامه ی عـدل، برای مبـارزه ی بـا ظلم، برای مبـارزه بـا فسـاد قیام کردنـد، برای شکسـتن طاغوت ها قیام کردنـد. طاغوت آن بتی نیست که به فلان دیوار یا در آن زمان به کعبه آویزان

۱- . پیام به کنگره ی جهانی هزاره ی شیخ مفید، ۲۸/۱/۱۳۷۲.

میکردنـد؛ او که چیزی نیست که طغیان بخواهـد بکند. طاغوت آن انسان طغیانگری است که به پشـتوانه ی آن بت، بت وجود خود را بر مردم تحمیل میکند. طاغوت، فرعون است؛ «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلا فِی الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَها شِیعاً یسْتَضْعِفُ طائِفَهً مِنْهُمْ». این، طاغوت است. با اینها جنگیدنـد، با اینها مبارزه کردند، جان خودشان را کف دست گذاشـتند، در مقابل ظلم ساکت ننشسـتند، در مقابـل زورگویی سـاکت ننشسـتند، در مقابـل اضـلال مردم سـکوت نکردنـد. انبیا ایننـد. «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَهُ الْانبیا». ما اگر در کسوت عـالم دین قرار گرفتیم - چه زنمـان، چه مردمـان، چه سـنی مـان، چه شـیعه ی مان- ادّعای بزرگی را با خودمان داریم حمـل میکنیم. مـا میگوییم «نحن ورثه الانبیا». این وراثت انبیا چیست؟ مبارزه با همه آن چیزی است که مظهر آن عبارت است از طاغوت؛ با شـرک، با کفر، با الحاد، با فسق، با فتنه؛ این وظیفه ی ماست. ما نمیتوانیم آرام بنشـینیم، دلمان را خوش کنیم که ما چند تا مسئله گفتیم. با این، تکلیف برداشته نمیشود. (۱)

معلوم است که پیامبران هم برای چه آمدند: «لِیقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». اقامه قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی.(۲)

گفتار ششم. علمای دین و وظیفه ی تلاش برای تحقّق تمدّن اسلامی

سرنوشت حتمی عبارت است از اینکه تمـدّن اسـلامی یک بار دیگر بر مجموعه ی عظیمی از دنیا، پرتوِ خود را بگستراند. نه به معنای اینکه لزوماً نظام سیاسـی اسـلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصـر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه. معنایش این نیست؛ بلکه تمـدّن بر اسـاس یـک فکر جدیـد، یک حرف جدیـد، یک نگاه جدیـد به مسایل بشـر و مسایل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دلهای نسـلهای نوی انسان و قشـرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را میفهمنـد و درک میکننـد. به معنـای رسانـدن یک پیام است به دلها، تا به تدریـج در میان جوامع مختلف گسترش و رشـد پیـدا کنـد. این امری است که شـدنی است. بـا وضـعی که امروز من در کشورمـان مشاهـده میکنم، بـا ریشه های عمیقی که تفکّر اسـلامی در کشور مـا دارد، بـا حرکت بسـیار وسـیع و گسترده ای که از اوّل انقلاـب در راه تعمیق این انـدیشه آغـاز شـده است و امروز به جاهای خوبی هم رسیده است، به

۱- . بیانات در دیدار روحانیون و طلّاب تشیع و تسنّن کردستان، ۲۳/ ۲/۱۳۸۸.

۲- سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه ی روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران در آستانه ی ماه محرّم، ۱۱/۵/۱۳۶۸.

نظرم میرسد که این آینده برای نظام اسلامی، یک آینده ی قطعی و اجتناب ناپذیر است...نقش آفرینان اصلی در این عرصه چه کسانی هستند؟ ما میخواهیم ببینیم روحانیت در این میان کجا قرار دارد و شما طلّاب جوان و فضلای جوان - کسانی که نقد ارزشمند جوانی خود را برداشتید و به این حوزه آوردید - میخواهید این سرمایه را برای چه و در کجا مصرف کنید؟ نقش آفرینان اصلی در اینجا چه کسانی هستند؟

اوّلاً باید معلوم باشد که این حرکت عظیم نظام اسلامی و حرکت به سمت آن آینده ی آرمانی - که ایجاد تمدّن اسلامی است؛ یعنی تمدّنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مادّیات، همراه با معنویت و دین است؛ و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است - یک حرکت تدریجی است. البتّه پُرهیجان است؛ امّا هر کس بداند چه کار میکند. هر قدمی که برمیدارد، برای او هیجان انگیز است؛ امّا این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سر و کارش با نسلها و قرنهاست، این را نباید با کارهای دفعی، جزیی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام به گام، هر گامی محکمتر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمیداریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی میکنیم، همراه باشد.

برای ایجاد یک تمدّن اسلامی- مانند هر تمدّن دیگر- دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمیتواند ادّعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت و یا چند متری در آب در یک نقطه ای فرو رفت، نمیتواند بگوید اقیانوس را شناخته است. سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن - که از کتاب و سنّت همه ی اینها استفاده میشود - کاری است که همگان باید بکنند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام گیرد. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. یک روزی حرفهای مرحوم شهید مطهّری که مطرح میشد، به گوش بعضی ناآشنا می آمد. حرفهای شهید مطهّری، حرفهای دین بود؛ حرفهای قرآن بود؛ حرفهای اسلامی بود؛ امّا بسیاری از کسانی که با دین و قرآن و اسلام هم سر و کار داشتند، با آن حرفها آشنایی نداشتند! در همه ی زمانها این امکان برای متفکّران آگاه، قرآن شناسان، حدیث شناسان، آشنایان با شیوه ی استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنّت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به

نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند، درخواست بشریت را بدانند، میتوانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه ی راهنما و راهگشا برای بشریت.

شرط دوّم، پرورش انسان است. حال در آنجایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش آفرینان چه کسانی هستند. این نقش آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این یک بُعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی شدنی نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند. بدون شک مدیران جامعه جزو نقش آفرینانند؛ سیاستمداران جزو نقش آفرینانند؛ متفکّران و روشنفکران جزو نقش آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی میتوانند در خور استعداد خود نقش آفرینی کنند؛ امّا نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده میکنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای اینکه بتوانند درست نقش آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند. سیاستمداران و فعّالان سیاسی در جامعه نیز همین طور. محیطهای گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین طور. برقی از سخن یک عالمِ دینِ پارسا و زمان شناس ممکن است بجهد، ظلماتی را از دلی یا دلهایی بزداید؛ چقدر هدایتها به این ترتیب اتّفاق افتاده است. این نقش، نقش یگانه است. نقش آفرینی را به علمای دین منحصر نمیکنیم؛ امّا جایگاه نقش آفرینی علمای دین را از همه ی جایگاههای دیگر برجسته تر می بینیم؛ به این دلیل روشن که در این راه، اندیشه ی دینی و ایمان دینی برای انسانها لازم است؛ تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند، دیگری نمیتواند این کار را انجام دهد. البتّه عالم دین با آن شرایطی که نیاز به آن شرایط هست، ای بسا نتواند این نقش را ایفا کند؛ او هم اگر این شرایط را نداشته باشد، نخواهد توانست؛ که حالا من بعد در دنباله ی عرایضم مطالبی در این زمینه هم عرض خواهم کرد. البتّه در آحاد مردم هم نقش آفرینی دینی هست؛ از راه امر به معروف و نهی از منکر؛ از راه آماده سازی خود برای اینکه در یک جایگاه نقش آفرین قرار گیرند.

وقتی نگاه میکنیم، حوزه ی روحانیت و علمای دین، اگر با آن تربیتِ درست و در آن مدارجِ لازم پرورش پیدا کنند، نقششان نقش یگانه است؛ لذا امام بزرگوار ما الگویی برای علمای دین شد. اگر امام نمیبود، اگر نَفَس گرم او و منطق نیرومند و استوار او و ایستادگی او در این راه نمیبود و

نمیتوانست مجموعه و منظومه ی عظیمی از علمای دین را در این راه به حرکت بیندازد، یقیناً این حرکت عظیم ملّت ایران اتّفاق نمی افتاد. هیچ حزب سیاسی، هیچ رجل سیاسی، هیچ رجل دانشگاهی، هیچ آدم اجتماعی معروف و محبوب امکان نداشت بتواند این اقیانوس عظیم ملّت ایران را این طور به تلاطم بیندازد و مردم را به خیابانها بکشاند. این فقط روحانیت بود و پیشوایی امام بزرگوار ما با خصوصیاتی که او داشت؛ که اگر این خصوصیات را آن شخصیت عظیم هم نمیداشت، باز این کار به این آسانیها ممکن نبود. این نقش یک روحانی است که شرایط لازم را دارد و در زمانِ متناسب ظهور و بروز میکند و این طور عظیم نقش آفرینی او در تاریخ و در جهان روشن و مسجّل میشود. این وضع روحانیت است. پس جایگاه روحانیت این است.

طلبه ی جوان وقتی که وارد حوزه ی علمیه میشود و درس حوزه را میخواند و برنامه ی حوزه را عمل میکند، چشمش به این است که بتواند در این حرکت عظیم مردمی نقش بیافریند؛ نه لزوماً نقشی همانند نقش امام؛ نقشهای آگاهی بخش و هدایت کننده مثل نقش پیامبران. آن قدر آدم سازی و پرورش انسانهای والا و باایمان مهم است که اگر یک روحانی همّت خود را صرف کند و در طول زمان بتواند تعدادی انسانِ مناسب و استوار را بسازد، کار بزرگی را انجام داده است. طلبه ی جوان و فاضل جوان به فکر آن است که در این حرکت عظیم مردمی، در این خطّ مستقیمی که نظام الهی و اسلامی به سمت آن سرانجامِ بسیار درخشان و بزرگ خود حرکت میکند، بتواند نقش ایفا کند و این حرکت را حتمیت و تسهیل ببخشد؛ البتّه امروز نظام اسلامی با چالشهای بزرگی مواجه است. اگر این چالشها شناخته نشود، اگر معارضه ها دانسته نشود - چه معارضه های ممکن، چه معارضه های واقع و موجود - نمیتوان درست نقش ایفا کرد؛ نمیشود واقعیت را فهمید و با آن مواجه شد. (۱)

گفتار هفتم. علمای دین و تلاش برای وحدت

علما و روشنفکران و سیاستمداران دنیای اسلام درس وحدت و یکپارچگی را برای ملّتهای خود تکرار کنند و جوانان بالنده این نسل را برای رویارویی با حوادث بزرگ و به دوش کشیدن بار امانتی سنگین و شالوده ریزی امّت متحد و یکپارچه ی اسلام آماده سازند. (۲)

۱- . بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه ی قم در مدرسه ی فیضیه، ۱۴/۷/۱۳۷۹.

۲- . پیام رهبر معظم انقلاب به حجّاج بیت الحرام، ۱/۱۲/۱۳۸۰.

مطلب چهارم. حکومت اسلامی و ولایت فقیه در عصر غیبت

گفتار اوّل. حکومت اسلامی در عصر غیبت

اگر مسئله ی حکومت را، مسئله ی ولایت را از دین بگیرند، دین یک مجموعه احکام متفرق و متشتتی خواهد شد که یقیناً نخواهد توانست رسالت اساسی خود را به انجام برساند... بدون امامت و ولایت و حکومت اسلامی، جامعه ی مسلمین دارای نظام نیست،... در غیبت پیامبران، جانشینان و اوصیای آنها و در غیبت اوصیاء، فقهای امّت، دین شناسان، آگاهان، آن کسانی که منصب ولایت و امامت را از پیغمبر و از ائمه به ارث بردند... تمام این نزاعی که شما درطول دوران زندگی ائمه علیهم السلام بین آنها و دستگاههای ظلم و جور مشاهده می کنید بر سر همین قضیه است. (۱)

گفتار دوّم. ولایت فقیه در عصر غیبت

معنی ولایت فقیه

اگر کسی میخواهد واقعاً نقش مردم نقش عینی، عملی، حسّاس باشد و مسأله ی ولایت فقیه یک مسأله ی حقیقتاً مردمی و حکومت الهی توأم بشود با جنبه ی مردمی، باید... برای مردم تبیین کند، برای مردم بیان کند جاذبه ها را، چیزهایی که مردم را به شوق می آورد. همچنانی که ما برای حج، مردم را تشویق میکنیم، ترغیب میکنیم، تبیین میکنیم، احکام حج را میگوییم، فلسفه حج را میگوییم. خیلی از غیر معتقدین به حج را وادار به حج رفتن میکنیم؛ معتقد به حج میکنیم، در مسأله ی نماز، در مسأله ی زکات، در مسأله ی خمس، در جهاد، در همه ی موضوعات، برای مردم تشریح میکنیم؛ تبیین میکنیم؛ مردم وادار میشوند، می روند جهاد میکنند؛ بذل نفس نفیس میکنند در راه خدا، خب در این قضیه «ولایت فقیه» هم میخواهید مردم نقش داشته باشند، بسم الله؛ اینجا جای نقش مردم است! وارد بشوند در این میدان، زیبایی های این مسئله را از نظر عقل بشر و منطق بشری تبیین کنند برای مردم، مردم را در صحنه حاضر کنند تا اینکه حقیقتاً متّکی باشد به مردم؛ همان «حضورالحاضر» و «وجودالنّاصر» تحقّق پیدا بکند. (۲)

ولایت فقیه یک نظم است در جامعه... اگر بخواهیم آن تصور درست از مفهوم ولایت فقیه را با

۱- . ولایت و حکومت، ص ۲۲۹-۲۳۱.

۲- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۱۵/۱۱/۱۳۷۶.

یک بیان فارسی قابل فهم برای همه ارائه بدهیم معنایش حکومت ایدئولوگهاست. حکومت اندیشمندان اعتقادی است در جامعه؛ این معنای ولایت فقیه است، در مقابل حکومت نظامیان،حکومت زورمداران، حکومت سرمایه داران،حکومت کارگران و انواع و اقسام حکومت ها و تزهایی که مطرح میشود...؛ ولایت فقیه یعنی حکومت دین شناسان،اسلام شناسان، صاحب نظران در اندیشه اسلامی.(۱)

پیشینه ولایت فقیه

(اگر پرسیده شود) آیا مسئله ی ولایت فقیه، به شیوه ای که اکنون مطرح میشود، پدیده ی جدیدی نیست؟ (می گوییم) این چیز جدیدی نیست چون همین مسئله در کتاب های فقهی قدیم مطرح شده است. و اینکه بحث کردند در حکومت عصمت لازم است یا عدالت کافی است، خود دلیل بر این است که مسئله ی حکومت مطرح بوده، و لذا یک بدعت نبوده، بلکه وجود ولایت و حاکمیت امام در ذهن علمای اسلامی به شکل یک حقیقت اسلامی وجود داشته و علما به این فکر گرایش داشتند، منتها هر چه از قرون اوّلیه به جلو می آیید این فکر کم رنگ و غبار گرفته میشود تا آنجا که مسئله ی جهاد و قضا را در کتاب فقهی مطرح نمی کردند، زیرا آنها را باید حاکم انجام می داد و حاکم اسلامی هم وجود نداشت و در نتیجه هر چه حجم قدرت حکومت مادّی و غیر اسلامی در جامعه و در ذهن مردم بیشتر می شده، حجم فکر تشکیل حکومت هم ضعیف تر می شده است.

در اینجا برخی از علمای بزرگ را که در مورد مسئله ی ولایت و رسیدن به آن تلاش کردند، مثل صاحب جواهر را میتوان نام برد که مشروحاً در این مورد بحث کرده است و قبل از قرون اخیر هم طرح این مسئله درگفتار محقّق و علّامه از علمای قرن ششم وجود دارد. و به طور کلّی این سخن و قول غیر قابل رد در همه ی ادوار فقهی وجود داشته است که حکومت های زمان را حکومت های غاصب و غیر قابل قبول میدانستند، لذا در دورانی که امرا و پادشاهان میخواستند دم از تدین بزنند، از علما برای حکومت خودشان اجازه میخواستند و این بدان معناست که در ذهنیت علما و متدینین شیعه همواره این معنا وجود داشته است که اگر حاکمان بخواهند به حکومت خود مشروعیت بدهند، باید از عالم اجازه بگیرند (نظیر دوره ی صفویه و بعضی از علمای بعد از صفویه). منتها

۱- ولایت و حکومت، ص ۲۵۷-۲۵۸. پاورقی ۳.

چون حکومتها بازیگر بودند، از این اجازه ها برای فریب مردم استفاده میکردند. لذا اگر آن مسئله در ذهن مردم وجود نداشت، آنها نمیتوانستند به چنین کاری دست یازند. (۱)

موضوع ولایت فقیه، ولو مقداری در توسعه و تضییق اش تفاوتی بین علماء وجود داشته باشد، جزو واضحات فقه اسلام است. انسان وقتی نگاه میکند، از قدیم الایام تا کنون، اگر کسانی این قضیه را مطرح نکردند یا با سردی با آن برخورد کردند، به خاطر این بودهاست که فکر کردند چیزی را که شدنی نیست، چرا مطرح کنند؛ و اِلاّـ وقتی انسان به کتابها و حرفهای فقهاء نگاه میکند، میبیند هیچ کس از آنها نیست که اصلاً حاکمیت غیر حکم اسلامی را قبول داشته باشد. انسان این را در ابواب مختلف فقهی مشاهده میکند. این جزو مسلّمات است. مثلاً تعبیرات مرحوم صاحب جواهر راجع به ولایت فقیه نشان میدهد که از نظر او این قضیه جزو واضحات است؛ البتّه نه در باب ولایت بر صغار، بلکه در باب جهاد و ابواب مهمّ دیگر که نشان میدهد ایشان دایره ی ولایت را با همان توسعه میبیند و این مسئله را جزو واضحات فقه اسلامی میداند. مرحوم «نراقی» و امثال او در این خصوص تصریح و بحث کردند و من نمیخواهم اینها را عرض کنم؛ آنهایی را که بحث نکردند، عرض میکنم. غرض؛ این فکر پایه ی محکمی دارد و امام این را مطرح کردند. (۲)

(جایگاه ولایت فقیه)

حکومت ولی فقیه پاسخگوی نیازهای حقیقی بشر

فکر حکومت ولی فقیه - به معنای درست این کلمه - فکری است که امروز پاسخگوی نیازهای حقیقی بشر است. بشر امروز از بی تقوایی ها رنج میبرد؛ از بی توجّهی به معنویات رنج میبرد. زندگی انسانها دستخوش غرقه شدن در مادّیات است. اگر حکومتی تشکیل بشود که در رأس آن حکومت - که طبیعی است بیشترین تأثیر را حکومت در وضع زندگی در سرنوشت مردم دارد، در رأس حکومت کسی قرار داشته باشد که فرض این است که عالم به دین است، عالم به معنویات است، خویشتندار در مقابل گناه است، مطیع خداست، اگر این حقیقت تحقّق پیدا بکند، هیچ چیز برای بشریت از این مفیدتر، نجات بخش تر و انجام آن برای بشریت فوری تر و ضروری تر نیست. (۳)

۱- . ولایت و حکومت، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۲- . بیانات در دیدار اعضای هیئت علمی کنگره ی امام خمینی رحمه الله، ۴/۱۱/۱۳۷۸.

۳- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۲۵/۱۱/۱۳۷۵.

این چیزهایی که ناشی از اصل ولایت در اسلام است، چقدر برای انسانها مفید، پُردرخشش، زیبا و جاذبه دار است... اگر ملّت ها، قطع نظر از مذاهب و ادیانی که بر آنها حاکم است، بخواهند راه سعادت را پیدا کنند، باید به ولایت اسلامی برگردند.

البتّه این ولایت اسلامی به شکل کامل، در یک «جامعه ی اسلامی» عملی است؛ چون ولایت براساس ارزش های اسلامی؛ یعنی عدالت اسلامی، علم اسلامی و دین اسلامی است؛ امّا به شکل غیر کامل، در همه ی ملّت ها و در میان همه ی جوامع عملی است. اگر میخواهند کسی را به عنوان رهبر و حاکم بر جامعه انتخاب کنند، سراغ آن کسی که سرمایه داران معرّفی میکنند، نروند؛ سراغ پارساترین، پاک ترین و بی اعتناترین انسانها به دنیا بروند؛ آن کسی که قدرت را سرمایه ی شخصی خود به حساب نمی آورد و از آن برای سود شخصی خویش استفاده نمیکند. این، رشحه ای از رشحات ولایت در اسلام است و دمکراسی های جاری عالم از آن بی نصیب اند. این، از برکات اسلام است. لذا از اوّل انقلاب هم همین عنوان ولایت و ولایت فقیه - که دو مفهوم است؛ یکی خود مفهوم ولایت، یکی اینکه این ولایت متعلّق به فقیه و دین شناس و عالم دین است - از طرف کسانی که در حقیقت تحمّل این بافت ارزشی کامل را نمیتوانستند و نمیتوانند بکنند، مورد تعرّض شدید قرار گرفت. امروز هم همین طور است. خوشبختانه مردم این راه را شناخته اند. (۱)

آن چیزی که میتواند همه ی این ارزشها را مورد نظر قرار دهد و در همه ی زمینه ها پیشرفت را شامل حال همه ی آنها [افراد و جناح های جامعه] کند، چیزی است که در قانون اساسی و در فقه ما پیش بینی شده است و آن این است که یک فقیه عادلِ زمان شناسی در جامعه حضور داشته باشد که انگشت اشاره و هدایت او بتواند کارها را پیش ببرد. (۲)

همسان بودن حاکمیت ولی فقیه و حاکمیت ائمّه علیهم السلامدر اختیارات

چون ریشه ولایت فقیه، ولایت الهی است ریشه آن ولایت پیغمبر صلی الله علیه و آله است و همان چیزی است که از پیغمبر به اوصیای معصومینش و از اوصیای معصومین به علمای امت،فقهای امت، آن کسانی که دارای این شرایط هستند، منتقل شده، لذاست که این، دارای یک چنین سعه اختیاراتی است. (۳)

۱- . سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۰/۴/۱۳۷۰.

۲- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۳/۲/۱۳۷۹.

۳- . ولایت و حکومت، ص ۲۶۹.

مشروعیت همه ی دستگاههای حکومتی به ولایت فقیه

در جامعه ی اسلامی تمام دستگاهها، چه دستگاههای قانون گذار، چه دستگاههای اجراکننده اعم از قوه اجرائیه و قوه قضائیه، مشروعیت شان به خاطر ارتباط و اتّصال به ولی فقیه است... ولایت فقیه مثل روحی است در کالبد نظام. بالاتر از این من بگویم، قانون اساسی در جمهوری اسلامی که ملاک و معیار و چهارچوب قوانین است، اعتبارش به خاطر قبول و تأیید ولی فقیه است. (۱)

اطاعت از ولی فقیه نشانه ی اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله

آن کسی میتواند مطمئن باشد که اطاعت از پیغمبر میکند که از ولی امر اطاعت بکند. اگر کسی از ولی امری که شرائط با او منطبق است، اطاعت نکرد، از پیغمبر اطاعت نکرده؛ و الاّ نمیشود کسی بگوید: بنده مطیع پیغمبرم، امّا به نظر من، پیغمبر صلی الله علیه و آله آن جوری میگوید. نه؛ ولی امر وجود دارد؛ باید ببینید که ولی امر چه میگوید؛ هر چه ولی امر گفت، آن حرف پیغمبر است. پیغمبر را آن کسی اطاعت کرده که از ولی امر اطاعت کرده باشد. لذاست که در زمان جمهوری اسلامی که بحمدللّه نظام ولایت فقیه حاکم است و ولی امر ما یک دین شناس و یک عالِم جانشین پیغمبر است، با شرایطی که ما برای یک چنین جانشینی قائلیم از علم در حدّ اجتهاد، از عدالت که عدالت خودش خیلی مفهوم والایی است و آگاهی به زمان و تدبیر امر و قدرت اداره ی مسایل کشور یک چنین کسی وقتی در رأس امور قرار میگیرد، او میشود ولی امر و اطاعت او، اطاعت پیغمبر است. اگر چنانچه برخلاف امر او و آنچه مقتضای ولایت امر اوست، کسی عمل بکند؛ از پیغمبر اطاعت نکرده است. (۲)

مهندسی و پاسداری به سمت هدف های آرمانی، مهم ترین نقش ولایت فقیه

ولایت فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احیاناً نصیحت کننده است - آن طوری که بعضی از اوّل انقلاب این را میخواستند و ترویج میکردند - نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت دارد؛ چون کشور مسئولان اجرایی، قضایی و تقنینی دارد و همه باید براساس مسئولیت خود کارهایشان را انجام دهند و پاسخگوی مسئولیت های خود باشند. نقش ولایت فقیه این است که در این مجموعه ی پیچیده و در هم تنیده ی تلاش های گوناگون، نباید حرکت نظام، انحراف از هدفها و

۱- . همان، ص ۲۶۷-۲۶۸.

۲- . ولایت فقیه سایه حقیقت عظمی، ج۵، ص ۸۸.

ارزشـها باشد؛ نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود. پاسداری و دیده بانی حرکت کلّی نظام به سـمت هدف های آرمانی و عـالی اش، مهم ترین و اساسـی ترین نقش ولاـیت فقیه است... ولایت فقیه، جایگاه مهندسـی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسی ترین و محوری ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است. (۱)

رهـبری مهـم تریـن کـارش عبـارت اسـت از تعیین سـیاست هـای کلاـن کشـور؛ یعنی آن چیزهـایی که جهت گیری کشـور را مشـخّص میکنـد؛ که همه ی قـوانین، همه ی مقرّرات، همه ی عملکردهـا بایـد در این جهت باشـد. حضـور رهـبری در همه ی بخش های کشور، به معنای حضور سـیاست های رهبری است که باید با دقّت اجرا بشود و من به شـما عرض کنم هرجایی که این سـیاست ها اجرا شده است، کشور سود کرده است؛ هر جایی از این سیاستها – در طول سالهای گذشته؛ از ده سال، دوازده سال پیش تا حالا، هرجا از این سـیاست ها تخلّف شده است، کشور ضرر کرده است؛ گاهی ضررش را فهمیده اند، گاهی بعد از گذشت مدّتی ضررش را فهمیده اند. (۲)

مسئولیت رهبری، حفظ نظام و حفظ انقلاب است. اداره ی کشور به عهده ی این آقایانِ مسئولین کشور است که شماها باشید. هر کـدام در بخش خودتان اداره میکنیـد کشور را، رهبری شـغل اصـلی اش این است که مراقب باشد این بخش های مختلف، آهنگِ ناساز با نظام و با اسلام و با انقلاب نزنند. (۳)

عصر غیبت امام و تجلّی حاکمیت و ولایت خدا در فقیهان جامع الشّرایط

بعـد از وجود مقـدّس پیغمبر صـلی الله علیه و آله ائمّه ی معصومین و اوّلیاء خدا ولی الهی بودند و همان ولایت الهی در ولایت ائمّه (علیهم السلام) مجسّم شد و در دوران غیبت کبری هم به حسب حکم قطعی و صریح عقل و هم بر حسب ادله ی اسلامی و شـرعی این ولاـیت و این حاکمیت مخصوص است به انسان دین شـناس، عادل، بصـیر به اوضاع و احوال زمان؛ یعنی فقیه، و عرض کردیم که این سلسله مراتب حکومت الهی و ولایت الهی است و در اینکه امروز شایسته ترین افراد برای حکومت، فقیه جامع الشّرایط است علی الاصول بین فِرَق اسلامی هیچ گونه اختلافی نیست و همه قبول دارند که در

۱- . بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی رحمه الله، ۱۴/۳/۱۳۸۳.

۲- . بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان، ۸/۸/۱۳۸۰.

۳- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۹/۴/۱۳۷۹.

هر شرایطی وقتی که ولی منصوب از قبل خدا نیست، وجود ندارد - یعنی منصوب به شخص - آن کسی از همه شایسته تر است که به معیارهای اسلامی نزدیکتر باشد یعنی فقیه، جامع الشّرایط، عادل، عالم و مخالف با هوای نفس و بصیر به اوضاع زمان و دارای قدرت تدبیر یعنی همان چیزی که ما در قانون اساسی جمهوری اسلامی و در نظام این جمهوری به عنوان ولایت فقیه شناختیم. (۱)

دلایل ولایت فقیه

مسئله ی ولایت در جامعه ی اسلامی یک چیز بسیار روشن و کاملاً متّکی به مبانی اسلامی و متّخذ از آیات قرآنی است و عقلِ یک انسان سالم و بیغرض هم این را تصدیق میکند. ولایت خدا به پیغمبر صلی الله علیه و آله و ولایت پیغمبر به ائمه ی معصومین... منتقل میشود. پس می بینید اعتقاد به ولایت فقیه آن جوری که ما امروز داریم تبیین میکنیم و در نظام جمهوری اسلامی قاعده ی همه ی امور هست، این یک اعتقادی است منطبق با متن قرآن، منطبق با لبّ اسلام و حقّ اصول اسلامی و منطبق با عقل سلیم. (۲)

ما برای اینکه ولایت فقیه را؛ یعنی حکومت فقیه در جامعه ی اسلامی را ثابت بکنیم، احتیاج به دلیل نقلی نداریم؛ اگر چه ادلّه ی نقلیه؛ یعنی قرآن و حدیث هم بر حکومت فقها و علمای الهی، صادق و شاهد و دلیل است؛ امّا اگر هیچ دلیل نقلی هم ما برای حکومتِ دین شناسان در جامعه ی اسلامی نداشتیم، عقل و اعتبار عقلی دلالت میکند و کفایت میکند بر اینکه ما بدانیم «برای اجرای احکام الهی در جامعه کسانی میتوانند کفایت و لیاقت لازم را داشته باشند که دارای این صفات باشند»؛ یعنی دین را بشناسند. اگر طرف صحبت ما آن کسانی باشند که اساساً حکومت دین را قبول ندارند، اجرای احکام الهی را در میان انسانها به جدّ نمیگیرند و قبول نمیکنند، البتّه محتاج استدلال دیگری خواهیم بود. امّا آن کسی که میپذیرد باید احکام الهی و قوانین اسلامی در جامعه پیاده بشود و این را لازمه ی اعتقاد به خدا و به اسلام میداند، در برابر کسی که چنین زمینه ی اعتقادی را دارد، ما محتاجِ استدلال برای ولایت فقیه نیستیم که ثابت کنیم که در روایت یا در قرآن چنین گفته شده است. زیرا که جامعه ای که با قوانین اسلامی باید اداره بشود، اداره کننده ی جامعه باید این قوانین را بداند.

۱- . ولایت فقیه سایه حقیقت عظمی، ج۲، ص ۱۰۵.

۲- . همان، ج۳، ص ۱۶.

اشـراف و نظارت ولی فقیه بر همه ی مراکز اساسـی و حسّاس جامعه ی اسـلامی یک ضرورت است که قانون اساسی ما به این ضرورت پاسـخ گفته است و همـان طوری که حالاـ شـرح خواهم داد، ولی فقیه در جامعه ی پیش بینی شـده در قانون اساسـی جمهوری اسلامی بر همه ی مراکز حسّاس این جامعه اشراف و نظارت دارد و در آن حضور دارد و این چیزی است که محتاج اسـتدلال نیست. و تعجّب است از کسـانی که اسـتدلال میکننـد تا ولایت فقیه را رد کننـد و نفی کننـد. اگر جامعه ای به ارزش های الهی و به ارزش های دینی اعتنایی نداشته باشد، البتّه میپذیرد که در رأس آن جامعه یک انسانی که از هیچ اخلاق انسانی هم برخوردار نیست، حاکم باشـد! می پذیرد که یک هنرپیشه مثلاً در رأس یک جامعه قرار بگیرد! یا یک سـرمایه دار بزرگ، اداره ی امور جامعه را به عهـده داشـته باشد! امّا آن جامعه ای که پایبند [به] ارزش های الهی است، آن جامعه ای که توحید را قبول کرده است، نبوت را قبول کرده است، شـریعت الهی را قبول کرده است، هیـچ چـاره ای نـدارد جز اینکه در رأس جامعه، کسـی را بپذیرد که او شـریعت اسلامی و الهی را میداند؛ از اخلاق فاضله ی الهی برخوردار است؛ گناه نمیکند؛ اشتباه مرتکب نمیشود؛ ظلم نمیکند؛ برای خود چیزی نمیخواهد؛ برای انسانها دل میسوزاند؛ ارزش های الهی را بر مسایل و جهات شخصـی و گروهی ترجیح میدهد. (۱)

ولایت فقها، انتخاب و نه انتصاب

در اسـلام راه تعیین حـاکم و ولی امر فقـط انتخاب نیست، بلکه ما دو راه برای تعیین حاکم داریم - این طبق دیـدگاه شـیعه در مسئله ی انتخاب حاکم و ولی امر است؛ برادران اهل سنّت مختصر تفاوتی دیدگاهشان با ما دارد؛ یعنی یکی از راه هایی را که ما میگوییم، آنها قبول ندارنـد و چنـد راه دیگر را آنها قبول دارند که مورد توافق علمای شـیعه نیست - یکی نصب الهی است. توجّه کنیـد که نصب در اسـلام و در تشیع، نصب اشـخاص نیست. یعنی هیچ کس، هیچ حاکمی حتّی آن حاکمی که خود او منصوب از قبل خـداست، خود او حق نـدارد کسـی را نصب کند. نصب پیغمبر یا نصب امام از این جهت که حکایت میکند از نصب خـدا، دارای اعتبار است؛ یکی این راه. که به اعتقاد ما پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله امام بعد از خودش را نصب کرد و امیرالمؤمنین علیه السـلام دوره ی امامت معصوم را که دوران دوازده امام شـیعه است، نصب کرد. تعیین ولی امر به وسـیله ی نصب انجـام گرفت. حالاـ در هنگـامی که نصب انجـام میگیرد، بیعت چقـدر تـأثیر دارد یا نـدارد، آن یک بحث دیگر و بحث دقیقی است.

۱- . ولایت و حکومت، ص ۲۵۹-۲۶۰.

یک راه دیگر، راه انتخاب است. انتخاب کجاست؟ انتخاب در یکی از دو جاست: یا در آنجایی که نصب وجود ندارد؛ مثل دوران غیبت. در دوران غیبت کسی منصوب خدا نیست؛ آنجا معیارهایی معین شده. نصب فقها به معنای تعیین معیار است که ائمّه علیهم السّلام در متون روایت و احکامی که بیان کردند، ملاکها و معیارهایی را برای حاکم اسلامی مشخّص کردند؛ در چهارچوب این ملاکها و معیارها مردم امام را انتخاب میکنند و گزینش میکنند. پس انتخاب یکی در آنجایی است که نصب وجود ندارد و جای نصب نیست؛ مثل دوران غیبت و دیگر در آنجایی است که اگر نصب هم هست، به نصب عمل نشده است؛ مثل دوران خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام... تأکید میکنم که این به معنای نفی آن نظر قطعی و مورد اتّفاق شیعه که خلیفه ی معصوم و امام معصوم را جز با نصب الهی که به وسیله ی پیغمبر یا امام معصوم قبل انجام میگیرد، حجّت نمیدانند، این با آن منافات ندارد؛ این همان است، این ادامه ی اوست. انتخاب مردم در عرض نصب الهی نیست؛ یعنی آن وقتی که خدا کسی را منصوب بکند و قابل عمل و مورد عمل باشد، آنجا انتخاب جایی ندارد. امّا آن وقتی که مورد عمل قرار نگرفته، مثل صدر اسلام، همان طور که ملاحظه کردید، آنجا انتخاب باز حجیت پیدا میکند و انتخاب مردم در زمان غیبت مثل دوران ما، آن وقتی است که نصبی وجود ندارد. (۱)

رهبری آن چیزی است که در حقیقت سایه و نشانه ی عالی ترین حقیقت عالم آفرینش است؛ یعنی مقام ولایت عظمی و کبری؛ یعنی مقام مقدّس نبوّت و مقام مقدّس امامت معصوم. چیزی که ما در همه ی مجاری خلقت و در همه ی آثار و آیات الهی به عظمت او چیزی نداریم. این در زمان غیبت کبری بر حسب مفاهیم مورد قبول و متسالم علیه ما یک نشانه ای، سایه ای دارد و او همین رهبری است که به انتخاب اهل حل و عقد و خبرگان اتّفاق میافتد. (۲)

در اسلام، ولی امر آن کسی است که فرستاده ی خداست، آن کسی است که خودِ خدا معین میکند... او معین میکند پیغمبر را، معین میکند امام را، بعد از امام معین میکند آن کسانی را که با معیارها و ملاکهای خاصی تطبیق بکند.... میگوید اینها بعد از ائمّه ی هداه معصومین حاکم بر جامعه اسلامی هستند. پس ولی را خدا معین میکند؛ خودش ولی است، پیغمبرش ولی است. امامها ولی هستند، امامهای خاندان پیغمبر، تعیین شدهاند، دوازده امام، در رتبه ی بعد آن کسانی که با یک معیارها و

۱- . ولایت و حکومت، ص ۲۵۱-۲۵۶.

۲- . ولایت فقیه سایه حقیقت عظمی، ص ۳۱.

ملاکهای خاصی تطبیق بکنند و جور بیاند. آنها معین شدهاند برای حکومت و خلافت. (۱)

(معیارها و ویژگیهای ولی فقیه و حاکم اسلامی)

ولی فقیه پرتوی از ولایت الهی

آن کسی که این ولایت را از طرف خداوند عهده دار میشود، باید نمونه ی ضعیف و پرتو و سایه ای از آن ولایت الهی را تحقّق ببخشد و نشان بدهد، یا بگوییم در او باشد. خصوصیات ولایت الهی؛ قدرت، حکمت، عدالت، رحمت و امثال اینهاست. آن شخص یا آن دستگاهی که اداره ی امور مردم را به عهده میگیرد، باید مظهر قدرت، عدالت، رحمت و حکمت الهی باشد. این خصوصیت، فارق بین جامعه ی اسلامی و همه ی جوامع دیگری است که به شکل های دیگر اداره میشوند. جهالت ها، شهوات نفسانی، هوا و هوس و سلایق شخصی متّکی به نفع و سود شخصی یا گروهی، این حق را ندارند که زندگی و مسیر امور مردم را دستخوش خود قرار بدهند. لذا در جامعه و نظام اسلامی؛ عدالت، علم، دین و رحمت باید حاکم باشد؛ خودخواهی نباید حاکم بشود، هوا و هوس - از هر کس و در رفتار و گفتار هر شخص و شخصیتی - نباید حکومت کند. سرّ عصمت امام در شکل غایی و اصلی و مطلوب در اسلام هم همین است که هیچ گونه امکان تخطّی و تخلّفی وجود نداشته باشد. آنجایی هم که عصمت وجود ندارد و میسّر نیست، دین و تقوا و عدالت باید بر مردم حکومت کند که نمونه ای از ولایت الهی محسوب میشود. (۲)

لزوم رعایت معیارها در انتخاب حاکم اسلامی

آنجایی که جانشینانِ پیغمبرِ منصوب نیست، آنها (فقها) هستند، و آن وقتی که حاکم منصوبِ مِن قِبَلِ الرَّسُول وجود ندارد، مثل زمان ما که امام منصوبی وجود ندارد - که اختلاف بین کسانی که قائل به نصب خلیفه بعد از پیغمبر هستند و کسانی که قائل به عدم نصب هستند، امروز دیگر آن اختلاف در پیداکردن حاکم اسلامی معنی ندارد؛ چون علی ای حال چه قائل به نصب باشیم، چه نباشیم، امروز آن حاکم منصوب و امام با آن معیارها وجود ندارد - باید برویم سراغ معیار؛ کدام معیارها هست که میتواند حاکم با داشتن بر مردم حکومت کند «مِن قِبَل الله»، و حکام اسلامی آن شأن را باید داشته باشند؟ باید خودش تهذیب شده باشد؛ اعتبار علم و عدالت در حاکم اسلامی از

۱- . ولایت و حکومت، ص ۷۶-۷۸.

۲- . سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر خم، ۲۰/۴/۱۳۶۹.

اینجاست. (۱)

حکومت یک امر بی ملاک و بی مناط نیست - مثل اینکه بر حسب شانس و اقبال، یک نفر بیاید زمام امور مردم را در هر رده ای از رده ها بر عهده گیرد - بلکه تابع معیارهاست و مهم ترین کار این است که این معیارها رعایت شود. البتّه امکان خطا و اشتباه، هم در تشخیص و هم در عملکرد کسانی که تشخیص درستی نسبت به آنها داده شده، همیشه متصوّر است؛ بنابراین ما از کسی انتظار عصمت نداریم؛ لیکن اسلام در باب گزینش حاکمان در هر رده ای از رده ها، چه رده های بالا - که سیاست های کلان، کارهای بزرگ و اداره ی امور کلّی کشور در دست آنهاست - چه رده های متوسّط و پایین، معیارها و شرایطی گذاردهاست و آنچه بر عهده ی ماست، این است که این معیارها به طور کامل رعایت شود. (۲)

عدالت، فقاهت و کفایت، شرایط ولی فقیه

ضابطه های رهبری و ولایت فقیه، طبق مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، ضابطه های دینی است؛ مثل ضابطه کشورهای سرمایه داری، وابستگی به فلان جناح قدرتمند و ثروتمند نیست. آنها هم ضابطه دارند و در چارچوب ضوابطشان انتخاب میکنند؛ امّا ضوابط آنها این است؛ جزو فلان باند قدرتمند و ثروتمند بودن که اگر خارج از آن باند باشند، ضابطه را ندارند. در مکتب سیاسی اسلام، ضابطه، اینها نیست؛ ضابطه، ضابطه ی معنوی است. ضابطه عبارت است از: علم، تقوا و درایت. علم، آگاهی می آورد؛ تقوا، شجاعت می آورد؛ درایت، مصالح کشور و ملّت را تأمین میکند؛ اینها ضابطه های اصلی است برطبق مکتب سیاسی اسلام. کسی که در آن مسند حسّاس قرار گرفتهاست، اگر یکی از این ضابطه ها از او سلب شود و فاقد یکی از این ضابطه ها شود، چنانچه همه ی مردم کشور هم طرفدارش باشند، از اهلیت ساقط خواهد شد. (۳)

همان حکومتی که متعلّق به خدا بود و منتقل به پیغمبران و پیغمبر اسلام شد، در این دوران(غیبت) منتقل میشود به یک انسانی که طهارت و تقوا [را] در حدّ عدالت داشته باشد؛ انسان پاکیزه و با تقوایی باشد؛ گناه نکند؛ ظلم نکند؛ گرایش به دشمنان خدا پیدا نکند؛ مطیع امر خدا

۱- . ولایت فقیه سایه حقیقت عظمی،ج ۲، ص ۱۰۶.

۲- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳/۱۲/۱۳۸۱.

۳- . بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی رحمه الله، ۱۴/۳/۱۳۸۳.

باشد؛ با هوای نفس خود مخالفت کند؛ بر نفس خود کنترل داشته باشد؛ این یک شرط. علاوه بر آن، به احکام اسلامی و به قرآن کاملاً مسلّط باشد؛ یعنی قدرت فقاهت داشته باشد؛ بتواند اسلام را بفهمد؛ دین را بشناسد؛ احکام الهی را از مستندات آن کشف کند؛ با قرآن مأنوس باشد؛ با سنّت انس داشته باشد و توانایی استنباط داشته باشد. علاوه بر آن - یعنی غیر از فقاهت و عدالت - درایت و کفایت هم لازم است؛ انسانی باشد که دارای درایت لازم باشد؛ هوشمند باشد؛ زمان را بشناسد؛ دشمنان اسلام را بشناسد؛ دنیا را بشناسد. (۱)

شرط اساسی، یعنی فقاهت، عدالت و کفایت - که خود این کفایت، کفایت ذهنی و کفایت عملی است؛ هم درایت باید داشته باشد و هوشمند باشد و هم قدرت اداره و تدبیر داشته باشد - این سه شرط است که یک انسان را شایسته میکند و لایق میکند که ولایتی را که متعلّق به خداست، به پیغمبر است، در اختیار بگیرد. (۲)

لزوم توانایی و قدرت اداره در ولی فقیه

علاوه بر «تهذیب و علم» یا «علم و عدالت»، احتیاج به «توانایی» هم دارد؛ بایستی قدرت اداره داشته باشد و این یک شرط عقلی است. علاوه بر اینکه در قرآن هم اشاره شده در داستان طالوت: «إِنَّ الله قَدْ بَعَثَ لَکمْ طالُوتَ مَلِکاً»، بعد که آنها اعتراض میکنند که: «أَنَّی یکونُ لَهُ الْمُلْک عَلَینا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْک مِنْهُ وَ لَمْ یؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمالِ»، آنجا جوابی که پیغمبر به آنها میدهد این است: «إِنَّ الله اصْطَفاهُ عَلَیکمْ وَ زادَهُ بَسْطَةً فِی الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ»؛ یعنی توانایی جسمی هم در کنار توانایی علمی هست؛ یعنی باید توانایی داشته باشد. البتّه طبیعی است که توانایی جسمی، فقط به معنای این نیست که جسم سالمی داشته باشد، فکر سالمی، ذهن سالمی، و قدرت کار و قدرت اداره، شاید یکی از مصادیق توانایی جسمی باشد؛ اگر هم مصداق آن نباشد، قطعاً آن هم مورد نظر هست و شرط هست به طریق اوّلی.(۳)

عدم لزوم عصمت در رهبر جامعه ی اسلامی فعلی

در همه ی زمانها اگر جامعه اسلامی بخواهد متحوّل باشد، بخواهد پویا باشد، بخواهد مبارزه کند، بخواهد اسلامی بشود و اگر اسلامی هست، اسلامی بماند، احتیاج به امامت دارد. البتّه امامت که

۱- . خطبه های نماز جمعه، ۱۶/۱۱/۱۳۶۶.

۲- . همان.

۳- ولایت و حکومت، ص ۱۶۳.

میگویم منهای معصومیت. عصمت مخصوص ائمّه ی دوازده گانه است. از میان امامان و آن هم به دلایل و جهات خاصّی که ایجاب میکرده و در دورانهای اوّل اسلام، آن کسانی رهبری جامعه را به عهده داشته باشند که هیچ گونه گمان و خطایی در آنها نباشد؛ امّا بعد از آنی که کاروان اسلام پیش رفت، افکار اسلام جا افتاد، اسلام توانست جای خود را در مغزها و در ذهنها و در جوّ تاریخ باز کند، بعد از آنی که انسانها آن رشد را پیدا کردند که اگر اسلام را به دستشان بدهی و رویش فکر کنند و کار کنند، بتوانند آن را بفهمند، بعد از آنی که اسلام آن بساط گسترده خودش را در جهان به وجود آورد، آن وقت امامت نیاز هست؛ امّا عصمت در امامی که باید پیشوای جامعه باشد، دیگر لزومی ندارد. (۱)

مراد از اعلمیت ولی فقیه، مسایل کلّی عالم اسلام است

در باب شرایط این رهبری که فرمودند: «أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ الله فِيه»، این اعلم، اعلمیت به فروعِ کم اهمیت فقهی نیست؛ مسئله ی دماء ثلاثه و لباس مشکوک و فروع علم اجمالی و از این قبیل نیست که اگر چه از لحاظ علمی و فنّی و صناعتی ممکن است که وقت زیادی را ببرد و فنّانین را به خود مشغول کند و احیاناً وسیله ی امتحان قرار بگیرد که آیا کسی فنون فقاهت را وارد است یا نه، امّا اهمیت صد مسئله و صد ها مسئله از آن قبیل، به قدر اهمیت مباحثی در فقه اسلام که مربوط به رهبری است، نمیشود. رهبری ناظر به مسایل کلّی عالم اسلام است؛ راجع به اداره ی کلّی جامعه ی اسلامی است و اگر چنانچه بخواهیم این را درست مشخّص بکنیم، ناظر است به جهات صحیحی که یک جامعه و یک دولت بایستی به آن جهات متوجّه بشوند و آن را بپیمایند. (۲)

ولی فقیه و لزوم عدم تبعیت از هوای نفس

امام و پیشوا که تعبیر دقیق و کاملی از حاکم اسلامی است، بایـد حتماً عالم به کتاب الله باشـد؛ یعنی فقیه در دین باشد و حتماً باید عادل باشد و تابع هوای نفس نباشد. زیرا خدای متعال، هم به پیغمبرش حضرت داوود و هم به همه ی پیغمبرانش فرمود و تأکید کرد که: «ولاتتبع الهوی فَیضِلّکَ عن سبیل الله»؛ زیرا اگر پیروی از هوس ها و هواها بشود، گمراهی و انحراف از راه خدا حتمی است و این مایه ی اصلی انحراف جوامع بشری است. پس بایستی حاکم اسلامی تحت تأثیر هوای نفس

۱- . قبسات النّور، ص ۹۰-۹۱.

۲- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۸/۱۰/۱۳۷۲.

قرار نگیرد و این نمیشود مگر اینکه با عدالت، نفسش از اینکه به دنیا رو کند و تحت تأثیر مطامع دنیوی قرار بگیرد، مصون باشد. همه ی این شرایط در مدارک اسلامی و کتاب و سنّت به صورت تفصیلی بیان شده. این همان حکومت فقیه و ولایت فقیهی است که ما به عنوان محور و مبنا و قاعده ی نظام خودمان انتخاب کردیم و اعلام کردیم. حکومت فقیه، یعنی حکومت عالِم به کتاب؛ عالم به علم کتاب؛ عالم به دین. هر فقیهی هم نه؛ آن عالمی که تحت تأثیر هوای نفس باشد، او نمیتواند اداره کند. (۱)

در سطح رهبری از اینها هم بالاتر است؛ برای خاطر اینکه رهبری معنوی، تعهّد معنوی دارد و خبرگان و مردم از او توقّع دارند که حتّی یک گناه نکند؛ اگر یک گناه کرد، بدون اینکه لازم باشد ساقطش کنند، ساقط شدهاست؛ حرفش نه درباره ی خودش حجّت است، نه درباره ی مردم. (۲)

حاکم اسلامی و لزوم کارآمدی

مشروعیت همه ی ما بسته به انجام وظیفه و کارآیی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارآیی ها و کارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متّخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هرجا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. اینکه ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس جمهور، نماینده ی مجلس و برای وزیر شرایطی قائل شده ایم و با این شرایط گفته ایم این وظیفه را میتواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک مشروعیت برعهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملّت به ما عطا میکند؛ یعنی این حکم ولایت، با همه ی شعب و شاخه هایی که از آن متشعّب است، رفته روی این عناوین، نه روی اشخاص. تا وقتی که این عناوین، محفوظ و موجودند، این مشروعیت وجود دارد. وقتی این عناوین زایل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه ی مسئولان در بخش های مختلف، آن مشروعیت هم زایل خواهد شد. ما باید به دنبال کارآمدی باشیم. باید هر یک از کسانی که متصدّی این مسئولیتها، از صدر تا ساقه هستند، بتوانند آنچه را که برعهده ی آنهاست، به قدر معقول انجام دهند. انتظار معجزه و کار خارق العاده نداریم و نباید داشته باشیم؛ امّا بایست انتظار تلاش موفّق را که در آن نشانه های توفیق هم مشاهده شود، داشته باشیم. (۳)

صمیمیت و پیوند با مردم

۱- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۱۹/۴/۱۳۷۹.

۲- . همان.

۳- . بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۳۱/۶/۱۳۸۳.

اگر فرض کنیم در رأس قدرت کسانی باشند که با مردم ارتباطی نداشته باشند، این ولایت نیست. اگر کسانی باشند که رابطه ی آنها با مردم، رابطه ی ترس و رعب و خوف باشد - نه رابطه ی محبّت و التیام و پیوستگی - این ولایت نیست. اگر کسانی با کودتا بر سر کار بیایند، این ولایت نیست. اگر کسی با وراثت و جانشینی نسبی - منهای فضایل و کیفیات حقیقی که در حکومت شرط است - در رأس کار قرار گیرد، این ولایت نیست. ولایت، آن وقتی است که ارتباط والی یا ولی، با مردمی که ولایت بر آنهاست، یک ارتباط نزدیک، صمیمانه، محبّت آمیز و همان طوری که در مورد خود پیامبر وجود دارد - یعنی «بَعَثَ فیهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (۱) یا «بعث منهم؛ از خود آنها کسی را مبعوث کردهاست» - باشد؛ یعنی از خود مردم کسی باشد که عهده دار مسئله ی ولایت و حکومت باشد. اساس کار در حاکمیت اسلام این است. (۲)

اصل ولایت فقیه، یعنی ایجاد میلیون ها رابطه ی دینی میان دلهای مردم با محور و مرکز نظام. بحث شخص در میان نیست؛ بحث هویت و معنا و شخصیت در میان است؛ لذا میبینید که با آن دشمنی میکنند. (۳)

لزوم دفاع از اصل ولایت فقیه

اصل ولایت فقیه و پیوستن همه ی راه های اصلی نظام به مرکز ولایت، نقطه ی درخشان نظام اسلامی، و تحقّق آن، یادگار ارزنده و فراموش نشدنی حضرت امام خمینی(قدس سره) است. مردم ما در طول یازده سال اخیر، وفاداری و اخلاص کامل خود را نسبت به این اصل، در همه ی میدانها نشان داده اند و امام عظیم الشّأن ما، خود بزرگ ترین مدافع و سرسخت ترین پشتیبان این اصل و پذیرای جدّی همه ی آثار و لوازم آن بود. این اصل، همان ذخیره ی پایان ناپذیری است که باید مشکلات نظام جمهوری اسلامی را در حسّاس ترین لحظات و خطرناک ترین گردنه های مسیر پرخطر جمهوری اسلامی حل کند و گره های ناگشودنی را بگشاید. دفاع غیورانه ی امام عزیز از مسئله ی ولایت و رهبری - که بی گمان تصدّی رهبری به وسیله ی خود آن بزرگوار، کمترین تأثیری در آن نداشت - ناشی از درک و ایمان عمیق به همین حقیقت بود و امروز این جانب به پیروی از آن بزرگوار، با همه ی وجود و توان از این اصل و لوازم آن دفاع خواهم کرد و به کمک الهی، به تکلیف

۱- . در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت. (آل عمران(۳)، ۱۶۴).

۲- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر خم، ۶/۲/۱۳۷۶.

۳- . بیانات در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل، ۵/۵/۱۳۷۹.

خود در همه ی موارد عمل خواهم کرد... خدشه در التزام به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری، خدشه در کلیه ی نظام اسلامی است و این جانب این را از هیچ کس و هیچ دسته و هیچ گروهی تحمّل نخواهم کرد. البتّه امروز بحمدالله و توفیقه، کلّیه ی آحاد و گروه های خطّ امام، ملّتزم به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری میباشند و امید است که زمینه برای رمی افراد و گروه ها به عدم التزام به آن، هرگز فراهم نگردد. (۱)

من هم مثل یکی از شما، از نظام اسلامی، از رهبری اسلامی و از ولایت فقیه به عنوان ستون فقرات این نظام، باید دفاع کنم. (۲)

دشمن امروز هم مثل دشمن زمان امیرالمؤمنین نیست که اگر بخواهد شایعه بپراکند، مجبور باشد صد نفر را مأمور کند که بیایند در بین مردم شایعه بیاندازند، نه، آقا یک رادیو را راه می اندازد، تو همه ی خانه ها آن صدا شنیده میشود. امروز این جوری است. خب! دریک چنین شرایطی این نکته ای است که باید همه به آن توجّه کنند. مسئله، مسئله ی رهبری است، مسئله ی شخصی نیست. بنده ممکن است خودم دست هر کسی از کسانی را که لایق و شایسته هستند و هر انسان مؤمنی را ببوسم، امّا مسئله ی رهبری مسئله ای است که مربوط به شخص من نیست، مربوط به دنیای اسلام است، مربوط به ملّت اسلامی است. از حقوق رهبری باید دفاع بشود. رهبری در اینجا باید بتواند هم آن خط باریک صراط مستقیم از مو باریک تر را در داخل کشور حفظ کند؛ یعنی رعایت حیثیت انسانی، رعایت آزادی انسان، رعایت تقوا، سوق انسانها «من الظلمات الی النور»، اینها را باید انجام بدهد و هم باید در مقابل آن همه ایادی تبلیغ کننده بایستد. این به چه چیزی احتیاج دارد که بتواند این کارها را انجام بدهد؟ به یک اعتبارِ غیرِ قابلِ خدشه کردن، این است. این را لازم دارد. باید سخنش جوری باشد که اگر گفت این کار بشود، بشود؛ با میل، با ایمان، با شوق، با محبّت؛ نه با زور. اگر این نبود، امام بزرگوار، در این پانزده سال، در این ده سال حیات مبارک خودش نمیتوانست آن جنگ را به آنجا برساند. ما هم نمیتوانستیم در این پنج سال گذشته در مقابل این مشکلات ایستادگی کنیم. این را آقایان بدانند و البتّه میدانید. این لازم است... البتّه، ما باید بگردیم کسی را

۱- . پیام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مردم ایران درباره ی حفظ وحدت و یکپارچگی، حمایت از دولت، جایگاه مجلس شورای اسلامی و دفاع از اصل ولایت فقیه، ۱۸/۱۰/۳۶۸.

۲- . بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته ی بسیج، ۵/۹/۱۳۷۶.

پیدا کنیم که بتوان این اعتبار را به او داد. این اعتبار سنگینی است. دست همه کس نمیشود داد. باید دست کسی داد که خاطر جمع باشیم از این ابزارِ به شدّت حسّاس و بُرّا، در جای درست استفاده میکند، نه در جای غلط و نه به تبع اهواء نفسانی خود یا اهواء نفسانی دیگران. برای رضای خدا فقط مصرف میکند. این را پیدا کنیم یک چنین کسی را، این را بسپاریم به او، وقتی این ابزار را سپردیم به او، التزام به شیئی، التزام به همه ی لوازم آن است. یکی از مهم ترین لوازمش این است که عرض کردیم؛ یعنی هر کس باید در هیچ گوشه ای از گوشه های این مملکت و در هیچ منطقه ای از مناطق اراده ی انسانی - آنچه که خارج از اراده ی انسان است، بحثی درباره اش نیست - کاری نکند که این سرمایه ای که باید یک روزی مصرف بشود برای نجات کشور، این سرمایه، اندکی خدشه دار بشود. (۱)

رهبری یک عنوان و یک شخصیت و یک حقیقت برگرفته ی از ایمان و محبّت و عشق و عاطفه ی مردم و یک آبروست. صدها نفر مثل علی خامنه ای در راه این حقیقت جان و آبرویشان را میدهند؛ اهمیتی هم ندارد. بنده که چیزی نیستم؛ امام بزرگوار ما هم که به معنای حقیقی کلمه برای این امّت، امام دلها بود همین طور بود. او حاضر بود برای حفظ نظام و حفظ رهبری نظام، آبرویش را بدهد. (۲)

۱- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۸/۱۰/۱۳۷۲.

۲- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۹/۴/۱۳۷۹.

بخش ششم: انتظار و منتظران

اشاره

مطلب اوّل. انتظار

مقدّمه(جایگاه انتظار)

انتظار، کلیدواژه ای اصلی برای فهم دین

انتظار هم که جزء لاینفکّ مسئله ی مهدویت است، از آن کلیدواژه های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امّت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است. (۱)

انتظار موضوع پر مغز در تفکّر شیعه

انتظار ظهور صاحب الزّمان علیه الصّلاهوالسّلام یکی از آن مسایل پرمغز و پرمعنا و دارای مضامین عالی در مجموعه ی تفکرات شیعه است. (۲)

گفتار اوّل. مفهوم شناسی انتظار

برداشت مثبت و منفی از انتظار

دو جور برداشت از قضیه ی انتظار و ترقّب ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف میشود داشت؛ یک برداشت منفی و یک برداشت مثبت. برداشت منفی همان چیزی است که استکبار و استعمار در طول سالهای متمادی کوشش میکردند به مردم تزریق کنند. برداشت منفی این است که مردم بگویند که به ما چه و ما چه کاره هستیم که در مقابل ظلم، فساد، کفر، بدی و شرارت بایستیم، ما منتظر خواهیم ماند تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریفخودش بیاید و مشکل را حل کند، این برداشت منفی است. این همان برداشتی است که در طول سالیان متمادی سعی کردند در ذهن مردم مسلمان این را وارد کنند. سلب مسئولیت نسبت به همه ی شرارتها و بدی های موجود در جامعه. یک برداشت، برداشت مثبت و صحیح است و آن این است که اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد آمد، پس هر حرکتی و هر مبارزه ای یک امیدی و یک آینده ی روشنی برای خود خواهد داشت. (۳)

۱- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۲- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت در روز نیمه ی شعبان، ۸ /۱۱/۱۳۷۲.

۳- . بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۱۲/۱/۱۳۶۷.

(معنای انتظار)

انتظار یعنی اشتیاق برای دسترسی به وضعی بهتر و بالاتر

انتظار به معنای اشتیاق انسان، برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است. (۱)

انتظار یعنی مترّصد یک حقیقت قطعی

انتظار؛ انتظار یعنی ترقّب، یعنی مترّصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است. (۲)

نقش زنده بودن امام در فهم معنای انتظار

به خصوص انتظارِ یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله ی مهمّی است... یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده ای؛ این کمک میکند به معنای انتظار. (۳)

(مقصود از انتظار ظهور امام زمان)

انتظار اسلامی یعنی، انتظار دنیایی سرشار از عدالت، صمیمیت و معنویت

انتظار اسلامی؛ یعنی، انتظار دنیایی سرشار از عدالت، راستی، صمیمیت، انسانیت، معنویت، فضیلت و اخلاق انسانی صحیح که در آن حاکمیت زر و زور و تبلیغات مزوّرانه و خبیثانه رسانه های جمعی شرق و غرب، راهی ندارد. (۴)

انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای انتظار برای پر شدن جهان از عدل و داد و عدالت برای همه ی انسانها [و] انتظار رفع ظلم از صحنه ی زندگی بشر و انتظار فرا رسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادّی است. (۵)

انتظار فرج یعنی انتظار حاکمیت قرآن و اسلام

انتظار فرج... یعنی، انتظار حاکمیت قرآن و اسلام. شما به آنچه فعلاً جهان در آن قرار دارد، قانع نیستید. حتّی به همین پیشرفتی هم که با انقلاب اسلامی به دست آوردید، قانع نیستید. میخواهید

۱- . سخنان مقام معظّم رهبری، ۸/۱۰/۱۳۷۵.

۲- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۳- . همان.

۴- . سخنرانی مقام معظّم رهبری، ۲۸/۱۰/۱۳۷۳.

۵- . سخنرانی مقام معظّم رهبری، ۸/۱۰/۱۳۷۵.

باز هم به حاکمیت قرآن و اسلام، نزدیکتر بشوید. این انتظار فرج است. (۱)

انتظار فرج، یعنی، انتظار گشایش از کار انسانیت

انتظار فرج، یعنی، انتظار گشایش از کار انسانیت. امروز کار انسانیت، در گره های سخت، پیچیده و گره خورده است....، امروز فرهنگ مادّی، به زور به انسانها تحمیل شده است؛ این یک گره است. امروز در سطح دنیا، تبعیض انسانها را می آزارد؛ این گره بزرگی است. امروز کارِ ذهنیتِ غلط، مردم دنیا را به آنجا رسانده است که فریاد عدالت خواه یک ملّت انقلابی، در میان عربده های مستانه ی قدرت گرایان و قدرتمندان گم میشود؛ این یک گره است. امروز مستضعفان آفریقا و آمریکای لاتین، میلیون ها انسان گرسنه ی آسیا و آسیای دور، میلیون ها انسان رنگین پوستی که از ستم تبعیض نژادی رنج میبرند؛ چشم امیدشان به یک فریادرس و نجات بخش است و قدرت های بزرگ نمیگذارند، ندای این نجات بخش به گوش آنها برسد؛ این یک گره است. فرج؛ یعنی، باز شدن این گره ها. دید را وسیع کنیم؛ به داخل خانه ی خودمان و زندگی معمولی خودمان محدود نشویم. (۲)

معنای انتظار فرج به عنوان عباره اخرای انتظار ظهور، این است که مؤمنِ به اسلام، مؤمنِ به مذهب اهل بیت (علیهم السّلام) وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر میشناسد. واقعِ قضیه هم همین است. منتظر است که این فروبستگی کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا بکند. (۳)

انتظار یعنی امید به پایان زندگی بشریت

انتظار؛ یعنی، دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر؛ ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند؛ امّا بلاشک آن دوران وجود دارد. (۴)

انتظار یعنی امید همراه با تلاش

«ما منتظریم»، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور، طغیان، ضعیف کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران

۱- . در مکتب جمعه، ج۳، ص ۲۵۰

۲- . همان

۳- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۴- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

و زورگویان پُرشده است، در سایه ی تلاش و فعّالیت بی وقفه ی ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر، زورگو، ظالم، قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوا و هوس خود پیدا نخواهد کرد. (۱)

انتظار یعنی امید به گشایش در گره بشریت

یک نکته در باب مسئله ی مهدویت این است که شما در آثار اسلامی، در آثار شیعی می بینید که از انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعبیر شده است به انتظار فرج. فرج یعنی چه؟ یعنی گشایش. کی انسان انتظار فرج دارد؟ انتظار گشایش دارد؟ وقتی یک فروبستگی ای وجود داشته باشد، وقتی گرهی هست، وقتی مشکلی هست. در زمینه ی وجود مشکل، انسان احتیاج پیدا میکند به فرج؛ یعنی سرانگشتِ گره گشا؛ بازکننده ی عقده های فروبسته. این نکته ی مهمّی است.

مسئله، مسئله ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان(علیه الصّلاه و السّلام) برای اینکه فرج برای همه ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده ی بشر را نجات بدهد.

انتظار یعنی چشم به راه دگرگونی فضای ظلم بر بشریت

امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت گستری بیاید و این غلبه ی ظلم و جور را که همه ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند. (۲)

(گستردگی مفهوم انتظار)

انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع

انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده ای است... هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود. (۳)

۱- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

۲- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک مصداق از انتظار فرج

یک انتظار، انتظارِ فرجِ نهایی است؛ یعنی اینکه بشریت اگر میبینـد که طواغیت عالم ترک تازی میکنند و چپاولگری میکنند و افسارگسیخته به حقّ انسانها تعدّی میکنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصوّر کند که بالاخره چاره یی نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه، بداند که این وضعیت یک وضعیت گذراست - «للباطل جوله» - و آن چیزی که متعلّق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل و او خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستمها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است، لیکن انتظار فرج مصداقهای دیگر هم دارد. وقتی به ما میگویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن بستی قابل گشوده شدن است. فرج، یعنی این؛ فرج، یعنی گشایش. مسلمان با درسِ انتظار، فرج می آموزد و تعلیم میگیرد که هیچ بن بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمیشود کرد؛ نه، وقتی در نهایتِ زندگی انسان، در مقابله ی با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشیدِ فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن بست های جاری زندگی هم همین فرج متوقَّع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه ی انسانهاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه ی انسانهاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته اند؛ معلوم میشود انتظار، یک عمل است، بی عملی نیست. نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی اینکه دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار یک عمل است، یک آماده سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط، تحرّک و پویایی است در همه ی زمینه ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه ی قرآنی است که: «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثین» یا «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقین». یعنی هیچ وقت ملّتها و امّتها نباید از گشایش مأیوس شوند. (۱)

برداشت غلط از انتظار

یک معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط، اثر چندانی

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

نیست. کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار؛ یعنی اینکه شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفاسد را برطرف نماید! (۱)

انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را وجهه ی همّت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان علیه الصّلاه و السّلام هستیم. اینکه انتظار نیست. (۲)

اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای گوشه گیری نیست. جریانهای انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ میکردند، الآن هم در گوشه و کنار تبلیغ میکنند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می آید و اوضاع را درست میکند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم! چه لزومیدارد ما حرکتی بکنیم! این مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند؛ چون فردا بناست خورشید عالمتاب بیاید و روز شود و همه ی دنیا را روشن کند. خورشیدِ فردا، ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد. (۳)

اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دنیای پر از عدل و داد درست خواهد کرد پس ما باید به سهم خودمان در زمینه سازی این دنیا کوشش کنیم. اگر خورشید منوری خواهد درخشید و دنیا را روشن و منور خواهد کرد این بدین معنا نیست که ما در شب تاریک وقتی نمی توانیم خورشید بیافرینیم چراغی هم روشن نکنیم. (۴)

گفتار دوّم. اهمیت انتظار

چرایی اهمیت انتظار

اینکه در روایات ما وارد شده است که افضل اعمال امّت، انتظار فرج است یعنی چه؟ مگر انتظار چیست؟ انتظار ظهور حضرت ولی الله الاعظم ارواحنافداه، مگر چه مضمون و چه معنایی در بطن خود دارد که این قدر دارای فضیلت است؟ (۵)

۱- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

۲- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۴- . سخنرانی رهبر معظّم، ۱۲/۱/۱۳۶۷.

۵- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

انتظار، روح حیات و محور زندگی امروز

مـا که منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف هستیم، بایـد در جهتی که حکومت امام زمان علیه آلاف التحیه و الثناء و عجّل الله تعالی فرجه تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البتّه، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آن گونه بنایی را که اوّلیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ امّا باید در آن جهت تلاش و کار کنیم. (۱)

ما امروز برای انتظار، بایـد باب به خصوصـی در زنـدگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملّت ما بایـد روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند. (۲)

انتظار یکی از بزرگترین دریچه های فرج برای جامعه ی اسلامی

انتظار... از آن کلیدواژه های اصلی فهم دین و حرکت اساسی، عمومی و اجتماعی امّت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است. (۳)

حقیقتاً روحیـه ی انتظـار و روحیـه ی ارتبـاط بـا ولی عصـر ارواحنـا فـداه و منتظر ظهـور بـودن و منتظر آن روز بـودن، یکی از بزرگترین دریچه های فرج برای جامعه ی اسلامی است. (۴)

انتظار نشانه ی انسان زنده

امروز مـا انتظـار فرج داریـم. یعنی منتظریـم که دست قدرتمنـد عـدالت گسـتری بیایـد و این غلبه ی ظلم و جـور را که همه ی بشـریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشـکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کنـد و نسـیم عـدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند. این نیازِ همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است. (۵)

انتظار موعود، نیاز بشریت و امّت اسلامی

یـک چنین حقیقت بـارز، واضـح و برانگیزاننـده ای؛ این کمـک میکنـد به معنـای انتظـار. این انتظار را بشـریت نیاز دارد، امت اسلامی به طریق اولی نیاز دارد. (۶)

۱- . بیانـات در دیـدار بـا جمعی از مسؤولاـن و خـانواده هـای معظّم شـهدا، در سـالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۲- . سـخنرانی در دیـدار بـا اقشـار مختلف مردم و میهمانـان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

۳- . سـخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضـرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف و مرکز تخصصـی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۴- . بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث»، **۲۱/۳/۱۳۹۳.**

۵- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، **۲۷/۵/۱۳۸۷.**

۶- . سخنان مقام معظّم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

ما ملّت ایران باید به این معنای انتظار، بیش از گذشته تکیه کنیم؛ چون دنیای بشری، به انتظاری که ما داریم، محتاج است. این امیدی که در دل ملّت ایران وجود داشت و در سایه ی آن توانست این کارهای بزرگ را انجام بدهد، ملّتهای ضعیف و مظلوم دنیا، امروز به این امید احتیاج دارند. (۱)

علّت «افضل الاعمال» بودن انتظار

وقتی در نهایتِ زندگی انسان، در مقابله ی با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشیدِ فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن بستهای جاری زندگی هم همین فرج متوقَّع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه ی انسانهاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه ی انسانهاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته اند؛ معلوم میشود انتظار، یک عمل است، بی عملی نیست. (۲)

گفتار سوّم. لزوم انتظار

خدای متعال به دست او، سرزمین بشری و همه ی روی زمین را از عدالت و دادگستری پُر خواهد کرد. انتظار چنین روزی را باید داشت. (۳)

بدانیم که یک حادثه ی بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید. هیچ وقت نمیشود گفت که حالا سالها یا مدّتها مانده است که این اتّفاق بیافتد، هیچ وقت هم نمیشود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتّفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترّصد بود، همیشه باید منتظر بود. (۴)

انتظار به معنای اشتیاق انسان، برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج الهی باشد. (۵)

هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود. (۶)

همچنانی که در آیات قرآن هست: «وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَاذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَبِدِين»- مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، میفهمند - باید

۱- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۳- . بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۴- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۵- . سخنان مقام معظّم رهبری، ۸/۱۰/۱۳۷۵.

۶- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

خود را آماده کنند، باید منتظر و مترّصد باشند. (۱)

گفتار چهارم. ثمره و نتایج انتظار

گشایش ابواب رحمت و معرفت

گشایش ابواب رحمت و معرفت و سرازیر شدن سرچشمه های معرفت بر دل انسان، یکی از عمومی ترین نمونه های انتظار فرج است. (۲)

انتظار، دریچه ی فرج و گشایش

منتظر فرج هستیم؛ خود این انتظار، فرج است؛ خود این انتظار، دریچه ی فرج است، امیدبخش است، نیروبخش است؛ از احساس بیهودگی، از احساس ضایع شدن، از نومیدی، از گیج و گمی نسبت به آینده جلوگیری میکند؛ امید میدهد، خط میدهد. مسئله ی امام زمان سلام الله علیه این است. (۳)

نشاط و پویایی

آن روزی که ملّت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه ی بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و با نشاط حرکت میکند...این، نتیجه ی انتظار فرج است. (۴)

وقتی به شما میگویند انتظار بکشید، یعنی این وضعیتی که امروز رنجتان میدهد و دلتان را به درد می آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسانْ حیات و نشاط پیدا میکند! این، نقش اعتقاد به امام زمان صلوات الله علیه و أرواحنا فداه است. (۵)

انتظار یک عمل است، یک آماده سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرّک و پویایی است در همه ی زمینه ها. (۶)

۱- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۲- . سخنان مقام معظّم رهبری، ۸/۱۰/۱۳۷۵.

۳- . بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۲۱/۳/۱۳۹۳.

۴- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۵- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۶- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

استقامت

اتّکا به خدای متعال و اعتقاد به نگاه رئوفانه و پدرانه ی حضرت بقیه الله (أرواحنا فداه) به ملّت، این تأثیر بزرگ را در زندگی ما و در رفتار ما دارد که ما را با قوّت قلب در مقابل امواج گوناگون وادار به استقامت میکند. (۱)

پیشرفت و موفّقیت

ما ملّتی منتظر هستیم؛ ملّتی که به امید پیشرفت و موفّقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موفّق شد. (۲)

امام زمان علیه سلام الله، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را میکشند...وقتی ملّت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریت حرکت میکنند. (۳)

هرچه دلها با مقوله ی مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس تر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه ی بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود. (۴)

گفتار پنجم. ابعاد انتظار

انتظار دارای ابعاد مختلفی است

معنای صحیح انتظار، دارای ابعادی است که توجّه به این ابعاد، برای کسی که میداند در فرهنگ اسلام و شیعه، چقدر به انتظار اهمیت داده شده، بسیار جالب است. (۵)

اعتراض و قانع نشدن به وضع موجود، یک بُعد انتظار

یک بُعد، این است که انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. «انتظار داریم»، یعنی

۱- . همان.

۲- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

۳- . بیانات در دیدار میهمانان خارجی دهه ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۱۸/۱۱/۱۳۷۱.

۴- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۵- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

هرچه خیر و عملِ خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیر کافی است و منتظریم، تا ظرفیت نیکی عالم پُر بشود. (۱)

یکی از خصوصیاتی که در حقیقتِ انتظار گنجانده شده است، این است که انسان به وضع موجود، به اندازه ی پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواهد روزبه روز این پیشرفت را، این تحقّق حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند. (۲)

امام زمان (علیه الصّلاه و السّلام) برای اینکه فرج برای همه ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده ی بشر را نجات بدهد. این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیر عادلانه، این نظم بشری ای که در آن انسانهای بی شماری مظلوم واقع میشوند، دلهای بی شماری گمراه میشوند، انسانهای بی شماری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمیکنند، مورد ردّ و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسانها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. (۳)

امید و اطمینان به آینده ی مطلوب، بعد دیگر انتظار

انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجودِ زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلّم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجّت بن الحسن، مهدی صاحب زمان صلوات الله علیه و عجّل الله فرجه و ارواحنا فداه تحقّق پیدا خواهد کرد. (۴)

یک بُعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی اینکه تفکّر الهی این اندیشه ی روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است، یک روز سراسر زندگی بشر را فراخواهد گرفت. یک بُعد انتظار این است که منتظر، با شوق و امید حرکت بکند. انتظار، یعنی امید. انتظار، ابعاد گوناگون دیگری هم دارد. (۵)

یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مأیوس نبودن است... انتظار واقعی، با اطمینان و

۱- . همان.

۲- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۳- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۴- . همان.

۵- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

اعتماد ملازم است. کسی که شما میدانید خواهد آمد، انتظارش را میکشید و انتظار کسی که به آمدنش اعتماد و اطمینان ندارید، انتظاری حقیقی نیست. اعتماد، لازمه ی انتظار است و این هر دو، ملازم با امید است. (۱)

امروز هر فرد شیعه، میداند که در یک آینده ای - آن آینده، ممکن است خیلی نزدیک باشد، ممکن است دوردست باشد، به هر حال قطعی است - این بساط ظلم و بی عدالتی و زورگویی، که امروز در دنیا هست، برچیده خواهد شد. میداند که این وضعی که مستکبران در دنیا به وجود آورده اند - که هر کسی حرف حقّی بزند و راه حقّی را دنبال کند، از طرف آنها مورد فشار قرار میگیرد و اراده ی فاسد خودشان را بر ملّت ها تحمیل میکنند - یک روزی از بین خواهد رفت و گردنکشان، طاغیان، یاغیان و قدرت های زورگوی عالم، ناگزیر خواهند شد که در مقابل حقّ، تسلیم بشوند یا از سر راه حرکت حق، برداشته بشوند هر فرد مسلمان - به خصوص هر فرد شیعه - این را میداند و به آن یقین دارد. این خیلی امید بخش است. (۲)

این انتظار به معنای آن است که وجود ظلم و ستم در عالم، چشمه ی امید را از دلهای منتظران نمیزداید و خاموش نمیکند. اگر این نقطه ی امید در زندگی جمعیتی نباشد، چاره ای ندارد جز اینکه به آینده ی بشریت، بدبین باشد. (۳)

ما به اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و روی کار آمدن حکومت حق و عدل مطلق در حقیقت معتقد هستیم که آینده ی دنیا یک آینده ی امیدبخش و مسرّت بخشی است برای انسان... با این اعتقاد، با این امید آینده برای ما روشن است. این آینده اگر چه به نظر کسانی که با عادتهای معمولی مادی خود قضایا را تحلیل میکنند، بعید است؛ امّا با توجّه به اینکه جریان زندگی انسان به طرف عدل و کمال زندگی انسانی پیش میرود؛ همچنین با توجّه به این معجزه در دوران تاریخ به صورت ناقص بارها به وقوع پیوست، این استبعاد هم برطرف میشود. از جمله ی این دفعاتی که این معجزه به وقوع پیوست، همین انقلاب اسلامی مردم ایران بود. (۴)

۱- . بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۲- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۱۵/۹/۱۳۷۷.

۳- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۴- . در مکتب جمعه، ج۳، ص ۲۵۰.

ابعاد دیگری از انتظار

انتظار فرج و اعتقاد به مهدویت علاوه بر ابعاد منطقی، فکری و استدلالی بسیار بارز آن دارای جنبه های عاطفی، معنوی و ایمانی عمیق و بسیار مهمّی است. (۱)

گفتار ششم. لوازم انتظار

انتظار خودسازی و آمادگی همه جانبه

باید خود را به عنوان یک سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای آن چنان شرایطی مجاهدت کند، آماده کنیم. انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را وجهه ی همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان(علیه الصّلاه و السّلام) هستیم. اینکه انتظار نیست. انتظارِ چیست؟ انتظارِ دست قاهرِ قدرت مندِ الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطره ی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده ی واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود... انتظار آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم. و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملّت ایران، که توانسته اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند. این معنای انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصّلاه و السّلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن. (۲)

انتظاری که از آن سخن گفته اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده کنیم. سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که میخواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد...؛ شنیده اید، در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و بدین معناست که انسان از لحاظ علمی، فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدانهای فعّالیت و مبارزه، آماده به کار باشد. امروز اگر ما

۱- . سخنان رهبر معظّم انقلاب، ۹/۱۱/۱۳۷۲.

۲- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

می بینیم در هر نقطه ی دنیا ظلم و بی عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه ی با اینها آماده کنیم... بزرگترین وظیفه ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی و عملی پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. (۱)

انتظار ایجاب میکند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خُلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خُلق و آن شکل و آن هیئت متوقّع است. این لازمه ی انتظار است. وقتی بناست در آن دوران منتظَر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد - یک چنین دورانی قرار است، باشد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده ی عدل کنیم، آماده ی پذیرش حق کنیم. انتظار یک چنین حالتی را به وجود می آورد. (۲)

انتظار و تلاش

ما منتظریم، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور، طغیان، ضعیف کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پُرشده است، در سایه ی تلاش و فعّالیت بی وقفه ی ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوی و هوس خود، پیدا نخواهد کرد. (۳)

انتظار فرج داشته باشید و بدانید که این فرج، محقّق خواهد شد؛ مشروط بر اینکه شما انتظارتان، انتظار واقعی باشد، عمل باشد، تلاش باشد، انگیزه باشد، حرکت باشد. (۴)

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۲- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۳- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

۴- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

انتظار و دغدغه ی جهانی

انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه میکند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد. (۱)

انتظار، تکلیف زایی و مسئولیت آفرینی

این انتظار، تکلیف بر دوش انسان میگذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّلِحُون إِنَّ فِي هَاذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَبِدِين»- مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می فهمند باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترّصد باشند. (۲)

همه باید آماده باشید. در هرجایی که هستید، باید آماده ی خدمتگزاری باشید؛ «وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ»؛ «ینتظر» یعنی چه؟ یعنی منتظر مردنند؟ نه، یعنی منتظر انجام وظیفه اند؛ کجا وظیفه آنها را صدا خواهد زد، تا آنجا حاضر باشند. ما باید منتظر انجام وظیفه باشیم. هرچه که تکلیف الهی ما ایجاب کرد، بخواهیم آن را انجام بدهیم. این، ما را پیروز خواهد کرد و به موفّقیت بزرگ خواهد رساند. (۳)

ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پُر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه ای نداریم؛ نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. (۴)

انتظار و بیداری

یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مأیوس نبودن است... امروز ما در دنیا شاهد بیداری ملّتها هم هستیم. درست است که با پیشرفت وسایل جدید، تلویزیون، رادیو، تبلیغات، پول، امکانات صنعتی و غیره، تسلّط قدرتهای استکباری بر ملّتها و بر شئون آنها روزبه روز بیشتر شده است؛ امّا سنّت الهی بر این قرار گرفته که ملّتها هم بیدار بشوند و ما امروز می بینیم که ملّتها هم روزبه روز بیدار میشوند و این به خاطر امیدی است که آنها به آینده پیدا کرده اند. امید، در حال بیدار کردن ملّتهاست. (۵)

۱- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۲- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۳- . سخنرانی در پایان چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۷/۶/۱۳۷۰.

۴- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۵- . بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

اکنون به برکت بیداری امت اسلامی، افق آینده برای مسلمانان بیش از هر زمان دیگر تابناک تر است، و دشمنان اسلام و دنیاطلبان به ضعف و شکست خود اذعان میکنند. (۱)

انسانها میتوانند تلاش کنند و پرچم عدالت را- و لو در یک نقطه ی محدود- بلند کنند. شما ببینید ملّتهایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشارِ ظلم و ستم زندگی میکنند، اگر این امید را در دل خود بپرورانند که میشود با ظلم مبارزه کرد، چه اتّفاقی در دنیا می افتد و چطور ملّتها بیدار میشوند! (۲)

انتظار و تسلیم ناپذیری

ملّتی که در دلش خورشید امید به آینده، زندگی، لطف و مدد الهی میدرخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمیشود و با این حرفها، از میدان خارج نمیگردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویتِ مهدی علیه آلاف التّحیه و الثناء است. (۳)

همچنان که کشورتان را از دست جهان خواران بیرون کشیده اید و دست گرگها و سگهای ولگرد را از این کشور کوتاه کرده اید که کشور متعلق به خودتان و در اختیار خودتان و وابسته به ابتکار و اداره ی خودتان است، همچنان که جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشته اید و محاصره ی اقتصادی را به زانو درآورده اید، همچنان که تا امروز بحمد الله این مشکلات را تحمّل کرده اید و از خطرهای بزرگ گذشته اید، اگر همین اتحاد و ایمان و ایستادگی در میدانهای انقلاب و همین وفاداری به خطّ امام عظیم الشّأن و همین نترسیدنِ از استکبارِ مسلطِ جهان خوار را ادامه بدهید، به فضل پروردگار همه ی هدفهای دیگر شما هم برآورده خواهد شد؛ که یکی از این هدفها، نابود شدن و از هم پاشیده شدن پیکره ی استکبار جهانی است؛ این وعده ی الهی است و وعده ی الهی بلاشک عمل خواهد کرد؛ اگرچه بسیاری در دنیا آن را نپسندند و نخواهند؛ این همان چشم اندازی است که به ما امید میدهد؛ و این همان امیدی است که در جریان انتظار فرج، آموزش های اسلامی به ما یاد داده است. إن شاء الله افقهای روشن، یکی پس از دیگری، در مقابل آن ملّتی است که در حال راه رفتن و حرکت است. (۴)

۱- . بیانات مقام معظّم رهبری، ۱۰/۷/۱۳۸۷.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۳- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۴- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

انتظار و جهاد و مبارزه

همین روح انتظار است که به انسان تعلیم میدهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنی ندارد و اگر اطمینان به آینده هم نباشد، انتظار معنی ندارد. (۱)

بشریت در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مثل همان سرنشینان یک کشتی توفان زده، همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان، ستمگران، قوی دستان و مسلّطین بر امور انسانهای مظلوم بوده است. امید، موجب میشود که انسان به مبارزه بپردازد و راه را باز کند و پیش برود. (۲)

اگر در دلها امید به روزگار روشن باشد، مبارزه ممکن است و اگر امید بمیرد، مبارزه و حرکت به سمت صلاح هم خواهد مرد. (۳)

وعده ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیه الله (أرواحنا له الفداء) انجام خواهد گرفت؛ امّا یک ملّت مؤمن و مبارز میتواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند. (۴)

اعتقاد به قضیه ی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موضوع ظهور و فَرَج و انتظار، گنجینه ی عظیمی است که ملّتها میتوانند از آن بهره های فراوانی ببرند... امید موجب میشود انسان تلاش و حرکت کند، پیش ببرد، مبارزه کند و زنده بماند. (۵)

امروز اگر ما میبینیم در هر نقطه ی دنیا ظلم، بی عدالتی، تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم. (۶)

مطلب دوّم. وظایف منتظران(فرد، جامعه و حکومت)

اشاره

از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این

۱- . بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان... و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۲- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۳- . بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۴- . سـخنرانی در مراسم بیعت اصـناف مشـهد و تعاونیهای شـهری خراسان، مسـئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۸/۴/۱۳۶۸.

۵- . بیانـات در جمـع اقشــار مختلـف مردم در روز میلاـد پربرکـت حضـرت ولی عصـر عجـل الله تعـالی فرجـه الشـریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۶- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

بروبرگرد هم ندارد. همان طور که یکبار به اشاره گفتم و الآن هم جز به اشاره نمیتوانم بگویم، چون مجال تفصیل نیست همه ی انبیاء و اولیاء آمده اند تا انسان را به آن بزرگ راه اصلی ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش میتواند بُروز کند. انبیاء و اوّلیاء این مردم گمگشته را مرتّب از این کوه و کمر و دشتها و کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه ی شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی عصر أرواحنا فداه محقّق خواهد شد؛ لیکن همه ی این تلاشها اصلًا براساس این بینش است که نهایتِ این عالم، نهایتِ غلبه ی صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ امّا بروبرگرد ندارد. قطعاً این طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه میکنند. این هم یک نقطه از نقاط جهان بینی اسلامی است که در آن هیچ گونه تردیدی نیست.

حال براساس اینها یک نتایج عملی به دست می آید و وظایفی بر عهده ی انسانهایی که معتقد به این مبانی اند، قرار میگیرد. فرق نمیکند؛ چه حکومت اسلامی باشد و حاکمیت و قدرت در دست اهل حق باشد، چه حکومت اسلامی نباشد، فرض کنید مثل دوران حکومت طاغوت باشد، یا انسانی باشد که در بین کفّار زندگی میکند، این وظایفی که عرض میکنم، در هر دو حالت بر دوش یکایک انسانها هست. این وظایف چیست که اینها نتایج عملی آن بینش است؟ من چند نقطه از این وظایف را یادداشت کرده ام که در اینجا مطرح میکنم:...

اینها وظایف یک انسان به عنوان یک فرد و وظایف یک مجموعه به عنوان حکومت است. عرض کردم، اینها مخصوص دوران قدرت نیست که چون امروز حکومت در دست مجموعه ی مؤمنین بالله و مؤمنین به اسلام است، ما این وظایف را داریم. آن وقتی هم که قدرت در دست این مجموعه نبود، در دست دشمنانشان بود، در دست طاغوت بود، در دست مفسدین فی الأرض بود، همه ی این وظایف وجود داشت. بعضی عمل میکردند، بعضی عمل نمیکردند؛ بعضی بیشتر عمل میکردند، بعضی کمتر عمل میکردند. این وظایف الآن هم بر عهده ی همه ی مسلمانهاست؛ البتّه بعضی وظایفشان بیشتر است، بعضی کمتر است. وظیفه ی اصلی همه ی انبیاء، ائمّه و اوّلیاء این بوده است که مردم را به همین وظایف آشنا کنند؛ چه در دورانی که میتوانستند قدرت را کسب کنند، بگویند بروید مجاهدت کنید و قدرت را به دست آورید و این گونه اداره کنید چه آن وقتی که نمی شد،

قدرت را به دست بیاورند. همه هم تلاش و مبارزه کرده اند؛«وَ کَأَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثیر».جنگ و مبارزه ی سیاسی و معارضه ی با دشمنان، چیزی نیست که اوّل بار در اسلام آمده باشد؛ نه. در زمان پیغمبران گذشته انبیای بزرگ الهی، از زمان ابراهیم علیه السلام به این طرف هم بوده است. شاید قبل از ابراهیم علیه السلام هم بوده که من اطّلاعی ندارم. بنابراین، این وظایف، وظایفی است که انبیا ما را به آن سمت میکشانند. البتّه در حکومت حق، در آنجایی که قدرت در دست بندگان خدا مؤمنین باالله و مؤمنین به سبیل الله قرار دارد، این وظیفه سنگین تر است. چرا؟ چون توانایی شما به عنوان جزیی از مجموعه ی حکومتِ دولت، با توانایی فردی مثل شما در بهترین حالات حکومت طاغوت قابل مقایسه نیست. فرض کنیم در حکومت طاغوت، آن اختناق و آن شدّتها و آن گمراهیها و آن اضلال وسایل ارتباط جمعی و... وجود نداشته باشد؛ امکانات بدهند و معارضه ی آن چنانی هم نکنند؛ از قدرتشان علیه شما هم استفاده نکنند. وضع کنونی یعنی وضع وجود یک قدرت اسلامی شاید هزار مرتبه از بهترین حالاتی که در حکومت طاغوت ممکن است یک فرد برای ترویج و پیگیری و تحقّق آرمانهای الهی داشته باشد، بهتر باشد. پس بایستی این را قدر دانست. (۱)

گفتار اوّل. وظایف فرد منتظر

عبودیت خداوند به معنای وسیع آن

یک وظیفه عبارت است از: عبودیت و اطاعت خداوند. چون عالَم مالک، صاحب، آفریننده و مدبّر دارد و ما هم جزو اجزاء این عالَمیم، لذا بشر موظّف است اطاعت کند. این اطاعت بشر به معنای هماهنگ شدن او با حرکت کلّی عالم است؛ چون همه ی عالم «یُسَبِّحُ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْض» ؛ «قالَتا أَتَیْنا طائِعین». آسمان و زمین و ذرّات عالم، دعوت و امر الهی را اجابت میکنند و بر اساس قوانینی که خدای متعال در آفرینش مقرّر کرده است، حرکت میکنند. انسان اگر بر طبق قوانین و وظایف شرعی و دینی که دین به او آموخته است عمل کند، هماهنگ با این حرکتِ آفرینش حرکت کرده؛ لذا پیشرفتش آسانتر است؛ تعارض، تصادم و اصطکاکش با عالم کمتر است؛ به سعادت و صلاح و فلاحِ خودش و دنیا هم نزدیکتر است. البتّه عبودیت خدا با معنای وسیع و کامل آن مورد نظر است؛ چون گفتیم توحید، هم اعتقاد به وجود خداست، هم نفی الوهیت و عظمت متعلّق به بتها،

۱- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۲/۹/۱۳۷۹.

سنگها و چوبهای خودساخته و انسانهای مدّعی خدایی و انسانهایی که اسم خدایی کردن هم نمی آورند؛ امّا میخواهند عمل خدایی کنند. پس در عمل، دو وظیفه وجود دارد: یکی اطاعت از خدای متعال و عبودیت پروردگار عالم، و دوّم سرپیچی از اطاعت «انداد الله»؛ هر آن چیزی که میخواهد در قبال حکمروایی خدا، بر انسان حکمروایی کند. ذهن انسان فوراً به سمت این قدرتهای مادّی و استکباری می رود؛ البتّه اینها مصادیقش هستند؛ امّا یک مصداق بسیار نزدیکتر دارد و آن، هوای نفس ماست. شرط توحید، سرپیچی کردن و عدم اطاعت از هوای نفس است؛ که این «اخوف ما اخاف» است. (۱)

ترس از پروردگار

دشمنان حقیقت، دنیادارانند، قدرتمندانند، طواغیت عالمند؛ در طول تاریخ این جور بوده است، تا آخر هم، تا زمانی که دولت حقّه ی ولی عصر ارواحنا فداه ظهور بکند، همین جور خواهد بود. این قدرتمندان بیکار که نمیمانند؛ ایجاد اشکال میکنند، ضربه میزنند، از همه ی ابزارهایشان استفاده میکنند. پس باید «وَ لا یَخْشَوْنَ أَحَداً إِلاَّ اللَّه» وجود داشته باشد، و الّا اگر از غیر خدا ترسی وجود داشت- به انواع و اقسامه. ترس هم یک جور نیست- راه دیگر مُنسد خواهد شد. (۲)

تقوای همه جانبه

در این دستگاه عظیم و در این سپاه مقدّس که به تعبیر امام رضوان الله تعالی علیه لشکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و لشکر اسلام است سعی کنید در تمام زوایا تقوا را زنده کنید؛ تقوا در عمل فردی، تقوا در عمل جمعی، تقوای کاری، تقوای سازمانی، تقوای سیاسی آنجایی که جایش هست تقوا در عمل فردی خود، در رابطه ی با خدا، در رابطه ی با انسانها، در رابطه ی با بیت المال و در رابطه ی با کار. (۳)

«قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ اسْتَعینُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقین»؛ ...در این آیه ای که عرض کردم، موسی – نبی خدا – به بنی اسرائیل که در نهایت ضعف و اختناق به سر میبردند، و عوامل دلسردی و نومیدی برای آنها بسیار زیاد بود، یک سنّت الهی را بیان کرد: «قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ اسْتَعینُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا؛ به قوم خود گفت از خدا استعانت بجویید و مقاومت کنید،

۱- . همان.

۲- . بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۲۲/۹/۱۳۸۸.

۳- . بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۶/۶/۱۳۷۶.

صبر کنید، «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ»؛ زمین متعلق به خداست، در قبضه ی قدرت خداست، همه چیز دست خداست. «یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقین»؛ یعنی این ودیعه ی الهی در دست آن کسانی قرار میگیرد که خدا اراده کند، و شما میتوانید به وسیله ی تقوا و عمل بر طبق اراده ی الهی خودتان را آن کسانی قرار بدهید که خدا میخواهد زمین را در اختیار آنها قرار بدهد. «وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقین» این یک حکم کلّی است؛ عاقبت و فرجام کار، به نفع مردم باتقواست؛ تقوا با آن معنای وسیعی که دارد در اینجا شاید این جور معنا میدهد که آن کسانی که از ورود در مرز محرّمات الهی اجتناب میکنند، به وظایف خودشان عمل میکنند، آنچه را که خدا از مؤمنین خواسته انجام میدهند، فداکاری لازم را میکنند، انفاق لازم را میکنند، و اگر یک عدّه انسان این جور باشند، یعنی فداکاری کنند، انفاق کنند، تلاش کنند، تنبلی نکنند، این جمعیت با این خصوصیات بدون شک پایان کار را خواهند برد و آینده متعلّق به آنها خواهد بود.

همان چیزی که ما در مبارزه ی خودمان و در انقلاب خودمان به رأی العین مشاهده کردیم،... این همان «وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقین» است. در مقیاس تاریخ بشری هم همین معنا وجود دارد؛ یعنی عاقبت در جریان تاریخ متعلّق به متّقین است. (۱)

هدف گرفتن تعالی مادّی و معنوی انسان

دوّم، هدف گرفتن تعالی انسان است؛ تعالی خود و دیگران. این تعالی شامل تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی یعنی جامعه تعالی پیدا کند و تعالی اقتصادی است؛ یعنی رفاه امور زندگی مردم. همه موظّفند برای این چیزها تلاش کنند: گسترش و پیشرفت علم برای همه؛ حاکمیت اندیشه ی سالم و فکر درست؛ تعالی روحی و معنوی و اخلاقی، خُلق کریم و مکارم اخلاق؛ پیشرفت اجتماعی بشری نه فقط جنبه های معنوی و علمی و اخلاقی یک فرد، بلکه جامعه هم مورد نظر است و پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی انسانها، و بایستی مردم را به سمت رفاه و تمتّع هرچه بیشتر از امکانات زندگی پیش ببرند. این یکی از وظایف همه است؛ مخصوص دوره ی قدرت و حکومت هم نیست؛ در دوره ی حکومتِ غیر خدا هم این وظیفه وجود دارد... اینها وظایف یک انسان به عنوان یک فرد و وظایف یک مجموعه به عنوان حکومت است.

۱- . ولایت و حکومت، ص ۳۰۳-۳۰۵.

عرض کردم، اینها مخصوص دوران قدرت نیست. (۱)

ترجیح رستگاری اخروی بر دنیوی

سوّم، ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی، اگر باهم تعارض پیدا کردند. این هم یکی از وظایف عملی هر انسانی است که معتقد به آن جهان بینی است. یعنی اگر در موردی پیش آمد که یک سود دنیوی در جهت هدفهای اخروی قرار نگرفت، تا آنجایی که ممکن است، انسان باید سعی کند این سود دنیوی را در جهت هدفهای اخروی قرار دهد. اگر یکجا باهم سازگار نبود، انسان یا بایستی از یک سود چشم بپوشد چه سود مالی، چه سود قدرت و مقام و محبوبیت و... یا بایستی گناهی را مرتکب شود که موجب وزر اخروی است. لازمه ی اعتقاد به آن جهان بینی این است که انسان جنبه ی اخروی را ترجیح دهد؛ یعنی از آن سود صرف نظر کند و آن گناه را مرتکب نشود. بر عهده ی هر مسلمانی است که این گونه عمل کند. انسان باید فعّالیتهای خودش را برنامه ریزی کند؛ به نحوی که با تلاشهای عظیم دنیوی که ناگزیر است آنها را انجام دهد، منافاتی پیدا نکند و برخلاف فلاح اخروی و وظایفی که تخلّف از آنها ممکن است در آخرت برای انسان وزر و وبال به بار آورد، نباشد. (۲)

مجاهدت و مبارزه

چهارم، اصل مجاهدت و تلاش و مبارزه است. یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع که حکومت و یا یک قدرت باشد، این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تنبلی و بی عملی و بی تعهّدی تن ندهد. گاهی انسان عمل هم دارد؛ امّا نسبت به وظایف اصلی تعهّد ندارد؛ میگوید به ما چه! کجرویهای برخاسته از هوس نیز همین طور است. انسان به اینها نباید تن بدهد. بایستی حتماً با تنبلی و بی عملی خودش مبارزه کند؛ تلاش و مجاهدت کند و در این راه قبول خطر کند. این یکی از وظایف است. البتّه این مجاهدت باید مجاهدت فی سبیل الله باشد. (۳)

ما از چه چیزی واهمه داشته باشیم؟ چرا واهمه داشته باشیم؟ البتّه بدیهی است که وقتی میگوییم

۱- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۲/۹/۱۳۷۹.

۲- . همان.

۳- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۲/۹/۱۳۷۹.

مبارزه، معنایش این است که در این موضع قدرت مندانه و برخاسته از ایمان و اراده می ایستیم و تسلیم کسی نمیشویم. معنایش این نیست که لشکرکشی میکنیم و به جنگ با امریکا میرویم! کار و هدف ما، این نیست. البتّه هر متجاوزی هم اگر تجاوز کند- هرکه میخواهد باشد؛ از امریکا گرفته تا دستها و ابزارها و کوچک ابدال هایش در هرجای دنیا- با مشت محکم این ملّت روبه رو خواهد شد. در این تردیدی نیست. آنچه که برای این ملّت اصل است، همان ایستادگی، مقاومت و مبارزه ی حقیقی است که خدای متعال را خشنود و قلب مقدّس ولی عصر أرواحنا فداه را از شما راضی و حالت انتظار آن بزرگوار را در شما تقویت میکند و روح مبارک امام را از شما شاد مینماید و دشمن را ناکام خواهد کرد. (۱)

در همین آیه ی کریمه ی قرآن که راجع به قسط صحبت میکند و میگوید خدای متعال همه ی پیغمبران را فرستاد، «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ برای اینکه قسط و عدالت را در جامعه مستقر کنند»، بلافاصله میفرماید: «وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ» ؛ یعنی پیغمبران علاوه بر اینکه با زبان دعوت سخن میگویند، با بازوان و سرپنجگان قدرتی که مجهّز به سلاح هستند و با زورگویان و قدرت طلبان فاسد، معارضه و مبارزه میکنند. (۲)

امید به پیروزی در همه ی شرایط

پنجمی و آخری، امید به پیروزی در همه ی شرایط است؛ به شرط آنکه جهاد فی سبیل الله باشد. کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و ناکامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل الله نبوده؛ یا اصلًا مجاهدت نبوده است. شرط مجاهدت فی سبیل الله چیست؟ این است که انسان به سبیل الله ایمان و باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراین میتواند در راه آن مجاهدت کند. (۳)

روح امید را در خودتان زنده نگه دارید. نام مبارک حضرت مهدی أرواحنا فداه در خطابه ی دانشجویان و در سخن همه ی کسانی که از دلِ روشنی برخوردارند، اشاره به ذخیره ی امید بشریت

۱- . بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی، ۹/۸/۱۳۷۵.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۳۰ /۷/۱۳۸۱.

۳- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۲/۹/۱۳۷۹.

و تاریخ است. (۱)

سامان دهی زندگی بر محور مهدویت

ما که منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان علیه الاف التحیه و الثناء و عجّل الله تعالی فرجه تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البتّه، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آنگونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ امّا باید در آن جهت تلاش و کار کنیم. (۲)

مناجات با خدا

من به جوانان توصیه میکنم نماز جماعت را، حضور در مساجد، اقامه ی مجالس دعا و تضرّع و فهمیدن مفاهیم این دعاها را- که بفهمید با خدا چه میگویید و چه صحبت میکنید- جدّی بگیرید. از یک طرف بازوانِ فعّال و گامِ استوار در راه سازندگی علمی و عملی؛ از یک طرف دلِ خاشع و خاضع در مقابل پروردگار و توجّه و توسّل به خدای متعال و استمداد از اولیای مطهّر و معصومش؛ به خصوص حضرت بقیه الله الاعظم أرواحنا فداه. (۳)

دعا کنید، نافله بخوانید، توجّه پیدا کنید، متذکر باشید؛ در شبانه روز، یک ساعت را برای خودتان و خدای خودتان قرار بدهید؛ از کارها و اشتغالات گوناگون، خودتان را بیرون بکشید؛ با خدا و با اوّلیای خدا و با ولی عصر عجّل الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه مأنوس بشوید. (۴)

ارتباط معنوی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

یک جمله در پایان عرض بکنم در مورد لزوم ارتباط عاطفی معنوی روحی با آن امام بزرگوار و ولی معصوم الهی برای یکایک ما. مسئله را در حدّ تحلیل روشنفکری و فکری محدود نکنید. آن معصوم برگزیده ی خدا امروز در میان ما انسانها در یک جای دنیا که ما نمیدانیم زندگی میکند، او وجود دارد، او دعا میکند، او قرائت قرآن میکند، او تبیین مواضع الهی میکند، او رکوع و سجود میکند، او عبادت میکند، او دعا میکند، او در مجامعی ظاهر میشود، کمک به انسانهایی میکند، او وجود

۱- . بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی علیه السلام، ۲/۱۰/۱۳۸۳.

۲- . بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۳- . بیانات در اوّلین روز ورود به ساری، ۲۲/۷/۱۳۷۴.

۴- . سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۲۳/۵/۱۳۷۰.

خارجی دارد، وجود عینی دارد، منتها برای ما ناشناخته است. این انسان برگزیده ی پروردگار امروز هست و ما باید رابطه یمان را به صورت شخصی به صورت قلبی به صورت روحی نیز علاوه بر شکل اجتماعی و سیاسی اش که بحمدالله نظام ما در جهت خواست آن بزرگوار است، ان شاالله، باید تقویت کنیم، یعنی تک تک افراد جامعه ی ما توسّل به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و آشنایی با آن حضرت و راز و نیاز با آن بزرگوار و سلام به آن حضرت و توجّه به آن حضرت را بایستی یک وظیفه و یک فریضه ی خودشان بدانند و دعا کنند برای آن حضرت. (۱)

ما همیشه - مخصوصاً در روزهای جمعه - توسّل و توجّه مان را به ولی عصر صلوات الله علیه فراموش نکنیم. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امانت و گوهر درخشنده ی عظیم آفرینش در میان ما، امروز بی گمان بیش از هر زمان، متوجّه و مراقب این ملّت است. (۲)

رابطه ی بین شیعیانی که این اعتقاد را دارند، با مقام ولایت و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف یک رابطه ی دایمی است و چقدر خوب و بلکه لازم است که یکایک ما، قلباً هم این رابطه را با توجّه و توسّل و حرف زدن با آن حضرت حفظ کنیم. طبق همین زیاراتی که وارد شده و بعضاً مأثور است و به احتمال زیاد به خود معصوم علیه السلام مستند می باشد، این رابطه ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دایم در دل انسان زنده نگه می دارد. (۳)

عقیده به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. این را باید قدر دانست. من توصیه میکنم که این توسّلات را- که مردم ما بحمدالله داشته اند و دارند و در سالهای بعد از انقلاب، به فضل پروردگار چندین برابر شده است- هرچه باکیفیت تر ادامه دهند و توجّهات و الطاف آن بزرگوار را به سمت خود جلب کنند. آن بزرگوار، حاضر است و از ملّت و شیعه ی خود، جدا و غافل نیست. او، در میان مردم حضور دارد و مردم با توجّه و توسّل به او، إن شاء الله راه رشد و هدایت و فتح و پیروزی را به دست خواهند آورد. (۴)

۱- . ولایت و حکومت ص ۳۱۰.،

۲- . در مکتب جمعه، ج۳،ص ۵۵.

۳- . بیانات در دیدار با مسؤولان خانواده های معظم شهدا و جانبازان، سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۴- . بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

خدای متعال توفیق دهد که ما سربازان آن بزرگوار، متوسّل و متذکرِ آن بزرگوار باشیم و انس و رابطه ی قلبی و روحی با آن بزرگوار برقرار کنیم. اگر شما از این طرف انس داشتید، از آن طرف هم جلب توجّه، جلب تذکر و جلب لطف و محبّت خواهد شد. (۱)

این توسّلاتی که در زیارات مختلف وجود دارد که بعضی از اینها اسانید خوبی هم دارد، اینها بسیار باارزش است. و توسّل، توجّه، انسِ با آن بزرگوار از دور...آن توسّل، توسّل از دور است؛ توسّلی است که امام آن را از ما می شنود، ان شاءالله میپذیرد؛ ولو اینکه ما با مخاطب خودمان از دور داریم حرف میزنیم؛ اشکالی ندارد. خدای متعال سلامِ سلام دهندگان و پیامِ پیام دهندگان را به آن بزرگوار میرساند. این توسّلات و این انس معنوی بسیار خوب و لازم است. (۲)

دشمن میخواست مردم را از این طریق هم مأیوس کند و اضطراب بیافریند. هوشیار باید بود. ملّت ایران باید هوشیار باشد. شما به برکت هوشیاری تان، بحمدالله توانستید این راه دشوار را تا اینجا طی کنید. هوشیاری همراه با اتّکای به خدا و توجّه و توسّل به ولی عصر أرواحنا فداه. (۳)

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر رحمت و قدرت حق و مظهر عدل الهی است و کسانی که بتوانند با این کانون شعاع رحمت و تفضّلات الهی، ارتباط روحی و معنوی برقرار کنند، در تقرّب به خداوند، توفیق بیشتری میابند؛ زیرا نفس توسّل و توجّه و ارتباط قلبی با آن حضرت، موجب عروج و رشد روحی و معنوی انسان میشود. (۴)

إن شاء الله مشمول ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیه الله أرواحنا فداه هم باشید و روز به روز رابطه ی قلبی شما با آن بزرگوار تقویت شود و از آن حضرت فیض بگیرید. (۵)

بعضی حالا ممکن است بگویند شما میخواهید نهضت امام حسین علیه السلام را بیان بکنید، خیلی خب، بروید بیان کنید، دیگر روضه خوانی و گریه و زاری و اینها چیست؟ بروید بنشینید بیان کنید که حضرت این کار را کردند، این کار را کردند، هدفشان هم این بود. این، خیلی فکر خطایی است، نگاه غلطی است. این عاطفه ی نسبت به اولیاء خدا، اولیاء دین، این پیوند عاطفی، پشتوانه ی بسیار

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۲- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۳- . بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز میلاد حضرت علی علیه السلام، ۶/۱۰/۱۳۷۲.

۴- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۵- . بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۵/۶/۱۳۸۰.

ارزشمند پیوند فکری و پیوند عملی است. بدون این پشتوانه، خیلی سخت میشود در این راه حرکت کرد. این پیوند عاطفی، خیلی مهم است. (۱)

دعا برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

با دعا...برای تعجیل در ظهور مهدی موعود سلام الله علیه علیه و عجل الله فرجه، از هر کرانه خود را در این اقیانوس عظیم شستشو دهید. (۲)

درک و حسّ حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام بزرگوار، عزیز، معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همه ی خلایق، اگرچه غایب است و ظهور نکرده؛ امّا حضور دارد. مگر میشود حضور نداشته باشد؟ مؤمن، این حضور را در دل خود و با وجود و حواسّ خویش، حسّ میکند. آن مردمی که می نشینند، راز و نیاز میکنند، دعای ندبه را با توجّه میخوانند، زیارت آل یاسین را زمزمه میکنند و مینالند؛ میفهمند چه میگویند. آنها حضور این بزرگوار را حس میکنند ولو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری نمیزند. ظهور نکرده است؛ امّا هم در دلها و هم در متن زندگی ملّت حضور دارد. مگر میشود حضور نداشته باشد؟ شیعه ی خوب، کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید. این، به انسان امید و نشاط میبخشد. (۳)

آمادگی برای انجام وظیفه

تا شما ملّت ایران، این اتّحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه ی آرزوهای انبیاء و اولیاء به دست شما قابل عمل است. آمال بزرگ آنان، استقرار عدل جهانی و نجات مستضعفان و نابودی ظلم در سطح عالم بود. (۴)

امیدوارم که خداوند متعال توفیق دهد، و عنایات و توجّهات حضرت بقیه الله الاعظم أرواحنا فداه، کمک کند تا همه ی ما بتوانیم آماده ی حرکت در این میدان باشیم. (۵)

۱- . بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۲۲/۹/۱۳۸۸.

۲- . پیام رهبر معظّم انقلاب اسلامی به مناسبت کنگره ی عظیم حج، ۸/۱۰/۱۳۸۵.

۳- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۴- . سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۸/۴/۱۳۶۸.

۵- . بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، به مناسبت روز پاسدار، ۱۵/۱۰/۱۳۷۳.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می آید انجام میدهد، یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه ی آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمیشود شروع کرد! جامعه ای میتواند پذیرای مهدی موعود أرواحنا فداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الّا مثل انبیاء و اولیاء طول تاریخ میشود. چه علّتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصّلاه و السّلام در زمان خودش؛ در همان مدّت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متّصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیباییها و درخشندگی هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ی او نتوانست ریشه ی بدی را بخشکاند؟ آن وقت اگر امام زمان علیه الصّلاه و السّلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. این آمادگی چگونه است؟ این، همانی است که شما نمونه هایی از آن را در جامعه ی خودتان مشاهده میکنید. امروز در ایران اسلامی چیزهایی از درخشندگی های معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست. تا آنجایی که ما خبر و گزارش و اطّلاع داریم؛ از قضایای دنیا بیخبر هم نیستیم. (۱)

اگر بخواهیم به وظایف درست عمل کنیم، پیمودن راه از حالا ـ به بعد، یقیناً آسان تر از راه گذشته ی ما نیست؛ راه دشواری است. از حالا به بعد، مسئله، مسئله ی حفظ ارزشهاست؛ جا انداختن اینها در ذهنیت ملل دنیاست؛ حراست از آنها در داخل جامعه ی اسلامی است. این، با زبان ممکن نیست؛ با عمل، تلاش، فداکاری، امید، آمادگی، علم و تقوا ممکن است. (۲)

همه متوجّه شما هستند؛ هم قدرتهای چپاولگر عالم و جهان خواران، هم مظلومان عالم، هم آن کسانی که در صحنه منتظرند تا ببینند کفّه به سود کدام طرف سنگین تر خواهد شد. امروز ملّت فلسطین چشمشان به شماست. ملّتهای مظلوم و روشنفکران مسلمان، نگاهشان به سوی شماست. حتّی کسانی هم که مسلمانی را نشناخته اند، در دلشان فروغ امیدی از سوی شما هست. این همان سکّویی است که باید ملّت مسلمان ایران و به دنبال آن دیگر ملّتها، به سوی «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّه» پرش و حرکت کنند. این، کار بزرگی است. این کار، قدرت ایمان، قوّت اراده، توکّل به خدا،

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۲- . سخنرانی در دیدار با روحانیون و طلّاب آزاده، ۵/۸/۱۳۶۹.

آمادگی معنوی و مادّی میخواهد. (۱)

بـا ملّتی که ایستاده و به نیروی خود تکیه کرده است، هیـچ کاری نمیتواننـد بکننـد. همه ی راهها به روی آنها بسته است. اگر سختگیری کنند، آنها ضـرر میکنند. اگر فشار وارد بیاورند، آنها ضـرر میکنند. اگر حمله کنند، آنها ضـرر میکنند؛ چون جوهر ایستادگی و مقـاومت در یک ملّت، جوهر نفیس و گرانقـدری است. با همین جوهر است که ملّت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه ی زاکیه و هدایت های معنوی ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه) خواهد توانست تمدّن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ باعظمت تمدّن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده ی قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند. (۲)

همه بایـد آماده باشـید. در هرجایی که هستیـد، بایـد آماده ی خـدمتگزاری باشـید؛ «وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِر». «ينتظر» يعنى چه؟ يعنى منتظر مردننـد؟ نه، يعنى منتظر انجام وظيفه انـد؛ كجا وظيفه آنها را صـدا خواهـد زد، تا آنجا حاضـر باشـند. ما بايد منتظر انجام وظيفه باشيم. هرچه که تکلیف الهی مـا ایجـاب کرد، بخواهیم آن را انجـام بـدهیم. این، ما را پیروز خواهـد کرد و به موفّقیت بزرگ خواهد رساند. (۳)

خودسازی

شیعیان و پیروان آن حضـرت، باید کسب آمادگی معنوی، روحی و ایمانی را جزو وظایف خود بدانند و سرمایه ی عظیم امید، ایمـان و نورانیت را در خود ایجـاد کننـد تـا در حرکت جهـانی امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف در ردیف نزدیکان (خواص)، یاران و همکاران آن حضرت قرار گیرند. (۴)

انتظار عالمانه

از کارِ عالمانه و همراه با دقّت در مسئله ی انتظار و مسئله ی دوران ظهور نباید غفلت کرد. و از کارِ عامیانه و جاهلانه به شدّت باید پرهیز کرد. (۵)

۱- . سخنرانی پس از بازدید از ستاد فرماندهی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۴/۷/۱۳۷۰.

۲- . بیانات در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، ۲۹/۵/۱۳۷۶.

۳- . سـخنرانی در پایـان چهـارمین مجمع بزرگ فرمانـدهان و مسئولان دفـاتر نماینـدگی ولی فقیه در سپاه پاسـداران انقلاب اسلامی، ۲۷/۶/۱۳۷۰.

۴- . سخنرانی مقام معظّم رهبری، ۹/۱۱/۱۳۷۲.

۵- . بیانات در جمع اساتید و فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

تطبیق اعمال با رفتار امام زمان

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از هر آنچه که نشانه ی مسلمانی و نشانه ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر میزند، خرسند میشود. اگر خدای نکرده عکس این عمل بکنیم، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ناخرسند میکنیم. (۱)

در هیچ دوره یی در ایران، جوانان، پسرها، دخترها، جمعیتهای انبوه و عظیم، این طور شیفته، دلباخته، منتظر، مشتاق، شیدای آن بزرگوار نبوده انـد که بحمدالله در این زمان هستند... ما نباید به همین شوق و عشق و علاقه اکتفا کنیم؛ باید اوّلاً معرفتمان را زیاد کنیم، ثانیاً از لحاظ عمل و رفتار هم سعی کنیم خودمان را منطبق کنیم با آن چیزی که به حسب تفکر شیعی و اسلامی ما، امام نماد آن است؛ چون امام، اسلام مجسّم است؛ همچنان که خود پیغمبر، قرآن و اسلامِ مجسّم بود. اخلاق و رفتار و عمل پیغمبر صلی الله علیه و آله تجسّم قرآن بود؛ ائمّه هم همین طورند. امام، مظهر اسلام، مظهر علو الهی در میان بشر، مظهر عزّت الهی و نمونه ی کاملی است که خدای متعال انسانها را به سمت تعالی، تکامل و در حقیقت به سوی این نمونه دعوت میکند و او را نشان میدهد و انسانها را به این سمت فرامیخواند. اگر ما عقیده داریم که حضرت بقیهالله ارواحنافداه امروز آن فرد زنده ی مورد توجّه پروردگار و مَهبَط ملائکه ی الهی در زمان ماست، پس بایـد خود را از لحاظ عمل، اخلاق و رفتار نزدیک کنیم به آن چیزی که این بزرگوار میخواهد؛ یعنی معرفت عمیق تر و رفتار منطبق تر و صحیح تر. (۲)

درک عمیق مهدویت

عقیـده به امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف نمیگـذارد مردم تسـلیم شونـد؛ به شـرطی که این عقیـده را درست بفهمنـد. وقتیکه این عقیده به طور حقیقی در دلها جا بگیرد، حضور امامِ غایب در میان مردم حس میشود. (۳)

دشمن شناسی و بصیرت

همه ی عقایـد سازنـده، مـورد تهـاجم دشـمن قرار گرفته است. برادران و خـواهران عزیز! این نکته ی بسـیار مهمّی است. توجّه بفرمایید که ما امروز چقدر باید هوشیار باشیم! دشمنان سراغ مجموعه ی

۱- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۲- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی، ۹/۷/۱۳۸۳.

۳- . بیانـات در جمع اقشـار مختلف مردم در روز میلاـد پربرکـت حضـرت ولی عصـر عجـل الله تعـالی فرجـه الشـریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

احکام و مقرّرات اسلام رفتند؛ هر عقیده، هر توصیه ای از شرع مقدّس که در زندگی و سرنوشت آینده ی فرد و جماعت و امّت اسلامی تأثیر مثبتِ بارزی داشته است و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند؛ اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند!...در مورد ماجرای اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف یعنی اینکه در آخرالزّمان از خاندان پیامبر، شخصی ظهور میکند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پُر میسازد و تبعیضها، ظلمها، سوءاستفاده ها و فاصله های طبقاتی را از بین میبرد؛ نیز خیلی کار کرده اند. (۱)

آرمان گرایی واقع بینانه

در این حرکت سی و سه ساله، آرمان ها و آرزوهای عظیمی که اسلام آنها را به ما القاء میکند و تعلیم میدهد، از نظر دور نماند؛ در عین حال واقعیت های موجود جامعه و جهان هم مورد توجّه قرار گرفت؛ این کمک کرد به اینکه این حرکت بتواند ادامه پیدا کند؛ یعنی ترکیب آرمان خواهی و آرمان گرایی با واقع بینی. یک حرفی را سر زبانها انداختند، درباره اش نوشتند و گفتند؛ الآن هم انسان در گوشه و کنار میشنود که ملاحظه ی واقعیت های جامعه و جهان، با آرمان گرایی نمیسازد. آرمان گرایی را اشتباه کردند با رؤیاگرایی. آنچه که ما میخواهیم دنبال کنیم و اصرار بر آن داریم، این است که واقع بینی، مشاهده ی واقعیات جامعه و جهان، با آرمان گرایی و تعقیب آرمان ها و آرزوهای بزرگ ملّت ایران هیچ گونه تنافی و تعارضی ندارد. ذکر آرمان ها بدون توجّه به واقعیت ها و بدون ملاحظه ی ساز و کارهای معقول و منطقی رسیدن به آرمان ها، خیال پردازی است. (۲)

گفتار دوّم. وظایف جامعه ی منتظر

زنده کردن روح انتظار و آمادگی برای ظهور

ما امروز برای انتظار، باید باب به خصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملّت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند. (۳)

در سطح دنیا انسانیت فرج می طلبد؛ امّا راه فرج را نمیداند. شما ملّت انقلابی مسلمان، باید با

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۲- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، ۳/۵/۱۳۹۱.

۳- . دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

حرکت منظّم خود در تـداوم انقلاب اسـلامی، به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشویـد و شـما بایـد به سوی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف و انقلاب نهایی اسـلامی بشـریت - که سـطح عالم را خواهـد گرفت و همه ی این گره ها را باز خواهد کرد - قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید. انتظار فرج این است. (۱)

شما بایـد زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتوانـد بیایـد و در آن زمینه ی آماده اقدام بکند. از صـفر که نمیشود شـروع کرد! جامعه ای میتوانـد پـذیرای مهـدی موعود - ارواحنا فداه - باشد که در او آمادگی و قابلیت باشد؛ و الاّ مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ میشود. چه علّتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اوّلی العزم، آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها، پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السـلام در زمان خودش - با آن قـدرت الهی، با آن علم متّصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیبایی ها و درخشندگی هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت، با آن توصیه های پیامبر اکرم درباره ی او - در همین مدّت کوتاه، نتوانست ریشه ی بدی را بخشـکاند؟خود آن بزرگوار را از سـر راه برداشـتند: «قُتِلَ فی محراب عِبادَتِهِ لِشِـدَّهِ عَـدلِهِ». تاوان عـدالت امیرالمؤمنین علیه السـلام جان امیرالمؤمنین بود که از دسـت رفت! چرا ؟ چـون زمینه، زمینه ی نـا مساعـد بود. زمینه را نـا مساعـد کرده بودنـد. زمینه را زمینه ی دنیـاطلبی کرده بودنـد! آن کسـانی که در مقابـل امیرالمـؤمنین علیه السـلام صـف آرایی کرده بودنـد - در اواخر حکـومت این بزرگوار، یـا در اواسـط - کسانی بودنـد که زمینه های دینی آنها، زمینه های مسـتحکم و مادّه ی غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این طور فاجعه به بـار می آورد! آن وقت اگر امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف در یک دنیای بـدون آمادگی تشـریف بیاورنـد، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. (۲)

برادری و همدلی و وحدت

امروز دنیـای اسـلام بیش از همیشه، به اتّحـاد یکـدلی و تمسّـک به قرآن نیازمنـد است. از سویی، ظرفیتهای جهان اسـلام برای توسـعه و عزّت و اقتـدار، امروز بیش از گذشـته آشـکار شـده و بازیـابی مجـد و عظمت امت اسـلامی، امروز در سراسـر جهان اسلام، انگیزه و خواست جوانان و فرزانگان شده است. شعارهای منافقانه ی مستکبران، رنگ باخته و نیات پلید آنان برای امت اسلامی، به تدریج

۱- . در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۱.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

آشکار شده است و از سوی دیگر، جهان خواران که سودای حاکمیت بر سراسر جهان را در سر می پرورانند، از بیداری و وحدت امّت اسلامی بیمناکند و آن را سدّی در برابر سیل ویرانگر نقشه های خود میشمرند و در تلاش برای پیشدستی و پیشگیری از آنند. امروز، روز اخوّت عملی در همه ی عرصه ها و در برابر همه ی فتنه ها است. روز فراهم ساختن زمینه برای حکومت حضرت مهدی، عجل الله فرجه الشریف است. روز اجابت دعوت الهی در همه ی زمینه ها است. روزی است که باید آیه ی «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَه» و آیه ی «لا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقی إِلَیْکُمُ السَّلامَ لَسْتَ مُؤْمِناً» و آیه ی «أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُم» را بار دیگر بر دلهای خود تلاوت کنیم. (۱)

تا شما ملّت ایران، این اتّحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه ی آرزوهای انبیا و اوّلیا به دست شما قابل عمل است. (۲)

ما آرزو داریم که این یک میلیارد مسلمان، حقیقتاً یک واحد باشند؛ نه اینکه دولتها و کشورها وجود نداشته باشند. چنین چیزی، علی الظّاهر، تا قبل از ظهور ولی عصر أرواحنا فداه، نخواهد شد. امّا میگوییم در یک جهت حرکت کنند. با یک روحیه حرکت کنند. ملّتها و دولتهای مسلمان، با یک دل حرکت کنند. و این، عزّت و قدرت آنهاست. عزّت و قدرت، در سایه ی اسلام است. عزت و قدرت، در سایه ی همبستگی و همدلی اسلامی شما ملّت ایران است. عزّت و قدرت در سایه ی تقوا و تمسّک به قرآن است. عزّت و قدرت، در سایه ی نترسیدن از غیر خداست. اینها را اگر ما رعایت کردیم، دیگران باشند یا نباشند؛ همراه ما باشند یا مقابل ما باشند، خدای متعال پشتیبان ما خواهد بود. و ما این راه را به فضل الهی ادامه خواهیم داد و میدانیم که خدای متعال با ماست و توجّهات ولی عصر أرواحنا فداه، إن شاء الله شامل حال شما ملّت است. (۳)

خدا را شکر که به الطاف پروردگار و به توجّهات حضرت ولی الله الاعظم، أرواحنا فداه، شما ملّت رشید، هشیار و آگاه، وحدت و یکپارچگی تان را حفظ کردید و بعد از این هم باید با همه ی دقّت و توان و ظرفیت بالای خودتان، بر توطئه ها فایق آیید و این یکپارچگی را حفظ کنید. (۴)

۱- پیام به کنگره عظیم حج، ۲۹/۱۰/۱۳۸۳.

۲- . سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۸/۴/۱۳۶۸

۳- . بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت سالروز ولادت رسول اکرم و امام جعفر صادق علیه السلام، ۲۴/۶/۱۳۷۱.

۴- . بیانات در خطبه های نماز عید سعید فطر، ۱۱/۱۲/۱۳۷۳.

بزرگترین وظیفه ی منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی، عملی، پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. (۱)

استقلال خواهی و عزّت طلبی

اینکه مردم در کشور اسلامی - حالا در کشور مسلمانِ ما - تلاششان این است که بر اداره ی کشور، بر پیشرفت امور کشور نظارت داشته باشند، تصمیم بگیرند، اقدام کنند، وارد میدان بشوند؛ و میدان را رها نمیکنند که دیگران بیایند و برای آنها تصمیم بگیرند؛ اجازه نمیدهند که امتداد خواست های استکباری و استعماری در داخل کشور سرنوشت آنها را معین بکند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را خوشحال میکنند. (۲)

هیهات که امت محمّد سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلّت بار و به اسارت غرب و شرق، تن در دهند. (۳)

دفاع از مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

من این قضیه ای را که اخیراً در کشور پیش آمد و قضیه ی دلخراشی بود؛ یعنی اهانت به ولی عصر أرواحنا فداه جلو می اندازم و درباره ی آن چند نکته ی لازم و مهم را عرض میکنم. بعد اگر وقتی ماند، برای بقیه ی مطالب باشد.

یک مطلب این است که اصل این قضیه، حقیقتاً قضیه ی تلخی بود. من باید عرض کنم این مطلب که در نشریه ای به امام عصر أرواحنا فداه اهانت شود، بنده را در مقابل ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خجالت زده کرد؛ بنده شرم زده شدم. من به خدای متعال عرض کردم: پروردگارا! اگر به خاطر این قضیه، قلب مقدّس ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از ما آزرده و رنجیده است، متضرّعانه از تو میخواهم که دل مبارک آن بزرگوار را از ما دوباره شاد کنی. در کشور امام زمان و در میان مردمی که عشّاق ولی عصر أرواحنا فداه هستند، چنین پدیده ای بسیار زشت و سنگین است. البتّه مردم، علمای اعلام و مسئولان کشور، هر کدام به فراخور مسئولیت و موقعیتی که داشتند، با این قضیه برخورد شایسته ای کردند؛ اعلام بیزاری و برائت نمودند. خیلی اوقات اتّفاق می افتد آن کسانی که میخواهند مقدّسات را در چشم

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۳- . پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۴/۴/۱۳۶۸.

مردم بشکنند و از ذهن مردم بیرون کننـد، از کارهای علی الظّاهر کوچک این طوری شـروع میکنند؛ برای اینکه عکس العمل مردم را بسنجند. اگر علما و مسئولان کشور، موضع گیری نمیکردند و اگر مردم ابراز نفرت و انزجار نمیکردند، احتمال داشت این قـدمِ اوّل به قـدم بعـدی برسـد و آن قـدم بعدی از این فاحش تر باشد و به همین ترتیب پیش برود. اینجا غیرت دینی مردم حقیقتاً بجا و به موقع عکس العمل نشان داد. خیلی ها در این قضایا بی طاقت میشونـد و احساسات دینی آنها خود را به شـکل بارزی نشان میدهـد؛ همچنان که در سرتاسـر کشور آن را ملاحظه کردیـد. بنـده به نوبه ی خودم از همه ی کسانی که در این مورد موضع گیری کردنـد، آحـاد مردم، علمای اعلام، بزرگان، مسـئولان کشور، رئیس جمهور محترم، رئیس محترم مجلس و رئیس محترم قوّه ی قضـائیه متشـکرم؛ این کـار لازم و خوب بود. آن کسـانی که میخواهنـد این کشور را از عقایـد و عواطفِ پاک و منطقی و نشان دهنـده ی عمق اعتقاد آنها دور کننـد، بایـد بدانند که کاری از پیش نخواهند برد. این مردم بیدارند. این مردم به اسـلام پایبندنـد. این مردم به عشق اهل بیت پایبندند. این مردم با این همه فداکاری ای که در راه اسـلام کردند، اجازه نخواهنـد داد در این کشور کسانی بخواهنـد بـا ابزارهـای فرهنگی و در میـدان فرهنگی، این طور به صـراحت با اسـلام مبارزه کنند. (۱)

فراهم نمودن فضای سالم فرهنگی و مهدوی

از مـدیران فرهنگی کشور توقّعم بیش از این است. من انتظـار دارم فضای کشور از لحاظ فرهنگی طوری نباشـد که کسـی این گستاخی و یا این غفلت را نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مرتکب شود. (۲)

خدمت و سربازی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

هرجـا هستیـد- چه در دانشـگاه و حوزه ی علمیه و مـدارس گوناگون و چه در بازار، کارخانه ها، پادگانها، روسـتاها و شـهرها احساس کنید که سـرباز وجود مقدّس ولی عصر أرواحنا فداه هستید. برای آن بزرگوار کار کنید و از خدای متعال هم توفیق و کمک بخواهید. (۳)

حفظ خود از تجمّلات دنیا

جمهوری اسلامی، امانتِ تاریخی انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و آرزوی

۱- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۹/۷/۱۳۷۸.

۲- . همان.

۳- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیـدار فرماندهانِ نواحی، پایگاهها و گردانهای بسـیج سراسـر کشور به مناسبت هفته بسیج، ۸/۹/۱۳۷۴.

همه ی اولیاء و ائمّه ی بزرگوار ماست که امروز تحقّق پیدا کرده است؛ و لو ناقص. کاملش هم، إن شاء الله، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیه الله فی الارضین، ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، ظاهر و آشکار خواهد شد. این، بارِ خیلی سنگین و محموله ی پرارزشی است. این را شما باید حفظ کنید و این میسّر نیست مگر با حفظ نفس. متاع دنیا، لذّت خیر، پول، ثروت و تجمّل دنیا- آن هم در حدودی که امثال من و شما ممکن است در زندگی خود داشته باشیم. (۱)

عدم دنباله روی از فرهنگ غربی

ما وقتی میگوییم منتظر امام زمان هستیم، بیشترین خصوصیتی که برای امام زمان ذکر میکنیم، این است که «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلًا»؛ نمیگوییم: «یملأ الله دیناً و صلاه و صوماً». بااینکه آن هم هست و قسط و عدل در چارچوب دین، بهترین و بیشترین تحقّق را پیدا میکند، لیکن معلوم میشود که این عدل، یک مصرعِ بلند درخواستهای انسان است و اگر این روشی که الآن بعضیها غافلانه دنبال میکنند و آن، الگو گرفتن از زندگی غربی است، رواج پیدا کند، روزبه روز این حالت بدتر خواهد شد. علاج این است که ما خودمان را از دنباله روی فرهنگ غربی در زمینه ی مسایل اقتصاد کاملًا خلاص کنیم و نجات ببخشیم. این طور نیست که اگر کشوری درآمد سرانه اش رقم بالایی است، معنایش این است که این درآمد سرانه به همه میرسد. شما الآن ببینید در آمارهایی که داده میشود، فرضاً میگویند در فلان کشور پیشرفته ی دنیا مثلًا امریکا یا کانادا درجه ی حرارت به چهل و دو درجه رسید و فلان قدر آدم کشته شدند. آیا در تهران اتّفاق می افتد که در چهل و دو درجه حرارت کسی کشته شود؟ یا مثلًا گفته میشود در فلان کشور سرما به پنج درجه، ده درجه زیر صفر رسید و فلان تعداد انسان یخ زدند. اینها چه کسانی هستند که از حرارت زیاد کشته میشوند و یا در زمستان یخ میزنند؟ آنهایی که در ساختمانهایی نشسته اند که با سرما و گرمای آن چنانی اداره میشود، یخ نمیزنند؛ آنها که سرپناه دارند که یخ نمیزنند و یا از گرما نمیمیرند. این معنایش آن است که طبقاتی در آنجا وجود دارند که زندگی بر آنها سخت است. (۲)

اینکه تصوّر شود چون دنیای سرمایه داری مبتنی بر لیبرال دمکراسی برایش مسئله ی عدالت، مسئله ی فرعی و درجه ی دو و ابزاری است و برای آنها مسئله ی نفع و سود و پول مسئله ی اصلی است،

۱- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۱۵/۱۰/۱۳۷۳.

۲- . بیانات در جلسه ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۴/۱۲/۱۳۷۷.

موجب نمیشود که ما از عدالت به معنای یک مسئله ی محوری و اصلی صرف نظر کنیم. ما در قالبهای اقتصادی و در کارکرد سیاست داخلی و خارجی مان، مسئله ی عدالت محور است. اسلام ما این است: اسلامِ معنویت، عقلانیت و عدالت. به اسم اسلام قانع نیستیم که اسلام لیبرال داشته باشیم تا ارزشهای غربی و ارزشهای امریکایی را ترویج کند و از روشهای آنها استفاده کند و با آنها در بخشهای مختلف همرنگ و همصدا شود و احیاناً دعای ندبه یی هم بخواند. ما اسلام متحجّرِ طالبانی را هم قبول نداریم. (۱)

ایستادگی در مقال غرب زده ها

این ملّت، ملّت انقلابی است. این کشور، کشور اسلام، کشور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و کشور اهل بیت علیهم السلام است. این کشور، کشور قرآن است. ریشه های ایمان در این کشور، خیلی عمیق است. سالها حرکت استکباری و استعماری، با همه ی مظاهر بی ایمانی که آورد و وارد این کشور کرد، نتوانست این ملّت را از دین و ایمانش جدا کند. کسانی که نگاهشان به دروازه های غرب و به خصوص آمریکاست، چه فکر میکنند؟! ببینند آنها چه اشاره میکنند؛ اینها همان را بگویند! اجازه بدهند کسانی که تقریباً همه ی این بیست سال را در مقابلِ انقلاب، در مقابلِ امام و در مقابل مردم ایستادند، حالا بیایند، میدان دار صحنه شوند. (۲)

حفظ انقلاب اسلامی و خدمت به آن

من میخواهم به شما جوانان عزیز، به شما پاسداران عزیز، به شما سازمانِ باعظمت و پرشکوه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به شما بسیجیها، به شما ارتشیهای مؤمن،دلسوز، ساخته و پرداخته انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، به شما جوانان قشرهای مختلف این کشور و به خانواده های گوناگون، از متوسّط ها، پایین تر از متوسّط ها و بالاتر از متوسّط ها، عرض کنم که عزیزان من! بارِ سنگینِ حفظِ این امانتِ الهی که امانت پیغمبران است، بر دوش شماست. جمهوری اسلامی، امانتِ تاریخی انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و آرزوی همه ی اولیاء و ائمّه ی بزرگوار ماست که امروز تحقّق پیدا کرده است؛ و لو ناقص. کاملش هم، إن شاء الله، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیه الله فی الارضین، ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، ظاهر و آشکار خواهد شد. (۳)

۱- . بیانات در دیدار مسوولان وزارت امورخارجه و روسای نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۲۵/۵/۱۳۸۳.

۲- . بیانات در دیدار جمعی از مدّاحان اهل بیت به مناسبت سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام، ۱۸/۶/۱۳۸۰.

۳- . بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، به مناسبت «روز پاسدار»، ۱۵/۱۰/۱۳۷۳.

برای ظهور مهـدی موعود ارواحنافداه زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسـلامی و حاکمیت قرآن و اسـلام است. همـان طور که عرض کردم، فرموده انـد: «والله لتمحّصنّ» و «والله لتغربلنّ» ؛ این تمحیص و این امتحـان بزرگ که مریـدان و شـیعیان ولی عصـر ارواحنافـداه با آن مواجه هسـتند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسـلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید. (۱)

شرکت در انتخابات مورد رضایت حضرت

من قبـل از انتخابات گفتم، الآن هم میگویم: هرکس که به خاطر تثبیت نظام و به خاطر انجام وظیفه، رأی در صـندوق انـداخته است و نام هرکسـی را که طبق تشخیص او درست بوده، روی آن ورقه نوشته است، پیش خدا مأجور است و امام زمان أرواحنا فـداه که این کشور و این ملّت در یـدِ قـدرت و قبضه ی اوست، مراقب این کشور و این ملّت است و به یکایک آحادی که در این کار بزرگ سـهیم شدند؛ پای صـندوق رأی رفتند، یا مردم را به پای صندوق رفتن تشویق کردند، یا کاری برای این مسئله انجام دادند، اجر خواهد داد و پیش خدای متعال از آنها تشکر خواهد شد. (۲)

اینکه مردم در کشور اسـلامی- حالا- در کشور مسـلمانِ مـا- تلاشـشان این است که بر اداره ی کشور، بر پیشـرفت امور کشور نظارت داشـته باشـند، تصـمیم بگیرنـد، اقـدام کننـد، وارد میـدان بشوند؛ و میدان را رها نمیکنند که دیگران بیایند و برای آنها تصـمیم بگیرند؛ اجازه نمیدهند که امتداد خواست های اسـتکباری و اسـتعماری در داخل کشور سـرنوشت آنها را معین بکند، امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف را خوشـحال میکننـد؛ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف ناظر است و میبینـد. انتخابات شما را امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دید. (۳)

مبارزه با خرافات و بدعتها در عرصه ی مهدویت

در همین قضـیه ی مهـدویت،...حقیقت را بایـد نشان داد. باید سـعی کنیم پیرایه ها، خرافه ها، ادّعاهای دروغین، کج فهمی ها، بدفهمی ها دخالت نکند. (۴)

مسئله ی دیگر، مبارزه ی با خرافات است. در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل دینی و اسلام ناب، باید با خرافات مبارزه کرد. کسانی دارند روزبه روز خرافات جدیدی را وارد جامعه ی ما میکنند.

۱- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۱/۱۲/۱۳۷۸.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان.۲۹/۶/۱۳۸۴.

۴- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

مبارزه ی با خرافات را باید جدّی بگیرید...امروز شما ببینید مدّعیان ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارتباط با غیب، با شکلهای مختلف در جامعه دارند کار میکنند... این خطرناک است. در مقابله ی با خرافات و آن چیزهایی که از دین نیست، شجاع باشید و بگویید. ملاحظه ی اینکه حالا ممکن است کسی بدش بیاید یا ممکن است چه بکند، نکنید. (۱)

دشمن شناسی

یک ملّت زنده و ملّتی که اهل پیشرفت است، از جمله کارهایی که در کنار سازندگی، در کنار پیشرفت علمی و در کنار کارهای بزرگ، حتماً باید از آن غفلت نکند، شناخت هدفهای دشمن در هر مرحله است. این خاصیت زنده بودن است. نمیشود ملّتی را فرض کرد که آرمانهای بزرگی داشته باشد و بخواهد کارهای بزرگی بکند؛ امّا دشمن نداشته باشد. (۲)

زمان شناسی

در همان زمانِ حرکت اباعبدالله علیه السّلام، کسانی بودند که اگر با آنها در باب این قضیه صحبت میشد که «اکنون وقت قیام است» و میفهمیدند که این کار، به دنبال خود مشکلات و دردسرهایی دارد، به تکالیف درجه ی دو میچسبیدند؛ کما اینکه دیدیم، عدّه ای همین کار را کردند. در میان آنهایی که با امام حسین علیه السّلام، حرکت نکردند و نرفتند، آدمهای مؤمن و متعهّد وجود داشت. این طور نبود که همه، اهل دنیا باشند. آن روز در بین سران و برگزیدگان دنیای اسلام، آدمهای مؤمن و کسانی که میخواستند طبق وظیفه عمل کنند، بودند؛ امّا تکلیف را نمیفهمیدند؛ وضعیت زمان را تشخیص نمیدادند. (۳)

گفتار سوّم. وظایف دولت منتظر

توجّه دائمی به آرمانهای انقلاب اسلامی(آرمان مهدویت)

آنچه ما تصوّر میکنیم که وظیفه ی ماست، وظیفه ی مجموعه ی مسئولان کشور است، وظیفه ی دولت جمهوری اسلامی است، این است که این سه مؤلّفه ی بزرگ را برای همه ی تصمیم گیری ها و

۱- . دیدار با روحانیون، ۱۷/۸/۱۳۸۵.

۲- . خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۶/۹/۱۳۷۸.

۳- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار علما و روحانیان، ۷/۵/۱۳۷۱.

همه ی اقدامها در نظر داشته باشد: مؤلّفه ی اوّل عبارت است از: آرمانها و اهداف نظام جمهوری اسلامی، که این اهداف و آرمانها مطلقاً نبایستی از نظر دور بشود. (۱)

زمینه سازی برای ظهور

با تلاش مسئولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم به قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه مدّت نیست، امّا همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که إن شاء الله زمینه های ظهور مهدی موعود صلوات الله علیه و عجّل الله فرجه را فراهم خواهد کرد. (۲)

ما آن وقتی میتوانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود ارواحنافداه زمینه باید آماده بشود. (۳)

حرکت به سوی ساختن دولت کریمه

دولت باید دولت کریمه باشد. معنای «اللهم انّا نرغب الیک فی دوله کریمه»این است که پروردگارا! ما دستهای خود را بلند و دلهایمان را به سوی تو عرضه میکنیم و از تو دولت کریمه را میخواهیم. این دولت کریمه شرایطی دارد. البتّه ما از اوّل انقلاب تا کنون همواره خواسته ایم دولتها را دولت کریمه بنامیم. یکی از آرزوهای ما این است و بنده آن را دوست میدارم. شما هم دولت عزیز و دولت انقلابید؛ امّا حقیقت قضیه این است که دولت کریمه شرایطی دارد. دولت کریمه، دولتی است که عزیز و سربلند و دارای اعتقاد راسخ به آن راهی است که قانون اساسی و وظایف و سیاستهای نظام در مقابل او گذاشته است. نفوذناپذیر است و متاع خودش را به خاطر سبک کردن دیگران سبک نمی بیند؛ همان نکته ای که امام صادق علیه السلام - قریب به این مضمون - به شیعه ی خود فرمودند که اگر گوهری در دست تو باشد و همه ی دنیا بگویند: این خزف است، آیا عقیده ی تو برمی گردد و احساس حقارت میکنی؟ گفت: نه؛ گفتند: پس گوهرت را نگه دار. دولت کریمه دارای پیام است و برای دنیا حرف نو دارد. ما این حرف نو را داریم. امروز مردم سالاری دینی ای که ما در کشور خود مطرح میکنیم، یک حرف نو است؛ نه فقط به خاطر اینکه ما شاخه ای از مردم سالاری را ارائه

۱- . بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/۶/۱۳۹۲.

۲- . بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

۳- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

میدهیم؛ نخیر، ما در واقع در مردم سالاریهای دنیا شبهه میکنیم. (۱)

إن شاء الله این دولت، مصداقی باشد برای همان دولت کریمه ای که در دعای «افتتاح» میخوانیم و از خدای متعال آن را درخواست میکنیم. (۲)

ساخت تمدّن نوین اسلامی

ملّت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی با کمک های معنوی غیبی و با ادعیه ی زاکیه و هدایت های معنوی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدّن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدّن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده ی قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند. (۳)

آرمان نظام جمهوری اسلامی را میشود در جمله ی کوتاهِ ایجاد تمدّن اسلامی خلاصه کرد. تمدّن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادّی میتواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزّتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدّن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است. (۴)

ایجاد الگوی حیات طیبه ی اسلامی

ببینید برادران و خواهران عزیز! شماها مسئولین و کارگزاران این نظامید. نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این نظام، یا جمعی از نخبگان، اینجا جمع هستید؛ عمده ی مسئولین کشور الان اینجا جمع هستند. من و شما چرا در این نظام مشغول کار شدیم؟ آیا ما از اوّل به دنبال این بودیم که حکومتی تشکیل شود، دولتی به وجود بیاید، ما بشویم رئیس دولت، مسئول دولت، وزیر دولت، وکیل دولت؟ مگر مقصود این بوده؟ نه. اگر مقصود این باشد، باید عرض کنم زحماتی که هر کدام از ما میکشیم - اگر با این نیت باشد - همه اش «هباءً منثورا» است؛ بی ارزش است؛ پیش خدای

۱- . بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۵/۶/۱۳۸۰.

۲- . بیانات در دیدار هیئت دولت در آغاز کار دوره ی دوّم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۳/۶/۱۳۷۲.

۳- . بیانات در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، ۲۹/۵/۱۳۷۶.

۴- . بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/۶/۱۳۹۲.

متعال اجری نـدارد؛ با زوال عمر زائل میشود، بلکه با زوال مـدت مسـئولیت زائل میشود. ما فرقمان با بقیه ی گروه هایی که در کشورهای مختلف می آینـد یک رژیمی را تغییر میدهنـد، بر سـر کار می آینـد و قـدرت را به دست میگیرند، این است که ما آمـدیم برای اینکه یـک جـامعه ی اسـلامی به وجود بیـاوریم؛ مـا آمـدیم تـا حیـات طیبه ی اسـلامی را برای کشورمـان و برای مردممان بازْتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم. و اگر بخواهیم با یک نگاه وسـیعتر نگاه کنیم، چون بازتولیدِ حیات طیبه ی اسلامی در کشور ما میتوانـد و میتوانست و میتوانـد همچنان الگویی برای دنیای اسـلام شود، در واقع آمدیم برای اینکه دنیای اسـلام را متوجّه به این حقیقت و این شـجره ی طیبه بکنیم؛ ما برای این آمـدیم. هدف، جز این چیز دیگری نبود، الان هم هدف جز این چیز دیگری نیست. (۱)

انقلاب اسـلامی به وجود آمد تا به ملّت ایران، حیات طیبه بدهد. حیات طیبه، یعنی آن چیزی که قرآن میفرماید: «فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیاةً طَیِّبه». این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است. حیات طیبه، یعنی یک ملّت، هم از لحاظ مادّی، زندگی روزمرّه، رفاه، امنیت، دانش، سواد، عزّت سیاسـی، اسـتقلال اقتصـادی، رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشـد و هم از جهت معنوی، انسانهای مؤمن، خداشناس، پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیبه است. (۲)

مسـئولان بایـد به وظایف خودشان عمل کنند؛ نیازهای مردم را بفهمند، درک کنند و تأمین کنند. مشـکلاتی که امروز در بین مردم وجـود دارد - محرومیتهـا، نابسامانیهـا، تبعیضــها و بیکاریهـا کـه تـذکر مشـفقانه ی مـا بـه مسـئولان دائماً دربـاره ی این چیزهاست - موانع راهند. برطرف کردن اینها هدف نیست؛ برطرف کردن اینها برای رسیدن به هدف لازم است. هدف عبارت است از ساختن کشوری که بتوانـد در دنیا الگو باشد؛ «لِتَکُونُوا شُـهَداءَ عَلَی النَّاس». آن چنان بالا قرار گیرید که بتوانید ناظر بر همه ی عالم باشید؛ بر همه ی روشها، بر همه ی تمدّنها و مدنیتها. (۳)

کارآمد نشان دادن دولت با ایجاد سبک زندگی اسلامی

مـا یـک انقلاب اسـلامی داشتیم، بعـد نظام اسـلامی تشـکیل دادیم، مرحله ی بعـد تشـکیل دولت اسـلامی است، مرحله ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله ی بعد تشکیل تمدّن بین الملل اسلامی است. ما امروز در

۱- . بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام، ۱۹/۶/۱۳۸۷.

۲- . بیانات در دیدار مردم ساری، ۲۲/۷/۱۳۷۴.

۳- . بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش آموزان، ۱۱/۸/۱۳۷۹.

مرحله ی دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما- یعنی مسئولان قوّه ی مجریه، قوّه ی قضائیه، قوّه ی مقنّنه، که مجموع اینها دولت اسلامی است- سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارد؛ امّا کافی نیست؛ اوّلش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز لُنگ می بستند و راه میرفتند، امروز هم لُنگ ببندیم و راه برویم؛ نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی- یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاک دامنی، بی پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدتِ در راه خدا- را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساسِ کار ماست. و به شما عرض کنم، در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم به قدم تحوّل درونی خود را جدّی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزشها و اصولِ خود عملًا نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد. (۱)

تلاش برای اقامه ی عدالت مهدوی در همه ی سطوح

در جمهوری اسلامی، عدل یک پیام شخصی نیست؛ بلکه یک نظام اجتماعی است. این طور نیست که هرکس فقط در محیط خود، عادلانه رفتار کند. این کافی نیست. عدل معنایش این است که باید جامعه، قائم به قسط باشد. «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْط» قانون، عادلانه؛ اجرا، عادلانه؛ نظارت، عادلانه؛ قضاوت، عادلانه؛ تقسیم، عادلانه. این، خصوصیتی است که برای جمهوری اسلامی ارزش محسوب میشود. ما اگر از لحاظ مادی و سازندگی به کشورهای پیشرفته ی دنیا هم برسیم، کافی نیست. امروز کسانی که سرشان در حسابهای مادّی و محاسباتی و از این قبیل است، تا صحبت میشود، میگویند: ما میخواهیم خودمان را مثل فلان کشور بسازیم. البتّه هرکس هم، سلیقه و نظری برای خودش دارد. اگر ما ایران را مثل کشورهای برخوردار مادّی ساختیم، امّا از عدالت خبری نبود، این هیچ ارزش ندارد. پیام اسلام، اقامه ی عدل است. قیام اسلامی در ایران، برای اقامه ی عدل بود. پیغمبران که آمدند، برای اقامه ی عدل و قسط آمدند. بشریت که با عطش تمام منتظر امام زمان عجّل الله تعالی فرجه تعالی فرجه الشریف است و میخواهد مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید و چشم انتظار آن

۱- . بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۶/۸/۱۳۸۳.

حضـرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند. این است آن پیامی که انقلاب اسلامی برای دنیا دارد و خودش هم متعهّـد و متکفّـل آن است. اصـل قضـیه این است که اگر مـا کم داشـته باشـیم؛ امّـا عادلانه عمل کنیم، به مراتب ترجیح دارد بر اینکه زیاد داشته باشیم و غیر عادلانه عمل کنیم. (۱)

مظهر عـدل پروردگـار، امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف است و میـدانیم که بزرگـترین خصوصـیت امـام زمـان علیه الصّلاهوالسّـلام - که در دعاها، زیارات و روایات آمده است - عدالت میباشد: «یملأ الله به الارض قسطا و عدلا». ما باید امروز جـامعه را جـامعه ی عـدالت بکنیم. در بنـای یـک جـامعه، عـدالت از همه چیز مهمتر است. عـدالت، به معنای عـدم تبعیض در حقوق، حـدود و احکـام است. عـدالت؛ یعنی کمـک به مردم محروم و ضـعیف. عـدالت، یعنی اینکه برنـامه ها و حرکت کلّی کشـور، در جهت تـأمین زنـدگی مستضـعفان باشـد. عـدالت، به معنـای این است که کسـانی که در زیر سـایه ی سـنگین نظـام طـاغوتی، از حقوق خود محروم ماندنـد، به حقوقشان برسـند. عـدالت؛ یعنی اینکه عـدّه ی خاصـی برای خودشان حق ویژه ای قایل نباشند. عدالت؛ یعنی اینکه حقوق انسانی، اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصـحیح و مبتنی بر عقلهای مادّی و منحرف از معنویت، توانستند به چیزهایی که حقّ آنها نبوده است، دست پیـدا کننـد، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه ی کار خود پیـدا نکننـد، عـدالت تحقّق پیـدا کرده است. البتّه، کمـک به مظلومـان و محرومان، شامل کمکهای فردی هم میشود، امّا قضـیه بالاتر از اینهاست؛ زیرا تحقّق زنـدگی عادلانـه به این است که کمـک نظـام و تشـکیلات و حرکت آن، در جهت کمـک به مستضـعفان باشـد. ما اگر در این جهت، زندگی خود را پیش برديم و حرکت کردیم، مطمئناً خدای متعال کمک خواهد کرد و قدرتهای مادّی نخواهند توانست با این ترفندها و فریبها، ملّت ما را از راه پُرافتخار خود منصرف کنند و مقاومتش را بگیرند. ان شاءالله روزبه روز مقاومت مردم بیشتر خواهد شد. (۲)

تلاش ما حکومت حقّ و عدل است؛ تلاش برای ایجاد عدالت است. شاید در اسلام در مورد مسایل اجتماعی، هیچ چیز به قدر عدالت، مورد توجّه قرار نگرفته است. شما ببینید در مورد ظهور حضرت

۱- . بیانات در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۷/۱۰/۱۳۷۱.

۲- . بیانـات در دیـدار بـا جمعی از مسؤولاـن و خـانواده هـای معظّم شـهدا، در سـالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

بقیه الله الاعظم ارواحنـا فـداه و عجّل الله فرجه، در بیشتر روایات و ادعیه و زیاراتی که درباره ی آن بزرگوار است و اسـمی از آن بزرگوار است، به دنبال مسئله ی ظهور و قیام آن حضرت، «یملأ الله الارض قسطاً و عدلًا» هست. خدا به وسیله ی او، زمین را پر از قسـط و عـدل میکنـد؛ البتّه خـدا به وسـیله ی امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف زمین را از دین خودش هم پُر میکنـد؛ امّا آن چیزی که در دعا و زیارت و روایت گفته میشود، «یملأ الارض به الـدّین، دین الحق» نیست- مگر در بعضـی از جاهـا که تعبیراتی هست- متعلّق «یملأ»، قسط و عـدل، عـدالت، دادگری و انصاف است. چرا؟ چون بشـر بیشتر از همه چیز، از ظلـم و بیـدادگری رنـج میبرد. این حکـومت در راه عـدالت حرکت کرده و در راه عـدالت هم حرکت میکنـد؛ قـوامش هم به عدالت است. (۱)

حکومت الهی حضـرت بقیه الله ارواحنافـداه حکومتی است که در آن مقرّرات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قـدرت هـای زورگوی شـرق و غرب نیست، بلکه حکومت عـدالت، مواسات و مساوات، حکومت معنویت و فضـیلت است و امروز هر کسـی که برای عـدالت، در راه دین وخـدمت به محرومان حرکت میکنـد، بایـد خوشـحال و امیدوار باشد؛ زیرا آینده متعلّق به اوست. (۲)

نظام اسـلامی، نظام عدالت است. شما که آرزومند و مشتاق ظهور خورشید مهدویت در آخرالزّمان هستید و الآن حدود هزار و دویست سال است که ملّت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود عجّل الله تعالی فرجه الشریف و جعلناالله فداه است، چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر میکنید؟ «الّذی یملأ الله به الارض قسطاً و عدلًا». نمیگویید که «یملأ الله به الأرض دیناً». این، نکته ی خیلی مهمّی است. چرا به این نکته توجّه نمیکنیم؟ اگرچه قسط و عـدل متعلّق به دین است، امّا هزار سال است که امّت اسـلامی برای قسط و عـدل دعا میکنـد. این نظام اسـلامی به وجود آمـده است؛ اوّلین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عـدل، واجب ترین کارهاست. ما رفاه را هم برای قسط و عدل میخواهیم. کارهای گوناگون مبارزه، جنگ، سازندگی، توسـعه را برای قسط و عـدل میخواهیم؛ برای اینکه در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه اسـتفاده کنند و عدّه ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسانها میتوانند رشد کنند، به مقامات عالی بشـری برسـند و کمال انسانی خودشان را به دست آورند. قسط و عدل، یک مقدّمه ی

۱- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۱۲/۱۱/۱۳۷۵.

۲- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب ، ۲۸/۱۰/۱۳۷۳.

واجب برای کمال نهایی انسان است. چطور میشود به این قضیه بی اعتنایی کرد؟ دنیا انصافاً دنیایی است که به قسط و عدل بی اعتناست. ما در این زمینه بایـد بگوییم که به عنوان یک حکومت، در دنیا خیلی تنهاییم. به این شعارهایی که در دنیا میدهنـد، نگاه کنید! اساس حکومتهای دنیا، اساس عدل و رعایت حقوق انسانها و رعایت ضعفا و محرومان نیست. (۱)

هدف بزرگ پیامبران و هدف قیام ولی عصر عجّل الله تعالی فرجه الشّریف تأمین عدالت اجتماعی است. اوّلین ارزش در نظام ما از لحاظ عملی، بایـد تأمین عـدالت اجتماعی باشـد. این مهم بایـد در تمام برنامه ریزیها و عملها و امثال آن، مورد توجّه قرار گیرد. (۲)

بنای قوام اساسـی دعوت، حکومت و نهضت انبیاء، بر عـدل است. «لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ عـدالت، همه چیز است. شـما هم که آرزوی قیامِ حکومتِ عادله ی حجّت الهی ارواحنافـداه را دارید، تکرارتان در دعا و زیارت این است که: «یملاء الله به الارض قسطاً و عـدلا». در درجه ی بعـد میگوییم که دین خـدا را هم اشـاعه دهـد...پس، دلیـل این است که اساس و محور و نقطه ی مرکزی توجّه در نظام اسلامی، عدالت است. این برای ما تکلیف درست میکند. (۳)

فلسفه ی وجود من و امثال من در اینجا - که بنده یک طلبه هستم - این است که ما بتوانیم عدالت را اجرا کنیم و لاغیر. دعایی که شـما برای آمـدن امام زمانتان میکنیـد - که اعزّ همه ی خلایق عنـدالله و عند عباده الصّالحین است - این است که میگوییم: «یملاالله به الارض عدلاً و قسطا» نمیگویید دیناً و خلقاً. بشر تشنه ی عدالت و دنبال عدالت است. (۴)

عدالت خطّ قرمز همه ی سیاستها و فعّالیتها

بدیهی است که در یک نظام اسـلامی و دینی، همه ی مردم بایستی به سمت دینداری، خداپرستی، عبادت خدا و اخلاق حسنه پیش برونـد - شـکی نیست - لیکن این موضوع در آثـار اسـلامی، کمتر از موضوع «عـدالت» مورد تأکیـد قرارگرفته است. در قرآن، وقتی که میفرمایـد مـا پیـامبران را فرسـتادیم، متعـاقبش می گویـد: «یَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْـطِ» هـدف،قسـط است. قسط یعنی زندگی عادلانه. فرستادن

۱- . بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی، ۲۵/۴/۱۳۷۶.

۲- . سـخنرانی در دیـدار بـا مسئولان و کـارگزاران نظـام جمهوری اسـلامی در آسـتانه ی یـازدهمین سـالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۹/۱۱/۱۳۶۸

۳- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار مسئولین قضایی و قضات کشور، ۶/۴/۱۳۷۳.

۴- . بیانات در دیدار مسؤولان دستگاه قضایی کشور و خانواده های شهدای هفتم تیر، ۷/۴/۱۳۷۷.

پیامبر، مبدأ کار است. خدا قضیه را این گونه شروع کرده است: «لیقوم النّاس بالقسط»؛ ولی منتها هم این گونه است که خدا، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را میفرستد، تا «یملأ الله الارض به قسطاً و عدلاً بعد ما [تبدیل به کما]ملأت ظلماً و جوراً». بنابراین، منتها هم قسط و عدل است. البتّه رونق و شکوفایی اقتصادی و مسایلی از این قبیل، همه اش چیزهای خوبی است و کسی مخالف اینها نیست؛ اما به شرطی که آن هدف اصلی در میان اینها گم نشود. (۱)

اساس اداره ی تشکیلات کشور نیز همین است که بارها تکرار شده: عدالت اجتماعی. در تمام آثار دینی که شما نگاه میکنید، هدف و غایت برای حرکت جامعه ی اسلامی، تشکیل جامعه ی عادله است. راجع به امام زمان این همه اثر هست و در اغلبِ اینها گفته میشود که آن بزرگوار تشریف بیاورند تا اینکه جهان را پر از عدل کنند. بیش از آنچه که گفته شده «پُر از دین حق کنند» گفته شده «پر از عدالت کنند»؛ یعنی آنچه که در درجه ی اوّل مطرح است، «عدالت» است که باید انجام گیرد. (۲)

ترویج مهدویت در داخل و خارج از کشور

در مجلس ما جمعی از عناصر فرهنگی، رایزنان فرهنگی، جمعی از مدیران آموزش و پرورش، جمعی از جوانان زبده و برجسته ی سازمان جوانان، جمعی از مجموعه های مرتبط با مهدویت حضور دارند. آنچه را که من به این مناسبت در این جمع فرهنگی آگاه و هوشیار به شما برادران و خواهران میخواهم عرض بکنم، این است که ما عقاید اسلامیمان، به خصوص عقاید شیعی، جزو پاکیزه ترین، منطقی ترین و مستحکمترین عقاید است...این عقاید را بایستی اوّلا درست فهمید، ثانیاً آنها را با تدبّر و تأمّل عمق بخشید، ثالثاً آنها را به درستی منتقل کرد...مجموعه های فرهنگی مرتبط با ملّتهای دیگر و شاغل در خارج کشور یا مرتبط با آنها، مهم ترین کارشان این است که این حقایق را بتوانند با شیوه های مختلف در مقابل چشم و نظر خواهندگان و جویندگان قرار بدهند؛ همین قدر که آنها مطّلع بشوند. در همین قضیه ی مهدویت، آن کسانی از اهل سنّت یا حتّی از علمای غیر مسلمان که به عقاید شیعه در باب مهدویت توجّه کردند و از آن اطّلاع پیدا کردند، تصدیق کردند که بشارت هایی که در تورات و انجیل و ادیان دیگر هست، همه منطبق با همین

۱- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار وزیر تعاون، به اتّفاق معاونین و مسؤولان بخشهای تعاون، ۲۱/۲/۱۳۷۷.

۲- . بیانات در دیدار هیئت دولت در آغاز کار دوره ی دوّم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۳/۶/۱۳۷۲.

مهدویتی است که در شیعه وجود دارد. این را اعتراف میکنند. آن کسی که عقیده ی شیعه را نمیداند، یا شکل تحریف شده ی آن به او رسیده، خوب، بدیهی است که یک چنین قضاوتی نمیتواند بکند. شکل درست عقیده را باید منتقل کرد. (۱)

ایجاد فضای فرهنگی مناسب با مهدویت

من از مدیران فرهنگی کشور توقّعم بیش از این است. من انتظار دارم فضای کشور از لحاظ فرهنگی طوری نباشد که کسی این گستاخی و یا این غفلت را نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مرتکب شود. شما نگاه کنید ببینید، هر جمعه در سرتاسر کشور چند صد هزار نفر و یا چند میلیون نفر از مردم دعای ندبه میخوانند؛ جوانان اشک میریزند. شما ببینید نیمه ی شعبان مردم چه میکنند! عیبی در یک جای کار هست که در فضای فرهنگی کشور کسی یا جرأت کند یا غفلت کند که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و به این اعتقاد به این اهمیت، این گونه اهانت کند. من از کسانی که الآن مسئولان رسمی امور فرهنگی هستند، توقّع و خواستم این است که به طور جدّی تجدید نظر کنند و ببینند عیب کارشان کجاست. (۲)

تربیت انسانهای صالح

حقیقتاً این واقعیتی است که برای یک انقلاب، انسان سازی از همه چیز مهمتر است. اگر انقلاب، انسان سازی نکند، هیچ کاری نکرده است. اگر کسی فکر بکند، دلیل این معنا واضح است. یعنی این حرف، واقعاً استدلال نمیخواهد؛ چون دنیا بدون انسان صالح، یک پدیده ی بی جان و کور و تاریک است. آن چیزی که به عالم خاکی جان میبخشد، ارزش میدهد، نور میدهد و معنا و مضمون به وجود می آورد، انسان است. «إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْض» جانشین، عنوانی است که خدا به انسان داده است. این جانشین را کجا گذاشته اند؟ «فی الارض». ارض بدون این جانشین، چیست و چه ارزشی دارد؟

تمام پیامبران و عبادالله الصّالحین، همّشان این بوده که انسان صالح را در این زمین به وجود بیاورند، حفظ کنند، رشد بدهند و تکثیر نمایند. هدف اسلام هم این است. اینکه شما دیدید، امام در بیانیه یی در چند سال قبل فرمودند، فتح الفتوح انقلاب اسلامی، ساختن جوانانی از این قبیل است،

۱- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۲- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۹/۷/۱۳۷۸.

یک حرف نبود که همین طور بر قلم امام جاری شده باشد. این، یک مبنای اسلامی و الهی بسیار مستحکم دارد. واقعاً فتح الفتوح؛ یعنی ساختن انسان صالح.

این بدبختیهایی که شما می بینید روی زمین را فرا گرفته است و در زیارتها و آثار مربوط به ولی عصر ارواحنالتراب مقدمه الفداء آمده است: «کما ملئت ظلما و جورا» ؛ زمین در تمام دوره های تاریخ، پُر از ظلم و جور شده است و میشود و آن بزرگوار می آید، همه ی زمین را از قسط و عدل پُر میکند، این ظلم و جور روی زمین، بر اثر چیست؟ بر اثر نبود یا کمبود انسان صالح، بر اثر سروری و خدایگانی انسانهای ناصالح....انقلاب ما آمد، تا انسان صالح تربیت کند. نقش انسان صالح، این است. برادران عزیز من! آن چیزی که این انقلاب را تا امروز نگه داشته است، عبارت از صلاح انسانهاست؛ همان مقدار مایه ی صلاحی که ما ملّت داریم. در حقّ ملّتمان هم مبالغه نمیکنیم. امروز صلاح غلبه دارد و پرچم را به دست گرفته و حاکم است و حرکت به سمت صلاح، برنامه ریزی شده است. البتّه تا صلاح مطلق هم فاصله ی بسی طولانی است. (۱)

بالابردن توان علمی و عملی کشور

اتّکا به خدای متعال و اعتقاد به نگاه رئوفانه و پدرانه ی حضرت بقیهالله (ارواحنافداه) به ملّت، این تأثیر بزرگ را در زندگی ما و در رفتار ما دارد که ما را با قوّت قلب در مقابل امواج گوناگون وادار به استقامت میکند. نمیتوانند ملّت ایران را شکست بدهند. به توفیق الهی، مسئولان کشور، دولتمردان مؤمن و صبور، با پیگیری و تلاش باید بتوانند یکی پس از دیگری مشکلات این ملّت را حل کنند؛ باید بتوانند سطح علمی و عملی این کشور را آن چنان بالا ببرند که به کلّی طمع دشمنان از این ملّت و از این کشور قطع بشود. (۲)

پیروی از خط امام خمینی قدس سره

ملّت عزیز و برادران و خواهران من در سراسر این کشور، از مراسم سالگرد این استفاده را بکنند و این بهره را ببرند و این فرصت را مغتنم بشمارند که تعالیم امام را در ذهن خود مرور کنند و به یاد آورند. هرکس در هرجا که هست- چه مسئولان کشور و متصدّیان و مدیران بخشهای اجرایی و چه نمایندگان مردم و چه مسئولان قضایی و چه آحاد ملّت- اینها را دستورالعمل خود قرار دهد. اگر این

۱- . بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته های انقلاب اسلامی، ۱۰/۱۰/۱۳۶۹.

۲- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

کار شد، آن وقت قلب مقدّس ولی عصر أرواحنا فداه، إن شاء الله از این ملّت راضی خواهد شد و برکات الهی بر شما نازل خواهد گردید که خدای متعال در قرآن فرموده است: «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْض». خداوند به برکت این راه، به برکت تقوا و به برکت ادامه ی حرکتی که امام بزرگوار در این کشور آغاز کرد، ابواب برکات را بر این مردم خواهد گشود. (۱)

محوریت دین در قانون گذاری و اجرا

باید تمام قوانین ما، مقرّرات مملکتی، ادارات دولتی، نهادهای اجرایی و همه و همه، از لحاظ ظاهر و از لحاظ محتوا، اسلامی بشود و به اسلامی شدن روز به روز نزدیکتر بشود. این جهتی است که انتظار ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما و به حرکت ما میدهد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - در دعای ندبه میخوانید که - در مقابل فسوق، عدوان، طغیان، نفاق مقابله میکند و نفاق، طغیان، عصیان، شقاق دو دستگی را ریشه کن میکند و ازاله میکند. ما هم باید در جامعه ی مان، امروز در آن جهت حرکت کنیم و پیش برویم. (۲)

اگر در نظام اسلامی و در جمهوری اسلامی که به نام حکومت علوی خود را معرّفی میکند، اقامه ی دین خدا هدف نباشد؛ مردم به دین خدا عمل بکنند یا نکنند؛ اعتقاد داشته باشند یا نداشته باشند؛ اقامه ی حقّ الهی بشود یا نشود و بگوییم به ما چه ربطی دارد- اگر این طور باشد- این حکومت علوی نیست. اقامه ی دین الهی، اوّلین شاخصه است. (۳)

مبارزه با فساد و ثروت اندوزی در بدنه ی دولت

قانون دانهای قانون شکن، خطرناك تر از همه اند؛ کسانی که قانون را خوب بلدند، پیچ وخمها و دالانهای تودرتوی قانون را خوب می شناسند، امّا خودشان قانون شکنند؛ بدون اینکه معلوم شود کارشان قانون شکنی است. اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملّت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است. این چیزی است که با نظام اسلامی و با انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف کاملاً منافات دارد. این حدّی است که من از مسئولان خواسته ام. به مسئولان بارها گفته ام، تأکید هم کرده ام، بازهم

۱- . بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۶/۳/۱۳۷۵.

۲- . در مکتب جمعه، ج ۲،ص ۲۰۳.

۳- . بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۳۰/۶/۱۳۸۱.

میگویم و پای این مطلب ایستاده ام: باید با فساد در دستگاه های دولتی و دیگر دستگاه های حکومتی مبارزه شود. متعهّدِ این مبارزه، خودِ مسئولان قوای مختلف هستند. در درجه ی اوّل، برای جلوگیری از فساد در دولت، خودِ مسئولان دولتی، خودِ وزرا و خودِ مدیران ارشد مسئولند. نگذارند در مجموعه های آنها فساد به وجود آید. اگر آنها بخواهند مبارزه کنند و اگر این مبارزه را جدّی بگیرند، بهتر از هرکس خواهند توانست مبارزه کنند. البتّه باید حواسشان جمع باشد که دامنهای خود را پاکیزه نگهدارند.

این را همه بدانند: کسی که خودش آلوده به فساد باشد، قادر نخواهد بود با فساد مبارزه کند. خودِ مسئولان باید با هشیاری و دقّت، با این پدیده مبارزه کنند. اگر خدای نکرده مدیران در مقابله با فساد در دستگاه های خود کوتاه بیایند، ناگزیر باید قوّه ی قضائیه وارد میدان شود. دستگاه قضایی هم باید بی اغماض و بدون ملاحظه، هرجا فساد و یا عملی را برخلاف قانون و در جهت سوءِاستفاده ملاحظه کرد، با آن مقابله کند... در نظام اسلامی که مظهر کامل آن، حکومت حضرت بقیه الله أرواحنا فداه است، فریب و حیله گری برای جلب آراء مردم، خودش جرم است؛ استفاده از قدرت برای به دست آوردن پول، یکی از بزرگترین جرائم است. آنجا یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موظّفند در سطوح پایین زندگی کنند. نظام اسلامی ما پرتو کوچکی از آن حقیقت درخشان است. ما هرگز این ادّعا را نکردیم و نمیکنیم؛ امّا باید نشانه ای از او داشته باشیم... در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاه های مختلف و مدیریتها و امضاءها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یک گناه نگاه کنند. اگر این طور شد، آن گاه دستها و دامنها پاک خواهد ماند؛ و الّا اگر مسئولی که فلان تجارت خارجی و فلان مناقصه ی بزرگ در اختیار اوست؛ فلان پروژه ی مهم و پُرخرج زیر امضای اوست و فلان صندوق پول زیر کلید اوست، به خودش اجازه دهد برای منافع شخصی و جمع آوری ثروت برای خود یا نزدیکانش، از این امکان- که متعلّق به کشور و مردم است- استفاده کند، همان چیزی اتّفاق خواهد افتاد که در کشورهای دچار سیستمهای ظالمانه در گذشته و امروز در دنیا اتّفاق افتاده است؛ یعنی ثروت در یک نقطه متمرکز خواهد شد و جمع کثیری دچار محرومیت و فقر خواهند گردید. این تبعیض است؛ این چیزی است که اسلام برای مبارزه با آن آمده است. ما هم که مدّعی اسلام هستیم، باید با آن مبارزه کنیم. (۱)

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

مطلب سوّم. جوان و انتظار

گفتار اوّل. توجّه روزافزون جوانان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

روز به روز انسان احساس میکند در دل جوانان، در میان آحاد مردم، شوق و عشق و ارادت و تذکّر نسبت به وجود مقدّس حضرت حجّت سلام الله علیه علیه بیشتر میشود. این هم از برکات خود آن بزرگوار است. نگاه آن بزرگوار، نظره ی رحیمه ی آن بزرگوار به ملّت ما، دلهای آنها را متوجّه آن حقیقت تابناک کرده است. خودِ این، نشانه ی توجّه آن بزرگوار است. این را باید قدر دانست. (۱)

گفتار دوّم. رابطه ی دوطرفه ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و جوان

این بزرگوار، در فضای ذهنی و معنوی جامعه ی ما، حضور دارد و جوانان مؤمن و با اخلاص نیز با آن حضرت، قلباً در ارتباط هستند. این ارتباط، به معنای حقیقی کلمه، دوجانبه است. (۲)

خدای متعال توفیق دهد که ما سربازان آن بزرگوار، متوسّل و متذکرِ آن بزرگوار باشیم و انس و رابطه ی قلبی و روحی با آن بزرگوار برقرار کنیم. اگر شما از این طرف انس داشتید، از آن طرف هم جلب توجّه، جلب تذکر و جلب لطف و محبت خواهد شد. امیدواریم إن شاء الله همه ی مشکلات، همه ی موانع و همه ی سختیها و رنجها، به برکت این ارتباط طرفینی، با فضل الهی و با دست قدرت پروردگار از بین برود. (۳)

گفتار سوّم. انتظار عامل نشاط جوان و رهایی از پوچی

این نور امید است که جوانها را به انگیزه، حرکت و نشاط وادار میکند و از دل مردگی و افسردگی آنها جلوگیری میکند و روح پویایی را در جامعه زنده میکند. این، نتیجه انتظار فرج است. (۴)

این ظلم عظیم مسلّط بر عالم، این سلطه های ناحق، این زورگویی به ملّتها در سطح جهان، این ریختن خونهای به ناحق، این پایمال کردن شریفترین و عزیزترین ارزشهای انسانی، این دروغها و تزویرهایی که سردمداران استکبار جهانی هر روز تحویل بشریت میدهند، این همه بدی، این همه

۱- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۲- . بیانات رهبر معظّم انقلاب ، ۸/۱۰/۱۳۷۵.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۴- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

استثمار و ظلم، انسانی را که چشمه ی امیدی در دل نداشته باشد، به طور طبیعی مأیوس میکند؛ لذاست که شما می بینید نسل جوان در کشورهای غربی، به سوی پوچی کشانده میشوند. نسل جوانی که به سنّتها خو نگرفته است و خود را پایبند سنّتها نکرده است، وقتی که این نابسامانی محیط زندگی بشریت را میبیند، ناامید میشود؛ لذا به سمت پوچی کشیده میشود. بسیاری از دختران و پسران در کشورهای غربی، به سمت بیهودگی و بی اعتنایی به مظاهر زندگی و پوچی و غرقه شدن در شهواتِ آنی کشیده میشوند؛ این بر اثر یأس است؛ بسیاری از دانشمندان، نویسندگان و سخنگویان بشریت به این حالت دچار میشوند؛ امّا آن ملّتی که به آینده امید دارد، میداند که روزگار ظلم، ستم، زورگویی، تجاوز، طغیان و استکبار، با همه ی حجم عظیمی که امروز در جهان به وجود آورده است، یک روزگار تمام شدنی است و دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره ی حق، همه ی قلّه های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم انداز زندگی بشر را با نور عدالت منور خواهد کرد؛ معنای انتظار دوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است. (۱)

گفتار چهارم. ضرورت استمداد و توسّل جوانان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

امید من به شما جوانان است. باید این آرزوها را در دل زنده نگهدارید و انگیزه ی تان را روز به روز بیشتر کنید. این فکر را باید در داخل حوزه گسترش دهید. وقتی این فکر گسترش یافت و غالب شد، به عمل نزدیک خواهد شد و به فضل پروردگار، تحقّق خواهد یافت. البتّه دعا هم بکنید و از خدا هم بخواهید. از حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف هم که سید و سالار همه ی ماست؛ رئیس و مدبّر امور ماست و سر رشته ی کارِ ما در دست اوست، کمک بخواهید. (۲)

من به جوانان توصیه میکنم نماز جماعت را، حضور در مساجد، اقامه ی مجالس دعا، تضرّع و فهمیدن مفاهیم این دعاها را- که بفهمید با خدا چه میگویید و چه صحبت میکنید- جدّی بگیرید. از یک طرف بازوانِ فعّال و گامِ استوار در راه سازندگی علمی و عملی؛ از یک طرف دلِ خاشع و خاضع در مقابل پروردگار و توجّه و توسّل به خدای متعال و استمداد از اولیای مطهّر و معصومش؛ به خصوص حضرت بقیه الله الاعظم أرواحنا فداه. (۳)

۱- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۲- . بیانات در دیدار روحانیون و طلّاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه ی فیضیه ی قم»، ۱۶/۹/۱۳۷۴.

۳- . بیانات در اوّلین روز ورود به ساری، ۲۲/۷/۱۳۷۴.

گفتار پنجم. خرسندی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از جوانان پرتلاش و پشتیبانی آنها

همین الآن بلاشک ما گرفتاریها و مشکلاتی در زمینه ی اقتصادی و غیره داریم. اینها یک روز تمام خواهد شد؛ امّا آن عامل تمام شدن این گرفتاریها، جز همین روحیه ی معنوی و تمسّک به اسلام و انقلاب، چیز دیگری نخواهد بود. باز هم همین دختر و پسرِ جوانند که کشور را نجات خواهند داد. من بارها گفته ام که نسل جوان، گره گشای دوره های سخت و محنتهای بزرگ است و وقتی وارد میدان میشود که الحمدللّه امروز هم در میدان است گره های ریز و سخت گشوده خواهد شد. جوانان ما، مؤمن، متدین و علاقه مند به کشورشان و علاقه مند به اسلامند و با سلطه ی امریکا و با سلطه ی بیگانه مخالفند. همین کارساز خواهد بود. این توطئه هایی هم که میکنند و ترفندهایی هم که میشود، اثری إن شاء الله نخواهد بخشید. إن شاء الله که خداوند هم کمک خواهد کرد. حضرت بقیه الله أرواحنا فداه هم إن شاء الله پشتیبان این راه و این کار و این جوانان خواهد بود. (۱)

این جوانهای مؤمن ما که در میدانهای مختلف- چه در میدان معنویت و عبادت و معرفت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست، چه در میدان جهاد؛ آن روزی که جهاد مورد احتیاج بود- این جور از خودشان اخلاص و شادابی نشان میدهند، امام زمان(سلام الله علیه) را خرسند و خوشحال میکنند. (۲)

من شک ندارم که بسیاری از شما جوانان، مورد نظر و منظور دید مقدّس ولی عصر أرواحنا فداه هستید. میدانم که دلهای پاک شما مورد توجّه آن بزرگوار است. إن شاء الله آن فرزند فاطمه علیها السلام و آن عبد صالح الهی برای شما دعا کند و دعای آن بزرگوار در حقّ همه مستجاب خواهد بود. (۳)

گفتار ششم. تهذیب جوانان، شرط انتفاع از حضرت ولی عصر

راهی که برای انتفاع از آن بزرگوار(امام زمان) پیش پای ما گذاشته اند، راه تهذیب نفس است، راه مخصوصی نیست؛ همان راهی است که برای تکامل نفس، برای آدمِ خوب شدن، برای نورانی شدن دل انسان و انعکاس جلوه ی جمال الهی در آن جلوی پای انسان گذاشته اند. خصوصاً شما که جوانید و دلهایتان پاک است، آمادگی دارید و برایتان خیلی آسان تر است. حال شما خیال میکنید که ما در

۱- . گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته ی جوان، ۷/۲/۱۳۷۷.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۳- . بیانات در دیدار اعضای اتّحادیه های انجمنهای اسلامی دانش آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور، ۰۸/۱۲/۱۳۷۹.

اینجا راه ویژه ای برای رسیدن به خدمت حضرت داریم؛ نه، وضع شما از این لحاظ از من بهتر است؛ چون شما دلهای پاک و صافی دارید؛ پایبندی ها و دلبستگی هایتان کمتر است و خیلی راحت تر میتوانید ارتباط برقرار کنید. این ارتباط برقرار کردنها هم با صفای نفس کاملًا میسّر و آسان خواهد شد. صفای نفس هم با همین عمل به واجبات، اجتناب از گناهان، آلوده نکردن خود، آلوده نشدن و مراقبت به دست می آید. (۱)

گفتار هفتم. لزوم تربیت آینده نگرانه ی جوانان

ما باید نسل جوانی را حفظ کنیم که اگر جنگ بود، دفاع کند؛ اگر حادثه ای در داخل بود، حضور پیدا کند؛ آنجا که نوبت علم و تربیت علمی و تحقیقی است، درس بخواند و خودسازی کند؛ آنجایی که صحبت آینده است، خود را آماده کند. (۲)

گفتار هشتم. جوان منتظر و روحیه ی جهاد و مبارزه

جوانان و روشنفکران و عموم ملّت ما با اعتقاد به ظهور مهدی علیه الصّلاهوالسّلام این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش میدهند که نظم ظالمانه ی جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ میشود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد. (۳)

طلّاب باید ارزشهایی را به عنوان ارزشهای ثابت و زوال ناپذیر همواره به یاد داشته باشند؛ که از جمله ی آنها، ارزش علم و ارزش جهاد است. ارزش جهاد را دست کم نگیرید. طلبه ی جهادگر، طلبه ی تلاشگر، طلبه ی بسیجی، طلبه یی که آماده است تا در میدانهای خطر حضور پیدا کند، این طلبه است که اگر با ابزار علم مجهز شد، آن وقت دنیایی در مقابل او دیگر تاب نمی آورد....اینها ارزشهای تمام نشدنی است؛ هیچ چیزی با اینها معادل نیست؛ نظام حوزه بایستی این ارزشها را رشد بدهد و پیش بیاورد... ما که هنوز به اهداف خودمان نرسیده ایم؛ ما که هنوز با آن صحنه ی عظیمی که از گسترش تفکر اسلامی پدید می آید و خدای متعال در آیات قرآنی آن را ترسیم کرده است که «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُون» خیلی فاصله داریم. راه، همین راه است. (۴)

۱- . بیانات در دیدار با جوانان نخبه، ۲۱/۱۱/۱۳۸۲.

۲- . سخنرانی در آغاز هفتمین گردهمایی ائمّه ی جمعه ی سراسر کشور، ۲۵/۶/۱۳۷۰.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۴- . سخنرانی در اجتماع طلاب و فضلای حوزه ی علمیه ی قم، ۱/۱۲/۱۳۷۰.

گفتار نهم. جوان و آمادگی برای ساخت تمدّن اسلامی

ملّت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه ی زاکیه و هدایتهای معنوی ولی الله الاعظم ارواحنافداه خواهد توانست تمدّن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدّن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده ی قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند. (۱)

جوان مسلمان ایرانی باید خود را آماده کند؛ خود را مجهّز کند؛ در راه پیشرفت، به خدای متعال توکّل کند؛ از خدا استمداد کند؛ با بصیرت پیش برود؛ در این صورت ساز و برگ متناسب را برای مواجهه با شیوه ی غلطی که در دنیا حاکم و رایج است، پیدا خواهد کرد و ان شاءالله به همه ی آرمانها و آرزوهایی که این انقلاب و اسلام ترسیم کرده است، خواهد رسید. (۲)

گفتار دهم. تحقّق آرمانها در دست جوان

عقیده ی من این است که اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی، و اگر نشاط، روحیه و حالت تحرّک، و همچنین جسارت؛ یعنی خط شکنی ها، که در جوانها به عنوان خصیصه وجود دارد، نباشد، ما به آرمانها دست پیدا نخواهیم کرد. لذا جوانها در زمینه ی دسترسی به آرمانها و تحقّق آرمانهای انقلاب و آرمانهای اسلامی، دارای مسئولیتهای بزرگی هستند و کارآمدی بسیار بالایی هم دارند. هر کسی که در پی تحقّق آرمانها است، باید نقش جوانها را جدّی بگیرد؛ و بدانید بنده نقش جوانها را جدّی میگیرم. آنچه که من در مورد جوانها، چه جوان دانشجو - البتّه به خصوص جوان دانشجو - و چه غیر دانشجویان، بارها بر زبان آوردم، تعارف زبانی نیست؛ اعتقادم این است و معتقدم که جوانها میتوانند گره گشایی کنند. البتّه مهم این است که میدان کار را، میدان تحرّک را بشناسند، آن را درست تعریف کنند؛ کاری را هم که میخواهند انجام دهند، درست تعریف کنند... به نظر من فعّال دانشجویی آرمان خواه که واقعیتها را هم میشناسد، هرگز نباید در هیچ شرایطی احساس انفعال و بنبست کند؛ یعنی نباید از آرمان خواهی دست برداشت؛ نه در هنگام پیروزی های شیرین، نه در هنگام هزیمتهای تلخ. (۳)

۱- . دیدار با ایثارگران، ۲۹/۵/۱۳۷۶.

۲- . بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۴/۸/۱۳۸۹.

۳- . بیانات در دیدار با دانشجویان، ۶/۵/۱۳۹۲.

گفتار یازدهم. جوان و تبیین معارف مهدوی

بـد فهمیـدن دسـتور دین جزو ضـعفهای درونی است. بعضـی ها خیلی از چیزها را نمی فهمیدند. مبارزه میکـردیم؛ بعضـی ها به اسـتناد روایاتی که هر پرچمی که قبل از برافراشـته شدن پرچم حضـرت مهدی (ارواحنا فداه) برافراشته شود، در آتش است، با مبارزه مخالف بودنـد. میگفتنـد آقا شـما قبل از مبارزه حضـرت صاحب الزّمان(عجّل الله فرجه) میخواهیـد مبارزه شـروع کنید؟ خوب، این پرچم مبـارزه را که بلنـد میکنیـد، در آتش است. معنـای حـدیث را نمیفهمیدنـد.... لـذا در مبارزات اسـلامی، تبیین خیلی نقش دارد. من این را به شما جوانانی که احساس مسئولیت میکنید، توی پرانتز عرض میکنم که تبیین خیلی اهمیت دارد. (۱)

گفتار دوازدهم. جوان و خودسازی برای ظهور

شمـا مردم عزیز به خصـوص شـما جوانـان هرچه که در صـلاح خـود، در معرفت، اخلاـق، رفتـار و کسب صـلاحیتها در وجود خودتـان بیشتر تلاـش کنیـد، این آینـده را نزدیکتر خواهیـد کرد. اینهـا دست خود ماست. اگر ما خودمان را به صـلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد... هرچه ما کار خیر و اصـلاح درونی و تلاش برای اصـلاح جامعه انجام دهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیکتر میکنیم. (۲)

گفتار سیزدهم. جوان منتظر و زمینه سازی اجتماعی برای ظهور

چه علّتی داشت که بسیاری از انبیـای بزرگ اولی العزم آمدنـد و نتوانسـتند دنیا را از بـدیها پاک و پیراسـته کننـد؟ چرا؟ چون زمینه ها آماده نبود...آن وقت اگر امام زمان علیه الصّ‌لاه والسّ‌لام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شـد! بایـد آمـادگی باشـد. این آمـادگی چگونه است؟ این، همـانی است که شـما نمونه هـایی از آن را در جـامعه ی خودتـان مشاهـده میکنیـد. امروز در ایران اسـلامی چیزهـایی از درخشـندگی هـای معنـوی وجود دارد که در هیـچ جـای دنیـا نیست. تا آنجایی که ما خبر و گزارش و اطّلاع داریم؛ از قضایای دنیا بی خبر هم نیستیم.

امروز در کجای دنیا جوانانی پیـدا میشونـد که روی شـهوات نفس و روی مادّیگری پا بگذارنـد و سـراغ معنویات برونـد؟ البتّه گاهی یک جوان، دو جوان، یا یک آدم استثنایی گوشه ای هست همه جای

۱- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۴/۲/۱۳۸۷.

۲- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

دنیا پیدا میشود امّا اینکه عدد عظیمی از یک نسل، این طور باشند، کجای دنیا هست؟ هیچ جا؛ اینجا هست! بعضی خیال میکردند که مخصوص دوران جنگ است. البتّه در دوران جنگ، زمینه های مناسب تری بود، برجستگی آن هم بیشتر بود؛ لیکن این طور نیست که بعضی خیال میکردند. امروز هم هستند. امروز جوانان خوب، جوانان مؤمن، حزب اللّهی، با گذشت از شهوات نفسانی و انسانهایی که دارای گذشت از پول و کسب ثروت و درآمد باشند، زیاد هستند؛ درحالی که البتّه عدّه ای هم به دنبال این امکانات میدوند و فضا را خراب میکنند! عدّه ای با بلندنظری، باتقوا و با بی اعتنایی به این زخارف، حرکت میکنند. اینها مخصوص این کشور است. پس میشود قدم به قدم به سمت صلاح پیش رفت. (۱)

از یکایک شما عزیزان، جوانان مؤمن و پُرشوری که بهترین دوران عمر خودتان را در خدمت دین خدا، در خدمت حقّ مظلوم الهی و در خدمت آماده سازی جامعه برای ظهور حضرت بقیه الله الاعظم أرواحنا فداه قرار دادید، تشکر میکنم. (۲)

دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره ی حق، همه ی قله های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم انداز زندگی بشر را با نور عدالت منوّر خواهد کرد؛ معنای انتظار دوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است. شما جوانان عزیز که در آغاز زندگی و تلاش خود هستید، باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی آماده کنید؛ دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد؛ دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعّال تر و خلّاق تر و آفریننده تر است؛ دورانی که ملّتها با یکدیگر نمیجنگند؛ دستهای جنگ افروز عالم همانهایی که جنگهای منطقه ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می اندازند دیگر نمیتوانند جنگی به راه بیاندازند؛ در مقیاس عالم، صلح و امنیتِ کامل هست؛ باید برای آن دوران تلاش کرد. (۳)

نسلی که برای انقلاب آن فداکاریها را کردند، با فداکاریهای خودشان آن آینده را نزدیکتر کردند. هرچه ما کار خیر و اصلاح درونی و تلاش برای اصلاح جامعه انجام دهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیکتر میکنیم. (۴)

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۲- . بیانات در دیدار روحانیون و مبلّغان در آستانه ی ماه مبارک رمضان، ۲۳/۹/۱۳۷۷.

۳- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۴- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/ ۰۸/۱۳۷۹.

گفتار چهاردهم. جوان منتظر و سازندگی کشور

امیدواریم خداوند متعال به برکت ادعیه ی زاکیه ی ولی عصر (أرواحنا فداه) همه ی شما جوانها، بسیجیان و ملّت عزیز ایران را مشمول توفیقات، رحمت و لطف خود قرار دهد و إن شاء الله بتوانید در این برهه ی از زمان، در این مقطعی که فرصت متعلّق به شماست، کشور را طوری بسازید که نسلهای آینده از شما متشکر باشند و از شما به نیکی یاد کنند. (۱)

گفتار پانزدهم. جوان، آمادگی و دشمن شناسی

جوانان بایستی آمادگیشان را بیشتر کنند. نه آمادگی جنگی؛ چون امروز بحث جنگِ نظامی نیست. البتّه آمادگی رزمی هم برای روز مبادا ضروری است؛ امّا آن چیزی که برای همه لازم است، آمادگی معنوی؛ یعنی آمادگی فکری، آمادگی روحی، آمادگی سیاسی و حفظ وحدت، اتّصال و ارتباط نیروها با یکدیگر، ارتباط مستحکم و دوستانه ی ملّت و دولت و شناختن چهره ی دشمن در هر لباسی است. دشمن با شکلهای مختلفی خود را به مقابله با انقلاب می کشاند. همیشه با لباس نظامی وابسته به فلان دولتِ بیگانه، جلو نمی آید. (۲)

گفتار شانزدهم. دعاهای مهدوی برای جوانان

امیدوارم که پروردگار عالم، توجّهات حضرت ولی عصر أرواحنا فداه را نسبت به مجموعه ی ملّت و کشور ایران و به خصوص شما جوانان صالح و مؤمن بیشتر کند و دعای آن بزرگوار را شامل حال شما فرماید. (۳)

پروردگارا! فضل، رحمت و نورانیت روزافزون خودت را بر دلهای این جوانها نازل کن. پروردگارا! نسل جوان کشور ما را آینده ساز عظمت و عزّت این کشور قرار بده. پروردگارا! مشکلات نسل جوان را برطرف کن. پروردگارا! به مسئولان ما این فرصت، این توفیق و این آگاهی را بده که بتوانند مشکلات نسل جوان را به بهترین وجهی برطرف کنند. پروردگارا! دعای ولی عصر أرواحنا فداه را شامل حال جوانهای ما قرار بده؛ همه ی آنان را در راه خود هدایت و دستگیری کن؛ همه شان را به

۱- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار عمومی بسیجیان، ۶/۱/۱۳۸۵.

۲- . بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته ی بسیج، ۵/۹/۱۳۷۶.

۳- . بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۴/۶/۱۳۷۷.

آرزوهای بزرگ و آرزوهای انسانی خودشان برسان. (۱)

پروردگارا! قلب مقدّس ولی غایب محبوب دلهای همه ی ما را از جوانان مؤمن ما راضی و خشنود کن. (۲)

پروردگارا! این جوانها را در همین زندگی خودشان به هدف و آرزوی بزرگ زیارت ولی عصر (ارواحنا فداه) برسان. (۳)

مطلب چهارم. الگوهای منتظر

گفتار اوّل. انبیا و معصومین علیهم السلام

کدام انسان آزاده ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند. آنچه مسلّم است، همه ی پیغمبران و اولیاء برای این آمدند که پرچمِ توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی عدالتی است. لذا شما می بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای عدالت، کار بزرگ پیغمبران است. انسانهای والا در طول تاریخ در این راه تلاش نموده اند و بشریت را روز به روز به سمت فهمیدن این حقیقت که عدالت، سرآمد همه ی خواسته های انسانی است، نزدیک کرده اند. سلسله ی انبیاء، پاک ترین و مقدّس ترین و نورانی ترین انسانهای تمام تاریخ بوده اند. در میان انسانهای پاك و انسانهای والا که دارای روح عرشی و خدایی هستند، وجود مقدّس خاتم الانبیاء محمّد مصطفی صلّی الله علیه وآله و سلّم سرآمد همه و خاندان پاك و اهل بیت مطهّر او که قرآن، ناطق به این طهارت و پاکیزگی و آراستگی است در شمار برترین و بالاـترین انسانهای پاك و مطهّر و نورانی در همه ی تاریخند. زنی مثل فاطمه ی زهرا سلام الله علیها در همه ی تاریخ، کیست؟! انسانی مثل علی مرتضی علیه السلام در سرتاسر تاریخ بشریت، کجا نشان داده میشود؟! سلسله ی اهل بیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در طول تاریخ خورشیدهای فروزانی بوده اند که در معنا توانسته اند بشریت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی، متّصل کنند: «السبب المتصل بین الارض و السماء». خاندان پیغمبر، معدن علم، معدن اخلاق نیکو، معدن ایثار و فداکاری، معدن صدق و

۱- . بیانات در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل، ۵/۵/۱۳۷۹.

۲- . سخنرانی رهبر معظّم، ۲۵/۱۲/۱۳۷۵.

۳- . دیدار با دانشجویان، ۱۸/۸/۱۳۸۵.

صفا و راستی، منبع همه ی نیکی ها و زیباییها و درخشندگی های وجود آدمی در هر عصر و عهدی بوده اند؛ هریک چنین خورشید فروزانی بوده اند. (۱)

گفتار دوّم. همه اسوه های عاشورایی

اگر همه ی ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع، و زمینه ی ظهور ولی مطلقِ حق، فراهم خواهد شد. (۲)

گفتار سوّم. حضرت ابوالفضل علیه السلام

ارزش ابالفضل العبّاس به جهاد، فداکاری، اخلاص و معرفت او به امام زمانش است؛ به صبر و استقامت اوست؛ به آب نخوردن اوست در عین تشنگی و بر لب آب، بدون اینکه شرعاً و عرفاً هیچ مانعی وجود داشته باشد. (۳)

گفتار چهارم. حضرت علی اکبر علیه السلام

در این پادگان دوکوهه هم ده ها و صدها هزار جوان آمدند و رفتند. مظهر جوانِ فداکار در کربلا کیست؟ علی اکبر، فرزند امام حسین علیه السّلام؛ جوانی که در بین جوانان بنی هاشم برجسته و نمونه بود؛ جوانی که زیباییهای ظاهری و باطنی را باهم داشت؛ جوانی که معرفتِ به حقّ امامت و ولایت حسین بن علی علیه السّلام را با شجاعت و فداکاری و آمادگی برای مقابله با شقاوت دشمن همراه داشت و نیرو و نشاط و جوانی خود را برای هدف و آرمان والای خود صرف کرد. این خیلی ارزش دارد. (۴)

گفتار پنجم. امام خمینی قدس سره

امام خمینی قدس سره برجسته ترین عالِم دینی غیبت صغری تا امروز

حقیقتاً در بین علمای دین تا آنجایی که ما شناخته ایم از عصر اوّل، از دوران بعد از غیبت صغری تا امروز، ما هیچ کس را مثل امام قدس سره، به این برازندگی و به این برجستگی سراغ نداریم. همه ی

۱- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۲- . بیانات در دیدار روحانیون و وعّاظ، در آستانه ی ماه محرم، ۳/۳/۱۳۷۴.

۳- . بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س)، ۵/۵/۱۳۸۴.

۴- . بیانات در جمع ده هاهزار نفر از راهیان نور و قشرهای مختلف مردم در پادگان دوکوهه، ۹/۱/۱۳۸۱.

آنهـایی که بودنـد، انصافاً از ایشـان کوچکتر بودنـد. البتّه از لحاظ علمی، مؤسّـسان و مجتهـدان بزرگ هسـتند؛ امّا در مجموع جهات، آن چیزی که یک شخصیت را به وجود می آورد، از شـیخ مفیـد، سـید مرتضـی، محقّق، علّامه، دیگران و دیگران، تا برسد به میرزای شیرازی و بقیه ی علما، انصافاً هیچ کدام با این بزرگوار قابل مقایسه نبودند. ایشان یک عالَم دیگری بود. (۱)

امام خمینی قدس سره معلّم ملّت ایران برای حرکت به سوی ظهور

اوّلین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملّتهای مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود أرواحنا فداه و عجّل الله فرجه، به وسـیله ی ملّت ایران برداشـته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است؛ این، آن چیزی است که دنیای مادّی نمیخواست آن را باور بکنـد...امام قـدس سـره و معلّم بزرگ این ملّت آن انسان اسـتثنایی زمان ما؛ آن رهبر فوق العاده ای که تاریخ ما در این قرون اخیر نظیرش را مشاهـده نکرده است؛ آن انسـان والاـ بـا آن اخلاص فوق العاده راهی را پیش پای مردم ما گـذاشت؛ خـدای متعال هم تفضّل کرد؛ دست عنایت ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف هم بحمدالله همواره با این ملّت بوده و به آنها کمک کرده و این آگاهی در ملّت ما به وجود آمده است. (۲)

امام قدس سره و اعطای امید و شجاعت به ملّت برای مبارزه با ظلم

اعتقاد به مهـدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف دلها را سـرشار از نور امیـد میکنـد. برای ما که معتقد به آینده ی حتمی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف هستیم، این یأسی که گریبان گیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی معناست... انسانها میتوانند تلاش کنند و پرچم عدالت را- و لو در یک نقطه ی محدود- بلند کنند. شما ببینید ملّتهایی که امروز در گوشه و کنـار عـالم زیر فشـارِ ظلم و سـتم زنـدگی میکننـد، اگر این امیـد را در دل خود بپروراننـد که میشود بـا ظلم مبارزه کرد، چه اتّفاقی در دنیا می افتـد و چطور ملّتها بیـدار میشونـد! یک روز ملّت ایران هم در پنجه ی اقتدار رژیم طاغوتی دچار همین یأس بود؛ ولی امام بزرگوار ما با تعالیم اسـلامی، این یأس را از دلها پاک کرد و به مردم امیـد و شـجاعت داد. نتیجه این شد که این مردم به پاخاسـتند، نهضت کردنـد، تن به سـختی دادنـد، مبارزه کردنـد، از جان خود دریغ نکردنـد و توانسـتند در این نقطه از عالم، با عوامل ظلم و نظام ظالمانه و شیطانی مبارزه و آن را

۱- . سخنرانی در جمع علما و روحانیون استان لرستان، ۳۰/۵/۱۳۷۰.

۲- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

ریشه کن و سرنگون کنند. (۱)

امام خمینی قدس سره شخصیتی عاشورایی و زمینه ساز ظهور

در زمـان مـا، یـک نفر پیـدا شـد که گفت «اگر من تنهـا بمـانم و همه ی دنیـا در مقابـل من باشـند، از راهم برنمی گردم.» آن شخص، امام ما بود که عمل کرد و راست گفت؛ «صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْه» لقلقه ی زبان را که- خوب همه داریم. دیدیـد، یک انسان حسـینی و عاشورایی چه کرد؟ خوب؛ اگر همه ی ما عاشورایی باشـیم، حرکت دنیا به سـمت صلاح، سریع، و زمینه ی ظهور ولی مطلقِ حق، فراهم خواهد شد. (۲)

گفتار ششم. روحانیون و علمای ربانی

از یکایک شما عزیزان(روحانیون)، جوانان مؤمن و پُرشوری که بهترین دوران عمر خودتان را در خدمت دین خدا، در خدمت حقّ مظلوم الهی و در خدمت آماده سازی جامعه برای ظهور حضرت بقیه الله الاعظم أرواحنا فداه قرار دادید، تشکر میکنم. (۳)

نقش روحانیون، نقش هـدایت و دسـتگیری معنوی است. همه به روحانی احتیاج دارند- همچنان که به طبیب احتیاج دارند- و اگر روحانی در هر نقطه یی به وظایف خود عمل کند، آنجا را از لحاظ معنوی آباد خواهد کرد. (۴)

آنچه ما طلبه ها در هرجا که هستیم- چه در قم، چه در مشـهد، چه در حوزه های شهرستانها و چه شاغل به تحصیل، چه شاغل به شـغل ملّایی، طلبگی و روحانی، چه شاغل در دسـتگاه های دولتی و اجرایی- بایـد بـدانیم، این است که امروز روحانیت در کشور ما یک نقش ممتاز و بی نظیری دارد. اینکه میگوییم امروز، این نه به خاطر فقط شـرایط خاصّ جمهوری اسـلامی است؛ بلکه اساساً روحانیت شیعه همواره خصوصیتی منحصر به فرد داشته است. (۵)

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۲- . بیانات در دیدار روحانیون و وعّاظ، در آستانه ی ماه محرم، ۳/۳/۱۳۷۴.

۳- . بیانات در دیدار روحانیون و مبلّغان در آستانه ی ماه مبارک رمضان، ۲۳/۹/۱۳۷۷.

۴- . بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی، ۲۳/۱۰/۱۳۸۳.

۵- . دیدار با روحانیون ۱۷/۸/۱۳۸۵.

گفتار هفتم. شهدا

شهدای ما با فدا کردن جانِ خودشان ظهور را نزدیک کردند. (۱)

اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد؛ همچنان که شهدای ما با فدا کردن جانِ خودشان آن روز را نزدیک کردند. نسلی که برای انقلاب آن فداکاریها را کردند، با فداکاریهای خودشان آن آینده را نزدیکتر کردند. (۲)

کسانی که در دوران دفاع مقدّس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدّس شرکت میکردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده ی دفاع از ارزشها، میهن اسلامی و پرچم برافراشته ی اسلام است، میتواند ادّعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدانهای خطر قدم خواهد گذاشت. (۳)

گفتار هشتم. بسیجیان

ارتباط خاصّ بسیجیان با امام زمان

بسیجیان، ارتباط خاصّی با این نقطه ی اساسی عواطف دلهای شیعیان و مسلمانان دارند. بسیجی، یک عنوان ارزشمند و والاست. بسیجی، یعنی دلِ باایمان، مغزِ متفکر، دارای آمادگی برای همه ی میدانهایی که وظیفه ای انسان را به آن میدانها فرامیخواند. (۴)

بسیجی یعنی حضور در همان نقطه ی مورد نظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

بسیجیان این امتیاز را دارند که در میدان این خدمت آماده اند. بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه ای است که اسلام و قرآن و امام زمان أرواحنا فداه و این انقلاب مقدّس به آن نیازمند است؛ لذا پیوند میان بسیجیان عزیز و حضرت ولی عصر أرواحنا فداه مهدی موعود عزیز یک پیوند ناگسستنی و همیشگی است. (۵)

۱- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب در سالروز میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

۲- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۴- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۵- . همان.

رابطه حرکت بسیجیان با حرکت ائمّه علیهم السلام

بین حرکت امام صادق علیه الصّلاه و السّلام و به طور کلّی حرکت عمومی ائمّه ی هـدی علیهم السّلام، به خصوص نُه امامی که از بعد از حادثه ی عاشورا تا زمان غیبت حضرت ولی عصر أرواحنا فداه این منصب را داشتند، با رفتار، هویت و حرکت بسیجی امروز ملّت ما رابطه ای وجود دارد. (۱)

لزوم آمادگی و حضور بسیجیان

نقش جوانان بسیجی و بسیج، در این آمادگی عمومی کاملًا روشن است. من در جواب آن سؤال آغازین که جایگاه بسیج در کشور ما بعد از دوران جنگ کجاست؟ میگویم که بسیج باید با همان روحیه و شور و قدرتِ دوران جنگ باقی بماند و جوانان آموزش ببینند و سازماندهی شوند و آمادگی و حضور پیدا کنند. (۲)

۱- . بیانات در دیدار بسیجیان به مناسبت هفته ی بسیج، ۷/۹/۱۳۸۴.

۲- . سخنرانی در دیدار با جمعی از بسیجیان و روحانیون تهران، مدرسان و طلاب اهل سنّت استان خراسان...و گروهی را اعضای حزب الله لبنان، ۵/۷/۱۳۶۸.

بخش هفتم: مهدویت و انقلاب اسلامی

اشاره

مطلب اوّل. مهدویت، آرمان انقلاب اسلامی

انتظار فرج... یعنی، انتظار حاکمیت قرآن و اسلام. شما به آنچه فعلاً جهان در آن قرار دارد، قانع نیستید. حتّی به همین پیشرفتی هم که با انقلاب اسلامی به دست آوردید، قانع نیستید. میخواهید باز هم به حاکمیت قرآن و اسلام، نزدیکتر بشوید. این انتظار فرج است. انتظار فرج، یعنی، انتظار گشایش از کار انسانیت.... شما ملّت انقلابی مسلمان، باید با حرکت منظّم خود در تداوم انقلاب اسلامی، به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و انقلاب نهایی اسلامی بشریت - که سطح عالم را خواهد گرفت و همه ی این گره ها را باز خواهد کرد – قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید. انتظار فرج این است. (۱)

ما امروز در انقلاب خودمان، حرکتها و روش هایی داریم. این روشها باید به کدام سمت حرکت کند؟ این نکته بسیار شایان توجّه است. ما یک محصّلی را در نظر میگیریم که این محصّل مثلاً میخواهد در دانش ریاضی استاد بشود؛ حالا مقدّمات کار او را چگونه باید فراهم کنیم. باید جهت تعلیماتی که به او میدهیم، جهت ریاضی باشد. معنا ندارد که ما یک نفری را که میخواهیم ریاضی دان بشود، بیاییم درس فقه - مثلاً - به او یاد بدهیم. یا آن کسی که میخواهد فقیه بشود، بیاییم درس طبیعی - مثلاً - به او بدهیم. باید مقدّمات متناسب با نتیجه و غایت باشد. غایت، جامعه ی آرمانی مهدوی است. (۲)

شعارهایی که امام زمان – علیه الصلوه والسلام و عجل الله تعالی فرجه - بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد؛ امروز شعارهای مردم ماست، شعارهای یک کشور و یک دولت است. این خودش یک گام بسیار بلندی، به سوی اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۳)

انقلاب پرچم عزّت این ملّت است و ملّت این پرچم را در دستِ استوار خود محکم نگه خواهد داشت و به فضل پروردگار تسلیم امام زمان أرواحنا فداه و عجّل الله فرجه خواهد کرد. (۴)

امام زمان علیه سلام الله، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که

۱- . در مکتب جمعه، ج۳، ص ۲۵۱.

۲- . در مکتب جمعه، ج۲، ص ۲۰۲-۲۰۳.

۳- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

۴- . بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۲۸/۱۱/۱۳۸۱.

همه ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را میکشند...وقتی ملّت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریت حرکت میکنند. بعد از پیروزی انقلاب هم احساس ملّت ایران این است که هر حرکت و هر اقدامشان؛ هر مبارزه ای که کردیم و هر رنجی که تحمّل نمودیم، در جهت مقصودی است که میان آحاد بشر و همه ی اهل معرفت مشترک است. مقصود، استقرار عدالت، و هدف، رسیدن به عدل برای بشر است. (۱)

در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدفدار، سنجیده، پیوسته، خستگی ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. در انقلاب، به گفتن و نوشتن و تبیین اکتفا نمیشود؛ بلکه پیمودن و سنگربه سنگر پیش رفتن و خود را به هدف رساندن، اصل و محور قرار میگیرد. گفتن و نوشتن هم در خدمت همین حرکت در می آید و تا رسیدن به هدف - یعنی حاکمیت بخشیدن به دین خدا و متلاشی ساختن قدرت شیطانی طاغوت - ادامه می یابد: «هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُون». (۲)

مطلب دوّم. مهدویت پشتوانه انقلاب

ایمان و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مانع از تسلیم شدن است و ملّت های با ایمانی که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس میکنند، از حضور او امید و نشاط میگیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت میکنند و با تکیه بر همین امید درخشان بود که ملّت بزرگ ایران، پرچم اسلام را به اهتزاز در آورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد. (۳)

اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف شیعه را تا امروز از آن همه پیچ و خمهای عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله عزّت و پرچم سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملّت مسلمان و شیعه ایران است. هرجا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد. (۴)

۱- . بیانات در دیدار میهمانان خارجی دهه ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۸/۱۱/۱۳۷۱.

۲- . پیام به مناسبت اوّلین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۰/۳/۱۳۶۹.

۳- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۱۶/۱۰/۱۳۷۴.

۴- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

سلام خدا بر پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه وآله و همه ی پیامبران الهی و بر امامان معصوم به ویژه بر امام مهدی موعود أرواحنا فداه، که الهام بخش ملّت ایران و مشعل افروز راه بشریت اند. (۱)

خداوند راههای زندگی را به روی این ملّت بازتر خواهد کرد و توفیقات خودش را بر این ملّت- که برای او حرکت و قیام میکند- نازل خواهد کرد. ما در این راه، به کمکها و امدادهای غیبی الهی و به دعای ولی عصر (أرواحنا فداه) معتقد و متّکی هستیم. ما عقیده داریم که دعای آن حضرت، دلهای ما را محکم و استوار میکند و راه را بر ما میگشاید. (۲)

از اوّلین لحظات پیدایش، این نهضت مبارک...تحت الطاف حضرت ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه و عجّل الله تعالی فرجه) روزبه روز به پیش رفته است. (۳)

مطلب سوّم. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پشتیبان انقلاب اسلامی

ای امام زمان! ای مهدی موعود! [ای] محبوب این ملّت! ای سلاله ی پاک پیامبران و ای میراث برِ همه انقلاب های توحیدی و جهانی! این ملّت ما با یاد تو و با نام تو، از آغاز خو گرفته است و لطف تو را در زندگی خود و در وجود خود آزموده است. (۴)

امام زمان أرواحنا فداه که این کشور و این ملّت در یدِ قدرت و قبضه ی اوست، مراقب این کشور و این ملّت است. (۵)

مطلب چهارم. مهدویت ، نیاز انقلاب اسلامی

آن مردمی که می نشینند، راز و نیاز میکنند؛ دعای ندبه را با توجّه میخوانند و زیارت آل یاسین را زمزمه میکنند و مینالند، میفهمند چه میگویند. آنها حضور این بزرگوار را حس میکنند؛ و لو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری نمیزند. ظهور نکرده است؛ امّا هم در دلها و هم در متن زندگی ملّت حضور دارد. مگر میشود حضور نداشته باشد؟ شیعه ی خوب

۱- . پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، ۶/۳/۱۳۸۳.

۲- . سخنرانی در مراسم بیعت جمع کثیری از مردم استان همدان و شهرهای ساری و ساوه، ۵/۴/۱۳۶۸.

۳- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۴- . در مکتب جمعه، ج۲، ص ۲۰۳.

۵- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۱/۱۲/۱۳۷۸.

کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید. این، به انسان امید و نشاط میبخشد. این ملّت بزرگ، بیش از همه چیز به همین امید نیاز دارد؛ ملّتی که در راه خدا و برای عظمت اسلام، مجاهدت و مبارزه میکند و افتخار طول تاریخ بشر و همه ی تاریخ اسلام شده و پرچم اسلام را در زمان ما به اهتزاز در آورده است. چنین ملّتی، بیشتر از همه ی چیز، به همین امید درخشان احتیاج دارد. (۱)

مطلب پنجم. انقلاب اسلامی نمونه ی کوچک دولت کریمه ی مهدوی

نکته ی اصلی در باب دولت جمهوری اسلامی، آن است که این دولت، نمونه ای از همان دولت کریمه ای است که در آخر دعای افتتاح ذکر آن رفته است و ما سالهای متمادی آن را از خدا طلب کرده ایم: « تعزّ بها الاسلام واهله و تذّل بها النّفاق و اهله» و تا آخر این فقرات که آقایان در ذهن دارند. با توجّه به مصداق اتمّ این دعا، آن دولت کریمه در زمان دولت حَقّه ی ولی عصر ارواحنافداه تحقّق پیدا خواهد کرد. (۲)

جمهوری اسلامی نتیجه ی برداشت صحیح از ماجرای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و در حقیقت یک الگوی کوچکی برای آن حکومت عظیم جهانی است. (۳)

همه ی خصوصیاتی که در ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هست در یک مقیاس کوچک در انقلاب اسلامی ملّت ایران هم هست. در آنجا هم مخاطب حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف همه ی مردم عالمند؛ یعنی در آن لحظه ای که به خانه ی کعبه پشت می دهد و تکیه میکند و دعوت خود را با صدای بلند فریاد میکند، صدا میزند «یا اهل العالم». انقلاب اسلامی ما هم، از آغاز اعلام کرد که مخصوص یک ملّت و یک قوم و یک کشور نیست، همچنانی که آن بزرگوار با همه ی قدرت های بزرگ جهان ستیزه میکند و در می افتد، انقلاب ما هم با دست خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان با همه قدرت های عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم حساب های مادی و معمولی را به هم می ریزد، انقلاب ما هم همه ی حسابها را به هم ریخت. (۴)

۱- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۲- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با هیأت دولت به مناسبت هفته دولت، ۸ /۶/۱۳۷۳.

۳- . بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۱۲/۱/۱۳۶۷.

۴- . در مکتب جمعه، ج۳، ص ۲۵۰.

من میخواهم به شما جوانان عزیز، به شما پاسداران عزیز، به شما سازمانِ باعظمت و پرشکوه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به شما بسیجی ها، به شما ارتشیهای مؤمن، دلسوز، ساخته و پرداخته ی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، به شما جوانان قشرهای مختلف این کشور و به خانواده های گوناگون، از متوسّطها، پایین تر از متوسّطها و بالاتر از متوسّطها، عرض کنم که عزیزان من! بارِ سنگینِ حفظِ این امانتِ الهی که امانت پیغمبران است، بر دوش شماست. جمهوری اسلامی، امانتِ تاریخی انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و آرزوی همه ی اولیاء و ائمّه ی بزرگوار ماست که امروز تحقّق پیدا کرده است؛ و لو ناقص. کاملش هم، إن شاء الله، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیه الله فی الارضین، ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، ظاهر و آشکار خواهد شد. این، بارِ خیلی سنگین و محموله ی پرارزشی است. این را شما باید حفظ کنید و این میسّر نیست مگر با حفظ نفس. متاع دنیا، لذّت خیر، پول، ثروت و تجمّل دنیا- آن هم در حدودی که امثال من و شما ممکن است در زندگی خود داشته باشیم. (۱)

یک نکته ای در این آیات - آنجا که حضرت موسی علیه السلام را در آغاز ولادت، مادرش در آب می اندازد- وجود دارد؛ «وَ اَوحَینآ اِلی اُمِ موسی اَن اَرضِعیهِ فَاِذا خِفتِ عَلَیهِ فَاَلقیهِ فِی الیمِّ... اِنّا رآدّوهُ اِلَیکِ وَ جاعِلوهُ مِنَ المُرسَلین؛ [اینجا] دو وعده است: یک وعده وعده ی برگرداندن موسی به مادرش است؛ یک وعده وعده ی «جاعِلوهُ مِنَ المُرسَلین» است؛ یعنی آن وعده ی عمومی ای که به بنی اسرائیل داده شده بود که بنی اسرائیل منتظر بودند که منجی بیاید؛ و این منجی از طرف خداست و خواهد آمد و بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد. خدای متعال در وحی به مادر موسی این وعده ی دوّم را هم داد «جاعِلوهُ مِنَ المُرسَلین» یعنی این را ما از طرف خودمان میفرستیم، و او را همان مُرسَلی قرار میدهیم که بناست آن وعده ی بزرگ را و آن آرزوی بزرگ را انجام بدهد؛ این دو وعده را خدای متعال داد. یک وعده، وعده ی نقد و نزدیک بود و آن، «اِنّا رآدّوهُ اِلَیک» بود. در آیات بعدی - که حالا آن آیات را آقای سبزعلی متأسّفانه نخواند - میفرماید:«فَرَدَدْناهُ إِلی أُمِّهِ کَیْ تَقَرَّ عَیْنُها وَ لا تَحْزَنَ وَ لِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَق»؛ اینکه ما بچّه را به مادر برگرداندیم، خب بله، «تَقَرَّ عَینُها» دارد، «وَ لا تَحزَن» دارد - دلش خوش شد، دلش آرام گرفت، چشمش روشن شد - امّا اثر دیگرِ این برگرداندن، این بود که «وَ لِتَعلَمَ اَنَّ وَعدَ الله حَقّ»؛ بداند که این وعده ای که ما دادیم - و گفتیم

۱- . بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار، ۱۵/۱۰/۱۳۷۳.

منجی را میفرستیم و کسی را خواهیم فرستاد که بناست جامعه ی بنی اسرائیل را در مصر از استضعاف خارج کند - وعده ی درستی است؛ دلش مطمئن بشود، و خاطرجمع بشود؛ یعنی یک وعده ی کوچک از سوی پروردگار تحقّق می یابد، برای اینکه هر انسان اهل تدبّری از تحقّق این وعده ی کوچک، اطمینان پیدا کند که آن وعده ی بزرگ تحقّق پیدا خواهد کرد. آنچه از موفّقیتها در طول تاریخ برای بشریت از طریق دین حاصل شده، همان وعده های کوچک است؛ از جمله جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی هم یکی از همین وعده هاست؛ خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکّل کنید، در جایی که گمان آن را نمیبرید و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد؛ همین اتّفاق افتاد: ملّت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادنِ جان دریغ نکرد و اتّفاقی افتاد که هیچ کس تصوّر آن را نمیکرد! چه کسی خیال میکرد در این منطقه ی بسیار حسّاس، در این کشور بسیار مهم، در مقابله ی با آن رژیمِ به شدّت حمایت شونده ی از سوی قدرتهای بین المللی، یک حکومتی به وجود بیاید و یک انقلابی به پیروزی برسد، آن هم براساس دین، براساس فقه، براساس شریعت؟ چه کسی چنین تصوّری میکرد؟ هیچ کس. اگر کسی بگوید من میدانستم این جوری میشود، مگر از طُرق غیبی فهمیده باشد؛ محاسبات، مطلقاً این را نشان نمیداد، امّا این اتّفاق افتاد. بدانیم آن وعده ی اصلی، آن کار بزرگ هم اتّفاق خواهد افتاد. این یک نمونه ای از آن چیزی بود که اتّفاق خواهد افتاد. (۱)

انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه احیاگر اسلام ناب محمّدی و سرآغاز تحوّلات عمیق و سریع در جهان و مبشر سقوط و اضمحلال قدرتها و امپراتوری های بزرگ شد. بیداری و خودیابی و ایستادگی مسلمانان موجب شد که ما جلوه هایی از قدرت و حکمت الهی را شاهد باشیم و وعده ی حتمی خداوند در ظهور دین، مکنت مسلمین، وراثت صالحین و خلافت مستضعفین را در آینه ی تجارب زمانه به یقین دریابیم و قیام مهدی موعود أرواحنا فداه و استقرار دولت الهی جهانی آن حضرت را به حقیقت منتظر باشیم. (۲)

۱- . بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث»، ۲۱/۳/۱۳۹۳.

۲- . پیام به سمینار در پاکستان، ۲۰/ ۲/۱۳۷۱.

مطلب ششم. انقلاب و قدمی به سوی ظهور

(اگر سؤال شود:) امّت ما انقلاب اسلامی را زمینه ساز انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف میدانند. نظر جناب عالی پیرامون این مسئله چیست و ویژگیهای پیونددهنده ی انقلاب اسلامی ایران را با انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه میدانید؟ (جواب آن است که :) این دریافت صحیح و بسیار درستی از مسئله ی مهدویت است. (۱)

ما باید بدانیم که ظهور ولی عصر صلوات الله علیه همانطوری که با این انقلاب ما، یک قدم نزدیک شد؛ با همین انقلاب ما، باز هم میتواند نزدیکتر بشود؛ یعنی، همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند؛ میتوانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر و یک قدم دیگر، همین مردم خودشان را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیکتر کنند. (۲)

اوّلین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملّت های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود ارواحنا فداه و عجل الله فرجه به وسیله ملّت ایران برداشته شده است و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است. (۳)

تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدّمات این حرکت عظیم تاریخی (تشکیل حکومت عدل مهدوی) است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست. (۴)

انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تأمین آن هدف مبعوث میشود و ظاهر میشود، یک مقدّمه ی لازم و یک گام بزرگ بوده [است]. ما اگر این گام بزرگ را بر نمیداشتیم، یقیناً ظهور ولی عصر صلوات الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف به عقب می افتاد. شما مردم ایران و شما مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیدید، بدانید و شما ای امام بزرگوار امّت! بدانید - که بهتر از ما میدانید - شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سرمنزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر صلوات الله علیه شدید. شما یک قدم، این بار را به منزل نزدیکتر کردید. با این انقلاب که مانع را - که همان دستگاه و نظام پلید ظلم در این گوشه

۱- .. مصاحبه ها،(۱۳۶۰-۱۳۶۲) ص۲۲۳.

۲- . در مکتب جمعه، ج ۲،ص ۲۰۲.

۳- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۴- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

دنیا بود و سرطان بسیار خطرناک و موذی و آزار دهنده ای بود - این را کندید و قلع و قمع کردید. (۱)

امروز با انقلاب اسلامی ما که در خطّ ایجاد عدالت در سطح جهان است، انقلاب حضرت مهدی ارواحنا فداه یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک شد. نه فقط به وجود آمدن حکومت اسلامی آن عاقبت موعود را به عقب نمیاندازد بلکه، آن را تسریع هم میکند و این است معنای انتظار... هر قدمی که در راه استواری این انقلاب اسلامی برمیدارید یک قدم به ظهور مهدی نزدیک تر میشوید. (۲)

امید آنکه راه پرصلابتی که امام عزیزمان در این برهه از تاریخ جهان گشوده و حماسه ی بزرگی که او خلق کرده به مدد ایمان، خلوص همّت، تلاش مقاومت، صبر بردباری و هوشیاری مردم عزیز به انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیوند خورد که این مطلوب عزیزترین عزیزانمان امام امّت بود. (۳)

این راه گرچه کوتاه مدّت نیست، امّا همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که ان شاءالله زمینه های ظهور مهدی موعود (صلوات الله علیه و عجل الله فرجه) را فراهم خواهد کرد. (۴)

انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم. و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملّت ایران که توانسته اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند. (۵)

مطلب هفتم. انقلاب اسلامی و شروع تمدّن سازی مهدوی

ملّت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه ی زاکیه و هدایتهای معنوی ولی الله الاعظم ارواحنافداه خواهد توانست تمدّن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدّن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده ی قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص این را هدف قرار دهند. (۶)

۱- . در مکتب جمعه، ج ۲،ص ۲۰۱-۲۰۲.

۲- . در مکتب جمعه، ج ۳،ص ۲۵۰.

۳- . اطلاعیه به مناسبت ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۴/۳/۱۳۶۸.

۴- . بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

۵- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۶- . دیدار رهبر معظّم انقلاب با ایثارگران، ۲۹/۵/۱۳۷۶.

خط کلّی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت: خطّ کلّی نظام اسلامی، رسیدن به تمدّن اسلامی است. این یک پاسخ کلّی و قابل توضیح و تشریح. البتّه اینکه در مقابل تمدّن کنونی بشر - یعنی تمدّن مادّی غرب - میتواند تمدّن دیگری مطرح شود یا نه و این تمدّن برای پیدایش خود و سپس برای ماندگاری و استواری خود، از چه عناصر و از چه عواملی کمک خواهد گرفت، در این باره سخنها هست. اگر شما به بلندگویانِ تمدّن کنونی غرب مراجعه کنید، آنها خواهند گفت تمدّن مادّی غرب ابدی و تغییرناپذیر است. از اوایلی که این تمدّن اوج گرفته بود - یعنی از قرن نوزدهم میلادی - بحث معارضه ی سنّت و مدرنیته را مطرح کردند. یعنی همه ی آنچه که این تمدّن تقدیم بشریت میکند، چیزهای مدرن، نو، تازه، اجتناب ناپذیر، جذّاب و خواستنی است و هرچه در مقابل آن است، این سنّت است، این منسوخ است، این قدیمی است، این زوال پذیر است. این بحث را شما امروز هم گاهی در برخی از محافل روشنفکری ما میبینید؛ امّا این بحثِ نویی نیست؛ این بحثِ قرن نوزدهمی دنیای غرب است که ادامه پیدا کرده است؛ با این هدف که تمدّن غرب در راه خود، همه ی فرهنگها را، همه ی تمدّنها را، همه ی زیرساختهای مدنی را، همه ی روابط انسانی و اجتماعی را، همه ی آن چیزی را که تمدّن غرب آن را نمیپسندد، از سر راه خود بردارد و حاکمیت مطلق خود را با پشتوانه ی قدرت مادّی و سرمایه داری از یک سو، قدرت نظامی و سیاسی از یک سو، قدرت رسانه یی از یک سو، ابدی کند.

شما دیدید وقتی که نظام مارکسیستی در شوروی سابق و اروپای شرقی برافتاد - با اینکه نظام مارکسیستی تمدّنی جدید و نو نبود؛ تفکّری بود بر اساس همان تمدّن غربی؛ عمدتاً با همان پایه های تفکّر و تمدّن غربی؛ با همان پایه های مادّی؛ درعین حال با دستگاه سرمایه داری غرب و نگهبانان و افسونگرانِ پاسدار تمدّن غربی معارضه ای داشت - مسئله ی نظم نوین جهانی و مسئله ی تک ابرقدرتی در دنیا را مطرح کردند. یعنی امروز تمدّن غرب حتی در میان اجزای خود، آن وحدت و انسجام و آن یگانگی و صداقت لازم را ندارد. یک نقطه که یک رشد مادّی بیشتری کرده است، بنا به طبیعت تمدّن مادّی، افزون طلب است؛ کلیت طلب است؛ تمامیت طلب است و بقیه ی بخشها را نادیده میگیرد.

در تمدّن مادی غرب - همچنان که در همین ماه های جاری در دنیا مشاهده کردید - هرچه حرف میزنند، طرّاحی هزاره ی دوّم را میکنند! حالا مگر تمدّن مادّی غرب، سرتاسر هزاره ی اوّل را فرا گرفته

بود که شما میخواهید هزاره ی دوّم را هم به آن ملحق کنید؟! مگر بشر از این دو، سه قرنی که از سیطره ی تمدّن مادّی غرب گذشته، راضی است؟! مگر تمدّن مادّی غرب توانسته است زخمهای کهنه ی بشریت را علاج کند؟! آیا فقر در دنیا از بین رفت؟ آیا گرسنگی از بین رفت؟ آیا ظلم و تبعیض از بین رفت؟ آیا آرامش خاطر انسان تأمین شد؟ آیا مهربانی و صفای میان انسانها تأمین شد؟ یا به عکس، تمدّن مادّی غرب در دوره ی استعمار، سپس در دوره ی استثمار -که سلطه ی حکومتهای غربی در دوره ی استثمار، مثل دوره ی استعمار، مستقیم نبود؛ به شکل استثمار نیروها در دنیای عقب افتاده و فقیر بود؛ همان سلطه ی پنهانی قاهری که همه ی سرمایه ها و همه ی نیروها را از آنها میربود و در خود هضم میکرد و جیب کمپانی های سرمایه داری را بیشتر می انباشت - و سپس در دوره ی رسانه و در دوره ی ارتباطات - یعنی امروز - در همه ی این سه دوره، با زور، با قدرت نمایی، با زورگویی، با ایجاد اختناقِ طرف مقابل و صف مقابل همیشه وارد میدان شده است؛ درحالی که در بالاترین مراکز خود هنوز تبعیض هست؛ تبعیض نژادی هست؛ فاشیسم هست! با این سابقه، با این همه گرفتاری، با این همه مشکلات، تمدّن مادّی غرب ادّعای ابدیت میکند! امّا این ادّعا، ادّعای واهی، غیرعملی و ناکام است.

آری؛ بی شک تمدّن اسلامی میتواند وارد میدان شود و با همان شیوه ای که تمدّنهای بزرگ تاریخ توانسته اند، وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه ای را - بزرگ یا کوچک - تصرّف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرآیند پیچیده و طولانی و پُرکار را بپیماید و به آن نقطه برسد. البتّه تمدّن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیهالله ارواحنافداه است. در دوران ظهور، تمدّن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد...

این نظام اسلامی هم از آغاز تشکیل، با چالشهای خود، با مشکلات خود، با امکانات خود، حرکتی را آغاز کرده است و پیش میرود. این خط اگر با جدیت، با پشتکار، با شناخت آنچه که لازم است، با عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از اینکه تمدّن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه ی عظیمی از دنیا، پرتوِ خود را بگستراند. نه به معنای اینکه لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه. معنایش این نیست؛ بلکه تمدّن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسایل بشر و مسایل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دلهای نسلهای نوی انسان

و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را میفهمند و درک میکنند. به معنای رساندن یک پیام است به دلها، تا به تدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است. با وضعی که امروز من در کشورمان مشاهده میکنم، با ریشه های عمیقی که تفکّر اسلامی در کشور ما دارد، با حرکت بسیار وسیع و گسترده ای که از اوّل انقلاب در راه تعمیق این اندیشه آغاز شده است و امروز به جاهای خوبی هم رسیده است، به نظرم میرسد که این آینده برای نظام اسلامی، یک آینده ی قطعی و اجتناب ناپذیر است. (۱)

راه ما راهی طولانی است؛ امّا آینده ی ما هم بسیار روشن و جذّاب خواهد بود. نگاه به آن آینده، خستگی راه را میزداید و ایمان به آن، تردیدها و تزلزلها را از بین میبرد. (۲)

عزیزان من، آزادگان، رزمندگان، خانواده ها، هجران کشیده ها، دل دادگان به اسلام و انقلاب و حاکمیت جهانی اسلام و همه ی ملّت! یازده سال گذشت، یعنی در مقیاس تاریخ، یک چشم برهم زدن است؛ بیشتر که نیست. شما اگر تاریخ را نگاه کنید و بخوانید، می بینید که ده سال، یازده سال، پانزده سال و بیست سال، در طول تاریخ هیچ است؛ یک چشم به هم زدن است. در یک چشم برهم زدن، وعده ی اوّل الهی تحقّق پیدا کرد. آن، چه بود؟ آن،این بود که ما شما را نصرت خواهیم داد و پیروز خواهیم کرد. پیروز شدیم دیگر. پیروزی از این بهتر؟ هیچ پیروزی یی برای ملّتی که انقلابی است و مثل ماست، به این بزرگی، به این کمال و به این شیرینی نیست. همه ی دنیا در مقابل شما آمدند، تا شما را از مرزهایتان یک قدم عقب بنشانند. میلیاردها صرف کردند، مجهّزترین وسایل جنگی را آوردند، قدرتمندترین قدرتها با هم همدست شدند، از شرق و غرب کمک گرفتند، وسایل تبلیغاتی را با قوّتِ هرچه تمامتر وارد کردند، هشت سال هم جنگیدند، بعدش دو سال هم چک وچانه زدند، آخرش نشد.کدام کشور و ملّتی، برای قدرت و پیروزی خود، نشانه ای بالاتر از این میتواند داشته باشد؟...این، وعده ی اوّل بود؛«وَ لَیَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ یَنْصُرُه»: هر که خدا را نصرت کند، خدا او را نصرت میکند. شماها نصرت کردید دیگر. در میدان جنگ، خدا را نصرت کردید. در سلّول، با صبرتان نصرت کردید. در اردوگاه، با ایستادگی تان نصرت کردید. در مراجعت، با روحیه ی خوبتان نصرت کردید. ملّتتان هم، با آن صبر فوق العاده و حضور در همه ی میدانهای خطر، نصرت کردند.

۱- . بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۴/۷/۱۳۷۹.

۲- . بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۶/۱۲/۱۳۸۱.

خدا این وعده ی اوّل الهی را به خاطر نصرت تحقّق بخشید؛ امّا وعده ی دوّم هنوز باقی است. وعده ی دوّم این است: «وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُون». در یک آیه ی دیگر: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ». در یک آیه ی دیگر: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». یعنی این پرچم توحید و اسلام و ایمان، این پرچم ایستادگی در مقابل ظلم و جور از هر کس و هر جای عالم، این پرچم استقلال ملّتها در مقابل قدرتهای زورگوی عالم، باید در سرتاسر جهان و به عنوان مرکز امید همه ی مستضعفان عالم، به اهتزاز در بیاید. (۱)

مطلب هشتم. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مراقب و متوجّه ملّت ایران

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امانت و گوهر درخشنده ی عظیم آفرینش در میان ما، امروز بی گمان بیش از هر زمان، متوجّه و مراقب این ملّت است. (۲)

بلاشک توجّهات ولی عصر أرواحنا فداه و ادعیه ی زاکیه ی آن بزرگوار متوجّه شما ملّت و متوجّه این کشور است. (۳)

مطلب نهم. ایران، کشور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

این مملکت همان طوری که امام هم فرمودند و اعتقاد ماست، مملکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این مردم مشتاقان و عاشقان ولی عصرند. (۴)

این ملّت، ملّت انقلابی است. این کشور، کشور اسلام، کشور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و کشور اهل بیت علیهم السلام است. این کشور، کشور قرآن است. ریشه های ایمان در این کشور، خیلی عمیق است. سالها حرکت استکباری و استعماری، با همه ی مظاهر بی ایمانی که آورد و وارد این کشور کرد، نتوانست این ملّت را از دین و ایمانش جدا کند. کسانی که نگاهشان به دروازه های غرب و به خصوص آمریکاست، چه فکر میکنند؟! (۵)

۱- . بیانات در دیدار جمعی از آزادگان، ۲۶/۶/۱۳۶۹.

۲- . در مکتب جمعه، ج ۳،ص ۵۵.

۳- . سخنرانی در دیدار با فضلا، طلاب و اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت سالگرد قیام نوزدهم دی ماه، ۱۹/۱۰/۱۳۷۰.

۴- . در مکتب جمعه، ج۲، ۳۸۲.

۵- . بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۴/۶/۱۳۷۷.

از حضرت بقیه الله أرواحنا فداه که صاحب اصلی ما و کشور ما این بزرگوار است انتظار و چشمداشت حمایت داریم. (۱)

این وضع کشور ماست. و این کشور امام زمان و مورد توجّه ولی عصر أرواحنا فداه است. و این نیست، مگر توجّهات آن بزرگوار. (۲)

مطلب دهم. ایران، ملّتی منتظر

ما ملّتی منتظر هستیم؛ ملّتی که به امید پیشرفت و موفّقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موفّق شد. ما امروز برای انتظار، باید باب به خصوص در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملّت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند. «ما منتظریم»، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور، طغیان، ضعیف کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پُرشده است، در سایه ی تلاش و فعّالیت بی وقفه ی ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر، زورگو، ظالم، قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوا و هوس خود پیدا نخواهد کرد. این روشنایی، در دیدگاه ما نسبت به آینده وجود دارد. (۳)

همه ی مسلمانان، حقیقت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را از طریق روایات خدشه ناپذیری که از نبی اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم و اولیای دین رسیده است، قبول دارند؛ امّا این حقیقت در هیچ جای جهان اسلام، مثل محیط زندگی ملّت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهره ی درخشان و این روح پُرتپش و پُرامید را ندارد. (۴)

مطلب یازدهم. مشترکات انقلاب خمینی قدس سره و انقلاب مهدوی

همه خصوصیاتی که در ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هست، در یک مقیاس کوچک در انقلاب اسلامی ملّت

۱- . مصاحبه هنگام شرکت در مرحله ی دوّم نهمین دوره ی انتخابات ریاست جمهوری، ۳/۴/۱۳۸۴.

۲- . بیانات در دیدار با مردم یاسوج، ۱۷/۳/۱۳۷۳.

۳- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

۴- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

ایران هم هست. در آنجا هم مخاطبِ حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف همه ی مردم عالمند؛ یعنی، در آن لحظه ای که به خانه ی کعبه پشت میدهد و تکیه میکند و دعوت خود را با صدای بلند فریاد میکند، صدا میزند: یا اَهلَ العالم؛...انقلاب اسلامی ما هم از آغاز، اعلام کرد که مخصوص یک ملّت و یک قوم و یک کشور نیست. همچنانی که آن بزرگوار با همه ی قدرت های بزرگ جهان، ستیزه میکند و در می افتد، انقلاب ما هم با دست خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان با همه ی قدرت های عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه ی حساب های مادّی و معمولی را به هم میریزد؛ انقلاب ما هم همه ی حسابها را به هم ریخت. امروز با انقلاب اسلامی ما – که در خطّ ایجاد عدالت در سطح جهان است – انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک شد. نه فقط به وجود آمدن حکومت اسلامی، آن عاقبت موعود را به عقب نمی اندازد؛ بلکه آن را تسریع هم میکند و این است معنای انتظار. (۱)

شعارهایی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد، امروز شعارهای مردم ماست؛ شعارهای یک کشور و یک دولت است. این خودش یک گام بسیار بلندی به سوی اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۲)

مطلب دوازدهم. انقلاب اسلامی و رشد مفاهیم مهدوی

اینکه در روایات ما وارد شده است که افضل اعمال امت، انتظار فرج است، یعنی چه؟ مگر انتظار چیست؟ انتظار ظهور حضرت ولی الله الأعظم أرواحنا فداه، مگر چه مضمون و چه معنایی در بطن خود دارد که این قدر دارای فضیلت است؟ یک معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط، اثر چندانی نیست. کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی اینکه شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفاسد را برطرف نماید! انقلاب، این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را، یا کم رنگ کرد و یا از بین برد. (۳)

۱- . در مکتب جمعه، ج ۳،ص ۲۵۰

۲- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

۳- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

مطلب سیزدهم. فراگیری تاریخی نام، یاد و انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در جمهوری اسلامی

بحمدالله در نظام جمهوری اسلامی نام مبارک حضرت بقیهاللّه عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاد آن بزرگوار در طول تاریخ اسلام از همیشه بیشتر، شیرین تر، گرامی تر و همه گیرتر است؛ این از افتخارات ماست. هیچ وقت و در هیچ دوره ای در ایران، جوانان، پسرها، دخترها، جمعیتهای انبوه و عظیم، این طور شیفته، دلباخته، منتظر، مشتاق و شیدای آن بزرگوار نبوده اند که بحمدالله در این زمان هستند. یقیناً این، ناشی از الطاف و نظر و توجّه خود آن بزرگوار است. (۱)

یکی از خصوصیاتی که در انقلاب ما بارز است، مطرح شدن مکررِ مضاعف نام مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها و نام مبارک حضرت بقیهالله مهدی صاحب زمان صلوات الله علیه است. این دو نام مبارک، در تمام دوران انقلاب، به مناسبتهای مختلف، بیش از سایر معارف الهی، معارف اسلامی و معارف شیعی تکرار شده است؛ این یک پدیده است. در دوران پیش از انقلاب، نه در محافل مذهبی، نه در محیط عمومی، نه در زبان شعرا، گویندگان، خواصّ، عوام و دیگران، اینقدر نام مبارک زهرا سلام الله علیها تکرار نمیشد. متدینین بودند، مجالس بود، محافل بود، گویندگان بودند، اسم مبارک هم برده میشد، امّا نه اینجور، با این وسعت و با این عمق نگاه. هیچ کس هم این را به مردم یاد نداد. یعنی ما در شعارهامان، در حرفهامان، این قضیه را مطرح نکردیم. این یک پدیده ی الهی است، یک امرِ برخاسته و روییده ی از دلها، عواطف و ایمانهاست. هیچ کس - نه امام بزرگوار، نه بزرگان انقلاب - در دوران دفاع مقدّس به رزمندگان نگفت که رمز «یا زهرا» برای حملاتتان بگذارید، یا سربند «یا زهرا» علیها السلام ببندید؛ امّا هرچه که شما نگاه میکنید، در طول دوران دفاع مقدّس، اسم مبارک حضرت زهرا علیها السلام از همه ی نامهای مطهر و مبارک دیگر بیشتر مطرح است، بیشتر آورده میشود؛ همچنین نام مبارک حضرت بقیهالله ارواحنا فداه. این دو نام در انقلاب، به طور طبیعی، بدون دستور، بدون یک مطالعه ی قبلی، همین طور از دلها و از ایمانها و از عواطف روییده است؛ این نشانه ی مبارکی است. (۲)

۱- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار با کارکنان دفتر، ۹/۷/۱۳۸۳.

۲- . بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت علیه السلام، ۳/۳/۱۳۹۰.

مطلب چهاردهم. اعمال مسئولان، زیر نظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

حرکت دولتمردان ما را در میدانهای مختلف، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف میبیند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از هرآنچه که نشانه ی مسلمانی و نشانه ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر میزند، خرسند میشود. (۱)

مطلب پانزدهم. الگو و جهت فعّالیتهای انقلاب و مسئولان

ما امروز در انقلاب خودمان، حرکت ها و روش هایی داریم. این روش ها باید به کدام سمت حرکت کند؟ این نکته بسیار شایان توجّه است. ما یک محصّلی را در نظر میگیریم که این محصّل مثلاً ـ میخواهد در دانش ریاضی استاد بشود؛ حالا مقدّمات کار او را چگونه باید فراهم کنیم؟ باید جهت تعلیماتی که به او میدهیم، جهت ریاضی باشد. معنا ندارد که ما یک نفری را که میخواهیم ریاضی دان بشود، بیاییم درس فقه - مثلاً - به او یاد بدهیم. یا آن کسی که میخواهد فقیه بشود، بیاییم درس طبیعی - مثلاً - به او بدهیم. باید مقدّمات متناسب با نتیجه و غایت باشد. غایت، جامعه ی آرمانی مهدوی است. پس ما هم باید مقدّمات را همان جور فراهم بکنیم. ما باید با ظلم نسازیم و باید علیه ظلم، حرکت قاطع بکنیم. هرگونه ظلمی و از هر کسی. ما باید جهت خودمان را، جهت اقامه ی حدود اسلامی قرار بدهیم. در جامعه ی خودمان، هیچ مجالی به گسترش اندیشه غیر اسلامی و ضدّ اسلامی ندهیم. نمیگوییم با زور؛ نمیگوییم با قهر و غلبه - که میدانیم با اندیشه و فکر، جز از راه اندیشه و فکر نمیشود مبارزه کرد- بلکه میگوییم از راه های درست، منطقی و معقول، باید اندیشه ی اسلامی گسترش پیدا کند. باید تمام قوانین ما، مقرّرات مملکتی، ادارات دولتی، نهادهای اجرایی و همه و همه، از لحاظ ظاهر و از لحاظ محتوا اسلامی بشود و به اسلامی شدن روزبه روز نزدیکتر بشود. این جهتی است که انتظار ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما و به حرکت ما میدهد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دعای «ندبه» میخوانید که در مقابل فسوق، عدوان، طغیان، نفاق مقابله میکند و نفاق، طغیان، عصیان، شقاق و دودستگی را ریشه کن میکند و ازاله میکند. ما هم باید در جامعه ی مان، امروز در آن جهت حرکت کنیم و پیش برویم. این است آن چیزی که ما را به امام زمان – صلوات الله علیه- از لحاظ معنوی نزدیک خواهد کرد و جامعه ی ما را به جامعه ی ولی عصر –

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

صلوات الله و سلامه علیه - آن جامعه مهدوی علوی توحیدی، نزدیکتر و نزدیکتر خواهد کرد. (۱)

ما که منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان علیه آلاف التحیه و الثناء وعجّل الله تعالی فرجه تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البتّه، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آنگونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ امّا باید در آن جهت تلاش و کار کنیم. (۲)

در نظام اسلامی که مظهر کامل آن، حکومت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است، فریب و حیله گری برای جلب آراء مردم، خودش جرم است. استفاده از قدرت برای به دست آوردن پول، یکی از بزرگترین جرایم است. آنجا یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موظّفند، در سطوح پایین زندگی کنند. نظام اسلامی ما پرتو کوچکی از آن حقیقت درخشان است. ما هرگز این ادّعا را نکردیم و نمیکنیم ؛ امّا باید نشانه ای از او داشته باشیم. در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاه های مختلف، مدیریت ها و امضاءها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یک گناه نگاه کنند؛...اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملّت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است. این چیزی است که با نظام اسلامی و با انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف کاملاً منافات دارد. (۳)

ما دنیای آینده را می شناسیم، خصوصیاتش را اجمالاً می دانیم، آینده ساز و دست قدرتمندی که آن دنیا را بناست به وجود بیاورد و راه بیاندازد و اداره کند می شناسیم و خودمان را موظفیم آماده کنیم برای رسیدن به آن دنیا. نکته اساسی در همین است، که وقتی آینده ای را به این روشنی برای یک ملت ترسیم می کنند، این چند فایده و نتیجه بسیار مهم دارد که ما از آنها باید استفاده کنیم. یکی این است که الگوی یک جامعه اسلامی قبل از قیام قائم را به ما نشان می دهد؛ یعنی وقتی که در این روایات صحبت از تکمیل عقول هست در دوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی در این روایات صحبت از مساوات و برابری و عدم تبعیض هست، وقتی (صحبت) از ابتکار و خلاقیت هست، وقتی صحبت از این هست که منابع زیرزمینیچه معدنی و چه کشاورزیبرای انسان آشکار خواهد شد، این در حقیقت به ما الهام می دهد که اگر قبل از آن روز موعود خواستید یک جامعه ای

۱- . در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۳

۲- . بیانات در دیدار با جمعی از مسئولان و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۳- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

بسازیـد یـک دنیایی بسازیـد بایـد بر طبق آن الگو بسازیـد. بایـد چیزی شبیه سازی آن روز برای خودتان به وجود بیاوریـد، تا بتوانید در روند حرکت تاریخ به سمت آنچنان دنیائی قرار بگیرید. (۱)

هـدف بزرگ پیـامبران و هـدف قیام ولی عصـر (عجّل الله تعالی فرجه الشّـریف) تأمین عـدالت اجتماعی است. اوّلین ارزش در نظـام مـا از لحاظ عملی، بایـد تأمین عـدالت اجتماعی باشـد. این مهم بایـد در تمام برنامه ریزیها، عملها و امثال آن مورد توجّه قرار گیرد. (۲)

امام زمان علیه سـلام الله، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضـرت را میکشـنـد... وقتی ملّت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشـغول بودند، احساسشان این بود که در جهـت پیشـرفت به سـمت آرمـان بشـریت حرکت میکننـد. بعـد از پیروزی انقلاـب هم احسـاس ملّت ایران این است که هر حرکت و هر اقـداممان؛ هر مبارزه ای که کردیم و هر رنجی که تحمّل نمودیم، در جهت مقصودی است که میان آحاد بشـر و همه ی اهل معرفت مشترک است. مقصود، استقرار عدالت و هدف، رسیدن به عدل برای بشر است. (۳)

حرکت دولتمردان ما را در میـدانهای مختلف، امام زمان میبیند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف از هر آنچه که نشانه ی مسلمانی و نشانه ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر میزند، خرسند میشود. (۴)

مطلب شانزدهم. سپاه و نیروی هوایی سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

در این دسـتگاه عظیم و در این سـپاه مقدّس که به تعبیر امام رضوان الله تعالی علیه لشـکر امام زمان و لشـکر اسلام، است سعی کنید در تمام زوایا تقوا را زنده کنید. (۵)

وقتـی مجاهـدت نیروی هوایی را در طول این چهـارده سـال؛ به خصوص در دوران جنـگ به یـاد می آورم و وقتـی اطّلاعـات گونـاگونی را کـه از اوضـاع و احـوال ایـن نیرو، از آغـاز جنـگ تـا امروز داشـتم، مرور میکنـم، میـبینم مجمـوعه ی عظیمی از فداکاریها و تلاشهای صادقانه، ابتکارها و نوآوریها و به کمک

۱- . ولایت و حکومت ص ۳۰۶.

۲- . سـخنرانی در دیدار با مسـئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در آستانه یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۹/۱۱/۱۳۶۸

۳- . بیانات در دیدار میهمانان خارجی دهه ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۱۸/۱۱/۱۳۷۱.

۴- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۵- . بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۶/۶/۱۳۷۶.

اسلام شتافتن در لحظات دشوار روزهای غربت و چه بسیار کارهای عالمانه و دلسوزانه انجام گرفته است که همه ی اینها حاکی از علاقه مندی و توان فکری و علمی در زمینه های فنّی و حرکتهای عاشقانه ی خلبانان در رفتن به سمت خطرهای حتمی است. وقتی اینها را در کنار هم می گذارم و چهره ی عزیز شهدای بزرگی چون شهید بابایی و دیگران را به یاد می آورم، میتوانم در این روزهای ولادت، خطاب به ولی عصر، ولی الله الاعظم أرواحنا فداه، عرض کنم که «ای سید بزرگوار ما! ای مرکز عشق و محبّت و سوز ما و ای نقطه ی اوج امید بشر! این نیروی هوایی که ما در طول این چهارده سال دیدیم، سپاهیان تو هستند؛ سربازان تو هستند؛ نیروی هوایی تو هستند. و این افتخار بسیار بزرگی است». (۱)

مطلب هفدهم. عنایات امام زمان در دفاع مقدّس

این مردم مشتاقان و عاشقان ولی عصرند، آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این جبهه ها حضور پیدا نمیکند؟ من قویاً معتقدم که وجود مقدّس ولی عصر صلوات الله علیه همچنانی که در همه ی میدانهای مبارزه ی بزرگ ملّت ما در طول سالیان دراز حضور داشته است و به ماکمک کرده است، در این جبهه ی جنگ هم، این جنگی که مزدوران استکبار و امپریالیسم جهانی بر ما تحمیل کرده اند، در جبهه های جنگ حضور خواهد داشت. من معتقدم برکات، فضل، رأفت و رحمت پروردگار به خاطر حضور ولیش، امام برحق، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در جبهه های ما، در میان جوانان ما بر ما بیشتر خواهد بود. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این خونهای پاک و عزیز را میبیند، یقیناً برای آنها دعا میکند و ما هم باید توجّهمان و اظهار ارادتمان و ارتباطمان را با ولی عصر صلواةالله علیه هرگز کم نکنیم و قطع نکنیم. از خدا کمک بخواهیم، از آن بزرگوار دعا بخواهیم و بخواهیم که پروردگار عالم به برکت بندگان شایسته اش و به برکت وجود مقدّس بقیهالله عجل الله تعالی فرجه الشریف این سربازان شجاع و دلاور را در این جبهه ی جنگی که با ظلم و استکبار جهانی در پیش داریم، پروردگار این جوانان را تأیید کند و آنها را هدایت کند و به آنها قوّت قلب و توکل بیشتر عنایت کند. (۲)

این تجربه ی تعیین کننده ی زمان ما در طول زندگی پربرکت ولی عصر صلوات الله علیه تا امروز یک

۱- . بیانات در دیدار اعضای نیروی هوایی ارتش در روز نیروی هوایی، ۱۹/۱۱/۱۳۷۱.

۲- . در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۳۸۳.

تجربه ی بی نظیر بوده است. من در همین روزهای اخیر احساسی در دلم بود که این احساس را به بعضی از دوستان هم گفتم و به شما هم میگویم، در روز پانزدهم دی من این احساس را در خود ناگهان وجدان کردم که صاحب این میدان، صاحب این بیابانها، صاحب این صحنه ی پرشور و عظیم، ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و بی گمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم اکنون با جسم و حضور جسمی و بدنیش یا با توجّهش، در میان این جنگ آوران و جنگجویان است. (۱)

۱- . در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۵۵.

بخش هشتم: ظهور و حکومت اما م زما ن عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

مطلب اوّل. مسایل کلّی حکومت

گفتار اوّل.ضرورت تشکیل حکومت

مهم ترین و حسّاس ترین مسأله ی هر ملّتی، همین مسأله ی حکومت، ولایت، مدیریت و حاکمیت والای بر آن جامعه است، این تعیین کننده ترین مسئله برای آن ملّت است. ملّت ها هر کدام به نحوی، این قضیه را حل کرده اند؛ ولی غالباً نارسا و ناتمام و حتّی زیانبخش. (۱)

اینجا تز اسلامی با بعضی از تزها و ایده های دیگر مایز و محل افتراقش معلوم میشود. تز اسلامی نمیگوید که حکومت، روزی خواهد بود که لازم نباشد، نه؛ ایده ی اسلامی پیش بینی نمیکند آن روزی را که در جامعه، دولت و حکومت نباشد، نه خیر؛ درحالی که بعضی از مکتبها پیش بینی میکنند آن روزی را که جامعه، جامعه ی ایده آل است و یکی از خصوصیاتش این است که دیگر دولت و حکومت در آن جامعه نیست؛ نه، اسلام این را پیش بینی نمیکند. خوارج زیر بهانه ی حکومت الهی بودند که میگفتند: علی بن ابیطالب نباید باشد. میگفتند: «لَا حُکمَ إِلَّا لِلَّهِ»؛ حکومت برای خداست. امیرالمؤمنین در جواب این میگوید: «کلمهُ حقٍّ یرادُ بِها الباطل»؛ سخن، سخن درستی است، حاکم واقعاً خداست؛ آن کسی که مقرّرات را میگوید و سررشته ی زندگی را به دست میگیرد واقعاً خداست، امّا شما میگویید: «لَا حُکمَ إِلَّا لِلَّهِ» یا میگویید: «لَا إِمْرَةَ إِلَّا لِلَّهِ»؟! قانون و حکومت برای خدا، مجری قانون کیست؟ آن را هم شما میگویید که غیر خدا کسی نباید مجری قانون باشد؟! بعد لذا در جواب این سخن میگوید: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ»؛ بالأخره انسانیت و جامعه ی بشری، امیر لازم دارد. حاکم و فرمانروا لازم دارد؛ این طبع انسانی است که باید زندگی اش با یک مجری قانون همراه باشد. بودن قانون کفایت نمیکند؛ باید کسی باشد تا اینکه این قانون را اجرا کند و نظارت کند بر اجرای دقیق و صحیح این قانون. (۲)

گفتار دوّم. حاکمیت تنها از آن خداست

آن کسی که ولیّ واقعی جامعه است، او «خدا» است. حاکم در جامعه ی اسلامی غیر از خدای متعال شخص دیگری نیست. این مطلبی است که توحید هم همین را به ما میگفت و نبوّت هم

۱- . دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۰/۴/۱۳۶۹.

۲- . ولایت و حکومت، ۸۱-۸۲.

همین اصـل را برای مـا مسـلّم میکرد. حالاـ می بینیـد که ولاـیت هم این مطلب را به ما میگویـد: اساساً همیشه بایـد اصول یک مطلب و یک مسـلک همین طور باشـد، که هر یک از اصـلها، نتیجه ای بدهـد که اصل های دیگر، آن نتیجه را میدهنـد و این طور نباشد که از یکی از اصول مکتب، ما یک استنتاجی بکنیم که ضد آن را از اصل های دیگر آن استنتاج میکنیم و متأسفانه در اسـلامی که در ذهن و دل بعضی از ساده دلان مسلمان امروز است، از بعضی از اصولش چیزهایی استنتاج و استنباط میشود که ضدّ آن را میتوان از اصول دیگر آن اسـتنباط کرد. بنابراین آن کسی که در جامعه ی اسلامی حقّ امر و نهی و فرمان و حق اجرای اوامر و معین کردن خط مشـی جامعه و خلاصه حقّ تحکم در همه ی خصوصـیات زندگی انسانها را دارد، خداست؛ «وَ اللّهُ وَلی المُؤمِنین». (۱)

گفتار سوّم. حکومت، لازمه ی حاکمیت خدا بر جامعه

صحبت بر سـر این است که قوانین زنـدگی انسانها و روابط فردی و اجتماعی جامعه ی بشـر هم بایـد از خدا الهام بگیرد، یعنی حاکم و فرمانروای قانونی در جامعه ی الهی، اسـلامی، قرآنی و در ظلّ نظام اسلامی و حکومت نظام عِلوی فقط خداست. حالا این سؤال پیش می آیـد که «حاکم خـداست» یعنی چه؟ خـدای متعال که با مردم روبه رو نمیشود تا امر و نهی کند و از طرفی انسانها هم احتیاج دارنـد که یک انسانی بر آنها حکومت کند، یک انسانی لازم است که سـر رشـته ی کار انسانها را به دسـت بگیرد. والّا اگر چنانچه در میان جامعه ی انسانی و بشـری، فقط قانون باشد ولو آن قانون از طرف خدا باشد، ولی امیری یا یک هیئتی نباشد که حکومت کند و خلاصه اگر ناظری بر اجرای قانون در جامعه ی بشـری نباشد، انتظام جامعه ی بشری باز هم به هم خورده است؛ امّـا این انسـان چه کسـی میتوانـد باشـد؟ آن انسان یا انسانهایی که قرار است به بشـر و جامعه ی بشـری عملاً فرمانروایی کنند، عملاً ولی جامعه باشند و عملاً ولایت جامعه را به عهده بگیرند اینها چه کسانی میتوانند باشند؟

به این سؤال پاسخ های متفاوت داده شده. پاسخ واقعیت های تاریخی هم به این سؤال گوناگون بوده است. عدّه ای گفتند: هر که غالب شد، یعنی حکومت جنگل، عدّه ای گفته اند: هر کسی که از طرف مردم مورد قبول باشد، عده ای دیگر براین عقیده انـد که هر کس از دودمان چنین و چنان باشـد و چنـد نظر دیگر بر طبق عقیده ی خویش. پاسخ دین و مکتب به این سؤال این است که «إِنَّما

۱- . طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۷۸.

وَلیکُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ» آن کسـی که عملاً ـ در جامعه زمام فرمان و امر و نهی را از سوی پروردگار عالم به دست میگیرد، «رسول» اوست. لذا در جامعه وقتی که پیغمبری آمد، معنی ندارد که با بودن پیغمبر حاکم دیگری به جز پیغمبر بر مردم حکومت بکند. پیغمبر یعنی همان کسی که باید زمام قدرت را در جامعه به دست بگیرد. حاکم باشد، امّا وقتی که پیغمبر از دنیا رفت، تکلیف چیست؟ و وقتی که پیغمبر خـدا مثـل همه ی انسانهای دیگر از دنیا رفت و جان به جان آفرین تسـلیم کرد، آنجا چه کنیم؟ آیه ی قرآن پاسـخ میدهـد: «وَالَّذینَ آمَنوا»، مؤمنان ولی شـما هسـتند. کـدام مؤمنان؟ هر که به مکتب و دین ایمان آورد، او ولی و حـاکم جـامعه ی اسـلامی است؟! اینکه لازم است که به عـدد همه ی نفوس مؤمن حاکم داشـته باشـیم، آیه ی قرآن میخواهد ضمن آنکه روی انسـان معلوم مشخّصـی انگشت میگـذارد و کسـی را که در نظر شارع و قانونگـذار اسـلام مشـخّص است، بر مردم حکومت میدهد، میخواهد علّت انتخاب یا انتصاب او را هم بگوید و به این وسیله معیار به دست بدهد، بنابراین در اسلام ولی امر آن کسـی است که فرسـتاده ی خداست، آن کسی است که خود خدا معین میکند؛ چون فرض این است که به حسب طبیعت خلقت و آفرینش هیـچ انسـانی حق تحکّم بر انسانهای دیگر را نـدارد. تنها کسـی که حقّ تحکّم دارد خـداست و چون خدا حق تحکّم دارد، خدا میتواند طبق مصلحت انسانها این حق را به هر کسی که میخواهد، بدهد و میدانیم که کار خدا بیرون از مصلحت نیسـت، دیکتـاتوری نیست، قلـدری نیست، زورگـویی نیست. کـار خـدا طبق مصـلحت انسانهـا است و چـون طبق مصـلحت انسانهاست، پس بنابراین او معین میکنـد و ما هم تسـلیم می شویم. او پیغمبر و امام را معین میکنـد و برای بعد از امام نیز صـفاتی را معین میکنـد که اینها بعـد از ائمّه ی هـداه معصومین، حاکم بر جامعه ی اسـلامی هسـتند. پس ولی را خدا معین میکنـد، خودش ولی است؛ پیغمبرش ولی است؛ امامها ولی هسـتند. امام های خانـدان پیغمبر تعیین شـده اند که دوازده نفرند و در رتبه ی بعـد، کسـانی که با یک معیارها و ملاک های خاصـی تطبیق بکننـد و جور بیاینـد، آنها از برای حکومت و خلافت معین شده اند. (۱)

گفتار چهارم. پیامبران حاکمان اصلی جامعه از جانب خدا

در جامعه، حکومت خدا باید در حکومت و امارت و ولایت یک انسانی مجسّم بشود. پس خدای

۱- . طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۷۹-۵۸۰.

متعال این حکومت را تفویض میکند به انسانهایی. این انسانها چه کسانی هستند؟ پیغمبران؛ در درجه ی اوّل، حاکم الهی پیغمبرانند که باز این هم در قرآن در آیات متعددی مورد توجّه قرار گرفته: یکجا از قول مومنین خطاب به خدای متعال میفرماید که مؤمنین به خدا عرض کردند: «وَ اجعَل لَنا مِن لَدُنکَ وَلِیا»؛ برای ما از سوی خود یک ولی و حاکم قرار بده. یا در آیه ی دیگر میفرماید که: «إِنَّما وَلِیکُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ»؛ ولی شما، خدا و رسولند. نه اینکه رسول، شریک خداست- چون خدا شریک را قبول نمیکنددرسول نایب خداست؛ جانشین خداست؛ مظهر حاکمیت و ولایت خداست. یا در آیه ی دیگر میفرماید:«وَ ما آتاکُمُ الرَّسولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُم عَنهُ فَانتَهُوا»؛ این آیه یک نکته ای دارد، میفرماید آنچه را که پیامبر به شما گفت، از او بپذیرید؛ آنچه شما را از او نهی کرد از آن اجتناب کنید. ظاهر این سخن نشان میدهد که این سخن، خطاب به مؤمنینی است که اصل وحی خدا و دین خدا را قبول کردند؛ وحی خدا را از پیغمبر گرفتند؛ آیات قرآن را و احکام الهی و شرعی را پذیرفتند؛ به اینها خدا میگوید: هرچه پیغمبر گفت، قبول کنید. پس روشن است که هرچه پیغمبر گفت، منظور احکام شرعی نیست- چون مردم احکام شرعی را از پیغمبر گرفتند، به آن ایمان آوردند و به آن عمل هم کردنداین یک چیز اضافه را به مردم میگوید؛ اگر این پیغمبر به شما حکمی داد؛ دستوری داد، اجرای کاری را خواست؛ دخالت در جان و نفس و مال شما کرد شما باید او را قبول کنید؛ یعنی همان حکم حکومتی؛ یعنی آن دخالت اجرایی در امور مردم. خب، پس ولایت الهی به پیغمبر منتقل شد. (۱)

گفتار پنجم. ایجاد حکومت الهی فلسفه ی تلاش همه ی انبیا

اقامه ی دین، وظیفه است. حاکمیت دین، هدف مهم همه ی ادیان است؛ «لِیقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». قیام به قسط، قیام به عدل و حاکمیت الهی، هدف بزرگ ادیان است. اصلاً ائمه ی ما علیهم الصّلاه و السّلام تمام زجر و مصیبتشان به خاطر این بود که دنبال حاکمیت الهی بودند؛ و الّا اگر امام صادق و امام باقر صلوات الله علیهما یک گوشه می نشستند و چند نفر دور خودشان جمع میکردند و فقط یک مسئله ی شرعی میگفتند، کسی به آنها کاری نداشت. خود امام صادق علیه السلام در یک حدیث میفرماید: «هَذَا أَبُو حَنِیفَهَ لَهُ أَصْحَابٌ وَ هَذَا الْحَسَنُ الْبَصْرِی لَهُ أَصْحَاب»؛ ابوحنیفه اصحاب دارد، حسن بصری اصحاب دارد.

۱- . ولایت و حکومت، ص ۸۱-۸۲. پاورقی ۱.

پس، چرا به آنها کاری ندارنـد؟ چون میدانند که آن حضـرت داعیه ی امامت دارد؛ امّا آنها داعیه ی امامت نداشـتند. ابوحنیفه داعیه ی امامت نـداشت. این علمای معروف اهل سنّت - محدّثان و فقهایشان - داعیه ی امامت نداشـتند. اینها امام زمان را که هارون، منصور و عبدالملک بود، قبول داشـتند. اینها ادّعای امامت نداشتند؛ کسی که ادعای امامت داشت، او همین امام مظلوم و عزیز ما بود؛ امام صادق علیه السّـلام، امام باقر(علیه السّـلام)، امام موسـی بن جعفر علیه السّـلام. آنها، این را میفهمیدند؛ یعنی واضح بود. البتّه گاهی در مقابل خلفا تقیه میکردند، امّا معلوم بود که داعیه ی امامت داشتند. شیعیان آنان در همه جا تعبیر این معنا را میکردند. پس درست توجّه کنید، مسئله، مسئله ی داعیه خلافت و امامت بود. در راه این داعیه، ائمّه ی ما کشته شدند، یا به زندان رفتند. امامت یعنی چه؟ آیا یعنی همین که مسئله بگویی، و دنیا را دیگری اداره کند؟ آیا معنای امامت در نظر شیعه و در نظر مسـلمین این است؟ هیچ مسـلمانی این را قایل نیست؛ چه طور من و شـمای شیعه میتوانیم به این معنا قایل باشیم؟ امام صادق دنبال امامت بود؛ یعنی ریاست دین و دنیا - منتها شـرایط جور نمی آمـد؛ امّا ادعا که بود؛ برای خاطر همین ادّعا هم آن بزرگواران را کشتند. پس، این معنای حاکمیت دین است که پیامبران برایش مجاهدت کردند، و ائمّه برایش کشته شدند. (۱)

گفتار ششم. انتقال حاکمیت خدا از رسول به ائمّه دوازده گانه

از پیغمبر هم- به اتّفاق همه ی مسلمین- ولایت و حکومت به غیر پیغمبر منتقل شده است. حالا به چه کسانی منتقل شده؟ این، بین فِرَق مسلمین، محلّ اختلاف است. شیعه در این بین، معتقد است که ولایت پیغمبر منتقل شده است به ائمّه ی معصومین که دوازده نفر هستند. (۲)

قضـیه نصب امیرالمومنین علیه الصّلاهوالسّـلام به ولایت و خلافت آن قدر مهم است که.... اصل رسالت پیغمبر، با انجام ندادن این کـار، مورد خـدشه قرار میگیرد و پـایه اش متزلزل میشود. احتمال این هم هست. کأنّه اصل رسالت، تبلیغ نشـده است! یعنی موضوع تشکیل حکومت، امر ولایت و امر مدیریت کشور، جزو متون اصلی دین است و پیغمبر، با این عظمت اهتمام میورزد و این رسـالت خود را در مقابـل چشم آحاد مردم، به کیفیتی انجام میدهـد که شایـد هیـچ واجبی را این گونه ابلاغ نکرده است. (۳)

۱- . بیانات در جمع علما و روحانیون استان لرستان ۳۰/۵/۱۳۷۰.

۲- . ولایت و حکومت، ص ۸۲؛ پاورقی.

۳- . بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت عید غدیرخم، ۱۸/ ۲/۱۳۷۵.

شما میبینید امیرالمؤمنین (علیهالصّلاه والسّلام) که مظهر ولایتِ اسلام و مصداق کامل ولی ای است که برای مردم مشخّص شدهاست، در هیچ برهه ای، از این حالت ارتباط، اتّصال و انسجام با مردم خالی نبودهاست. نه در دورانی که او را عملاً از حکومت کنار گذاشتند و مردم را از او به عنوان ارتباطِ حکومتی جدا کردند - یعنی عملاً حکومت را از او گرفتند - ولایت، حکومت، فرماندهی و حکمرانی ای که در اسلام، از آن به «ولایت» تعبیر میشود و حقّ او بود، از او سلب کردند - البتّه ولایت معنوی، آن چیزی که در امامت تشیع فرض شده است و وجود دارد، در هر حال هست و بسته به ولایت ظاهری نیست - و نه در دوره های دیگر، از ارتباط و اتّصال با مردم خالی نبودهاست. در همان وقت هم امیرالمؤمنین یکی از آحاد ملّت و جزو مردم است. منزوی، منعزل و کناره جوی از مردم نیست. آن وقتی هم که به حکومت میرسد، یک حاکم به تمام معنا مردمی است. (۱)

گفتار هفتم. حکومت اسلامی، هدف سیاسی مبارزات ائمّه علیهم السلام

مردم و شیعیان گمان نکنند که ائمّه علیهم السلام آمدند تا یک مقدار مسایل دینی را و اخلاقیات را برای مردم بگویند و بروند، نه اینها هدف سیاسی داشتند. ائمّه علیهم السلام هدف سیاسی ای داشتند که در حقیقت آن هدف سیاسی بزرگترین هدف نزدیک بعثت پیغمبران است و آن چیه؟ و آن قیام حکومت اسلامی است. ائمّه برای این تلاش میکردند این مبارزه ی طولانی فقط برای بیان احکام و معارف نبود. این مبارزه برای ایجاد یک حکومت عادلانه ی اسلامی بود که آن روز وجود نداشت. اینی که امروز شما دارید، این حکومت اسلامی، اینی که در رأس جامعه و نظام یک امام، یک وارث رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمّه علیهم السلام، یک انسان مؤمن، متّقی، زاهد، عارف و متمسّک به حبل الهی قرار داشته باشد و جامعه بر اساس اسلام، دین، قرآن و معارف اسلامی اداره بشود، این آرزوی بزرگ ائمّه ی هدی علیه الصلاهوالسلام بوده. در راه این هدف مبارزه کردند، زجر کشیدند و در راه این هدف هم به شهادت رسیدند و محصول آن تلاشها و یادگار آن همه مبارزات، آموزشها، گفتنها، شنیدنها، زندان رفتنها، کشته شدنها، تربیت کردنها و خون دل خوردن ها این چیزی است که امروز برای دنیا مانده، به نام اسلام و قرآن و نقطه اوج آن، آن چیزی است که امروز در اختیار شماست؛ یعنی

۱- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیرخم، ۶/ ۲/۱۳۷۶.

حاکمیت اسلام و مطمئنّیم که به برکت آن مبارزات ان شاءالله این حرکت ملّت ایران یک حرکت باثبات و بادوامی است و گسترش یابنده به همه ی جهان اسلام و باید ان شاءالله همین حرکت یعنی حاکمیت اسلام پیش برود تا برسد به آن نقطه ای که باز زمام قدرت دست اهل بیت علیهم السلام مباشرتاً قرار بگیرد و ولی امر و مهدی موعود علیه الصلاه و السلام و عجل الله تعالی فرجه الشریف آرزوی بزرگ پیغمبران و ائمّه را به نحو اتمّ و اکمل ان شاءالله برآورده کنند. (۱)

آنچه که از روایات مربوط به زندگی ائمّه علیهم السّلام به دست می آید و شواهد زیادی بر آن وجود دارد، این است که ائمّه علیهم السّلام جداً میخواستند نظام اسلامی به وجود آورند. این کار- آن طور که تصوّر میشود- با علم و معرفت امام منافات ندارد. آنها واقعاً میخواستند نظام الهی برقرار کنند. اگر برقرار میکردند، تقدیر الهی همان بود. تقدیر الهی و اندازه گیری ها در علم پروردگار، با شرایط گوناگون اختلاف پیدا میکند. (۲)

این رشته، همان خطّ جهاد و مبارزه ی ائمّه علیهم السّلام است که در تمام دوران دویست و پنجاه ساله و در شکلهای گوناگون استمرار داشته و هدف از آن، اوّلاً- تبیین اسلام ناب و تفسیر صحیح قرآن و ارایه ی تصویری روشن از معرفت اسلامی است و ثانیاً، تبیین مسئله ی امامت و حاکمیت سیاسی در جامعه ی اسلامی و ثالثاً، تلاش و کوشش برای تشکیل آن جامعه و تحقّق بخشیدن به هدف پیامبر معظّم اسلام (صلّی الله علیه و آله) و همه ی پیامبران؛ یعنی اقامه ی قسط و عدل و زدودن أنداد الله از صحنه ی حکومت و سپردن زمام اداره ی زندگی به خلفا الله و بندگان صالح خداوند. (۳)

گفتار هشتم. حکومت بالاتر از همه ی احکام فرعیه و جزو اصول اسلامی

دین یک مجموعه احکام است. آن چیزی است که این مجموعه احکام را با هم منسجم میکند، آنها را با هم سازگار میکند، آنها را در زندگی بشر خرد و قابل عمل میکند، جابه جا از آنها برای هدایت انسانها و رفاه زندگی آنها استفاده میکند، آن دست قدرتمند ولی جامعه ی اسلامی است و حاکم اسلامی. لذا در روایت معروف امام هشتم علیه الصلاه والسلام میفرماید: «الامامه زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عزّ المؤمنین»؛ امامت و رهبری جامعه و حکومت اسلامی و ولایت اسلامی –

۱- . بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۲۵ /۶/۱۳۶۷.

۲- . سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه ی روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمّه جماعت، ۱۱/۵/۱۳۶۸.

۳- . پیام به سوّمین کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۲۶/۷/۱۳۶۸.

که همه ی این تعبیرات یک معنا دارد - این زمام دین است؛ چیزی است که به دین؛ یعنی به مجموعه احکام اسلامی جهت میدهد؛ آنها را در جای خود مصرف میکند؛ در زندگی بشر نیازها را با آنها تطبیق میکند؛ مصالح جامعه را از میان آنها جستجو میکند و پیدا میکند و طبق آن عمل میکند. «نظام مسلمین است»؛ یعنی بدون امامت و ولایت و حکومت اسلامی، جامعه ی مسلمین دارای نظام نیست؛ آنچه که نظم میبخشد به این جامعه، باز دست مقتدرِ ولایت الهی است در جامعه. «وَ صَلَاحُ الدُّنْیا»؛ اصلاً صلاح دنیا، آن چیزی که دنیا را آباد میکند، او حاکمیت اسلامی است؛ که اگر این را ما از دین بگیریم، مطمئنّاً از مجموعه ی احکام دین، چیزی که بتواند این آثار را داشته باشد، باقی نخواهد ماند. بله! افرادی با عمل فردی و شخصی خودشان، با تلاش فراوان و مجاهدتی که بکنند، راه تکامل را به صورت فردی طی خواهند کرد، امّا دنیا، دنیای آبادِ مورد نظر اسلام نخواهد شد. این اهمیت حکومت است که از همه ی احکام فرعیه بالاتر است و جزو اصول اسلامی است و در ردیف مهم ترین اصول یا - همان طور که عرض کردم - خود، مهم ترین اصول اسلامی است. (۱)

گفتار نهم. ولایت تعبیر اسلام از حکومت

ولایت یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه ی اسلامی متعلّق به خداست، و از خدای متعال به پیامبر، و از او به ولی مؤمنین میرسد. (۲)

اسلام، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان میکند و شخصی را که در رأس حکومت قرار دارد، به عنوان والی، ولی، مولا؛ یعنی اشتقاقات کلمه ی ولایت معرّفی میکند. معنای آن چیست؟ معنای آن، این است که در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت بر آنها در اختیار اوست، ارتباط و اتّصال و پیوستگی جدایی ناپذیری از هم دارند. این، معنای این قضیه است. این، فلسفه ی سیاسی اسلام را در مسأله ی حکومت برای ما معنا میکند. هر حکومتی که این طور نباشد، این ولایت نیست؛ یعنی حاکمیتی که اسلام پیش بینی کرده است، نیست. (۳)

۱- . ولایت و حکومت، ۲۲۹-۲۳۰.

۲- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان، ۲۶/۱/۱۳۷۰.

۳- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیرخم، ۶/۲/۱۳۷۶.

گفتار دهم. امتیازهای حکومت اسلامی بر سایر حکومتها

در جامعه ای که مردم اعتقاد به خدا دارند و اعتقاد به دین و شریعت اسلامی دارند، حاکم و ولی امر باید کسی باشد که تجسّم مکتب باشد؛ یعنی حکومت او، حکومت مکتب باشد. البتّه نوع حکومت او هم با نوع حکومت های معمولی در عالم متفاوت است؛ حکومت او حکومت جبر و زور نیست؛ حکومت اخلاق است؛ حکومت دین است؛ حکومت حکمت است؛ حکومت معرفت است؛ حکومت برادری است؛ یعنی امام و ولی امر در جامعه ی اسلامی با انسانهای دیگر برادر است؛ با آنها با عاطفه ی برادری و با رابطه ی برادری زندگی میکند. (۱)

اگر ولایت اسلامی باشد، زندگی زیر سایه ی امیرالمؤمنین علیه السلام برای همه حاصل خواهد شد - برای مؤمن، برای فاسق و برای کافر - حتّی کفّار هم در آن راحت زندگی میکنند. این طور نیست که در آن، فقط آدم های پرهیزکار، راحت باشند، غیر پرهیزکار هم از امنیت آن محیط، از مساوات، از عدالت و از آرامش معنوی در آن محیط، استفاده میکند. اگر حکومت الهی نشد، جامعه، جامعه ی تبعیض آمیز است. تبعیض هم انواعی دارد. (۲)

در نظام اسلامی یک خصوصیاتی وجود دارد که نمیتواند مثل نظامهای استبدادی حرکت بکند - چه استبدادی های قدیم که علناً، صریحاً، دهانها را می بستند و دهانها را میشکستند و انسانها را نابود میکردند، چه دیکتاتوری به سبک جدید که در کشورهایی که ظاهراً دموکراسی هستند، باطناً استبدادی حکم فرماست - چون اینها خلاف شرع است؛ چون تعرّض به حیثیت انسانهاست. همچنین نمیتواند مثل نظام هایی که حقیقتاً دموکراسی در آنجا برقرار است - به معنای حاکمیت و آزادی مطلق انسانها در همه ی زمینه ها، جز آنچه که به مصالح کشور مربوط باشد - این را هم نمیتواند نظام اسلامی تحمّل بکند. یعنی فرض بفرمایید که کسی در خفا یک گناهی کرده است، اقامه ی بینه میشود پیش شما، شما حدّ بر او جاری میکنید؛ خب اینکه علی الظّاهر یک امر شخصی است. یا انسانها اگر چنانچه گناهکار باشند، نظام اسلامی میخواهد آنها را از ظلمات گناه به نور هدایت الهی و تقوا رهنمون بشود. این جزو وظایف است؛ این جزو وظایف دولت سوئد نیست؛ جزو وظایف دولت امریکا نیست. این [را] برای خودشان وظیفه نمیدانند، امّا در نظام اسلامی اینها

۱- . بیانات مقام معظّم رهبری در خطبه ی نماز جمعه، ۳۰/۲/۱۳۶۲.

۲- . بیانات رهبر معظّم انقلاب به مناسبت عید سعید غدیرخم، ۱۶/۱/۱۳۷۸.

هست. پس حفظ آزادیها از یک طرف، حفظ حیثیت انسانها از یک طرف، حفظ جهتگیری صحیح انسانها از یک طرف. خب در کنار این همه، مقابله ی این نظام است با همه ی ارزش های رایجی که امروز قدرت های مسلّط عالم، چهاردستی به آن چسبیده اند و میخواهند آنها را بر همه ی دنیا تحمیل کنند؛ مثل همین آزادی های فردی خلاف مصلحت و خلاف حق. مثل تعرّض به انسانهای ضعیف، مثل میدان دادنِ مطلق به سرمایه و پول؛ که امروز در نظامهای سرمایه داری عالم، مطلقاً پول مسلّط است؛ حتّی در میدان قانون گذاری و میدان قضاوت. خب! با همه ی این ارزشهای باطل، این نظام دارد مقابله میکند و ارزش الهی را دارد در مقابل چشم انسانها قرار میدهد و اینجا هم او را تطبیق میکند با واقعیت و آن را پیاده میکند. (۱)

مطلب دوّم. چشم انداز ظهور و حکومت مهدوی

گفتار اوّل. معنای صحیح از حکومت جهانی مهدوی

اجمال مسئله ی حضرت مهدی علیه الصّلاهوالسّلام در اسلام این است که همه ی فرقه های اسلامی - چه شیعه و چه سنّی - متّفقند که در پایان دوره ی جهان، یک دوره ای وجود خواهد داشت که در آن یک حکومت الهی کامل و جامع با سیطره بر شرق و غرب عالم به عنوان حکومت مهدی تشکیل خواهد شد و در این دوران احکام اسلامی به طور کامل و جامع اجرا خواهد شد و این بدین معناست که تا قبل از دوران حضرت مهدی علیه الصّلاهوالسّلام اسلام به صورت کامل و جامع در سطح جهان پیاده نشده است. نه اینکه در سطح دل یک انسان یا زندگی یک جامعه در ابعاد متعدّد هم اسلام پیاده نشده، بلکه بدین معنا که مقصود و هدف اصلی پیغمبر اسلام و همه ی نبوّتها که بازسازی عالم، بازسازی انسان، رفع ظلم و رفع کفر و مقابله با نفاق و غلبه ی جنود رحمان بر جنود شیطان است، جز در زمان آن حکومت تحقّق پیدا نخواهد کرد و تحقّق پیدا نکرده است؛ و این همان مطلبی است که امام بزرگوار ما که گذشته از جنبه شخصیت سیاسی جهانی یک متفکّر و حکیم برجسته ی اسلامی هستند، تاکنون چند مرتبه تکرار کردند و در گوشه و کنار در بعضی کشورهای اسلامی ایادی دست نشانده ی حکومتها روی این مسئله جنجال کردند که چرا شما می گویید که هدف از بعثت خاتم الانبیا تاکنون محقّق نشده و حقیقت این

۱- . بیانات رهبر معظّم انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۸/۱۰/۱۳۷۲.

است که این هـدف محقّق نشده. اگر محقق شده بود، امروز در دنیا باید ظلم، تبعیض، کفر، فساد، جهل و این همه نابه سامانی وجود نمیداشت. چون هـدف پیغمبر به صـریح آیه ی قرآن «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّه» این است که آیین نبوی و الهی بر همه ی جوامع و بر همه ی برنامه ها و آیین های دیگر غلبه پیدا کند و ما به وضوح می بینیم که این کار نشده. (۱)

گفتار دوّم. فواید ترسیم چشم انداز ظهور

وقتی آینـده ای را به این روشـنی برای یک ملّت ترسـیم میکننـد، این چنـد فایـده و نتیجه ی بسـیار مهم دارد که ما از آنها باید استفاده کنیم. (۲)

الگوسازی از جامعه ی مهدوی برای امروز

یکی این است که الگوی یک جامعه ی اسلامی قبل از قیام قائم را به ما نشان میدهد؛ یعنی وقتی که در این روایات صحبت از تکمیل عقول هست در دوران حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف وقتی در این روایات صحبت از مساوات و برابری و عـدم تبعیض هسـت، وقـتی از ابتکـار و خلاـقیت هسـت، وقـتی صـحبت از این هست که منـابع زیرزمینی - چه معـدنی و چه کشـاورزی - برای انسـان آشـکار خواهـد شـد، این در حقیقت به ما الهام میدهـد که اگر قبل از آن روز موعود خواستیـد یک جـامعه ای بسازیـد، یـک دنیایی بسازیـد بایـد بر طبق آن الگو بسازیـد. بایـد چیزی شبیه سازی آن روز برای خودتان به وجود بیاورید، تا بتوانید در روند حرکت تاریخ به سمت آنچنان دنیایی قرار بگیرید. (۳)

امیدواری و عدم خستگی در مبارزه ی ملّتها

یک تأثیر دیگر و نتیجه ی دیگری که ترسیم این دنیا برای ما دارد، این است که یأس و نومیدی را از دل ملّتها میزداید. میدانیم که مبارزه ی ما مؤثر و دارای نتیجه است. گاهی افرادی که با این بعُد از تفکّر اسـلامی آشـنا نیسـتند، در مقابل معادلات عظیم مـادّی جهان دچار حیرت و یأس میشونـد، احساس میکننـد با این قـدرتهای عظیم، با این تکنولوژی پیشـرفته، با این سـلاحهای مخرّب با بودن بمب اتمی در دنیا یک ملّت حالا انقلاب هم بکند، مگر چقدر میتواند مقاومت کند؟ احساس میکنند

۱- . ولایت و حکومت،ص ۳۰۴.

۲- . همان، ص ۳۰۶

۳- . همان.

که برایشان استقامت در مقابل فشار قدرت ظلم و استکبار ممکن نیست؛ امّا اعتقاد به مهدی، اعتقاد به روزگار دولت اسلامی و الهی به وسیله زاده ی پیغمبر و امام زمان، این امید را در انسان به وجود می آورد که نه، ما مبارزه میکنیم برای اینکه عاقبت متعلّق به ماست؛ برای اینکه نهایت کار ما یک وضع آنچنانی است که دنیا باید در مقابل او خاضع و تسلیم بشود و خواهد شد. برای اینکه روال تاریخ به سمت آن چیزی است که ما امروز پایه اش را ریختیم، نمونه اش را درست کردیم، ولو نمونه ی ناقصش، این امید اگر در دل ملّتهای مبارز - مخصوصاً ملّتهای اسلامی - به وجود بیاید یک حالت خستگی ناپذیری به آنها خواهد داد که هیچ عاملی نمیتواند آنها را از میدان مبارزه روگردان کند و آنها را به شکست درونی و انهزام درونی دچار کند. (۱)

گفتار سوّم.جامعه ی مهدوی جامعه ی آرمانی همه ی پیامبران

جامعه ی مهدوی؛ یعنی آن دنیایی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می آید تا آن دنیا را بسازد، همان جامعه ای است که همه ی پیامبران برای تأمین آن در عالم ظهور کردند. یعنی همه ی پیغمبران مقدّمه بودند تا آن جامعه ی ایده آل انسانی که بالأخره به وسیله ی ولی عصر و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در این عالم پدید خواهد آمد و پایه گذاری خواهد شد، به وجود بیاید. مانند یک بنای مرتفعی که کسی می آید، زمین آن را تسطیح میکند و خار و خاشاک را از آن میکند. کس دیگری پس از او می آید و زمین را برای پایه ریزی، میکند و گود میکند. کس دیگری پس از او می آید، تا پایه ها را شالوده ریزی کند و بلند کند و کس دیگری پس از او می آید تا دیوارها را بچیند و یکی پس از دیگری، مأموران و مسئولان می آیند تا این کاخ مرتفع، این بنیان رفیع، به تدریج در طول زمان ساخته و پرداخته بشود... آن جامعه ای که در دوران ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود خواهد آمد؛ همان جامعه ای است که همه ی پیغمبران الهی برای تهیه ی مقدّمات آن از جانب الهی مبعوث شدند؛ یعنی، ایجاد یک جامعه ای که بشریت در آن جامعه بتواند به رشد و کمال متناسب خود برسد. اگر این آیه ی قرآن که درباره ی بعثت پیامبران می فرماید: «لِیقوُم النّاس بِالقِسط»؛ یعنی، پیغمبران مبعوث شدند تا قسط و عدل در جامعه ی بشری استوار بشود، اشاره به هدف بعثت میکند. پس حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- . همان. ص ۳۰۶-۳۰۷.

و جامعه ی مهدوی، همان جامعه ای است که این هدف را به طور کامل تأمین میکند. (۱)

گفتار چهارم.عصر ظهور، زمان زندگی حقیقی و فراهم بودن بهترین شرایط زندگی

دوره ی ولی عصر أرواحنا فداه، دوره ی آغاز زندگی بشر است؛ دوره ی پایان زندگی بشر نیست. از آنجا حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این خانواده عظیم بشری تازه شروع خواهد شد و استفاده از برکات این کره ی خاکی و استعدادها و انرژی های نهفته در این فضا، برای انسان بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن ممکن خواهد شد. (۲)

در خلقت بشر و تاریخ طولانی بشریت حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت این است که این ستیزه ی میان حق و باطل، یک روز به سود حق و به زیان باطل پایان خواهد گرفت و از آن روز به بعد دنیای حقیقی بشر، زندگی مطلوب انسان آغاز خواهد شد. (۳)

همه ی حرکتی که بشریت در سایه ی تعالیم انبیا، در طول این قرون متمادیه انجام دادند، حرکت به سمت جاده ی آسفالته ی عریضی است که در دوران حضرت مهدی (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جادّه حرکت خواهد کرد. مثل اینکه یک جماعتی از انسانها در کوه و کمر و راه های دشوار و باتلاق زارها و خارستانها با راهنمایی های کسانی همین طور حرکت دارند میکنند تا خودشان را به آن جادّه ی اصلی برسانند. وقتی به جادّه ی اصلی رسیدند، راه باز است؛ صراط مستقیم روشن است؛ حرکت در آن آسان است؛ راحت در آن راه حرکت میکنند. وقتی به جادّه ی اصلی رسیدند، این جور نیست که حرکت متوقف بشود؛ نه، تازه حرکت به سمت اهداف والای الهی شروع میشود؛ چون ظرفیت بشر یک ظرفیت تمام نشدنی است. در طول این قرون متمادی، بشر از کج راهه ها، بیراهه ها، راه های دشوار، سخت، با برخورد با موانع گوناگون، با بدن رنجور و پای مجروح شده و زخم آلود، در بین این راه ها حرکت کرده است تا خودش را به این جادّه ی اصلی برساند. این جادّه ی اصلی همان جادّه ی زمان ظهور است؛ همان دنیای زمان ظهور است که اصلاً حرکت بشریت به

۱- . در مکتب جمعه، ج۳، ص ۲۵۰.

۲- . بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

۳- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

یک معنا از آنجا شروع میشود. (۱)

زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که خدا میداند، بشر در آن جا به چه عظمت هایی نایل خواهد شد. (۲)

در واقع هر فردی از آحاد بشر میداند که این سِیر عمومی بشر به کجا منتهی خواهد شد. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این جور باید بگوییم که یک مسافری یا یک کاروانی از پیچ وخم های دشوار، از معبرهای سخت، از کوهستانها، از وادی ها، از درّه ها، از لجن زارها، از خارزارها، همین طور دارد عبور میکند، راه را میپیماید، برای اینکه خودش را به یک نقطه ای برساند؛ این نقطه کجا است؟ این نقطه عبارت است از یک اتوبان، یک جادّه ی مهم، یک جادّه ی باز، یک راه هموار. همه ی آنچه در تاریخ بشر تا امروز مشاهده میکنیم، حرکت در همان کوره راه ها و در همان فرازونشیبها و در همان خارستانها و لجن زارها و مانند اینها بوده است؛ بشریت دارد همین طور این راه را طی میکند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دورانِ مهدویت است. (۳)

گفتار پنجم. مدّت حکومت مهدوی

بعضی خیال میکنند، حضرت که آمدند، آخر دنیا است! نه، تازه شروع دنیا و شروع تاریخ بشریت، آن وقت است! این مدّتی که از عمر بشریت گذشته، چند هزار سالی است که بشر در این سنگلاخ ها و در این بیابانها و کویرهای وحشت ناک، همین طور سینه خیز و با زحمت رفته تا خودش را به جادّه ی اتوبانِ وسیعِ عریضِ آسفالته برساند و از آنجا زندگی تاریخی خود را تازه شروع کند. آن جادّه را حضرت افتتاح میکنند. حرکت تاریخی انسان، آن وقت است. (۴)

در پایان تاریخ بشر در یک فصلی که ما نمیدانیم این فصل چقدر طول خواهد کشید، و شاید ادامه ی آن فصل به قدر همه ی گذشته تاریخ بشر باشد، یک حکومتی، یک نظامی در دنیا در سطح جهان بر سرکار خواهد آمد، که آن نظام نظام الهی است. (۵)

۱- . دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۲- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۶/۱/۱۳۷۹.

۳- . دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۴- . دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۲۰ /۲/۱۳۸۲.

۵- . ولایت و حکومت، ص ۳۰۵

گفتار ششم.حکومت مهدوی دوران ظهور کامل تمدّن اسلامی

تمدّن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیهالله ارواحنافداه است. در دوران ظهور، تمدّن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. (۱)

کسانی که در گذشته ای نه چندان دور آیه ی یأس میخواندند و نه تنها اسلام و مسلمین بلکه اساس معنویت و دین داری را در برابر هجوم تمدّن غرب، از دست رفته میپنداشتند، امروز سر برافراشتن اسلام و تجدید حیات قرآن و اسلام، و متقابلًا ضعف و زوال تدریجی آن مهاجمان را به چشم می بینند و با زبان و دل تصدیق میکنند. من با اطمینان کامل میگویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقّق کامل وعده ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امّت قرآن و تمدّن نوین اسلامی در راه است: «وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي لا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ». (۲)

گفتار هفتم. خصوصیات جامعه ی عصر ظهور

در پایان تاریخ بشر در یک فصلی که ما نمیدانیم این فصل چقدر طول خواهد کشید، و شاید ادامه ی آن فصل به قدر همه ی گذشته تاریخ بشر باشد، یک حکومتی، یک نظامی در دنیا در سطح جهان بر سرکار خواهد آمد، که آن نظام، نظام الهی است؛ یعنی در آن نظام چند خصوصیت وجود دارد. (۳)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی که ظهور میکند، جامعه ای میسازد که به طور خلاصه، دارای این چند خصوصیت است که من آن را میگویم: (۴)

حاکمیت توحید و قوانین الهی

آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه ی انبیا، همه ی بعثتها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداخته ی بر اساس عدالت و با استفاده ی از همه ی ظرفیتهایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یک چنین دورانی

۱- . بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۴/۷/۱۳۷۹.

۲- . پیام رهبر معظّم انقلاب به کنگره عظیم حج، ۱۷/۹/۱۳۸۷.

۳- . ولایت و حکومت، ص ۳۰۵.

۴- . در مکتب جمعه، ج۲، ص ۲۰۰.

است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی سلام الله علیه و عجّل الله تعالی فرجه. دوران جامعه ی توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است. (۱)

روز ولادت مهدی موعود ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، حقیقتاً روز عید همه ی انسانهای پاک و آزاده ی عالم است...آنچه مسلّم است، همه ی پیغمبران و اولیاء برای این آمدند که پرچمِ توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند. (۲)

انتظارِ دست قاهرِ قدرت مندِ الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطره ی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده ی واقعی خدا بکند. (۳)

انتظار مؤمن، یعنی اینکه تفکّر الهی این اندیشه ی روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است، یک روز سراسر زندگی بشر را فراخواهد گرفت. (۴)

نابودی ریشه های ظلم و موانع رشد

امام زمان صلوات الله و سلامه علیه جامعه اش را بر این چند پایه بنا میکند؛ اوّلاً نابود کردن و قلع و قمع کردن ریشه های ظلم و طغیان؛ یعنی، در جامعه ای که در زمان ولی عصر صلوات الله علیه ساخته میشود، باید ظلم و جور نباشد؛ نه اینکه فقط در ایران نباشد، یا در جوامع مسلمان نشین نباشد، در همه ی دنیا نباشد. نه ظلم اقتصادی، نه ظلم سیاسی، نه ظلم فرهنگی و نه هیچگونه ستمی در آن جامعه، دیگر وجود نخواهد داشت. باید استثمار، اختلاف طبقاتی، تبعیض، نابرابری، زورگویی، گردن کلفتی و قلدری از عالم ریشه کن بشود. (۵)

هیچ یک از بدیها و شقاوتهای بشری در سطح اجتماعی وجود ندارد؛ نه اینکه همه ی انسانها به فرشته تبدیل خواهند شد یا خوب خواهند شد، بلکه بدین معنا که در سطح جامعه دیگر ظلم نیست؛ دیگر تبعیض نیست؛ دیگر غلبه و قهر جمعی بر جمعی و نظامی بر ملّتی وجود ندارد. (۶)

۱- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۲- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۳- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۴- . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

۵- . در مکتب جمعه، ج۲،ص ۲۰۰.

۶- . ولایت و حکومت، ص ۳۰۵.

امروز ذهنیت بشر، آماده ی آن است که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد و بشریت را از زیربارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد؛ همان چیزی که همه ی پیغمبران برای آن تلاش کرده اند، همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیه ی قرآن، وعده ی آن را به مردم داده است: «وَ یَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلالَ الَّتی کانَتْ عَلَیْهِم». (۱)

استخراج همه ی نیروهای طبیعت و استفاده درست از آنها

خصوصیت سوّمی که جامعه ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جامعه ی مهدوی دارا هست، این است که در آن روز، همه ی نیروهای طبیعت و همه نیروهای انسانی استخراج میشود. چیزی در بطن زمین نمیماند که بشر از آن استفاده نکند. این همه نیروهای معطّل طبیعی، این همه زمین هایی که میتواند انسان را تغذیه کند؛ این همه قوای کشف نشده (مانند نیروهایی که قرن ها در تاریخ بود؛ مثلاً نیروی اتم، نیروی برق و الکتریسیته، قرنها بر عمر جهان میگذشت و این نیروها در بطن طبیعت بود؛ امّا بشر آنها را نمیشناخت، بعد یک روزی به تدریج استخراج شد) همه ی نیروهای بی شماری که از این قبیل در بطن طبیعت هست، در زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف استخراج میشود. (۲)

میفرماید: «فلا یبقی فی الأرض خراب الّا عمر؛ یعنی این قدرت در جهت آبادانی عالم صرف خواهد شد، نه در جهت سیطره بر منافع انسانها و به استضعاف کشاندن انسانها. در تمام گستره جهان هیچ نقطه ی ویرانی وجود نخواهد داشت، مگر اینکه آباد بشود؛ حالا چه ویرانی هایی که به دست بشر انجام شده، چه ویرانی هایی که به وسیله جهالت بشر بر انسانها تحمیل شده. (۳)

دوره ی ولی عصر أرواحنا فداه، دوره ی آغاز زندگی بشر است؛...استفاده از برکات این کره ی خاکی و استعدادها و انرژی های نهفته در این فضا، برای انسان بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن ممکن خواهد شد. درست است که امروز بشر از چیزی استفاده میکند، امّا به یک چیز دیگر ضرر میزند. امروز نیروی اتم را کشف میکند، امّا نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار میبرد؛ نفت را از اعماق زمین استخراج میکند، امّا این نفت در راه تضییع و تخریب محیط زیست انسان به کار میرود؛ کمااینکه در این صد سال اخیر اینگونه بوده است. بشر نیروهای محرّکه، انرژی های

۱- . بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۳/۹/۱۳۷۸.

۲- . در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۱.

۳- . ولایت و حکومت، ص ۳۰۹.

پنهان، قوّه ی بخار و سایر نیروها را کشف میکند، امّا انسانها را به انواع و اقسام گرفتاریهای جسمانی از ناحیه ی این مشکلاتی که زندگی مادّی برای انسانها به وجود می آورد، آلوده میکند. به بشر سرعت و سهولت داده میشود؛ امّا خیلی چیزها از او گرفته میشود. از آن طرف هم تخریب ارزشهای اخلاقی است که امروز انسان دچار آنهاست؛ لیکن در دوران ظهور حضرت بقیه الله أرواحنا فداه قضیه این گونه نیست. بشر از خیرات عالم، از انرژی های پنهان و از نیروهای نهفته در طبیعت، استفاده ی بی ضرر و بی خسارت میکند؛ استفاده ای که مایه ی رشد و پیشرفت انسان است. (۱)

بالا رفتن سطح اندیشه و معرفت

خصوصیت جامعه ی ایده آلی که امام زمان صلوات الله علیه آن را میسازد، بالا رفتن سطح اندیشه ی انسان است؛ هم اندیشه ی علمی انسان و هم اندیشه ی اسلامی انسان؛ یعنی، در دوران ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شما باید نشانی از جهل و بی سوادی و فقر فکری و فرهنگی در عالم پیدا نکنید. آنجا مردم میتوانند دین را به درستی بشناسند و این همچنانی که همه میدانید، یکی از هدف های بزرگ پیامبران بود که امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه این را در خطبه ی نهج البلاغه شریف بیان کرده است: «و یثیروا لهم دَفائِنَ العُقوُل». (۲)

در یک روایتی است که میفرماید: «اذا قام قائمنا وضع یده علی رؤس العباد فجمع بها عقولهم و اکمل بها اخلاقهم» این جنبه ی معنوی و انسانی است؛ یعنی وقتی که قائم آل محمّد عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند و قیام کند، اندیشه و خرد انسانها را جمع خواهد کرد و آن را باروَر خواهد کرد. (۳)

یک روایت دیگر این جور میگوید: «و تؤتون الحکمه فی زمانه حتّی انّ المرأه لتقضی فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنه رسول الله»؛ یعنی در دوران آن بزرگوار و حکومت الهی آن حضرت آنچنان حکمت در جامعه گسترش خواهد یافت که یک زن خانه نشین - نه یک زنی که مسئولیتی در گوشه ای از جامعه داشته باشد - در خانه ی خود، یک زن به کتاب خدا و سنّت پیغمبر حکم خواهد کرد و قضاوت خواهد کرد. (۴)

۱- . بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

۲- . در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۰.

۳- . ولایت و حکومت، ص ۳۰۸.

۴- . همان.

یعنی آن قـدر سـطح فرهنـگ اسـلامی و دینی بالاـ میرود کـه همه ی افراد انسـان و همه ی افراد جـامعه و زنـانی که در میـدان اجتماع هم بر فرض شـرکت نمیکنند و در خانه می نشـینند؛ آنها هم میتوانند فقیه باشند، دین شناس باشند. میتوانند قرآن را باز کننـد و خودشـان حقـایق دین را از قرآن بفهمنـد و شـما ببینیـد که در جـامعه ای که همه ی مردان و زنان در سـطوح مختلف، قدرت فهم دین و اسـتنباط از کتاب الهی را دارند، این جامعه چقدر نورانی است و هیچ نقطه ای از ظلمت در این جامعه دیگر نیست. این همه اختلاف رویه، دیگر در آن جامعه معنایی ندارد. (۱)

دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعّال تر و خلّاق تر و آفریننده تر است. (۲)

محوریت معنویت و اخلاق و ارزشهای الهی

جمله ی دیگر و خصوصـیت دیگر این است که محـور در دوران امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف محـور فضـیلت و اخلاق است. هر کس دارای فضیلت اخلاقی بیشتر است، او مقدّم تر و جلوتر است. (۳)

وقتی که قائم آل محمّـد ظهور کنـد و قیام کنـد، اندیشه و خرد انسانها را جمع خواهد کرد و آن را باروَر خواهد کرد و اخلاق آنها را رشد و فضیلت خواهد داد. یعنی از جنبه ی معنوی انسانها با اندیشه های بالا، با افکار برجسته، با ذهنیت های روشن، در زندگیشان عمل خواهند کرد. اخلاق انسانها هم اخلاق صالح و فاضلی خواهد شد. (۴)

ولی عصـر صـلوات الله علیه میراث برِ همه ی پیامبران الهی است که می آیـد و گام آخر را در ایجاد آن جامعه الهی بر میدارد. مقداری درباره ی اوصاف آن جامعه من حرف بزنم. البتّه اگر شـما در کتب اسـلامی، در متون اصـلی اسلامی دقّت کنید، همه ی خصوصـیات آن جـامعه به دست می آیـد. همین دعـای نـدبه ای که در روزهای جمعه، ان شاءالله موفّق باشـید و بخوانیـد و میخوانید؛ خصوصـیات آن جامعه ذکر شده است. آنجایی که میگوید: «اَینَ مُعِزُّ الاوّلیاءِ وَ مُذِلُّ الاَعداء»؛ مثلاً آن جامعه، جامعه ای است که اوّلیای خـدا در آن عزیزانـد و دشـمنان خـدا در آن ذلیل و خوارانـد؛ یعنی، ارزشـها و معیارها در آن جامعه، چنین است. (۵)

۱- . در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۳- . در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۱.

۴- . ولایت و حکومت، ص ۳۰۸.

۵- . انسان ۲۵۰ ساله، ص ۳۳۸.

مردم ما... دوران آرمانی دوران حاکمیت ارزشهای والای الهی بر زندگی بشر را انتظار میبرند. (۱)

انتظار اسلامی؛ یعنی، انتظار دنیایی سرشار از عدالت، راستی، صمیمیت، انسانیت، معنویت، فضیلت و اخلاق انسانی صحیح. (۲)

دنیای سرشار از عدالت، پاکی، راستی، معرفت و محبت، دنیای دوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۳)

حکومت الهی حضرت بقیه الله ارواحنافداه حکومتی است که در آن مقرّرات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قدرت های زورگوی شرق و غرب نیست، بلکه حکومت عدالت، مواسات و مساوات، حکومت معنویت و فضیلت است. (۴)

شکوفایی استعدادهای انسان

همه ی انبیاء و اولیاء آمده اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش میتواند بُروز کند. انبیاء و اوّلیاء این مردم گمگشته را مرتّب از این کوه و کمر، دشتها، کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه ی شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی عصر أرواحنا فداه محقّق خواهد شد. (۵)

امنیت کامل و اجرای حدود الهی

ولی عصر صلوات الله علیه میراث برِ همه ی پیامبران الهی است که می آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعه ی الهی بر میدارد. مقداری درباره ی اوصاف آن جامعه من حرف بزنم. البتّه اگر شما در کتب اسلامی، در متون اصلی اسلامی دقت کنید، همه ی خصوصیات آن جامعه به دست می آید. همین دعای ندبه ای که در روزهای جمعه، ان شاءالله موفّق باشید و بخوانید و می خوانید؛ خصوصیات آن جامعه ذکر شده است...«اَینَ المؤمّل لإحیاء الکتاب و حدوده». آن جامعه، جامعه ای است که حدود الهی در آن اقامه میشود؛ یعنی، همه ی حدّ و مرزهایی که خدا معین کرده است و اسلام معین کرده

۱- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۲- . سخنرانی مقام معظّم رهبری، ۲۸/۱۰/۱۳۷۳.

۳- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۶/۱/۱۳۷۹.

۴- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۲۸/۱۰/۱۳۷۳.

۵- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۲/۹/۱۳۷۹.

است، در جامعه ی زمانِ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آن حدّ و مرزها مراعات میشود. (۱)

در دوران آن حکومتی که ما می گوییم همه ی این بدبختی ها و نابه سامانی ها از بین خواهد رفت. همچنانی که در روایات وجود دارد، ناامنی دیگر وجود نخواهد داشت. (۲)

دورانی که ملّتها با یکدیگر نمیجنگند؛ دستهای جنگ افروز عالم همانهایی که جنگهای منطقه ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می اندازند دیگر نمیتوانند جنگی به راه بیاندازند؛ در مقیاس عالم، صلح و امنیتِ کامل هست. (۳)

عدالت فراگیر و جهانی

دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره ی حق، همه ی قلّه های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم انداز زندگی بشر را با نور عدالت منوّر خواهد کرد. (۴)

حکومت الهی حضرت بقیه الله - ارواحنافداه - حکومتی است که در آن مقرّرات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قدرتهای زورگوی شرق و غرب نیست، بلکه حکومت عدالت، مواسات و مساوات، حکومت معنویت و فضیلت است. (۵)

اگر این آیه ی قرآن که درباره ی بعثت پیامبران میفرماید: «لِیقوُم النّاس بِالقِسط»؛ یعنی، پیغمبران مبعوث شدند تا قسط و عدل در جامعه ی بشری استوار بشود، اشاره به هدف بعثت میکند. پس حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جامعه ی مهدوی، همان جامعه ای است که این هدف را به طور کامل تأمین میکند. (۶)

روز ولادت مهدی موعود ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، حقیقتاً روز عید همه ی انسانهای پاک و آزاده ی عالم است. فقط کسانی در این روز ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزو پایه های ظلم، یا جزو پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند، و الّا کدام انسان آزاده ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را

۱- . در مکتب جمعه، ج۲، ص ۲۰۰.

۲- . ولایت و حکومت، ص ۲۰۶.

۳- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۴- .. سخنرانی مقام معظّم رهبری در قم، ۳۰ /۱۱/۱۳۷۰.

۵- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۲۸/۱۰/۱۳۷۳.

۶- . در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۰.

آرزو نکند. (۱)

اگر کسی تصوّر کند که ممکن است دین الهی و واقعی - نه فقط دین اسلام - تحقّق پیدا کند، ولی در آن عدل اجتماعی به معنای صحیح و وسیع آن تحقّق پیدا نکرده باشد، باید بداند که اشتباه میکند. هدف پیامبران، اقامه ی قسط است: «لیقوم النّاس بالقسط» اصلاً پیامبران آمدند تا اقامه ی قسط کنند. البتّه، اقامه ی قسط یک منزل در راه است و هدف نهایی نیست؛ لیکن آنها که آمدند، کار اوّلشان این است که اقامه ی قسط کنند و مردم را از شر ظلم و جور طاغیان و ظالمان نجات دهند. هدف حکومت ولی عصر(عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) در آخر زمان هم باز همین عدل است. (۲)

حکومت مهدوی، حکومت مردمی

حکومت آینده ی حضرت مهدی موعود أرواحنا فداه، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متّکی به ایمانها، اراده ها و بازوان مردم است. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها دنیا را پُر از عدل و داد نمیکند؛ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار میبخشد و یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل میدهد؛ امّا این حکومت مردمی با حکومتهای مدّعی مردمی بودن و دمکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد. آنچه امروز در دنیا اسم دمکراسی و مردم سالاری را روی آن گذاشته اند، همان دیکتاتوری های قدیمی است که لباس جدید بر تن کرده است؛ یعنی دیکتاتوری گروهها. اگر رقابت هم وجود دارد، رقابت بین گروههاست و مردم در این میان هیچ کاره اند. یک گروه به قدرت دست پیدا میکند و در سایه ی قدرت سیاسی ای که همه ی زمامهای امور را در کشور در اختیار او میگذارد و با سوء استفاده از این قدرت، ثروت، پول و سرمایه به نفع خود گردآوری میکند و آنها را در راه به دست آوردن دوباره ی قدرت مصرف میکند. دمکراسی های امروز دنیا بر پایه ی تبلیغات دروغ و فریبنده و مسحور کردن چشمها و دلهاست. امروز در دنیا هرجا شعار دمکراسی میدهند، شما ببینید برای تبلیغات کاندیداهای ریاست جمهوری و یا نمایندگان مجلس چه کار میکنند! پول خرج میکنند. دمکراسی در پنجه ی اقتدار پول اسیر است. مردم سالاری امام زمان- یعنی مردم سالاری دینی- با این روش، به کلّی

۱- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۲- . سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۹/۱۱/۱۳۶۸.

متفاوت است. (۱)

مساوات در امور اقتصادی و رفع کامل فقر

یک روایت دیگر از امام باقر علیه الصّلاهوالسّلام میفرماید: «إذا قام القائم جاءت المزایله ویأتی الرجل إلی کیس أخیه فیأخذ حاجته لا یمنعه.» این اشاره به اخلاق برابری طلبی و مساوات گرایی انسانهاست. ایثار و گذشت انسانهاست. نجات دل انسانها از تسلّط بخل و حرص که بزرگترین وسیله برای بدبخت کردن انسانها بوده؛ مبشر یک چنین حالتی است. برادری به سراغ جیب برادر دیگرش میرود و از او به قدر نیاز خودش برمیدارد و او مانعش نمیشود. این در حقیقت نشان دهنده ی آن نظام سالم اسلامی، اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی، آن روز است. یعنی زور و اجباری در کار نیست، خود انسانها از آن بخل انسانی و حرص انسانی نجات پیدا میکنند و یک چنین بهشت انسانیتی به وجود می آید.

باز در یک روایت دیگر «اذا قام قائمنا اضمحلت القطائع فلا قطائع» این بخشش هایی که حکومتهای مستکبر عالم به دوستانشان به یارانشان همیشه میکنند، حاتم بخشیها، از کیسه ی ملّتها به این و آن بخشیدنها، اینها دیگر بساطش در دنیا برچیده خواهد شد. قطیعه که در گذشته به یک شکل بود، امروز به یک شکل دیگر است. در گذشته به این صورت بود که یک خلیفه ای، یک سلطانی یک تکّه زمینی را، یک صحرایی را، یک دهی را، یک شهری را، گاهی یک استانی را میبخشید به یک نفر، میگفت: برو هر کار میخواهی آنجا بکن، از مردمش مالیات بگیر، از مزارعش استفاده کن، هرگونه بهره ی مادّی دارد مال تو، یک حقی هم به سلطان باید میداد. امروز هم در شکل انحصارات گوناگون نفتی، تجاری، صنعتی، فنّی و این صنایع بزرگ و این انحصارات بیچاره کننده ی ملّتها، اینها همه اش در حقیقت در حکم قطیعه است، که این انحصارات امروزی هم در حکم همان قطایع است؛ برای خاطر اینکه این هم به کمک بند و بست با حکومتها و رشوه دادن و رشوه گرفتن به وجود می آید، این بساطهای انسان کش و فضیلت کش از بین خواهد رفت و وسیله ی بهره ی انسانها در اختیار همه ی آنها قراری خواهد گرفت.

در یک روایت دیگر باز ناظر به وضع اقتصادی میفرماید: «و یسوی بین الناس حتّی لاتری محتاجاً

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

الی زکاه» بین مردم آنچنان مساوات در امور مالی و اقتصادی را برقرار خواهد کرد، که یک نفر فقیری که شما بتوانید زکات مالتان را به او بدهید، پیدا نخواهید کرد؛ و اینجا زکات طبعاً مصروف خواهد شد برای مصارف عمومی و به فقرا دیگر داده نمیشود، چون فقیری آن روز در دنیا نیست. (۱)

قضاوتهای کاملاً صحیح

آن جامعه ای که در او حکم خلاف نیست، آن جامعه ی زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن جایی که قضاوت در او هیچ گوشه اش سابیده نیست، و هیچ انسانی نیست که به دستگاه قضا مراجعه کند، مگر اینکه برابر حکم خدا با او رفتار خواهد شد، او دوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۲)

گفتار هشتم. مسئله ی اختیار انسان در عصر ظهور

دوران ظهور حضرت مهدی سلام الله علیه... این جور نیست که وقتی به آنجا رسیدیم، یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود؛ نه، آنجا یک مسیر است. در واقع باید گفت زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آنجا آغاز میشود و بشریت تازه می افتد در راهی که این راه یک صراط مستقیم است و او را به مقصد آفرینش میرساند؛ بشریت را میرساند، نه آحادی از بشریت را، نه افراد را، مجموعه ها را میرساند. البتّه این به معنای این نیست که در آن وقت طبیعت بشر تغییر پیدا میکند؛ نه، طبیعت بشر، طبیعت ستیزه ی درونی و درگیری درونی میان خیر و شر است. عقل انسان هست، طبع انسان هم هست؛ غرایز انسان احکامی دارند، کشش هایی دارند، تمایلات طبیعی انسان کار خودشان را میکنند، عقل هم کار خود را میکند؛ این تنازع در آن دوران هم وجود خواهد داشت. این جور نیست که در آن دوران، بشریت یکپارچه تبدیل بشود به فرشته؛ نه، آنجا هم طبعاً این درگیری هست، طبعاً خوب و بد هم در آن وقت وجود دارد؛ منتها راه و جادّه، جادّه ای است که مساعدِ خوب شدن و خوب حرکت کردن و درست راه را پیمودن و به سمت مقصود واقعی راه رفتن است؛ این خصوصیت آن راه است که همان معنای حقیقی و واقعی عدل است. (۳)

۱- . ولایت و حکومت، ص ۳۱۰.

۲- . همان

۳- . بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث»، ۲۱/۳/۱۳۹۳.

مطلب سوّم. نزدیکی ظهور و زمینه سازی برای آن

گفتار اوّل. ظهور نزدیک است

جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود أرواحنا فداه روز به روز نزدیکتر میشود. (۱)

ما به زمان ظهور امام زمان – ارواحنا فداه – این محبوب حقیقی انسانها نزدیک شده ایم؛ زیرا معرفتها پیشرفت کرده است. (۲)

امروز ذهنیت بشر، آماده ی آن است که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد و بشریت را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد. همان چیزی که همه ی پیغمبران برای آن تلاش کرده اند. همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیه ی قرآن، وعده ی آن را به مردم داده است: «وَ یضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلالَ الَّتی کانَتْ عَلَیهِمْ»؛ دست قدرت الهی، به وسیله ی یک انسان عرشی، یک انسان خدایی، یک انسان متّصل به عالم های غیبی، معنوی و عوالمی که برای انسانهای کوته نگری مثل ما قابل درک و تشخیص نیست؛ میتواند این آرزو را برای بشریت برآورده کند. لذا دلها، شوقها و عشقها به سمت آن نقطه، متوجّه و روزبه روز متوجّه تر است. (۳)

گفتار دوّم. وعده های کوچک نشانه ی تحقّق وعده ی بزرگ ظهور

توفیقاتی که بشر در اثنای راه پیدا کرده است، مؤید این معنا برای ذهن انسان شکّاک است که آنچه وعده داده شده، تحقّق پیدا خواهد کرد. این آیاتی که تلاوت کردند، به نظر من آیات جالب و مهمّی است. یک نکته ای در این آیات – آنجا که حضرت موسی علیه السلام را در آغاز ولادت، مادرش در آب می اندازد – وجود دارد؛ «وَ أَوْحَینا إِلی أُمِّ مُوسی أَنْ أَرْضِعیهِ فَإِذا خِفْتِ عَلَیهِ فَأَلْقیهِ فِی الْیمِّ وَ لا تَخافی وَ لا تَحْزَنی إِنَّا رَادُّوهُ إِلَیک وَ جاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلینَ» [اینجا] دو وعده است: یک وعده وعده ی برگرداندن موسی به مادرش است؛ یک وعده وعده ی «جاعِلوهُ مِنَ المُرسَلین» است؛ یعنی آن وعده ی عمومی ای که به بنی اسرائیل داده شده بود که بنی اسرائیل منتظر بودند که منجی بیاید؛ و این منجی از طرف خداست و خواهد آمد و بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد! خدای

۱- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۲- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۳- . همان.

متعال در وحی به مادر موسی این وعده ی دوّم را هم داد - جاعِلوهُ مِنَ المُرسَلین - یعنی این را ما از طرف خودمان میفرستیم، و او را همان مُرسَلی قرار میدهیم که بناست آن وعده ی بزرگ را و آن آرزوی بزرگ را انجام بدهد؛ این دو وعده را خدای متعال داد. یک وعده، وعده ی نقد و نزدیک بود و آن، «اِنّا رآدّوهُ اِلَیک» بود. در آیات بعدی - که حالا آن آیات را آقای سبزعلی متأسّفانه نخواند - میفرماید: «فَرَدَدنهُ اِلی اُمِّهِ کَی تَقَرَّ عَینُها وَ لا تَحزَنَ وَ لِتَعلَمَ اَنَّ وَعدَ الله حَقّ» اینکه ما بچّه را به مادر برگرداندیم، خب بله، «تَقَرَّ عَینُها» دارد، «وَ لا تَحزَن» دارد، دلش خوش شد، دلش آرام گرفت، چشمش روشن شد؛ امّا اثر دیگرِ این برگرداندن، این بود که «وَ لِتَعلَمَ اَنَّ وَعدَ الله حَقّ»؛ بدانند که این وعده ای که ما دادیم و گفتیم منجی را میفرستیم و کسی را خواهیم فرستاد که بناست جامعه ی بنی اسرائیل را در مصر از استضعاف خارج کند، وعده ی درستی است؛ دلش مطمئن بشود؛ و خاطرجمع بشود. یعنی یک وعده ی کوچک از سوی پروردگار تحقّق می یابد، برای اینکه هر انسان اهل تدبّری از تحقّق این وعده ی کوچک، اطمینان پیدا کند که آن وعده ی بزرگ تحقّق پیدا خواهد کرد. (۱)

جمهوری اسلامی، نمونه ای از تحقّق وعده های الهی

آنچه از موفّقیتها در طول تاریخ برای بشریت از طریق دین حاصل شده، همان وعده های کوچک است؛ از جمله جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی هم یکی از همین وعده ها است؛ خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکّل کنید، در جایی که گمان آن را نمیبرید و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد؛ همین اتّفاق افتاد: ملّت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادنِ جان دریغ نکرد و اتّفاقی افتاد که هیچ کس تصوّر آن را نمیکرد! چه کسی خیال میکرد در این منطقه ی بسیار حسّاس، در این کشور بسیار مهم، در مقابله ی با آن رژیم به شدّت حمایت شونده ی از سوی قدرتهای بین المللی، یک حکومتی به وجود بیاید و یک انقلابی به پیروزی برسد، آن هم براساس دین، براساس فقه، براساس شریعت؟ چه کسی چنین تصوّری میکرد؟ هیچ کس. اگر کسی بگوید من میدانستم این جوری میشود، مگر از طُرق غیبی فهمیده باشد؛ محاسبات، مطلقاً این را نشان نمیداد؛ امّا این اتّفاق افتاد. بدانیم آن وعده ی اصلی، آن کار بزرگ هم

۱- . بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث»، ۲۱/۳/۱۳۹۳.

اتّفاق خواهد افتاد. این یک نمونه ای از آن چیزی بود که اتّفاق خواهد افتاد. باید منتظر بود. (۱)

گفتار سوم. امکان زمینه سازی برای ظهور

ما میتوانیم مقدمات ظهور را انجام دهیم

إن شاء الله در حکومت عدل مهدوی سلام الله علیه و عجّل الله تعالی فرجه الشریف این کارها انجام میگیرد؛ منتها ما هم میتوانیم مقدّماتش را انجام دهیم؛ اگر همّت، اراده، ایستادگی و تدبیر داشته باشیم. این کارها، هم ایستادگی و شجاعت و قدرت میخواهد؛ هم تدبیر و عقل میخواهد. (۲)

ما میتوانیم قدم به قدم جامعه ی خود و زمان و تاریخ خود را به تاریخ ظهورِ ولی عصر- صلوات الله و سلامه علیه- نزدیک کنیم. (۳)

ملّت مؤمن و مبارز میتواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند

خدای متعال آن قدر عظمت در اجتماع یک ملّت مؤمن گنجانده، که آن را با نصرت خود مقایسه کرده است؛ «هُوَ الَّذی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنین». این روحیه را نگهدارید. تا شما ملّت ایران، این اتحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه ی آرزوهای انبیا و اوّلیا به دست شما قابل عمل است. آمال بزرگ آنان، استقرار عدل جهانی و نجات مستضعفان و نابودی ظلم در سطح عالم بود. البتّه وعده ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیه الله أرواحنا له الفداء انجام خواهد گرفت؛ امّا یک ملّت مؤمن و مبارز میتواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند؛ همچنان که ملّت ایران تا کنون توانسته و بر خیلی از مشکلات فایق آمده است. (۴)

وقوع زمینه های معنوی در ایران، نشانه ی امکان زمینه سازی جهانی برای ظهور

از صفر که نمیشود شروع کرد! جامعه ای میتواند پذیرای مهدی موعود أرواحنا فداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الّا مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ میشود. چه علّتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه ها آماده نبود... آن وقت اگر امام زمان علیه الصّلاه و السّلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف

۱- . همان.

۲- . بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل های دانشجویی، ۲۴/۷/۱۳۸۴.

۳- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۲۶/۹/۱۳۷۶.

۴- . سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۸/۴/۱۳۶۸.

بیاورنـد، همان خواهـد شـد! باید آمادگی باشد. این آمادگی چگونه است؟ این، همانی است که شـما نمونه هایی از آن را در جامعه ی خودتان مشاهـده میکنیـد. امروز در ایران اسـلامی چیزهایی از درخشـندگی های معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست. تا آنجایی که ما خبر و گزارش و اطّلاع داریم؛ از قضایای دنیا بی خبر هم نیستیم. امروز در کجای دنیا جوانانی پیدا میشوند که روی شهوات نفس و روی مادّی گری پا بگذارند و سراغ معنویات بروند؟ البتّه گاهی یک جوان، دو جوان، یا یک آدم استثنایی گوشه ای هست، همه جـای دنیـا پیـدا میشود؛ امّـا اینکه عـدد عظیمی از یـک نسـل، این طور باشـند، کجای دنیا هست؟ هیچ جا؛ اینجا هست! بعضـی خیال میکردند که مخصوص دوران جنگ است. البتّه در دوران جنگ، زمینه های مناسب تری بود، برجسـتگی آن هم بیشتر بود؛ لیکن این طور نیست که بعضـی خیال میکردند. امروز هم هسـتند. امروز جوانان خوب، جوانان مؤمن، حزب اللهی، با گذشت از شهوات نفسانی و انسانهایی که دارای گذشت از پول و کسب ثروت و درآمد باشند، زیاد هسـتند؛ درحالی که البتّه عدّه ای هم به دنبال این امکانات میدوند و فضا را خراب میکنند! عدّه ای با بلندنظری، باتقوا و با بی اعتنـایی به این زخـارف، حرکت میکننـد. اینهـا مخصوص این کشور است. پس میشود قـدم به قـدم به سـمت صـلاح پیش رفت. زنان نیز همین طور. شایـد بشود گفت که مجموعه ی زنان کشور ما از همه جای دنیا بهترنـد. وقت کار که میرسـد، کار سیاسـی، کار فرهنگی و کار تشـکیلاتی جلو هستند؛ وقت جهاد که میرسد، فرزندان خودشان را به دست خودشان به جبهه می فرسـتند و وقت خـانه داری و تربیت اوّلاـد که میرسـد، کـدبانوهای خـانه دارنـد! همه ی اینهـا در دنیا کمیاب است. اینها خیلی ارزش است؛ اینها تربیت اسـلام است؛ اینها همه امیـدبخش است. همین ها موجب شـده است که بحمـدالله امروز نتایج مثبت را هم می بینیـد. البتّه ما همیشه این را گفته ایم، بارها تکرار کرده ایم؛ حال خود ملّت ایران، تدریجاً عزّت سیاسـی شان را در دنیا می بیننـد. ما همیشه میگفتیم که بحمـدالله ملّت ایران و به تبع ملّت ایران، دولت ایران و مسـئولین کشور در سـطح دنیا عزیزنـد. پس میشود زمینه ها را فراهم کرد. وقتی چنین زمینه هایی إن شاء الله گسترش پیدا کند، زمینه ی ظهور حضرت بقیه الله أرواحنا فداه نیز پدید می آید و مسئله ی مهدویت این آرزوی دیرین بشر و مسلمین تحقّق می یابد. (۱)

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

گفتار چهارم. لزوم زمینه سازی و آمادگی برای ظهور

این انتظار، تکلیف بر دوش انسان میگذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: « وَ لَقَدْ کتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکرِ أَنَّ الْأَرْضَ یرِثُها عِبادِی الصَّالِحُونَ إِنَّ فی هذا لَبَلاغاً لِقَوْمٍ عابِدینَ»- مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، میفهمند - باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصّد باشند. انتظار لازمه اش آماده سازی خود هست... ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده ی عدل کنیم، آماده ی پذیرش حق کنیم. (۱)

امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه ی آماده اقدام بکند. (۲)

ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد آمد و دنیا را پُر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه ای نداریم؛ نه، به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. (۳)

کسی که در انتظار آن مُصلحِ بزرگ است، باید در خود زمینه های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقّق صلاح بایستد. (۴)

امروز...روز فراهم ساختن زمینه برای حکومت حضرت مهدی، عجل الله فرجه الشریف است. (۵)

ما دنیای آینده را میشناسیم، خصوصیاتش را اجمالاً میدانیم، آینده ساز و دست قدرتمندی که آن دنیا را بناست به وجود بیاورد و راه بیاندازد و اداره کند، میشناسیم و خودمان را موظّفیم آماده کنیم برای رسیدن به آن دنیا. (۶)

۱- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۴- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۵- . پیام به کنگره عظیم حج، ۲۹/۱۰/۱۳۸۳.

۶- . ولایت و حکومت،ص ۳۰۶.

مطلب چهارم. شرایط و زمینه های ظهور

گفتار اوّل. مشروط بودن ظهور و امدادهای غیبی

این آیه ما(«وَعَدَ الله الَّذینَ آمَنُوا مِنْکمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْض...» (۱))یک بار باز آنجا عمل شده، هزار بار دیگر باز قابل عمل شدن است؛ امّا شرطش چیست؟ شرطش این است که این جملات اوّل آیه محقّق بشود که میفرماید: «وعد الله؛ وعده کرده است خدا! به کی؟ «الذین امنوا منکم و عملوالصالحات؛ به آن کسانی که از شماها ایمان بیاورند و عمل شایسته و صالح کنند» یعنی طبق تعهّدات این ایمان عمل کنند، به اینها وعده داده که «لیستخلفنهم فی الارض» که آنان را در زمین جانشین سازد. (۲)

شک نیست که در مصاف حق و باطل، پیروزی از آن حق و شکست و زوال، سرنوشت باطل است، مشروط بر آنکه جبهه ی حق از نیروی مادّی و معنوی خویش به گونه ای درست بهره بگیرد و با خردمندی، تلاش شایسته، با استقامت و امید، با توکّل به خدا و اعتماد به نفس، راه درست را بجوید و بپیماید. در این صورت امداد و نصرت الهی، حقّ مسلمی است که وعده ی قرآنی برای او مقرّر فرموده است: «إِنْ تَنْصُرُوا الله ینْصُرْکمْ وَ یثَبِّتْ أَقْدامَکم » و: «وَ لَینْصُرَنَّ الله مَنْ ینْصُرُهُ» و: «أَنَّ الْأَرْضَ یرِثُها عِبادِی الصَّالِحُونَ». (۳)

برای تحقّق ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود ظلم و جور، شرط کافی نیست و وجود انسانهای صالح، انگیزه های قوی، ایمانهای راسخ، گام های استوار و دلهای روشن نیز لازم و ضروری است. (۴)

یک حکومت آرمانی به وسیله ی اسلام به وجود آمد. اگر بخواهیم ماجرای امام حسین علیه السلام را در سطوری خلاصه کنیم، این طور میشود: بشریت، دچار ظلم و جهل و تبعیض بود. حکومتهای بزرگ دنیا، که حکومت قیصر و کسرای آن زمان است چه در ایران آن روز، چه در امپراتوری روم آن روز حکومت اشرافی گری و حکومت غیر مردمی و حکومت شمشیر بی منطق و حکومت جهالت و فساد بود. حکومتهای کوچکتر هم مثل آنچه که در جزیره العرب بود از آنها بدتر بودند و مجموعاً

۱- . نور/۵۵.

۲- . طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص۱۳۴.

۳- . پیام به کنگره عظیم حج، ۲۹/۱۰/۱۳۸۳.

۴- . همان.

جاهلیتی دنیا را فراگرفته بود. در این میان، نور اسلام به وسیله ی پیامبر خدا و با مدد الهی و مبارزات عظیم و توان فرسای مردمی توانست اوّل یک منطقه از جزیره العرب را روشن کند و بعد به تدریج گسترش یابد و شعاع آن همه جا را فراگیرد. وقتی پیامبر از دنیا میرفت، این حکومت، حکومت مستقرّی بود که میتوانست الگوی همه ی بشریت در طول تاریخ باشد؛ و اگر آن حکومت با همان جهت ادامه پیدا میکرد، بدون تردید تاریخ عوض میشد؛ یعنی آنچه که بنا بود در قرنها بعد از آن در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در وضعیت فعلی پدید آید، در همان زمان پدیده آمده بود. دنیای سرشار از عدالت، پاکی، راستی، معرفت و محبّت، دنیای دوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که زندگی بشر هم از آنجا به بعد است. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان است که خدا میداند بشر در آنجا به چه عظمتهایی نایل خواهد شد. بنابراین، اگر ادامه ی حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله میسّر می شد و در همان دوره های اوّل پدید می آمد و تاریخ بشریت عوض می شد، فرجام کار بشری مدّتها جلو می افتاد؛ امّا این کار به دلایلی نشد. (۱)

ما در جبهه های جنگ هم جوانهای خودمان را میدیدیم که به مدد غیبی و به توجّه و نظر لطف ولی عصر ارواحنا فداه اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوّت قلب هم استفاده میکردند و توانایی مضاعف پیدا میکردند و پیش میرفتند. البتّه اعتقاد به کمک غیبی اگر معنایش این است که انسان بیکار بماند، درها را ببندد و منتظر باشد که از غیب کمک بشود، بداند که از غیب هم کمکی نخواهد شد؛ «وَ ما جَعَلَهُ اللَّهُ إِلاَّ بُشْری لَکُمْ وَ لِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُکُمْ بِه». کمک غیبی در میدان جنگ، در میدان چالش های سیاسی و در ایستادگی ملّت هاست که به سراغ انسان می آید. اگر بایستید، کمک غیبی هم هست. (۲)

البتّه ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده میکند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد. (۳)

آینده، آینده ی روشنی است؛ افق، افق خوبی است، منتها این به معنای این نیست که ما یک بالش

۱- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۶/۱/۱۳۷۹.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۳- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲/۷/۱۳۸۸.

نرمی زیر سر خودمان بگذاریم و دل به خواب بدهیم، نه، باید کار کرد، باید تلاش کرد. (۱)

گفتار دوّم. آمادگی فردی برای ظهور

کمیت و تعداد افراد

هرچه بتوانید از لحاظ کمیت و مقدار، تعداد مسلمانان مؤمن و مخلص را افزایش بدهید، باز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و زمان ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیکتر شدید. (۲)

ایمان راسخ

برای تحقّق ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود...ایمانهای راسخ، گامهای استوار و دلهای روشن نیز لازم و ضروری است. (۳)

امام زمان أرواحنا فداه با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی ای که ایمان والای خودِ او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهّز به آن قدرت کرده است، گریبان ستمگران عالم را میگیرد و کاخهای ستم را ویران میکند. (۴)

صلاحیت های اخلاقی

شما هستید که باید خودتان را بسازید تا ان شاءالله آن عدّه و نصاب لازم در اختیار اراده ی خالصی قرار بگیرد. (۵)

هرچه که در صلاح خود، در معرفت، اخلاق، رفتار و کسب صلاحیت ها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیکتر خواهید کرد، اینها دست خود ما است. (۶)

تقوا، تواضع، فروتنی و گذشت در برابر ضعفا و مقاومت در برابر زورمندان و ستمگران از صفات سربازان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف میباشد. (۷)

۱- . بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه ی شمال کشور و خانواده های آنان، ۲۸/۶/۱۳۹۱.

۲- . در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

۳- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۸/۱۰/۱۳۷۵.

۴- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۵- . دیدار با روحانیون مدرسه علمیه کرمانی های قم، ۶/۲/۱۳۶۵.

۶- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

۷- . پیام به مناسب هفته بسیج، ۴/۹/۱۳۶۲. http://farsi.khamenei.ir/messagecontent?id=۲۴۵۱۴

این بدبختیهایی که شما می بینید روی زمین را فراگرفته است و در زیارتها و آثار مربوط به ولی عصر ارواحنا لتراب مقدمه الفداء آمده است: «کما ملئت ظلما و جورا»؛ زمین در تمام دوره های تاریخ، پُر از ظلم و جور شده است و میشود و آن بزرگوار می آید، همه ی زمین را از قسط و عدل پُر میکند، این ظلم و جور روی زمین، بر اثر چیست؟ بر اثر نبود یا کمبود انسان صالح، بر اثر سروری و خدایگانی انسانهای ناصالح. (۱)

ما ملّتی هستیم با آرمانهای بلند، با حرفهای بزرگ، با قلّه های ترسیم شده ای که میخواهیم خودمان را به این قلّه ها برسانیم. این احتیاج دارد به انسانهای صبور، عاقل، متدین، اهل ابتکار، اهل اقدام، دور از تنبلی، مهربان، عطوف، دارای حلم، دارای شجاعت، با رفتارهای مؤدبّانه، پرهیزگار و انسانهایی که درد دیگران، درد آنها محسوب بشود. (۲)

کارآمدی و توانایی

امام صلوات الله علیه میخواهد بیاید دنیا را اداره کند دیگر! همین دنیا را میخواهد اداره کند. ما که دستمان در کار است، میدانیم که این دنیا را با ذکر و ورد، نمیشود اداره کرد. باید با قدرت و نیرو و تدبیر، مثل زمان پیغمبر، صلوات الله علیه و مثل زمان امیرالمؤمنین علیه الصّلاه و السلام، اداره شود. اداره کردنی چنین، نیازمند افراد است و حضرت باید رجالی داشته باشد. منتها موانعی وجود دارد که حضرت آنها را از سر راه برمی دارد. (۳)

گفتار سوّم. آمادگی اجتماعی برای ظهور

عزم اجتماعی

مطلبی که من میخواهم به شما عرض کنم، حول وحوش یک آیه ی قرآن است. آیه ی معروفی است: «انّ الله لا یغیر ما بقوم حتّی یغیروا ما بأنفسهم». تغییرات به دست شماست. کلید تحوّلات اجتماعی و تحوّلات عظیم در دست شماست؛ مضمون آیه این است. یک جای دیگر در یک دایره ی محدودتر میفرماید: «ذلک بأنّ الله لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتّی یغیروا ما بأنفسهم». این آیه،

۱- . بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته های انقلاب اسلامی، ۱۰/۱۰/۱۳۶۹.

۲- . بیانات در دیدار معلّمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۷/۲/۱۳۹۳.

۳- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار آیت الله شاهرودی در قم، ۱۶/۲/۱۳۷۵.

پسرفت را میگوید. خدای متعال پسرفت را نصیب هیچ کشوری نمیکند، مگر خودشان به دست خودشان بکنند. تغییرِ موجبِ پسرفت را خودِ ملّتها به وجود می آورند. و شبیه این مضمون در آیات متعدّد دیگری هم هست که مرجعش به همین است. خلاصه ی اینها چیست؟ خلاصه ی اینها این است که شما آحاد انسان، سررشته دار تحوّلات جامعه هستید؛ شما هستید که تحوّل و تغییر را ایجاد میکنید. عزمِ انسان، تعیین کننده است. (۱)

آمادگی جامعه ی اسلامی

جامعه ای میتواند پذیرای مهدی موعود أرواحنا فداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الّا مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ میشود. چه علّتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصّلاه و السّلام در زمان خودش؛ در همان مدّت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متّصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیباییها و درخشندگی هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه های پیامبر اکرم درباره ی او نتوانست ریشه ی بدی را بخشکاند؟خودِ آن بزرگوار را از سر راه برداشتند! «قتل فی محراب عبادته لشدّه عدله». تاوان عدالت امیر المؤمنین، جان امیر المؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه ی نامساعد بود. زمینه را نامساعد کرده بودند. زمینه را زمینه ی دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف آرایی کردند، کسانی بودند که زمینه های دینیشان زمینه های مستحکم و مادّه ی غلیظِ متناسبِ دینی نبود. عدم آمادگی، این طور فاجعه به بار می آورد! (۲)

شما در هر زمانی تا پنج سال دیگر، تا ده سال دیگر، تا صد سال دیگر که بتوانید کیفیت و کمیت جامعه اسلامی را افزایش بدهید، امام زمان – صلوات الله علیه – ظهور خواهد کرد. (۳)

هرچه ما کار خیر و اصلاح درونی خود و تلاش برای اصلاح جامعه انجام بدهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیکتر میکنیم. (۴)

۱- . دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان سمنان، ۱۸/۸/۱۳۸۵.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۳- . در مکتب جمعه، ج ۲،ص ۲۰۲.

۴- .. سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۲۳/۸/۱۳۷۹.

اگر بتوانید در درون خود، جامعه ی تان - همان جامعه ی انقلابی- تقوا، فضیلت، اخلاق، دین داری، زهد، نزدیکی معنوی به خدا را در خود و دیگران تأمین کنید؛ پایه و قاعده ظهور ولی عصر صلوات الله و سلامه علیه را مستحکمتر کردید. (۱)

حرکت به سمت اعتزاز اسلام و مسلمین، میتواند از مقدّمات ظهور باشد و این، منافاتی با «یملأ الله به الارض عدلاً و قسطاً کما ملأت ظلماً و جوراً» ندارد. الان هم دنیا واقعاً پر از ظلم و جور است. بیشتر از این، دیگر چه میشود؟! آمریکا را شما نگاه کنید چه میکند! واقعاً سرشار از ظلم است! خود ما هم مظلومیم. (۲)

آمادگی جهانی

آن وقتی که معلوم شد در مقابل قدرت مادّی مستکبران عالم، زمینه ی این وجود دارد که آحاد بشر، بتوانند بر روی حرف حقّ خود بایستند آن روز، روز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت، به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او، همه ی دلهای مستعد را که در همه جای جهان هستند به خود جذب کند و آن وقت دیگر قدرت های ستمگر، قدرت های زورگو، قدرتهای متّکی به زر و زور، نتوانند حقیقت را - آنچنانی که قبل از آن همیشه کرده اند - با فشار زر و زور خود، به عقب بنشانند یا مکتوم نگهدارند. (۳)

اگر جوامع بشری هرچه با عدالت و معنویت همراه شوند...آن آینده نزدیکتر خواهد شد. (۴)

اگر امام زمان علیه الصّلاه و السّلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. (۵)

گفتار چهارم. ابزار و راهکارهای آمادگی برای ظهور

عمل فرد و جامعه به احکام

باید تمام قوانین ما، مقرّرات مملکتی، ادارات دولتی، نهادهای اجرایی و همه و همه، از لحاظ ظاهر

۱- . در مکتب جمعه، ج ۲،ص ۲۰۲.

۲- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار آیت الله شاهرودی در قم، ۱۶/۲/۱۳۷۵.

۳- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

۴- . بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

۵- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

و از لحاظ محتوا اسلامی بشود و به اسلامی شدن روز به روز نزدیکتر بشود. این جهتی است که انتظار ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما و به حرکت ما میدهد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - در دعای ندبه میخوانید که - در مقابل فسوق، عدوان، طغیان، نفاق مقابله میکند و نفاق، طغیان، عصیان، شقاق و دو دستگی را ریشه کن میکند و ازاله میکند. ما هم باید در جامعه ی مان، امروز در آن جهت حرکت کنیم و پیش برویم. این است آن چیزی که ما را به امام زمان صلوات الله علیه از لحاظ معنوی نزدیک خواهد کرد و جامعه ما را به جامعه ولی عصر صلوات الله و سلامه علیه آن جامعه ی مهدوی علوی توحیدی، نزدیکتر و نزدیکتر خواهد کرد. (۱)

معرفت آموزی

شما مردم عزیز به خصوص شما جوانان هرچه که در صلاح خود، در معرفت...در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیکتر خواهید کرد. (۲)

اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه ی ظهور ولی امر و ولی عصر ارواحنا له الفداء آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست. (۳)

آنچه برای ما به عنوان دوستداران و معتقدان به امامت و ولایت حضرت مهدی سلام الله علیه مهم است، این است که علاوه بر اظهار ارادت و شادی، از این خاطره ی تاریخی، یا از این اعتقاد شیعی درس بگیریم. (۴)

سازندگی اخلاقی و معنوی

هرچه انسانها از رذایل اخلاقی، خودخواهی ها، بداندیشی ها، بددلیها، شهوترانی ها و خودپرستی ها دور شوند، آن آینده نزدیکتر خواهد شد. (۵)

سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که میخواهد با تمام مراکز قدرت و

۱- . در مکتب جمعه،ج ۲، ص ۲۰۳.

۲- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

۳- . سخنرانی، ۱۹/۱۰/۱۳۹۱.

۴- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۵- . بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

فساد بین المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی، آگاهی و روشن بینی دارد. (۱)

بزرگترین وظیفه ی منتظران امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی، عملی، پیونـدهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. (۲)

اگر بتوانید در درون خود، جامعه ی تان - همان جامعه ی انقلابی - تقوا، فضیلت، اخلاق، دین داری، زهد، نزدیکی معنوی به خدا را در خود و دیگران تأمین کنید؛ پایه و قاعده ی ظهور ولی عصر صلوات الله و سلامه علیه را مستحکم تر کردید. (۳)

حفظ روحیه ی امید

اعتقـاد به قضـیه ی مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه ی عظیمی است که ملّت ها میتواننـد از آن، بهره هـای فراوانی ببرنـد. شـما کشتی ای را در یـک دریای طوفانی فرض کنیـد. اگر کسانی که در این کشتی هسـتند، عقیـده داشته باشـند؛ که اطراف آنها تا هزار فرسـنگ، هیـچ ساحلی وجود ندارد و آب و نان و وسایل حرکت اندکی داشته باشند، کسانی که در این کشتی هستند، چه کار میکنند؟ آیا هیچ تصوّر میشود که اینها برای آنکه حرکت کنند و کشتی را پیش ببرنـد، تلاشـی بکننـد؟ نـه، چـون به نظر خودشـان، مرگشـان حتمی است. وقـتی انسـان مرگش حتمی است، دیگر چه حرکت و تلاشـی بایـد بکند؟ امید و افقی وجود ندارد. یکی از کارهایی که میتوانند انجام دهند، این است که در این مجموعه ی کوچـک، هرکس به کـار خودش سـرگرم شود. آن کسـی که اهل آرام مردن است، بخوابـد تا بمیرد و آنکه اهل تجاوز به دیگران است، حقّ دیگران را بگیرد تـا آنکه چنـد سـاعتی بیشتر زنـده بمانـد. طور دیگر هم این است که کسـانی که در همین کشتی هسـتند، یقین داشـته باشـند و بداننـد که در نزدیکی آنهـا، ساحلی وجود دارد. حالا اگر دور و یا نزدیک است و چقـدر کار دارند تا به آنجا برسـند، معلوم نیست. امّا قطعاً ساحلی که در دسترس آنهاست، وجود دارد. این افراد چه کار میکنند؟ اینها تلاش میکنند که خود را به آن ساحل برسانند و اگر یک ساعت هم به آنها وقت داده بشود؛ از آن یک ساعت برای حرکت و تلاش صحیح و جهت دار استفاده خواهند کرد، و فکرشان را

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۲- . همان.

۳- . در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

روی هم خواهند ریخت و تلاششان را یکی خواهند کرد تا شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند.

امید، چنین نقشی دارد. همین قدر که امیدی در دل انسان به وجود آمد، مرگ بال های خود را جمع میکند و کنار میرود. امید موجب میشود، انسان تلاش و حرکت کند؛ پیش ببرد؛ مبارزه کند و زنده بماند. فرض کنید ملّتی در زیر سلطه ی ظالمانه ی قدرت مسلّطی قرار دارد و هیچ امیدی هم ندارد. این ملّت مجبور است، تسلیم بشود. اگر تسلیم نشد، کارهای کور و بی جهتی انجام میدهد؛ امّا اگر این ملّت و جماعت، امیدی در دلشان باشد و بدانند که عاقبت خوبی حتماً وجود دارد، اینها چه میکنند؟ طبیعی است که مبارزه خواهند کرد و مبارزه را نظم خواهند داد و اگر مانعی در راه مبارزه وجود داشته باشد، او را برطرف خواهند کرد. (۱)

وحدت و اتحاد

خدای متعال آن قدر عظمت در اجتماع یک ملّت مؤمن گنجانده، که آن را با نصرت خود مقایسه کرده است؛ «هُوَ الَّذی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنینَ». این روحیه را نگهدارید. تا شما ملّت ایران، این اتّحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه ی آرزوهای انبیا و اوّلیا به دست شما قابل عمل است. آمال بزرگ آنان، استقرار عدل جهانی، نجات مستضعفان و نابودی ظلم در سطح عالم بود. البتّه وعده ی الهی، حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیه الله أرواحنا له الفداء انجام خواهد گرفت. (۲)

ما آرزو داریم که این یک میلیارد مسلمان، حقیقتاً یک واحد باشند؛ نه اینکه دولتها و کشورها وجود نداشته باشند. چنین چیزی، علی الظّاهر، تا قبل از ظهور ولی عصر أرواحنا فداه، نخواهد شد؛ امّا میگوییم در یک جهت حرکت کنند. با یک روحیه حرکت کنند. ملّتها و دولتهای مسلمان، با یکدل حرکت کنند. و این، عزت و قدرت آنهاست. (۳)

علما، روشنفکران و سیاستمداران دنیای اسلام درس وحدت و یکپارچگی را برای ملّتهای خود تکرار کنند و جوانان بالنده این نسل را برای رویارویی با حوادث بزرگ و به دوش کشیدن بار امانتی

۱- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۲- . سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۸/۴/۱۳۶۸.

۳- . بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت سالروز ولادت رسول اکرم و امام جعفر صادق علیه السلام، ۲۴/۶/۱۳۷۱

سنگین و شالوده ریزی امت متّحد و یکپارچه ی اسلام آماده سازند. (۱)

امروز شما ببینید یکی از نقاطی که دشمنان ما بر روی آن به طور کامل تکیه میکنند، برافروختن اختلافات مذهبی است؛ شیعه و سنّی. آدمهایی که نه به شیعه عقیده دارند، نه به سنّی عقیده دارند، نه اصل اسلام را قبول دارند، طبق میل سرویسهای جاسوسی آمریکا و اسرائیل می آیند پشت بلندگوها می ایستند، از توسعه ی تشیع اظهار نگرانی میکنند! شما چه میفهمید تشیع چیست؟! چه میفهمید تسنّن چیست؟! شما به اصل دین اعتقادی ندارید. امروز سیاست استکبار و سیاست سرویسهای جاسوسی این است که ماها را از هم بترسانند؛ شیعه را از سنی، سنی را از شیعه؛ اختلاف ایجاد کنند. راه غلبه ی بر دشمنان، اندیشیدن، فکر کردن، متحد شدن، دلها را به هم نزدیک کردن، دستها را در هم گره کردن است؛ و این جور است که به فضل پروردگار، «لیظهره علی الدّین کلّه» پیش خواهد آمد. (۲)

صبر و ایستادگی بر حق

آن وقت که معلوم شد در مقابل قدرت مادّی مستکبران عالم، زمینه ی این وجود دارد که آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند، آن روز، روز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه ی دلهای مستعد را که در همه جای جهان هستند، به خود جذب کند و آن وقت دیگر قدرتهای ستمگر، قدرتهای زورگو، قدرتهای متّکی به زر و زور نتوانند حقیقت را آنچنانی که قبل از آن همیشه کرده اند، با فشار زر و زور خود به عقب بنشانند یا مکتوم نگه دارند. (۳)

قدرتهای اقتصادی میتوانند بحران ایجاد کنند. بحران آفرینی، جنگ آفرینی و ایجاد نظام های خشن و قسی القلب- مثل اسرائیل- کار اینهاست. باید اینها را به چالش کشید. کی میتواند؟ یک هویت جمعی بین المللی زنده ی خسته نشو، متّکی به ایمان قلبی و دینی؛ این است که نمی گذارد انسان خسته شود. هر چیز دیگری قابل خسته شدن است، جز ایمان باطراوت دینی. این میتواند آن قدرتها را به چالش بکشد و تعدیل کند و در نهایت آنها را از بین ببرد. إن شاء الله در حکومت عدل مهدوی

۱- . پیام به حجاج بیت الحرام، ۱/۱۲/۱۳۸۰.

۲- . بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۲۹/۳/۱۳۹۱.

۳- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

(سلام الله علیه) و (عجّل الله تعالی فرجه الشریف) این کارها انجام میگیرد؛ منتها ما هم میتوانیم مقدّماتش را انجام دهیم. (۱)

ما در جبهه های جنگ هم جوانهای خودمان را میدیدیم که به مدد غیبی و به توجّه و نظر لطف ولی عصر ارواحنافداه اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوّت قلب هم استفاده میکردند و توانایی مضاعف پیدا میکردند و پیش میرفتند. البتّه اعتقاد به کمک غیبی اگر معنایش این است که انسان بیکار بماند، درها را ببندد و منتظر باشد که از غیب کمک بشود، بداند که از غیب هم کمکی نخواهد شد؛ «وَ ما جَعَلَهُ اللَّهُ إِلاَّ بُشْری لَکُمْ وَ لِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُکُمْ بِه». کمک غیبی در میدان جنگ، در میدان چالش های سیاسی و در ایستادگی ملّت هاست که به سراغ انسان می آید. اگر بایستید، کمک غیبی هم هست. (۲)

اگر سختیها را تحمّل کردید، خدای متعال درهای فَرَج را خواهد گشود. اگر مجاهدت در راه خدا را بر جسم و نفس خودتان هموار کردید، خدای متعال روشنایی فَرَج را به شما نشان خواهد داد و درهای فَرَج را به روی شما باز خواهد کرد: «وَ مَن یَتَّقِ اللَّهَ یجَعَل لَّهُ مخَرَجًا وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لَا یحَتَسِب». خدای متعال به برکت مجاهدت و به شرط ایستادگی، بیرون از دایره ی محاسبه ی معمولی عقول بشری، درها را باز و راه ها را هموار میکند. (۳)

مبارزه و جهاد

وعده ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیه الله أرواحنا له الفداء انجام خواهد گرفت؛ امّا یک ملّت مؤمن و مبارز میتواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند؛ همچنان که ملّت ایران تاکنون توانسته و بر خیلی از مشکلات فایق آمده است. (۴)

جامعه ی ما که امّ القرای اسلامی و مرکز توجّهات جهانی اسلام است، ان شاءالله طبق وعده ی الهی، با همان شکلی که اسلام خواسته، به صورت کامل - که ما از آن صورت کامل هنوز خیلی فاصله داریم - ساخته خواهد شد و به آنجا خواهیم رسید. اینها، وعده ی الهی است. وقتی این وعده ی اوّل تحقّق

۱- . بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل های دانشجویی، ۲۴/۷/۱۳۸۴.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۳- . بیانات در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، ۲۹/۵/۱۳۷۶.

۴- . سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و تعدادی از کارکنان و مسئولان وزارت نیرو و سازمانهای تابعه، ۰۸/۴/۱۳۶۸.

پیدا کرد، شما باید دلهایتان را محکم و یقینهایتان را کامل کنید که وعده های بعدی و بزرگتر هم - که مضمون آیات کریمه ی قرآن است - تحقّق پیدا خواهد کرد. راهش این است که ما مجاهدت را از دست ندهیم. (۱)

ایجاد تشکیلات

استراتژی کلی امامت، ایجاد انقلاب توحیدی و علوی است؛ در فضایی که گروه لازمی از مردم ایدئولوژی امامت را دانسته، پذیرفته و مشتاقانه در انتظار عینیت یافتن آن بوده و گروهِ لازم دیگری، به جمع مصمّم تشکیلاتِ مبارز پیوسته باشند. لازمه ی منطقی این خط مشی کلی، دعوتی، همه گیر است در سراسر محیط عالم اسلام، برای تلطیف جوّ اشاعه ی فکر شیعی در همه ی اقطار و دعوتی دیگر است برای آماده سازی افرادِ مستعد و فداکارِ اعضای تشکیلاتِ پنهانی شیعه. (۲)

گسترش بین المللی اسلام

ما باید بدانیم که ظهور ولی عصر صلوات الله علیه همان طوری که با این انقلاب ما، یک قدم نزدیک شد؛ با همین انقلاب ما، باز هم میتواند نزدیکتر بشود؛ یعنی، همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند؛ میتوانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر و یک قدم دیگر، همین مردم خودشان را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیکتر کنند. چطور؟ هرچه شما بتوانید دایره ی این مقدار از اسلامی که من و شما در ایران داریم (مبالغه نمیکنیم، اسلام کامل البتّه نیست؛ امّا بخشی از اسلام را این ملّت توانسته در ایران پیدا کند)، همین مقدار از اسلام را هرچه شما بتوانید در آفاق دیگر عالم، در کشورهای دیگر، در نقاط تاریک و مُظلم دیگر، گسترش و اشاعه بدهید؛ همان مقدار به ظهور ولی امر و حجّت عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف کمک کردید و نزدیک شدید. (۳)

عزم و استقامت ملی

اگر شما ملّت عزیز ما، شما جوانهای خوش روحیه و پرتوان و عازم، در این راهی که دارید میروید، ایستادگی کنید، شک نکنید که در زمان خود، در زمان متناسب، تمام آمال، آرزوها، داعیه ها و شعارهای ملّت ایران نه فقط نسبت به خود این کشور، بلکه نسبت به دنیای اسلام و امت اسلامی و

۱- . بیانات در دیدار جمعی از آزادگان، ۲۶/۶/۱۳۶۹.

۲- . انسان ۲۵۰ ساله، ص ۲۵۶.

۳- . در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

جامعه ی بشری تحقّق پیدا خواهد کرد. هر کاری دوره ای دارد، زمانی دارد؛ در زمان متناسب خود، این آرزوها تحقّق پیدا خواهد کرد. ملّت ایران به آن نقطه ای که مورد نظر اوست، به دنبال آن حرکت کرده است، اهتمام ورزیده است، خواهد رسید؛ راهش مقاومت کردن است. آن وقت چه اتّفاقی می افتد؟ مسیر تاریخ دنیا تغییر پیدا خواهد کرد؛ مسیر تاریخ عوض خواهد شد. امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه گری و سلطه پذیری است؛ یک عدّه در دنیا سلطه گرند، یک عدّه در دنیا سلطه پذیرند. اگر حرف شما ملّت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه ی ظهور ولی امر و ولی عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست. (۱)

حاکمیت قرآن و اسلام

برای ظهور مهدی موعود ارواحنافداه زمینه باید آماده بشود و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. (۲)

در روایات، «و الله لتمحّصنّ» و «و الله لتغربلنّ» است؛ به شدّت امتحان میشوید؛ فشار داده میشوید. امتحان در کجا و چه زمانی است؟ آن وقتیکه میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود، در میدانهای مجاهدت، انسانهای پاک امتحان میشوند؛ در کوره های آزمایش وارد میشوند و سربلند بیرون می آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود أرواحنا فداه روزبه روز نزدیکتر میشود؛... ما آن وقتی میتوانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود أرواحنا فداه زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. همان طور که عرض کردم، فرموده اند: «و الله لتمحّصنّ» و «و الله لتغربلنّ»؛ این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولی عصر أرواحنا فداه با آن مواجه هستند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید؛ ملّت بزرگ ما این یک قدم را برداشتند... اوّلین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملّتهای مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود أرواحنا فداه و عجّل الله فرجه، به وسیله ی ملّت ایران برداشته

۱- . بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام۱۹دی، ۱۹/۱۰/۱۳۹۱.

۲- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است. (۱)

جاری نمودن عدالت و معنای آن

جوامع بشری هرچه با عدالت و معنویت همراه شوند...آن آینده نزدیکتر خواهد شد. (۲)

مظهر عـدل پروردگار، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف است... ما باید امروز جامعه را جامعه ی عدالت بکنیم. در بنای یـک جامعه، عـدالت از همه چیز مهمتر است. عـدالت، به معنای عـدم تبعیض در حقوق، حـدود و احکام است. عـدالت، یعنی کمـک به مردم محروم و ضـعیف. عـدالت؛ یعنی این که برنـامه ها و حرکت کلّی کشور، در جهت تأمین زنـدگی مستضـعفان باشـد. عـدالت، به معنـای این است که کسـانی که در زیر سـایه ی سـنگین نظـام طـاغوتی، از حقـوق خـود محروم مانـدنـد، به حقوقشـان برسـند. عـدالت، یعنی اینکه عـدّه ی خاصّـِی برای خودشـان حـق ویژه یی قایـل نباشـند. عـدالت، یعنی اینکه حقوق انسانی، اجتماعی، عمومی و حـدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهـای ناصـحیح و مبتنی بر عقلهـای مـادّی و منحرف از معنویت، توانسـتند به چیزهـایی که حق آنها نبوده است، دست پیـدا کننـد، گرفته شود تـا فرصـتی برای ادامه ی کـار خود پیـدا نکننـد، عـدالت تحقّق پیـدا کرده است. البتّه، کمـک به مظلومـان و محرومان، شامل کمکهای فردی هم میشود، امّا قضیه بالاتر از اینهاست؛ زیرا تحقّق زندگی عادلانه به این است که کمک نظام و تشـکیلات و حرکت آن، در جهت کمک به مستضـعفان باشـد. ما اگر در این جهت، زنـدگی خود را پیش بردیم و حرکت کردیم، مطمئناً خـدای متعال کمک خواهـد کرد و قـدرتهای مادّی نخواهنـد توانست با این ترفنـدها و فریبها، ملّت ما را از راه پُرافتخار خود منصرف کنند و مقاومتش را بگیرند. (۳)

تقوا و پرهیزگاری

اگر بتوانید در درون خود، جامعه ی تان – همان جامعه ی انقلابی– تقوا، فضـیلت، اخلاق، دین داری، زهد، نزدیکی معنوی به خدا را در خود و دیگران تأمین کنید؛ پایه و قاعده ی ظهور ولی عصر صلوات الله و سلامه علیه را مستحکم تر کردید. (۴)

۱- . همان.

۲- . بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

۳- . بیـانـات در دیـدار بـا جمعی از مسؤولاـن و خـانواده هـای معظّم شـهدا، در سـالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۴- . در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

از هرچه بگذریم، سخنِ تقوا خوشتر و مهمتر و مؤثّرتر است. هرجا حسّ و روح تقوا در ما وجود داشت و وارد میدان شد، موفّق شدیم. هرجا شکست خوردیم، لغزیدیم و عقب نشینی کردیم، وقتی در کار خود تفحّص میکنیم، می بینیم ناشی از بی تقوایی های ماست. اگر تقوا باشد، یک فرد، یک مجموعه و یک ملّت هرگز از هدایت و فَرَج الهی محروم نخواهد ماند. (۱)

سعادت، در تقواست. دنیا، در تقواست. آخرت، در تقواست. فتح و پیروزی، در تقواست. و گشایش در همه ی امور و فرج الهی، در پرهیزکاری و تقواست. پس، از خدا بخواهیم که دل باتقوا به ما عنایت کند. یعنی به جای اینکه دل ما جذبِ هوسها و هواها شود و انگیزه های دنیایی، مادّی، شخصی، حقیر، ما را به سوی خود جذب کند، اراده ی خدا جذبمان سازد و محبّت او، ما را به خود جذب نماید و این، بر همه ی کارهای ما، پرتوافکن باشد. (۲)

تعلیم و تربیت مهدوی

مردم مسلمان و معتقدان و شیعه، باید در قلب و در عمل خود، سعی کنند که رابطه معنوی و فکری را با آن بزرگوار حفظ بکنند و خود را به صورتی تربیت کنند و بار بیاورند که امام معصوم - که به اراده الهی و با علم الهی، محیط به همه حرکات ما است - از آنها راضی باشد. (۳)

چگونه میشود بشریت را به آن سرمنزل نهایی نزدیک کرد؟ آن وقتی که این تربیت مستمر باشد. باید تعلیم و تربیت مستمرّی از موضع حکومت و قدرت سیاسی آن هم قدرت سیاسی کسی مثل پیغمبر؛ یعنی معصوم این جامعه ی بشری را به تدریج پیش ببرد و تربیت کند و ناهنجاریها را در میان آنها کاهش دهد تا بشریت بتواند به آن نقطه ای که شروع زندگی سعادتمندانه ی همه ی انسانهاست که ما آن دوره را، دوره ی حضرت ولی عصر أرواحنا فداه میدانیم برسد. (۴)

تطبیق شعارها با شعارهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

شعارهایی که امام زمان علیه الصّلاه و السّلام و عجّل الله تعالی فرجه بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد، امروز شعارهای مردم ماست؛ شعارهای یک کشور و یک دولت است. این خودش

۱- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۴/۱۱/۱۳۸۲.

۲- . بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۱۴/۱۱/۱۳۷۳.

۳- . سخنان رهبر معظّم انقلاب، ۱۵/۹/۱۳۷۷.

۴- . بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

یک گام بسیار بلندی به سوی اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۱)

تشکیل حکومت و کسب اقتدار

درس دیگری که اعتقاد به مهدویت و جشن های نیمه ی شعبان باید به ما بدهد، این است: عدالتی که ما در انتظار آن هستیم- عدالت حضرت مهدی علیه السّلام که مربوط به سطح جهان است- با موعظه و نصیحت به دست نمی آید؛ یعنی مهدی موعودِ ملّتها نمی آید ستمگران عالم را نصیحت کند که ظلم، زیاده طلبی، سلطه گری و استثمار نکنند. با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه ی عالم مستقر نمیشود. استقرار عدالت، چه در سطح جهانی- آنطور که آن وارث انبیا انجام خواهد داد- و چه در همه ی بخشهای دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل، انسانهای صالح و عدالت طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، نمیشود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنها باید با زبان اقتدار صحبت کرد....کسانی که خیال میکنند اسلام باید برود و در گوشه ای بنشیند و مردان اسلام و دین فقط زبان نصیحت را به کار گیرند، اینها دانسته یا ندانسته همان چیزی را میگویند که مراکز قدرت جهانی آن را میخواهند و آرزو میکنند...بعضیها بی توجّه، از جدایی دین و سیاست حرف میزنند؛ یعنی دین را به گوشه های خلوت برانند و انسان دین دار، فقط به نصیحت اکتفا کند! در اینجا نصیحت نمیتواند کاری بکند. آنچه میتواند قدرتها را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت نماید و ریشه ی آن را بَرکند یا آن را متزلزل سازد، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسی ای است که در اختیار احکام اسلامی باشد. امام زمان أرواحنا فداه با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی ای که ایمان والای خودِ او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهّز به آن قدرت کرده است، گریبان ستمگران عالم را میگیرد و کاخهای ستم را ویران میکند. (۲)

تدبیر و عقلانیت

إن شاء الله در حکومت عدل مهدوی سلام الله علیه و عجّل الله تعالی فرجه الشّریف این کارها انجام میگیرد؛ منتها ما هم میتوانیم مقدّماتش را انجام دهیم؛ اگر همّت، اراده، ایستادگی و تدبیر داشته

۱- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

باشیم. این کارها، هم ایستادگی، شجاعت و قدرت میخواهد؛ هم تدبیر و عقل میخواهد. (۱)

وعده ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیه الله أرواحنا له الفداء انجام خواهد گرفت؛ امّا یک ملّت مؤمن و مبارز میتواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند. (۲)

پیوند با مؤمنان

بزرگترین وظیفه ی منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی، عملی، پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان خود را آماده کنند. (۳)

بلندهمتی و وفای به عهد

آنگاه که همت و نیروی مجاهدان راه حق به میدان آمد؛ و آنگاه که مسلمان به عهد و قرار خود با خدا عمل کرد، خدای علی قدیر نیز وعده ی خود را محقّق ساخت و مسیر تاریخ عوض شد:«أَوْفُوا بِعَهْدِی أُوفِ بِعَهْدِکم»؛«إِنْ تَنْصُرُوا الله ینْصُرْکمْ وَ یثَبِّتْ أَقْدامَکمْ» «وَ لَینْصُرَنَّ الله مَنْ ینْصُرُهُ إِنَّ الله لَقَوِی عَزِیز»؛«إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ یوْمَ یقُومُ الأَشْهادُ». (۴)

تبلیغ دین و زمینه سازی ظهور

تشکر میکنم از عزیزانی که مسئله ی تبلیغ را در سطح کشور، به وسیله ی علمای دین و فضلای حوزه های علمیه جدّی گرفتند و به آن به صورت یک مسئله ی درجه ی دوّم و مستحبّی نظر نکردند و به شأن تبلیغ، هدف تبلیغ مخاطب تبلیغ و اهمیت تأثیری که تبلیغ به سبک خاص در هدایت نفوس دارد، توجّه کردند و برنامه ریزی نمودند. همچنین از یکایک شما عزیزان، جوانان مؤمن و پُرشوری که بهترین دوران عمر خودتان را در خدمت دین خدا، در خدمت حقّ مظلوم الهی و در خدمت آماده سازی جامعه برای ظهور حضرت بقیه الله الاعظم أرواحنا فداه قرار دادید، تشکر میکنم. (۵)

۱- . بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل های دانشجویی، ۲۴/۷/۱۳۸۴.

۲- . سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و تعدادی از کارکنان و مسئولان وزارت نیرو و سازمانهای تابعه، ۸/۴/۱۳۶۸.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۴- . پیام رهبر معظّم انقلاب به کنگره عظیم حج، ۱۷/۹/۱۳۸۷.

۵- . بیانات در دیدار روحانیون و مبلّغان در آستانه ی ماه مبارک رمضان، ۲۳/۹/۱۳۷۷.

مطلب پنجم. امدادهای الهی در عصر ظهور

در یـک روایت دیگر میفرمایـد: «القائم منا منصور برعب مؤیـد بالنصـر تطوی له الأرض و تظهر له الکنوز» یا «تظهر له الکنوز و یبلغ سطانه المشرق و المغرب» یعنی قائم ما به وسیله رعب نصرت میشود و (ملّتها) دولتهای ستمگر و دستگاههای ظالم مرعوب او میشونـد...«مؤیـد بنصـر» نصـرت الهی او را تأییـد میکند. زمین در مقابل او پیچیده است؛ (و) یعنی در اختیار او و در قبضه ی قدرت او قرار میگیرد. گنجینه ها برای او ظاهر خواهد شد، و قدرت او به مشرق و مغرب عالم گسترش پیدا خواهد کرد. (۱)

۱- . بیانات در دیدار روحانیون و مبلّغان در آستانه ی ماه مبارک رمضان، ۲۳/۹/۱۳۷۷.

ص:۲۹۵

بخش نهم: ادعیه و زیارات مهدوی

اشاره

مطلب اوّل. اعتبار زیارات و ادعیه ی مهدوی

طبق همین زیاراتی که وارد شده و بعضاً مأثور است و به احتمال زیاد به خود معصوم علیه السلام مستند میباشد، این رابطه ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است. (۱)

این توسّلاتی که در زیارات مختلف وجود دارد که بعضی از اینها اسانید خوبی هم دارد، اینها بسیار با ارزش است. و توسّل، توجّه، انسِ با آن بزرگوار از دور. این انس به معنای این نیست که حالا ـ کسی ادعا کند که من خدمت حضرت میرسم یا صدای ایشان را میشنوم. (۲)

مطلب دوّم. ابعاد زیارات و ادعیه ی مهدوی

دعا کنند برای آن حضرت همچنانی که ما در روایات داریم و این دعای «اللهم کن لولیک» یکی از این دعاهای فراوانی است که وجود دارد و زیاراتی که در کتابها هست که همه این زیارات علاوه بر اینکه بعد فکری و آگاهی بخشی و معرفت دارد، برای ما که آنها را بخوانیم؛ بعد روحی، قلبی، عاطفی و احساسی هم دارد و ما به این احتیاج داریم. (۳)

دعای افتتاح... و تمام این دعاهایی که از ائمّه علیهم السّلام به ما رسیده است، پر است از معارف اسلامی درباره ی توحید، درباره ی نبوّت، درباره ی حقوق، درباره ی وضع جامعه، درباره ی اخلاق، درباره ی حکومت و درباره ی همه ی مسایلی که انسان احتیاج دارد از اسلام بداند. در این دعاها، برای ما مطالبی هست که به زبان دعا، معارف بیان شده است و ائمّه ی ما علیهم السّلام، در دوران حاکمیت طواغیت توانسته اند این معارف را از این راه به مردم برسانند. (۴)

مطلب سوّم. درباره ی دعای ندبه

گفتار اوّل. جایگاه دعای ندبه

لازم میدانم به اهمّیت دعای ندبه اشاره ای بکنم، که در حقیقت خطابه ی غرّایی در تبیین باورها و

۱- . بیانات در دیدار با مسؤولان خانواده های معظم شهدا و جانبازان، سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۲- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۳- . ولایت و حکومت، ص ۳۱۱.

۴- . خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۷/۱۲/۱۳۷۱.

آرزوها و شِکوه های فرقه ی امامیه و شیعه در طول تاریخ خود است...دعای ندبه- همان طور که عرض کردم- یک خطبه ی غرّاست و تاریخچه این فکر و ریشه ی این حرکت را از دوران رسالتها بیان میکند. اگر دقّت کنید، در این دعا هیچ نقطه ی اختلاف انگیزی بین شیعه و سنّی- که جنگ تاریخی برافروخته شده به دست انسانهای با انگیزه های مختلف است- وجود ندارد و مسئله ی امامت و ولایت به صورت استدلالی بیان میشود. (۱)

آن مردمی که می نشینند، راز و نیاز میکنند؛ دعای ندبه را با توجّه میخوانند و زیارت آل یاسین را زمزمه میکنند و مینالند، میفهمند چه میگویند. آنها حضور این بزرگوار؛ را حس میکنند. (۲)

گفتار دوّم. سند دعای ندبه

من تصوّر خودم (نمیخواهم این عقیده را به کسی تحمیل کنم) و گمانم این است که دعای شریف ندبه که یکی از بهترین دعاهاست از لحاظ لفظ و معنا، الفاظ بسیار سلیس و بلیغ و معانی بسیار بلند، در همان دوران(غیبت کبری)، برای اغاثه ی شیعه، از سوی علمای بزرگ ما تولید شده است. بنده احتمال قوی میدهم که این دعا، مأثور از امام و از ائمّه نیست. این، کارِ همان علمای بزرگ از قبیل همین نعمانی و قبل از نعمانی، بزرگانی که بعضی اسمهاشان را هم ما امروز نمیدانیم، است. من احتمال میدهم این دعا از طرف آنهاست، یعنی قرائنی بر این وجود دارد. (۳)

گفتار سوّم. لزوم تفکّر درباره ی دعای ندبه

در آیات و در ادعیه که وارد شده است؛ وقتی میخوانید، ذهن خود را در این مورد بازتر و بازتر کنید. فقط خواندن دعای ندبه کافی نیست؛ درس گرفتن و فهمیدن آن لازم است. (۴)

چقدر خوب است که ما به معارفی که به برکت هدایت اهل بیت علیهم السّلام این طور ارزان در اختیار افکار ما قرار گرفته است، با دقّت و تأمّل توجّه کنیم. دعای ندبه،- همان طور که عرض کردم، یک خطبه ی غرّاست. (۵)

۱- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرّضا علیه السّلام در روز عید سعید غدیر خم، ۱۲/۱۲/۱۳۸۰.

۲- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۳- . بیانات در دیدار علما و روحانیون استان خراسان رضوی، ۲۶/۲ /۱۳۸۶.

۴- . در مکتب جمعه، ج ۲،ص ۲۰۰.

۵- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرّضا علیه السّلام در روز عید سعید غدیر خم، ۱۲/۱۲/۱۳۸۰.

گفتار چهارم. درسهایی از دعای ندبه

اوّلیای خـدا کسانی که توانسـتند آن پرچم را محکم در دست گیرنـد و این راه دشوار را راحت، بـدون خسـتگی و بـدون از پا افتادن پیش ببرنـد، کسانی بودند که از این گردنه گذشـتند. لذا در دعای بسیار خوش مضـمون ندبه که در ابتدای آن، خدای متعـال را بر آنچه که برای اوّلیایش پیش آورده است، حمـد میکنـد؛ که یکی از آن زیباترین و پرمغزترین مفاهیم، به خصوص در این عبارات و جملات اوّل دعا منـدرج است، میفرماید: «بعد ان شـرطت علیهم الزهد فی درجات هذه الدنیا الدنیه و زخرفها و زبرجها»؛ آنها را به بالاترین مراتب و مدارج تکامل و تعالی معنوی رساندی؛ به آن نعمتهایی که «لا زوال له و لا اضمحلال»، این نعمتهـا را به آنهـا دادی و انتخابشـان کردی؛ امّـا این شـرط را برایشـان گـذاشتی. پیامبر در بالاترین نقطه ی تعالی وجودی انسـان است. این بـدون کمک الهی که ممکن نیست؛ بـدون زمینه دادن خـدا که ممکن نیست؛ امّا خـدا این امتیاز را در مقابل یک شـرط میدهـد: «الزهد فی درجات هذه الدنیا الدنیه و زخرفها و زبرجها فشـرطوا لک ذلک»؛ قبول کردم و عمل کردم. لذا عنصـری مثل پیامبر صـلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام به وجود می آید؛ پولادین، خسته نشو، تمام نشو، باری را بر دوش میگیرند. (۱)

لازم میـدانم به اهمیت دعای نـدبه اشاره ای بکنم، که در حقیقت خطابه ی غرّایی در تبیین باورها و آرزوها و شِکوه های فرقه ی امـامیه و شـیعه در طول تاریـخ خود است. اگر نگاه کنیـد، همین خطّ روشن را در اوّل دعای نـدبه ملاحظه میکنیـد: «الحمد علی مـا جری به قضـاؤک فی اوّلیائـک». از ابتـدای تاریـخ رسالتهـا تـا دوران نبوّت خـاتم، این خطّ روشن ادامه دارد. مضـمون رسالت که عبارت است از دین خدا، در حقیقت شـکل دادن و جهت دادن و قالب بخشـیدن به همه ی تلاشـهای انسانی است. دین، یعنی صـراط زنـدگی. اگر شـما به یک جامعه ی انسانی و به یک کشور نگاه کنید، می بینید انسانها در این جامعه، برای مسایـل شخصـی، عـاطفی، معیشـتی و عمـومی خـود، فعّالیتهـای متنـوّع و گونـاگونی دارنـد. دین، همه ی این فعّالیتهـا را جهت میدهد؛ خصوصـیاتی که شیعه نقل میکند، نقل کرده اند. این چیزی نیست که کسـی بتواند آن را انکار کند؛ امّا قضـیه در این حد متوقّف نمی ماند. مسئله این است که از دوران حضـرت آدم علیه السـلام که رشته ی نبوّتها و رسالتها شروع شد و بارها و بارها حکومتهای نبوی در طول تاریخ تشکیل گردید- مثل سلیمان علیه السلام و داود علیه السلام و کسان دیگری

۱- . بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم۱۵/۸/۱۳۷۸ ،.

از بنی اسرائیل تـا زمـان پیغمبر مـا- آن جـایی که ترکیبِ بـدیع و شیوای دین و سیاست در اوج خود به صورت یـک سنّت مانـدگار درآیـد و هـدایت جامعه را تضـمین کنـد، در قضـیه ی غدیر اتّفاق افتاد. لذا در همین دعای ندبه ای که عرض کردم، میخوانیم: «فلمّـا انقضت ایـامه اقـام ولیه علی بن أبی طـالب صـلواتک علیهمـا و آلهما هادیا اذ کان هو المنـذر و لکلّ قوم هاد». چقـدر خوب است که مـا به معارفی که به برکت هـدایت اهل بیت علیهم السّـلام این طور ارزان در اختیار افکار ما قرار گرفته است، بـا دقّت و تأمّـل توجّه کنیم. دعـای نـدبه- همـان طور که عرض کردم- یـک خطبه ی غرّاست و تـاریخچه ی این فکر و ریشه ی این حرکت را از دوران رسالتها بیان میکند. اگر دقّت کنید، در این دعا هیچ نقطه ی اختلاف انگیزی بین شیعه و سنّی که جنـگ تـاریخی برافروخته شـده به دست انسانهای با انگیزه های مختلف است، وجود نـدارد و مسـئله ی امامت و ولایت به صورت اسـتدلالی بیـان میشود. «اذ کـان هو المنـذر و لکـلّ قوم هـاد»؛ یعنی پیغمبر دارای مقـام رسـالت و انـذار و تبشـیر است؛ آغازکننـده ی یک راه و بازکننـده ی افق در مقابل بشـریت است. امّا پیغمبر، ابـدی و دائمی نیست. جوامع، هدایت کننده لازم دارند. این هدایت کننده را اسلام پیش بینی کرده است: معصومین در نسلهای متعدّد پشت سر هم بیایند، زمام امور را به دست گیرنـد، جـامعه را بـا تعلیمـات قرآنی نـاب و خـالص در طـول چنـد نسـل و چنـد قرن هـدایت کننـد و در واقـع همه ی افکـار، خصوصـیات، رفتارها و خُلقیات اسـلامی را در جامعه ی اسـلامی نهادینه کننـد. البتّه بعـد از آن، باز حجّت خـدا در میان مردم زنـده میمانـد؛ چون دنیا و بشـریت بـدون قیام حجّت امکان ندارد؛ امّا بشـریت راه خود را پیدا میکرد، که این البتّه اتّفاق نیفتاد. نقشه و طرح کلّی اسلام این است. (۱)

گفتار پنجم. طلّاب جوان مصداقی از فراز دعای ندبه

بنده میخواهم بر مسـئله ی تهذیب، تأکید کنم. آقایان! حوزه های علمیه ی ما، پر از جوانان پاک و طاهر است. در کمتر جایی، این همه جوان زنـدگی میکننـد. در حوزه ی علمیه ای مثـل قم، هزاران جوان پـاک، صالـح و کسانی که از زخارف این دنیای دنیه، به حسبِ ظاهر گذشتند و واقعاً بعضی از اینها مصداق این فقره ی شریف دعای ندبه «شرطوا علیهم الزهد فی درجات هذا الدنیا الدنیه و زخرفها و زبرجها» هستند، جمع شده اند. خوب؛ اجتماع این جوانان صالح، خالص، مؤمن، پاک و

۱- . بیانـات در اجتمـاع بزرگ زائران و مجـاوران حضـرت علی بـن موسـی الرّضـا علیـه السّـلام در روز عیـد سـعید غـدیرخم، ۱۲/۱۲/۱۳۸۰.

نورانی در این حوزه ی علمیه، عجب موقعیت ممتازی است! (۱)

مطلب چهارم. درباره ی زیارت آل یاسین

آن مردمی که می نشینند، راز و نیاز میکنند؛ دعای ندبه را با توجّه میخوانند و زیارت آل یاسین را زمزمه میکنند و مینالند، میفهمند چه میگویند. آنها حضور این بزرگوار را حس میکنند. (۲)

در زیارت آل یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر میکنید، یکی از برجسته ترین آنها این است که «الّذی یملأ الارض عدلًا و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً». (۳)

آن معصوم برگزیده ی خدا امروز در میان ما انسانها در یک جای دنیا که ما نمیدانیم، زندگی میکند او وجود دارد، او دعا میکند، او قرائت قرآن میکند، او تبیین مواضع الهی میکند، او رکوع و سجود میکند، او عبادت میکند. (۴)

مطلب پنجم. درباره ی دعای اللهم کن لولیک...

تک تک افراد جامعه ما توسّل به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و آشنایی با آن حضرت و راز و نیاز با آن بزرگوار و سلام به آن حضرت و توجّه به آن حضرت را بایستی یک وظیفه و یک فریضه ی خودشان بدانند و دعا کنند برای آن حضرت همچنانی که ما در روایات داریم و این دعای «اللهم کن لولیک» یکی از این دعاهای فراوانی است که وجود دارد. (۵)

مطلب ششم. درباره دعای سلام الله الکامل...

وقتی شما روایات مربوط به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه و همچنین دعاها و زیارت های مربوط به ایشان را میخوانید، می بینید که روی چه چیزی تکیه میشود: «و أنت الّذی تملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا». کلمه ی «بعد» در یکی دو دعا بیشتر نیست. من یک وقت در نماز جمعه گفتم که «تملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا» را در جایی پیدا نکردم. گفتم:

۱- . بیانات در شروع درس خارج فقه، ۲۰/۶/۱۳۷۳.

۲- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۴- . سخنرانی در تاریخ ۲۱/۱/۱۳۶۶.

۵- . ولایت و حکومت، ص ۳۱۰

به جز دو جا، در روایات «کما ملئت ظلما و جورا» آمده است. یکی از آن دو جا زیارت غیر معتبری است و دیگری که زیارت نسبتاً خوبی است، سند درستی ندارد. «سلام الله الکامل التّام»، آنجا هم «بعد ما ملئت ظلما و جورا» است. (۱)

مطلب هفتم. درباره ی زیارت جامعه

برای مناقب ائمّه علیهم السلام از زیارتها، به خصوص زیارت جامعه ی کبیره استفاده کنید. بنابراین شما دیگر هیچ احتیاجی ندارید که مبالغاتی را در ذهن خودتان خلق کنید. آنچه که باید در باب ائمّه علیهم السلام گفته شود، در زیارت جامعه هست. (۲)

تمام ابعادی که در شخصیت یک انسان از نظر اسلام دخیل است، در شخصیت اینها بود.هم از جنبه ی معنوی، هم از جنبه ی فکری، هم از جنبه ی علمی، هم در میدان تلاش و مجاهده، هم در اخلاق و برخورد با انسانها و در همه ابعادی که برای یک انسان تصوّر میشود، امامان شیعه نمودار کامل بودند و لذاست که ما در زیارت جامعه که زیارتی است که خطاب به همه ی امامان شیعه آن را میخوانیم از جمله نامها و تیترهایی که برای امام ذکر میکنیم «و المثل الاعلی» نمونه ی بالاتر، نمونه برتر یکی از عنوانها این است. یعنی نمونه ی برتر مکتب. (۳)

زیارت جامعه مثلاً- یا زیارت مخصوصه ی امام رضا علیه السلام...؛ اینها مضامین خوبی دارد، ولو درست هم معنایش را نفهمید، [امّا] یک مقدار هم از آن بخوانید؛ زیارت جامعه مثلاً شش هفت صفحه است، وقت کردید همه اش را بخوانید، وقت نکردید یک صفحه اش یا نصف صفحه اش را بخوانید؛ عیب ندارد؛ امّا توجّه داشته باشید که این یک متنی است که خیلی خوب تنظیم شده، زیبا تنظیم شده- و در حالی که متن را میخوانید، ولو معنایش را هم ندانید، متوجّه باشید دارید خطاب به چه کسی میخوانید. (۴)

مطلب هشتم. درباره ی زیارت امین الله

زیارت مخصوصه ی امام رضا علیه السلام یا زیارت امین الله؛ اینها مضامین خوبی دارد، ولو درست هم معنایش

۱- . سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۹/۱۱/۱۳۶۸.

۲- . بیانات در دیدار جمعی از شعرای آئینی، ۲۵/۳/۱۳۹۰.

۳- . ولایت و حکومت، ص ۹۳.

۴- . بیانات در دیدار جمعی از پاسداران سپاه حفاظت ولی امر و خانواده های آنان ۶/۱/۱۳۸۲.

را نفهمید، [امّا] یک مقدار هم از آن بخوانید. (۱)

مطلب نهم. درباره ی دعای افتتاح

دعـای ابوحمزه ی ثمـالی، دعـای افتتـاح... تمـام این دعاهـایی که از ائمّه علیهم السّـلام به مـا رسـیده است، پر است از معارف اسلامی. (۲)

دعاهایی که از ائمّه رسـیده است، بهترین دعاهاست. اوّلا خواسـته هایی در این دعاها گنجانده شده است که به ذهن امثال ماها اصـلًا خطور نمیکنـد و انسـان از زبان ائمّه علیهم السّـلام آنها را از خـدا طلب میکنـد. در دعای ابوحمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه بهترین مطالبـات و خواسـته هـا برای انسـان مطرح میشود؛ که اگر انسان اینها را از خـدا بخواهـد و بگیرد، میتوانـد برای او سرمـایه باشـد. ثانیاً در این دعاها مایه های خشوع و تضـرع وجود دارد. مطلب، با زبان و لحن و بیانی ادا شـده است که دل را خـاشع و نرم میکنـد. با عبارات فصـیح و بلیغ، عشق و شـیفتگی و شوق در این دعاها موج میزنـد. انسان بایـد این دعاها را قـدر بداند و از آنها استفاده کند. البتّه باید معنای این دعاها را بفهمیم. (۳)

۱- . همان.

۲- . خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۷/۱۲/۱۳۷۱.

۳- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۹/۷/۱۳۸۴.

بخش دهم: مهدويت و آسيب ها

اشاره

مطلب اوّل. توجّه صرف به آرمانی بودن مهدویت

هرچند اعتقاد به حضرت مهدی أرواحنا فداه یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ امّا نباید مسئله را فقط به جنبه ی آرمانی آن ختم کرد، یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حدّاکثر در زبان، یا به صورت جشن، نه. این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. (۱)

مطلب دوّم. برداشت غلط از مفاهیم مهدوی

یادتان هست زمان های اختناق عدّه ای میگفتند چون امام زمان مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد؛ پس شما بیخود زحمت نکشید، بناست او کارها را درست کند و تا آقا هم نیاید فایده ای ندارد. آن روز عده ای دیگر میگفتند: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف البتّه تشریف می آورند و حکومت جهانی عدل اسلامی را تشکل میدهند؛ امّا این به آن معنا نیست که تا قبل از ظهور او بنده و شما در فکر تشکیل حکومت عدل اسلامی دریک گوشه از دنیا نباشیم. (۲)

بد فهمیدن دستور دین جزو ضعفهای درونی است. بعضی ها خیلی از چیزها را نمیفهمیدند. مبارزه میکردیم؛ بعضیها به استناد روایاتی که هر پرچمی که قبل از برافراشته شدن پرچم حضرت مهدی ارواحنا فداه برافراشته شود، در آتش است، با مبارزه مخالف بودند. میگفتند آقا شما قبل از مبارزه ی حضرت صاحب الزمان عجّل الله فرجه میخواهید مبارزه شروع کنید؟ خوب، این پرچم مبارزه را که بلند میکنید، در آتش است. معنای حدیث را نمی فهمیدند. (۳)

«یملأ الله به الارض عدلاً و قسطاً کما ملأت ظلماً و جوراً»... راجع به روایت مذکور، گفتنی است که در روایت، کلمه ی «بعد» اصلاً ندارد: «کما ملأت ظلماً و جوراً.» ندارد که چه وقت؟ فقط در یک دعا، آن هم دعای «سلام الله الکامل التّام...» که اوّل مفاتیح است، دارد که «بعدِ ما ملأت». «بعد»، فقط آنجاست و الّا، در روایاتی که این مضمون را داراست، یک مورد هم - ظاهراً - «بعد ما ملأت» ندارد. همه جا «کما ملأت» است. در زیارت آل یس هم «کما ملأت» است. بنده یک وقت همان «بعد» در دعای «سلام الله الکامل التّام» را هم ندیده بودم. لذا در نماز جمعه گفتم که من «بعد ما ملأت»، هیچ جا ندیده ام. اگر کسی دیده است، بگوید. آقای صدرزاده،... به من پیغام داد که در دعای

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۲- . آفتاب در مصاف، ص ۱۸

۳- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۴/۲/۱۳۸۷.

«سلام الله الکامل التّام» وجود دارد. یکی هم در زیارت «مفجعه» است، ولی«مفجعه» اعتباری ندارد. البتّه «سلام الله الکامل التّام» هم سند ندارد. سید علی خان مدنی نقل کرده و احتمال دارد انشای خودش باشد. بُعدی ندارد؛ امّا تصریح به عدم[اعتبار]«مفجعه» شده است. مرحوم شیخ عباس قمی و امثال ایشان میگویند اعتباری ندارد.« غرض؛ «بعد ما» نیست؛ مگر در یکی دو مورد. بنده در روایات ندیدم، و تا به حال هم کسی ادّعا نکرده که دیده است. (۱)

مطلب سوّم. جمودگرایی و اکتفا به ریختن اشک

انتظاری که از آن سخن گفته اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده کنیم. (۲)

به اسم اسلام قانع نیستیم که اسلام لیبرال داشته باشیم تا ارزشهای غربی و ارزشهای آمریکایی را ترویج کند...و احیاناً دعای ندبه ای هم بخواند. ما اسلام متحجّرِ طالبانی را هم قبول نداریم. (۳)

مطلب چهارم. ادّعاهای دروغ رؤیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

این کسانی که ادعاهای خلاف واقع میکنند- ادّعای رؤیت، ادّعای تشرّف، حتّی به صورت کاملًا خرافی، ادعای اقتدای به آن حضرت در نماز- که حقیقتاً ادعاهای شرم آوری است، اینها همان پیرایه های باطلی است که این حقیقت روشن را در چشم و دل انسانهای پاک نهاد ممکن است، مشوب کند؛ نباید گذاشت. همه ی آحاد مردم توجّه داشته باشند این ادّعاهای اتّصال و ارتباط و تشرّف به حضرت و دستور گرفتن از آن بزرگوار، هیچ کدام قابل تصدیق نیست. (۴)

توسّل، توجّه، انسِ با آن بزرگوار از دور. این انس به معنای این نیست که حالا کسی ادّعا کند که من خدمت حضرت میرسم یا صدای ایشان را میشنوم؛ ابداً این جور نیست. غالب آنچه که در این زمینه گفته میشود، ادّعاهایی است که یا دروغ است، یا طرف دروغ هم نمیگوید، تصوّر میکند، تخیل میکند. ما کسانی را دیدیم. آدمهای دروغگویی نبودند، امّا خیال میکردند، تخیل میکردند؛

۱- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار آیهالله شاهرودی در قم، ۱۶/۲/۱۳۷۵.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۳- . بیانات در دیدار مسوولان وزارت امورخارجه و روسای نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۲۵/۵/۱۳۸۳.

۴- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

تخیلات خودشان را به عنوان واقعیت برای این و آن نقل میکردند! نبایستی تسلیم اینها شد. (۱)

مطلب پنجم. تنبلی و عافیت طلبی

انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را وجهه ی همّت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان علیه الصّلاه و السّلام هستیم. اینکه انتظار نیست. (۲)

مطلب ششم. جدایی دیانت از سیاست

کسانی که خیال میکنند اسلام باید برود و در گوشه ای بنشیند و مردان اسلام و دین فقط زبان نصیحت را به کار گیرند، اینها دانسته یا ندانسته همان چیزی را میگویند که مراکز قدرت جهانی آن را میخواهند و آرزو میکنند. مراکز قدرت استکباری از اینکه رهبران اسلامی در گوشه ای از دنیا بنشینند و گاهی پیامی بدهند و یک کلمه حرفی بزنند- همچنان که رهبران مسیحی در هر قضیه ای پیامی میدهند، نصیحتّی میکنند و جمله ای میگویند- هیچ ترسی ندارند؛ میدانند این خطری برای آنها نیست. از اینکه ملّتهای مسلمان بیدار شوند و تشکیل حکومت دهند؛ از اینکه ایمان اسلامی آحاد مردم در قالب یک نظام و یک دولت و یک حکومت تجسّم پیدا کند، واهمه دارند و میترسند. نظام اسلامی و ملّت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی بزرگترین قدم را در این راه برداشت و به برکت مجاهدت جوانان و مردان و زنان مؤمن و فداکار این ملّت، اسلام در دنیا به عنوان یک قدرت ظاهر شد. هرچه این قدرت بتواند خود را مستقرتر و پایدارتر کند، نظم ظالمانه و شیطانی دنیا بیشتر تهدید میشود. (۳)

بعضیها بی توجّه، از جدایی دین و سیاست حرف میزنند؛ یعنی دین را به گوشه های خلوت برانند و انسان دین دار، فقط به نصیحت اکتفا کند! در اینجا نصیحت نمیتواند کاری بکند. آنچه میتواند قدرتها را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت نماید و ریشه ی آن را بَرکند یا آن را متزلزل سازد، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسی ای است که در اختیار احکام اسلامی باشد.

۱- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۲- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

امام زمان أرواحنا فداه با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی ای که ایمان والای خودِ او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهّز به آن قدرت کرده است، گریبان ستمگران عالم را میگیرد و کاخهای ستم را ویران میکند. (۱)

مطلب هفتم. جهل و نادانی

در مورد ماجرای اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ یعنی اینکه در آخرالزّمان از خاندان پیامبر شخصی ظهور میکند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پر میکند. تبعیض ها، ظلمها، سوءِ استفاده ها و فاصله های طبقاتی را از بین میبرد؛ نیز خیلی کار کرده اند. این عقیده که همه ی مسلمانها هم به آن معتقدند... از آن عقاید بسیار کارگشاست که به دلیل همین که کارگشاست، دشمن از یک طرف و البتّه دوستان نادان هم از یک طرف؛ گاهی دوستان نادان از روی نادانی و بر اثر بی توجّهی کاری میکنند که هیچ دشمن دانایی به آن خوبی نمیتواند ضربه بزند! (۲)

مطلب هشتم. خرافات گرایی

شما تا به حال کجا دیده اید که فردی به خاطر رویکرد مصیبتِ عزیزترین عزیزانش، با شمشیر بر مغز خود بکوبد و از سرِ خود خون جاری کند؟! کجای این کار، عزاداری است؟! قمه زدن، سنّتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک، خدا هم از انجام آن راضی نیست. علمای سلف دستشان بسته بود و نمی توانستند بگویند «این کار، غلط و خلاف است.» امروز روز حاکمیت اسلام و روز جلوه ی اسلام است. نباید کاری کنیم که آحاد جامعه ی اسلامی برتر، یعنی جامعه ی محبِّ اهل بیت علیهم السّلام که به نام مقدّس ولی عصر أرواحنا فداه، به نام حسین بن علی علیه السّلام و به نام امیر المؤمنین علیه الصّلاه و السّلام، مفتخرند، در نظر مسلمانان و غیر مسلمانان عالم، به عنوان یک گروه آدمهای خرافی بی منطق معرفی شوند. من حقیقتاً هرچه فکر کردم، دیدم نمیتوانم این مطلب- قمه زدن- را که قطعاً یک خلاف و یک بدعت است، به اطّلاع مردم عزیزمان نرسانم. این کار را نکنند. (۳)

۱- . همان.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مردم، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۳- . بیانات در جمع روحانیون استان کهکیلویه و بویراحمد در آستانه ی ماه محرّم، ۱۷/۳/۱۳۷۳.

مطلب نهم. دنیاطلبی

کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را میبازند و زانوانشان سست میشود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر می اندازد، انجام دهند؛ اینها چطور میتوانند منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به حساب آیند؟ (۱)

مطلب دهم. روزمرگی

انسانی که سر در پیله ی خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه میکند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد. (۲)

مطلب یازدهم. سطحی نگری

در قضیه ی ولادت آن بزرگوار و اعتقادی که به این حقیقت است، اگر انسان در دو ناحیه و در دو جهت جستجو کند، آثار عظیمی را مشاهده میکند... این، یک میدان وسیع است. هرکس که در باطن، قلب، دل و جان خود، با این بزرگوار مرتبط باشد، بهره ی خودش را خواهد برد. البتّه، توجّه به کانون نور، باید توجّه حقیقی باشد. لقلقه ی زبان در این زمینه، تأثیر چندانی ندارد. (۳)

مطلب دوازدهم. سوء استفاده از مهدویت

امروز بحمدالله ملّت ما توجّهشان به مقوله ی مهدویت و وجود مقدّس حضرت مهدی سلام الله علیه از همیشه بیشتر است... البتّه مثل همه ی حقایقی که در برهه های مختلفی از زمان ملعبه ی دست سودجویان میشود، این حقیقت هم گاهی ملعبه ی دست سودجویان میشود. (۴)

مطلب سیزدهم.سیاسی کاری

من این قضیه ای را که اخیراً در کشور پیش آمد و قضیه ی دل خراشی بود یعنی اهانت به ولی عصر أرواحنا فداه جلو می اندازم و درباره ی آن چند نکته ی لازم و مهم را عرض میکنم. بعد اگر وقتی

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۲- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۳- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۴- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

مانـد، برای بقیه ی مطـالب باشـد. یک مطلب این است که اصل این قضـیه، حقیقتاً قضـیه ی تلخی بود...یک نکته ی دیگر این است که بعضـی کسان این مسئله را به جاهای دیگری کشاندنـد؛ پای بعضـی از مسـئولان کشور و بعضـی از بزرگان را به این قضایا کشاندند؛ این درست نیست. چرا ما باید نسبت به مسئولان و رؤسای کشور ایجاد سوءظن کنیم؛...نکته ی دیگری که من در اینجا لازم میدانم عرض کنم، این است که جناحهای سیاسـی این قضایا را در وسط میدان کارهای سیاسـی نیاورند که بهانه ای برای برانگیخته شـدن در مقابـل هم شود. امروز مصـلحت کشور، مصـلحت ملّت و مصـلحت انقلاب، اتّحـاد کلمه و اتّحـاد دلهاست. (۱)

مطلب چهاردهم. عدم تهذیب نفس

خشم و شـهوتهای بی مهار و تربیت نشده، دلبسـتگی به عادات و عقاید خرافی میراثی، و بد فهمیدن دسـتور دین جزو ضعفهای درونی اسـت. بعضـیها خیلی از چیزهـا را نمیفهمیدنـد. مبـارزه میکردیـم؛ بعضـیها بـه اسـتناد روایـاتی که هر پرچمی که قبـل از برافراشته شدن پرچم حضرت مهدی ارواحنا فداه برافراشته شود، در آتش است، با مبارزه مخالف بودند. (۲)

مطلب پانزدهم. غلو و زیاده روی

به همه هم این را میگویم و گفته ام و تکرار میکنم؛ مبادا آن صـفاتی، خصالی، مناقبی که متناسب با وجود ولی عصـر (ارواحنا فـداه) هست، اینهـا را تنزل بـدهیم در سـطح انسانهـای کوچک و ناقصـی مثل این حقیر و امثال این حقیر. اینی که گفته میشود کسانی که در این سفینه سوارند، غم طوفان ندارند:

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

این نوح امام زمان است، امّا با یک نگاه عمومی به طول تاریخ اسـلام وقتی نگاه کنیم- که سعدی هم با همان نگاه این شعر را گفته است- وجود مقدّس خاتم الانبیاء صـلی الله علیه وآله نوحِ کشتیبان این امت است. بله، این امت در طول تاریخ خود فراز و نشـیبهایی داشـته؛ گاهی به گل نشسـته، گاهی دچار ذلّت شـده، گاهی با مشـکلات غیرقابل توصـیفی مواجه شـده، دست به گریبان شده؛ این

۱- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۹/۷/۱۳۷۸.

۲- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۴/۲/۱۳۸۷.

ناشی از این است که سوار کشتی نشده. اگر واقعاً متمسک بشویم، متوسل بشویم بر کشتی نجات اسلام، همراه پیغمبر باشیم، مسلّماً پیروزی نصیب ماست. البتّه دریا طوفان دارد، سختی دارد، مشکلات دارد، گاهی هراسهای بزرگ دارد، امّا وقتی کشتیبان بنده ی برگزیده ی خداست، معصوم است، آن وقت دیگر بیمی وجود ندارد. این آن نکته ی کوتاهی بود که خواستم عرض بکنم؛ این صفات را مخصوص بدانید به آن بزرگواران. نوحِ این کشتی اوست، پشتیبان این امت اوست، واسطه ی فیض الهی به یکایک آحاد ما، به دلهای ما، به جانهای ما، به ذهنهای ما، به جسمهای ما، به حیات فردی و اجتماعی، وجود مقدّس خاتم الاوصیاء و در رتبه ی قبل از او، وجود مقدّس خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله است. (۱)

وقتی کسانی اسم مبارک امیرالمؤمنین علیه السّلام یا اسم مبارک ولی عصر روحی فداه را می آورند، بعد اسم ما را هم دنبالش می آورند، بنده تنم میلرزد. آن حقایق نور مطلق، با ما که غرق در ظلمتیم، بسیار فاصله دارند. ما گیاه همین فضای آلوده ی دنیای امروزیم؛ ما کجا، کمترین و کوچکترین شاگردان آنها کجا؟ ما کجا و قنبرِ آنها کجا؟ ما کجا و آن غلام حبشی فداشده در کربلای امام حسین علیه السّلام کجا؟ ما خاک پای آن غلام هم محسوب نمیشویم. امّا آنچه که حقیقت است، این است که ما به عنوان مسلمانانی که راهمان را شناخته ایم، تصمیم خود را گرفته ایم و نیروی خود را برای این راه گذاشته ایم؛ با همه ی وجود در این راه حرکت میکنیم و ادامه خواهیم داد. (۲)

مطلب شانزدهم. قانون شکنی و فریب کاری

در نظام اسلامی که مظهر کامل آن، حکومت حضرت بقیه الله أرواحنا فداه است، فریب و حیله گری برای جلب آراء مردم، خودش جرم است...؛ قانون دانهای قانون شکن، خطرناک تر از همه اند؛ کسانی که قانون را خوب بلدند، پیچ وخمها و دالانهای تودرتوی قانون را خوب میشناسند، امّا خودشان قانون شکنند؛ بدون اینکه معلوم شود کارشان قانون شکنی است. اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملّت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است. این چیزی است که با نظام اسلامی و با انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف کاملًا منافات دارد. (۳)

۱- . بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه شمال کشور، ۲۸/۶/۱۳۹۱.

۲- . بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۲/۸/۱۳۸۰.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

مطلب هفدهم. کار عامیانه و غیر عالمانه

در مسئله ی امام زمان علیه السّلام خیلی دقّت کنید. گاهی ممکن است حرفی، دلی را جذب کند و دو تا دل دیگر را زده کند. اینها هرچه کمتر گفته شود، بهتر است. ممکن است که یک نفر هم با این حرف، کمی اعتقادی پیدا کند. چنانچه دیدید که آن سخن،پایه هایش محکم نیست، چه به صورت معجزه و چه به صورت دیگر، از ترویج آن جلوگیری کنید. ما به این سخنان احتیاجی نداریم. سخن منطقی، محکم و قوی فراوان داریم. (۱)

از کارِ عامیانه و جاهلانه به شدّت باید پرهیز کرد. از جمله ی چیزهایی که میتواند یک خطر بزرگ باشد، کارهای عامیانه و جاهلانه و دور از معرفت و غیر متّکی به سند و مدرک در مسئله ی مربوط به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشّریف است، که همین زمینه را برای مدّعیان دروغین فراهم میکند. کارهای غیرعالمانه، غیرمستند، غیر متکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهّمات؛ این جور کاری مردم را از حالت انتظار حقیقی دور میکند...اینها غلط است، اینها کارهای منحرف کننده است، کارهای غلط انداز است. وقتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت، مهجور خواهد شد، مشتبه خواهد شد، وسیله ی گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کارِ عوامانه، از تسلیم شدن در مقابل شایعات عامیانه بایستی به شدّت پرهیز کرد. (۲)

مطلب هیجدهم. همراهی با دشمنان اسلام و انقلاب

دل انسان غمگین میشود و میشکند به خاطر اینکه چرا کسانی که نان انقلاب را خوردند، نان اسلام را خوردند، نان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را خوردند، دم از امام زمان زدند، دم از ائمّه ی معصومین زدند، حالا طوری مشی کنند که اسرائیل و امریکا و سیا و هرکسی که در هر گوشه ی دنیا با اسلام دشمن است، برایشان کف بزنند! این، انسان را غصّه دار میکند؛ ولی به شما عرض کنم، بشارتهای الهی این قدر زیاد است که هر غمی را از دل پاک میکند. (۳)

۱- . دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۲۰ /۲/۱۳۸۲.

۲- . بیانات در جمع اساتید و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۳- . خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۶/۹/۱۳۷۸.

مطلب نوزدهم. عزلت و گوشه نشینی

اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای گوشه گیری نیست. جریانهای انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ میکردند، الآن هم در گوشه و کنار تبلیغ میکنند که امام زمان می آید و اوضاع را درست میکند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم! چه لزومیدارد ما حرکتی بکنیم! این مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند؛ چون فردا بناست خورشید عالمتاب بیاید و روز شود و همه ی دنیا را روشن کند. خورشیدِ فردا، ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد. (۱)

مطلب بیستم. مدّعیان دروغین و دجّال

یک عدّه ای از صدر اسلام، از زمان ائمّه علیهم السّلام که شنیده بودند مهدی ظهور خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، ادّعای مهدی گری میکردند؛ بعضی بر خودشان هم امر مشتبه بود. بد نیست بدانید هم در بنی امیه ادّعای مهدویت بود، هم در بنی عبّاس بود، هم در افراد دیگری که چه در زمان بنی عبّاس و چه در زمانهای بعد تا امروز وجود داشتند، ادّعای مهدویت وجود داشت. (۲)

امروز شما ببینید مدّعیان ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارتباط با غیب، با شکلهای مختلف در جامعه دارند کار میکنند... این خطرناک است. (۳)

در طول تاریخ مدّعیانی بودند؛ بعضی از مدّعیان هم همین چیزی که حالا اشاره کردند، یک علامتی را بر خودشان یا بر یک کسی تطبیق کردند؛ همه ی اینها غلط است...کارهای غیرعالمانه... زمینه را برای مدّعیان دروغگو و دجّال فراهم میکند. (۴)

مطلب بیست و یکم. عالمان بی تقوا و بی بصیرت

یکی از بزرگان علما و روحانیون محترمی که امروز بحمدالله در میان ما هستند و برکات وجود ایشان باز هم شامل حال مردم میشود، برای من نقل میکردند که در اوایل روی کار آمدنِ رژیم منحوس، فاسد و وابسته ی پهلوی، آن کودتاگرِ بی سوادِ فاقدِ هرگونه معرفت و معنویت، یکی از آخوندهای

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۲- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۴/۲/۱۳۸۷.

۳- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب در دیدار با روحانیون، ۱۷/۸/۱۳۸۵.

۴- . دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

وابسته به دربار را صدا کرد و از او پرسید این قضیه ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست که چنین مشکلاتی برای ما درست کرده است؟! آن آخوند هم برطبق دل و میل او، جوابی میگوید و آن قلدر هم مأموریت میدهد که بروید مسئله را حل و تمام کنید. (۱)

البتّه در روحانیت هم آدم های ناباب هستند؛ ما نمیگوییم نیستند. در روحانیت هست، در کسبه هست، در دانشگاهی هست، در ارتش هست، در دستگاه های مختلف هست؛ آدم ناباب همه جا هست. در روحانیت هستند آدم هایی که نان امام زمان را خورده اند، نمک امام زمان را خورده اند؛ امّا نمکدان امام زمان را شکسته اند و با راه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مخالفت کرده اند. هستند؛ ما نمیگوییم نیستند. رادیوهای بیگانه بروند هرچه میخواهند با آنها مصاحبه کنند. حاضرند به اندازه ی ده جلد کتاب هم به همه ی مقدّسات جمهوری اسلامی فحش بدهند! نه اینکه نیستند؛ هستند. اما، اوّلا بسیار کم و ثانیاً منفور ملّت ایران و مسلمانان انقلابی اند. شما خیال میکنید کسانی که رادیوهای بیگانه و دستگاه های استکباری، برای مرجعیت، دل به آنها بسته اند، در داخل ایران کسانی اند که اگر خودشان را در معرض اطّلاع ملّت قرار دهند، ملّت، آنها را آرام میگذارد؟ (۲)

مطلب بیست و دوم. تطبیق های غلط علائم ظهور

بعضی از این چیزهایی که راجع به علائم ظهور هست، قطعی نیست؛ چیزهایی است که در روایات معتبرِ قابل استناد هم نیامده است؛ روایات ضعیف است، نمیشود به آنها استناد کرد. آن مواردی هم که قابل استناد هست، این جور نیست که بشود راحت تطبیق کرد. همیشه عدّه ای این شعرهای شاه نعمت الله ولی را - در طول سالهای متمادی و در موارد زیادی - بر آدمهای مختلفی در قرون مختلف تطبیق کردند، که بنده دیدم. گفتند بله، اینی که گفته من فلان کس را، فلان جور میبینم، این فلان کس است؛ یک شخصی را گفته اند. باز در یک زمان، صد سال بعد مثلاً، یک کس دیگری را پیدا کردند و به او تطبیق کردند! اینها غلط است، اینها کارهای منحرف کننده است، کارهای غلط انداز است. وقتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت، مهجور خواهد شد، مشتبه خواهد شد، وسیله ی گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد. (۳)

۱- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۲- . بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد علیه السلام و در آستانه ی میلاد بابرکت حضرت علی علیه السلام، ۱۳۷۳/۹/۲۳.

۳- . بیانات در جمع اساتید و فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

بخش یازدهم: دشمنان مهدویت

اشاره

مطلب اوّل. هجوم همیشگی به عقیده ی سازنده ی مهدویت

گفتار اوّل.تلاش مستمر دشمن در مبارزه با عقیده ی مهدویت

همه ی عقایـد سازنده، مورد تهاجم دشـمن قرار گرفته است... ما امروز چقدر باید هوشیار باشیم؟ دشـمنان سـراغ مجموعه ی احکام و مقرّرات اسـلام رفتنـد. هر عقیده، هر توصیه ای از شـرع مقدّس که در زندگی و سـرنوشت آینده ی فرد و جماعت و امّت اسـلامی، تأثیر مثبت بارزی داشـته است و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند، [و] اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند! خوب، ممکن است شـما بگویید که مگر دشمن چه کاره است؟ چطور دشمن میتواند عقاید اسلامی را کـاری کنـد که از اسـتفاده مردم خـارج بشود ؟ نه، این خطا است. دشـمن میتوانـد؛ منتهی نه در کوتاه مـدّت؛ بلکه در طول سالهـای متمادی. گاهی ده ها سال زحمت میکشـند، برای اینکه بتواننـد یک نقطه درخشان را کور یا کم رنگ کننـد؛ یا نقطه تاریکی را به وجود بیاورنـد. سال های متمادی مینشـینند و پول خرج میکننـد! یکی زحمت میکشـد و تلاش میکند؛ ولی توفیق پیـدا نمیکنـد، بعـد از او کسان دیگری می آینـد. روی عقاید دنیای اسـلام، از این گونه کارها خیلی شده است. روی عقیده ی توحیـد، عقیـده ی امـامت، روی اخلاقیات اسـلامی (معنای صبر، معنای توکل، معنای قناعت) کار کرده انـد! همه ی اینها نقاط برجسـته ای هسـتند که اگر مـا مسـلمانها، درست به حقیقت اینهـا توجّه بکنیم، تبـدیل به یـک موتور حرکت دهنـده جـامعه ی اسـلامی میشود؛ ولی وقتی روی آن کار کردنـد و آن را خراب و معنای آن را عوض کردنـد و در ذهنها به صورت دیگری جا انداختند، همین موتور محرّک، به یک داروی مخدّر و خواب آور تبدیل میشود. اینگونه است!

در مورد ماجرای اعتقاد به مهـدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف؛ یعنی، اینکه در آخرالزّمان از خانـدان پیامبر شخصی ظهور میکند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پر میکند. تبعیض ها، ظلم ها، سوءِ اسـتفاده ها و فاصله های طبقاتی را از بین میبرد؛ نیز خیلی کار کرده اند. (۱)

دشـمن ترین اشـخاص با این عقیده و با شـخص آن بزرگوار، ستمگران عالمند از روز غیبت آن حضرت - بلکه از روز ولادت آن حضـرت - تا امروز؛ آن کسانی که وجودشان با سـتم و با زورگویی همراه بوده، به دشمنی با این بزرگوار، با این پدیده ی الهی، با این نور وبا این شمشیر الهی مشغول شدند.

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

امروز هم مستکبرین و ستمگران عالم، با این فکر و این عقیده، مخالف و دشمنند. میدانند که این عقیده و این عشق - که در دلهای مسلمین، به خصوص در دلهای شیعه است - برای هدفهای ستمگرانه ی آنها مزاحم است. (۱)

دشمنان حقیقت دنیادارانند، قدرتمندانند، طواغیت عالمند؛ در طول تاریخ این جور بوده است، تا آخر هم، تا زمانی که دولت حقّه ی ولی عصر ارواحنا فداه ظهور بکند، همین جور خواهد بود. این قدرتمندان بیکار که نمیمانند؛ ایجاد اشکال میکنند، ضربه میزنند، از همه ی ابزارهایشان استفاده میکنند. (۲)

نکته ای که از این وضعیتی که وجود دارد، استفاده میشود، شناسایی دشمن و شیوه های او و کاری است که دارد انجام میدهد؛ دشمن الان چه کار دارد میکند؟ یکی از مهمترین یا شاید بتوانم بگویم مهمترین کاری که دشمن میکند، دو قلم کار است: یک قلم، جدا کردن مردم از نظام،... یکی هم مسئله ی دین و بینات اسلامی و انقلاب اسلامی است. از توحید، نبوّت، امامت و ولایت. (۳)

گفتار دوّم. مبارزه ی استعمار با مهدویت در کشورهای آفریقایی

این عقیده که همه ی مسلمانها هم به آن معتقدند... از آن عقاید بسیار کارگشاست که به دلیل همین که کارگشاست، دشمن از یک طرف و البتّه دوستان نادان هم از یک طرف؛ گاهی دوستان نادان از روی نادانی و بر اثر بی توجّهی، کاری میکنند که هیچ دشمن دانایی به آن خوبی نمیتواند ضربه بزند! حالا بحث ما در مورد دشمنان دانا است؛ سراغ این عقیده آمدند. من سندی را دیدم که مربوط به ده ها سال قبل؛ یعنی، آن اوایلی است که استعمار وارد شمال آفریقا شده بود، چون کشورهای شمال آفریقا؛ خیلی گرایش به اهل بیت علیهم السلام دارند. حالا مذهبشان هر مذهبی از مذاهب اسلامی که هست؛ امّا محبّ اهل بیتند. این کشورهای سودان و مغرب و اینها عقیده به مهدویت در آن جاها خیلی پررنگ است. آن زمانی که استعمار وارد آن مناطق شد - که ورود استعمار به آن مناطق در قرن گذشته است - یکی از چیزهایی که مزاحم استعمار بود، عقیده به مهدویت بود! بنده سندی را دیدم که آن بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری، توصیه میکنند که

۱- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، در روز نیمه ی شعبان، ۱۳۷۷/۹/۱۴.

۲- . بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲.

۳- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۶/۲۵.

ما باید کاری بکنیم که این عقیده به مهدویت به تدریج از بین مردم زایل بشود! آن روز استعمارگرهای فرانسوی و استعمارگرهای انگلیسی، در بعضی جاهای آن مناطق بودند - فرقی نمیکند که استعمار از کجا باشد - استعمارگرهای خارجی قضاوتشان این بود که تا وقتی عقیده به مهدویت در بین این مردم رایج است؛ ما نمیتوانیم اینها را درست در اختیار بگیریم! (۱)

ما میدانیم که استعمار و استکبار، چه تلاشی را در این جهت - نه فقط در ایران بلکه در سطح دنیای اسلام - انجام داده است؛ تا این چراغ را خاموش کند. در یک گزارش بسیار مهمی که مربوط به سالها قبل است و جدید نیست؛ تلاش گروه های تبلیغی مسیحیت را که از اروپا به سمت شمال آفریقا اعزام میشدند تا جادّه ی استعمار را در آنجا صاف کنند، نشان داده بود. یکی از غصّه های دین داران دنیا، این است که قدرت مندان مسلّط بر کشورهای مسیحی، تبلیغ علی الظّاهر دین مسیح در سطح دنیا را، وسیله ای برای پیش بردن ماشین استعمار قرار دادند و اینها جادّه صاف کن استعمار شدند. گروه های تبلیغی و به اصطلاح تبشیری را، به عنوان تبلیغ مسیحیت - که ظاهرش تبلیغ مسیحیت بود؛ امّا باطن قضیه این بود که راه را باز کنند تا استعمارگران اروپایی از کشورهای مختلف اروپای آن روز، وارد کشورهای اسلامی بشوند و قدرت سیاسی را قبضه کنند - به اطراف دنیا فرستادند و متأسّفانه در بسیاری از جاها هم موفّق شدند. این گزارش، مربوط به گروه های تبلیغی در شمال آفریقاست. گزارشگر مینویسد: یکی از مشکلات ما در سر راه تبلیغ مسیحیت و پیشرفت استعمار در شمال آفریقا ومنطقه ی تونس و مغرب، این است که این مردم اعتقاد دارند که مهدی موعود خواهد آمد و اسلام را سربلند خواهد کرد. گزارشگر، این را در گزارش رسمی خود می نویسد و برای آن هیئتی که مسئول رسیدگی به این کارهاست، میفرستد. بنابراین نفس اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث ایجاد مشکل برای استکبار و استعمار شده بود؛ درحالی که اعتقادی که برادران ما در آن مناطق دنیا دارند، به روشنی و وضوح اعتقادی که ما امروز در اینجا داریم، نیست؛ بلکه بیشتر، ابهامات و کلّی گویی وجود دارد تا تعیین مصداق، مورد، نام و خصوصیات. در عین حال، استعماگران از این امید ترسیدند. (۲)

۱- . بیانات در دیدار اقشار مردم ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۲- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

گفتار سوّم. روشنفکرهایی هم سو با مهدی ستیزان

ببینید، عقیده به مهدویت چقدر مهم است! چقدر خطا میکنند کسانی که به اسم روشنفکری و به اسم تجدّدطلبی می آیند و عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطّلاع، بدون اینکه بدانند دارند چه کار میکنند، مورد تردید و تشکیک قرار میدهند! اینها همان کاری را که دشمن میخواهد، راحت انجام میدهند! (۱)

گفتار چهارم. مبارزه ی رضاخان با مهدویت

موضوع مهدویت یکی از آن مسایل محوری و به اصطلاح سرِ بند است که از آن رشته هایی منشعب میشود و بسیاری در فکر افتادند که این را از بین ببرند. یعنی این فکر را یا تضعیف و یا نابود کنند. مرحوم آقای فلسفی در مورد نابود کردن آن، ماجرای مفصّلی را از زمان رضاخان نقل می کرد. رضاخان یکی از معمّمین آن زمان را خواست و گفت که این قضیه را مثلاً تمامش کنید. آن معمّم گفت: این کار سخت است. بعد رضاخان گفت: پس شما بیایید به عنوان مقدّمه، فلان مسئله ی دیگر را مطرح کنید. اگر عکس العملی نشان ندادند، بعد این را مطرح کنید. رضاخان خودش این حرفها را نمیفهمید. او دیکتاتور خوبی بود و قاطعیت خوبی داشت؛ امّا مغزِ فهمیدن اینکه حالا ـ فلان مسئله به امام زمان برمیگردد، مغز رضاخانی نیست. آن مغز، عقبه ی فرهنگی رژیم پهلوی است که خودِ رضاخان را روی کار آورد و این کارها و فکرها را درست کرد. در واقع، رضاخان آن بولدوزری بود که اینها جلو انداخته بودند تا آن چیزی را که میخواستند، انجام دهند. (۲)

البتّه آن مقدّمات به فضل پروردگار و با هوشیاری علمای ربّانی و آگاهان این کشور، در آن دوران ناکام ماند و نتوانستند آن نقشه ی شوم را عملی کنند. در کشور ما، یک کودتاچی غاصب، از طرف دستگاه های قدرت استعماری، مأموریت داشت که بیاید ایران را قبضه کند و کشور را دو دستی تحویل دشمن بدهد و برای آنکه بتواند بر این مردم مسلّط بشود، یکی از مقدّمات لازمش این بود که عقیده به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را از ذهن مردم پاک کند. (۳)

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۲- . دیدار با حجّت الاسلام و المسلمین قرائتی و مسئولان نهضت سوادآموزی و آغاز فعّالیت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۶/۱۰/۱۳۸۰.

۳- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

گفتار پنجم. لزوم مبارزه با دشمنان مهدویت

انتظار، یکی از پُربرکت ترین حالات انسان است؛ آن هم در انتظار دنیایی روشن از نور عدل و داد. «یملأ الله به الارض قسطا و عدلا». خدای متعال به دست او، سرزمین بشری و همه ی روی زمین را از عدالت و دادگستری پُر خواهد کرد. انتظار چنین روزی را باید داشت. نباید اجازه داد که تصرّف شیطانها، ظلم و عدوان طواغیت عالم، شعله ی امید را در دل خاموش کند. (۱)

مطلب دوّم. برخی مصادیق دشمنان مهدویت

گفتار اوّل. زورگویان، طاغوتها و دشمنان حقیقت و دولت حق

حق و حقیقت دشمن دارد؛ بیان حقیقت آسان نیست. دشمنان حقیقت دنیادارانند، قدرتمندانند، طواغیت عالمند؛ در طول تاریخ این جور بوده است، تا آخر هم، تا زمانی که دولت حقّه ولی عصر ارواحنا فداه ظهور بکند، همین جور خواهد بود. (۲)

دشمنترین اشخاص با این عقیده و با شخص آن بزرگوار، ستمگران عالمند. از روز غیبت و بلکه از روز ولادت آن حضرت تا امروز، کسانی که وجودشان با ستم و زورگویی همراه بوده است، به دشمنی با این بزرگوار، با این پدیده الهی، با این نور الهی و با این شمشیر الهی مشغول بوده اند. امروز هم، مستکبرین و ستمگران عالم، با این فکر و عقیده، مخالف و دشمنند. میدانند این عقیده که در دلهای مؤمنین است و این عشقی که در دلهای مسلمین - به خصوص شیعه- وجود دارد، مزاحم هدفهای ستمگرانه ی آنهاست. (۳)

گفتار دوّم. قدرت شیطانی و طاغوتی آمریکا

یکی از تاریکترین ادوار زندگی بشر و تلخترین روزگارهای عمومی مردم عالم، همین روزگار کنونی است که در آن هیچ تردیدی نباید کرد و این به خاطر تسلّط روزافزون قدرتهای شیطانی و بزرگ عالم بر زندگی انسانهاست. اگر شما به وضع دنیا نگاه کنید، قضیه روشن میشود. در دنیا، قدرتها عالم را

۱- . بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۲- . بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۲۲/۹/۱۳۸۸.

۳- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، در روز نیمه ی شعبان، ۱۴/۹/۱۳۷۷.

بین خودشان تقسیم کرده بودند و روزبه روز تسلّط و تصرّف قدرتهای بزرگ نسبت به مناطق گوناگون عالم، سخت تر و سنگینتر شده است. مثلاً ـ امروز دخالت قدرت شیطانی و طاغوتی امریکا در زندگی ملّتها، از همیشه بیشتر است. در همه ی شئون عمده و اساسی ملّتها دخالت میکنند و این دخالت، منحصر به مسایل اقتصادی ملّتها نیست؛ بلکه در فرهنگ و سیاست و اداره ی امور و تعیین مدیران امور کشورها نیز دخالت میکنند...اگر در دلها امید به روزگار روشن باشد، مبارزه ممکن است و اگر امید بمیرد، مبارزه و حرکت به سمت صلاح هم خواهد مرد. (۱)

گفتار سوّم. استکبار و صهیونیسم

قدرت جهنّمی استکبار و صهیونیسم، امروز با تکیه بر پول و تبلیغات و استفاده از شعارهای ظاهر فریب (مانند حقوق بشر، حقوق زن و حقوق اساسی ملّت ها) برای تحمیل ظلم بر ملّت ها و ترویج فساد، دورویی، تزویر و ریاکاری و نفاق در جوامع بشری تلاش میکند و در طول تاریخ، چنین شرایطی وجود نداشته است. (۲)

مطلب سوّم. شگردهای مهدی ستیزان

گفتار اوّل. نابودی مهدویت

اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف شیعه را تا امروز از آن همه پیچ و خمهای عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله عزت و پرچم سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملّت مسلمان و شیعه ایران است. هرجا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد. به همین خاطر، یکی از اساسی ترین کارهای استعمار و استکبار و ایادی آنها، این بوده است که عقیده ی امید و مبارزه را در دل مردم از بین ببرند. (۳)

گفتار دوّم. کتمان مهدویت

آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه ی دلهای

۱- . بیانات در دیدار با جمعی از مسئولان و خانواده های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۱۲/۱۳۶۸.

۲- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۸/۱۰/۱۳۷۵.

۳- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

مستعد را که در همه جای جهان هستند، به خود جذب کند و آن وقت دیگر قدرتهای ستمگر، قدرتهای زورگو، قدرتهای متّکی به زر و زور نتوانند حقیقت را آنچنانی که قبل از آن همیشه کرده اند، با فشار زر و زور خود به عقب بنشانند یا مکتوم نگه دارند. (۱)

گفتار سوّم. تخریب مهدویت

اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدّس مهدی موعود ارواحنافداه، امید را در دلها زنده میکند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمیشود. چرا؟ چون میداند یک پایان روشنِ حتمی وجود دارد؛ برو برگرد ندارد. سعی میکند که خودش را به آن برساند...البتّه وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، میکوشند آن را در ذهنهای مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می آید و همه ی کارها را درست میکند! این، خراب کردن عقیده است. (۲)

دشمن سه هدف مرحله ای و مقطعی را تعقیب میکند...دوّم، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ یعنی به تخریب ایمانها و باورها و اعتقاداتی که این ملّت را از یک ملّت عقب افتاده ی توسری خور، به یک ملّت پیشرو، شجاع و میدان دار در دنیا تبدیل کرد، بپردازند. این حرکت، با اعتقادات و باورهایی انجام گرفت؛ بدون این باورها که انسان حرکت نمیکرد و این ملّت پیش نمی رفت. دشمن میخواهد این باورها را در ذهن ملّت ما تخریب کند. سوّم، تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم. (۳)

گفتار چهارم. تحریف مهدویت

دشمنانِ تفکر و اعتقاد به مهدویت- که این اندیشه را به زیان خود میدانند - همواره تلاش کرده اند تا آن را از اذهان مردم بزدایند و یا مفاهیم اعتقاد به مهدویت را تحریف کنند؛ لذا امروز در نقطه ی مقابل این تلاش دشمنان، باید در جهت اعتقاد، عمل، تبلیغ و تبیین حقیقت مهدویت حرکت کنیم. (۴)

۱- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۳- . خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۶/۹/۱۳۷۸.

۴- . سخنرانی مقام معظّم رهبری، ۹/۱۱/۱۳۷۲.

گفتار پنجم. تزریق نامیدی

چند خصوصیت در این عقیده ی مهدویت هست که این خصوصیات برای هر ملّتی، در حکم خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، امید است. گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملّتهای ضعیف را به جایی میرسانند که امیدشان را از دست میدهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمیکنند؛ میگویند چه فایده ای دارد؟ ما که دیگر کار از کارمان گذشته است، با چه کسی در بیافتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاشی بکنیم؟ ما که دیگر نمیتوانیم ! این روح ناامیدی است؛ استعمار این را میخواهد. امروز استکبار جهانی مایل است که ملّت های مسلمان و از جمله ملّت عزیز ایران، دچار این حالت بشوند (روح ناامیدی). ای آقا! دیگر نمیشود کاری کرد! دیگر فایده ای ندارد! میخواهند این را به زور در مردم تزریق کنند. ماها که در جریان خبرهای تبلیغاتی و زهرآگین دشمنان قرار داریم؛ به عیان می بینیم که اغلب این خبرهایی که تنظیم میکنند، برای مأیوس کردن مردم است. مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مأیوس کنند؛ متدینین را از گسترش دین مأیوس کنند؛ آزادی طلب ها و علاقه مندان به مسایل فرهنگی و مسایل سیاسی را از امکان کار سیاسی یا کار فرهنگی مأیوس کنند. آینده را در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته اند، تیره و تار جلوه بدهند! برای چی ؟ برای اینکه این مجموعه انسانی که دارد با امید کار میکند، این جوشش و این امید را از او بگیرند. آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل بکنند تا بتوانند هرکاری که مایلند انجام بدهند! با یک ملّت زنده که نمیتوانند هرکاری که بخواهند، انجام دهند. یک جسم بیهوش مدهوش بی حسّی که آنجا افتاده است، هرکس هرچه دلش خواست، میتواند به او تزریق کند. با او هرکاری میتواند بکند؛ امّا با یک موجود سرحال زنده باهوش متحرّک و فعّال که نمیتوانند هرکاری را انجام بدهند؛...امروز هر نَفَسی، هر حنجره ای که برای ناامید کردن مردم بدمد، بدانید که این حنجره در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، این قلم متعلّق به دشمن است؛ چه صاحب این قلم بداند، چه نداند ! دشمن از او استفاده میکند. (۱)

اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف شیعه را تا امروز از آن همه پیچ وخم های عجیب و غریبی که در سر

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

راهش قرار داده بودند، عبور داده است...هرجا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد. به همین خاطر، یکی از اساسی ترین کارهای استعمار، استکبار و ایادی آنها، این بوده است که عقیده ی امید و مبارزه را در دل مردم از بین ببرند. بارها خواسته اند این چراغ را خاموش کنند؛ ولی نتوانسته اند. (۱)

این عید(نیمه شعبان) مایه ی امید و درست نقطه ی مقابل آن فضای یأس آلودی است که استکبار میخواهد در مقابل چشم مستضعفان عالم به وجود بیاورد. اگر امروز شما سیاستگذاران و طرّاحان برنامه های استکباری را مشاهده کنید، خواهید دید که از مهمترین کارها و هدفهای آنها یکی این است که در مقابل چشم مردم، فضای یأس آلودی نسبت به اصلاحاتی که باید انجام بگیرد، ایجاد کنند. ملّتها باید از صلاح مأیوس بشوند، تا حربه ی استکبار کارگر بیافتد؛ و الّا اگر ملّتها امیدوار باشند و امیدوار بمانند، حربه ی استکبار چندان کارگر نیست. سعی میکنند فضای تیره یی را در مقابل چشمها ترسیم کنند؛ فضای تیره به این معنا که به ملّتها تفهیم کنند که نیروی ذاتی شما، فرهنگ شما، اعتقادات شما، شخصیت و هویت ملی شما، نمیتواند برای شما کاری انجام بدهد؛ باید قدرتهای بزرگ به شما کمک کنند تا بتوانید حرکت کنید. درست صدوهشتاد درجه مقابل این فکر، فکر انتظاری است که بر محیط ما و بر محیطهای طرفداران مذهب اهل بیت علیهم السّلام حاکم است. انتظار، یعنی دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر. ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند - فاصله هست - امّا بلاشک آن دوران وجود دارد؛ لذا تبریک این عید - که عید امید و عید انتظار فرج و گشایش است - درست نقطه ی مقابل آن چیزی است که دشمن می خواهد به وجود بیاورد. (۲)

استکبار جهانی و صهیونیسم در تلاش هستند تا ملّتهای تحت سیطره ی آنان، به وضع تحمیل شده عادت کنند و آن را رنگی ثابت، ابدی و تغییرناپذیر بپندارند. قدرت های استکباری خواهان غفلت، خواب آلوده بودن، نداشتن آرمان ونیز عدم تحرک ملّت ها هستند و چنین وضعی را بهشت خود میدانند؛ امّا انتظار فرج موجب میشود که انسان به وضع موجود قانع نباشد و بخواهد به وضعی

۱- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۲- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

بهتر و برتر دست پیدا کند. (۱)

آن بعدی که مورد نظر من هست که امروز مختصراً بحث کنم، همین مسئله ی امید به یک آینده ی روشن هست. یکی از وسایل سرکوب ملّتها در طول تاریخ تزریق یأس و ناامیدی در آنها بوده است. در زمان خود ما هم ما دیدیم، مشاهده کردیم، در دوران مبارزات که بعضی از زبان ها و حنجره های یا مغرض یا نادان به مبارزین در کشور خود ما همواره هشدار میدادند، که مبارزه ثمری ندارد و نمیتوانید بر ظلم و جور و قهر دستگاه ها پیروز بشوید، در دیگر کشورها هم همین امروز به وسیله ی عوامل و ایادی دستگاههای استکبار همین تبلیغات میشود و یک یأسی به طور مزمن در دل ملّتها به وجود آوردند که بر سطله های قاهر عالم تسلّط ممکن نیست. در طول تاریخ هم همیشه همین طور بوده، لذا یکی از رازهای موفّقیت انقلابهای پیروز این بود که در دل مردم امید ایجاد کنند. (۲)

گفتار ششم. تقدس زدایی تدریجی

من این قضیه ای را که اخیراً در کشور پیش آمد و قضیه ی دل خراشی بود؛ یعنی اهانت به ولی عصر أرواحنا فداه جلو می اندازم و درباره ی آن چند نکته ی لازم و مهم را عرض میکنم. بعد اگر وقتی ماند، برای بقیه ی مطالب باشد.

یک مطلب این است که اصل این قضیه، حقیقتاً قضیه ی تلخی بود. من باید عرض کنم این مطلب که در نشریه ای به امام عصر أرواحنا فداه اهانت شود، بنده را در مقابل ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خجالت زده کرد؛ بنده شرم زده شدم. من به خدای متعال عرض کردم: پروردگارا! اگر به خاطر این قضیه، قلب مقدّس ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از ما آزرده و رنجیده است، متضرّعانه از تو میخواهم که دل مبارک آن بزرگوار را از ما دوباره شاد کنی. در کشور امام زمان و در میان مردمی که عشّاق ولی عصر أرواحنا فداه هستند، چنین پدیده ای بسیار زشت و سنگین است. البتّه مردم، علمای اعلام و مسئولان کشور، هرکدام به فراخور مسئولیت و موقعیتی که داشتند، با این قضیه برخورد شایسته ای کردند؛ اعلام بیزاری و برائت نمودند. خیلی اوقات اتّفاق می افتد آن کسانی که میخواهند مقدّسات را در چشم

۱- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۸/۱۰/۱۳۷۵.

۲- . ولایت و حکومت، ص ۳۰۴.

مردم بشکنند و از ذهن مردم بیرون کننـد، از کارهای علی الظّاهر کوچک این طوری شـروع میکنند؛ برای اینکه عکس العمل مردم را بسنجند. اگر علما و مسئولان کشور، موضع گیری نمیکردند و اگر مردم ابراز نفرت و انزجار نمیکردند، احتمال داشت این قـدمِ اوّل به قـدم بعـدی برسـد و آن قـدم بعدی از این فاحش تر باشد و به همین ترتیب پیش برود. اینجا غیرت دینی مردم حقیقتاً به جا و به موقع عکس العمل نشان داد. (۱)

گفتار هفتم. شبهه افکنی

در دنیا هم اکنون در بُعـد اعتقادی، دیگر آن شـبهات توحید، خداشناسـی و اصل دین که زمانی رایج بود، خیلی مطرح نیست؛ لیکن شـبهات گونـاگون دیگری مطرح است؛ شـبهاتی مربوط به امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف شـبهاتی از ناحیه ی وهّابیها نسبت به عقایـد شـیعی... یک وقت از روی جهالت دنبال این فکر میرفتند، امّا امروز دسـتگاه هایی این فکرها را تزریق میکننـد و ما شاهـد آن هستیم. بنابراین، واقعاً این نکات باید جسـتجو و سـنجیده شود که کدام شـبهه امروز برای ریختن جلوی ذهن جوانان، آماده و تراشـیده و جـدا میشود. وقتیکه این شـبهات شـناخته شـد، بایـد به یکایک آنها در قالب بحثهای اعتقادی پاسخ داده شود. شاید هر چندسال یکبار هم این پرسشها و پاسخها فرق کنند. (۲)

گفتار هشتم. رواج روزمرّگی و غفلت زدگی

استکبار جهانی و صـهیونیسم در تلاش هسـتند تا ملّتهای تحت سیطره ی آنان، به وضع تحمیل شده عادت کنند و آن را رنگی ثابت، ابدی و تغییرناپذیر بپندارند. قدرت های استکباری؛ خواهان غفلت، خواب آلوده بودن، نداشتن آرمان و نیز عدم تحرّک ملّت هـا هسـتند و چنین وضـعی را بهشت خود میداننـد؛ امّـا انتظـار فرج موجب میشود که انسـان به وضع موجود قانع نباشـد و بخواهد به وضعی بهتر و برتر دست پیدا کند. (۳)

۱- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۹/۷/۱۳۷۸.

۲- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۲۷/۱۲/۱۳۶۸.

۳- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۸/۱۰/۱۳۷۵.

گفتار نهم. تلقین ناتوانی

امروز دستگاه های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکرانِ وابسته به آنها، در سطح عالم این طور تبلیغ میکننـد که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه ی کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمان گرایی مبارزه میکنند و میخواهند ملّتها را متقاعد کننـد که به همین وضـعیت کنونی ظالمـانه دنیا بسازنـد و در مقابل آن هیـچ عکس العملی نشان ندهنـد. فکر اعتقاد به مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقطه ی مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. (۱)

جامعه ای که به مهدویت معتقد است، قوّت قلب پیدا میکند. این قوّت قلب برای ملّت ها خیلی مهم است. بدانید تسلّط استعمار بر کشورهای اسـلامی بعـد از آن بود که توی دل ملّت ها را خالی کردنـد؛ آنها احساس ضـعف کردنـد؛ احساس عدم توانایی کردند، بعد اینها آمدند و با قدرت بر آنها مسلط شدند. امروز هم همین جور است. ما در روابط سیاسی و دیپلماسی دنیا داریم جلوی چشم مـان می بینیم که یکی از بزرگ ترین شـگردهای اسـتکبار جهانی این است که میخواهـد دل مسـئولان کشورهای گوناگون را حالا در کشورهای اسـلامی خالی کنـد و احساس بی پشـتوانگی به آنها تزریق کند تا آنها احساس کنند که چاره ای ندارند جز اینکه زیر بار مثلاً امریکا بروند. این احساس ضـعف، بلای بزرگی است. ملّت ها حرکت نمیکنند؛ چون احساس ضعف میکنند. ملّت فلسـطین ده ها سال ساکت و آرام نشسته بود؛ چون احساس میکرد نمیتواند. آن روزی که فکرِ توانستن در ملّت فلسطین به وجود آمد، قیام کرد و با این قیام، این همه موفّقیت را به دست آورده است. رنج می برد؛ امّا دارد پیش میرود. فرق است بین ملّتی که حرکتی نمیکند، سیلی هم نمیخورد؛ امّا روزبه روز عقب می نشیند؛ روزبه روز بدبخت تر و زیرِدست تر میشود، دلش هم خوش است که من سـیلی نمیخورم، بـا آن ملّتی که سـختی راه را تحمّل میکنـد، پایش به سـنگ میخورد، خونی هم میشود؛ امّا در راهِ به سـمت موفّقیت، به سـمت سـرمنزل سـعادت، به سـمت عزّت پیش میرود. ملّت فلسطین امید پیدا کرد، حالا حرکت میکنـد و جلو میرود و این حرکتِ به جلو تا هر وقت که وجود داشـته باشـد، باعث میشود که درهای فرج به روی آنها باز باشـد؛ و راه قطعه قطعه طی خواهـد شد تا ان شاءالله به هدف نهایی شان برسـند. احساس ضـعف برای یک ملّت، خیلی احساس خطرناک و سم مهلکی

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

است. یکی از برکات اعتقاد به مهـدویت این است که انسان احساس اطمینان میکند؛ احساس قوّت قلب میکند؛ احساس قدرت میکند و ملّت ما بحمدالله این گونه است. (۱)

گفتار دهم. تخریب اسلام، انقلاب اسلامی و روحانی متعهد

چون اسـلام است که این عزّت را داده و به ملّت ایران هویت بخشـیده است؛ چون اسلام است که به ملّت ایران قدرت بخشیده است تا بتوانـد آرمانها، آرزوها و خواسـتهای خود را علناً بر زبان آورد و آن را دنبال کنـد و از اخم قـدرتها و دست نشاندگان آنها و حکومتهای فاسد نترسد؛ چون اسـلام است که این امتیاز را به ملّت ایران بخشـیده است، با اسـلام دشـمنند... هرکس که امروز اسـلام حقیقی و به تعبیر امام بزرگوار ما اسـلام ناب محمّـدی را تأیید و حمایت کند، اوست که برای ایران و ملّت ایران، برای تاریـخ ایران و آینـده ی ایران و یکایـک آحـاد این ملّت خـدمت میکنـد. بسیجیان این امتیـاز را دارنـد که در میـدان این خـدمت آمـاده انـد. بسیـج به معنی حضور و آمـادگی در همـان نقطه ای است که اسـلام، قرآن، امام زمان أرواحنا فـداه و این انقلاب مقـدّس به آن نیازمنـد است؛ لـذا پیوند میان بسـیجیان عزیز و حضـرت ولی عصـر أرواحنا فداه مهدی موعود عزیز یک پیوند ناگسستنی و همیشگی است. (۲)

دشـمن میفهمـد که بایـد روحـانیت را در چشم مردم از حیثیت و اعتبار انـداخت. همه ی تلاشـشان این است! تبلیغات میکننـد، دروغ میگوینـد، اگر مسئله ی کوچکی را در جایی پیـدا کننـد، چندین برابر بزرگ میکنند و برای اینکه روحانیت را از چشـم مردم بیانـدازد، خوبیهـا و گذشـتها و فـداکاریها را نمیگوینـد. علـم و دانش روحـانیت را انکـار میکننـد و تقـوای آنهـا را منکر میشونـد؛ همچنـان که پنجـاه سـال، در دوران رژیم پهلـوی هم از این کارهـا میشـد. روحـانیت که مجموعه ای علمی و تقوایی است، به وسـیله ی بلنـدگوهای رژیم پهلـوی، فاقـد علم و تقوا معرفی شـده بود. امروز هم همـان تبلیغ کـذا انجـام میگیرد. اینها مجموعه کارهایی است که دشمن انجام میدهد. (۳)

۱- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، ۲۹/۶/۱۳۸۴.

۲- . بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۳/۹/۱۳۷۸.

۳- . بیانات در دیدار جمعی از مهمانان خارجی، ۱۸/۱۱/۱۳۷۱.

گفتار یازدهم. مبارزه با روحیه ی انقلابی

امروز دستگاه های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکرانِ وابسته به آنها، در سطح عالم این طور تبلیغ میکننـد که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه ی کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمان گرایی مبارزه میکنند و میخواهند ملّتها را متقاعد کننـد که به همین وضعیت کنونی ظالمانه ی دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی، نقطه ی مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملّت ما با اعتقاد به ظهور مهدی علیه الصّلاه و السّلام این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش میدهند که نظم ظالمانه ی جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ میشود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد. (۱)

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

بخش دوازدهم: مراکز، مکانها و افراد مرتبط با مهدویت

اشاره

مطلب اوّل. زمان های مرتبط با مهدویت

گفتار اوّل. نیمه ی شعبان

نیمه ی شعبان، عید منتظران عدالت

عید میلاد مبارك و با سعادت و سرشار از امید و انتظارِ امام غایب و حجّت الهی در زمین، مهدی موعود عجّل الله تعالی فرجه الشّریف... روز عید و جشن همه ی منتظران عالم و همه ی کسانی است که در اعماق جان خود، انتظار آزادگی، عدالت، رهایی از ظلم، تعدّی و طغیان را دارند. (۱)

نیمه ی شعبان عید انسانهای آزاده

روز ولادت مهدی موعود ارواحنا لتراب مقدمه الفداء حقیقتاً روز عید همه ی انسانهای پاك و آزاده عالم است. فقط کسانی در این روز ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزءِ پایه های ظلم و یا جزءِ پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند؛ و الاّ کدام انسان آزاده ای است که از گسترش عدالت، از بر افراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند! (۲)

نیمه ی شعبان، عیدی منحصر به فرد

تفاوت عید ولادت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف با بقیه ی اعیاد اسلامی این است که اعیاد بزرگ، همه از گذشته حکایت میکنند؛ امّا عید ولادت حضرت بقیهالله به آینده نوید میدهد. برای همین است که دلهای مؤمنان، به این روز بزرگ و این ولادت عظیم وابسته است. (۳)

نیمه ی شعبان، عید باور به آینده ی روشن

روز نیمه ی شعبان، روز امید و ایمان به آینده، روز مجاهدان پاکباز و صادق و روز نگاه به آینده ی روشن و تلاش برای آن است. (۴)

نیمه ی شعبان، عید ستمدیدگان و دلسوختگان

روز ولادت حضرت مهدی موعود ارواحنا فداه یک عید حقیقی، برای همه ی افراد بشر و آن کسانی

۱- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

۲- . بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳/۹/۱۳۷۸.

۳- . بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان، ۸/۸/۱۳۸۰.

۴- . سخنرانی مقام معظّم رهبری در نجف آباد، ۱۰/۸/۱۳۸۰.

که ستمی کشیدند؛ رنجی بردند؛ دلی سوزاندند؛ اشکی ریختند و انتظاری کشیدند و کسانی که با مشاهده ی ناملایمات، در طول حیات خود و در هر نقطه ای از عالم و حتّی در نقطه ای از تاریخ مصیبتی تحمّل کرده اند؛ است. همه ی آنها در مثل چنین روزی و به یاد امروز، احساس شادمانی و امید و نشاط کرده اند. (۱)

نیمه ی شعبان عید مافوق زمان

این ولادت بزرگ و این حقیقت عظیم، متعلّق به یک ملّت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلّق به بشریت است. این «میثاق الله الَّذی أَخذَهُ وَ وَکدَهُ» میثاق خدا با انسان است. «وَعْدَ الله الَّذی ضَمِنَهُ» این وعده ی خدا است که تحقّق آن را ضمانت کرده است. همه ی انسانهای طول تاریخ، نسبت به این پدیده ی عظیم و شگفت آور، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده اند؛ چون تاریخ از اوّل تا امروز و از امروز تا لحظه ی طلوع آن خورشید جهان تاب، با ظلم، بدی و پلیدی آمیخته بوده است. همه ی کسانی که از ظلمی رنج برده اند - چه آنهایی که به خود آنان ظلم شده است و رنج برده اند و چه کسانی که به ستم کشی دیگران نگاه کرده اند و رنج برده اند - با یاد ولادت این منجی عظیم تاریخ و بشر در دلشان امیدی به وجود می آید. (۲)

نیمه ی شعبان، عیدالله الاکبر

روز ولادت(امام زمان)، برای همه ی بشر و تاریخ حتّی برای گذشتگان عید است. کسانی که در دوران تاریک فرعون ها، نمرودها، ابوجهل ها و سلاطین ظالم، در فقر و ظلم و تبعیض سر کردند، مردند، رنج کشیدند و روی خوبی ندیدند، امروز (نیمه شعبان) برای آنها هم عید است. اگر روح آنها در عالم برزخ، از بعضی تفضّلاتی که پاره ای از ارواح برخوردارند، بهره مند باشند؛ یقیناً آنها هم مثل چنین روزی، شادی خواهند کرد. امروز با بقیه ی ایام و اعیاد تفاوت دارد. واقعاً اگر ما امروز را عیدالله الاکبر بنامیم، مبالغه و گزاف نیست. (۳)

یکی از مهمترین روزهای سال، روز نیمه ی شعبان است که هم مصادف با ولادت ذی جود و مسعود حضرت بقیه الله أرواحنا فداه شده است و هم شب و روز نیمه ی شعبان با قطع نظر از ولادت این

۱- . بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴.

۲- . همان.

۳- . همان.

بزرگوار در این شب و روز از لیالی و ایام متبرّکند. شب نیمه ی شعبان، شب بسیار متبرّکی است. تالی تلو لیالی قدر و وقت توجّه، تذکر و توسّل به ذیل عنایات باری تعالی و طلب و درخواست است. اعمال و ادعیه ای هم دارد که اگر موفّق شده اید و آنها را انجام داده اید، إن شاء الله مشمول قبول پروردگار باشد. اگر کسانی هم غفلت کردند و توجّه نداشتند، به یاد نگهدارند که همه سال، شب نیمه ی شعبان را مغتنم بشمارند. (۱)

لزوم درس گرفتن از نیمه ی شعبان

این میلاد و این یاد بزرگ باید به ما درس بدهد. احساسات، بسیار خوب است؛ عواطف، پشتوانه ی بسیاری از اعمال نیکوی انسانهاست؛ ایمان و عقیده ی قلبی به وجود این منجی عظیم عالم، شفابخش بسیاری از بیماریها و دردهای معنوی، روحی و اجتماعی است؛ ولی فراتر از همه ی اینها، ما باید از این یاد، از این خاطره و از این حادثه ی عظیم، درس بگیریم. هر سال این جشنها بر پا میشود و دلها را معطّر میکند. اگر درسهای عمیقی که در تجدید این خاطره وجود دارد، برای رفتار ما و عمل ما بتواند یک آموزنده و معلّم به حساب آید، یقیناً پیشرفت جامعه ی ما به سمت کمال، روان تر و سریع تر خواهد شد. (۲)

مسئله ی ولادت حضرت مهدی علیه الصّلاه و السّلام و عجّل الله تعالی فرجه الشّریف، از این جهت هم حائز اهمیت است که مسئله ی انتظار و دوران موعود را که در مذهب ما، بلکه در دین مقدّس اسلام ترسیم شده است دوران موعود آخرالزّمان، دوران مهدویت، ما به یاد بیاوریم، روی آن تکیه کنیم و بر روی آن مطالعه و دقّت و بحثهای مفیدی انجام گیرد. (۳)

نیمه ی شعبان، روز امید

روز نیمه ی شعبان روز امید است. (۴) تبریک این عید که عید امید و عید انتظار فرج و گشایش است. (۵)

خصوصیت نیمه ی شعبان و جشن ولادت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه عبارت است از امید و عدالت. دو نقطه ی برجسته ای که در انتظار ما و جشن گیری ما برای نیمه ی شعبان وجود دارد، یکی مسئله ی

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۲- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

۳- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۴- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۵- . سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

امیدزایی است که نوید این ولادت و آینده ای که بر اثر این ولادت، دنیای بشر در انتظار آن است، خود این امیدزاست... (۱)

شب نیمه ی شعبان، تالی تلو لیالی قدر

یکی از مهمترین روزهای سال، روز نیمه ی شعبان است که هم مصادف با ولادت ذی جود و مسعود حضرت بقیهالله ارواحنافداه شده است و هم شب و روز نیمه ی شعبان - با قطع نظر از ولادت این بزرگوار در این شب و روز - از لیالی و ایام متبرّکند. شب نیمه ی شعبان، شب بسیار متبرّکی است. تالی تلوّ لیالی قدر و وقت توجّه، تذکر و توسّل به ذیل عنایات باری تعالی و طلب و درخواست است. اعمال و ادعیه ای هم دارد که اگر موفّق شده اید و آنها را انجام داده اید، ان شاءالله مشمول قبول پروردگار باشد. اگر کسانی هم غفلت کردند و توجّه نداشتند، به یاد نگهدارند که همه سال، شب نیمه ی شعبان را مغتنم بشمارند. (۲)

گفتار دوّم. شب قدر

لیلهالقدری که در این ماه رمضان است و قرآن صریحاً میفرماید:«لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛یک شب بهتر است از هزار سی روز، هزار ماه» بسیار مهم است. چرا این قدر فضیلت را به یک شب دادند؟ زیرا برکات الهی در این شب زیاد است؛ نزول ملائکه در این شب زیاد است؛ این شب، سلام است؛ «سَلَامٌ هِيَ حَتَىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ» ؛ از اوّل تا آخر این شب، لحظاتش سلام الهی است. «سلامٌ قولاً مِن ربٍّ رحیمٍ». رحمت و فضل الهی است که بر بندگان خدا نازل میشود. لیلهالقدر، شب ولایت است. هم شب نزول قرآن است، هم شب نزول ملائکه بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، هم شب قرآن و شب اهل بیت است، هم شب قرآن و هم شب عترت است. لذا سوره ی مبارکه قدر هم، سوره ی ولایت است. (۳)

۱- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت و در آستانه ی نیمه ی شعبان، ۴/۶/۱۳۸۶.

۲- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۳- . بیانات در دیدار علما، طلّاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدّس قم به مناسبت سالروز۱۹دی ماه، ۱۹/۱۰/۱۳۷۵.

امشب را قـدر بدانیـد. شب بسـیار مهمّی است؛ شب بسـیار عزیزی است. به ولی عصـر، أرواحنا فداه، توجّه کنید؛ به در خانه ی خدا، مسـجد، بروید و به برکت امام زمان از خدای متعال خواسـته هایتان را بگیرید. بنده هم از همه ی شما ملّتمس دعا هستم. (۱)

ما نمیدانیم آیا دیشب که محتمل القدر بود، مشـمول دعای ولی عصر أرواحنا فداه قرار گرفتیم یا نه؟ اگر آن بزرگوار یک دعا در حقّ ما بکند و گوشه ی چشمی نشان دهد، همه ی مشکلات ما حل خواهد شد. پروردگارا! مشکلاتی داریم که با دعای ما (یعنی بـا دعای امثال من) معلوم نیست حل شود. آن مشـکلات، با دعای امام زمان حل میشود. پروردگارا! به حق محمّـد و آل محمّد، ای مالک قلوب، به قلب منوّر و مطهّرِ آقای ما، سید ما و امام و صاحب ما بیانداز که ما امّت مسلمان را در شب قدر دعا کند! پروردگارا! دعای او را در حقّ ما مستجاب کن. (۲)

گفتار سوّم. روز جمعه

پروردگـارا! در این پیش از ظهر جمعه، در این روزی که متعلّـق به ولی تـو و عبـد صالـح تو، حضـرت حجّه بن الحسن أرواحنا فـداه است، تو را به آن بزرگوار و به خانـدان پیغمبر و به وجود مقدّس نبی اکرم صـلی الله علیه و آله و به همه ی اوّلیاء سوگند میدهیم...ملّت ایران را سربلند و منصور و مظفّر بگردان. (۳)

گفتار چهارم. عاشورا

اگر همه ی ما عاشورایی باشـیم، حرکت دنیا به سـمت صـلاح، سـریع، و زمینه ی ظهور ولی مطلقِ حق، فراهم خواهد شد. باید این مفاد برای مردم بیان شود. (۴)

هیهات که امت محمّد سـیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلّت بار و به اسارت غرب و شرق، تن در دهند. (۵)

اگر به گونه ای که طی چهـار، پنـج سـال اخیرِ بعـد از جنـگ، قمه زدن را ترویـج کردنـد و هنوز هم میکننـد، در زمـان حیات مبارک امام رضوان الله علیه ترویج میکردند، قطعاً ایشان در مقابل این قضیه

۱- . بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۷/۱/۱۳۷۱.

۲- . بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران۲۱رمضان، ۱۳/۱۲/۱۳۷۲.

۳- . همان.

۴- . سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی علیه السلام، ۲۹/۷/۱۳۷۹.

۵- . پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۴/۴/۱۳۶۸.

می ایستادند. کارِ غلطی است که عدّه ای قمه به دست بگیرند و به سر خودشان بزنند و خون بریزند. این کار را میکنند که چه بشود؟! کجای این حرکت عزاداری است؟! البتّه، دست بر سر زدن، به نوعی نشانه ی عزاداری است. شما بارها دیده اید، کسانی که مصیبتی برایشان پیش می آید، بر سر و سینه ی خود میکوبند. این نشانه ی عزاداری معمولی است. امّا شما تا به حال کجا دیده اید که فردی به خاطر رویکرد مصیبتِ عزیزترین عزیزانش، با شمشیر بر مغز خود بکوبد و از سرِ خود خون جاری کند؟! کجای این کار، عزاداری است؟! قمه زدن، سنّتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک، خدا هم از انجام آن راضی نیست. علمای سلف دستشان بسته بود و نمیتوانستند بگویند «این کار، غلط و خلاف است.» امروز روز حاکمیت اسلام و روز جلوه ی اسلام است. نباید کاری کنیم که آحاد جامعه ی اسلامی برتر؛ یعنی جامعه ی محبِّ اهل بیت علیهم السّلام که به نام مقدّس ولی عصر أرواحنا فداه، به نام حسین بن علی علیهما السّلام و به نام امیر المؤمنین علیه الصّلاه و السّلام مفتخرند، در نظر مسلمانان و غیر مسلمانان عالم، به عنوان یک گروه آدم های خرافی بی منطق معرّفی شوند. من حقیقتاً هرچه فکر کردم، دیدم نمیتوانم این مطلب- قمه زدن- را که قطعاً یک خلاف و یک بدعت است، به اطّلاع مردم عزیزمان نرسانم. این کار را نکنند. (۱)

گفتار پنجم. غدیر

مردم عزیزمان و به خصوص جوانها هم به برکت غدیر، بدانند این راهی که اسلام، قرآن و خطّ غدیر ترسیم کرده، یک راه روشن است؛ راهی است که با استدلال و فلسفه ی مستحکمی ترسیم شده و روندگان بسیار بزرگ و عظیم المنزلتی پیدا کرده است. امروز هم خوشبختانه این راه در دنیا مطرح است و دیگر ما در تنهایی و عزلت نیستیم. امروز ما در مرکز و محور توجّه مردم جهان به خصوص کشورهای اسلامی هستیم. راه، راه خوش عاقبت و روشنی است؛ با تلاش مسئولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم به قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه مدت نیست، امّا همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که إن شاء الله زمینه های ظهور مهدی موعود صلوات الله علیه و عجّل الله فرجه را فراهم خواهد کرد. (۲)

۱- . بیانات در جمع روحانیون استان کهکیلویه و بویراحمد در آستانه ی ماه محرّم، ۱۷/۳/۱۳۷۳.

۲- . بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

همه ی پیغمبران آمده اند تا ما را به آن نقطه ای برسانند که زندگی بشر تازه شروع میشود. پیغمبر خاتم اگر بخواهد انسانها را به مقتضای دین خاتم به اینجا برساند، باید چه کار کند؟ باید این تربیتی که او ارزانی انسانها کرده است، مستمر و طولانی باشد و چندین نسل را پی درپی شامل شود. خود پیغمبر اکرم که از دنیا خواهد رفت «إِنَّکَ مَیِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَیِّتُون» پس باید کسی را نصب کند که بعد از خود او دقیقاً همان راه و همان جهت و همان شیوه ها را مورد استفاده قرار دهد، و او علی بن ابی طالب است. معنای نصب غدیر این است. اگر آن روز امّت اسلامی، نصب پیغمبر را درست و با معنای حقیقی خودش درک میکرد و تحویل میگرفت و دنبال علی بن ابی طالب علیه السّلام راه می افتاد و این تربیت نبوی استمرار پیدا میکرد و بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام هم انسانهای معصوم و بدون خطا، نسلهای بشری را مثل خودِ پیغمبر، پی درپی زیر تربیت الهی خویش قرار میدادند، بشریت بسیار زود به آن نقطه ای میرسید که هنوز به آن نقطه نرسیده است. علم و فکر بشری پیشرفت میکرد؛ درجات روحی انسانها بالا میرفت؛ صلح و صفا در بین انسانها برقرار میشد و ظلم، جور، ناامنی، تبعیض و بی عدالتی از بین مردم رخت برمی بست. (۱)

گفتار ششم. ایام حج

این فرصت(حج) را مغتنم بشمارید و با دعا برای امت اسلامی و دعا برای تعجیل در ظهور مهدی موعود سلام الله علیه و عجل الله فرجه، از هر کرانه خود را در این اقیانوس عظیم شستشو دهید. (۲)

حج گزاران عزیز را به خشوع، ذکر، انابه و تلاوت قرآن با تدبّر و حضور در نمازهای جماعت و مهربانی با حاجیان کشورهای دیگر و پرهیز از وقت گذرانیهای بیهوده فرا میخوانم و از خداوند متعال موفّقیت و عافیت و قبولی عبادات شما را مسئلت میکنم و همه را به دعا برای حضرت بقیه الله أرواحنا فداه و فرا رسیدن حکومت عدل جهانی آن ذخیره ی الهی دعوت میکنم. (۳)

گفتار هفتم. نوروز

آنچه مهم است، عمل و نیت ماست. نوروز، به معنای روز نو و حالت نو بوده و هست. از لحاظ طبیعت، روز اوّل حَمَل که اوّل بهار حساب شده است، روزی نو محسوب میشود؛ لیکن روز نو،

۱- . همان.

۲- . پیام رهبر معظّم انقلاب اسلامی به مناسبت کنگره عظیم حج، ۸/۱۰/۱۳۸۵.

۳- . پیام به کنگره عظیم حج، ۲۹/۱۰/۱۳۸۳.

منحصر به تجدید وضعیتی در طبیعت نیست؛ همچنان که در بعضی از روایاتِ واردشده ی در باب نوروز از ائمّه ی هدی علیهم السّلام، انسان خوب احساس میکند که آن بزرگواران هم، بنا به رسم اسلام که همه جا رسوم، سنّتها و واژه ها را گرفت و محتوای آنها را عوض کرد در مورد کلمه ی نوروز و روز نوروز، درصدد چنین کاری بودند. وقتی از امام علیه السّلام سؤال میکنند که «ما النّیروز؟» حضرت طبق بعضی از تعبیرات میفرمایند: «أتدری ما النّیروز؟»: میدانی که نوروز چیست؟ نمیگویند، میدانی نوروز چه وقتی است؛ میفرمایند، میدانی نوروز چیست؟ آن وقت در معنای نوروز و اینکه نوروز چیست، در روایات مختلف، تعبیرات مختلفی هست. مثلًا آن روزی که رسول اکرم (صلّی الله علیه و آله و سلّم)، امیرالمؤمنین را به خلافت منصوب کرد، آن روز، نوروز بود. یا در روایت دیگر، آن روزی که دجّال در آخرالزّمان، به دست حضرت مهدی أرواحنا فداه به قتل برسد، آن روز، نوروز است. یا حتّی در بعضی از روایات آمده، آن روزی که آدم هبوط کرد، آن روز، نوروز بود. نوروز، یعنی روزی نو در تاریخ بشر و حالتی نو در زندگی انسانها. علی الظّاهر در این روایات، امام نمیخواهند بفرمایند که آن روزی که این وقایع در آن اتّفاق افتاده است، یا خواهد افتاد، با روز اوّل حَمَل، مصادف بوده یا خواهد بود. نه، خیلی مستبعد است که مراد این باشد؛ مراد این است که معنای نوروز را بفهمیم. نوروز، یعنی روزی که شما با عمل خودتان، با حادثه یی که اتّفاق می افتد، آن را نو میکنید. روز بیست و دوّم بهمن که ملّت ایران، حادثه ی عظیمی را به کمک خدا تحقّق بخشید، روز نویی (نوروز) است. آن روزی که امام امّت، قاطعاً به دهانِ مستکبرِ قلدرِ گردن کلفت دنیا یعنی امریکا مشت کوبید، آن روز، روز نو و راه نویی (نوروز) بود؛ حادثه ی نویی بود که اتّفاق می افتاد و افتاد. ما باید نوروز را، نو روز کنیم. نوروز به حسب طبیعت، نوروز است؛ جنبه ی انسانی قضیه هم به دست ماست که آن را نوروز کنیم. (۱)

مطلب دوّم. مکان های مرتبط با مهدویت

۱. مسجد مقدّس جمکران

قم خاستگاه انقلاب است؛... اینجا قطب زیارتی و معنوی است؛ اینجا حرم حضرت معصومه علیها السلام این بارگاه باشکوه قرار دارد؛ مسجد جمکران در اینجا بنا شده است. (۲)

۱- . سخنرانی در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری در نخستین روز از سال نو و در آستانه ی ماه مبارک رمضان، ۱/۱/۱۳۶۹.

۲- . بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۲۷/۷/۱۳۸۹.

جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ ابوالقاسم وافی دامت افاضاته؛ جنابعالی را به سمت تولیت مسجد مقدس جمکران و رقبات مربوط به آن منصوب می کنم و امیدوارم این شرف و منزلت والا، توفیق خدمتگزاری به آن مکان مقدس را به جنابعالی ارزانی دارد.

لازم است با دقت و جدیت و با همکاری هیأت امنای محترم به حراست از آن مسجد و متعلقات و عائدات آن اقدام کرده و تلاش مداوم در بهسازی این مکان متبرک و ارائه هر چه بهتر خدمات برای زائران و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام که موجب جلب رضایت حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفداء می گردد، مبذول فرمایید. بدیهی است همه ی مراکز و سازمانها در راه خدمت بیشتر به این پایگاه عظیم تشیع، جنابعالی را مساعدت خواهند نمود. از سازمان اوقاف و آقایان محترم که تا کنون به این آستان مقدس خدمت کرده اند، سپاسگزارم. (۱)

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدحسن رحیمیان دامت افاضاته؛ با قدردانی از خدمات با ارزش جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای وافی در مسجد جمکران، جنابعالی را به تولیت آن مکان مقدس و نورانی منصوب میکنم. بیشک خدمتگزاری به آن جایگاه رفیع، شرف و منزلت والایی است که به شکرانه ی آن، شایسته است همه ی توان برای تسهیل بهره مندی مشتاقان و ایجاد فضای معنوی و قدسی برای استفاده ی روحی و فکری مؤمنان، به کار رود. (۲)

نماز شب خواندن، نافله خواندن، دعا خواندن، ذکر گفتن، متوجّه خدا بودن، زیارت رفتن، توسّل کردن و به مسجد جمکران رفتن، سازنده است؛ اینها شما را پولادین خواهد کرد. (۳)

مطلب سوّم. مراکز مرتبط با مهدویت

۱. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

خیلی خوش آمدید. عزیزان! اِن شاء الله که خداوند هم شما (آقای قرائتی) و هم این دوستانِ با همّتی را که دامن همّت به کمر زده اند و این کار را شروع کرده اند، مشمول لطف و رحمت خود قرار بدهد. بحمدالله این کار، کار با برکتی است و معلوم میشود که در این سالهای کوتاه، پیگیری خوبی

۱- . حکم انتصاب حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ ابو القاسم وافی به تولیت مسجد مقدّس جمکران، ۱۸/۱۱/۱۳۷۹.

۲- . انتصاب حجه الاسلام رحیمیان به تولیت مسجد مقدّس جمکران، ۱۹/۶/۱۳۹۲.

۳- . سخنرانی در اجتماع طلاب و فضلای حوزه ی علمیه ی قم، ۱/۱۲/۱۳۷۰.

صورت گرفته است. ماشاء الله، همهِ کارهای آقای قرائتی، با همّت و پشتکار همراه است. اِن شاء الله، خدا، به ایشان و نیز به همه ی دوستان دیگری که هر کدام به نحوی، گوشه ی این کار را گرفته اند، کمک کند؛...خداوند، توفیقتان بدهد و اِن شاء الله، برکات، توجّهات و نظر لطف و مرحمت آن بزرگوار، شامل حال همه ی شما، به خصوص دوستان و برادرانی باشد که مسئولیّتی قبول کرده اند و فعّالیت های ارزشمندی را انجام میدهند. (۱)

مطلب چهارم. شخصیت های فعّال در عرصه ی مهدویت

گفتار اوّل. شیخ طوسی قدس سره

وقتی غیبت صغری تمام شد و شیعیان فهمیدند که دسترسی به مولا و امام خودشان به این زودیها و به این آسانیها نخواهند داشت، یک بحران روحی عجیبی در بین شیعه به وجود آمد. علمای شیعه، به وقت به این بحران روحی جواب دادند. این کتابهای «غیبت نعمانی»، «غیبت طوسی» را که می بینید، پاسخ به این بحران روحی است. (۲)

شیخ طوسی با آن علوّ مقام که از لحاظ علمی، در بین همه ی علمای شیعه از اوّل تا امروز، نظیرش واقعاً نیامده است اینها در نهایت شدّت زندگی کردند. خانه و کتابخانه ی شیخ طوسی را در بغداد آتش زدند؛ مردی که سالهای متمادی در بغداد مسند تدریس داشت، آواره کردند؛ به نجف پناه آورد و بعد از آن، سالها در نجف زندگی کرد که نجف حوزه شد. (۳)

معمولًا تاریخ تشکیل حوزه ها را به زمان شیخ الطّایفه، شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه میرسانند و شاید قبل از آن هم بشود این تاریخچه را پیش برد. (۴)

هزار سال است که زی اهل علم در روحانیت شیعه، از زمان شیخ مفید قدس سره و شیخ طوسی قدس سره تا حالا، محور و مرکز امید مردم برای امور بوده است. (۵)

۱- . سخنان مقام معظّم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۲۰/۲/۱۳۸۲.

۲- . بیانات در دیدار علما و روحانیون استان خراسان رضوی، ۲۶/۲/۱۳۸۶.

۳- . بیانات در دیدار با امام جمعه، علما و روحانیون کرمان، ۲۰/۸/۱۳۷۰.

۴- . سخنرانی در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد، ۴/۱/۱۳۶۹.

۵- . سخنرانی در مراسم عمامه گذاری گروهی از طلّاب، ۲۶/۱۰/۱۳۶۸.

گفتار دوّم. شیخ صدوق قدس سره

شیخ صدوق رضوان الله علیه که جزو نسل سوّمیها و چهارمیهای این حرکت عظیم است، وقتی به بغداد رفت که بغداد مرکز شیعه و مرکز حدیث بود. در پای منبر او علما، فضلا و بزرگانی جمع شدند و از او استفاده کردند. لذا ملاحظه میکنید که شیخ صدوق، شیخ و استاد مفید رضوان الله علیهما است. (۱)

اوّلین حوزه ی اساسی مهم تشیع در این شهر(قم) تشکیل شده است و بزرگانی از قبیل شیخ کلینی قدس سره و شیخ صدوق قدس سره و دیگران بهره مندان از این چشمه ی فیض بوده اند، که آثار آنها نگهدارنده ی معارف اهل بیت علیهم السلام در طول قرنهای متمادی بوده است. (۲)

گفتار سوّم. شیخ کلینی قدس سره

کتاب کافی، در دوره ای هزار و صد ساله، از وفات مرحوم کلینی در ۳۲۹ هجری تا روزگار ما، بیش از هزار سال است که مرجعیت علمی دارد و بین جوامع شیعه، دست به دست میگردد و هرگز هیچ فقیه، متکلّم یا مفسّر شیعه، از آن مستغنی نبوده است. با وجود این و با وجود چاپ های متعدّدی که از این کتاب، انجام گرفته تاکنون، حقّ آن ادا نشده بود و به نظر این جانب، چاپ عرضه شده به مناسبت این کنگره به خاطر تصحیح فنّی بسیار خوب، مراجعه ی دقیق به نسخه های اصلی، ذکر گسترده ی نسخه بدلها، جدا کردن اَسانید از متن روایات و مزایای دیگر، اثر برجسته و ارزشمندی است که با سلیقه ی به کار رفته در آن، اِن شاء الله یادگاری ماندگار خواهد بود. شخصیت شیخ کلینی رحمه الله علیه نیز شخصیت علمی بارز و برجسته ای است. او در هر دو حوزه ی ری و بغداد، سال های زیادی را به علم آموزی و اخذ حدیث از محضر اساتید و مشایخی که شمار آنها بیش از پنجاه تن است، سپری کرد و از دیگر سو، به تربیت گروه بزرگی از طالبان علم و معارف مکتب اهل بیت علیهم السّلام پرداخت که خود، گواهی بر برجستگی های علمی شیخ کلینی اند. کلینی، تنها یک محدّث نبود. بررسی کتاب کافی، از جهت چگونگی تبویب، تقدیم و تأخیر ابواب آن و عناوین انتخابی آنها (نظیر کتاب العقل و الجهل، کتاب الحجه، کتاب التوحید و ...) نشان میدهد که کلینی، علاوه بر آن که محدّثی بزرگ است، متکلّمی چیره دست نیز

۱- . بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه ی قم، ۲۹/۷/۱۳۸۹.

۲- . همان.

هست و محتوا، روش و عناوینِ به کار گرفته شده توسّط وی، ناظر به مسایل کلامی رایج در روزگار اوست. ضمناً مقدّمه ی شیخ بر کافی، مقدّمه ی درخشانی است که نشان میدهد این مرد، چه تسلّطی بر عبارات، کلمات، مطالب و مفاهیم کلامی و ... داشته است. عصر کلینی نیز روزگار حسّاس و دشواری است. ولادت او، در حوالی سال ۲۶۰ هجری اتّفاق افتاده است که سال وفات امام عسکری علیه السّلام و آغاز غیبت صُغراست و با در نظر گرفتن سال درگذشت او (یعنی ۳۲۹ هجری) در میابیم که حیات وی کاملاً منطبق بر دوره ی غیبت صُغراست که از پیچیده ترین و حسّاس ترین بُرهه ها در تاریخ تشیع است و شیخ کلینی، تقریباً بیست سال پایانی عمر خویش را، در بغداد به سر آورد که محلّ سکونت نُوّاب اربعه و وکلای ناحیه ی مقدّسه بود و این ویژگیها در حیات کلینی برای کسانی که میخواهند درباره ی حرکت علمی شیعه به تحقیق بپردازند، در خورِ توجّه است. به هر حال، به نظر این جانب، تجلیل از کلینی، تجلیل از علم، تجلیل از دین و تجلیل از تشیع است. کافی نیز اثر ارزشمندی است و در مورد این کتاب شریف و مؤلّف بزرگوارش، هر چه تجلیل و هر اندازه کار علمی انجام بشود، جا دارد. (۱)

گفتار چهارم. شیخ مفید قدس سره

پس از آغاز دوران غیبت و به ویژه بعد از انتهای دوره ی۷۴ ساله ی غیبت صغری و انقطاع کامل شیعیان از امام غائب ارواحنافداه، یکی از خطراتی که کلیت مکتب اهل بیت را تهدید میکرد، این بود که اشتباه و انحراف عمدی یا غیر عمدی کسانی از منسوبین به این مکتب، چیزهایی را از آن کاسته یا به آن بیافزاید، و یا بر اثر کم رنگ شدن مرزبندی های اصولی مکتب، خطوط انحرافی با آن آمیخته و انحرافات مسلکهای اعتقادی یا مذهبهای جعلی با حقایق آن ممزوج گردد. در دوران حضور امام علیه السلام هرگاه چنین چیزی پیش می آمد یا خطر آن مطرح میشد، شخص شخیص امام، آن محور و مرکز مطمئنی بود که همه چیز با آن مقایسه، اندازه گیری و درباره ی آن قضاوت میشد. پس از آن تا امام علیه السلام در میان مردم بود، اشتباهات دیری نمیپایید و آن پیشوای معصوم خطاهای عمده را در مقطع حسّاس تبیین میکرد. شعیه مطمئن بود که اگر در خطّ کلّی مکتب، از سویی زاویه ی انحرافی پدید آید، بالاخره حجّت آشکار خواهد شد و آنکه در پی کشف حقیقت است، آن را خواهد یافت. در تاریخ دوران زندگی ائمّه علیهم السّلام به نام اشخاصی برمی خوریم که به خاطر

۱- . پیام به کنگره ی بین المللی بزرگداشت ثقه الاسلام کلینی رحمه الله، ۱۷/۲/۱۳۸۸.

احداث بدعتی یا تأسیسی راه غلطی و ترویج عقیده ی باطلی، صریحاً از سوی ائمّه علیهم السّلام مورد طعن و رد قرار گرفته اند، مانند محمّد بن مفلاص معروف به ابی الخطاب، یا ابن ابی العزافر معروف به شلمغانی (که این مورد در دوران غیبت صغری اتّفاق افتاده است) و کثیری امثال آن. حتی به مواردی نیز برخورد میکنیم که در اختلاف میان دو دسته از اصحاب با اخلاص و صادق هنگامی که یک دسته از آنان کسی یا جمعی را به خاطر عقیده یی مورد طرد و لعن قرار داده اند، امام در دفاع از آن فرد یا جمع مطعون، وی را مورد مدح قرار داده و بدین وسیله آن عقیده را تایید کرده یا انحرافی را که بدو گمان برده بودند، رد فرموده است. مثل تایید امام از یونس بن عبدالرحمن هنگامی که قمیین او را طرد و روایات منکری از او نقل کردند و صدور عبارت: «رحمهالله کان عبداً صالحاً...» یا: «ان یونس اوّل من یجیب علیاً اذادعا» (رجوع شود به رجال کشی در شرح حال یونس بن عبدالرحمن) و نیز هنگامی که خاندان بنی فضال که به خاطر وثاقت و علم مورد اتّفاقشان مورد مراجعه ی طالبان علوم اهل بیت قرار میگیرند، با صدور عبارت: «خذوا ما رووا و ذروا مادروا...» از نفوذ عقیده ی انحرافی آنان (فطحی) در میان توده ی شیعه مانع میگردد. و از این قبیل موارد در تاریخ مناسبات ائمّه با اصحاب معاصرینشان بسیار است. با این نگرش، امام(علیه السّلام) در دوران حضور، همان مرزبان بیدار و هماره هوشیاری است که وظیفه ی حراست از مرزهای مکتب را که وی حافظ کلیت آن است، شخصاً بر دوش گرفته است.

امّا در دوران غیبت، به خصوص غیبت کبری وضع کاملاً تفاوت می یابد. در این دوران از طرفی به خاطر نیازهای روز افزونی که اکنون دیگر نه به وسیله ی امام علیه السّلام، بلکه به وسیله ی علمای دین باید برآورده شود، و از طرف دیگر، به خاطر اختلاف نظرهای طبیعی میان علما و خبرگان دین که محور بارز و قاطعی هم برای رفع آن نیست، راه به روی افکار و نظرات و برداشتهای مختلف در اصول و فروع دین باز است، و در میان نظرات گوناگونی که ابراز میشود، طبیعتاً عناصری هم از مکاتب انحرافی یا از مذاهب غیر امامی شیعی (زیدی، اسماعیلی، فطحی و....) به مجموعه ی مکتب اهل بیت علیهم السّلام راه می یابد که خلوص و اتقان آن را تهدید میکند و حتّی در دراز مدت ممکن است جهت مکتب را به کلی دگرگون نماید.

اینجاست که یکی از مهمترین وظایف رهبران امّت در آن برهه از زمان رخ مینماید، وظیفه ای که درست به انجام رسیدن آن میتوانسته است به معنای حفظ مذهب و معادل جهادی سرنوشت ساز باشد و آن

وظیفه عبارت است از اینکه تشیع به مشابه ی یک نظام فکری و عملی مرزبندی شود و برای آن از لحاظ عقیدتی و عملی با استفاده از میراث ارزشمند سخنان ائمّه علیه السلام چهارچوبی ترسیم گردد. و بدین گونه هویت مستقل و مرزبندی شده ی مذهب اهل بیت مشخّص گشته، در معرض فهم و استفاده ی پیروانش قرار گیرد. این کار به علما و متفکّران شیعه این امکان را میداد که انحراف اصولی، یعنی خروج از حیطه ی مبانی مذهب در فقه و کلام را از اختلاف نظرهایی که در داخل محدوده ی مکتب پیش می آید، بتوانند جدا کرد. بی شک این کار تا پیش از زمان مفید انجام نشده است...

با توجّه به آنچه مفید قدس سره در کتاب اوائل المقالات و سایر کتب کلامی اش مانند: تصحیح الاعتقاد و الفصول المختاره و غیرها در بیان عقاید تشیع و بیان فارق میان آن و عقاید دیگر نحله های کلامی و مخصوصاً مکتب اعتزال، افاده کرده است، میتوان گفت که وی درصدد آن بوده است که یک نظام فکری، منسجم و دارای حدود و ثغور روشن و مشخّص برای تشیع ارائه دهد. شک نیست که نقطه ی شاخص و متمایز کننده در این نظام فکری، مسئله ی امامت است، بدین معنی که هیچ نخله ی دیگری در این مسئله با شیعه شریک نیست و مناط در نسبت دادن فرد یا جماعتی به مذهب شیعه اعتقاد به این مسئله است. درست است که شیعه در بسیاری دیگر از اعتقاداتش نیز با وجود شباهت در عنوان مسئله با فِرَق دیگر؛ مانند: توحید، عدل، صفات و امثال آن در روح و معنا یا در برخی از فروع و جزئیات دارای اختلافات عمده ای با آن فِرَق است، ولی در مسئله ی امامت، تمایز میان شیعه و دیگر فِرَق اسلامی از همه آشکارتر و صریح تر است. لذا شیخ مفید قدس سره علاوه بر اینکه در کتابهای مفصّل خود مانند اوائل المقالات و غیره افتتاح کلام را با مسئله ی امامت قرار داده، رساله های کوتاه و بلند متعدّدی نیز در موضوع امامت با نامهای مختلف به رشته ی تحریر درآورده است. ذکر این نکته در اینجا مناسب است که «نقطه ی شاخص» بودن مسئله ی امامت در نظام فکری مفید قدس سره - چنانکه بیان شد - غیر از چیزی است که یکی از مستشرقین در اینباره پنداشته و امامت را «محور نظام فکری» مفید قدس سره معرّفی کرده است. محور نظام فکری شیعه و همه ی متکلّمان آن - مفید و غیر مفید - مسئله ی صانع و توحید باری تعالی است. مسایل مهمی همچون: صفات حق تعالی، تعداد و معنی و نسبت آن با ذات حضرت حق (عزّاسمه)، مسئله ی نبوّت و فروع آن، مسئله ی عدل، و نیز مسئله ی امامت و مسایل مربوط به تکلیف و قیامت و غیرها... همه و همه متفرّعات آن مسئله و مبتنی بر آن است. متأسفانه مستشرقین و

کسانی که احاطه ی علمی لازم به مفاهیم اسلامی ندارند. از این گونه اشتباهات در فهم مراد بزرگانی چون شیخ مفید قدس سره میکنند که باید این گونه جلسات و مباحثات، کج فهمی های آنان را اصلاح و حقایق را روشن سازد. پژوهشگر غربی ای که درباره ی افکار شیخ مفید مطالبی نوشته، گاه آن بزرگوار را فاقد نظام فکری مشخّص و گاه صاحب نظام فکری ای که مبتنی بر امامت است، معرفی میکند. چنانکه گفته شد این هر دو سخن خطاست. نظام فکری مفید در کتابها و رساله های متعدّد شیخ بزرگوار به روشنی ترسیم شده است و محور آن پس از مسئله ی معرفت که مقدمه ی طبیعی مسایل اعتقادی است، مسئله ی ذات و صفات باری است، سایر مسایل اساسی برحسب مراتب خود بر آن متفرّعند. مسئله ی امامت چنانکه گفته شد، شاخص و نقطه ی تمایز اصلی این مکتب با دیگر مکاتب است و عقیده یی است که پیرو تشیع بدان شناخته میشود. (۱)

مطلب پنجم. آثار مهدوی

گفتار اوّل. کتابهای غیبت نعمانی و طوسی

وقتی غیبت صغری تمام شد و شیعیان فهمیدند که دسترسی به مولا و امام خودشان به این زودیها و به این آسانیها نخواهند داشت، یک بحران روحی عجیبی در بین شیعه به وجود آمد. علمای شیعه، به وقت به این بحران روحی جواب دادند. این کتابهای «غیبت نعمانی»، «غیبت طوسی» را که می بینید، پاسخ به این بحران روحی است. مقدمه ی کتاب غیبت نعمانی را نگاه کنید. محنت روحی شیعه را آنجا میشود فهمید. (۲)

گفتار دوّم.دانشنامه ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

همین دانشنامه ی مهدویت، با این خصوصیاتی که ذکر کردند، که خصوصیات مهمّی است. به نظرم دیروز یا پریروز کتاب را آوردند و من فرصت کردم تورّق مختصری بکنم؛ به نظرم کتاب برجسته و جالبی آمد. حالا ان شاءالله وقت میگذاریم و کتاب را اوّل تا آخر، ان شاءالله مطالعه خواهم کرد. ولی کار، کار بسیار مهمّی است؛ کار بزرگی است. عمده این است که ذهن متوجّه یک نیاز و یک خلأ

۱- . پیام به کنگره جهانی هزاره ی شیخ مفید، ۲۸/۱/۱۳۷۲.

۲- . همان.

بشود و همّت برای پر کردن این خلأ- و برآوردن این نیاز برانگیخته شود. این کارها شده - طبعاً هیچ کاری هم از ما انسانها بدون نقص و قصور نیست - مهم این نیست که آیا این کتاب کامل است، یا جامع است، یا نقصی دارد یا ندارد؛ مهم این است که این کتاب هست؛ نیاز به آن احساس شد و همّت برای تولید آن برانگیخته شد و بحمدالله متولّد شد و به عرصه ی وجود آمد. (۱)

۱- . بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث، **۲۱/۳/۱۳۹۳**.

بخش سیزدهم: مهدویت و بایسته های پژوهشی و تبلیغی

اشاره

مطلب اوّل. بایسته های پژوهشی مهدویت

گفتار اوّل. ضرورت مطالعه در مباحث مهدوی

مسئله ی ولادت حضرت مهدی علیه الصّلاه والسّلام و عجّل الله تعالی فرجه الشّریف، از این جهت هم حائز اهمیت است که مسئله ی انتظار و دوران موعود را که در مذهب ما، بلکه در دین مقدّس اسلام ترسیم شده است، دوران موعود آخرالزّمان؛ دوران مهدویت ما به یاد بیاوریم، روی آن تکیه کنیم و بر روی آن مطالعه و دقّت و بحثهای مفیدی انجام گیرد. (۱)

امام مهدی علیه الصّلاه و السّلام و أرواحنا فداه ذخیره ی امید بشریت است. اگر این امید در دل انسان وجود داشته باشد، به نظر او قدرت نمایی صوری قدرتمندان، پوچ و حضور قدرت مندانه ی آنها در عرصه های بازیگری جهانی در خور استهزاء خواهد آمد؛ حقیقت قضیه هم همین است. هیاهوی قدرتمندان و قدرت مداران مانند کف روی آب در مقابل جریان اصیل و تمام نشدنی حقیقت و معنویت، تاب ماندن و جلوه کردنِ همیشگی را ندارد. شما وابسته به آن جریان اصیل و جوشنده و دایمی و پیوسته هستید؛ خودتان را به درستی بشناسید؛ راهتان را به درستی بشناسید و آن را قدر بدانید. (۲)

درباره ی حضرت مهدی علیه الصّلاهوالسّلام وارواحنافداه اگر چه خیلی کار شده و کتابهایی نوشته شده است؛ اما به نظر بنده کارهای خوب و بزرگ هنوز خیلی میشود انجام داد. (۳)

امروز روز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف محبوب این امّت است. اوّلاً روز جمعه است، ثانیاً شب ولادت باسعادت این منجی بشریت است و ما مردمی که در راه نزدیک شدن آرمان امام زمان سالیانی به انتظار و اشتیاق و روزگاری به مبارزه و مقاومت گذرانیده ایم به جاست که از این موقعیت برای آشنا شدن با اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اندکی استفاده کنیم. (۴)

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۲- . بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی علیه السلام، ۲/۱۰/۱۳۸۳.

۳- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار دسته جمعی روزهای دوشنبه، ۳/۱۰/۱۳۷۵.

۴- . در مکتب جمعه، ج ۲،ص ۱۹۹.

گفتار دوّم. اوّلویت داشتن شیعه در پرداختن به پژوهشهای مهدوی

مسئله ی مهدویت در اسلام هم جزءِ مسلّمات است؛ یعنی مخصوص شیعه نیست... منتها امتیاز شیعه در این است که مسئله ی مهدویت در آن یک مسئله ی مبهم نیست؛ یک مسئله ی پیچیده ای که برای بشر قابل فهم نباشد، نیست؛ یک مسئله ی روشن است، مصداق واضحی دارد که این مصداق را میشناسیم، خصوصیاتی از او را میدانیم، پدران او را میشناسیم، خانواده ی او را میشناسیم، ولادت او را میشناسیم، جزئیات آن را خبر داریم. در این معرّفی هم باز روایات شیعه، تنهایی در صحنه نیستند؛ حتّی روایاتی از غیر طریق شیعه هم وجود دارد که همین معرفی را برای ما روشن میکند و باید کسانی که مال مذاهب دیگر هستند، توجّه کنند و دقّت کنند تا این حقیقت روشن را دریابند. بنابراین اهمیت مسئله یک چنین سطحی دارد و ما بیشتر از دیگران اولی هستیم به اینکه به این مسئله بپردازیم؛ کارهای علمی، دقیق و متقن روی این مسئله انجام بگیرد. (۱)

گفتار سوّم. مهدویت و لزوم تحقیقهای عالمانه

از کارِ عالمانه و همراه با دقّت در مسئله ی انتظار و مسئله ی دوران ظهور نباید غفلت کرد. و از کارِ عامیانه و جاهلانه به شدّت باید پرهیز کرد... کارِ عالمانه، قوی، متّکی به مدرک و سند، که البتّه کار اهل فنّ این کار است، این هم کار هر کسی نیست، باید اهل فن باشد، اهل حدیث باشد، اهل رجال باشد، سند را بشناسد، اهل تفکّر فلسفی باشد؛ بداند، حقایقی را بشناسد، آن وقت میتواند در این زمینه وارد میدان شود و کار تحقیقاتی انجام دهد. این بخش از کار را هرچه ممکن است، بیشتر باید جدّی گرفت تا راه ان شاءالله برای مردم باز شود. (۲)

گفتار چهارم. قرآن کریم و احادیث ائمّه علیهم السلام بهترین منابع در پژوهشهای مهدوی

در همین موضوع مهدویت و قضایای مربوط به امام زمان مسئله ی انتظار، مسئله ی طول عمر، مسئله ی دوران حکومت، مسئله ی وظایفی که منتظرین دارند، و مسایل گوناگونی که وجود دارد، بهترین مرجع عبارت است از حدیث و آنچه از خود ائمّه علیهم السّلام نقل شده، که جای تردیدی را

۱- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۲- . بیانات در جمع اساتید و فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

باقی نمیگـذارد و این مهم ترین مطلب است...بنـده هم به این معنا معتقدم که شواهد عقلی و اعتباری به عنوان مؤید میتوانند به کار برونـد، [امّا] آنچه تعیین کننـده و قاطع است، منابع روایی، حدیثی و قرآنی است که به اینها بایستی تکیه کرد، از اینها باید استفاده کرد. البتّه بایـد تنقیـح بشود؛ به حرفهـای سـست نبایـد اعتمـاد کرد. حرف قرص کم نـداریم؛ حرفهـای قوی، محکم و بنیادهای فکری مستحکم بحمدالله در این زمینه خیلی زیاد است و میتوان به اینها تکیه کرد و از اینها استفاده کرد. (۱)

صـدها حـادثه توجّه برانگیز و پرمعنی و در عین حـال ظـاهراً بی ارتباط و گاه متناقض با یکـدیگر در زنـدگی موسـی بن جعفر علیهم السّـلام هنگـامی معنی میشود و ربـط می یابـد که ما آن رشـته ی مسـتمری را که از آغاز امامت آن بزرگوار تا لحظه ی شهادتش ادامه داشـته، مشاهده کنیم. این رشـته، همان خط جهاد و مبارزه ائمّه علیهم السّـلام است که در تمام دوران دویسـت وپنجـاه سـاله و در شـکلهای گونـاگون اسـتمرار داشـته و هـدف از آن، اوّلاً تبیین اسـلام ناب و تفسـیر صـحیح قرآن و ارایه ی تصویری روشن از معرفت اسـلامی است و ثانیاً، تبیین مسـئله ی امامت و حاکمیت سیاسی در جامعه ی اسلامی و ثالثاً، تلاش و کوشـش برای تشـکیل آن جامعه و تحقّق بخشـیدن به هدف پیامبر معظّم اسلام صلّی الله علیه واله و همه ی پیامبران؛ یعنی اقامه ی قسط و عـدل و زدودن انـدادالله از صـحنه ی حکومت و سپردن زمام اداره ی زنـدگی به خلفاءالله و بنـدگان صالح خداوند. (۲)

درک مراتب معنوی و حقایق الهی در باب این قطب اعظم عالم امکان و خلیفه ی خدا و مظهر صـفات و اسـمای الهی، در حدّ زبـان، بیـان، قلب و فهمی همچون منِ قاصـر نیست. خود آنهـا بایـد دربـاره ی امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف سـخن بگوینـد؛ همچنـان که خود آنهـا بایـد دربـاره ی علی بن ابی طالب علیه الصّـلاه و السّـلام و بقیه ی اوّلیا و اصـفیای دین سـخن بگوینـد. ما همین قـدر میـدانیم که وجود مقـدّس امام زمان، مصـداق وعده ی الهی است.همین قدر میدانیم که این بازمانده ی خانـدان وحی و رسـالت، عَلَم سـرافراز خـدا در زمین است. «السّـلام علیـک ایهـا العلم المنصوب و العلم المصـبوب و الغوث و الرّحمه الواسـعه وعدا غیر مکذوب». او وعده ی الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشـریت است. او مستوره و نمونه یی از اولیاء و اصفیاء و انبیاء و برجسته ترین بندگان خداست. او نمایشگر

۱- . بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۲۱/۳/۱۳۹۳.

۲- . پیام به سوّمین کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۲۶/۷/۱۳۶۸.

مَبلغ فضـل الهی بر بنی آدم است. اینهـا چیزهـایی است که خود آنـان بیان فرمودنـد. اگر ما بتوانیم در حـدّ فهم قاصـر و ناقص خودمان، رشحاتی از این گفته ها را درک کنیم و بفهمیم، خیلی بُرد کرده ایم. (۱)

گفتار پنجم. توجّه به جهاد مستمر ائمّه علیهم السلام راه درک عمیق امامت و مهدویت

صـدها حادثه ی توجّه برانگیز و پرمعنی و در عین حال ظاهراً بی ارتباط و گاه متناقض با یکـدیگر در زندگی موسی بن جعفر علیهم السّـلام هنگـامی معنی میشود و ربـط می یابـد که ما آن رشـته ی مسـتمرّی را که از آغاز امامت آن بزرگوار تا لحظه ی شهادتش ادامه داشته، مشاهده کنیم. این رشته، همان خط جهاد و مبارزه ی ائمّه علیهم السّلام است که در تمام دوران دویست وپنجاه سـاله و در شـکلهای گونـاگون اسـتمرار داشـته و هـدف از آن، اوّلاً تبیین اسـلام ناب و تفسیر صـحیح قرآن و ارایه ی تصویری روشن از معرفت اسـلامی است و ثانیاً، تبیین مسـئله ی امامت و حاکمیت سیاسی در جامعه ی اسلامی و ثالثاً، تلاش و کوشـش برای تشـکیل آن جامعه و تحقّق بخشـیدن به هدف پیامبر معظّم اسلام صلّی الله علیه واله و همه ی پیامبران؛ یعنی اقامه ی قسط و عـدل و زدودن انـدادالله از صـحنه ی حکومت و سپردن زمام اداره ی زنـدگی به خلفاءالله و بنـدگان صالح خداوند. (۲)

گفتار ششم. برخی موضوعات مهدوی برای پژوهش

اثبات مهدویت شخصی

قضـیه ی مهـدویت فی نفسه، یک امر خیلی واضـح، روشن و بی اشـکال است. آنچه مهم است، که اگر آن هم دنبال شود و به زبان روشـنی نوشته شود، وضوح آن به همان اندازه است، تعیین شخص مهدی است. واقعاً اگر کسی روایات را نگاه کند، چه روایاتی که به خصوص از طریق شیعه نقل شده، و چه بعضـی از روایاتی که از طریق غیر شـیعه رسیده است، جای شک باقی نمیماند که شخص مهدی، همان شخصی است که ما میشناسیم. (۳)

تحقیق درباره ی انتساب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به امام عسکری علیه السلام

اصل قضیه ی مهدویت معلوم است؛ امّا خصوصیت شیعه در این است که شخص را با جزئیات و

۱- . دیـدار بـا اقشـار مختلف مردم و میهمانـان داخلی و خـارجی در سـالروز میلاـد امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹.

۲- . پیام به سوّمین کنگره ی جهانی امام رضا علیه السلام، ۲۶/۷/۱۳۶۸.

۳- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار دسته جمعی روزهای دوشنبه، ۳/۱۰/۱۳۷۵.

خصوصیات حیاتش معین میکند. اثبات قضیه ی طول عمر و امثال آن خیلی آسان است؛ اصلاً در خور اهمیت نیست. بیشتر توجّه ما به این نکته منعطف شده است که به اشکالات مسئله ی طول عمر پاسخ دهیم. خدایی که میتواند صد و چهل سال عمر بدهد، میتواند هزار و چهار صد سال عمر بدهد؛ اینکه دیگر خیلی مشکلی ندارد؛چیزی نیست که محقّقان بخواهند دنبال آن بروند و خود را معطّل این قضیه بکنند. به نظر من نکته ی مهمّی که باید روی آن تنقیح و تحقیق صورت بگیرد، مشخّص کردن این نکته است که آن بزرگوار فرزند حضرت عسکری علیه السلام است، با خصوصیاتی که ما میشناسیم. (۱)

پاسخگویی به شبهات

وقتی به قضیه ی مهدویت میرسند، بنامیکنند به خرافات گفتن. مثلاً میگویند شیعه معتقد است که امام زمانش درون سرداب زندگی میکند! کجا شیعه چنین عقیده ای دارد؟ مطالب خرافی را در این زمینه مطرح میکنند، برای اینکه ذهن را از این شخص دور نمایند. به نظر من با زبان های روشن به این نکته بپردازید و آن را مسجّل کنید و ضمناً متین و استدلالی آن را از آب در بیاورید. (۲)

مطلب دوّم.بایسته های تبلیغی مهدویت

گفتار اوّل. لزوم تبلیغ و تبیین معارف مهدوی

دشمنانِ تفکّر و اعتقاد به مهدویت - که این اندیشه را به زیان خود میدانند - همواره تلاش کرده اند تا آن را از اذهان مردم بزدایند و یا مفاهیم اعتقاد به مهدویت را تحریف کنند؛ لذا امروز در نقطه ی مقابل این تلاش دشمنان، باید در جهت اعتقاد، عمل، تبلیغ و تبیین حقیقت مهدویت حرکت کنیم. (۳)

در مجلس ما...جمعی از مجموعه های مرتبط با مهدویت حضور دارند. آنچه را که من به این مناسبت در این جمع فرهنگی آگاه و هوشیار به شما برادران و خواهران میخواهم عرض بکنم، این است که ما عقاید اسلامیمان، به خصوص عقاید شیعی، جزءِ پاکیزه ترین، منطقی ترین و مستحکمترین عقاید است...این عقاید را بایستی اوّلا درست فهمید، ثانیاً آنها را با تدبّر و تأمّل عمق بخشید، ثالثاً آنها را به درستی منتقل

۱- . همان.

۲- . همان.

۳- . سخنرانی مقام معظّم رهبری، ۹/۱۱/۱۳۷۲.

کرد...این را، هم جوانـان مـا- جوانـان فرزانه ی ما، دانشـجویان ما، طلّاب فاضل ما- هم مجموعه هایی که متصـدّی آموزشـند، متصـدّی تبلیغنـد، متصدّی پرورش افکار و اذهان هسـتند، باید توجّه کنند. نشان دادن آن حقیقتی که در اختیار مذهب امامیه و پیروان اهل بیت علیهم السّلام هست به مخاطب، مساوق (مساوی) با قبول مخاطب و همراه با تصـدیق و پذیرش مخاطب است. حقیقت را باید نشان داد. (۱)

گفتار دوّم. استفاده از روشهای مستقیم و غیر مستقیم در ترویج مهدویت

جمعی از مجموعه های مرتبط با مهدویت حضور دارند. آنچه را که من به این مناسبت در این جمع فرهنگی آگاه و هوشیار به شمـا برادران و خواهران میخواهم عرض بکنم، این است که... این عقایـد را بـایستی اوّلاـ درست فهمیـد، ثانیاً آنها را با تـدبّر و تأمّل عمق بخشـید، ثالثاً آنها را به درستی منتقل کرد. در همه ی مجموعه های فرهنگی این جور است. در آموزش و پرورش، یک معلّم، یک مدیر آموزشـی یا پرورشـی به بهترین وجهی میتواند از این فرصت طلایی عمر نوجوان ما که در اختیار اوست، استفاده کند. عقاید دینی را نه فقط در زنگ تعلیمات دینی، بلکه میشود آن را در همه ی فرصتهای تعلیم با هوشیاری، با دقّت، با سنجیدگی، در عمق ذهن و جان متعلّم جایگزین کرد، تا او فرصت پیدا کند آن را در دل و مغز خود رشد بدهد. (۲)

گفتار سوّم.تبلیغ معارف، راه زمینه سازی ظهور

تشکر میکنم از عزیزانی که مسئله ی تبلیغ را در سطح کشور، به وسیله ی علمای دین و فضلای حوزه های علمیه جدّی گرفتند و به آن به صورت یـک مسئله ی درجه ی دوّم و مستحبّی نظر نکردنـد و به شأن تبلیغ، هـدف تبلیغ و مخاطب تبلیغ و اهمیت تأثیری که تبلیغ به سبـک خاص در هـدایت نفوس دارد، توجّه کردند و برنامه ریزی نمودند. همچنین از یکایک شـما عزیزان، جوانان مؤمن و پُرشوری که بهترین دوران عمر خودتان را در خدمت دین خدا، در خدمت حقّ مظلوم الهی و در خدمت آماده سازی جامعه برای ظهور حضرت بقیه الله الاعظم أرواحنا فداه قرار دادید، تشکر میکنم. (۳)

۱- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۲- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۳- . بیانات در دیدار روحانیون و مبلّغان در آستانه ی ماه مبارک رمضان، ۲۳/۹/۱۳۷۷.

گفتار چهارم. بهره گیری از معارف فطری مهدویت

اسلام به ما آموخته است که انسانها با وجود ناهمگونیهای نژادی، زبانی و فرهنگی، فطرت همسانی دارند که آنها را به پاکی، عدالت، نیکوکاری، همدردی و همکاری فرا میخواند و همین سرشت همگانی است که اگر از انگیزه های گمراه کننده به سلامت عبور کند، انسانها را به توحید و معرفت ذات متعالی خداوند رهنمون میگردد. این حقیقت تابناک دارای چنان ظرفیتی است که قادر است پایه و پشتوانه ی تشکیل جوامع آزاد و سرافراز و برخوردار از پیشرفت و عدالت، توأماً، گردد و شعاع معنویت را بر همه ی فعّالیتهای مادّی و دنیایی انسانها نفوذ دهد و بهشتی دنیایی، پیش از بهشت اخروی موعود ادیان الهی، برای آنان فراهم آورد. و نیز همین حقیقت مشترک و همگانی است که میتواند شالوده ی ریز همکاریهای برادرانه ی ملّتهایی باشد که از نظر شکل ظاهری و سابقه ی تاریخی و منطقه ی جغرافیایی، شباهتی به یکدیگر ندارند. (۱)

گفتار پنجم. استفاده از مفاهیم عالی مهدویت در تبلیغ

اگر سرود میخوانید که خیلی هم خوب است، بخوانید؛ چون سرود وسیله ی تبلیغی بسیار خوبی است و باب جوانان و نوجوانان است- سعی کنید مفاهیم سرود را غنی و برگرفته ی از آیات، روایات و مفاهیم عالی یی که درباره ی حضرت بقیه الله أرواحنا فداه وجود دارد، قرار بدهید. البتّه بعضی از فقرات این سرود همین طور بود و مضامین خوبی هم داشت، لیکن حتماً سعی کنید فراتر از سرود معمولی یی باشد که یک عدّه جوان آن را میخوانند. مضامین باید قوی و اسلامی باشد و به عدل آن حضرت اشاره کند؛ به نیاز عالم بشریت، بلکه عالم وجود، به وجود آن بزرگوار اشاره کند؛ به وضعیتی که امروز دنیا و بشر به آن گرفتار است، اشاره کند؛ که این امید و انتظار و آرزو وجود دارد که اوضاع به مسیر طبیعی زندگی بشر که مسیر عدالت و حرکت به سمت توحید است، برگردد. (۲)

گفتار ششم. لزوم استفاده از منابع معتبر در تبلیغ

در مسئله ی امام زمان علیه السّلام خیلی دقّت کنید. گاهی ممکن است حرفی، دلی را جذب کند و دو تا دل دیگر را زده کند. اینها هرچه کمتر گفته شود، بهتر است. ممکن است که یک نفر هم با این حرف،

۱- . بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۹/۶/۱۳۹۱.

۲- . بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان، ۱۱/ ۲/۱۳۸۴.

کمی اعتقادی پیدا کند. چنانچه دیدید که آن سخن، پایه هایش محکم نیست، چه به صورت معجزه و چه به صورت دیگر، از ترویج آن جلوگیری کنید. ما به این سخنان احتیاجی نداریم. سخن منطقی، محکم و قوی فراوان داریم. حتّی در مورد مسایل مربوط به دیدار و ملاقات باحضرت، حرفهای قوی خوب و نقلهای درست و متقن وجود دارد که هر کس وقتی بخواند، دلش گواهی میدهد که این صحیح است. از نقلهای ضعیف، هرچه اجتناب شود، بهتر است. همچنان که از روایات ضعیف هم اجتناب شود، بسیار خوب است. علاوه بر استدلالات عقلانی و کلامی، روایات قوی و صحاح و چیزهای بسیار محکم داریم. (۱)

گفتار هفتم. پرهیز از غلو و زیاده گویی

به همه هم این را میگویم و گفته ام و تکرار میکنم؛ مبادا آن صفاتی، خصالی، مناقبی که متناسب با وجود ولی عصر ارواحنا فداه هست، اینها را تنزّل بدهیم در سطح انسانهای کوچک و ناقصی مثل این حقیر و امثال این حقیر. اینی که گفته میشود کسانی که در این سفینه سوارند، غم طوفان ندارند:

«چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان»

این نوح، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ امّا با یک نگاه عمومی به طول تاریخ اسلام وقتی نگاه کنیم که سعدی هم با همان نگاه این شعر را گفته است، وجود مقدّس خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله نوحِ کشتیبان این امّت است. بله، این امّت در طول تاریخ خود فراز و نشیبهایی داشته؛ گاهی به گل نشسته، گاهی دچار ذلّت شده، گاهی با مشکلات غیرقابل توصیفی مواجه شده، دست به گریبان شده؛ این ناشی از این است که سوار کشتی نشده. اگر واقعاً متمسّک بشویم، متوسّل بشویم بر کشتی نجات اسلام، همراه پیغمبر باشیم، مسلماً پیروزی نصیب ماست. البتّه دریا طوفان دارد، سختی دارد، مشکلات دارد، گاهی هراسهای بزرگ دارد؛ امّا وقتی کشتیبان بنده ی برگزیده ی خداست، معصوم است، آن وقت دیگر بیمی وجود ندارد. این آن نکته ی کوتاهی بود که خواستم عرض بکنم؛ این صفات را مخصوص بدانید به آن بزرگواران. نوحِ این کشتی اوست، پشتیبان این امت اوست، واسطه ی فیض الهی به یکایک آحاد ما، به دلهای ما، به جانهای ما، به ذهنهای ما، به جسمهای ما، به حیات فردی و اجتماعی، وجود مقدّس خاتم الاوصیاء و در رتبه ی

۱- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار با حجّت الاسلام و المسلمین قرائتی و مسئولان نهضت سوادآموزی و آغاز فعّالیت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۶/۱۰/۱۳۸۰.

قبل از او، وجود مقدّس خاتم الانبیا صلی الله علیه وآله است. (۱)

وقتی کسانی اسم مبارک امیرالمؤمنین علیه السّلام یا اسم مبارک ولی عصر روحی فداه را می آورند، بعد اسم ما را هم دنبالش می آورند، بنده تنم میلرزد. آن حقایق نور مطلق، با ما که غرق در ظلمتیم، بسیار فاصله دارند. ما گیاه همین فضای آلوده دنیای امروزیم؛ ما کجا، کمترین و کوچکترین شاگردان آنها کجا؟ ما کجا و قنبرِ آنها کجا؟ ما کجا و آن غلام حبشی فداشده در کربلای امام حسین علیه السّلام کجا؟ ما خاک پای آن غلام هم محسوب نمیشویم. امّا آنچه که حقیقت است، این است که ما به عنوان مسلمانانی که راهمان را شناخته ایم، تصمیم خود را گرفته ایم و نیروی خود را برای این راه گذاشته ایم؛ با همه ی وجود در این راه حرکت میکنیم و ادامه خواهیم داد. (۲)

مطلب سوّم. مهدویت و هنر

گفتار اوّل. هنر عامل گسترش و ماندگاری معارف

هنر یک شیوه ی بیان است، یک شیوه ی ادا کردن است. منتها این شیوه ی بیان از هر تبیین دیگر رساتر، دقیق تر، نافذتر و ماندگارتر است. دقّت در هر یک از این چند تعبیری که عرض کردم: رساتر بودن؛ دقیق تر بودن، نافذتر و ماندگارتر بودن، در فهم معنای هنر کمک کند. ای بسا که یک گزارش غیرهنری، گرچه علمی و تحقیقی و دقیق، خاصیت ارائه ی هنری را نداشته باشد. بارها گفته ام که هر پیامی، هر دعوتی، هر انقلابی، هر تمدّنی و هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود و فرقی هم بین پیام های حق و باطل نیست...

شعر و نیز همه ی قالبهای هنری، موهبتهای خدایی اند که باید در خدمت خلق خدا و حامل آرمانهای والای خدایی باشند...

شعر و هنر، زیباترین قالب برای همه ی پیامهای نوین و مایه ی گسترش و نفوذ این پیامها تا هر سوی خطه وسیع دلها و جانهای انسانی است و شاعران و سخنسرایان آگاه همیشه توانسته اند والاترین معارف انسانی را در کتیبه ی روزگار با نقشی جاودانه، به نسلهای بعد از خود بنمایانند..

۱- . بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه شمال کشور، ۲۸/۶/۱۳۹۱.

۲- . بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۲/۸/۱۳۸۰.

تصویر آرمانی زندگی و تشریح نقاط زشت و زیبای انسان امروز، و ترسیم راهی که آدمی را به آسایش و رستگاری و تعالی حقیقی میرساند، بیش از همه، از آن شاعر و هنرمندی ساخته است که در مهد انقلابی خدایی و مردمی زیسته و نظام ارزشی متعالی را در صفا و قداست فضایی که وحی الهی بر آن حاکم است، آموخته باشد. (۱)

گفتار دوّم. لزوم به کارگیری شیوه های هنرمندانه در انتقال معارف مهدوی

حقاً عرصه ی محبّت اهل بیت علیهم السلام عرصه ی شایسته ای برای هنرنمایی است. (۲)

مسئله ی مهدویت، مسئله ای مهم و اساسی است. اثبات مهدویت، کار بسیار آسانی است. اثبات اصل مهدویت در یک محفل علمی با مخاطبانی که اهل علم و اهل تفکر و استدلال اند، جزو آسانترین کارهاست. در این، هیچ تردیدی نیست. ایمان و اعتقاد مردم هم خوب است، منتها تعمیق این ایمانی که مردم به امام زمان ارواحنا فداه و علیه الصلاه و السلام دارند، کار بسیار ظریفی است. باید در این قضیه، با شیوه های هنرمندانه ی تبلیغی وارد شد. به نظر من، بخش مهمّ کار شما، این است. اگر این کار با موفّقیت انجام بگیرد و اگر شما بتوانید این عشق و محبّت و سوز و گدازی را که مردم ما به طور طبیعی نسبت به حضرت دارند، در سطح عموم مردم، به خصوص جوانان، با یک نگاه عالمانه و آگاهانه همراه کنید، برکات این کار، لاتُعدّ و لاتُحصی خواهد شد... این مقوله، مقوله ی مهمّی است. درباره ی این مقوله، هر چه کار کنید، به جا کرده اید و خوب است، منتها همان طور که گفتیم، هنر بزرگ این است که بتوانید این مقوله را با زبان هنرمندانه ی اثرگذار، به ذهن مخاطبان جوان، دانا و آگاه منتقل کنید تا این، جزء وجودشان شود. آن وقت، تحوّل عظیمی در زندگی انسانها به وجود خواهد آمد. (۳)

گفتار سوّم. معارف اصیل مهدوی پشتوانه ی هنر مهدوی

سعی کنید مفاهیم سرود را غنی و برگرفته ی از آیات، روایات و مفاهیم عالی ای که درباره ی حضرت بقیه الله أرواحنا فداه وجود دارد، قرار بدهید. البتّه بعضی از فقرات این سرود همین طور بود و مضامین خوبی هم داشت، لیکن حتماً سعی کنید فراتر از سرود معمولی ای باشد که یک عدّه جوان

۱- . هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۳۰.

۲- . بیانات در دیدار مداحان اهل بیت (علیهم السّلام)، ۴/۴/۱۳۸۷.

۳- . دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۲۰ /۲/۱۳۸۲.

آن را میخوانند. مضامین باید قوی و اسلامی باشد و به عدل آن حضرت اشاره کند؛ به نیاز عالم بشریت بلکه عالم وجود، به وجود آن بزرگوار اشاره کند؛ به وضعیتی که امروز دنیا و بشر به آن گرفتار است، اشاره کند که این امید و انتظار و آرزو وجود دارد که اوضاع به مسیر طبیعی زندگی بشر که مسیر عدالت و حرکت به سمت توحید است برگردد. (۱)

گفتار چهارم. مداحی، ستایشگری امامت، معنویت و جهاد

مدّاحی و ستایشگری ائمّه علیهم السّلام در حقیقت ستایشگری نیکی، معنویت و جهاد است؛ ستایشگری خورشید امامت و ولایت است. (۲)

مفاهیم انقلابی و حماسه های مردمی و آرمانهای انقلاب، وسیع ترین عرصه ی جولان ذهن شاعر و هنرمند است. هر ذهن آفریننده میتواند در شرف و شجاعت این مردم، در مبارزه به خاطر زندگی شایسته با گرگان درنده استکبار، در شکستن بتهای زر و زور و تزویر، در صفای دل جوانان، در استحکام و مقاومت مادران... در افراشتن پرچم حمایت از مستضعفین و در صدها جلوه ی انقلاب اسلامی، مسحور کننده ترین زیبایی ها را ببیند و با سرانگشت ذهن خلّاق خود برای دیگران ترسیم کند. این طبیعی ترین توقّعی ست که انقلاب از شاعر و هنرمند امروز دارد. (۳)

۱- . بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان، ۱۱/ ۲/۱۳۸۴.

۲- . بیانات در دیدار جمعی از مدّاحان اهل بیت به مناسبت سالروز میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها، ۱۸/۶/۱۳۸۰.

۳- . هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۳۲.

بخش چهاردهم: دعا و نجوا با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

مطلب اوّل. سه جهت کلّی درباره ی دعا

اشاره

سه جهت را در باب دعا عرض میکنم. اگرچه درباره ی دعا، فواید و آثار و برکات بیشتری از آنچه که بنده عرض میکنم وجود دارد؛ لکن این سه نکته و سه فایده برای دعا، مهم است. (۱)

گفتار اوّل. دعا، وسیله ای در کنار وسایل دیگر

یکی این است که وقتی ما به درگاه حق متعال دعا میکنیم، در حقیقت وسیله ای برای رسیدن به حوائج خودمان میجوییم و راهی به سوی این حوائج میپیماییم و از آن استفاده میکنیم. این، یک گونه دعا کردن است: دعا برای گرفتن مقصود. این طور نیست که کسی گمان کند همه ی مقاصد، به وسیله ی ابزارها یا وسایل مادّی برای انسانها قابل دسترسی است. بلکه چیزهایی را انسان با دعا باید به دست آورد. البتّه نه دعای تنها و دعای بدون عمل. هیچ فایده ای ندارد که انسان در عمل را ببندد و به دعا اکتفا کند؛ امّا در کنار عمل، در کنار اقدام، در کنار به کار انداختن همّت و تلاش، خواستن از خدا را نیز باید قرار بدهیم. این دعا، حاجات را برای انسان برآورده می سازد. لذا ملاحظه میکنید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم، در میدان جنگ، بعد از آنکه همه ی کارها را انجام داده است، دعا هم میکند؛ بنابراین، یکی از وظایف ماست که دعا کنیم، تا از این راه به حاجات و اهداف و مقاصد خودمان نائل شویم.

دعا، وسیله ای در کنار وسایل دیگر است. به قول بزرگان از محقّقین و متفکّرین ما، همچنان که در عالم وجود، خدای متعال دهها وسیله و سبب و علّت قرار داده است، دعا هم یکی از سببهاست. در بسیاری از دعاها، حاجت و مقصود خواستن مطرح میشود. مثلًا فرض بفرمایید در همین دعای سحر ماه مبارک رمضان که دعای بسیار عالی المضمونی هم هست، بعد از آنکه خدای متعال را به اسما و صفات سوگند میدهد، میگوید: دعا کن به آنچه که میخواهی و مقاصد خودت را از خدا بخواه. بعد از این همه قسم دادن خدای متعال، دعا مستجاب میشود. لذا در روایتی از امیرالمؤمنین علیه الصّلاه و السّلام، نقل شده است که فرمود: «ادفعوا امواج البلاء علیکم بالدعاء قبل ورود البلاء؛ پیش از آنکه بلا بر شما وارد شود، با دعا، بلا را دفع کنید». اینها واقعیت است. این، البتّه بدان معنا نیست که هرچه شما خواستید و هرطور آن را با خدای متعال در میان گذاشتید، برآورده خواهد شد؛ نه.

۱- . خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۷/۱۲/۱۳۷۱.

شرایطی دارد، آدابی دارد؛ مثل همه ی اسباب عادی و مثل همه ی خواستنها. اگر شما از دوستتان هم چیزی بخواهید، آداب و تشریفاتی دارد. ادب مخصوص دعا را باید به کار گرفت و عمده ترین آداب، این است که انسان به خدای متعال توجّه کند و با همه ی دل از خدا بخواهد. هنگامی که قلب انسان رقیق میگردد و توجّهی پیدا میشود، وقت دعاست. آن وقت اگر از خدا بخواهید، غالب این است که مقصود برآورده میشود. مگر مواردی که در علم الهی، مصالحی وجود دارد که آن مصالح را ما نمیدانیم و خدای متعال، به خاطر دعای من و شما مصالح عمومی آفرینش، یا مصالح یک ملّت را به هم نمیریزد. آنجا که سر راه خواسته ی ما، مصلحت بزرگی مانع نباشد و آنجا که توجّه لازم را در حال دعا داشته باشیم، دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر. در روایات دارد، وقتی برای حاجاتی دعا میکنید، دعا و خواسته ی خود را زیاد ندانید. یعنی هرچه مایل هستید و میخواهید، از خدا طلب کنید. نگویید «این زیاد است. کمتر بخواهم تا بشود.» ما از استکثار دعا منع شده ایم؛ یعنی دعا و مطلوب را در مقابل پروردگار زیاد نشمارید. از خدا، خواسته های بزرگ بخواهید و خدای متعال برآورده میکند. در امید به دعا را به روی خودتان نبندید و این راه و وسیله ای را که خدای متعال بین خود و بندگانش قرار داده است، بر روی خودتان مسدود نکنید؛ البتّه باز در روایات دارد: «النهی من الاستعجال فی الدّعاء.» یعنی در دعا عجله نکنید. اگر چیزی را خواستید و در زمانی که شما خواستید برآورده نشد، نگویید که خدای متعال دعای مرا مستجاب نکرد؛ نه. «الامور مرهونه باوقاتها.» در روایت دارد: بنی اسرائیل بعد از آنکه خدای متعال وعده داد [که] آنان را نجات خواهد داد، چهل سال دعا کردند و بالاخره شد. کار بزرگی هم انجام شد. غرق فرعون و پیروزی موسی بر فرعون، امری نیست که چهل سال تلاش، برای آن زیاد باشد. عجله نکنید! با توجّه، خدا را بخوانید و هرچه میخواهید از خدا بخواهید که در بعضی از دعاها، این معنا را دارد. در دعایی این گونه وارد است که «الهی تموه الآمال قد خابت الّا لدیک و عواکف الهمم قد تعطلت الّا علیک». یعنی آرزوهای زیاد در هر دری و نزد هرکسی که مطرح گردد، مردود میشود، مگر در پیشگاه تو. در پیشگاه تو، خواسته های زیاد هم برآورده میشود. (۱)

۱- . خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۷/۱۲/۱۳۷۱.

گفتار دوّم. دعا وسیله است برای فهمیدن معارف الهی

جهت دیگری که در دعا هست، این است که در دعاهایی که از ائمّه علیهم السّلام به ما رسیده است، درسهای بزرگی از معارف اسلام نهفته است...؛ دعاهای صحیفه ی سجادیه، دعای ابوحمزه ی ثمالی، دعای افتتاح، یا بقیه ی دعاهای ماه رمضان شب و روز جمعه و بقیه ی اوقات و تمام این دعاهایی که از ائمّه علیهم السّلام به ما رسیده است، پر است از معارف اسلامی درباره ی توحید، درباره ی نبوت، درباره ی حقوق، درباره ی وضع جامعه، درباره ی اخلاق، درباره ی حکومت و درباره ی همه ی مسایلی که انسان احتیاج دارد از اسلام بداند. در این دعاها، برای ما مطالبی هست که به زبان دعا، معارف بیان شده است و ائمّه ی ما علیهم السّلام، در دوران حاکمیت طواغیت توانسته اند این معارف را از این راه به مردم برسانند. این هم یک دیدگاه دیگر در باب دعاست.

در این دو دیدگاه، دعا وسیله است. در دیدگاه اوّل، دعا وسیله است برای رسیدن به حوائج و مقصودها و هرآنچه که انسان میخواهد و آرزو میکند؛ و در دیدگاه دوّم، دعا وسیله است برای فهمیدن معارف الهی. (۱)

گفتار سوّم. نفس دعا کردن، تقرب إلی الله است

امّا دیدگاه سوّم برای دعا این است که انسان با دعا و تضرّع و عرض حاجت، خود را به خدای متعال نزدیک کند. نفس دعا کردن، تقرب إلی الله است. خود حرف زدن با پروردگار، خود تضرّع کردن، با خدای متعال سخن گفتن، نزد خدای متعال عذرخواهی، توبه و استغفار کردن، برای انسان یکی از مقاصد و هدفهاست. این، بالاترین جنبه هایی است که در دعا وجود دارد. نفس اینکه انسان در مقابل پروردگار بایستد، اشک بریزد و اظهار کوچکی و حقارت کند، برای انسان یک علوّ مقام و مرتبه است. بشر با تضرع در پیش خدای متعال است که عروج میکند و اوج میگیرد. بدبختی انسان وقتی است که از خدای متعال غافل شود. سیه رویی انسان وقتی است که خود را به خدا محتاج نداند. ناکامی بشر وقتی است که برای انس و ارتباط با خدا، جایی در زندگی قائل نباشد. هرچه بدی در دنیا هست از اینجاست. هرچه زشتی در وجود بشر هست از اینجاست. انسان برای اینکه خود را در برابر بدیها بیمه کند، باید به سمت خدا برود؛ با خدا انس بگیرد و با خدا رابطه پیدا کند.

۱- . همان.

این، وظیفه است.

ماه رمضان، وقت اینگونه دعا کردن است. منافاتی هم ندارد. همان دعایی که در آن، حاجت خود را میخواهید، آن دعا را با توجّه، با تضرّع و با حضور قلب بخوانید و دلتان را به خدا نزدیک کنید. من و شما به این احتیاج داریم. برادر و خواهر من! از دعا غفلت نکنید.

جمهوری اسلامی، آن نظامی که باید با قلدرهای جهان مقابله کند؛ آن ملّتی که باید با کوههای فساد دربیافتد؛ آن جامعه و نظامی که در مقابل هیچ قلدری سر خم نمیکند و برای نجات انسانیت تلاش مینماید، چنین جامعه و نظامی، در درون و در دل افراد خود باید درهایی به سوی دعا و تضرّع باز کرده باشد. بدون این، نمیشود. اگر میخواهید در مقابل دشمن، استوار باشید، باید باب دعا را به روی خودتان باز کنید. اگر میخواهید از کسی و چیزی نترسید، باید رابطه ی خود را با خدا قوی کنید. اگر میخواهید در مقابل جلوه های مادّی تکان نخورید و نلغزید، باید خود را با دعا و تضرّع بیمه کنید. این، دعاست. این، وظیفه ی قلبی همه ی انسانهاست. راهی است که انسان از درون خود، با خدای متعال باز میکند. (۱)

مطلب دوّم. موضوعات مطرح در دعاهای مهدوی امام خامنه ای

گفتار اوّل. ابلاغ سلام به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پروردگارا! سلام ما را در این روز عید به محضر مولا و سیدمان، ولی عصر أرواحنا فداه که صاحب این مملکت و صاحب زمان و زمانه است، برسان. (۲)

پروردگارا! درود و سلام و تحیت تو بر او و اهل بیت طیب و معصومش، به ویژه حضرت بقیه الله الأعظم، مهدی منتظر و حجّت خدا بر زمین عجّل الله تعالی فرجه و أرواحنا فداه. (۳)

پروردگارا! سلام و صلوات درود و عرض اخلاص و خاکساری ما را به پیشگاه ولی عصر و زمان حجّه بن الحسن عجّل الله فرجه الشّریف برسان. (۴)

۱- . همان.

۲- . بیانات در خطبه های نماز عید سعید فطر، ۲۴/۸/۱۳۸۳.

۳- . پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۲۶/۳/۱۳۷۰.

۴- . بیانات در خطبه های نماز عید سعید فطر، ۷/۱۰/۱۳۷۹.

گفتار دوّم. درخواست تعجیل فرج

پروردگارا! در این عیـد نیمه ی شـعبان، عیـدی بزرگی به ملّت ایران عنایت کن و آن تعجیل در فرج مولای ما امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشّریف باشد. (۱)

پروردگارا! به حق محمّد و آل محمّد، ظهور ولیت را نزدیک کن. (۲)

پروردگارا!...در فَرَج و در استقرار دولتش تعجیل فرما. (۳)

گفتار سوّم. دعا برای حوائج امام زمان

پروردگارا! به حق محمّد و آل محمّد، ای مالک قلوب، به قلب منوّر و مطهّرِ آقای ما و سـید ما و امام و صاحب ما بینداز که ما امت مسـلمان را در شب قـدر دعا کنـد! پروردگارا! دعای او را در حقّ ما مسـتجاب کن؛ اللهمَّ أَعْطِهِ فِی نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ ذُرِّیتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِیعِ رَعِیتِهِ مَا تُقِرُّ بِهِ عَینَهُ وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ. (۴)

گفتار چهارم. آرزوی دیدار و قرار گرفتن در زمره ی یاران و منتظران واقعی

امیدواریم خدای متعال ادعیه ی زاکیه و توجّهات حضـرت ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف را در حقّ ملّت ایران و در حقّ شما عزیزان، همیشگی قرار دهد؛ دعاهای آن بزرگوار را در حقّ همه ی ما مستجاب کند؛ دیدار آن بزرگوار را نصیب این دلها و چشمها فرماید؛ ما را جزو یاران و همراهان و دوستداران و شیعیان واقعی آن بزرگوار قرار دهد. (۵)

پروردگارا!به محمّـد و آل محمّـد تو را سوگنـد می دهیم، ما را از منتظران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف قرار بده. (۶)

امیـدواریم ان شاءالله خداونـد متعال ظهور آن حضـرت را هرچه نزدیکتر کنـد، ما را جزءِ یاران آن بزرگوار، هم در غیبتش، هم در حضورش قرار بدهد. (۷)

۱- . بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان، ۸/۸/۱۳۸۰.

۲- . سـخنرانی در دیدار با مداحان اهل بیت علیهم السلامبه مناسبت میلاد مبارک صدیقه ی کبری فاطمه ی زهرا علیها السلام، ۵/۱۰/۱۳۷۰.

۳- . خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۴/۱۰/۱۳۷۷.

۴- . بیانات در خطبه های نمازجمعه، ۱۳/۱۲/۱۳۷۲.

۵- . بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۲/۸/۱۳۷۹.

۶- . بیانات در اجتماع مردم مشـهد مقدّس و زائران حضـرت ثامن الحجج، علی بن موسـی الرضا علیه السلام در روز عید سعید

فطر، ۱۵/۱/۱۳۷۱.

۷- . سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

پروردگارا! چشمهای ما را به جمال ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف منوّر بگردان. (۱)

امیدواریم خداوند متعال به برکت حسین بن علی علیه السّلام، ما را از یاوران آن بزرگوار قرار دهد. ما را در صحنه ی مجاهدت در راه خدا از پیشتازان قرار دهد...ما را از سربازان و یاوران امام زمان أرواحنا له الفداء قرار دهد. (۲)

إن شاء الله مشمول ادعیه ی زاکیه ی ذات مقدّس ولی عصر أرواحنا له الفداء قرار بگیریم. کمکها، دعاها و عنایت آن بزرگوار، شامل حال ما بشود و بتوانیم إن شاء الله جزءِ حزب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شیعیان آن بزرگوار و یارانش، در غیبت و حضورش محسوب شویم. (۳)

گفتار پنجم. درخواست رضایت قلبی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از اعمال ما

پروردگارا!قلب مقدّس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از ما راضی و خشنود کن. (۴)

پروردگارا! ما را با اعمالمان به ولیت امام زمان أرواحنا فداه، در این ماه(رمضان) نزدیک بگردان. قلب مقدّس آن بزرگوار را از ما راضی کن. (۵)

اعمال وگفتار ما را مورد رضای حضرت ولی الله الاعظم أرواحنا فداه و ما را مشمول دعای آن حضرت قرار دهد. (۶)

إن شاء الله به همه ی ما توفیق بدهد که برطبق رضای ولی عصر أرواحنا فداه حرکت و عمل کنیم. (۷)

گفتار ششم. درخواست دعای مستجاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پروردگارا! ما را مشمول دعای ولی عصر أرواحنا فداه قرار بده. ما نمیدانیم آیا دیشب که محتمل القدر بود، مشمول دعای ولی عصر أرواحنا فداه قرار گرفتیم یا نه؟ اگر آن بزرگوار یک دعا در حقّ ما بکند و گوشه ی چشمی نشان دهد، همه ی مشکلات ما حل خواهد شد. پروردگارا!

۱- . سخنرانی مقام معظّم رهبری در خطبه نماز جمعه، ۶/۴/۱۳۵۹.

۲- . بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت فرارسیدن ماه محرم، ۱۰/۴/۱۳۷۱.

۳- . بیانات در دیدار اعضای انجمنهای اسلامی ادارات، کارخانه ها و بیمارستانهای سراسر کشور، ۴/۶/۱۳۷۱.

۴- . بیانات رهبر معظّم انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۴/۳/۱۳۸۷.

۵- . بیانات در روز اوّل ماه مبارک رمضان، ۴/۱۲/۱۳۷۱.

۶- . پیام به مناسبت نهمین سالگرد جنگ تحمیلی، ۳۰/۶/۱۳۶۸.

۷- . سخنرانی در دیدار با گروهی از روحانیون و مردم رفسنجان، ۲۱/۷/۱۳۶۸.

مشکلاتی داریم که بـا دعای ما (یعنی با دعای امثال من) معلوم نیست حل شود. آن مشکلات، با دعای امام زمان حل میشود. پروردگارا! به حق محمّد و آل محمّد، ای مالک قلوب، به قلب منوّر و مطهّرِ آقای ما و سید ما و امام و صاحب ما بیانداز که ما امّت مسلمان را در شب قدر دعا کند! پروردگارا! دعای او را در حقّ ما مستجاب کن. (۱)

گفتار هفتم. دعای مهدوی برای ملّت و مسئولان

پروردگارا! به محمّد و آل محمّد... قلب مقدّس ولی عصر ارواحنا فداه را از این ملّت و مسئولان شاد کن. (۲)

إن شاء الله روزبه روز این ملّت در ارادت، انس، اشتیاق و انتظار ظهور آن بزرگوار جلوتر بروند. (۳)

پروردگارا!...مسئولان ما را سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سربازان دین قرار ده. (۴)

گفتار هشتم. درخواست تهذیب نفس به برکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پروردگـارا! تو را به محبوب بزرگ عـالم امکـان، امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تو را به آن قطب همه ی فضـایل هستی سوگند میدهیم، باطن ما را از ظاهرمان بهتر کن. (۵)

گفتار نهم. درخواست اتّصال انقلاب اسلامی ایران به انقلاب مهدوی

پروردگارا! این نظام مقـدّس را که نظامی قرآنی و اسـلامی است و آرزوی برآورده شـده ی اولیای خـدا در این زمان است، به ظهور ولی و حجّتت عجّل الله تعالی فرجه متّصل بفرما. (۶)

پروردگارا! جمهوری اسلامی را تا ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پایدار و مبارک بگردان. (۷)

پروردگارا به محمّـد و آل محمّـد این نظام اسـلامی، این حکومت اسـلامی و جمهوری اسـلامی که یادگار حسـین و به دسـت آمده ی خون حسـین علیه السـلام و دنباله روان حسین علیه السلام است، تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حفظ بفرما. (۸)

۱- . بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران۲۱رمضان، ۱۳/۱۲/۱۳۷۲.

۲- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۴/۱۱/۱۳۸۲.

۳- . دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۴- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۲۲/۱۰/۱۳۷۷.

۵- . بیانات در خطبه های نماز عید فطر، ۲۲/۱۲/۱۳۷۲.

۶- . حکم انتصاب حجه الاسـلام و المسـلمین محمّد محمّدی ری شـهری به سـمت تولیت آسـتان مقدّس حضرت عبد العظیم،

۲۰/۱/۱۳۶۹.

۷- . بیانات در روز اوّل ماه مبارک رمضان، ۴/۱۲/۱۳۷۱.

۸- . ولایت و حکومت،ص ۳۳۴.

پروردگـارا انقلاب عزیز عظیم اسـلامی ما را که گام بزرگی در راه هـدف پیامبران و مقـدّمه ی لازمی در راه ظهور ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف است همچنان مداوم و پیروز بدار. (۱)

گفتار دهم. درخواست حمایت از انقلاب اسلامی

ای سید ما! ای مولای ما! دعا کن برای ما؛ صاحب ما تویی؛ صاحب این کشور تویی؛ صاحب این انقلاب تویی؛ پشتیبان ما شما هستیـد؛ ما این راه را ادامه خواهیم داد؛ با قـدرت هم ادامه خواهیم داد؛ در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجّه خود، پشتیبانی بفرما. (۲)

امروز در این جمع عظیم پر معنویت و پر احساس، در میان جمع شما نمازگزاران (نماز جمعه تهران) - برادران و خواهران - از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از صاحب اصـلی این ملّت؛ از کسـی که دلهای این امّت متوجّه او است؛ از کسـی که رحمتش ولطفش و عنایتش شامل حال این ملّت و این انقلاب بوده است و خواهد بود؛ در حضور شـما از این بنده ی برگزیده ی خـدا، میخـواهم که تـوجّه و عنـایتش را به این امّـتی که برای دین او و برای آرمـان او، این همه تلاش و فـداکاری میکنـد، منصـرف و منعطف نکنـد و از خـدای بزرگ میخواهم که این خواسـته ی مـا و سـلام مـا و توجّه و احسـاس عمیق ما را به امام زمانمان ابلاغ کند. (۳)

ای بنـده ی شایسـته صالـح خـدا! مـا امروز محتاج دعایی هستیم که تو از آن دل پاک الهی و ربّانی و از آن روح قدسـی، برای پیروزی ایـن ملّت و پیروزی این انقلاب بکنی و به دست قـدرتی که خـدا در آسـتین تـو قرار داده است، به این ملّت و راه این امّت کمک بفرمایی. (۴)

گفتار یازدهم. زندگی با ولایت و محبّت مهدوی

پروردگارا! قلب مقدّس ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را از ما راضی کن؛... ما را با ولایت و محبت آنها زنده بدار و بمیران. (۵)

۱- . همان.

۲- . خطبه های نماز جمعه ی تهران به امامت رهبر معظّم انقلاب اسلامی، ۲۹/۳/۱۳۸۸.

۳- . در مکتب جمعه، ج ۳،ص ۵۵.

۴- . در مکتب جمعه، ج ۲،ص ۲۰۳.

۵- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان، ۲۸/۱۱/۱۳۸۶.

پروردگارا! روزبه روز محبت او را در دلهای ما بیشتر فرما. (۱)

گفتار دوازدهم. برخورداری از دولت کریمه ی مهدوی

پروردگارا! تو را سوگند میدهیم که ما را از دولت کریمه ای که مهدی عزیز عجل الله تعالی فرجه الشریف در رأس آن است، برخوردار فرما. (۲)

گفتار سیزدهم. توفیق شباهت جامعه ی اسلامی به جامعه ی مهدوی

پروردگارا! به ما توفیق تشبّه به آن روزگار و به آن نظام را در سازماندهی و بنای این جامعه ی نوبنیاد اسلامی عنایت کن. (۳)

گفتار چهاردهم. درخواست مجاهدت و شهادت در رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

إن شاء الله همه ی شما و همه ی ما، هم این توفیق را پیدا کنیم که روزی در رکاب آن بزرگوار باشیم، برای خدا تلاش و مجاهدت کنیم، در مقابل چشم آن بزرگوار، در راه خدا جانمان را از دست بدهیم و به فیض شهادت برسیم که بزرگترین شرف و افتخار است. (۴)

پروردگارا! ما را لایق مجاهدت در راه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه در غیبتش و چه در حضورش قرار بده. (۵)

پروردگارا! خونهای ناقابل ما را در کنار او و در راه خودت بر زمین بریز. (۶)

امیدواریم خداوند متعال...همه ی ما و شما را به آرزوی بزرگ خودمان- که مجاهدت در راه خدا و در رکاب حضرت بقیه الله أرواحنا فداه است- برساند. (۷)

ان شاءالله ما را جزءِ مجاهدانِ در کنار آن بزرگوار و شهیدشدگان در رکاب آن بزرگوار قرار بدهد. (۸)

پروردگارا! به حق محمّد و آل محمّد،...ما را از یاران و نزدیکان و جهادکنندگان در راه او و به

۱- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب اسلامی، ۱۰/۱۲/۱۳۷۲.

۲- . بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۸/۱۱/۱۳۷۳.

۳- . ولایت و حکومت، ص ۳۴۵

۴- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۵/۹/۱۳۷۶.

۵- . ولایت و حکومت، ص ۳۴۵

۶- . سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۲۵/۱۲/۱۳۷۵.

۷- . بیانات در دیدار گروه کثیری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۴/۶/۱۳۸۱.

۸- . سخنان مقام معظّم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

خون غلتیدگان در پیشگاه او قرار بده. (۱)

آخرین جمله را هم به امام و مقتدای خودمان ولی عصر أرواحنا فداه عرض کنیم: ای سید و مولای ما! پیش خدای متعال گواهی بده که ما در راه خدا تا آخرین نفس ایستاده ایم. بزرگترین آرزو و افتخار بنده این است که در این راهِ پُرافتخار و پُرفیض و پُربهجت، جان خودم را تقدیم کنم. (۲)

۱- . سخنرانی در دیدار با مداحان اهل بیت علیهم السلامبه مناسبت میلاد مبارک صدیقه ی کبری فاطمه ی زهرا علیها السلام ۵/۱۰/۱۳۷۰.

۲- . بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم، ۲۱/۴/۱۳۷۸.

ضمایم

(دیدارهای مقام معظم رهبری با اعضای بنیاد فرهنگی حضـــرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـــریف و مرکز تخصصی مهدویت)

بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار با حجّت الاسلام و المسلمین قرائتی، مسئولان نهضت سوادآموزی و آغاز فعّالیت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ۶/۱۰/۱۳۸۰

...موضوع امام زمان علیه الصّلاه و السّلام را هم که گفتید، کار بسیار مثبت و خوبی است. یکی از آن سرِبندها در مفاهیم معرفتی ما، همین موضوع امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اصلاً موضوع مهدویت یکی از آن مسایل محوری و به اصطلاح سرِبند است که از آن رشته هایی منشعب میشود و بسیاری در فکر افتادند که این را از بین ببرند. یعنی این فکر را یا تضعیف و یا نابود کنند. مرحوم آقای فلسفی در مورد نابود کردن آن، ماجرای مفصّلی را از زمان رضاخان نقل میکرد. رضاخان یکی از معمّمین آن زمان را خواست و گفت: این قضیه را مثلاً تمامش کنید. آن معمّم گفت: این کارسخت است. بعد رضاخان گفت: پس شما بیایید به عنوان مقدّمه، فلان مسئله ی دیگر را مطرح کنید. اگر عکس العملی نشان ندادند، بعد این را مطرح کنید. رضاخان خودش این حرفها را نمیفهمید. او دیکتاتور خوبی بود و قاطعیت خوبی داشت؛ امّا مغزِ فهمیدن اینکه حالا فلان مسئله به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برمیگردد، مغز رضاخانی نیست. آن مغز، عقبه ی فرهنگی رژیم پهلوی است که خودِ رضاخان را روی کار آورد و این کارها و فکرها را درست کرد. در واقع، رضاخان آن بولدوزری بود که اینها جلو انداخته بودند تا آن چیزی را که میخواستند، انجام دهند.

پیداست که دستگاه های قدرت به این مسئله، به شدّت اهتمام دارند؛ لذا هرچه این مسئله را به صورت متین، معقول و صحیح پیگیری کنید، بسیارخوب است. البتّه کارهای خوبی هم درحال انجام است که بسیار جالب و عمیق است. بعضی از دوستان ما هم در حال تهیه دایرهالمعارفی در این زمینه هستند. در این موضوع هم، باز سعی شود که به کم قانع نشوید. در مسئله ی امام زمان علیه السّلام خیلی دقّت کنید. گاهی ممکن است حرفی، دلی را جذب کند و دو تا دل دیگر را زده کند. اینها هرچه کمتر گفته شود بهتر است. ممکن است که یک نفر هم با این حرف، کمی اعتقادی پیدا کند. چنانچه دیدید که آن سخن،پایه هایش محکم نیست، چه به صورت معجزه و چه به صورت دیگر، از ترویج آن جلوگیری کنید. ما به این سخنان احتیاجی نداریم. سخن منطقی، محکم و قوی فراوان داریم. حتّی در مورد مسایل مربوط به دیدار و ملاقات باحضرت، حرفهای قوی خوب و نقلهای درست و متقن وجود دارد که هر کس وقتی بخواند، دلش گواهی میدهد که این صحیح است. از نقلهای ضعیف، هرچه اجتناب شود بهتر است. همچنان که از روایات ضعیف هم اجتناب

شود، بسیار خوب است. علاوه بر استدلالات عقلانی و کلامی، روایات قوی و صحاح و چیزهای بسیار محکم داریم.

سخنان مقام معظّم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت قم ۲۰ /۲/ ۱۳۸۲

خیلی خوش آمدید. عزیزان! اِن شاء الله که خداوند هم شما و هم این دوستانِ با همّتی را که دامن همّت به کمر زده اند و این کار را شروع کرده اند، مشمول لطف و رحمت خود قرار بدهد.

بحمدالله این کار، کار با برکتی است و معلوم میشود که در این سال های کوتاه، پیگیری خوبی صورت گرفته است. ماشاءالله، همه ی کارهای آقای قرائتی، با همّت و پشتکار همراه است. اِن شاء الله، خدا، به ایشان و نیز به همه ی دوستان دیگری که هر کدام به نحوی، گوشه ی این کار را گرفته اند، کمک کند.

برادران عزیز! مسئله ی مهدویت، مسئله ای مهم و اساسی است. اثبات مهدویت، کار بسیار آسانی است. اثبات اصل مهدویت در یک محفل علمی با مخاطبانی که اهل علم، اهل تفکر و استدلالند، جزءِ آسان ترین کارهاست. در این، هیچ تردیدی نیست. ایمان و اعتقاد مردم هم خوب است، منتها تعمیق این ایمانی که مردم به امام زمان ارواحنا فداه و علیه الصلاه و السلام، دارند، کار بسیار ظریفی است. باید در این قضیه، با شیوه های هنرمندانهِ تبلیغی وارد شد. به نظر من، بخش مهم کار شما این است. اگر این کار با موفّقیت انجام بگیرد و اگر شما بتوانید این عشق و محبّت و سوز و گدازی را که مردم ما به طور طبیعی نسبت به حضرت دارند، در سطح عموم مردم، به خصوص جوانان، با یک نگاه عالمانه و آگاهانه همراه کنید، برکات این کار، لاتُعدّ و لاتُحصی خواهد شد.

نَفسِ وجود این پشتوانهِ عظیم، هر انسانی را چنان مستحکم میکند که میتواند در همه ی میدانهای دشوار، وارد شود.

اساس قضایای دنیا هم همین است. در هر جایی که شما می بینید ملّتی، جمعیتی، جبهه ای پیروز شده، اساسش همان استحکام درونی است. ظواهر، جسم، سلاح،... همه، ابزار و وسیله اند، مهم این است که آن کسی که باید این ابزار را به کار ببرد، کیست. اگر او یک انسان با اراده، مصمّم، آگاه، با روحیه باشد، پیروز میشود. هر جا هم که ملّتها شکست خورده اند، به خاطر ضعف همین بخش از

قضیه است. لذا رسم قدرت مندان دنیا، از قدیم این بوده است. الان هم این عربده کشی های آمریکا را می بینید. طوری قضایا را تصویر میکنند که این ملّت های منطقهِ خاورمیانه تصوّر کنند که دیگر هیچ چاره ای نیست:

در کف شیر نر خون خواره ای غیر تسلیم و رضا، کو چاره ای؟

یعنی، دل او میخواهد این طور تصّور شود که بالاخره یک شیر نری هست، غافل از اینکه قضیه این طور نیست. اگر دندان، پنجه، یال و کوپال آنان حقیقی و واقعی بود، لازم نبود این همه خرج کنند، این همه سیاست کاری به خرج دهند، دغل بازی کنند و فریب دهند. پیدا است که نمیتوانند آن اهدافی را که خودشان میخواهند، دنبال کنند. یا باید به خیانت طرف متّکی شوندمثل اینکه بالاخره معلوم شد که سران رژیم عراق خیانت کردند یا باید به عدم همراهی و همکاری مردم و صاحبان ایمان متّکی شوند که در عراق هم همین اتّفاق افتاد و در افغانستان هم همین طور بود. اینکه آمریکاییان آمدند و توانستند، نه چندان دشوار، یک فتح نظامی بکنند، به خاطر این بود که از این ایمانها و دلهای محکم و از این روحیه های پولادین، در مقابلشان نبود، و الاّ آنجا که در مقابلشان، [این روحیه ی قوی] باشد، این خبرها نیست. این اعتقاد، درون انسان را این طور میسازد و افراد را این طور مسلّح و مجهّز میکند.

در هدف گیری و نشانه گرفتن برای دورخیزهای تاریخی، باز مسئله ی مهدویت نقش دارد. میان آن ملّتی که برای خودش آینده ای نمیبیند و فکر میکند که بالاخره موج فساد، دنیا را روزبه روز بیشتر میگیرد. ما هم چند صباحی محض تکلیف، مقاومتی هم میکنیم، امّا آخرش چه؟ و آن ملّتی که میداند این مقاومت، ایجاد یک گام بلند به سمت آن آینده ای است که خدای متعال وعده داده که برای بشریت پیش می آید، آن هم نه یک وعده ی مبهم بلکه یک وعده ی روشن، فرق هست. رهبر آن ماجرا هم مشخّص است که چه کسی است. او، حی و حاضر و زنده است، و دل او، متّصل به ملأ اعلا و غیب است. ملّتی که به چنین چیزی اعتقاد دارد، ببینید که برای چه اهدافی دورخیز میکند و چه طور همّتش بالا می رود! این عقیده، عقیده ی بسیار مهمّی است، کما اینکه انسان خیال میکند خدای متعال هم این واقعیت را با همین تدبیر ایجاد کرده که انسانها بتوانند با همّت و اراده ی خود و با این پشت گرمی محکم، راه ها را طی کنند تا اینکه ان شاء الله آن بزرگوار بیایند و دنیا شروع شود.

من، بارها این را گفته ام. بعضی خیال میکنند، حضرت که آمدند، آخر دنیا است! نه، تازه شروع دنیا و

شروع تاریخ بشـریت، آن وقت است! این مدّتی که از عمر بشـریت گذشته، چند هزار سالی است که بشر در این سنگلاخ ها و در این بیابانهـا و کویرهـای وحشت نـاک، همین طـور سـینه خیز و بـا زحمت رفته تـا خودش را به جـاده اتوبـانِ وسـیعِ عریضِ آسـفالته برساند و از آنجا زندگی تاریخی خود را تازه شـروع کند. آن جادّه را حضـرت افتتاح میکنند. حرکت تاریخی انسان، آن وقت است. آن وقت است که اسـتعدادهای انسان ظهور خواهد کرد. هنوز این دانشـی که بشر تا امروز پیدا کرده، در مقابل اسـتعدادهایی که خدا در وجود بشـر گذاشـته، صـفر است. من، شاید یک وقتی گفته باشم و شما شنیده باشید. دانشمندانی که در این رشـته های علمی متخصّصند و با همین واقعیت های واقعی و علمی سر و کار دارند، این نظریه را داده اند و این واقعیت را کشف کرده اند که در وجود انسان، [توان هایی است که هنوز اسـتفاده نشده است.] اگر بشر بتواند پنجاه درصد از استعداد تمرکز را مورد استفاده قرار دهد، تمام این وسایل ارتباطی که در دنیا هست، بیکاره و بیهوده میشود! شما، الان، مثلاً با ماهواره یا با تلفن، از این طرف دنیا با آن طرف دنیا تماس میگیریـد و با یکی حرف میزنید، امّا اگر آن پنجاه درصد از نیروی تمرکزی که در شما است، به کار بیافتد، میتوانید با آن طرف دنیا، بدون این ارتباطات، تماس بگیرید و با هر کسی که میخواهید در آن سوی کره زمین حرف بزنیـد، فکرتـان را بگوییـد، فکر او را تحویـل بگیریـد! این، نیروی انسـان است! ما، این نیروها را کشـف نکرده ایم! از این قبیل نیروها در وجود بشر زیاد است: «و فیک انطوی العالم الاکبر». این عالَم اکبر، آن روز باید بروز پیدا کند و روز ظهورش آن وقت است، و الاّ ـ اگر حضـرت آمدنـد و دنیا پُر از عـدل و داد شـد، ولی آن هنگام، آخر عمر بشـر باشـد و منتظر صور اسـرافیل باشـیم، اینکه کار نشـد! بشـر، چند هزار سال با این زحمت زندگی کند، بعد حضـرت بیایند و دنیا را پُر از عدل و داد کنند و بعد هم دنیا تمام شود! وقت ظهور حضرت، دنیا، تازه شروع میشود! با آمدن حضرت، اوّل زندگی بشر، اوّل تاریخ انسان و اوّل رشد و تعالی جوامع بشری به صورت کلان، نه به صورت تک تک که حالا داریم، تازه شروع خواهد شد.

خوب، ببینید، این آینده و چشم انداز زندگی جامعه ی اسلامی و به طور مشخّص، جامعه ی شیعی است که مشخّصاً میداند که آن بزرگوار کیست، پـدرش کیست، مـادرش کیست و نشـانه هـای ارتبـاط او را بـا خودش در موارد زیادی حس میکنـد یا از دیگران میشنود.

این مقوله، مقوله ی مهمّی است. دربـاره ی این مقوله، هر چه کـار کنیـد، به جـا کرده ایـد و خوب است، منتهـا همـان طور که گفتیم، هنر بزرگ این است که بتوانید این مقوله را با زبان هنرمندانه ی اثرگذار، به ذهن

مخاطبـان جوان و دانـا و آگـاه منتقـل کنیـد تـا این جزء وجودشـان شود. آن وقت، تحوّل عظیمی در زنـدگی انسانهـا به وجود خواهد آمد.

خداونـد، توفیـق تـان بدهـد و اِن شـاء الله، برکـات و توجّهـات و نظر لطـف و مرحمت آن بزرگـوار، شامـل حـال همه شـما، به خصوص دوستان و برادرانی باشد که مسئولیّتی قبول کرده اند و فعّالیت های ارزش مندی را انجام می دهند.

سخنـان مقـام معظّم رهبری در دیـدار بـا اعضـای بنیـاد فرهنگی حضـرت مهـدی موعود عجـل الله تعالی فرجه الشـریف و مرکز تخصّصی مهدویت قم، ۱۸/۴/۱۳۹۰

اوّلاً ـ تشـکر می کنم از همه ی برادران و خواهران که در بخشـهای مختلف و همه هم لازم، مشـغول کـار و تلاش هستیـد؛ چه بخش مربوط به نماز، چه زکات، چه تفسـیر، چه مهـدویت و چه بقیه ی آنچه که جناب آقای قرائتی بیان کردنـد. همه ی اینها کارهـای مهمی است، کارهای لازمی است و حقاً و انصافاً کار در این بخشـها یک انفاق حقیقی و صـدقه ی مقبوله ی عنـدالله تعالی است ان شاءالله. از همه متشـکّریم؛ ولی بالخصوص از جناب آقای قرائتی لازم است تشکر کنیم. تشکر که نه؛ چون کار، کار خداست، برای خداست، ان شاءالله خداوند باید از ایشان و همکارانشان تشکر کند؛ لکن قدردانی باید بکنیم. من این چند جمله را در جمع شما برادران و خواهران بگویم:

آقای قرائتی یک نمونه ی بسـیار خوب و درس آموزی است خود ایشان. اوّلاً کارهایی را که ایشان مباشـر آنها شد، دنبال آنها رفت، همه اش خلأهـایی بود که وجود داشت؛ ایشـان خلأهـا را پر کرده؛ خیلی ارزش دارد. بعضـی کارها خوبنـد، امّا تکراری اند. اگر کسی توانست نیازها را، خلأها را پیدا کند، بشناسد و همت بگمارد بر اینکه این خلأها را پر کند، این ارزش مضاعفی دارد. ایشـان اینجور عمـل کرده است؛ هم در قضـیه ی نماز، نمازِ با این عظمت، با این اهمیت، رکن دین، مایه ی قبول همه ی اعمـال انسـان، این مورد بی اعتنـایی قرار بگیرد در جـامعه، توجّه لازم به آن نشود. این، خیلی خلأ بزرگی است، ایشان به این خلأ پرداخت، هم مسـئله ی زکات، که واقعاً در جامعه ی ما مطرح نبود و خود این مطرح نبودن یک نقطه ی ضـعف بود، یک نقیصه بود، ایشان همّت کرد، وارد شد؛ همه جا برو، همه جا بگو، به همه اصـرار کن، خسـته نشو، تا این به جریان بیافتد. قضیه ی تفسـیر همین جور است، قضـیه ی مهدویت و بقیه ی قضایای که حالا ایشان دنبال میکنند؛ این یک نکته است در کار آقای قرائتی عزیز و محترممان.

نکته ی دوّم که اهمیت آن از نکته ی اوّل بیشتر هم هست، صفا و خلوص ایشان است. خود این صفا هم

موجب شده است که ایشان بتوانند کارها را پیش ببرد. خدای متعال با نیتهای خالص همراه است؛ خلوص نیت تأثیر عجیبی دارد در پیشرفت کارهایی که با این نیت انجام میگیرد. این هم یک نکته است؛ خیلی مهم است.

من اینها را عرض کردم نه برای خاطر اینکه حالا بخواهیم از یکی تجلیل کنیم یا یکی را بزرگ کنیم. اینها که نه مورد احتیاج و انتظار آقای قرائتی است، نه ما دنبال این چیزها هستیم؛ میخواهیم این جور کار کردن برای ما، برای همه ی مان، به خصوص ما طلبه ها الگو بشود؛ یعنی این جور حرکت کنیم؛ نه اینکه حالا ـ همین کارها را بکنیم؛ بلکه به این معنا که بگردیم دنبال خلأها، دنبال آنچه که نیاز به آن هست، اینها را پیدا کنیم. هر کسی ذوقی دارد، استعدادی دارد، توانایی هایی دارد، ظرفیتی دارد، از این ظرفیت استفاده بشود برای اینکه کار انجام بگیرد. این یک.

دوّم، استمرار و پیگیری، که من حالا همین جا از خود آقای قرائتی و همکاران ایشان هم میخواهم که این کارهایی که شروع کردند، مطلقاً اینها را رها نکنند؛ این کارها پیگیری بشود، دنبالگیری بشود. این جور نباشد که یک کاری را شروع کنیم، به مجرّد اینکه برکاتی، ثمراتی از آن ظاهر شد، خرسند بشویم، خوشحال بشویم، خدا را هم شکر بکنیم؛ ولی احساس بی نیازی، احساس سیری به ما دست بدهد؛ نه، باید کار دنبال بشود. امیدواریم ان شاءالله خداوند به ایشان، به همه ی شما برادران، خواهران عزیز کمک کند، طول عمر بدهد، سلامتی بدهد که بتوانید این کارها را دنبال کنید؛ اینها مهم است.

امّا مسئله ی مهدویت که این روزها به مناسبت نزدیکی نیمه ی شعبان و عید بزرگ اسلامی بلکه بشری با طرح این مسئله تناسب دارد، همین قدر باید عرض کنیم که مسئله ی مهدویت در شمار چند مسئله ی اصلی در چرخه و حلقه ی معارف عالیه ی دینی است؛ مثل مسئله ی نبوّت مثلاً. اهمیت مسئله ی مهدویت را در این حد باید دانست. چرا؟ چون آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه ی انبیا همه ی بعثتها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداخته ی بر اساس عدالت و با استفاده ی از همه ی ظرفیتهایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یک چنین دورانی است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی سلام الله علیه و عجّل الله تعالی فرجه. دوران جامعه ی توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسانهاست و دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع این کلمه

است. خب، انبیا برای این آمدند.

ما مکرّر عرض کردیم که همه ی حرکتی که بشریت در سایه ی تعالیم انبیاء در طول این قرون متمادیه انجام دادند، حرکت به سمت جادّه ی آسفالته ی عریضی است که در دوران حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشّریف به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جادّه حرکت خواهد کرد. مثل اینکه یک جماعتی از انسانها در کوه و کمر، راه های دشوار، باتلاق زارها و خارستانها با راهنمایی های کسانی همین طور حرکت دارند میکنند تا خودشان را به آن جادّه ی اصلی برسانند. وقتی به جادّه ی اصلی رسیدند، راه باز است؛ صراط مستقیم روشن است؛ حرکت در آن آسان است؛ راحت در آن راه حرکت میکنند. وقتی به جادّه ی اصلی رسیدند، این جور نیست که حرکت متوقّف بشود؛ نه، تازه حرکت به سمت اهداف والای الهی شروع میشود؛ چون ظرفیت بشر یک ظرفیت تمام نشدنی است. در طول این قرون متمادی، بشر از کج راهه ها، بیراهه ها، راه های دشوار، سخت، با برخورد با موانع گوناگون، با بدن رنجور و پای مجروح شده و زخم آلود، در بین این راه ها حرکت کرده است تا خودش را به این جادّه ی اصلی برساند. این جادّه ی اصلی همان جادّه ی زمان ظهور است؛ همان دنیای زمان ظهور است که اصلاً حرکت بشریت به یک معنا از آنجا شروع میشود.

اگر مهدویت نباشد، معنایش این است که همه ی تلاش انبیاء، همه ی این دعوتها، این بعثتها، این زحمات طاقت فرسا، اینها همه اش بی فایده باشد، بی اثر بماند. بنابراین، مسئله ی مهدویت یک مسئله ی اصلی است؛ جزءِ اصلی ترین معارف الهی است. لذاست که در همه ی ادیان الهی هم تقریباً، حالا تا آنجایی که ما اطلاع داریم، یک چیزی که لبّ و معنای حقیقی آن همان مهدویت است وجود دارد، منتها به شکلهای تحریف شده، به شکلهای مبهم، بدون اینکه درست روشن باشد که چه میخواهند بگویند.

مسئله ی مهدویت در اسلام هم جزءِ مسلّمات است؛ یعنی مخصوص شیعه نیست. همه ی مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه ی حکومت حق و عدل به وسیله ی مهدی علیه الصّلاه و السّلام و عجّل الله فرجه است، قبول دارند. روایات معتبر از طرق مختلف، در مذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و از بزرگان نقل شده است. بنابراین، هیچ تردیدی در آن نیست. منتها امتیاز شیعه در این است که مسئله ی مهدویت در آن یک مسئله ی مبهم نیست؛ یک مسئله ی پیچیده ای که برای بشر قابل فهم نباشد، نیست؛ یک مسئله ی روشن است، مصداق واضحی دارد که این مصداق را میشناسیم، خصوصیاتی از او را

میدانیم، پدران او را میشناسیم، خانواده ی او را میشناسیم، ولادت او را میشناسیم، جزئیات آن را خبر داریم. در این معرفی هم باز روایات شیعه، تنهایی در صحنه نیستند؛ حتّی روایاتی از غیر طریق شیعه هم وجود دارد که همین معرّفی را برای ما روشن میکند و باید کسانی که مال مذاهب دیگر هستند، توجّه کنند و دقّت کنند تا این حقیقت روشن را دریابند. بنابراین اهمیت مسئله یک چنین سطحی دارد و ما بیشتر از دیگران اولی هستیم به اینکه به این مسئله بپردازیم؛ کارهای علمی و دقیق و متقن روی این مسئله انجام بگیرد. مسئله ی انتظار هم که جزء لاینفک مسئله ی مهدویت است، از آن کلیدواژه های اصلی فهم دین و حرکت اساسی، عمومی و اجتماعی امّت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است؛ انتظار؛ انتظار یعنی ترقّب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ به خصوص انتظارِ یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله ی مهمّی است. این جور نیست که بگویند کسی متولّد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می بینند، همچنانی که او مردم را می بیند، منتها نمی شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را میدیدند، بین آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه میرفت، ولی نمی شناختند. یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده ای؛ این کمک میکند به معنای انتظار. این انتظار را بشریت نیاز دارد، امت اسلامی به طریق اولی نیاز دارد. این انتظار، تکلیف بر دوش انسان میگذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّلِحُون إِنَّ فِي هَاذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَبِدِين»- مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، میفهمند، باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصّد باشند. انتظار لازمه اش آماده سازی خود هست. بدانیم که یک حادثه ی بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید. هیچ وقت نمیشود گفت که حالا سالها یا مدتها مانده است که این اتّفاق بیافتد، هیچ وقت هم نمیشود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتّفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصّد بود، همیشه باید منتظر بود. انتظار ایجاب میکند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خُلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خُلق و آن شکل و آن هیئت متوقّع است. این لازمه ی انتظار است. وقتی بناست در آن دوران منتظَر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا

باشـد - یک چنین دورانی قرار است باشـد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده ی عدل کنیم، آماده ی پذیرش حق کنیم. انتظار یک چنین حالتی را به وجود می آورد.

یکی از خصوصیاتی که در حقیقتِ انتظار گنجانـده شـده است، این است که انسان به وضع موجود، به انـدازه ی پیشـرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواهد روزبه روز این پیشرفت را، این تحقّق حقایق، خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند. اینها لوازم انتظار است.

خب، بحمدالله امروز کسانی دارند در مسئله ی انتظار کارِ عالمانه میکنند؛ آن طوری که در گزارشهای جناب آقای قرائتی بود و قبلاً- هم این گزارش را خوانـده بودم، حالا هم که ایشان اشاره کردنـد و گفتنـد. از کارِ عالمانه و همراه با دقّت در مسـئله ی انتظار و مسـئله ی دوران ظهور نبایـد غفلت کرد. و از کارِ عامیانه و جاهلانه به شـدت باید پرهیز کرد. از جمله ی چیزهایی که میتواند یک خطر بزرگ باشد، کارهای عامیانه و جاهلانه و دور از معرفت و غیر متّکی به سند و مدرک در مسئله ی مربوط به امـام زمـان عجّل الله تعـالی فرجـه الشّـریف است که همین زمینه را برای مـدّعیان دروغین فراهم میکنـد. کارهـای غیرعالمـانه، غیرمسـتند، غیر متّکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهّمات؛ این جور کاری مردم را از حالت انتظار حقیقی دور میکند، زمینه را برای مدّعیان دروغگو و دجال فراهم میکند؛ از این بایستی به شدت پرهیز کرد.

در طول تاریـخ مدّعیانی بودند؛ بعضـی از مدعیان هم همین چیزی که حالا اشاره کردند، یک علامتی را بر خودشان یا بر یک کسـی تطبیق کردنـد؛ همه ی اینهـا غلـط است. بعضـی از این چیزهـایی که راجع به علائم ظهور هست، قطعی نیست؛ چیزهایی است که در روایـات معتبرِ قابل اسـتناد هم نیامـده است؛ روایات ضـعیف است، نمیشود به آنها اسـتناد کرد. آن مواردی هم که قابـل اسـتناد هست، این جور نیست که بشود راحت تطبیق کرد. همیشه عـده ای این شـعرهای شاه نعمت الله ولی را - در طول سالهـای متمادی و در موارد زیادی - بر آدمهای مختلفی در قرون مختلف تطبیق کردنـد، که بنـده دیـدم. گفتنـد: بله، اینی که گفته من فلان کس را، فلان جور میبینم، این فلان کس است؛ یک شخصـی را گفته اند. باز در یک زمان، صد سال بعد مثلاً، یک کس دیگری را پیـدا کردنـد و به او تطبیق کردنـد! اینها غلط است، اینها کارهای منحرف کننده است، کارهای غلط انداز است. وقتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت،

مهجور خواهد شد، مشتبه خواهد شد، وسیله ی گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کارِ عوامانه، از تسلیم شدن در مقابل شایعات عامیانه بایستی به شدت پرهیز کرد. کارِ عالمانه، قوی، متّکی به مدرک و سند، که البتّه کار اهل فنِ این کار است، این هم کار هر کسی نیست، باید اهل فن باشد، اهل حدیث باشد، اهل رجال باشد، سند را بشناسد، اهل تفکر فلسفی باشد؛ بداند، حقایقی را بشناسد، آن وقت میتواند در این زمینه وارد میدان شود و کار تحقیقاتی انجام دهد. این بخش از کار را هرچه ممکن است، بیشتر باید جدّی گرفت تا راه ان شاءالله برای مردم باز شود؛ هرچه دلها با مقوله ی مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس تر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه ی بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود.

این توسّلاتی که در زیارات مختلف وجود دارد که بعضی از اینها اسانید خوبی هم دارد، اینها بسیار باارزش است. و توسّل، توجّه، انسِ با آن بزرگوار از دور. این انس به معنای این نیست که حالاـ کسی ادّعا کند که من خدمت حضرت میرسم یا صدای ایشان را میشنوم؛ ابداً اینجور نیست. غالب آنچه که در این زمینه گفته میشود، ادعاهایی است که یا دروغ است، یا طرف دروغ هم نمیگوید، تصور میکند، تخیل میکند. ما کسانی را دیدیم. آدمهای دروغگویی نبودند، امّا خیال میکردند، تخیل میکردند؛ تخیلات خودشان را به عنوان واقعیت برای این و آن نقل میکردند! نبایستی تسلیم اینها شد. راه درست، راه منطقی. آن توسّل، توسّل از دور است؛ توسّلی است که امام آن را از ما میشنود، ان شاءالله میپذیرد؛ ولو اینکه ما با مخاطب خودمان از دور داریم حرف میزنیم؛ اشکالی ندارد. خدای متعال سلامِ سلام دهندگان و پیامِ پیام دهندگان را به آن بزرگوار میرساند. این توسلات و این انس معنوی بسیار خوب و لازم است.

امیدواریم ان شاءالله خداوند متعال ظهور آن حضرت را هرچه نزدیکتر کند، ما را جزو یاران آن بزرگوار، هم در غیبتش، هم در حضورش قرار بدهد و ان شاءالله ما را جزو مجاهدانِ در کنار آن بزرگوار و شهیدشدگان در رکاب آن بزرگوار قرار بدهد.

ص:۳۸۹

فهرست منابع

کتابها:

۱.آفتاب در مصاف، علل و ابعاد حادثه ی عاشورا (برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای)، مؤسسه ی فرهنگی حدیث لوح و قلم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲ش.

۲.انسان ۲۵۰ ساله، بیانات مقام معظّم رهبری درباره ی زندگی سیاسیمبارزاتی ائمّه ی معصومین علیهم السلام، مرکز صهبا، تهران: مؤسسه ی فرهنگی ایمان جهادی(مرکز صهبا)، ۱۳۹۱ش.

۳.پرسش و پاسخ ۳(حضرت حجّت الاسلام والمسلمین سید علی خامنه ای در جمع دانشجویان مسجد دانشگاه تهران ۱۴/۱۲/۶۴)، تهران: دفتر نمایندگی آیت الله منتظری در دانشگاه تهران: بیتا.

۴.پیام و خطابه (پیامها و سخنرانیهای آیت الله خامنه ای در سال ۱۳۶۱۱۳۶۳)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۳ ش.

۵.چهار ساله ی دوّم(گزارشی از دوّمین دوره ی ریاست جمهوری حضرت آیت الله خامنه ای، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۸ش.

۶.در مکتب جمعه (مجموعه خطبه های نماز جمعه تهران) ج۱-۷: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ش. متن الکترونیکی(مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم).

۷.طرح کلّی اندیشه اسلامی در قرآن، سلسله جلسات استاد سید علی خامنه ای، تهران: مؤسسه ی فرهنگی ایمان جهادی(مرکز صهبا)، ۱۳۹۲ش.

۸.فصلنامه ی علمی ترویجی، انتظارموعود، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیتا.

۹.قبسات النور(گزیده ای از سخنان حضرت آیت الله خامنه ای پیرامون اهل بیت و پیروان)، تهران، تهیه و تنظیم جمعی از دانشجویان دانشگاه امام صادق؛ متن الکترونیکی(مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم).

۱۰.مصاحبه ها (مجموعه مصاحبه های آیت الله خامنه ای در دوران ریاست جمهوری ۱۳۶۶

۱۳۶۸)، گروه انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ش.

۱۱.مصاحبه ها (مجموعه مصاحبه های حضرت آیت الله خامنه ای در دوران ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۵)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ش.

۱۲.مصاحبه ها (مجموعه مصاحبه های حجّت الاسلام والمسلمین سید علی خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۰۱۳۶۲)، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۶ش.

۱۳.مصاحبه ها (مجموعه مصاحبه های حضرت آیت الله سید علی خامنه ای در دوران ریاست جمهوری ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.

۱۴.ولایت فقیه سایه ی حقیقت عظمی در بیان حضرت امام خمینی و رهبر معظّم انقلاب، تهیه و تدوین دفتر فرهنگی فخر الائمّه علیهم السلام، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۸۸ش.

۱۵.ولایت و حکومت(بیانات مقام معظّم رهبری درباره ی ولایت و حکومت)، مرکز صهبا، تهران: مؤسسه ی جهادی مرکز صهبا؛۱۳۹۱ش.

۱۶.هنر از دیدگاه مقام معظّم رهبری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.

۱۷.هنر هشتم (هفتگفتار از حضرت نایب الامام آیت الله خامنه ای در جمع هنرمندان حوزه ی هنری)، تهران: حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ش.

نرم افزارها:

۱.حدیث ولایت؛ مجموعه رهنمودهای مقام معظّم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای(متن کامل بیانات، سخنرانی ها، خطبه ها، مصاحبه ها و دیدارهای معظّم له از شهریور ۱۳۶۶ تا آبان ۱۳۸۹ش)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

۲.صهبا؛ مجموعه بیانات مقام معظّم رهبری از ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۱(نسخه ی چهارم)، مؤسسه ی فرهنگی ایمان جهادی(مرکز صهبا).

سایتها:

۱.پایگاه اطّلاع رسانی دفتر مقام معظّم رهبری، دسترسی در www.leader.ir .

۲.پایگاه اطّلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای، دسترسی در KHAMENEI.IR .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹